عصر بی خبری

یا

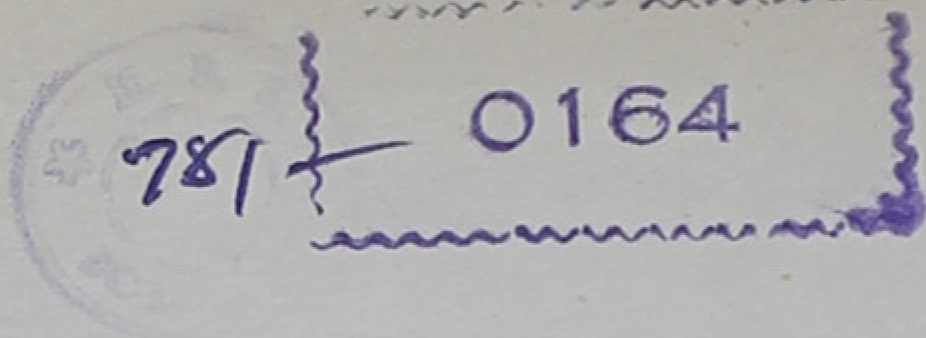
تاریخ امتیازات در ایران

تألیف

ابراهیم تیموری



شرکت نسبی اقبال و شرکاء


781
0164

عصر بی خبری

یا

تاریخ امتیازات در ایران

تألیف

ابراهیم تیموری

شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکاء

تهران - ۱۳۳۲

چاپ اقبال

مقدمه

در این دوسه سال اخیر که مبارزات ملت ایران برای کوتاه کردن دست بیگانگان ازدخالت در امور داخلی کشور وارد مرحله تازه‌ای گردیده مکرواز استثمار ملت‌ایران واسارت یکصدوپنجاه ساله گفتگو بمیان آمده ودر جراید ومجلات مقالات بسیار منتشر شده‌است وباتوجه باینکه دخالتهای گوناگون استعمار گران خاصه انگلیسها وروسهای تزاری در قرن نوزدهم نسبت بامور کشورما رنگهای فریب آمیز مختلف داشته ومخصوصا ازراه گرفتن امتیازات متعدد وبستن زنجیرهای اسارت بردست وپای ایرانی بعنوان بهره برداری از منابع مختلف ایران وسوء استفاده از نادانی وبی‌خبری هیأت حاکمه سود پرست این کشور هریك داستانی تاثر آور ودلخراش دارد که در عین حال بسی قابل توجه وجالب میباشد متاسفانه هنوز راجع باین موارد اطلاعات دقیق وکامل که‌مستند بمدارك واسناد باشد منتشر نشده وعامه مردم ازبیشتر این‌وقایع جانگداز بیخبر مانده‌اند.

چندسال پیش که نگارنده برای تهیه کتاب «تحریم تنباکو - یا - اولین مقاومت منفی در ایران» که شرح یك صحنه از مبارزه دلیرانه ملت ایران بمنظور کوتاه‌ساختن دست اجانب از امور کشور است درگوشه و کنارمشغول جمع آوری اسناد ومدارك مربوط بآن بودم بمطالب بسیاری راجع بچگونگی اعطای امتیازات برخوردم ویادداشتهای زیادی تهیه کردم وپس‌از فراغ از بچاپ رساندن کتاب مزبور در صدد تنظیم و تکمیل آن یاد یاداشتها برآمدم واینك بازحمت بسیار قسمتی از آنهارا بصورتی که‌دراین کتاب ملاحظه میشود درآورده تقدیم خوانندگان میکنم تااز این‌راه باندازه توانائی و استطاعت خود خدمتی بروشن شدن افکار هم‌میهنان کرده باشم.

این کتاب که بنام «عصر بی‌خبری - یا - تاریخ امتیازات درایران» نامیده شده در دوجلد تهیه گردیده ودرآن تمام امتیازات سیاسی‌واقتصادی عمده‌ای که بیگانگان تا هنگام مشروطیت درایران تحصیل کرده‌اند شرح داده شده است و جلد اول آن به سه بخش تقسیم میشود.

بخش اول شرح حال و تاریخ زندگانی اشخاص‌اصلی‌ومهمی که دراعطاء امتیازات دخیل بوده‌اند.

بخش دوم روابط ایران وانگلستان وامتیازاتی که انگلیسها تاآغاز مشروطیت در ایران تحصیل کرده‌اند.

بخش سوم روابط ایران وروسیه تزاری وامتیازاتی که روسها تاظهور مشروطیت دراین کشور بدست‌آورده‌اند.

بطوریکه در جای‌خود اشاره شده امتیازاتی که برای ایجادراه آهن‌در ایران به بیگانگان اعطاء گردیده وهمچنین سایر امتیازاتی که فرانسویها - بلژیکیها - آلمانها - امریکائیها وهلندیها ودیگران درایران تحصیل کرده‌اند وآنها نیز هریك داستانی تاثر آور دارد وقسمت مهمی از تاریخ سیاسی مملکت ما میباشد جداگانه در جلد دوم شرح داده خواهد شد.

این کتاب صحنه‌ایست از مبارزات دولتهای استعماری درقرن‌نوزدهم که برای‌بسط نفوذ وتسلط برکشور ایران وبلعیدن منابع ثروت‌وطن مابایکدیگر دست وپنجه نرم

کرده‌اند ودر غالب موارد بواسطه جهالت وبیخبری وطمع هیأت حاکمه این مملکت زیان‌های جبران ناپذیری باستقلال سیاسی واقتصادی ماوارد ساخته‌اند .

سابقاً برای برقراری تسلط بر کشوری استعمارگران بجنك وستیز میپرداختند وبا لشگر کشی وزور سرنیزه ملل ضعیف را اسیرو گرفتار میکردند ولی در نیمه دوم قرن نوزدهم کشورهای استعماری روش تازه‌ای اتخاذ نمودند وبرای استثمار و استعمار ملل عقب مانده طریقه تازه‌ای پیش گرفتند .

این طریقه جدید عبارت بوداز روی کارآوردن عده‌ای از دست نشاندگان خود و گرفتن یك سلسله امتیازات اقتصادی بـا دادن رشوه برای پیشرفت منظورهای سیاسی.

ملت ایران باید باین قسمت از تاریخ سیاسی مملکت خود توجه کامـل داشته و از روش هیأت حاکمه بی‌خبرآن بخوبی آگاه شود تادرآینده دیگر فریب این نیرنگهای سیاسی وخدعه‌های اقتصادی را نخورد وبفرمانروائی حکومتهائی ازنوع هیأتهای حاکمه سودپرست نادان بی‌بندوبار یك‌قرن اخیرتن درندهد .

قسمت عمده اسناد ومدارك این کتاب را ازکتابخانه وبایگانی راکد وزارت‌امور خارجه و کتابخانه سلطنتی و کتابخانه‌های‌مختلف اشخاص بدست آورده‌ام و گذشته از آنکه غالباً درمتن کتاب ازمآخذ ومنابع ذکری رفته درآخر نیز فهرستی از کتبی که مورد استفاده واقع شده تهیه گردیده است .

برای تهیه رونوشت اسناد ومدارك‌مورد احتیاج حتی‌المقدور سعی کرده‌ام که بادقت وبدون اختلاف بااصل باشد وبعضی ازاسنادراکه دسترسی باصل‌آنها ممکن بوده‌عکس برداری وعیناً گراور نموده‌ام .

باکمی وقت ومشغله زیاد کوشش بسیار برای صحت مطالب این کتاب بعمل آمده معهذا بواسطه تشتت مدارك وعدم دسترسی بهمه آنها وناهموار بودن زمینه تحقیق‌دراین موضوعات وهمچنین عجله وشتابی که برای انتشار آن‌داشته‌ام ممکن‌است در بعضی موارد دچار سهووخطائی شده باشم وامیدوارم خوانندگان بعین‌الرضا درآن بنگرند و اگر به اشتباهی برخورند بلطف‌وکرم خویش نگارنده‌را ببخشایند .

در این‌جا لازم میدانم از آقای حسین‌پاشانوائی رئیس‌محترم اداره محرمانه‌وزارت امور خارجه وآقای عبدالصمد علی‌آبادی رئیس محترم‌اداره کتابخانه‌وزارت امورخارجه وسایر دوستان عزیزی که برای تهیه اسناد ومدارك ومطالب این کتاب باینجانب کمك و راهنمائی فرموده‌اند وهمچنین از مدیران شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبـال وشرکاء بخصوص آقای جواد اقبال که با نشر این قبیل کتب بروشن شدن افکار هم میهنان کمك مؤثری مینمایند صمیمانه تشکر کنم .

جمعه بیست‌وپنجم اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۲

ابراهیم تیموری

فهرست

بخش اول صفحه ۱

بخش دوم صفحه ۸۰

بخش اول

۱

حکومت پنجاه ساله

ناصرالدین شاه

اختلاف گفتار و کردار

ناصرالدین شاه چهارمین پادشاه سلسله قاجاریه قریب نیم قرن یعنی مدت چهل و نه سال ویک‌ماه وسه‌روز از تاریخ ۱۴شوال ۱۲۶٤ هجری قمری تا ۱۷ ذی‌القعده ۱۳۱۳ با کمال استبداد در کشور ایران سلطنت کرد.

دوران سلطنت این شخص از لحاظ تحقیق علل بدبختی وعقب ماندگی ملت ایران در تاریخ معاصر جای خاصی دارد.

اصولا حکومت یکصد وپنجاه ساله سلسله‌قاجاریه درایران برای مردم این مملکت متضمن مفاسد زیادی بوده‌است.

بجز آغا محمد خان موسس این سلسله که مردی باعزم و تدبیر بود وتوانست در مدت کمی وحدت ایران راتامین کند وتمام خاک کشور رادرتحت حکومت‌واحدی درآورد در دوران بقیه «شاهان قجر» یعنی فتحعلیشاه ـ محمدشاه ـ ناصرالدین‌شاه ـ مظفرالدین‌شاه ـ محمد علیشاه و احمد شاه نه تنها هیچ اقدام اساسی برای بهبود وضع مردم و مملکت بعمل نیامدبلکه هریک بنوبه خود بواسطه بی‌اطلاعی وسوء سیاست مرتکب لغزش های جبران ناپذیری برای ملت ایران شده‌اند.

دراین مدت ملت ایران سراشیبی تند انحطاط وفساد را پیمود ومخصوصاً دردوره سلطنت پنجاه ساله ناصرالدین شاه‌بواسطه شدت رقابتهای خانمانسوز دولتهای انگلیس وروسیه تزاری بمنظور بسط نفوذ خود درایران و جهالت و رشوه خواری وفساد اخلاق رجال دربار ناصری وتشکیلات فاسد اداری کار مملکت را بجائی رسانید که اگرحوادثی بنفع ایران درجهان پیش نمیآمد امروز نه‌نامی ازایران‌بودنه‌ازایرانی.

ازناصرالدین‌شاه نوشته‌های زیادی بجای مانده که ممکن است تاحدی ازروی آنها بتوان بروحیات وافکار او پی‌برد واگرباعمال ورفتار اونیز نظر افکنیم مشاهده میکنیم که اوراق زندگی این‌مرد مجموعه ایست‌ازاضداد.

ناصرالدین شاه میگفت درمملکت ایران همه مردم باید ازعدالت برخوردارباشند ولی دوران سلطنت اومشحون‌است‌ازبی‌عدالتی‌های بسیار.

ناصرالدین شاه بوزرای خود دستور میداد برای عمران وآبادی کشور نقشه ها طرح کنند و خودش را موظف باجرای آنها میخواند ولی هیچگاه نتوانست قدم مؤثری دراین راه بردارد ودر سالهای آخر که گویا ازاین امر مأیوس گردیده بود منابع مختلف

حیاتی مملکت را بعنوان امتیاز باثمن بخس باجانب واگذار میکرد .
ناصرالدین‌شاه برجال‌دربار خودمیگفت درکلیه امور باهم مشورت کنند وآزادانه عقاید خویش را بگویند ولی خودش بزرگترین مظهر استبداد بود .
ناصرالدین شاه درایران بااروپائیان خلطه وآمیزش داشت وسه‌سفرهم باروپارفت تابقول خود تمدن فرنك را ازنزدیك ببیند و از اصولی که در دول اروپا پیروی میکنند برای ترقی مملکت استفاده‌نمایدولی دستور میداد ازرفتن‌جوانان ایران باروپاجلوگیری کنند و میگفت اگر پای ایرانی باروپا بناز شود برای کشور « خیلی خیلی اثر بد خواهد داشت . »
برای آشنا شدن بافکار و گفته های ناصرالدین شاه نامه ذیل را که بخط اوست دراینجا نقل میکنم .
این‌نامه راناصرالدین‌شاه بادست‌خود نوشته ومتأسفانه بدون تاریخ است وخطاب بمجمع وزراء وظاهرا در هنگامی که میرزا حسین خان سپهسالار صدر اعظم ایران است‌نوشته شده .

« مکرر درفقره اصلاحات امور دولت گفتگو ها شده است و کتابچه‌ها از ملکم وغیره خانده (کذا) شده است و وزراء ونوکرهای خودمان درپیش خود ومجالس همین حرفها را زده ومیزنند لیکن نتیجهٔ که باید معلوم شود وچیزی بعرض برسد یافکری که مایه صلاح دولت باشد ازوزراء ونوکرها بهیچوجه معلوم نشده‌است و همه اش بنقالی و نکته سنجی و ایرادات و حرف مفت گذشته است حالا ازدوکار یکی را باید کرد اگرامور اصلاحات چاره پذیر است بگوئید وبکنید وبکنیم چرا بی‌جهة معطل‌وحیران هستید اگر چاره بردار نیست او راهم‌صریحا بگوئید وفارغ ازتفکرات‌بشوید ودیگر حرف نزنید کارارابروش خود وتقدیر محول‌بکنید .
واین‌گفتگو ها وتفکرات درهمچه امور معضله بیك ساعت ودوساعت وپنج ساعت حرف زدن یا کتابچه خاندن یقینا کافی نخواهد بود چگونه میشود دریك‌مجلس باعجله تمام وبدون غور وتامل وحرف و بدون گفتگو ومشاجره صحیحه از روی کمال بصیرت امور معظمه را حل نمود وقرار اصلاحات ومقدرات البته‌یك دولت بزرگی را مثل ایران داد و برخواست (کذا) باوجود آن که درآن دوساعت یانصف روزهم که نوشته خانده شود یا خیال وتفکر مجبوری را باید متحمل شد یکی ابداً حرف نمی زند دیگری مشغول چرت است دیگری ابدا حواسش درمجلس نیست باید قرار مجلس را جناب صدر اعظم اینطور مقرر نمایند اولا هرکس‌در گفتگو آزاد باشد وملاحظه نکنند ثانیاً هریك درحرف زدن مطلبی نوبه داشته‌باشد که تااو حرفش را تمام‌نکرد است دیگری حرفی نزند ومغلطه نشود وهرکس رای خود را الی آخربگوید وجواب بشنود بعدازآن آرای‌مجلس را بسنجد درهررای که اکثریت غلبه دارد البته‌آن صحیح‌خواهدبود .
دولت یاصحیح است یامریض است اگر صحیح است چه جای سخن اگر مریض است هیئت دولت راباید مثل یکنفر مریض درمیانه گذاشت واطبای حاذق که عبارت از وکلا و وزرای دولت هستند دورآن جمع کرد واستعلاج نمود واول باید مرض را بقانون اطباء تشخیص باید داد بعد از معلوم شدن ناخوشی دوائی مطابق آن باید داد وخبط نباید کرد بسا امراض وامزجه هست که طبیب بدون تشخیص مرض معالجه میکند وبرخلاف آن معالجه مریض را فوراً هلاك میکند جائی که باید ضد بکند نکند جائی که باید نکند بکند البته فوراً مریض خواهد مرد پس بهتر اینست در آن حالت مریض را بحالت خود بگذارد بلز چندی بماند یا زنده شود بهتر از معالجه خبط است

[illegible] و دفعه اصلاحات امور دولت [illegible] نشده و ترک مجلس لازم [illegible] نشده است

و روزنامه‌ها [illegible] جوانان درس خوانده مطالبی همین وجه نوشته و می‌نوشتند لکن نتیجه حاصل [illegible]

و چیزی درست نبود یا [illegible] صلح دولت [illegible] از روزنامه‌ها هیچ معلوم [illegible] اینها [illegible]

[illegible] حرف مفت [illegible] حالا که [illegible] کار [illegible] اگر [illegible] اصلاحات

[illegible] بگوید [illegible] چرا [illegible] اگر چه [illegible]

[illegible] بگوید [illegible] حرف [illegible] خود [illegible] محول [illegible]

و اینکه روزنامه‌ها [illegible] در همه امور [illegible] زدن یا [illegible]

[illegible] کاف [illegible] چگونه [illegible] در [illegible] خورد [illegible] روزنامه [illegible]

صحیح [illegible] امور [illegible] اصلاحات [illegible]

[illegible] جوان [illegible] روز [illegible]

یا [illegible] مجبوری [illegible] حرف [illegible] دیگری مشغول [illegible] دیگران [illegible]

[illegible] در مجلس [illegible] صدر اعظم [illegible] مقرر [illegible] هرگز در روزنامه [illegible]

[illegible] هر یک در حرف زدن [illegible]

دیگری [illegible] هر کس [illegible]

در [illegible] یا [illegible] اگر [illegible]

[illegible] اگر [illegible] هیچ [illegible]

[illegible] و اول [illegible]

[illegible] معلم [illegible]

[illegible]

[illegible] در این حالت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ما نمیگوئیم قشون وخزانه و سایر اعمال دولت ما باید امروز مثل دولت فرانسه شود و آلمان آیا
نمی‌توان بقدر دولت منتقر و که تازه ازمملکت عثمانی سوا شده است ودولتی شده است وبقدر گیلان وطوالش ما
نیست هم بشود یا بقدر دولت سربستان که آنهم ایالتی از عثمانی بوده وحالا دولتی است بشود یا مثل مملکت رومانی که آنهم ایالتی از عثمانی
بوده و حالا یك دولت معظمی شده است بشود وبعضی کارهاست که در فرنگستان ودول بزرك میشود وشده است اما امکان ندارد حالا در
ایران بتوان کرد اما هر کاری را باندازه آنها نتوانیم بکنیم آیا یك ذره از آن را هم نمی توانیم کرد راه آهن نداشته باشیم آیا راه عراده
روو راهی که شتر وقاطر بآسانی برود آن راهم نباید کرد تمام قشون ما خوب نشود آیا ده هزار نفرهم برای نمونه

نمی‌توان مثل قشون رومانی ساخت آیانمی‌توان وضع نوکرها وصدارت و وزارت‌خانه‌ها را اقلا بیك تحت قاعده آورد که شبیه بدول متمدنه‌باشد آیا نمی‌توان جمع وخرج دولت را صحیحا مطابق کرد ومطمئن شدآیانمی‌توان مواجب ومرسوم طبقات قشون ومردم را بوقت وموقع داد آیا نمی‌توان نشر عدالت وامنیت مال وجان مردم‌را داد آیانمی‌توان خالصه‌جات راآباد کرد ومنفعت برد آیانمی‌توان معادن ایران را براه انداخت آیا نمیشود کارخانجات‌ساخت‌ورواج‌صنعت‌وتجارت‌داد آیانمی‌توان درسواحل‌بحرخضرچای وپنبه ینگی‌دنیاوکنه‌کنه ونخل خرما وانواع محصولات هند وینگی دنیا وافریقا را بعمل‌آورد وکرورات منفعت برد آیا نمی‌شود کارخانه قند سازی درمازندران مهیاکرد آیانمی‌توان کشتی های بخار ازهرنوع در دریای عمان براه انداخت وهزار نوع کارکرد - درفرنگستان‌ازراه‌زیر کوه مون سنی که‌کوه را سوراخ کرده وهشت فرسنك از دالان زیرکوه باکالسکه بخار عبور میشود من خود عبور کردم حالا مابخواهیم بتقلید آن فردا صبح عمله بگذاریم کوه البرز را سوراخ کنیم از منظریه و ازشهرستانك سر درآوریم تمام اهل دنیا بما میخندند ومضحکه میکنند لکن اگر بخواهیم تپه قلهك را از زیر سوراخ بکنیم وازآنطرفش بیرون برویم البته میتوانیم پس باید کارکرد اما باندازه خودمان این امثله که نوشتم بنظرم زیادآمد ولزومی هم نداشت .

اصل مقصود این است که باید وزرای ما بنشینند ده روز بیست روز دراین امور تدقیق کنند و بگویند که چه باید‌کرد یابگویند‌که هیچ نباید‌کرد آنچه راکه میگویند باید‌کرد بابك طرح صحیح وبه اتفاق‌آراء بعرض برسانند درصورتی که همه بـالاتفاق خیر ومصلحت امروز دولت مارابعرض برسانند چرا مااجری نمی‌داریم البته خواهیم کرد معین‌الملك هم حاضر است اطلاعات کامل البته دارد کتابچه‌که نوشته است این است که خانده شدآنچهٔ هم‌بنظرش برسد درمجلس‌بگوید وحالی کند وچاره جوئی نماید اولیای دولت درراه خیر ومصلحت دولت باید خیر ومصلحت شخص خود راکنار بگذارند باید خیال‌نکنند‌که اگراصلاحاتی بشود وکار دولت‌بقاعده برود شاید منافع شخصی و نفاذ امور ماکمتر بشود یاموقوف بماند نوکر عاقل صادق خیر وطن و نظم دولت را البته باید ترجیح به شخص خود بدهد اگر ملاحظه نفع خود را ترجیح به نظم دولت نماید میتوان گفت خائن است .»

معدودی این قبیل نوشته‌ها وبعضی کارهای ناصرالدین شاه را حجت گرفته واورا ازپادشاهان علاقمندبه پیشرفت وترقی مملکت میشمارند ومعتقدندکه اومیکوشید تاایران را درشاهراه تمدن پیش ببرد ولی بواسطه سیاست های استعماری شمال وجنوب ورجال خائن نتوانست بمنظور خود نائل گردد .

البته دوره سلطنت ناصرالدین شاه ازادواری است که ایران میدان زور آزمائی دورقیب نیرومندی مثل امپراطوری های روس وانگلیس بود واین دودولت به‌شدیدترین وبی رحمانه ترین وجهی بایکدیگر دست وپنجه‌نرم میکردند وازهیچ نوع اقدام تخریبی خود داری نداشتند وهر کدام برای توسعه نفوذ ورسیدن بمنظور خویش بهرعمل مخالف بشری متوسل میشدند وبا اعمال زور وتهدید اشخاص سرسپرده و وابسته بخود را بنام صدر اعظم ووزیر وحاکم وغیره بمردم این مملکت تحمیل میکردند .

اینها صحیح است ولی ناصرالدین شاه درتمام مدت سلطنت خود حاضر نبود ذره‌ای از اقتدار وخودمختاری حکومت مطلقه خویش بکاهد ومردم را درتعیین سرنوشت خود

آزاد گذارد و همیشه ازانجام هر کاری که منافی منافع شخصی او بود اجتناب داشت.
ناصر الدین شاه باختراعات و کشفیات مردم اروپا میل ورغبت بسیار نشان میداد و میخواست آنها را بایران بیاورد ولی کارهایش بیشتر باعمال اشخاص متلون و بوالهوس شباهت داشت و دراین مدت نیم قرن بیک کاری اساسی که آسایش مردم در آن باشد دست نزد.
ناصرالدین شاه نه تنها ازسفرهای اروپا تجربه‌ای که بدرد مملکت بخورد نیاموخت بلکه مشاهده آزادیهائی که در کشورهای مختلف اروپا مردم از آن برخوردار بودند اورا بیمناك ساخت وبعدها از رفتن ایرانی باروپا وباز شدن چشم و گوش آنها وحشت میکرد چنانکه ازدستوری که درذیل تلگراف رمزی که تقریباً پنج ماه قبل از کشته شدنش محمد علی خان علاء السلطنه از لندن مخابره کرده نوشته این نظر بخوبی درك میشود. این تلگراف عیناً گراور میگردد.
ناصرالدین شاه در ذیل آن باخط خود نوشته است.

«آقا حسن بی اجازه رفته است نمیدانم از شما اجازه گرفته رفته است یانه درهرصورت اورا بایدزود تر بایران مراجعت بدهند خیلی خیلی بد است برای ایرانی این جور ها بفرنگستان باز بشود اگر جلوگیری نشود بعد از این البته ده هزار ده هزار بفرنگستان برای دیدن کردن خواهندرفت و خیلی خیلی اثربد خواهد داشت.»

منظور از نقل این نوشته ها آگاهی بافکار وروحیات مردی است که پنجاه سال بااختیار مطلقه برجان ومال افراد ایرانی حکومت کرده است ومتاسفانه دراینجا مجال وفرصت زیادی نیست که دراین باب بتفصیل بحث کنیم وناچاریم این موضوع را باختصار برگذار نمائیم.
برای مزید اطلاع از طرز فکر وعقیده یکنفر معاصر مطلع نسبت به ناصرالدین شاه قسمتی ازنامه ای راکه منسوب به میرزا ملکم خان ناظم الدوله میباشد وظاهراً بعداز برکناری ازسفارت لندن نوشته دراینجا میاورم.

«ازدشمنان خودخواهش میکنم که لطف کرده مطالب ذیل را شرح دهند

لخت کردن بدون حق

آیاصحیح نیست که درمدت مدید سلطنت این شاه تمام قوانین مملکتی ومذهبی از میان برداشته شده است وامروز جان ومال و احترام همه ایرانیها نه تنها بسته‌به بوالهوسی شاه است بلکه صرف میل نوکرهای جوان اوست که آنهارا بوزارت رسانده‌است.
آیاصحیح نیست که دارائی این پنج وزرای بزرك میرزاآقاخان (۱) - میرزا صادق (۲) - سپهسالار(۳) مستوفی الممالك ومیرزا حسین خان (٤) ودارائی خیلی ازسایر وزراء وشهزادگان وصرافهاوتجارمثل آصف‌الدوله

---

۱ - میرزا آقاخان نوری اعتماد الدوله صدراعظم.
۲ - میرزا محمد صادق قائم مقام ملقب بامین الدوله که بعد از عزل میرزا آقاخان بوزارت داخله منصوب شد.
۳ - میرزا محمد خان سپهسالار
٤ - میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم

استخراج تلگراف رمز از لندن

بحضرت مستطاب اجل اشرف ارفع اکرم افخم صدر اعظم سبب سوء ظن

سلطان بسعید پاشای معروف به کوچک سعید پاشا صدر اعظم سابق معلوم است

به سفارت انگلیس پناه برده آقا حسن پسر مرحوم آقا رجب بلندن آمده می‌گوید

از برای معالجه آمده است محمد علی ۳۰ جمادی الثانیه ۱۳۱۳

وعیسی خان وعموی شاه وحاجی عبدالکریم و سایر مردمان بزرك باشاره، شاه ضبط وغارت شده است آیا صحیح است که همین شاه ازروی مرحمت میرزا تقیخان صدر اعظم خود را وشوهر خواهر خود را که از معارف تاریخ ایران است خفه کرده است .

ظلم بی اسم

آیا صحیح است که همین سلطان که بقول روزنامهٔ خیالات بلند اورا تمام مردم میدانند درحضور خود و بدون هیچ حکمی یك پیر مردی را کلانتر نام که در مدت شصت سال بدولت در اداره پلیس خدمت کرده بود خفه کرد .

آیا صحیح است که این شاه که از انسانیتش تعریف میکنند یك روز قبل از سفر فرنگستان در شدت خشم ودر مقابل چشم خود ۹ نفر سرباز رابی تقصیر سربرید .

آیا صحیح است که اعلیحضرت که بدون تردید درجاده ترقی قدم میزند بمیل خود گوش ودماغ و دست میبرد و برعایای خود بشدتی عذاب میدهد که سنگدل ترین وحشی ها وحشت میکنند و از وحشت از پس میافتند .

آیا صحیح است که پسرهای این سلطان بامرحمت فیمابین خود بیکدیگر مینویسند که میترسند شکم آنهارا پاره کند مثل اینکه برای اغلب مردم اتفاق افتاده است زیرا این شهزادگان بیچاره خیلی خیلی خوب میدانند که پدر این شاه چشم های برادر خودش را بیرون آورد .

جواب اشخاصی که بهتان میزنند

یك نویسنده بمن تهمت متعصبی میزند آیا از تعصب من است که حالا بیش از بیست سال است که از خیال ترقی پرست شاه گذشته است که قدغن نماید کسی برای تحصیل بفرنگستان نرودآیا برای احترام تعصب من است که این شاه نمونه بواسطه ستمهای وحشیانه آسیائی که اختراع کرده سلطنت چهل وپنجساله خود رابخون آغشته است سلیمان خان ه را که بزجر کشت این زنهائیرا که شکم پاره کرد این دختر های جوان که دچار سوء حرکت سربازها وگرفتار دست جلاد شدند این کشت و کشتارتازه اصفهانُ ویزد که فرنگیها شهادت میدهند آیا دلیل تاریخی برای این مطلب نیست که در عهد سلطنت کسی از ظلم و وحشی گری سلطنت چیزی نشنیده است .

سفرهای شاه

اما درخصوص عشق شاه بسفر های فرنك برای تحصیل تمدن - خود وزیر اعظم که ازنتاج خانواده نامی گرجستان است درمونیخ بمن میگفت که شاه برای روز بفرنگستان نیامده بلکه برای شب آمده است و تفصیل هائی میکرد که هیچ قلمی جرات نگارش آنرا نمیکند و همچنین از اتفاقات شبانه که درهولند بوقوع رسیده وخود وزیر اعظم برای شهرت سلطان احتیاط کار خود نقل میکرد نمیخواهم صحبت بکنم .....؟

سفرهای اروپا

گفتیم سفرهای ناصرالدین شاه باروپا جز زیان برای مردم ایران چیزی دربر نداشت و بقول ناظم الاسلام کرمانی نویسنده تاریخ بیداری ایرانیان « مسافرتهای اروپا باندازهٔ این پادشاه را مرعوب ساخت که هر خواهش نامشروعی را ادنا دول اروپا مینمود باسم صلح پسندی تسلیم میکرد »

اولین سفر فرنك درسال ۱۲۹۰ هجری قمری اتفاق افتاد ولی تصمیم آن سالها قبل گرفته شده بود . شاید میرزا حسین خان سپهسالار را بتوان از مؤثر ترین کسانی دانست که ناصر الدین شاه را باینکار تشویق میکرد مخصوصاً هنگامی که در استانبول سمت سفارت ایران را داشت بانوشتن گزارشهای مفصل و شرح ترقیات اروپا اورا تشنه این سفرها ساخته بود ورفتن اورا بفرنك ازواجبات امور میشمرد .

هنگامی که در سال ۱۲۸۷ هجری قمری میرزا حسین خان برای جلب موافقت دولت عثمانی بمنظور مسافرت ناصرالدین شاه به عتبات دراستانبول مشغول تلاش بود ضمن گزارشی به «شاه» پیشنهاد میکرد که بجای رفتن به عتبات باروپا رود یالااقل ازهمانجا راه فرنك را درپیش گیرد .

ناصرالدین شاه درجواب میرزا حسین خان (که آنوقت لقب مشیرالدوله راداشت) باخط خود چنین نوشته است .

« مشیرالدوله عرایض و کتابچه شما مفصلا بانور محمد چاپار رسید جواب مفصلی در فقره معهود بخط وزیر دول خارجه درکتابچه نوشته شده است ملاحظه خواهید کرد همان تقریری است که من کرده ام لفظ بلفظ وزیر خارجه نوشته است دیگر لازم نیست آن مضامین دراین دستخط نوشته شود مگر بایجاز بعضی ازجواب های شما .

اولا سفر فرنگستان درنظر من هست وهرگز فراموش نمی شود منتظر وقت و فرصت هستم انشاءالله تعالی بخواست خدا وبشرط حیات از سن ۴۳ نمی گذرد که داخل فرنگستان خواهم شد وحالا سه سال دیگر باین وعده مانده است .

ثانیا سفر زیارت عتبات وعراق عرب رانمیتوان داخل ومنضم بسفر فرنگستان کرد آنوقت هردو ناقص میشود ودلایل دیگر دارد درعدم اختلاط این دومقصود

ثالثاً درپنهان داشتن وسر این عزم تاکید شده بود کمال اهتمام دراینجا شده است شما هم اهتمام بکنید انشاء الله این دفعه حرف زده کار را بجائی منتهی کنید وزودتر مارا مسرور وخوشنود بکنید انشاءالله نمی دانید چقدر ها ازتو راضی وخورسند خواهم شد واین خدمت عمده سالهای دراز دردودمان شما بیادگار خواهد ماند البته کمال سعی وجد وجهد را بعمل بیاورید دراین فقره

درفقره سرحدات باچاپار مخصوص تفصیلاتی نوشته بودیم نمی‌دانم هیچ درآن فقره مذاکره کرده‌اید یانه .

فصلی ازترقی دولت ایران نوشته بودید که اهتمام شود همان است که نوشته اجری کن میخواهد ونوکری که پی کار برود درایران این قسم نوکر حقیقتاً کم است وباید کم کم تربیت شود والحمد الله تربیت شده ومی‌شوند ودر- این فقره آنچه بتوانم سعی میکنم در فقره اسباب چرخ بخار و . . . . . . جهانگیر خان را آورده با او حرف زدم مسئولیت این کاررا بگردن خود جهانگیر خان گذاشتم هرطوراو بنویسد شما آن قسم بکنید »

عین این نامه گراور شده است

بالاخره سپهسالار بصدارت ایران میرسد و ناصرالدین شاه در ماه صفر سال ۱۲۹۰ هجری قمری که تازه چهل و سومین سال زندگی را بپایان رسانده بود عازم اروپا میشود .

دربردن « شاه ایران » باروپا انگلیس ها نیز سهم عمده ای را داشتند و برای نزدیك کردن ایران وانگلستان علیه روسیه تزاری این سفر را وسیله ای قرار داده بودند

ودوبریتانیا کارخانه های صنعتی‌ونیروی بحری وبری خودرا برخ او کشیدند تاضمنارعبی دردلش اندازند .

لردکرزن ازقول سرچار لزمك گریگور مینویسد .

«من تصور نمیکنم پذیرائی‌های ما ازپادشاه ایران بیك نتیجه برسد وبااز آنها فایدهٔ مترتب شودزیرا که ایرانیها خوب میدانندکه ما از روسها «روحشت‌واضطراب میباشیم واینرا مثل یك مسئله سیاسی تصور میکنند پذیرائیهائیکه باآن شوق وذوق درلندن ازشاه ایران بعمل آمد تمام باعث شدکه در انظار ایرانیها بمقامات شاه افزوده شود اما دراوضاع واحوال سیاسی ما درایران هیچ تغییری حاصل نگردید بعقیده من‌حقیقت‌مطلب‌دراین‌است که ما درمقابل خطر روس خیلی بی‌تابی میکنیم ......»

یك سال‌قبل‌ازاین تاریخ‌ناصرالدین‌شاه امتیاز بارون‌جولیوس رویتررا بانگلیس‌ها داده‌بودکه هنوزآثار شوم این اشتباه‌دامن گیر ملت ایران‌است .

شوق وذوق رفتن باروپا وتفریح‌وتفرج‌درانگلستان وسایر کشورهای اروپاوگرفتن چند لیره حق‌الامتیاز جلو چشم وگوش زمامداران ایران‌را بطوری که خواهیم دید چنان گرفته بودکه یکجا تمام مملکت را بانگلیسها وامیگذارند .

سفر دوم بطور غیر رسمی در سال ۱۲۹۵ هجری قمری وآنهم باز بـراهنمائی سپهسالار وسوغات این سفر ایجاد قزاقخانه وآوردن قزاقان تزاری بایـران بودکه مدت نیم قرن استقلال وآسایش مردم کشور ما بدست این دژ خیمان تزاری ازبین رفت .

سفر سوم درسال ۱۳۰۶ هجری قمری وگرداننده صحنه آن میرزا علی اصغرخان امین السلطان بود .

دراین سفرگوئی ناصر الدین شاه از اصلاح امور وادامه سلطنت خود مأیوس و خسته شده بود ومیخواست هرچه زود تر ایران‌را باجانب بفروشد وخودرا ازاین زحمت ! راحت کند .

امتیازات بی‌شماری که از این تاریخ ببعد باجانب داده شده شاید هیچوقت در هیچ کشوری سابقه‌نداشته باشد .

لرد کرزن مینویسد «بعد ازمراجعت شاه ازسفر (سوم) فرنگستان نمایندگان سرمایه داران‌اروپائی برای گرفتن امتیازات مانند مور وملخ بطهران هجوم آوردند ومعروف بود عده زیادی درطهران حاضر بودند امتیاز بگیرند ازقبیل امتیازکارخانه قند – شیشه – تلفون – چراغ الکتریك وبرای احداث تاکستان وانحصار انواع واقسام محصولات فلاحتی وغیره شاه نیز حاضر است موافقت کند چونکه مبلغ کلی بحساب شخص شاه - داده میشود .»

پرفسور ادوار دبرون درکتاب انقلاب ایران راجع به سفر سوم ناصر الدین شاه باروپا مینویسد .

سفر سوم در سال ۱۸۸۹ وتااین تاریخ مسافرتهای شاه مخارج زیاد داشته درصورتیکه فایده‌ای از آنها مترتب نشده وبحال ملت ایران مفید واقع نگردیده مخصوصاً سفر اخیر شاه که یك سفر خوش یمن و خوبی نبود قبل ازاینکه شاه ازطهران حرکت کند امتیاز بانك شاهنشاهی‌را ببارون جولیوس رویتر داد »

درتاریخ بیداری ایرانیان ضمن‌شرح‌حال ناصرالدین شاه راجع بسفرهای اومینویسد «اضافه بریکصد کرور خزانه ایران صرف این مسافرت‌های بی‌معنی شد یکی از مورخین این پادشاه را

عالم بی‌عمل مینویسد . در پنجاه سال سلطنت آنچه تصدیق شده هشتاد وسه مقاولات تجارتی وسیاسی وسرحدی و امتیازی بادول واتباع خارجه بست درجمیع آنها ایران مغبون گردید سی‌وپنج ازآن مقاولات وامتیازنامها بقوت رشوت واخذ پیشکش چشم بسته بصحه رسید که من‌جمله امتیاز رژی و بانك شاهنشاهی انگلیس وروس و اجازه راه آهن وشوسه که مضارش برهردی جنسی پوشیده نیست »

سید جمال الدین اسد آبادی ضمن نامه شکوائیه‌ای ناصرالدین شاه را که در سفر سوم‌اروپا امتیازانحصار دخانیات‌را بانگلیسها داده بود اینطور بمرحوم میرزای شیرازی معرفی میکند .

«..... پیشوای بزرك . پادشاه ایران سست عنصر وبد سیرت گشته مشاعرش‌ضعیف‌شده بد رفتاری راپیش گرفته خودش ازاداره کشور وحفظ منافع عمومی عاجزاست لذا زمام کاررا بدست مرد پلید بد کردار پستی داده که درمجمع عمومی‌به پیغمبران‌بدمیگوید نه فرمان دین‌را می‌پذیرد نه بروساء دینی ارجی میگذارد بعلماء بدمیگوید بمردم پرهیز کار تهمت میزندبسادات بزرگوارتوهین مینماید باوعاظ مثل مردم پست رفتار میکند .

از اروپاکه برگشته پرده شرم‌را پاره کرده وخود سری را پیش گرفته بی‌پرده باده کساری مینمایدباکفار دوستی میورزد بامردم نیکوکار دشمنی میکند . این کارهای خصوصی اوست اما آنچه بزیان مسلمانان انجام داده این‌است که قسمت عمده کشور ودرآمد آنرا بدشمنان دین فروخته که بتفصیل عبارتست از :

۱ — معادن و راههائی که به معادن منتهی میشود و همچنین خطوطی که از معادن به نقاط مهمه کشور متصل‌است .

۲ — کاروانسراهائیکه ‌راطراف خطوط شوسه بنا میشود (درتمام کشور) بانضمام مزارع وباغستانهائی که‌در اطراف این راهها واقع‌است .

۳ ـ رود کارون ومسافرخانه‌هائیکه دردو طرف این‌رود (تامنتهی الیه‌آن) ساخته میشود وهمچنین‌مرانع که تابع این رودخانه‌است .

٤ — راه ازاهواز تاتهران وآنچه ازساختمانها ومسافرخانه‌ها وباغستانها ومزارع دراطراف آن‌واقع‌است.

۵ — تنباکو وآنچه لازمه این محصول‌است ازمراکز کشتزارهاخانه‌های نگاهبانان ومتصدیان حمل‌ونقل وفروشنده‌ها هر کجا واقع شده وهرجا ساخته شود .

٦ — جمع‌آوری‌انگوربمنظورساختن‌شراب‌وهرچه ازدکان و کارخانه لازم دارد درتمام کشور

۷ — صابون شمع وشکر و کارخانهائیکه لازمه آنهااست .

۸ — بانك(چه میدانی بانك چیست) بانك‌عبارت ازاین‌است که زمام ملت‌را یکجا بدست دشمنان اسلام داده ومسلمانان‌را بنده آنها نموده وسلطنت وآقائی کفاررا برآنها بپذیرند .

آنوقت این خائن احمق برای اینکه ملت‌را راضی نماید دلیل پوچی برای کردار زشت خود اقامه‌کرده ومیگوید اینها معاهده موقتی‌است که مدتش ازصد سال تجاوز نخواهد کرد .

چه برهانی برای رسوائی خیانت کاران ازاین بهتر .

نصف دیگر مملکت‌را هم‌بعنوان حق‌السکوت بدولت روسیه داده (اگر ساکت شود) آنهم عبارت‌است از مرداب رشت وراه انزلی تاخراسان وآنچه ازخانه‌ها ومسافرخانه‌ها وباغستانها که‌تابع‌این‌راه‌است .

ولی دولت روسیه بدماغش خرده‌واین هدیه‌را نپذیرفته .

او درصدداست اگر این معاهده‌ها ، معاهده‌هائیکه به تسلیم کشور باجانب منتهی میشود بهم‌نخوردخراسان را مستعمره خود کرده وبرآذربایجان ومازندران نیز دست بیاندازد این اولین نتیجه‌ایست که بر سیاست این احمق مترتب میشود .

خلاصه این مرد تبه کار کشور ایران‌را اینطور بمزایده گذاشته وخانه‌های محمد ص وممالك اسلامی را باجاقب میفروشد ولی ازپس فطرتی وفرومایگی که دارد بقیمت کم ووجه اندك حاضر بفروش میشود بله وقتی پست فطرتی و حرص باخست ودیوانگی آمیخته شود چنین خواهد شد ....»

ناصرالدین‌شاه دراین سفرها مبالغ زیادی ازپول ملت ایران‌را بعنوان دیدن‌ترقیات دول‌اروپا خرج تفریح وعیاشی‌های خود کرد ـ درمواقعی که ملت درفقر وبیچارگی میسوزد ورشته‌های مختلف صنعت وتجارت یکی بعداز دیگری تعطیل میگردد وروسها وانگلیسها مترصد تسخیر ایران هستند ناصرالدین شاه براهنمائی سپهسالار و ملکم وامین‌السلطان بفرنك میرود وثروت این ملترا که حکام مستبد خودخواه باظلم وجور ازیتیم وبیوه‌زن و بینوایان دیگر گرفته‌اند بفلان رقاصه وبازیگر فلان سیرك یافاحشه فلان کاباره میبخشد.

منظور ناصرالدین شاه‌و کسانیکه‌اورا باین‌سفرها میبردند متفاوت بود.

عمده‌هدف ومقصود«شاه» دراین‌سفرها فقط تفریح و گردش وعیاشی استچنانکه ازملاحظه سفرنامه‌های سه‌گانه او بخوبی این موضوع رامیتوان دریافت.

سفرنامه‌های ناصرالدین شاه پراست ازتوصیف زن فلان آقاکه درفلان شب‌نشینی فلان لباس راپوشیده ومرحوم ناصرالدین شاه مفتون‌زیبائی وخوشگلی اوشده یاوقتی‌فلان رقاصه فلان سیرك مشغول بازیست تن‌وبدن سفید واندام قشنك وظریفش «شاه» ایران‌را ازحال برده یافلان حیوان درباغ وحش‌فلان‌شهر بنظر «ظل‌الله» خیلی عجیب آمده‌ویا بالاخره ازاینکه «جهانمطاع» در بازی شطرنج خانم لرد سالیسبوری نخست‌وزیر انگلستان را مات کرده‌بخود ببالد وازمهارت خویش‌تعریف کند.

ناصرالدین‌شاه میان روس‌وانگلیس

گفتیم دردوره سلطنت ناصرالدین شاه روسها وانگلیسها برای بسط نفوذ خود درایران شدیداً مشغول مبارزه‌بودند وازهیچ نوع اعمال تخریبی وخلاف انسانی هم خودداری نداشتند و گاهی با تهدید وزمانی بادادن رشوه رجال درباررا میفریفتند وآنهارا به خیانت بوطن خود وادار میکردند.

شاید ناصرالدین شاه همانطورکه مکرر نوشته و بسیار گفته بود واقعاً میخواست ایران‌را بجاده تمدن کشاند ومیکوشید تاوسائل آبادانی کشوررا فراهم سازد ولی گذشته ازموانع داخلی مثل ـ نداشتن رجال کارآزموده‌وروبرو شدن‌بامخالفت روحانیون‌متعصب وبی‌اطلاع ازلحاظ خارجی‌رقابت دو حریف نیرومند علت اصلی‌وسبب عمده خرابی مملکت وعقب ماندگی ایران بود چنانکه در هنگام صدور فرمان اجازه کشتی رانی رودکارون ومخالفت روسها درنامه‌ای بعنوان ملکم وزیر مختار ایران درلندن که بعداً درقسمت‌سوم ازبخش دوم متن کامل آن‌را نقل خواهم نمود ناصرالدین شاه سیاست روسها وانگلیسها نسبت بایران‌و گرفتاری خویش‌را ازاین حیث چنین بیان میکند.

«........ روز بروزجمیع ممالك‌روی‌زمین‌درترقی‌است‌ماچرا اسباب ترقی وآبادی‌مملکت خودمان‌را فراهم نیاوریم چرا بایدراه نسازیم وکارخانجات احداث ننمائیم که ازهرچیز محتاج بممالك خارجه باشیم اگر تاحال اقدام بساختن بعضی راهها کرده‌بودیم دوسال یك مرتبه غلاوقحطی بعضی شهرهای ایران خاصه طهران رامستاصل ومردم آنرا پریشان نمیکرد.



ناصر الدین شاه

جمیع دول روی زمین یاسلطنت مستقله هستند یاسلطنت مشروطه یاجمهوری در میان دول روی زمین پارهٔ دولت‌ها بهم میرسد که خیلی کوچك میباشندهمه درمملکت وولایت وخاك وزمین وامور داخله خودشان مستقل ومختارند که هرقراری درداخله خودشان میل دارند وصرفه وصلاح خودرا درآن می‌بینند میدهند دولت ایران که ازهمه قدیمیتر وهمیشه سمت استقلال راداشته و دارد چرا باید باندازه یك دولت پست کوچك هم استقلال درداخله خود نداشته باشد هرقراری راکه مقرون بصرفه وصلاح وآبادی مملکت خود می‌بیند ندهد.

وضع دولت ایران طوری شده است که هیچ دولتی باین حالت نیست دولت ایران میان رقابت دولتین انگلیس و روس گیر کرده است هر کاری مبنی برصرفه وصلاح وآبادی مملکت خودمان درجنوب ایران بخواهیم ازساختن راه وسایر بکنیم دولت روس میگوید برای منافع انگلیس میکنید چنانکه درمسئله رود کارون همین طور میگویند راه هم بخواهیم بسازیم همین طورمیگویند درشمال ومغرب ومشرق ایران اگر بخواهیم چنین کا ها بکنیم انگلیسها میگویند بملاحظه منافع روس اقدام باین کارها کرده ومیکنید چنانکه درساختن راه قوچان وراه آهنی که حاجی محمد حسن درکار ساختن درمحمود آباد درکنار بحر خزراست مکررهمین اظهارات را کرده‌اند تکلیف ما مشکل شده است وروز بروز مشکل‌تر خواهد شد پس یك مرتبه روس وانگلیس بیایند وبگویند دولت ایران دولت مستقل نیست هرچه ما بگوئیم باید آن طور بکنید آیا درمیان دول روی زمین از بزرك و کوچك حتی بلغاری که تازه سری میان سرها بیرون آورده وصرب ویونان یك دولت هست که زیربار این حرفها برود.

دولت خودمان‌را میخواهیم آباد کنیم کارخانه بسازیم قرارهائی بصرفه وصلاح دولت وملت خودمان بدهیم دولتین انگلیس وروس چه حقی دارند بکار های داخله ما که این حرفها را بمیان بیاورند ...... هر پادشاهی مسئول است که پی منافع وترقی دولت وتربیت ملت و آبادی ولایت خودش برود اگر نکند خلاف مسئولیت کرده وبتکلیف پادشاهی خود رفتار نکرده است بنا براین مسئله‌را مکرر میکنیم رقابت روس وانگلیس طوری شده است که مثلا اگر بسمت شمال ومشرق وغرب مملکت خودمان بخواهیم بگردش وشکار برویم باید بادولت انگلیس مشورت بکنیم چون سمت سرحدات روس است شاید او خیالی بکند وبرنجد وهمچنین بسمت جنوب اگر میل بکنیم باید ازدولت روسیه مشورت بکنیم.

شما تصور نکنید که هیچ دولتی درروی زمین از بزرك وکوچك این حالت حالیه مرا دارد آیا ما یك دولت مستقله نیستیم که اختیارمحوطه مملکت خودمان‌را داشته باشیم وبآزادی بتوانیم حرکت ومصالح دولت خودمان‌را بنظر بیاوریم ......»

باآنکه ناصرالدین‌شاه در دوره سلطنت خود از لحاظ سیاسی خبط های زیاد و اشتباهات جبران ناپذیری مرتکب شده ومامورین دسیسه‌باز و کارآگاه دوحریف نیرومند مکرر اورا فریب داده‌اند معهذا از روی انصاف باید گفت که او از تمام شاهان سلسله قاجاریه با اطلاع تر و بسیاست دنیا آشناتر بوده و در بسیاری از موارد رل خود را خوب بازی کرده وتوانسته است کشورایران را از خطرات ناشی از رقابت های دوهمسایه زورمند که مبارزات آنها درآنموقع به منتهای شدت خود رسیده‌بود برکنار دارد.

نمونه‌ای از دستورهای سیاسی ناصرالدین‌شاه

برای اطلاع ازطرز دستورهای سیاسی وچگونگی رفتار ناصرالدین شاه باروسها و انگلیس‌ها نمونه‌ای از نوشته های او را دراینجا عیناً گراور ونقل مینمایم.

در اواسط نیمه دوم قرن نوزدهم که روسها در نواحی ترکستان مشغول توسعه نفوذ وپیشرفت بودند گاهی باقداماتی دست میزدند که مخالف منافع دولت ایران بود واین امر اغلب باعث اعتراض واختلاف میشد.

در ایام صدارت میرزا حسین‌خان سپهسالار بامذاکراتی که بین طرفین بعمل آمد قرار میشود کمیسیونی مرکب از نمایندگان دولتین ایران وروسیه تزاری تشکیل و با رسیدگی بمدارك مربوطه وبازدید محلی خطوط مرزی و سرحد بین الدولتین تعیین و به اختلافات خاتمه دهند .

مطالعات ومذاکرات این کمیسیون که در ابتدا گمان میرفت سه‌چهارماه بیشترطول نخواهدکشید قریب سه سال ادامه بیدا کرد و سرانجام در تاریخ ۲۲ محرم ۱۲۹۹ (۹ دسامبر ۱۸۸۱) معاهدهٔ بنام معاهده آخال‌و خراسان بین دولت ایران و روسیه تزاری بامضاء رسید .

بموجب این معاهده حدود ایران وروس ونواحی متعلق بآنها درطرف شرقی بحر خزر معین میشود وحق حاکمیت دولت ایران از مرو وآخال و سایر نواحی ترکستان از بین میرود .

چون بعداز امضای این معاهده دولت روسیه میتوانست به‌پیشرفت در نواحی‌مورد نظر خود واقع در قسمت شرقی بحرخزر بدون هیچ مانع ومزاحمی ادامه دهد و این موضوع مخاطراتی برای امنیت هندوستان ایجاد میکرد که بالنتیجه مخالف منظور دولت انگلستان بود موجب رنجش و عدم رضایت انگلیس‌ها میگردد وبعناوین مختلف دولت ایران را مورد سرزنش وملامت قرار میدهند .

میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله که در آنموقع سمت وزیرمختار ایران درلندن‌راداشت ودر غالب اوقات برای حفظ منافع امپراطوری بریتانیا باصطلاح دایه دلسوز تر از مادر بود راجع باین موضوع تلگراف رمزی به میرزا سعیدخان وزیرامور خارجه مخابره می نماید وعدم رضایت اولیای انگلستان را دراین باب بیان میکند .

این تلگراف ودستوری که ناصرالدین شاه بخط خود در حاشیه آن برای تهیه جواب انگلیس‌ها نوشته شده دیدنی است و عین آن در اینجا گراور میشود

ناصرالدین شاه در حاشیه تلگراف مینویسد .

«باید جواب نوشت ماچیزی بروس ندادیم شماکه انگلیس هستید در حقیقت داده‌اید اگراز اول روس را از اینهمه‌پیش‌آمدن بسمت آخال و ترکمان رسماً وقویاً مانع‌می‌شدید البته روسها میدان جولان بازی خودشان راکمتر می‌گرفتند بلکه هیچ نمی‌توانستند داخل شوند وقتیکه مثل شما دولتی قوی نتواند سدراه وخیال روسها را را بکند مابطریق اولی نمی‌توانستیم روس‌آمد آخال راگرفت ماچه می کردیم بعد گفت سرحد طبیعی خراسان و ترکمان را باید معلوم بکنید وقرار بدهید ماچه‌می کردیم اگر قبول نمیکردیم سرخیالات خودش همانطور که‌آخال را تصرف کرد سرحد طبیعی ترکمان را هم با خراسان بزور تصرف میکرد آنوقت‌آیا ما بایدبا روسهاجنك‌بکنیم آیا شما بمااامداد قشونی وپولی واسلحه میکردید یانه روس که آخال راگرفت‌بالطبیعه مرورا تصاحب می کرد ماچطورمی توانستیم بگوئیم بمرو نرو تصرف نکن یعنی اگراین ممانعت‌ها را می کردیم جزاینکه روس‌را باخودمان‌دشمن‌بکنیم هیچ فایده نداشت واوهم کار خود رامیکرد پس دراین صورت تقصیری به‌اولیا ایران وارد نیست وماخود باستقبال روس نرفته‌ایم واو را نیاورده‌ایم وهرگز مایل این اتفاقات نبوده‌ایم البته هروزیری بشما این‌صحبت محرمانه را کرده است همین‌جواب را بدهید وباز هم باید حالا دولت انگلیس باتفاق ایران برای سدراه روسها که از این بیشتر هم نروند بعداز این حرف زده واتفاق کرده یك فکر وتدبیری بکنند که از این بیشتر بمشکلات دچار نشوند جواب بخواهید»

[illegible] وزارت امور خارجه [illegible] هر چه عرض می‌کنیم [illegible] شاه و روس [illegible]

حقیقت [illegible] استقلال ایران را شکستید آنچه [illegible] تسلیم روس کردید و آن [illegible]

و نا خواه [illegible] روس [illegible] خدا رحم کرد که هرات را [illegible] آن را هم [illegible]

[illegible] از سیستان [illegible] آخر [illegible] روس خواهش شما خوب می‌توانستید خراسان را

موافق قانون [illegible] هزار [illegible] اداره شما ایران را [illegible]

شما [illegible] دیگر چه معنی خواهد داشت با این اداره شما [illegible]

خاک ایران خاک روس محسوب خواهد [illegible]

جلالت پایان [illegible]

دیگر از [illegible] متنفر شده‌ام واضح است [illegible] در اصلاح این [illegible]

و آرام نمی‌دانم این حالت [illegible]

روز [illegible] ملکم [illegible] ۱۴۳ [illegible] رجب ۱۳۰۱

ناصرالدین وقتی که‌در همین مورد باروسها مذاکره میکرد عکس این مطالب را بآنها میگفت .

در خلال مدتیکه مذاکرات سرحدی بین ایران وروس‌ادامه‌داشت بواسطه‌شایعاتی که بیشتر از ناحیه انگلیس‌ها منتشر میشد ناصرالدین‌شاه فوق‌العاده مضطرب ووحشت‌زده بود وبرای آنکه امپراطور روس این شایعات را تکذیب کند وعلاقه خود را بدوستی با ایران ابراز دارد نامه‌ای بخط خود مینویسد که بوزیر مختار روس درطهران نشان‌بدهند واز او بخواهند که مضمون آن‌را ازطرف ناصرالدین شاه بدربار پطرز بورغ تلگراف کند .

عین این نامه نیز که بخط ناصرالدین‌شاه‌است‌درصفحه‌مقابل گراور میشود ـ ناصرالدین شاه‌در این نامه اینطور نوشته است .

« از اوقاتی که گفتگوی سرحدات افغان وروس در میان است واززمانیکه این گونه مسائل بمیان آمده است متصل دشمن‌های دولت روس خیالات وحواس اولیای دولت ایران را ازدولت روسیه مشوش میکنند و می ترسانند که نسبت بایران وسرحدات آن خیالات وحشت انگیزدارند چون من دوستی واتحاد شخص خودم رانسبت بدولت روسیه خاصه به شخص امپراطور در اعلی درجه میدانم ووعده‌های همراهی ودوستی‌های امپراطور نیکولای اول را در سن طفولیت خودم که در ملاقات ایروان بمن داده هنوزهم در خاطر من است و همچنین وعدهای شفاهی ودوستی واتحادی که امپراطور الکسندر مرحوم در دو سفر پطربورغ بمن‌داده و همچنین خود امپراطور الکسندر ۳ در این دوسفر من‌بروسیه در حین ملاقات خود بامن بخصوص در ملاقات لندن چقدر اظهار اتحاد و دوستی دولت روس رانسبت بایران وبمن بیان فرمودند و مرا از هرجهة مطمئن ساخته‌اند دوستی و حمایت آنیه خودشان البته باوجود همه این‌وعده‌ها من چگونه میشود که حرفهای دشمن های روس را که میخواهند دولت ایران را بوحشت بیندازند باور بکنم لیکن از وزیر مختار می‌خواهم که مجدداً این بیانات مارا معجلا باتلگراف بوزارتخارجه روس اظهار بکنند که بملاحظه امپراطور برسانند وامیدوار هستم که امپراطورمجدداً آن وعده‌های دوستی‌ها وحمایت‌ها که از نیکولای اول الی‌حال ذخیره خاطردارم تجدید نمایند که باعث خورسندی و خوشنودی شده این نوع گفتگو های سایرین را بدور بیندازیم و محل اعتنائدانیم »

قحط‌الرجال

بزرگترین بدبختی ناصرالدین شاه قلت رجال وطن دوست‌و کارآزموده بود .

در تمام این مدت شاید بجز چندنفر هیچ مرد متنفذی را نمیتوانید پیدا کنید که با خارجی‌ها «بند وبستی» نداشته است .

هروزیری، هرحاکمی، هرخانی یاوابسته بسفارت روس یا سفارت انگلیس بود و اغلب هم باکمك یکی ازاین دو سفارتخانه روی کارآمده بودند وباستظهاروپشتیبانی آن دو دولت مرتکب هرخیانت وجنایتی میشدند .

ایجاد کنندگان این مکتب بیگانگان بودندولی ناصرالدین‌شاه باروش غلط‌حکومت خود عامل اساسی وپرورش دهنده این اشخاص بود .

هرچند اگر مرد مجرب ومقتدری مثل میرزاتقی‌خان امیر کبیر در دستگاه سلطنت ناصری پیداشد بجرم کبر ونخوت ازصدارت‌معزول وبعد مقتول گردید ولی‌بس از آن‌همیشه ناصرالدین شاه خود از فقدان رجال ورزیده و کارآزموده متاثر بود و این تاثر او در

از ادعاهای [illegible] انگلیسی سرحدات افغان و روس

در پامیر [illegible] یکدیگر این گونه مباحثه [illegible]

آمده [illegible] دشمنی های دولت روس [illegible]

بعد [illegible] اول [illegible] آخر [illegible] دولت [illegible]

مشوش [illegible] نسبت به [illegible] و سرحدات

[illegible] وحشت انگیز [illegible] چون [illegible]

[illegible] نسبت به دولت روسیه خاصه [illegible] امپراطور

[illegible] درجه [illegible] و [illegible] های [illegible]

امپراطور [illegible] اول [illegible] خصم [illegible]

[illegible] در [illegible] و [illegible]

[illegible] امپراطور [illegible]

[illegible] امپراطور [illegible]

در [illegible] در [illegible]

[illegible] روس [illegible]

[illegible]

اغلب از نوشته‌هایش نمایان است .

چنانکه هنگام مراجعت از سفر عتبات در سال ۱۲۸۷ درنامه‌ای بعنوان میرزاحسین خان سپهسالار (که آنوقت ملقب به مشیرالدوله و سفیر ایران در عثمانی بود) با خط خود اینطور مینویسد .

«مشیرالدوله

من در امور دولتی افکار خوب دارم که انشاءاله دولت ترقی کند وکارهای بزرگ در دنیا بکند و این کارها اسباب میخواهد ازمن تنها هرچه باشم چه ساخته میشود ازشماها بهتر اسبابی البته نخواهد بود خدمات سابق لاحق بخصوص خدمات سفرعراق عرب ما هیچوقت فراموش نمی‌شودحالا رادیگر خوب است که در اسلامبول مشغول سفارت باشد باید خدمات رکابی راچندی متصدی باشدبخصوص درشعبات بزرگی که مقصود ترقی آنجاهاست انشاءاله قرار خدمات شمادر طهران داده خواهد شد البته دررکاب بیاید بطهران من مثل شما آدمها را ده دستی نگاه میدارم واز دست نمی دهم آسوده باشد .» عین این نامه در صفحه مقابل گراور شده است

ودر نامه دیگر مینویسد .

« مشیرالدوله.عرایض شما رسید گفتگوئی که باعالی پاشا کرده‌بودید در فقره معهود وقبولی عالی‌پاشااراده مارا در مسافرت نمیدانی چقدرها مایه خوشحالی شد وازطرز گفتگوی شما وغیرت و صداقت شما زیاده از حد خورسند شدم وبخصوص از این جهة زیادترازهمه چیز مشعوف‌تر هستم که یك‌نفر مثل‌شما آدمی درایران هست که دردکار را بداند غیرت دولت را بکشد وعاقل وزیرك وکاردان باشد وبفهمد چه‌میکند وچه می شنودمیداند که این قسم آدم درایران بسیار نادر و بلکه هیچ‌نیست و البته باید از وجود یکنفر از این نمونه‌نوکر خوشحال بشوم . . . . . »

ودر ذیل نامه میرزاحسین خان که از سعایت وسخن‌چینی دیگران شکایت واظهار ناراحتی میکند وبعدا عین آنرا درجای خود نقل خواهم کرد چنین نوشته

« از کار دانی وعقل شما بسیار بعید میدانم که این نوع خیالات بکند من نوکر خوب راکه واقعاً ظاهراً باطناً نوکر باشد وبکار خدمت امروزه دولت بخورد از همه چیز دنیا بهتر میدانم وچهاردستی او را نگاه میدارم میدانید که درایران نوکرنمانده است یکی دوتا هم‌مثل‌شما پیداشود بحرف مردمان پوچ‌بی‌معنی چطور میشود در حق او بی‌التفاتی بشود اولا هروقت مثل‌تو نوکری پیدا شد حرف او اثر دارد یقین است شما در نوکری خود حقیقتاً مثل ندارید .

ثانیاً تاامروز احدی جرئت‌سعایت از شما پیش ماندارد وبخدا قسم نشنیده‌ام . . . . »

ناصرالدین شاه رجال دربار خودرا کاملا میشناخت‌ومیدانست که این افرادا کثراً فاسد الاخلاق ومتملق وچاپلوس هستند وکارعمده شان « دعاگوئی » و « مفتخوری » و سعایت از این وآن است ولی هیچگاه در صددتصفیه آنها برنیامد وزمینه‌ای برای تربیت رجال لایق و وطن پرست فراهم نساخت واگر کسانی‌پیداشدند که ممکن بود وجودشان منشاء اثری‌بشود بعلت سعایت اشخاص بیکاره وبواسطه‌رعب وهراسی که ازکاردانی آنها در او ایجاد میگشت ازکار برکنار واحیاناً بدیار عدم رهسپار می شدند .

مستر بنجامین اولین وزیر مختار امریکا درایران که‌ازسال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲هجری قمری در تهران بود در کتاب خود بنام «ایران وایرانیان» مینویسد .

[illegible]

من در زنبورداری [illegible]

که [illegible] بزرگ در دنیا [illegible]

[illegible]

« دراین اواخر در تابستان روزی اعلیحضرت شاه در عمارت ملوکانه سلطنت آباد دراز کشیده بودند در صورتیکه امنای ایشان در پائین نشسته باپادشاه وولینعمت خود بطور محرمانه صحبت میداشتند دراثنای صحبت شاه گفت چرا انوشیروان را عادل می گفتند مگرمن عادل نیستم ! احدی جسارت نمیکرد که جواب دهد چه سئوال سختی بود شاه دو باره پرسید آیا میان شما هیچکس نیست که جواب دهد باز احدی جواب نداد تااینکه سکوت اسباب ناراحتی بلکه خطرهمه گردید ـ آخرالامر حکیم‌الممالك مرك را در پیش نظر آورده باتردید وتعلل گفت قربانت شوم انوشیروان را عادل می گفتند برای اینکه عادل بود .

شاه ابروی خود را درهم کشید گفت آیا ناصرالدین شاه‌هم عادل نیست ! احدی جواب نداد فقط حکیم‌الممالك شانه‌های خود را حرکت داده دست خود را باز کرد . آنوقت شاه باکمال تغیرجواب داد ای فلان‌فلان شده‌ها من یقین دارم که اگر انوشیروان هم مثل‌شما الواط رشوه‌خوار نادرست در دور وکنار خودداشت هیچوقت ممکن‌نبود که او را عادل گویند ـ همه جواب دادند قربانت گردیم قبله عالم حقیقت را فرمودند .»

سر پرسی سایکس نیز این موضوع را با جزئی اختلافی در کتاب خود نقل کرده است .

در اغلب مجالس ومحافلی که ناصرالدین شاه باحضوررجال دربار و دولت یك‌امر سیاسی ومحرمانه راطرح میکرد چون میدانست یکدسته وابسته بسفارت انگلیس و دسته دیگر مربوط بسفارت روس هستند بگوشه وکنایه بآنها میگفت که از جاسوسی برای بیگانه‌خودداری کنندواخبار محرمانه مملکتی را بآنها ندهند ولی متاسفانه از این دستورو سفارش خود هیچوقت نتیجه نمیگرفت .



مشگل دیگری که ناصرالدین شاه همیشه ازآن مینالید وآنرا مانع عمده ترقی ایران میخواند وجود علمای روحانی متعصب بود .

در این مختصر مجال بحث درباره این طبقه نیست فقط برای مزید اطلاع باید گفته شود هرچند در تاریخ ایران‌علمای دینی برای حفظ‌استقلال‌ایران در مقابل اجانب‌مبارزه‌ها کرده‌اند که پرارزش‌ترین آنها برای نمونه باید قضیه‌تحریم تنباکو راذکر کرد وهمچنین باآنکه در اغلب مواقع تنها ملجاء وپناهگاه مردم محروم ومظلوم در برابر دستگاه ظالمانه استبداد روحانیون بوده‌اند معهذا متاسفانه بواسطه بی اطلاعی از دنیا و تعصبات خشك وبی معنی ومخصوصاً بعلت فساد اخلاق وریا ودوروئی که عده زیادی ازآنها بدان مبتلی بودند سد راه اصلاحات مملکت بشمار میرفتند .

این عده باهرچیز نو وتازه‌ای مخالفت میورزیدند واختراعات واکتشافات اروپا را برای ایران مضر میشمردند وبرای رونق بازار خود مردم را درجهل و نادانی وخرافات نگاه میداشتند وهرگاه در نظر گرفته شود که این دسته‌تاچه حد در کلیه‌شئون مردم‌صاحب نفوذ وتاثیر بودند وتاچه اندازه در همه موارد مردم آنها را از روی ایمان وعقیده بجان ودل پیروی میکردند اهمیت‌طبقه روحانی در عقب‌ماندگی ایران خوب آشکار خواهدشد ناصرالدین شاه برای تضعیف واز بین بردن نفوذ این‌طبقه خیلی کوشید ولی در قضیه‌تحریم تنباکو تمام رشته‌هایش پنبه شد .

فساد اخلاق و خرابی تشکیلات اداری

این کتاب گنجایش شرح احوال تمام این اشخاص را نداردفقط بمناسبت مختصری از زندگی سه نفری که عامل اعطای امتیازات بخارجی ها و واگذارنده منابع ایران باجنبی بوده و باعث توسعه نفوذ آنان دراین کشور شده‌اند یعنی میرزا حسین‌خان سپهسالار - میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله ومیرزا علی اصغرخان امین‌السلطان را شرح میدهم. ولی قبلا لازم است برای اطلاع از اخلاق عمومی واعمال ورفتار رجال دربار قاجار وتشکیلات اداری مملکت در آنزمان بطور کلی وچگونگی قضاوت بیگانگان در این مورد چند کلمه‌ای نیز گفتگو کنیم.

یکی از امراض خطرناك برای ملت ایران رشوه است که مانند میکرب جذام از قرنها پیش موجب فساد اخلاق هیئت حاکمه این مملکت و فرو ریختن ارکان هستی این ملت شده است.

مهمترین علت پیدایش این مرض را باید روش نکبت بار حکومت ایران‌دانست.

در دوره قاجاریه وقبل ازآن مناصب والقاب واحکام خرید وفروش میشد دراین معامله فروشنده شخص «شاه» بود وهرقلدر ظالم وپولداری هم میتوانست خریدار بباشد بعبارت دیگر حکومت فلان محل‌را بمزایده میگذاردند هرکس تعهد پرداخت بیشتری‌می کرد بحکومت آن محل منصوب میگشت وبعداز آن این شخص فرمانفرمای مطلق وفعال مایشاء آن ناحیه بشمار می‌رفت وباجور وظلم اموال رعایای بدبخت وپیرزنان مفلوك و ایتام بی‌نوا را میچاپید وبساط عیش وعشرت خود واطرافیان خویش را فراهم میساخت.

اگرگاهی هم کسی دست از جان خود می‌شست وبمرکز شکایت میکرد وبرحسب اتفاق ناله این بیچاره بسمع اولیای امور میرسید وحاکم جابر مورد بازخواست قرارمی گرفت مجازاتش پرداخت مبلغی پول اضافه‌تر به «خزانه عامره» بود ولکه هرننك و گناهی را میتوانست بادادن «پیشکشی» و «تقدیمی» پاك کند وسپس باخیالراحت‌بیش‌ازپیش مشغول غارت اموال مردم شده وخانواده‌ها را بخاك سیاه نشاند.

قسمت عمده عایدی دولت ایران ازاین نوع درآمدها بود وبطوریکه سرجان‌ملکم نماینده انگلستان نوشته در دوره فتحعلی شاه مقدار پیشکشی ها به $\frac{2}{5}$ بودجه کل کشور میرسیده است.

اصولا از دوره فتحعلی شاه ببعد بواسطه مخارج گزاف حرمسرا وعیاشی بی معنی شاهان مخارج دولت افزایش میبافت - محل مالیاتها به پرداخت «وظیفه دعا گویان» و «مقرری چاکران درباری» اختصاص پیدا میکرد و ناچار «شاه» مجبور شد کم کم کسری بودجه را با گرفتن پول بعناوین مختلف‌ازقبیل «تقدیمی» و «پیشکش» و «مداخل» و «سیورسات» و «عایدی» وغیره تامین نماید وروز بروز نیز دامنه این نوع در آمد را توسعه دهد. پیشکشی و تقدیمی ومداخل که در ابتدا ظاهراًفقط برای احترام وقدرشناسی کوچکتر از بزرگتر بود رفته رفته از صورت اول خارج وحکم رشوه را پیدا کرد این

عمل «شاه» گذشته از خرابی کشور وظلم وجور حکام بر عایا بمضمون «الناس علی دین ملوکهم» خود سرمشقی بود برای رشوه گیری مامورین دولت .

لرد کرزن تحت عنوان «سلطنت مطلقه» راجع باختیارات «شاه» مینویسد .

«...... شاه در عمل هرچه بخواهد می کند و گفتارش درحکم قانون است ...... ممکن است تمام وزراء افسران، کارمندان وقضات راعزل یانصب کند . زندگی ومرگ تمام فامیل وخانواده سلطنتی و همچنین کلیه افراد کشوری ولشگری بدون آنکه بمحکمه‌ای مراجعه نماید بدست اوست اموال هر فردی که محکوم باعدام یا هتك حرمت میشود متعلق بشاه خواهد بود .

حق قطع حیات وسرنوشت مردم مخصوص اودر دست اوست ولی ممکن است حکام ومامورین نیزاز طرف اودر این موارد نمایندگی داشته باشند .

تمام اموال وثروتی که سابقا یالاحقا مصادره یاخریداری شده (ودر حقیقت نمی توان گفت از راه مشروع بدست آمده) دراختیار اوست ومی تواند درراه عیاشی های خود بمصرف برساند .

تمام حقوق وامتیازات امور عمومی — استخراج معادن — ایجاد تلگراف ـ راههای شوسه ـ راه آهن — تراموای وغیره ودر حقیقت بهره برداری کلیه منابع کشور متعلق باوست و قبل از اینکه بدست دیگران بیفتد باید ازاوخریداری شود . قوای سه گانه حکومت یعنی مقننه ومجریه وقضائیه شخص اوست .

هیچگونه تعهدی جزرعایت ظاهری مذهب عمومی براوتحمیل نشده است . شاه محوراصلی است که دستگاه زندگی اجتماعی بدور اومی گردد .

و در جای دیگر زیر عنوان «فساد اداری نوشته »

این یك نتیجه بارز سیستم اداری ورواج پیش کش است که بشرح آن پرداختم زیرا مردان محترم برای احراز مقامات اتکائی جزعقل ودرایت مقام سلطنت ندارند . ازهمانوقت که ترقی واحراز مقام باشل بودن بند کیف بستگی یافته فساد وخرابی باید ادارات رافرا گیرد ومردان شریف ومحترم از کار کناره گیری کرده و منزوی شوند حتی اگر شخص محترمی هم بکسب مقامی توفیق یابد دسیسه ها ورشوه های نهانی حریف هرلحظه ممکن است او راز پای درآورد واز کاربر کنارش دارد .....

من هم اکنون از کسیکه دراثر در دست داشتن قدرت این مداخل پی درپی وپیشکشیهای مقرر باومنتهی می گردد سخن گفتم اما کشور تنها از ظلم وستم وحرص وطمع درباریان لطمه نمی بیند بلکه از آنچه که نسبت بمردم مضایقه می کنند نیز صدمه می بیند . مقدار مخارج برای کارهای عام المنفعه مثل حقوق لشگریان تاسیس کارگاههای عمومی ساختمان پلها ومرمت جاده ها ازطرف خزانه سلطنتی مقرر میگردد این وجوه نیز هیچوقت بمصرف حقیقی خود نمی رسد بلکه مقدار کمی از آن جان بسلامت میبرد وبقیه در بین راه پخش میگردد وبجیب مسئولین امور می رود شاه از جریان امر اطلاع ندارد ویا از کشف آن ناتوان است . دزدی واختلاس بین زیردستان او رواج کامل دارد و با فقدان نظارت و مسئولیت از طرف مقامات بالا و عدم انتقاد عمومی مراقبت در کار آنان تقریبا محال است .

وقتی حرص وآز در محیط اداری تااین حدرفته ووسیله معیشت گردیده معلوم است که سیستم موجودتاچه اندازه در قبال هررفورم واصلاح اداری مانع ورادع ایجاد می کند وآشکار می شود امید واری ایرانیان که بدون کمك برای نجات ورهائی خودتلاش میکنند چقدرضعیف است . »

لرد کرزن «مداخل» را اینطور شرح میدهد .

«آنچه که برای حفظ مقام یاکسب جاه ومنزلت حتی بیشتراز هدیه ورشوه اثربخش ومورد علاقه ایرانیان است مداخل میباشد مداخل یعنی عوض، پاداش یافایده‌ای که برای جبران کمبود مخارج شخصی ضروراست وآن یك مطالبه جابرانه است که میلیونها صورمختلف دارد واستادی ومهارتی که در دریافت آن بکارمی رود دارای تنوع بیشماراست وآنرا یکی از افتخارات وموجب خرسندی میشمارند .

بنظر واتسون این کلمه مهم درزبان انگلیسی معادل دقیقی ندارد اماممکن‌است آنرابتناسب جمله‌وقرینه کمیسیون- عایدی متفرقه - عوض-برداشت-دردی‌ومنفعت ترجمه کرد. بطورکلی مداخل عبارت ازدرآمدی‌است که بصورت نقدی برای کمبود مخارج بهرصورت وعنوانی حتی‌بزور وجبر دریافت میگردد • درایران اگر هم‌دو طرف معامله که دهنده و گیرنده-رئیس ومرئوس وبادونماینده برای‌انجام‌آن‌حاضر باشند بازممکن نیست معامله‌ای بدون دخالت یك‌واسطه که مدعی دریافت حق‌العمل برای‌انجام کار میباشد صورت گیرد . البته ممکن است گفته شودکه طبیعت بشردر همه‌جا یکسان است ویك‌روش مشابهی در همه جای دنیا درتمام ممالك بنام‌های مختلف‌رائج است وایران نیزمثل سایرجاهاست .

این سخن ازبعضی جهات درست‌است ولی‌تا آنجاکه من اطلاع‌دارم در هیچ کشوری مانند ایران این امر تاباین حدعلنی وبدون خجالت وعمومی نیست .

این‌امر تنها محدود بمعاملات تجارتی وامور استخدامی نیست بلکه درتمام شئون اجتماعی رخنه کرده‌ودر هرگونه عملی، راه یافته‌است .

ممکن است گفته شود که در نتیجه این‌عمل سخاوت و کرم‌وخدمت مجانی از مبحث خصائل ملی محو گردیده و حرص و مال اندوزی بنهایت درجه رسیده ویك اصل اخلاقی شده‌است .

چون امثله وشواهد بهتراز حرفهائی که برسر زبانهاست میتواند بشرح مطلب پردازد بنابراین درصدد هستم که نشان بدهم چگونه عادت بگرفتن مداخل در تمام مراحل زندگی ایرانی‌ها نفوذ یافته و اجراء میگردد .»

واتسون (۱) نویسنده دیگر انگلیسی‌در کتاب تاریخ قاجاریه مینویسد .

« یکی از عادات مذموم ایرانیها موضوع مداخل است این کلمه بمسامع ایرانی بسیار خوش‌آیند میباشد مستخدمین دولت فقط بامداخل خوشحال میباشند مواجب ومقرری آنهاچندان مورد توجه نیست و فقط مداخل یك شغلی است که تمام حواس‌آنها رابطرف‌آن شغل جلب مینماید .»

بدبختانه در اغلب مواقع پیشرفتهائی که نصیب مامورین بیگانه دراین کشور شده بزور رشوه بوده است ونویسندگان آنها درکتب خود راجع باین رویه زشت و ناپسند داستانها نوشته‌اند .

جان ویلیام کی (۲) نویسنده انگلیسی کتاب (تاریخ جنك های افغانستان) درباره ماموریت سرجان ملکم نماینده انگلستان در دربار فتحعلی شاه مینویسد .

«ملکم ماموریت داشت ازدوطریق باایران وارد مذاکره شود اول اینکه سالی سه‌یا چهار لك روپیه برای مدت سه‌سال بدولت ایران بدهد طریق دوم‌بادادن رشوه بشاه ووزراء اوآنها را باخیالات خود همراه‌گرداند. ملکم طریق اخیر را اتخاذ نموده درکیسه پول راباز کرد وبمقصود خویش نائل شد - هراشکالی در تحت تاثیر و لمس طلای انگلیس بطور معجزه مانندی از میان برداشته میشد »

ودرجای دیگر راجع بموفقیت‌های مامور دیگر انگلیسی بنام سرهارفورد جونس (۳) مینویسد .

« موفقیت‌های سرهارفوردجونس تماما بوسیله رشوه بودچونکه درآن اوقات بدون رشوه غیر ممکن بود موفقیت حاصل شود حتی تمام قضایای سیاسی درایران فقط بوسیله طلاقطع وفصل میشد - هرگاه یکی‌از عمال دولت فرانسه باید اخراج شود قیمت اخراج اودرست مثل تعیین قیمت یك‌اسب خریداری‌است . ایران مملکتی است که درآن بدون صرف پول زیاد نمی‌توان یك‌قدم برداشت .»

---

1 - Watson 2 - J. W. Kaye 3 - Sir Harford Jones

ژنرال تره زل (۱) فرانسوی مینویسد .

«عیب کلی اعیان ایران که برطرف کردن آن مشکل مینماید حرص ایشان است پول در این مملکت معبود ملی‌است بهترین طرح‌ها اگر اندك معارضه بامنفعت فلان وزیرداشته باشد زیرپا میرود .»

متاسفانه همانطور که گفته شد بواسطه شیوع این مرض بین هیئت حاکمه ایران نویسندگان خارجی مطالب زیادی در این باب نوشته ونسبت‌های ناروائی به ملت محروم وبدبخت ایران وارد ساخته‌اند ـ البته حاجت بتوضیح نیست که منظور نویسندگان خودی وبیگانه از کلمه «ایرانی» همان هیئت حاکمه وآن عده‌معدود نادرست که همیشه در کارها دخیل وواسطه بوده‌اند میباشد زیرا در این بده وبستانها آنچه که بحساب نمی‌آمده همان توده ملت ایران بوده است .

در خاتمه این بحث بی مناسبت نیست چند مقاله از چند روزنامه مختلف اروپائی که در زمان ناصرالدین شاه بچاپ رسیده در اینجا نقل کنم تاخوانندگان این کتاب به ماهیت حکومت ایران در آندوره بهتر آشنا شده ونحوه قضاوت بیگانگان وافکار آنان را در باره ایرانی بدانند وببینند اروپائی‌ها مارا چگونه می شناختند و برای مطامع پلید دولت های ظالم و استعماری خود در دنیا چطور معرفی میکردند .

ترجمه مقالات روزنامه‌های مزبور که در اینجا یادر قسمت‌های دیگر این کتاب نقل میگردد توسط مامورین ایران در اروپا تهیه ودر همان زمان بتهران فرستاده شده است من متن آن ترجمه را با عبارات همان روز یامختصری تغییری که معنی آن بهتر مفهوم شود در اینجا میاورم .

روزنامه روسی «نوی وریمیا» (عصر جدید) چاپ پطرزبورغ در شماره مورخه ۲۷ نوامبر سال ۱۸۸۸ ضمن مقاله‌ای راجع بایران مینویسد .

«از اخبار نگار طهران در باب‌امورات ایران کاغذ بافائدهٔ رسیده اول کاغذ درخصوص امور سلطنت وامنای دولت وطبیعت وحالت آنها عنوان می کند که دروغ گوئی ایشان‌همیشه دراول مسئله است درنهایت بیشرمی بااهل اروپ دروغ می گویند بطوریکه طبیعت ازدروغ آنها منزجر میشودواسم آنرا دیپلمات گذاشته‌اند . یك‌وقتی یکی از دیپلومات های انگلیسی بوزیر بزرك ایران میرزا آقاخان عارض شد که بهیچوجه نمیتوان بحرف شما اطمینان حاصل کرد ایشان جواب دادند شمااین مسئله را بدانید هرچه من میگویم کذب صرف است مگر وقتی که می نویسم تخلف ندارد آنهم نه‌همه وقت ولی‌حسن وخوبی‌شان این‌است وقتی که به‌آنها میگویند تودروغ میگوئی وکول میزنی ودر مقابل باآنها دعوا میکنی و سخت میگوئی نمی رنجند و همه اهل ایران در نهایت بی‌باکی دروغ میگویند .

با وجود اینکه حالت ایرانیها را دیپلوماتهای روس میدانستند که دروغ میگویند ملاحظه طرفین‌را کرده بطور خوش در امورات دولتی محض‌اخذ منفعت خودشان در مقابل انگلیس ها به دیپلومات ایران اصرار نکرده سلوك ورفتار مینمودند اگرچه خیلی‌وقت‌است آنهااز این مقدمه منفعت میبردند ولی کارشان را بانجام نرسانیدند بجهة اینکه دولت انگلیس نخواست مبلغ گزافی ازبابت پیشکش آماده کند .....»

روزنامه دیگرروسی بنام (هرولد) که بزبان اطریشی در پطرزبورغ بچاپ میرسیده در یکی از شماره های همان سال خود تحت عنوان «وضع جدید پولتیك ایران بادولتین انگلیس وروس» مینویسد .

«نه تنها وزراء ایران بلکه کلیهٔ جمیع اهالی این مملکت اگرچه در سرهرمطلب قسمی یاد میکنند با وجود این براستگوئی وصداقت اعتنائی نداشته بگفته شاعر مشهور سعدی دروغ مصلحت آمیز به‌از راست فتنه

---

[1] _ Trézel

انگیز است عمل مینمایند .

یکوقتی معمول این‌قول سعدی درمیان یکنفر دیپلومات انگلیسی ووزیر اول ایران اتفاق افتاده بود و دیپلوماط مزبور ازعدم تحقق حرفهای وزیرمزبور بخودش شکایت کرده بود وزیردر جواب گفته بود که قاعده کلیه دردست شما باشد من هرچه میگویم دروغ است و آنچه مینویسم شاید راست باشد ولی نه همیشه.

وزیر مزبور میرزا آقاخان صدراعظم بودکه خود ایرانیها هم‌بدروغگوئی او معتقد واورا فضول مینامیدند وحالاهم اکثررجال دولت ایران اورا سرمشق خود قرار میدهند .

در ایران فضول کسی رامیگویند که از برای جلب منفعت ومداخل بامردمان متناقض و ضدهم راه و دوستی داشته وبدانواسطه ضدیت ازهردوطرف مداخل‌نماید فضول عبارت‌از شخص بی‌انصاف ورذلی‌است که درمقابل روسا وبزرگان که زورشان ازاو بیشتراست خود را بخاك میمالد ولی بازیردستان خود مغرورومتکبر وخودپسندانه رفتار میکند وبقاعده مالوفه خود همیشه دروغ میگوید واز دهنش قول راست در نمی‌آید مگروقتی که حرف دروغ را فراموش کرده باشد وبااینکه بهره وصرفه راستگوئی تفوق برمنفعت دروغگوئی داشته باشد وغالبا به دروغهای خود از اشعار سعدی وفردوسی شاهد وتصدیق می‌آورد تادر نظرمردم مثل حرف‌راست جلوه نماید واز وزیر گرفته تا فراش بکار همه میخورد و درسر هر کلمه قسمی یاد میکند تا همه باورش کنند و وقتی که دروغ او را گرفتند بدون خجالت و انفعال بدروغگوئی خود اعتراف کرده و می گوید که خوردم

در زبان فارسی با آنهمه وسعتی که دارد با وجود آن برای کلمات ذیل لغت مناسبی وجود ندارد .

شرف ـ عرض ـ ناموس ـ عصمت وعفت ـ نادم‌شدن ـ حق شناسی ـ وجدان

معانی این کلمات درفرنگستان هم کم کم از میان برداشته میشودنبودن لغات مزبوره در زبان ایران‌دلیل است براینکه ایرانیها ازمعانی‌آنها بکلی بی‌اطلاع هستند .

ایرانیها طالبند باآنها باوضع خودشان رفتار شود یعنی به‌آنها هم دروغ بگویند وچاپ بزنند وقتی که یکنفر ایرانی را در دروغ گفتن گرفتند باخنده بدروغگوئی خود اعتراف میکند وخجالت هم نمیکشد زیرا که باقانون تقابل ومعارضه بمثل یکنوع حقی درخود بدروغ گفتن میداند در عوض پول قلب سکه قلب میدهد ونه خود را فریب دهنده‌میداند ونه دیگری رامغبون . بیانات فوق رابرای دیپلوماتهای خودمان که درایران‌هستند قبل ازآنکه از پولطیك ایران شرح دهم نوشتم تااینکه درفرنگستان اظهار تعجب نکنند از اینکه وزیر ایران یا شاه‌ایران بعد ازاینکه بموجب سندممضی به‌چیزی تعهد کندمیتواند عکس‌او راکرده ودیپلوماط اروپائی راگول بزند در اینصورت دیپلوماط اروپائی هرقدر بافراست وبااحتیاط باشد بازدرایران باوجودفراهم بودن اسباب‌پیشرفت کار خود نمیتواند بمقاصد خود برسد اگر طرف مقابل اومحیل وموشکاف بوده وکیسه بزرك پرازطلا در بانکی که همان جاست وازآنجا بوزرای ایران پیشکش‌های زیاد میفرستد داشته باشد .

بتوسط پول که جان وروح دیپلماسی است درتمام ایران ازفراش گرفته تا وزیر اول میتوان همه چیز راکرددراینصورت‌در پیشرفت امورمقاصددیپلوماتهائیکه هم پول دارندوهم حیله شکی‌نمیتواندباشد،بخصوص که غیراز پول‌و حیله تقویتی هم ازجانب دولت در حق آنها بشود ـ این امتیاز تقویت را وزیر مختار انگلیس در طهران از طرف دولت خود درکمال درجه‌داراست .

دیپلوماتهای روسی درایران که تاحال درامورات محوله خود پیشرفتی نداشتند ازاین بابت بود که بامور دولتی اقدامات کرده ودرامور داخله ایران مداخله نداشتند ولی‌بعکس انگلیس‌ها همیشه درخیال مداخله‌بکارها داخله درایران بودند وبمقصود خودشان رسیدند .

در عهد وزیر مختاری راولینسون دولت انگلیس وجهی راکه مشارالیه برای حصول نتایج اقدامات خود

میخواست نمیداد وبعداز احضار وزیرمختار مزبور دوطومسون ونیکولسون بطهران مامور شدند ولی از ماموریت آنها هم ثمری درمقابل پولطیك جوانمردانه روس که سد محکمی بودحاصل نشد تااینکه ولف مامور شد وباوضع جدید خود بطهران رسیدهرگاه نگاه بکنند معنی جوانمردانه را که من بپولطیك روس صفت قراردادم از نیکیهای دولت روس که درعرض پنجاه سال آخر درحق ایرانیها کرده است خوب میفهمند — دولت روسیه نه اینکه تنها در جنك سال ۱۸۳۷ که ایران باافاغنه کرد بایران قولاوفعلا کمك کرد بلکه درسال ۱۸۵۷ وقتی که انگلیسها میخواستند وسط مملکت رابواسطه خلیج ایران متصرف شوند ایران را ازدست وتصرف انگلیس‌ها خلاصی‌داد واز خیوه هزار تاهزارتا اسرای ایرانی گرفت وباوطان خود فرستاد وتبریز را در سال ۱۸۸۰ از حمله وهجوم اکراد بتوسط جماعت قشونی که در سرحد جلفا داشت حفظ کرد و بموجب عهدنامه سان اسطفانو محال قطور را از عثمانی ها برای ایران گرفت .....»

بعد شرحی راجع بکمك روسها بایران در باره تصرف کوك‌تپه و جلوگیری از تراکمه وعدم دخالت در اموایران ودخالت انگیس‌ها واینکه به سردرومونددولف وزیر مختار انگلیس وعده سفارت استانبول را دادند بشرط اینکه بطهران رفته سیاست روسها را از بین ببرد وایران نباید گول انگلیسها را بخورد نوشته است .

روزنامه انگلیسی (وسترن‌پرس) چاپ شهرپریستول درتاریخ ۵ دسامبر ۱۸۹۴ ضمن مقاله‌ای راجع بازدیاد نفوذ روسها در ایران پس‌از اشاره‌باینکه این وضع قابل‌دوام نبوده دیر یازود قراردادی‌برای تقسیم ایران مثل کشور لهستان که بین همسایگان خود قسمت شده بین روس وانگلیس منعقد میگردد نوشته‌است .

« پادشاه ایران بهیچوجه پادشاه بی‌توجه وملاحظه‌ای نیست ولی‌مثل اکثرمامورین ایران از مسائلی که بفواید شخصی برمیخورد احتیاط دارد واگر بداند که ازکمك‌های انگلیس در جاده ترقی فوایدی حاصل است اجتنابی نخواهد داشت .

درایران ازبزرك تاکوچك یك ممردرآمد خود را پیشکش و تعارف میدانند تااین رسم در میان است طبقات مختلف بهم اعتنائی ندارند وبیکدیگراعتماد نیمکنندوکار مملکت مختل‌میماند .»

☆ ☆ ☆

ناصرالدین شاه بعد ازنیم قرن سلطنت درتاریخ جمعه هفده ماه ذی‌القعده ۱۳۱۳ هجری قمری درحرم حضرت عبدالعظیم بضرب گلوله میرزا رضا کرمانی درسن ۶۷ سالگی بقتل رسید .

میرزا رضا درباز پرسی علت اقدام باینکار را بواسطه خرابی کشور وظلم وجور حکام وشیوع فساد وبالاخره وجود هیئت حاکمه خائن بیان میکند و از اینکه امتیازات زیادی بخارجی‌هاداده شده ومملکت «مسلمانها بدست اجنبی» خواهدافتاد نگرانی داشته ومعتقد بوده است پادشاهی که پنجاه سال‌سلطنت کرده ونتیجه کارش خرابی وتباهی کشور ورجال مکتبش یك عده اراذل واوباش باشد باید ازبین برود ومیگوید «چنین شجر را باید قطع کردکه دیگر این نوع ثمر ندهد .»

مظفرالدین شاه مردضعیف‌النفس

بهرحال ناصرالدین شاه کشوری که تا«مغز استخوان» آنرافساد گرفته وهرقسمتش بعنوان امتیاز دراختیار اجانب بود بایك‌مشت رجال طماع وبی‌اطلاع وخائن بجانشین خود یعنی مظفرالدین

شاه سپرد.

مظفر الدین شاه نه تنها جربزه وسیاست پدررا نداشت بلکه مردی ساده لوح و ضعیف النفس وبی اطلاع ومتلون بودواغلب اوقاتش به خواندن نماز هزار قل‌هوالله وشنیدن ذکر مصائب ائمه دین و گریه کردن میگذشت.

این «شاه» باگرو گذاردن گمرکات مملکت وفروختن بقیه منابع حیاتی کشور باجانب وامهای کمر شکن ازبیگانگان گرفت وماننند پدرش سه سفر باروپا رفت.

حرکات کودکانه «شاه» ودرباریانش در اروپا مورد تمسخر اروپائیان و باعث آبرو ریزی ایران بود. بی حالی این مرد موجب سرکشی حکام وشدت ظلم وجور و خرابی کشور شد.

مرحوم سید محمد طباطبائی درهنگام نهضت مشروطیت ایران درنامه‌ای بمظفر ـ الدین شاه چنین مینویسد.

«..... اعلیحضرتا مملکت خراب رعیت پریشان وگدا دست تعدی حکام ومامورین برمال وعرض وجان رعیت دراز ظلم حکام ومامورین اندازه ندارد ازمال رعیت هرقدر میلشان اقتضا کند میبرند قوه غضب و شهوتشان بهرچه میل وحکم کند اززدن و کشتن وناقص کردن اطاعت میکنند این عمارت ومبلهاو وجوهات واملاك در اندك زمان ازکجا تحصیل شده تمام مال رعیت بیچاره است این ثروت همان فقرای بی‌مکنت‌اند که اعلیحضرت بر حالشان مطلعید دراندك زمان از مال رعیت صاحب مکنت، وثروت شدند پارسال دخترهای قوچانی را در عوض سه ری گندم مالیات که نداشتند بدهند گرفته بترکمانهاوارامنه عشق آباد بقیمت گزاف فروختند ده‌هزار رعیت قوچانی از ظلم بخاك روس فرار کردند هزارها رعیت ایران ازظلم حکام ومامورین بممالك خارجه هجرت کرده به‌حمالی وفعلگی گذران میکنند ودر ذلت وخواری میمیرند بیان‌حال این‌مردم را ازظلم ظلمه باین مختصر عریضه ممکن نیست ـ تمام این قضایا را از اعلیحضرت مخفی می کنند ونمی گذارند اعلیحضرت مطلع شده درمقام چاره بر آید حالت حالیه این‌مملکت اگر اصلاح نشود عنقریب این مملکت جزء ممالك خارجه خواهد شد البته اعلیحضرت راضی نمی شود در تواریخ نوشته شود در عهد همایونی ایران بباد رفت اسلام ضعیف و مسلمین ذلیل‌شدند .....»

ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان راجع بمظفر الدین شاه‌مینویسد.

« این پادشاه زایدالوصف ساده لوح سهل‌القبول متلون‌المزاج مسخره و مضحکه‌پسند خلوت وباشرم‌حضور بوده امور سلطنت بامیل عمله‌جات خلوت باوزراء خود غرض اداره میشد.

خلوتیان پادشاه گویا ازپست فطرتان وپست نژادان وبی‌تربیت وبداخلاقان انتخاب شده بود واز اینرو وضع دربار ملاعبه بود پادشاه شخصا باآنهمه تعلیم وتربیت دارای هیچ علم‌نبود واز اطلاعات سیاسی وتاریخی وغیره که لازمه جهانداری است بی‌بهره بود وازاین رومآل بینی وعاقبت‌اندیشی حتی برای خود واخلاف خویش هم بخاطرش خطور نمی کرد ـ چون این پادشاه راشخصا قوه متصرفه در مهام امور جمهور نبود اگر وزیری کاردان کافی اورا دچار میشد وخلوت اورا صاف وپاك میکرد رشته‌امور باین‌قسم‌ها ازهم‌نمیگسیخت.

در عهد این پادشاه در هیچ شعبهٔ از شعبات دولتی وملکی اصلاحی نشده بلکه نسبت بایام پدرش تمام خرابتر گردید حکومات علانیه حراج ومناصب‌والقاب ومناشیروفرامین بدست کهنه فروشان داخله وخارجه آشکارا بمعرض بیع میرسید اعتبار دستخط وفرامین دولتی یکدفعه زایل گردید.

یکی ازمورخین در توصیف این‌پادشاه چنین نویسد (آنچه را بر زبان میگفت کله‌اش خبر نمیشد) خیلی مایل بتقلید ازپدر بوده ولی‌آنماده و جودت رانداشت یك سفرنامه هم نوشت ـ بتمزبه‌داری راغب معلوم

میشد در فن توپچیگری بی‌مهارت نبود اگرچه مانند جدش محمدشاه موهوم‌پرست نبود ولی دماغش مانند پدر از خرافات صاف وپاك نبودی شوق بسیار بگربه داشت وحکایات غریبه دراین‌باب ذکر مینمایند .

این پادشاه خیلی بذال ومنتها درجه جبان بوده ازاغتصاب أموال رجال ومتمولین مملکت وقتل نفس بر خلاف پدر اجتناب مینمود جبنیت پادشاه عاقبت‌بحال ایران مفید واقع گردید که بیك جنبش مشروطه سلطنت را تسلیم نمود .....»

۲

میرزا حسین خان مشیر الدوله

سپهسالار اعظم

یکی از اشخاصیکه در تاریخ اخیر ایران سهم عمده‌ای‌را داشته ومتأسفانه در باره زندگی واعمال او بحث وتحقیقات صحیحی نشده میرزا حسین‌خان سپهسالار است .



میرزاحسین خان سپهسالار

این‌عکس ازروی تابلوی نقاشی کار کمال‌الملك متعلق بمدرسه عالی‌سپهسالار تهیه شده است

بدبختانه بواسطه کارهائی که مرحوم میرزا حسین‌خان ازحیث اوضاع داخلی کشور ازجهتی وازنظر سیاست خارجی از جهت دیگر انجام داده وبیشتر آنها تاکنون تاریك و مبهم مانده خیلی مشکل است بتوان در باره رفتار و اعمالش قضاوت عادلانه ای نمود .

میرزا حسین خان فرزند «میرزانبی خان مازندرانی الاصل مشهور بقزوینی امیر دیوان » محمد شاه میباشد .

میرزا حسین خان پس از تحصیلات مقدماتی بواسطه هوش و ذکاوت و استعداد فوق‌العاده‌ای که داشت دراندك مدتی زبان‌فرانسه و علوم متداوله آن زمان‌را فراگرفته وسپس مدت کمی برای تکمیل تحصیلات عالیه باروپا رفت ودر بازگشت وارد خدمت‌وزارت امور خارجه شد .

در سال ۱۲۶۷ هجری قمری امیر کبیر - میرزا حسینخان را بسمت کار پرداز ایران درهند انتخاب وروانه بمبئی نمود.

میرزا حسینخان دراین مأموریت ازخود کفایت وشایستگی ابراز کرده خدمات مهمی انجام داد ودرضمن بواسطه تماسی که بامأمورین انگلیس مقیم هندوستان ومخصوصاً آقا خان محلاتی داشت ازاین سفر تجربیات ومطالعات زیادی اندوخت و گفته میشود که ترقیات آتی سپهسالار ازهمینجا شروع میگردد.

درسال ۱۲۷۱ قمری میرزا حسینخان سر کنسول ایران مأمور تفلیس وبالاخره در سال ۱۲۷۹ باسمت وزیرمختاری عازم استانبول شد.

میرزاحسین خان دراستانبول باخدماتی که انجام داد بیش ازپیش توجه ناصرالدین شاه رابخود جلب نمود وباحسن کفایت ودرایتی که ازاو بظهورمیرسید معلوم بود که بزودی منصب بزرگی را دردستگاه دولت احراز خواهد کرد

توجه ناصرالدین شاه به سپهسالار

میرزا حسین خان که ازسال ۱۲۸۵ ملقب به مشیر الدوله شده بود درمأموریت های خارج همیشه باارسال گزارشهای جامع و مفید نظر اولیای دولت را بخود جلب میکرد مخصوصاً درماموریت استانبول که آنوقت بزرگترین ومهمترین نمایندگیهای ایران بشمار میرفت باهر پستی که بطرف تهران روانه میشد شرح مفصلی ازترقیات اروپا و پیشرفتهای کشور های غرب برای ناصر الدین شاه مینوشت و لزوم آوردن کشفیات و اختراعات اروپائیان را مثل تلگراف وراه آهن و کارخانجات وغیره بایران باو خاطر نشان میساخت

ناصرالدین شاه هرچه وصف ترقیات واختراعات مردم اروپارا میشنید میل ورغبتش بدیدن تمدن اروپائی وآوردن اختراعات آنها بایران بیشتر میشد.

ناصرالدین شاه وقتی میدید بعد ازمیرزا تقی خان امیر کبیر دربین مأمورین ایرانی وکارکنان دولت یکنفر متجدد وروشنفکر وترقیخواه پیدا شده وباعزم وتصمیم راههای عملی وساده برای اصلاح امور ایران وپیشرفت درجاده ترقیات اروپارا نشان میدهد واقعاً از «ته دل» خوشحال میشد.

ناصر الدین شاه وقتی موانع کار را به سپهسالار مینوشت و باو میگفت که اوهم «افکار خوب» دارد ولی «این کارها اسباب میخواهد ازمن تنها هر چه باشم چه ساخته میشود» میرزا حسین خان طوری وانمود میکرد که تنها اومیتواند «افکار شاه» را اجرا کند.

در همین موقع فرصت خوبی برای سپهسالار پیدا میشود که باکاردانی و ابراز کفایت توجه «شاه» را بیش ازپیش بخود جلب کند و آن تحصیل موافقت دولت عثمانی مبنی براجازه مسافرت ناصرالدین شاه به عتبات بود

ناصرالدین شاه درماه جمادی الثانی سال ۱۲۸۷ هجری قمری برای زیارت عتبات بعراق عرب مسافرت میکند.

قبل ازمسافرت بعراق عرب که درآن وقت جزء خاك عثمانی بود میبایست موافقت دولت مزبور تحصیل شود . دولت عثمانی ابتدا بواسطه کثرت افراد شیعه درعراق و علل سیاسی بامسافرت ناصرالدین‌شاه موافقت نمیکرد .

ناصرالدین شاه که علاقه زیادی باین سفر نشان میداد و بقول خودش هنگام ناخوشی نذر کرده بود که بزیارت قبور ائمه برود جدا مصمم باین مسافرت بود واز سپهسالار میخواست که بهر ترتیبی هست موافقت دولت عثمانی را جلب کند وباو وعده میداد که تلافی این خدمت‌را «باالتفاتهای گوناگون خواهیم فرمود .»

بالاخره سپهسالار بازیرکی و کاردانی موافقت سلطان عثمانی راکه ظاهراً بعید بنظر میرسید تحصیل میکند وناصرالدین درنهایت احترام بعتبات میرود .

برای مزید اطلاع چند نامه ای راکه ناصرالدین شاه بخط خود در این باره به سپهسالار (که آنوقت ملقب به مشیر الدوله ووزیر مختار ایران دراستانبول بود) نوشته وضمناً خالی ازتفریح نیست ذیلا نقل مینمایم تاعلاقه وذوق‌وشوق ناصرالدین شاه باین‌سفر واهمیت خدمت‌سپهسالاردرنظر اوبهتر روشن شود .

« وزیر مختار. تفصیل کتابچه مانندی که وزیر خارجه نوشته‌است ملاحظه خواهید کرد همه تقریرات من است که نوشته شده‌است اگرچه این‌نوشته بنظرشما وهرکه بشنود دراول مرحله بسیار بسیار غریب و عجیب خواهد آمد اما امور دنیا حالا ازغرابت وتعجب گذشته است هر کارصعب آسان شده‌است چنانچه ملاحظه میشود در فرنگستان اولا در این ناخوشی گذشته مکرر در عالم رویادیدم که بزیارت قبور ائمه اطهار علیه السلام مشرف شده‌ام وبعداز دیدن این‌خواب‌های مکرر نذرکرده‌ام که هرطوراست بزیارت مشرف بشوم واین نذر و آرزو دردل نماند انشاءاله ثانیا چنانچه میدانی همیشه سفر فرنگستان در نظرمن هست که کرده باشم امابهترآن دانستم که‌اول سفری که بخارجه میشود زیارت قبور ائمه باشد که ظاهرا باطناً دردنیا و آخرت برای من خوب باشد

ثالثاً افتخاری برای من در سلطنت باشد که بزیارت مشرف شدم

رابعاً افتتاحی باشد برای سفرفرنگستان که نظرها کم کم پرشود حال‌انجام این اراده بسته به فطانت و کیاست وزرنگی شماست که بهرطور وهرلباس باشد بگنجانید وسلطان و اولیای دولت عثمانلو مضایقه از قبول این خواهش من نکنند چراکه بهیچ‌وجه اسباب وجهة ندارد که رداین خواهش مراکه منحصر و مختص‌بزیارت وعبادت واجر اخروی است بعمل‌آورند .

چه ضرر دارد دوماهی مارا در خاك خودشان مهمان کنند واگر بشود خود سلطان هم بسرکشی ممالك اینطرف خودشان تشریف بیاورند و ملاقاتی هم‌اتفاق افتد چقدرها خوب است و باعث ازدیاد دوستی طرفین خواهد شد .

اگر مدینه منوره یامکه معظمه درخاك من واقع میشد سلطان خواهش مهمان نوازی ازمن میکردند برای استدراك زیارت من‌در کمال شعف وسرور همچه‌مهمان عزیزی را قبول میکردم سهل‌است کمال ممنونیت‌را حاصل میکردم که پادشاهی بخاك من می‌آید ومهمان من میشود .

حال که من این تمنارا ازسلطان دارم باید بدون مضایقه قبول کنند وهرشرطی هم دراین فقره برای نظم سرحد و مملکت عراق عرب را بخواهند البته شماقبول بکنید چرا که هیچ منظوری و مقصودی بجز درك زیارت نیست .

عدد ملتزمین رکاب با قراول مخصوص کمتر از هزار سرباز نمی‌تواند باشد ششصد هفتصد سوار خاصه از سپاهی همین‌است وبس دیگر ..... شاطر عمله تفنگدار بعضی از شاهزادگان وغیره معلوم است بقدر اندازه والده وحرم‌خانه کلا وانشاءاله تعالی درکمال خوبی و خوشی مذاکره بکنید وقرار انجام این فقره را البته‌بدهید .

وزودتر بما خبر بدهید که در فکر تدارک باشیم برای اول عقرب سال آینده از طهران حرکت شود انشاءالله و باین فیض عظمی برسیم زیاده چه نویسم که زیاده ازحد منتظر این خبر هستم ۸۶.»

عین این نامه ذیلا گراور شده است

«مشیرالدوله. عرایض شمارا چاپارآورد همه را بدقت خاندم (کذا) وآنچه نوشته بودید فهمیدم وانشاءاله بهمانطورها عمل خواهد شد وچاپار را حالا بتعجیل روانه می‌داریم جواب‌های مطالب شما را هم‌وزیر خارجه‌نوشته است ملاحظه خواهیدکرد ازخدمات شما انقدر راضی وخووسند هستیم که بوصف نمی‌آید انشاءاله چنانچه مکرر هم نوشته ووعده داده‌ام تلافی خدمات شمارا باالتفات های گوناگون خواهیم فرمود ۸۷»

در نامه دیگر مینویسد.

«محرمانه وشوخیتا مینویسم.

توبآن ترکیب زیارت مکه معظمه ومدینه منوره عتبات نجف وغیره وغیره بکنی مابابد از این فیض محروم باشیم برای‌چه کلاهت را قاضی بکن وسلطان را راضی انشاءاله این‌کار را بکنی بخدا قسم بهمان ائمه علیه‌السلام قسم‌است آنچه بخواهی که ممکن باشد درحق توالتفات خواهم‌کرد که بهیچ نوکری نشده باشد‌البته اصرارکن ابرام‌کن دلیلی ندارد که مقبول نشود اگر دعوت واجازه نشود لابدآباید استعفا بکنم وبزیارت بروم‌او را هم‌البته تونباید راضی بشوی زیاده چه تاکید شود میدانی که هیچ خیال پلوطیك در این فقره نیست اگر بود اول توباید میدانستی صاف وپاك محض زیارت است وکار تازه بامزه‌ایست چه عیب دارد پادشاهان قدیم نکردند دلیل نمی‌شود که من نکنم.» عین این نامه در صفحه بعد گراور شده است

و در نامه دیگر چنین نوشته.

«مشیرالدوله. عرایض شما رسید گفتگوئی که باعالی پاشا کرده بودید درفقره معهود وقبولی عالی پاشا اراده مارا در مسافرت نمی‌دانی چقدرها مایه خوشحالی ماشد واز طرز گفتگوی شما وغیرت وصداقت شما زیاده از حد خورسند شدم وبخصوص از این جهة زیادتر از همه چیز مشعوف‌ترهستم که یکنفر مثل شماآدمی در ایران هست که دردکار را بداند وغیرت دولت را بکشد وعاقل و زیرك وکاردان باشد وبفهمد چه میکنند وچه می شنود میداند که این قسم آدم درایران بسیار بسیار نادر بلکه هیچ نیست والبته بایدازوجود یکنفراز این نمونه تشکر خوشحال بشوم.

همانطورکه مصلحت دانسته بودید فردای ورود عرایض‌شما ناظم‌افندی را خواستم وهمانطورها اظهار کردم ورضامندی ازعالی‌پاشا وغیره وگفتم بنویسد و تلگراف بکند و از وزارت خارجه هم گفتم در این فقره بشما تلگراف شد انشاءاله امیدوار هستم بعداز انجام این مقصود التفاتی که لایق اجرای این اراده ماباشد بشما بشود همانطورکه نوشته بودید بازدرکتمان این‌امر ودر سر نگاهداشتن این اراده اهتمام تمام شده ومیشود اما هر چه نزدیکتر بفصل ومقصود میشود دیگر نمیتوان در سرآن‌کوشید بحسب ضرورت‌واجرای بعضی تدارك وکارهای‌لازم این سفرواراده باید آشکار وابراز شود من‌مترصد این هستم‌که هر وقت ازشما در افشا و ابراز این فقره بما تلگراف بشود آشکار بکنم بعداز رسیدن این دستخط هروقت درست اطمینان حاصل‌کرد و موقع داشت البته بتوسط تلگراف بعرض برساند که وقت افشای این سر شده است ومن منتظر این تلگراف شماهستم دیگرفقره که‌واجب ولازم است فقره‌آذوقه وسیورسات دواب دیوان است‌در خاك عراق‌عرب که درزهاب وایاب درخاك‌عثمانی دوماه در زیارتگاه‌ها وعرض‌راه وغیره طول‌اقامت خواهد شد وسیورسات یکرروزه این همه دواب از اسب و قاطر وشتر روزی دویست سیصد خروار ازکاه وبونجه خشك وگندم وجو خواهد شد باید این غله و کاه را دولت عثمانی در منازل وزیارت‌گاه‌ها وعرض راه حاضر بکنند یامجانا و تعارفا خواهند داد یا بفروش خواهد رساند در هرصورت باید اینهمه جنس حاضر بشود والا درآنجا مایه معطلی شده وکمال افتضاح برای دولت ماخواهدداشت دراین فقره سعی کرده معین بکنند که این جنس سیورسات راحاضر خواهند کرد یانه لازم است جواب این فقره [illegible]

[illegible]

تو با آن ترکیب زیبا که نقطه وهمه نیست سونه [illegible]

[illegible] عتبات لطف [illegible] سوگند ما بار از این فیض محروم باشد [illegible]

[illegible]

اگر گوئی [illegible] باشد در حق تو الفت [illegible]

هیچ نگار فرزانه باشد [illegible] اینه اصرار کنی

اصرار کنی دریغ نه [illegible] مقبول [illegible]

در انجام مقصود و انجام سیورسات انشاءاله تعالی شما باید نهایت سعی را بکنید زیاده فرمایشی نبود.» (این نامه در این صفحه گراور شده است)

دراین سفر بواسطه اقدامات سپهسالار مامورین دولت عثمانی پذیرائی شایانی از ناصرالدین شاه مینمایند که قبل از آن تصور آن را نمیکرد.

بالاخـره در بازگشت نامـه‌ای باین شرح بـه سپهسالار مینویسد و اورا باخود

بطهران میآورد .

«مشیرالدوله

من در امور دولتی افکار خوب دارم که انشاءاله دولت ترقی کند و کارهای بزرك در دنیا بکند و این کارها اسباب میخواهد از من تنها هرچه باشم چه ساخته میشود ازشما ها بهتراسبابی البته نخواهد بود خدمات سابق لاحق بخصوص خدمات سفرعراق عرب ماهیچوقت فراموش نمیشود حالا را دیگر خوب است که در اسلامبول مشغول سفارت باشد باید خدمات رکابی راچندی متصدی باشد بخصوص درشعبات بزرگی که مقصود ترقی آنجا هاست انشاءاله قرار خدمات شما در طهران داده خواهد شدالبته در رکاب بیاید بطهران من مثل شماآدم ها را ده دستی نگاه میدارم واز دست نمیدهم آسوده باشد .» (عین این نامه در صفحه ۲۱ گراور شده)

ناصر الدین شاه پس از ورود بـه تهران در تاریـخ ۲۹ رمضان ۱۲۸۷ بموجب «دستخطی» سپهسالاررا بوزارت عدلیه ووظایف وموقوفات منصوب کرد و یك جبه شمسه دار ویك حلقه انگشتری الماس نیز بوی اعطا نمود

مشیر الدوله دردوره وزارت عدلیه بازبواسطه کفایت ولیاقت خود توانست رضایت مردم را جلب کند وبامور دیوانخانه سر وصورتی دهد .

مرحوم عبداله مستوفی در کتاب خود مینویسد .

«دراین چند ماهه وزارت عدلیه خودکه در حقیقت شاخص هیئت وزراء شده بود بقدری زبر کی وزرنگی ومردمداری بخرج داد که همه حتی شاهزادگان درجه‌اول کشور مانند اعتضادالسلطنه ونصرت‌الدوله را هم بخود معتقد کرد خوب چیز مینوشت خوب حرف میزد درکارها بسیار جدی بود پشتکار خستگی ناپذیر ودلیری و شهامتی بسزا داشت همت بلند اورا از مدرسه ومسجد وعمارتی که‌در جنب آن برای خانه‌خود درآندورساخته است میتوان اندازه گرفت .

وطنپرستی وعشق بترقی کشور وانتظام امور دراو جبلی بود برای این جمله احکام ودستورهای او که در کارهای کشورداد،دلیلی بس‌هویداست باهرچه کهنه بود دشمن ودر همه چیز بنوی وتازگی معتقد بود و بافکار پوسیده ورسوم قدیم وقعی نمی گذاشت ولی‌از آفات‌تمدن‌اروپائی هم که سالیان درازدرآنجاها بسر برده بود بدور نبود وحتی چندان پابی مخفی داشتن کارهای خصوصی خود هم‌دراین زمینه نمیشد واین موضوع وسیلهٔ‌حمله‌بدست دشمنان اومیداد اماغرور جناب اشرف صدراعظم مانع‌آن بود که باین چاهیکه بدست خود جلو خویش میکند توجهی داشته باشد .»

خلاصه سال بعد ناصر الدین شاه چون کسی را بهتر ازمشیر الدوله برای نظم و ترتیب امورلشگری نمیدانست اورا بالقب«سپهسالاراعظم» به « وزارت عسگری » انتخاب ومنصوب نمود .

سپهسالار دراندك زمانی قوانین ومقرراتی برای ارتش ایران وضع ومدارس نظام برای تربیت افسران ایرانی تأسیس کرد وباید گفت دراثر پشتکار وجدیت سپهسالار تحول وپیشرفتی درارتش ایران بوجود آمد که تاآنموقع کم سابقه بود .

خدمات سپهسالار دراین مدت کم بیش ازپیش ناصر الدین شاه‌را فریفته استعداد و لیاقت او کرد ودرماه بعد همان سال یعنی ۲۹ شعبان ۱۲۸۸ فرمان صدر اعظمی سپهسالار راصادر و «نیك وبد جمیع امور دولت»را بعهده او محول مینماید .

راولینسون انگلیسی راجع به سپهسالار مینویسد .

« میرزا حسینخان سپهسالار یك مرد بسیار با هوش لایق و کاری است و کمتر کسی را میتوان دارای اینهمه استعداد وپشتکار تصور نمود . »

مسعود میرزای ظل السلطان در تاریخ مسعودی راجع به چهار فرزند میرزا نبی خان مینویسد .

«میرزا نبی‌خان شخص زرنگی بود بواسطه زرنگی خودش ترقی کرد چهار پسرداشت حاج میرزاحسینخان پسر بزرگش و پسر دومش نصراله خان سیم یحیی خان چهارم میرزا عبداله خان - شعری مشهور و معروفست تواگر باغ گلی اوچمن یاسمن است-در گلستان جهان هردوندارند نظیر. این شعر را باید در حق این چهار برادر این قسم خواند درخارستان جهان هرچهار ندارندنظیر حقیقه چهار شیطانی مجسم بودند بخصوص برادر بزرگشان حاجی میرزا حسینخان چون مدتها در عثمانی واروپ ومصر زندگی کرده بود منظور اصلیش ومقصود کلیش تغییر وضع سلطنت قاجاربود وخیانت بولی نعمت تاجداروبهترین راه برای این مقصود نفرت عامه را ازدولت ونفرت دولت را از عامه فهمیده بود آنچه ممکن بود میان قبله عالم باخانواده سلطنت ونوکرهای صدیق دولت ورعایای مطیع بیچاره پاکباز لاینقطع فساد میکرد وشیطنت خدانخواست والا از مدحت پاشای عثمانی وحسین عونی پاشا وسایر خائنین هزار درجه خیالاتش بالاتر وشخص خبیثش بدتر بود ......»

مخالفت کهنه پرستان با سپهسالار

اعطای امتیاز رویتر که ایران را دربست بانگلیسها وامیگذاشت ازخطاها واشتباهات بزرك وجبران ناپذیر سپهسالار است که در اوایل صدارت بدان مرتکب شد و خود نیز همیشه باین اشتباه معترف بود .

بعد از اعطای امتیاز رویتر که بتفصیل شرح آن خواهد آمد ناصر الدین شاه با سپهسالار درسال ۱۲۹۰ عازم اروپا میشوند .

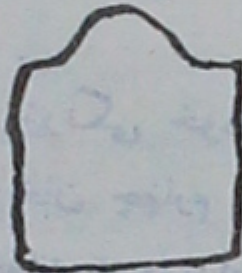
درغیاب شاه وصدر اعظم مخالفین میرزا حسینخان که اورا سد راه پیشرفت خود ومانع استفاده های شخصی خویش میشمردند با هم متحد شده امتیاز رویتر را پیراهن عثمان کرده بعنوان اینکه سپهسالار میخواهد در ایران راه آهن ایجاد کند و فرنگیها را بایران بیاورد و دین و ایمان همه را بباد دهد با اغوای اهالی پایتخت شورشهای مصنوعی ایجاد کردند ودسته جمعی نامه‌های مفصلی بناصر الدین شاه نوشته ومردم را جبراً بامضاء ومهر کردن نامه‌ها واداشتند که ما سپهسالار را نمیخواهیم واگر شاه سپهسالار را بطهران بیاورد بامخالفت همه روبرو خواهد شد .

مهمترین مخالفین سپهسالار عبارت بودند از انیس الدوله سوگلی حرم ناصر الدین شاه که بعلت مخالفت سپهسالار با ادامه مسافرت او باروپا ازدشمنان سرسخت سپهسالار شده بود و از رجال معتمد الدوله فرهاد میرزا که در غیاب شاه عهده دار نیابت سلطنت بود ومستوفی الممالك وازروحانیون حاجی ملاعلی کنی ومیرزا صالح عرب را باید نام برد .

بالاخره پس ازورود شاه وصدر اعظم به بندر انزلی مخالفین به پا فشاری خود میافزایند وبا ارسال تلگراف و نامه اورا سخت تهدید میکنند . ناصر الدین شاه ناچار ظاهراً سپهسالار را درتاریخ چهاردهم ماه رجب ۱۲۹۰ ازصدارت عزل و بموجب دستخطی باین شرح

«دولتخواهی وخدمات مشیر الدوله درنظرهمیون ماهمه وقت جلوه گربوده است دراین وقت که از شغل صدارت استعفاء نمود وبرای مصالح دولت استعفای معزی الیه راقبول فرمودیم ونخواستیم بی کار باشد لهذا حکمرانی مملکت گیلان رامرحمت فرمودیم ویقین داریم برحسب آبادی و رواج تجارت و غیره گیلان را سرمشق سایر

بلاد خواهد کرد. رجب ۱۲۹۰» (این «دستخط» در این صفحه گراور شده)



[illegible] مشیرالدوله [illegible]

[illegible]

[illegible] استعفای [illegible]

استعفای [illegible] را [illegible]

[illegible]

[illegible] رجب [illegible]

۱۲۹[illegible]

[illegible]

بحکومت رشت میگمارد وخود بتهران میآید.

مدت معزولی سپهسالار زیاد طول نکشید وچون ناصرالدین شاه باو علاقمند بود وکسی‌را لایق تر وشایسته تر ازاو نمیشناخت در تاریخ ۱۸ شعبان ۱۲۹۰ بتهران احضار وبوزارت امور خارجه وسپس مجددا بصدارت منصوبش میکند.

میرزاحسین‌خان سپهسالاردرهنگامی که دررشت بسرمی برد نامه‌هائی به ناصرالدین شاه مینویسد که برای اطلاع ازروحیه وافکار او وعلت دشمنی مخالفین شیرین وخواندنی‌است ومن دراینجا چند نامه اورا نقل میکنم.

نامه اول که در موقع عزل و هنگامی‌است که نوشته‌های مربوط بامتیاز رویتر را بضمیمه آن نزد ناصرالدین شاه میفرستد.

« قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارک شوم. دیروز که بواسطه منشی حضور جواب یاد داشت های همایونی معروض میشد در فقره کاغذ وزیرخارجه انگلیس ونوشته جات رایتر عرض کرده بودم که همه آنها سربسته تقدیم خاکپای انوراعلی خواهد شد جهةاین بود که چون انفکاک فدوی خانه‌زاد از اردوی همایونی بغتة به وقوع رسید اکثری از بارهای خانه‌زاد رفته بودند دیروز ودیشب در منزل امین السلطان بودند الان که در منزل اسمعیل‌آباد رسیدند فورا اطاعت امر همایونی را نموده اصل کاغذ وزیر خارجه انگلیس که بعنوان فدوی نوشته است باترجمه او وسه طغرا نوشته رایتر در جوف همین پاکت تقدیم حضور مهرظهور شاهنشاهی روحنافداه گردید چه سعادتی از برای خانه‌زاد بالاتر وبهترازاین میتواند شد که در این موقع ومشکل دید فدوی یکی از خدمات عمده خانه‌زاد مجددا ملحوظ نظر انور اعلی روحنا فداه گردد تافرق عظیم فیمابین خدمات خانه‌زاد و حرکات معاندین بنده از تازه‌گی بدهند انشاءاله به غضب خدا و سایه خدا گرفتار شوند که مرابی جهت از زیارت جمال مبارک واصغای فرمایشات همایونی اگر موقت هم باشد محروم کردند واله از غصه وفکرهلاک خواهم شد اگرخداوند انتقام مرا از آنهانکشد کفرخواهم گفت زیراکه نیت واعمال فدوی خانه‌زاد در درگاه‌خداوندی پوشیده نیست ودرآن دستگاه شبهه وتزویر راه ندارد البته تابحال عریضه غلامرضاخان ونوشته که بفدوی نوشته بود ملحوظ نظر مبارک شده است وملاحظه فرموده‌اید اولا اصل عمل اینقدر اهمیت نداشته است که به تصور آمده بود ثانیاً بعداز آنکه جانشین شما بزور محصل وفهش عریضه مردم بمهراند وهیئت فساد حاضر کند ودر تلغراف اسامی دروغ بنویسند تقصیر مردم چیست من بنده کمترین درباره این‌ملت بجزخیرخواهی وبی‌طمعی خالص چه کرده بودم منتها بچهار نفر روسا گفته ام آدم بشوید دزدی از مال دولت‌ومال مردم نکنیدباین تقصیر بایداسبابی فراهم آورند که امروزفدوی‌باین‌ذلت وحقارت‌آواره ازوطن و نفی‌بولایات بشوم از عزل وخلع ازکار خدا میداند شکایت ندارم دردفدوی در محرومی ازحضور مبارک‌ودربدر شدن‌است‌معاندین میرزاتقی‌خان امیرمرحوم خیلی‌بدتر وسخت‌تر ازاین هنگامه پای کارآوردند مرحمت وایستادگی ملوکانه وقایه او را نمود و هیچ‌نشد بخت بنده کمترین چنین بوده است رضاً به قضاءاله وتسلیما لامرظل‌اله روحنا فداه.

سه‌طغرا کاغذ رایتر هریك تفصیل وتوضیحی داردکه حقیقةگریه مجال عرض نمیدهد بهرکه محول می فرمائید تاازاردوی همایونی دورتر نشده‌ام بیاید تاحالی شود کاربی عیب‌است مطمئن باشید خداوند هزار مرتبه جان‌ناقابل فدوی‌را به تصدق خاکپای مبارك نماید که اگر مرحمت باطنی شاهنشاهی روحنا فداه نبود حالت من‌بی‌چاره بی کس که همه راول نموده ودست توسل برضای خاطر مبارك و اجرای منظورات همایونی زدم لاغیر چه‌می‌شد زیاده زبان وجسارت امرندارم. امرالاقدس‌الاعلی مطاع‌مطاع مطاع »

عین این نامه در صفحه بعدا گراور شده است

نامه دوم را از رشت که درحکم زندانی برای او بوده مینویسد.

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارك شوم. زیارت دستخط مبارك جهانمطاع شاهنشاهی روحنا فداه خداوند شاهداست مثل اعجاز عیسوی این مرده حقیقی راجان تازه داد ومجددا ازوادی عدم به صحرای وجود آورد چنانچه بادست ودل شکسته وتن خورد شده فورا از بستر برخواسته مشغول عریضه نگاری شدم خداوند هزار مرتبه جان ناقابل این خانه‌زاد ذلیل بیمقدار را بتصدق وجود مسعود قدردان همایونی روحنا فداه گرداند وبه‌لعنت خداوند گرفتار ـ زد اشخاصی راکه از بابت نقص فهم‌وعدم شعور سلب حقوق وقدردانی ازوجود مقدس شاهنشاهی روحناه فداه مینمایند که والله از روی اعتقاد عرضه میدارم در ربع مسکون به حقوق همایونی هنوز کسی سراغ ندارم هرکس یك قدم به‌صدق وازادت در خاکپای مبارك حرکت کرد اقلا ده‌قدم بمرحمت وعطوفت بااو رفتار فرمودید وازصدخطای اواغماض‌ملوکانه فرمودید والله باالله تاالله تازنده‌ام در هر مقامی که میل مبارك اقتضا فرماید که بنده کمترین را درآن مقام نگاه دارند‌ام‌از اینکه مسند صدارت یاانزوای گیلان یاخدای نکرده‌بدتر وپست‌تر ازآنچه حالا هستم فدائی وجود مبارك وشاکر مرحمت‌های سابقه خواهم بود واز بنده کمترین به جز صدق ودولتخواهی وطالب عظمت اسم مبارك درمیانه سلاطین وانتظام امور دولت وعدم اعتنای به جیفه دنیائی نه بوقوع رسیده است ونه بعداز این خواهد رسید انشاءاله تعالی ـ مرقوم شده‌است که مردم راکول زده‌اندو تاسف وجود مبارك از تاثیر بداین وقوعات درفرنگستان است که هنوز مردم ایران را بی‌تربیت وبربر خواهند دانست اگر در نظر مبارك همایون روحنا فداه باشد مکرر عرض کرده‌ام که اصل مسئله به این اهمیت نیست که تلغراف نامه‌جات سرکار علیه‌عالیه انیس‌الدوله دامت شوکتها ومعتمدالدوله که هردو بافدوی بیمقدار غرض دارند در نظر مبارك ملوکانه جلوه میدهند ومیخواهند تاتاریك است و هنوز روشن نشده است مقصود خود را بعمل بیاورند والله اکثری ازاین اشخاص را به‌ضرب فراش ومحصل وفحش در مجلس واداربمهر نموده‌اند مردم جاهل وعوام هم‌چه کندمی‌بینند که از یك‌طرف حرم مقرب جلالت واز طرف دیگر معتمدالدوله امین و جانشین سلطنت و از سمت دیگر اشخاصی مثل حاجب الدوله و امین حضور و میر شکار و ساری اصلان که هریك خود را درانظار عوام هزار مرتبه از فدوی مقرب تر جلوه داده بودند باین قسم آشکار اصرار نموده تهدید مینمایند حتی امین حضورواضحا می‌گوید حضرات من فرنگستان رفتنی بودم یا خیر خرج راه و تمام ملزومات این سفر را گرفته بودم یا خیر الان هم من دیوانه نیستم که باین کار پر خطر اینقدر اصرار نمایم واله مرا مامور از برای انجام این خدمات معاودت دادند و الا باین مردم من چه کرده ام کدام حقوق حقه آنها را قبل از وقت ادا نکردم فهاش و هتاك نبودم احترام ظاهری جمیع طبقات نوکر را از همه صدور سابق بهتر حفظ میکردم العیاذ بالله طمع بمال احدی نداشتم. در مدت دوسال صدارت بنده احدی درایران بلکه درجمیع دنیا نیست که بتواند بگوید ده شاهی‌الی صدهزار تومان ازاوبه من رسیده‌است.

دراین مدت یکنفر نوکر بنده بهیچ اسم ورسم ازدروازه‌طهران بولایات مامور نشد به‌اقوام وعشایرخودم روندادم ومسلط به‌مردم‌نکردم بلکه میتوانم عرض کرد که آنها درایام صدارت من از یهودی کمتر و بی‌عظم‌تر بودند بله کاری که داشتم حفظ مال دولت را به‌اشد درجه میکردم چون خود سارق نبودم اجازه سرقت هم نمی دادم والله غیر اینفقره نسبت به‌این مردم در خود خطا وتقصیری سراغ‌ندارم از نیت فدوی هم خاکپای مبارك از همه کس بهترعلم واطلاع دارند زیرا اگر سعایتی‌از نوکرهابایست کرده باشم در خاکپای جواهر آسای‌همایونی بوده است.

در مدت دوسال یك نفرچوب نه‌خورد یك گوش بریده نشد یك‌تومان‌جریمه گرفته نشد یك‌نفرازنوکرها از خدمت خود معزول نشدند مکرر در خاکپای مبارك استدعای احضار مستوفی الممالك رانمودم مکرر فرمودید دهات او را بجهة اخراجات باغات اوضبط دیوان نمایم به‌عجز والحاح مانع شدم ازمال وکس وکار او به طوری مراقبت‌نموده نگاه داری کردم که درایام خود اواین‌قسم محترم‌ومحفوظ‌نبودندخلاصه بجهةدولت‌وبجهةرعیت‌واز برای قره نوکراز فدوی بهترخادم وحافظی نبود لکن از برای گرگها وسارقین خوب نبودم زیراکه مانع خیالات آنها می شدم ـ اماملاها بنمك مبارك همایونی قسم‌است که درهیچ عهدی مثل ایام صدارت فدوی عزیز ومحترم‌نبودند

لکن مداخله درامور دولت را به‌ایشان تجویز نمیکردم

همین آقا میرزا صالح عرب (۱) که فدوی را زندیق مینویسد درایام قحطی دوهزارو سیصد تومان متدرجا که یك هزار تومان دفعة واحده باشد شبانه ومخفی به خانه اوفرستادم که حفظ جان عیال خود را نماید وقتی که حاجی ملاعلی غله انبارداشت ومردم از گرسنگی میمردند وفدوی آذوقه عیال وخانه خودم رابیرون آورده قسمت بفقرا میکردم واوخرواری پنجاه تومان پول میبردند و غله را به امید گرانتر فروختن نمیدادوبندگان خدا تلف میشدند حالا آنها حافظ شریعت وفدوی مخرب دین است به حمدالله باوجود بیست وهفت سال درفرنگستان بودن تا امروز مسکرات به لب من نخورده است ویك روز روزه من ترك نشده ویك نماز از من عمدا وبلاسبب فوت نگردیده است ویك سائل وارد ننموده‌ام و یك پول به قمار صرف نکرده‌ام وهرگز درمعاصی صغیره و کبیره مصروبی پروانبوده‌ام تقصیری که کرده‌ام یکی ازمزارع معتبر فیروز آباد رابه جناب آقانداده‌ام وحفظ مال دولت کرده‌ام حالا شنیدم آن مزرعه راداده اند و میرزا عیسی و نواب معتمدالدوله به اصرار آن نوشته‌هارا گرفته‌اند دربارهٔ میرزاعیسی چه‌ها کرده‌ام ذات اقدس همایونی بهترین شاهد وگواه فدوی خانه‌زاد میباشند .

اگرآنچه در حق هریك از عارضین احسان نموده‌ام عرضه دارم جواب اصل فرمایش همایونی از دست خواهد رفت بهتراین است که خداوند حاکم عادل‌را فیمابین خودم وایشان حکم قرار بدهم و دادخواهی دل‌سوخته خود را از احکام غیبیه الهیه به خواهم . مرقوم شده‌است که بالمره از خیال صدارت و وزارت اعظم خود را فارغ سازم اطاعت امرالوالامر را نموده ومینمایم در آتیه ابدا به مخیله خود خطور وقوع چنین امری را نه خواهم داد مرقوم شد است که از برای رفع این عیب و تاثیر نیك درقلوب جمع اهل فرنگستان میل دارید ورای همایونی علاقه گرفته است که فدوی را تابیستم شعبان احضار فرموده بمسند وزارت خارجه اقعاد فرمائید و ابدا خیال تجاوز ازآن مسند رانداشته باشم و مرقوم شده‌است تعارف واظهار اطاعت راکنار بگذارم وخیال عاجزانه خودم را درقبول یارد بطورصراحت عرضه دارم ودرهمان وعده منتظر احضار همایونی باشم لهذا جسارت ورزیده عرضه میدارم که مسند وزارت خارجه مرحمتی همایونی را باکمال تشکر قبول دارم وابدا — خیال تجاوز را نه خواهم کرد وانشاءالله در همین مسند خیالات عالیه همایونی را باخارجه مجری داشته مصدر خدمات خواهم شد ورضای خاطر مبارك‌را تحصیل خواهم نمودانشاءاله تعالی وبامستوفی‌الممالك وسایر اولیای دولت هم بهٔ طوری که میل مبارك است بدون انتفاع درد سروزحمت بخاکپای مبارك راه میروم والله معزولی از صدارت در نظر فدوی اینقدر اهمیت ندارد زیراکه در اسلامبول در منزل خودم یك صدراعظم منصوب وشش صدراعظم معزول دفعة واحده دیده‌ام امامان‌از ذلت تهی شدن ودربدرگردیدن واز خانواده دور ماندن والبته ازیك حرکت عزم ملوکانه و اعتبار و استقلال

۱ــ **سید صالح عرب** ازعلمای متنفذدوره ناصرالدین شاه است ودر کتاب المآثروالآثار راجع باوچنین مینویسد :

« میرزا محمد صالح عرب مشهور بداماد پسرآقا سیدحسن است که داماد سیدعلامه صاحب الریاض بوده در حفظ حدود وحمای حقیقت غیرتی شدید داشت .

ازاین جهت فتنهٔ درشهر کربلا برپاکرد که جماعت کثیر درآن واقعه بقتل رسید وخود مشارالیه رااسیرا بدارالسعاده قسطنطنیه بردند وباقدام امناءاین دولت مقارن سنین اوایل جلوس همایونی ازآنجا بطهران آوردند با مقام فقاهت ومزید جلالت خلقی سخت خشن داشت وبهنگام غضب اصلا خویشتن را متمالك نبود بتلاوت قرآن مواظبتی فوق‌العاده از او مشهود میشد ودراحترام کلام الهی اهتمامی غیر متناهی میفرمود و هیچوقت قرآن را در حال قرائت وغیرها برزمین نمی گذارد بر ریاض جدش حاشیه نوشته مسماة بزهرالریاض و برروضه شهید نیز حاشیهٔ داشت ومیفرمود اگرتمام ناروضةالصفا نبود .این حاشیه رانیز صفاالروضه مینامیدم ونیز در اصول کتابی ساخته مترجم بمهذب. اولاد ذرینه‌از اونماندواز بناتش یکی در خانه شریعتمدار آقا سید عبداله خلف الصدق آقا سید اسمعیل بهبهانی علیه الرحمه است فوت‌این بزرگوار سال یکهزار وسیصد و سه هجری بدارالخلافه ناصری‌روی داد وکالبد شریفش بعتبات ائمه‌عراق‌حمل افتاد .....»

[illegible]

۱۲۹۰

دولت علیه خودتان را احیا خواهید فرمود بحق خدا در فرنگستان الان خیلی ضرر وسکته به اعتبار دولت ونیات همایونی رسیده‌است .

حالا که رای مبارك به صرافت طبع همایونی به اینفقره علاقه گرفته است وفدوی خانه زاد هم در جنب اوامر ملوکانه اطاعت صرفم دیگر تزلزل به خاطر مبارکتان راه ندهید وبه اهل ایران وفرنگستان و اضحا وعلنا معلوم نمائید که باستقلال آزادی همایونی نقصیه نرسیده است

در ورود به‌طهران میرزا سعیدخان را ازاین کار خلع نموده و موقتاً رجوع به‌معتمدالملك فرمائید چنانچه شفاها فرمایش فرمودید او راهم از پیش کاری آذربایجان یافارس یاتولیت حضرت‌رضا سلام‌الله علیه یااجزای‌شوری یانشستن درخانه وگرفتن مواجب هریك را در نظر مبارك‌مناسب آید معمول خواهید فرمود رفع تغییر بدون‌تقصیر سرکار علیه‌عالیه انیس‌الدوله دامت شوکتها را خانه‌زاد بعداز شرفیابی بحضور مبارك بدادن پیشکش و رفتن بخانه جلالت ایشان بطوری خواهم نمود که اسباب زحمت وجود مبارك نشود خداوند جان ناقابل فدوی ذلیل و خانه‌زاد نفی‌را بقربان خاکپای مبارك نماید آمین ثم آمین .

معروضه‌ظهر روزشنبه ۲۷ شهررجب ۱۲۹۰ . از محبس رشت . خانه‌زاد حسین »

عین این نامه در صفحه قبل گراور شده است

سپهسالار دو باره روی کار میاید چنانکه گفته شد مدت معزولی و توقف سپهسالار دررشت چندان طول نکشید و تقریبا بعد ازیك ماه بواسطه کاردانی وکفایتی که ناصرالدین‌شاه دراو سراغ داشت ومخصوصاً برای لغو امتیاز نامه رویترورد دعاوی آن کمپانی که زیاد اورا مشوش ساخته بود بتهران‌احضارش‌میکند ودر ۱۸ ماه شعبان ۱۲۹۰ بتهران وارد میشود ولی از ترس دشمنان سپهسالار ومخالفت مردم درهنگام احضار او احتیاطات لازمه را بعمل میآورد .

نامه‌ذیل‌را ناصرالدین شاه بخط خود درآنموقع بعنوان معتمدالملك برادرسپهسالار نوشته وبآنها نصیحت میکند که بسیار بااحتیاط رفتار کنند .

«معتمدالملك

مشیرالدوله امروز باتلگراف احضارشد که بخانه وسرعیال‌خودش بیاید اولا بشماها همه وبخود مشیر الدوله نصیحت میکنم بهیچوجه حرف بد وسرد ودرشت نسبت بعامه مردم نگویند که مردم متوحش بشوند بی جهة البته این نکته را بهیچوجه فراموش نکنید البته .

ثانیا مشیرالدوله دشمن زیاد دارد درآمدن بطهران درعرض راه بسیار احتیاط دارد مبادا خدانکرده امری روبدهد هرطور مصلحت بدانی ازفرستادن بعضی نوکرهای محرم زرنك که بروند در معیت او باشند و متوجه باشند بسیار بسیار لازم است این دستخط را دوباره پس بده بیاورند در هردو فقره کمال مراقبت را بکن البته البته .»

واین نامه‌را نیز بعنوان سرکرده طایفه چکنی مینویسد .

«باقرخان سرکرده طایفه‌چکنی وسایر سرکردگان ایلات را مرقوم میشود .

مشیرالدوله را ازگیلان برکاب مستطاب احضارفرموده‌ایم آنعالیجاهان‌بایددرهرجا بامشیرالدوله الی‌دارالخلافه همراه باشند وبهرچه حکم کند اطاعت نمایند. شعبان‌المعظم ۱۲۹۰ »

عین این دو نامه در صفحه بعد گراور شده است

هنگامی که سپهسالار بتهران‌میآمد دربین راه نامه‌ای‌بشرح زیر برای ناصر الدین شاه مینویسدوضمن‌تشریح خدمات خودازاینکه «شاه» اورا در برابر مخالفین حمایت‌میکند تشکر مینماید .

«قربانخاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارك شوم.

روز چهارشنبه ۱۵ شهرحال سه ساعت بغروب مانده بعداز زیارت امامزاده واجب‌التعظیم شاهزاده حسین و دعای بوجود مبارك در وسط دروازه چاپار منشی حضور وارد ودستخط مبارك جهانمطاع همایونی روحنا فداه که بافتخار این غلام کم نام شرفصدور یافته بود زیارت نموده زاید علی‌ماسبق برمدارج تشکر وعبودیت و خاکساری فدوی بیمقدار افزود مرقوم شده‌است که نمیدانم بعداز احضار فدوی چقدر مردم بهمهمه وصدا آمدند و به‌چقدر زحمت وتدابیر مردم راساکت فرمودید

خداوند جان ومال وهرچه دردنیا دارم به تصدق وجود مبارك همایونی نماید که از برای خانه‌زاد اینقدر زحمت وصدمه بوجود مسعود مبارك خودتان واردآوردید صفت بزرك سلاطین تاجدار حمایت و نگاهداری مظلومین ومتهمین وضعفااست ودر این ماده خدای وحده‌لاشریك‌له علیم‌است که فدوی مظلوم ومتهم میباشم ودر تنهائی وبیکسی نیز از روی واقع مورد مدلول این مصرع شده‌ام حسین یك‌تن است وعدو صد هزار اینفقره هم البته در خاکپای مبارك مکشوف است که غلام خانه‌زاد باین مشقت وخطر نیفتاده‌ام مگراز برای حفظ مال‌وانتظام امور همایونی مرقوم شده‌است مایه جمیع این شبهات در نزد ملاها وعوام‌الناس فقره راه‌آهن است وچون خانه زاد خوب اطلاع دارم باید بهادله تامه‌با قرارنامه راه‌آهن را فسخ وباطل نمایم یاشروط او را مثل اجاره کمرك وغیره

تبدیل نمایم .

در جواب عرضه میدارم اولا در خاکپای مبارك پوشیده نیست که قرارنامه راه‌آهن مهرجمیع این وزرای حاضر که حالا مدعی هستند دارد غیراز مهر فدوی وقرارنامه منعقدنشد مگربه اصرار همایونی که‌آنوقت کمال میل را به ترویج این کار اظهار میفرمودید باوجود همه این‌ها مکرر عرض نموده وحالا هم تجدید میثمایم احدی را مداخله در این کارها مدهد انشاءاله بتوجهات حضرت ظل اللهی اروحناه فداه فقره راه آهن را بطوری که منظور همایونی ومیل روسای ملت است انجام میدهم تاوجود مقدس شاهانه آسوده شوند وهم‌چنین تمسك یك کرور که در نزد کلنس است وآوردن تفنك‌ها ازپروس برطبق امر ومیل مبارك بدون هیچ تفکر وزحمت وخسارت صورت انجام خواهد گرفت خاطر مبارك آسوده ومطمئن باشند وخدمات پر زحمت و بزرك که دیگران از انجامش اظهار عجز نمایند در سایه مبارك و از برکت تربیت های همایونی انجام داده‌ام وبازهم خواهم داد اینفقرات مرقومه قابل این که خاطرمبارك رامشغول فرمائید نیست مرقوم شده است

در عرض راه وطهران و گردش کوچه‌ها کمال احتیاط را بعمل آورم که خدای نکرده خطری واقع نشود چگونه در قوه دارم که تشکر این نوع مراحم و الطاف باطنیه همایونی را بعمل‌آورم مگراین که تازنده‌ام وجود نابود خود را فدائی وجود مبارك همایونی کنم از رشت تااین منزل که اماه‌زاده کازره سنك است از فضل‌خدا وتوجهات ملوکانه سالماآمده‌ام واحتیاط کرده‌ام قدری سواره اینانلو همراه خانه‌زاد هستند در ورود بدارالخلافه هم خیال کوچه‌گردی ندارم ومی‌خواهم در خانه محقر خود نشسته وخارج نشوم .

در هرحال حفظ وجود جمیع رعایای دولت خاصه این خانه‌زاد در ید قدرت همایونی باید باشد مرقوم شده است اغلب این مردم خصومت وعداوت کلی بافدوی دارند خداوند خیر بدهد معتمدالدوله و میرزا عیسی ومعاون راکه مردم را بافدوی بسرخصومت آوردند وحالا هرکسی ازکرده خود. جبون است دیروز چند نفر از علمای دارالخلافه را شخصی‌راوکیل کرده نزد خانه‌زاد فرستاده وبرائت‌ذمه نموده بودندکه هریك از مارقعه بخط معتمدالدوله را داریم که نوشته است میل مبارك همایونی در نوشتن ومهرکردن اینعرایض است اگر نکنید بر خلاف میل ملوکانه رفتار نموده‌اید .

بعد از همه‌این‌ها باز حالا دست بر نمیدارندومی‌نشیند ورقه می‌نویسانند وآدم میرزا عیسی شب در کوچه می چسباند و از طرف دیگر آدم به کازرسنك میفرستد که مرا معتمدالدوله گول زد و وادار باین حرکات کرد .

اما فدوی بسرمبارك شاهنشاهی روحنا فداه که بجهة خانه‌زاد بزرگترین سوگندهاست قسم میخورم که بعداز ورود بدارالخلافه به‌آن قسمي که میل خاطر مبارك است ودر دستخط بافتخار معتمدالملك مرقوم شده بوددر باره حضرات نه شفاهانه مکتوبا ونه اشارة وکنایة یك کلمه اظهاری، گلهٔ ،تهدیدی ،درشتی به ظهور نیاورده در کمال ملایمت وفروتنی حرکت خواهم نمود وانشاءاله ابدا تصدیع‌وسیله‌وزحمت وجود مبارك نخواهم شد خداوند هزار مرتبه جان مرا بقربان خاکپای مبارك نماید آمین ثم‌آمین ثم‌آمین .

معروضه ظهر روز پنجشنبه ۱۶ شهرشعبان ۱۲۹۰

از امامزاده. کازرسنك است.غلام‌خانه‌زاد حسین»

عین این نامه درصفحه بعدگراور شده

بالاخره سپهسالار بتهران میآید وابتدا درتاریخ بیستم ماه شوال ۱۲۹۰ بوزارت امور خارجه وبعد مجدداً بصدارت منصوب‌میگردد .

دوران وزارت وسپهسالاری وصدارت میرزا حسین خان قریب ده سال طول کشید باآنکه بعد ازمراجعت ناصرالدین‌شاه ازسفر اروپا بطوریکه دیدیم بواسطه مخالفت‌علمای روحانی ورجالی که سپهسالار سد راه ترقی آنان بود ازکار بر کنار شد ولی چون

ناصرالدین شاه کسی‌را لایق تروزرنك ترازاو نمیشناخت دوباره روی کارمیآورد وتااوایل شوال سال۱۲۹۷ هجری قمری کم وبیش زمام حکومت ایران بااین شخص بوده است.
میرزا حسین خان سپهسالار دراین‌مدت کوشش میکرد ایران‌را درشاهراه ترقی بیاندازد وبانفوذ واقتدار روحانیون بسیاری ازرسوم کهنه رامنسوخ و بجای آن‌مقررات و قواعد تازه‌ای وضع وتدوین نمود.

امور سپاهی را سر و صورتی داد وسازمان اداری ومالی کشور را تااندازه‌ای که مقتضیات آنروز اجازه میداد تحت نظم وترتیب درآورد واولین بار بدستور او درتاریخ ۱۸ ربیع الاول ۱۲۹۶ قمری (مارس ۱۸۸۰) نریمان خان وزیر مختار ایران در پاریس یکنفر مستشار مالی بنام بارون شارل دوویس تویفن استاین‌را برای آنکه « عمل مالیه ودفتر مباشرت مالیات دیوانی ازقبیل مالیاتهای داخله ولایتی ورسوم گمرکی دولت علیه ایران را بوضع اروپا مرتب نماید بطوریکه بامقتضیات مملکت موافق باشد » بمدت سه سال ازقرار سالی ۱۸ هزار فرانك طلا استخدام میکند.

بهر حال از روی انصاف باید گفت میرزا حسین خان از لحاظ آشنا ساختن مردم

ایران به تمدن اروپا وآوردن اختراعات اروپائی باین کشور خدمات عمده‌ای کرده و یادگار هائی از خود باقی گذارده است .

روابط سپهسالار با بیگانگان

روابط سپهسالار را با بیگانگان باید بدو دوره تقسیم کرد یکی دوره ارتباط باانگلیس‌ها ودیگر دوره دوستی باروسها .

بد بختانه سپهسالار نه تنها از این دوستی‌ها و نزدیک شدن بخارجیان نتوانست برای ایران فایده‌ای بر گیرد بلکه نفوذ آنها مخصوصاً انگلیس هارا باکمك وهمکاری دوست صمیمی خود میرزا ملکم خان در این کشور چنان شیوع دادکه انگلیسها درهیچ جا نمیتوانستند دلال وواسطه‌ای بهتراز او پیدا کنند و بعداً بطوریکه خواهیم گفت شاید روی همین اشتباهات است که میگویند سپهسالار جان خودرا ازدست داد وناصرالدین شاه اورا مسموم کرد .

قبل از آنکه سپهسالار بصدارت ایران برسد انگلیسها وروسها از ناصر الدین شاه امتیازات زیادی ازقبیل بانك وراه آهن واستخراج معادن وغیره تقاضا کرده بودند و با آنکه درباره اغلب آنها مذاکرات مفصلی هم بعمل میآمد ولی از امضاء وانعقاد قرار داد آنها بیم داشتند وبعنوان آنکه دادن این امتیاز صلاح ومقتضی نیست بامسکوت گذاردن آن اززیر بارانجام این تکالیف شانه خالی میکردند .

ولی وقتی سپهسالار روی کار میآید چیزی نمیگذرد که تمام منابع حیاتی کشور یکجا بنام امتیاز بارون جولیوس رویتر بانگلیسها بخشیده میشود و ناصر الدین شاه را باروپا می‌برد و باآوردن افسران روسی قزاقخانه را ایجاد میکند وهمچنین تمام شیلات را بروسها اجاره میدهد .

درحقیقت همین اعمال سپهسالار جای پائی بود برای بیگانگان که بعدها توانستند امتیازات بی‌شماری بدست آورند و زنجیر اسارت را بگردن ملت ایران افکنند بطوریکه تنها امتیاز رویتر (که باید آنرا از بزرگترین اشتباهات سیاسی سپهسالار شمرد) موجب تقاضای امتیاز راه آهن توسط روسها وادعای انگلیسها برای ایجاد بانك شاهنشاهی وبالاخره درخواست روسها برای تأسیس بانك استقراضی روس بود وهمینطور دیگر امتیازات چنانکه امین‌السلطان درنامه‌ایکه بمرحوم میرزا حسن شیرازی نوشته علت اعطای امتیاز انحصار تنباکورا بانگلیس‌ها اینطور شرح میدهد

« ...... این مسئله امتیاز تجارت دخانیات بکمپانی در اذهان وانظار محل بعضی شبهات گردیده وحقیقت آن در پرده خفا مانده است واین بنده لازم شمردم سبب اقدام ایقاع وجهة الغاء وادفاع آنرا من البدو الی الختم بطریق ایجاز کماهوالواقع باطلاع خاطر شریعت مظهر جنابمستطابعالی دام افضاله برسانم که از بادی و خاتمه آن مستحضر شده بالکلیه کشف غطاء از این مسئله بشود لهذا بتصدیع میپردازد که چون درایامی که مرحوم حاجی میرزا حسینخان مشیرالدوله بخدمت صدارت عظمی دراین دولت جاوید مدت مفتخر بود باکمپانی انگلیسی قرار نامه تمدید راه‌آهن از بوشهر تاگیلان را منعقد ساخت وقرار نامه مزبور بقدری متضمن خطرات دولتی و ملتی بودکه علاوه بر کلمه‌های حقوق دولتی تمام حدود ملکی وملتی هباء منثورا معدود بود همان اوقات ذات کامل الصفات اعلیحضرت قوی‌شوکت اقدس همایون ظل‌اللهی روحنا فداه خطرات مزبور را بنظر دقت ملاحظه و خود آن مرحوم را بالغاء آن قرارنامه مکلف ومحکوم فرمودند هرقدر باکمپانی مزبور ودولت انگلیس مذاکره کرد مقصود حاصل نگردیده براصرار آنها افزود تامشارالیه مرحوم شد بعدازآن نیزتازمان مسافرت اخیره همایونی به

فرنگستان این مسئله بحالت اولیه باقی بود که تقریبا چهارده سال طول کشیده وبرقوام ادعای کمپانی ومخاطرات آن افزوده بود .

از آن سفر بازحمات وتدابیر وشمول تفضلات خداوندی آن قرارنامه مینشومه لغو واین امتیاز تجارت دخانیات که آنوقت همچو مینمود که بهیچوجه ضرری برای دولت وملت ندارد برقرارشد وازآن مخاطرات عظیمه آسودگی حاصل آمد ......»

متن این نامه را در صفحه ۱۸۹ کتاب تحریم تنباکو نقل نموده‌ام

سرپرسی سایکس(۱)راجع به سیاست خارجی سپهسالار مینویسد

«میرزا حسین‌خان ..... معتقد بود نجات ایران بسته بمحترم شمردن واجرای کلیه عهد نامه‌هائی است که ایران با دولت روسیه منعقد نموده در حالیکه اصلاح و بهبود وضع مملکت باید بانگلستان واگذار شود .»

سپهسالار و انگلیسها

سرهانری راولینسون(۲)نویسنده انگلیسی در کتاب خود موسوم به «انگلستان وروسیه در شرق» راجع بانتخاب میرزا حسین خان سپهسالار مینویسد

«در موقع انتخاب این مرد بمقام صدارت چند موضوع کوچك ومختصردر میان بود که میبایست بین دولت انگلیس ودولت ایران حل وتصفیه شود .

گاهی همین موضوعات کوچك دردست اشخاص غیرمناسب باعث اشکال میگردد .»

راولینسون بعد از اشاره بموضوعات مزبور از جمله اختلاف سرحدی ایران و عثمانی وحکمیت انگلیس دربلوچستان وسیستان وقضیه بحرین وبوشهروچاه بهارمینویسد .

« البته درحل تمام این مسائل و قضایا دخالت و نفوذ موافقت آمیز شخص صدر اعظم فوق العاده موثر است .

بنابراین ایجاد روابط حسنه‌از نوجزو پروگرام سیاسی میرزا حسین‌خان سپهسالار بود واین حسن نیت او راه را برای حل‌تمام این‌مشکلات صاف وهموار نمود .

در پروگرام میرزاحسین‌خان صدراعظم ایران که برای‌احیای مملکت ایران طرح شده‌بود مخصوصا این نظر را داشت که منافع ایران را بامنافع انگلستان توام کند .

در آن پروگرام دو ماده اساسی وجود داشت یکی امتیاز رویتر ودیگری مسافرت پادشاه ایران بکشور انگلستان .وقتیکه سیم تلگراف درایران دایر گردیدبعضی نقشه‌های مفیدطرح شدکه دامنه عملیات رابنفع ایران وسعت میداد مخصوصا در رشته‌های صنعتی واقتصادی اروپا که درایران ازآنها استفاده شود .

دراین زمینه‌ها طرحهای زیاد از منابع مختلف پیشنهاد شده بود .

بعضی ازآنها از طرف اشخاص ماجراجو وبی‌اعتبار بود .

این پیشنهادها بمنظور استفاده‌های شخصی بودکه اغلب بایکدیگر مخالف بودند پس‌از مطالعات دقیق در هریك از پیشنهادها صلاح دراین دیده شدکه امتیاز تمام اینها بیك کمپانی داده شود که رئیس‌آن بارون‌جولیوس رویتر تبعه دولت انگلیس است .

دولت ایران بموجب این امتیاز باصلاح دید حاجی میرزا حسین‌خان سپهسالار صدر اعظم تمام منابع تولید ثروت مملکت پهناور ایران را برای مدت‌هفتاد سال به‌بارون رویتر واگذار کرد .

این امتیاز شامل بود از واگذاری وساختن یك خط راه‌آهن از بحرخزر تاخلیج فارس و خطوط فرعی ایجاد تراموای شهری در تمام مملکت ایران واستفاده بلامانع از تمام معادن مملکت ایران باستثناء معادن طلا و نقره واحداث مجاری‌آب برای کشت وزرع تاهراندازه که توسعه آن لازم باشد .

تاسیس بانك وتهیه یك قرضه بمبلغ شش‌میلیون لیره در صورتیکه دولت ایران پنج درصد تنزیل آنرا ضمانت کند و دودر صداستهلاك مبلغ اصلی .

---

1 – Sir Percy Sykes.   2 - Sir H. Rawlinson

حق انحصاری برای کارهای عام‌المنفعه از قبیل تهیه روشنائی شهرها بوسیله گاز وساختن خیابانهای پایتخت ساختن راهها ، پلها ، سد ها توسعه خطوط پستی وتلگرافی تاسیس کارخانه‌ی صنعتی و غیره واگذاری تمام گمرکات ایران برای بیست وپنجسال .

میرزا حسینخان صدراعظم بامستشار صدیق خود میرزا ملکم‌خان واسطه اعطا و عملی کردن این امتیاز بی‌نظیر بودند باین مقصود که انجام تمام آن چیزهائیکه در امتیازنامه قید شده است بدست یك کمپانی خصوصی انجام گیرد .

البته در این امتیاز منافع دولت ایران نیز بطور کافی منظور شده است چونکه بیست درصد ازمنافع راه آهن پانزده در صد ازمنافع خالص تمام عایدات کمپانی لزوما باید عاید دولت ایران گردد .

اما راجع بعایدات گمرکات قرار شده بود تاپنجسال بیست هزارلیره بمبلغ فعلی‌اضافه‌شود وبرای سالهای بعد شصت درصد اضافه عایدی از قرار میزان فعلی بدولت ایران پرداخت گردد »

آقای محمود محمود در کتاب خود راجع بدوران‌صدارت میرزا حسین‌خان مینویسد

«دراین تاریخ میزان نفوذ دولت انگلیس در دربار شهریار ایران بواسطه صدارت میرزاحسین‌خان‌سپهسالار باعلا درجه خود رسیده بود این‌همان ایامی است که امتیاز بارون رویتر که یکی ازاتباع سرمایه‌دار انگلستان بود داده شده‌است ومیرزا حسینخان سپهسالار میکوشید شاهرا برای تماشای جلال وجبروت پادشاه انگلستان بآن مملکت برده نفوذ وقدرت دولت انگلستان رابشهریار ایران نشان بدهند .

در هیچ تاریخی اولیای امور ایران این اندازه اظهار صمیمیت ویگانگی نسبت بانگلستان نشان‌نداده‌اند در حقیقت درمدت ده‌سال تمام یعنی‌از سال ۱۸۶۳ تا ۱۸۷۳ میلادی (۱۲۸۰ تا ۱۲۹۱ هجری قمری)وزراء ایران کاملا دردست سیاست انگلیس بوده و نسبت به‌آنها صدیق و وفادار و در مقابل تقاضای آنها بی اختیار بودند »

لرد کرزن (۱) نیز راجع بانگلیس دوستی سپهسالار مینویسد .

« شوق وشعف برای دوستی باانگلیس صمیمیت ووفاداری نسبت بدولت انگلیس هیچوقت باین درجه در ایران بالا نرفته بود که در زمان صدارت میرزا حسینخان سپهسالار بالا گرفت .»

این بود خلاصهٔ ازعقاید خودی و بیگانه در باره روابط سپهسالار باانگلیسها و منظور آنان .

اکنون به بینیم مرحوم‌میرزا حسین‌خان ازاین دوستی چه نتیجه‌ای برد ؟ سپهسالار بموجب امتیاز بارون جولیوس رویتر ایران‌را درطبق‌اخلاص نهاده تسلیم انگلیسهامینماید اعتمادالسلطنه در کتاب خلسه‌خود نوشته «سپهسالار برای دادن امتیازرویتر پنجاه هزارلیره وملکم هم همینطورها ازانگلیس‌ها رشوه گرفته‌اند» شاید هم این موضوع صحیح نباشد ونظر سپهسالار ترقی‌وتعالی ایران بودواعتقاد داشته که انگلیس‌ها ایران‌را آباد ووسایل سعادت مردم فلك زده این سرزمین‌راتهیه خواهند کرد ولی اگر این عقیده را باور کنیم باید بگوئیم کـه سپهسالار باآن همه هوش و استعداد آدم خیلی خوش باور وساده‌ای بوده است !

بالاخره باصرف مبالغ زیاد هزینه مسافرت ،ناصرالدین شاه‌را بانگلستان می برد که تفوق وبرتری نیروی بری وبحری‌انگلیس‌را بناصرالدین شاه‌نشان دهد ولی خیلی‌زود متوجه میشود که‌باآنهمه زرنگی فریب انگلیس‌هارا خورده‌است .

روسهاوانگلیسها درهمان موقع که ناصرالدین‌شاه وصدر اعظم ایران درانگلستان

---

[1] Lord Curzon.

بودند قرار دادی که ازمدتها پیش مذاکرات آن شروع شده بود بنام قرار داد کورچا کف وگرانویل منعقد نمودند که در آن مناطق نفوذ هریك ازدولتین روس وانگلیس در آسیا تعیین گردیده بود . سپهسالار که این موضوع را میشنود ناامید ومأیوس ازانگلیسها شکایت میکند ولی معلوم است که دیگر انگلیس ها بحرفهای طرفدار و معتقد صمیمی خود ترتیب اثری نمیدهند .

سپهسالار مایوسانه باناصرالدین شاه ازانگلستان مراجعت میکند وامتیاز رویتررا لغو میسازد واز همین موقع است که نسبت بروسها اظهار تمایلی مینماید باآنکه بعدها بازگاهی انگلیسها نسبت باو واو نسبت بانگلیس‌ها تمایلی نشان میدهند ولی چون‌دیگر نه سپهسالار ازانگلیس‌ها آن امیدواری اوان‌صدارت راداشت ونه‌انگلیسها باو آن اعتماد واطمینان اولی را بین آنها چندان صفائی پیدا نشد .

سپهسالار و روسها

همانطور که گفته شدسپهسالار بعد ازمراجعت ازسفر اروپا بواسطه مخالفت رجال و روحانیون که ضمناً روسها در تحریك آنان بی دخالت نبودند در رشت از صدارت معزول و بحکومت آن شهر گمارده میشود .

مخالفت روسها باسپهسالاربواسطه روابط صمیمانه او باانگلیس‌هابود ومخصوصاً بعد ازاعطای امتیاز رویتر روسهاجدا ناصرالدین شاه‌را تهدید ورویه صدر اعظم‌رامنافی بامنافع خود میدانند .

دوران عزل سپهسالار چند روزی بیشتر طول نکشید وچون ناصرالدین شاه اورا مرد لایقی میدانست بعد از خوابیدن سر وصدای مخالفین برای لغو امتیاز نامه رویتردر ظاهر ابتدا وزارت امور خارجه را با و تفویض میکند ولی سپهسالار چندی بعدباعنوان صدر اعظمی مجدداً همان اقتدار سابق را بدست میآورد .

بهر حال در این دوره بروسها متمایل میگردد و برای جلب نظر آنها مشغول اقدام میشود و اولین کارش لغو امتیاز نامه رویتر بود بنحوی که شرح آن خواهد آمد وضمناً بروسها قول میدهد که امتیازی برای ایجاد راه‌آهن ازجلفا تاتبریز و سواحل بحر خزر تاتهران بآنان بدهد .

سپهسالار برای جلب اعتماد و اطمینان روسها مکاتباتی باسفارت روس در تهران وهمچنین وزارت امور خارجه روسیه بعمل آورده است چنانکه درهمان اوانی که بوزارت امور خارجه منصوب میشود تلگرافی به وزیر امور خاجه روسیه مخابره کرده و مینویسد که «من لازمه اهتمام‌را خواهم کرد که روابطدوستی این‌دودولت را روز بروز بهمدیگر نزدیکتر نمایم» ونیز نامه‌ای‌دراین مورد بعنوان ساعدالملك‌وزیر مختار ایران‌درپطرزبورغ نوشته‌است که آنرا بنظر وزیر امور خارجه روسیه برساند ودراینجا متن گزارشی راکه ساعدالملك درتاریخ۲۹ ذیحجةالحرام سال ۱۲۹۱ ازپطرزبورغ بتهران فرستاده وجریان ملاقات خود ودادن نامه سپهسالار را بوزیر امور خارجه روس شرح میدهد نقل مینمایم

«خدایگانا تعلیقه‌جات رفیعه بندگان مستطاب اجل مورخه ۲۵ شهر ذیقعدةالحرام که بتوسط وزارت خارجه ایندولت ایفاد فرموده بودند شرف‌وصول ارزانی داشته از فرمایشات مندرجه آنها استحضار کامل حاصل نمود کاغذی راکه فرانسه وفرسی بعنوان این بنده مرقوم فرموده بودند زیارت کرده از اصل مقصود ونیت‌آن جناب مستطاب کماینبغی اطلاع حاصل‌آمد این‌بنده را مأموریت داده بودند که همان کاغذ فرانسوی‌العباره را به ملاحظه جناب اشرف پرنس‌شانسلیه نیز برساند ودرآن ضمن فرمایش فرموده بودند که هرگاه این بنده دربعضی الفاظ وکلمات آن بخواهد جزئی تغییر وتبدیلی دهد مضایقه نخواهد بود این بنده بعداز ملاحظه اصل وسوادآن کاغذ مسیواولن فرانسه راکه سالهاست درسفارت وآدم باسواد وبااطلاع‌است بامیرزا داود حاضر کرده دوسه دفعه در همه فقرات آن‌کاغذ باکمال دقت وارسی کردیم بهیچوجه جای ایراد نبود مگر اینکه درچند جای آن‌لفظ افترا وتهمت وبهتان زیاد ذکر شده بود این بنده نخواست که اینگونه الفاظ در همان کاغذ مندرج شود بندگان حضرت اجل بهتر میدانند که اسناد اینگونه الفاظ بشخص در اروپا خوش‌نما نیست باصلاحدید مسیواولن همان کلمات را عوض کرده در بعضی جاها لفظ اشتباه وکلمات دیگر که مقرون باحترام وخوش‌آیند بودبجای آنها نگاشتیم بطوریکه اصل هیئت ومعنی آن کاغذ ابدا دستخورده نشد وقوت مامول‌هرا فوت نکرده اصل‌خیالات بندگان اجل که عمده منظور خالی شدن اولیای ایندولت بود کماکان درجای خود باقی ماند باعتقاد این بنده کاغذ خیلی پاکیزه وپخته شد بعدازاتمام‌خود بوزارت خارجه‌رفته‌بتوسط دیرقطرازپرنس‌شانسلیه وقت ملاقات‌خواست چون پرنس همان روزها بازقوت نداشت وناخوش بود دوسه‌روز ملاقات ایشان بتاخیر افتاد این بنده بملاحظه اینکه مبادا تاخیر این امرموافق سلیقه بندگان حضرت اجل نباشد از آنجهت بتوسط تلغراف عرض نمود که هرگاه اجازه میدهند همان‌کاغذ را بتوسط دیرقطر نزد پرنس شانسلیه بفرستد درهرحال بفاصله یك‌روز بعد از فرستادن تلغراف همینکه پرنس را جزئی افاقه حاصل شده بود بدون حالت معطلی بتوسط وزارت خارجه کاغذی باین بنده فرستاده وقت ملاقات خودشان را معین کرده بودند چنانچه این بنده در ساعت معینه بمنزل پرنس‌رفته ملاقات نمود ومراتب را تلغراف کرده بندگان حضرت اجل را اجمالا ازگزارشات‌آن مجلس قرین استحضارداشته است حالا هم‌محض مزید اطلاع تفصیل را معروض حضور مبارك میدارد پرنس شانسلیه باکمال مهربانی و بشاشت این بنده را قبول کردند گفتند فلانی باوجود اینکه من حالت خوبی نداشتم وهیچکس را هم قبول نمیکردم نخواستم شما را زیاد ازاین منتظر بگذارم بنده رضامندی کرده اینطوربیان مطلب نمود که آلتس این کاغذیست که جناب مستطاب وزیر امور خارجه باین بنده نوشته‌اند واصل‌وخیال ومنظور ومقصود خودشان را بدون کم‌وزیاد جمعا درروی این کاغذ گذاشته‌اند چنانچه من لازم دیدم که این کاغذ را بملاحظه جناب شما برسانم بعد از مطالعه همه فقرات آن معلوم آنجناب اشرف خواهد بود پرنس کاغذ را باکمال دقت ملاحظه کردند بعد زمین گذاشته گفتند فلانی من ازاین کاغذ میرزا حسین‌خان‌زیاد راضی و خوشحال شدم کاغذ متین وخوب و پاکیزه نوشته شده است لیکن درچند فقره این‌کاغذ حرف دارم اولا میرزا حسین خان در این کاغذ میگوید که پولطیك دولت ایران بادولت روس عوض نشده بلکه روز بروز در تزاید است ازاین فقره هم زیاد ممنون شدم ولی نباید از این صرفنظر کرد که من طالب عمل ومعنی این کاغذ هستم نه‌اینکه خود کاغذ بنده گفتم آلتس نه فقط اعتقاد وزیر امورخارجه براین است بلکه همه ماهارا هم این امرآشکار و ظاهر شده است که بقدر سر موئی خالل به پولطیك دولت ایران وارد نیامده است گفت ثانیا مینویسد که دولت ایران محض خواهش‌دولت روس عمل بارون رطیررا لغو وباطل کرد دراین فقره هم قدری مارا رهین منت خود کرده است من درست درخاطر دارم وقتی که اعلیحضرت شاهنشاهی در پطرزبورغ تشریف داشتند بخود شاه عرض کردم که من در دوستی این دو دولت وخیرخواهی دولت شما مصلحت نمیدانم که اینگونه قرار دادراه‌آهن بایك کمپانی رعیت دول آخر بسته شود ومقصود ومنظور من‌نه این بود که اینقدر امتیازاتی که ببارون رطیرداده‌اند از برای دولت روس سر موئی وهن خواهد رسید وبلکه خیر وصلاح دولت‌ایران نبود بخود میرزا حسین‌خان هم‌شفاها گفتم که من در مصلحت دولت ایران این‌را بشما میگویم هرگاه درست غور نمائید خودتان هم خواهید دانست بعد گفت ترجمه کاغذمیرزا حسین‌خان راکه دایر باین فقره در جواب وزیر مختار انگلیس نوشته بود وشماهم بتوسط دیر قطر پیش من

فرستاده بودید خواندم خیلی خوب وباقاعده نوشته بود لیکن حالا شنیدم وزرای انگلیس تصدیق قول بارون‌رطیر راکرده وحمایت از او دارند بنده گفتم همه جوابهای ایشانرا بندگان حضرت اجل صریح وآشکار در کاغذخود نوشته‌وداده‌اند هرگاه مجددا بخواهند تجدید مطلع نمایند امریست علیحده - بعد پرنس شانسلیه گفت‌درآخر کاغذ خود میرزا حسین‌خان‌میگوید که من‌نه روسم ونه‌انگلیس ونه فلان وفلان ایرانیم آنچکه مصلحت دولت متبوعه خود میدانم رفتار خواهم کرد این عقیده واعتقاد او راهم من تحسین وتمجید میکنم وهیچگونه ایرادی‌از برای او نخواهد بود معلوم است هروزیری وهرشخصی که حمایت وطن ودولت خود را بکند حسن اوست نه‌عیب او منکه روسم تابهر درجه که مقدور باشد حمایت دولت وملت روس‌را میکنم وخواهم کرد بنده دیدم که‌مجلس ملاقات ومذاکره بااین حالت ناخوشی ایشان زیاد طول کشید برخاستم گفتم شمارا زیاده از این دیگر تصدیع نمیدهم وخواهش میکنم هرگاه پرنس شانسلیه مصلحت میدانند همین کاغذ جناب مستطاب وزیر امور خرجه را بنظر امپراطور هم برسانند گفت خیلی خوب همین امروزدر جزو راپورتهای وزارت تقدیم خواهم‌کرد در هر حال از توجه بندگان حضرت اجل کاغذ بی‌نتیجه نشد وتغییر کلی در حالت اینها بهم رسید چون عرض مراتب لازم بود لهذا جسارت ورزید زیاده چه‌جسارت نماید .

۲۹ شهر ذیحجةالحرام سنه ۱۲۹۱ ؟ محل مهرساعدالملك

باین ترتیب سپهسالار باروسها روابط صمیمانه‌ای پیدا میکند بحدی که در اواخر سفارت روس بزرگترین حامی و پشتیبان سپهسالار بود وبر عکس انگلیسها که بعناوین مختلف کوشیدند و ناصرالدین شاه‌را باو ظنین ساختندتااورا ازصدارت‌عزل کرد .

سپهسالار درسال ۱۲۹۵ قمری که برای بار دوم ناصرالدین شاه‌را باروپا میبرد در روسیه باالکساندر دوم امپراطور روس قرار و مداری میگذارد ونظریات روسها را بیش ازپیش تأمین مینماید وحتی عده‌ای ازافسران روسی‌رابرای تربیت افراد ارتش‌ایران بتهران میاوردو بتأسیس قزاقخانه اقدام میکند چنانکه شرح آن بیاید .

یکی ازعللی که باعث شد ناصرالدین شاه سپهسالاررا ازصدارت معزول کند همین روابط صمیمانه او وسفارت روس بود .

پس از عزل از صدارت میرزا حسین خان برای تهنیت جلوس الکساندر سوم بروسیه میرود .

آقای‌خان‌ملك‌ساسانی‌مینویسد .

«هنگامیکه‌سپهسالار بنمایندگی ازطرف ناصرالدین شاه مامور میشود که برای تسلیت قتل الکساندر دوم وتهنیت جلوس الکساندر سوم بروسیه برود استقبال شایانی ازاو بعمل آمده ومیگویند الکساندر سوم نشان مخصوصی(۱)راکه در گردن خود داشت باز کرده وبگردن سپهسالار انداخت وبطوری نسبت باو مهربانی مینماید که بعد از باز گشت ازاین سفر ناصرالدین شاه بواسطه وحشتی که پیداکرده بود اورا بعنوان‌حکومت خراسان و تولیت آستان قدس رضوی به مشهد میفرستد و پس از چندی دز آنجا مسمومش میکند .»

عزل سپهسالار

بالاخره ناصرالدین شاه بواسطه سوء ظنی که از او پیدا کرده بود مخصوصاً بعلت غرور و نخوتی که در اواخر در سپهسالار پیدا شده بود وبدستورهایش چندان وقعی نمی‌نهاد در اوایل شوال سال ۱۲۹۷ اورا از صدارت عزل مینماید .

---

۱ - نشانی که امپراطورروسیه به سپهسالار داده نشان سنت‌آندری مکمل باالماس‌بدون‌حمایل بوده‌است .

عباس میرزا ملك آراء برادر ناصر الدین شاه در کتاب شرح حال خود راجع بعزل سپهسالار مینویسد.

«میرزا حسین‌خان مردی بود بسیار بی‌حیا وهتاك والی غیرالنهایه پولطیك‌دان ودروغگو لهذا اغلب امنای دولت از او رنجیده بودند واندیشناك بودند ودر صدد خرابی او برآمدند چندنفر متفق شدند که از آنجمله میرزا فتحعلیخان صاحب دیوان ومیرزاعلیخان امین‌الدوله وعلینقی خان مخبرالدوله وزیر تلغراف ومیرزا عباس معاون الملك ورحیم‌خان علاءالدوله ومیرزا عبدالوهاب شیرازی نصیرالدوله بودند وعجب آنست که این عبدالوهاب هیچ بود از سایه میرزا حسین‌خان همه چیز شد و در این مسئله از همه‌بیشتر عداوت کرد . این جمع هریك مطلبی را در عهده گرفتند مثلا مخبرالدوله متعهد شد روزنامه‌های تلغرافی از ولایات متضمن شکایت از او پی در پی برساند و نصیرالدوله چون محرم او بود صورت تعارفاتی را که گرفته است بنویسد و تحقیق کند و ثبت بدهد معاون‌الملك متعهد شد آنچه از عمل مالیات ولایاتی که در اداره سپهسالاری زیر و بالا شده صورت بدهد امین‌الدوله متقبل شد که عرایض اینها را در موقع مخصوص از لحاظ ملوکانه بگذراند ر عهد بستند و شروع بکار نمودند تامشارالیه را معزول کردند وبعداز عزل دوسه شبی در طهران ماند که یحتمل حکومت خراسان‌را بگیرد حاج محمدحسن صراف اصفهانی که امین‌دارالضرب بود از طرف برادرم شاهزاده رکن‌الدوله محمدتقی‌میرزا حاکم خراسان وکالت داشت عریضه محرمانه بشاه نوشت بدستورالعمل آقا ابراهیم آبدار ملقب بامین السلطان باین مضمون که مانند سپهسالار شخص پولطیك‌دانی را که باتمام فرنگیها راه دارد وشما اینطور او را دلشکسته کرده‌اید بکدام اطمینان بایالات خراسان میفرستید من که مرد صراف فقیری هستم اینقدرمی فهمم که چنین‌عملی جایز نیست چگونه است که اولیای دولت ملتفت این معنی نشده‌اند محض دولتخواهی مبادرت بعرض این‌عریضه نمودم شاه بمحض مطالعه این عریضه حکم فرمودند که سپهسالار بزودی روانه قزوین شود.»

آقای‌خان ملك ساسانی ازقول مرحوم عزیزالله ظفرالسلطنه مینویسد.

«من در فوج اطریش نایب سرهنك ومامور باغ سپهسالار بودم همین جائی که حالا مجلس شورایملی است یکروز امین‌الدوله میرزا علیخان دستخط معزولی سپهسالار را آورد خود اورا ناصرالدین شاه مامور کرده بود آنجا بنشیند ونگذارد که سپهسالار اقداماتی بکند یاکسی او را ملاقات نماید وخیال داشتند او را بقتل برسانند چند دقیقه بعداز آمدن امین‌الدوله سفیر روس فرستاد که میخواهد بملاقات سپهسالار بیاید میرزا حسین خان گفت که دیگر من اختیار پذیرائی ندارم اختیار باامین‌الدوله‌است امین‌الدوله گفت بیاید وملاقات در حضور من باشد سفیرروس آمد من‌حاضر بودم باحضور امین‌الدوله ملاقات کردند معلوم‌است حرف محرمانه‌ای نتوانستند بزنند سفیرروس ازآنجاکه بیرون رفت تقاضای ملاقات وزیرامور خارجه را کرد چون‌شاه بعداز صدور دستخط عزل سپهسالار دستخط کرده بود که تاتعیین وزیر خارجه جدید کارهای وزارتخانه را خود میکنم سفیرروس را نیز خودش پذیرفت درآن ملاقات سفیرروس بشاه گفته بود که مانمیدانیم میرزاحسینخان توکر خوب شما بودیانوکر بد وآیا شما ازاو راضی هستید یانه ودر باره اوچه میخواهید بکنید ولی من فقط بخاطر اعلیحضرت می‌آورم که میرزا حسین خان ازدولت روس دارای نشان خیلی بزرگی است.

پس‌از این ملاقات ازخیال کشتن میرزاحسینخان درگذشته وقرار شد خودش بحضورشاه برود مهرهای سپهسالاری ووزارت امورخارجه را تسلیم کند وقتیکه مهرها را بشاه میداد قسم خورد که من نسبت بمملکت وشاه خیانتی نکردم واین مهرها را هرگز برخلاف مصالح شاه ومملکت استعمال ننموده‌ام وشاه امرکرد که بقزوین برود ودرآنجا باشد.»

مرگ سپهسالار سپهسالار چندی که در قزوین بصورت تبعید بسر میبرد فتنه شیخ عبیدالله در کردستان ظهور میکند وسپهسالار مأمور قلع و قمع شیخ مذکور میشود.

میرزا حسین خان پس ازانجام این مأموریت به بهترین وجه ، بحکومت خراسان و

نیابت تولیت آستان قدس رضوی منصوب وعازم مشهد میگردد .

سپهسالار پس از ورود بمشهد اولین کاری که بدان اقدام میکند ساختن مقبره‌ای برای خودش بود ومعروف‌است که تعجیل او دراینکار بیشتر از آن جهت بود که میدانست عاقبت ناصرالدین شاه اورا بقتل خواهد رساند .

درباره اینکه سپهسالار بمرك طبیعی مرده یابدستور ناصرالدین شاه اورامسموم کرده‌اند شایعات زیاد است وبطورقطع نمیتوان صحیحاً درآن مورد اظهار نظر کردولی نوشته های مورخین قاجاریه که خواسته‌اند مرك اورا طبیعی جلوه دهند بسیارسست است چنانکه اعتمادالسلطنه درمنتظم ناصری مینویسد .

«میرزا حسینخان سپهسالار والی مملکت خراسان در ۲۱ ذیحجه ۱۲۹۸ بمرض درد پا وسوء مزاج در سن ۵۷ سالگی دعوت حق را لبیك گفت .»

سپهسالار دردوران صدارت وبعد ازآن از سعایت دشمنان ومخالفین خود زیاد بیم داشت ومیترسید که بالاخره گفته‌های مغرضین در ناصر الدین شاه مؤثر واقع شده و اورا دچارزحمت سازد .

نوشته‌هائی بخط ناصرالدین شاه‌وسپهسالار باقیست که برای روشن شدن موضوع دوسه‌تا از آنهارا دراینجا نقل مینمایم .

ازخلال این نوشته ها نگرانی سپهسالار خوب نمایان‌است .

«سپهسالار اعظم ـ امین‌الملك آمد عرایض شما راکرد پاره‌ٔتفاصیل گفت حقیقت این است کمال اوقات تلخی بمن دست داد از اخبار مجموله کاذبه دروغ این مردم که پی‌درپی بشما میدهند وشما را باین قسم مشوش کرده‌اند کمال حیرت دست داد .

معیرالممالك برای چه می‌آید از شما پول بگیرد یاشما را چرا خدا نخواسته اذیت باید کرد من‌هرقدر فریاد میکنم که بجز مرحمت والتفات درحق سپهسالار چیزی خیال ندارم شما خودتان واین مردم نا درست می گوئید خیر باید فلان کار بشود فلان بی‌التفاتی خواهد شدچراگاه است فردا شمارا مامور سفر مرو بکنم یامثل پارسال بگرگان بروید یایك خدمت دیگر چه عیب دارد شمانوکری باشید که بتوانید درآن سفر پنجاه هزار تومان ازخود خرج بکنید .

من یك پول سیاه ازشما قبول ندارم خودم را و دولت را در خارج و داخل چرا بدنام بکنم .

شماهم نوکر بزرك صدیق خوب من بوده‌اید وهمیشه خودتان را عبث اینطور پریشان نکنید

در باب امرقشون ونظام آن وعرضی که کرده‌بودید بامین‌الملك میگویم‌آمده بشما بگوید واله بالله‌آسوده باشید عبث بحرف بیمعنی مردم که میخواهند دولت را بدنام بکنند گوش ندهید .

آدم سیستان را امروز مشخص کرده راه بیندازید برود البته واجب است آدم هوشیار زرنگی باشد نوشته‌جاتش را دیروزآوردند دیدم مهر کرده‌فرستادم پیش دبیرالملك .»

عین این نامه در صفحه بعد گراور شده است

نامه دیگر که سپهسالار بناصرالدین شاه نوشته .

«قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارکشوم . موقع وماموریتی که باینغلام خانه‌زاد مرحمت فرموده‌اید ضعفا وفقراء ومظلومین‌را دوست وامیدوار کبرا وجابرین واشخاصی که تابحال بزیردستان خودشان کیف مایشاء رفتار میکردند وامروز از سایه عدالت همایونی نمی‌توانند به احدی تعدی وظلم نمود بالطبع با اینغلام دشمن وبدخواه میشوند واز هیچ قسم سعایت‌مضایقه نخواهند داشت چنانچه مکرر پیغام در مقام تخویف داده‌اند که مطمئن بمراحم ملوکانه نشود ماهمانیم که میرزا تقی‌خان ومیرزا آقاخان را عزل‌نموده‌ایم اینغلام در امورات

سپهسالار اعظم

[illegible]

خدا وسایه خدا را حاضر وناظر دیده به صداقت ودرستکاری وبی‌طمعی و بی غرضی خود مطمئن شده اعتنا به تهدیدات مردمان باغرض ومتعدی نکرده از جاده حقانیت ودولتخواهی واقعی قولا وفعلا منصرف نشده‌و نمی‌توانم شد بطوری که قلب مطمئنه‌ام نهایت آسودگی از افعال واعمالم دارد قلوب مردم را عموما امیدوار و دعاگوی صمیمی بجهته ذات مقدس شاهانه نموده‌ام وبطوری خود را بجهة رفاه حال عامه روز وشب مشغول زحمت نموده‌ام که درقوه کمتربشری‌است سرمایه که به جهته تحمل به‌اینقدر زحمات دارم همان مراحم ملوکانه‌است و بس

اگرخدای نکرده خللی به‌آن سرمایه عارض شود اینغلام حتما معدوم خواهد شد بطوریکه زنده نخواهم ماند چنانچه از دیروز خاطر مبارك همایونی را قدری منزجرتصورنموده‌ام خدارا بشهادت می خواهم که دیشب بجهة این غلام که شب قتل ودومانم بوده است لهذا بعرض اینعریضه در کمال عجز و عبودیت جسارت ورزیده قبله عالم روحنا فداه را بعظمت صاحب امروز وبه جلالات قدر وجود مبارك خودتان قسم میدهم که اگر از اینغلام سعایتی در خاکپای مبارك نموده‌اند بی‌پرده فرمایش شود تارفع شبهه نمایم واگر در عرایض وبیانات از راه نابلدی طوری عرض کرده‌ام که مغایر رای مبارك همایونی بوده است اورا نیز بفرمایند تادر آتیه متروك دارم و اگر انشا اله

هیچیك از اینها نیست وبیجهة به خیال افتاده‌ام ومراحم ملوکانه کماکان درباره‌ام باقی است مژده اوهم‌مرحمت شود تاآسوده کردم خداوند جان بیمقدار این خانه‌زاد را در هر آنی هزار مرتبه بفدای وجود مبارك همایونی کرداند و بدون مرحمت نامه شاهنشاهی روحنا فداه این غلام را زنده نگذارد . امر امر همایون اعلی روحنا فداه است .»

ناصرالدین شاه درحاشیه این نامه نوشته‌است

«ازکاردانی وعقل شما بسیار بعید میدانم که این نوع خیالات بکند من نوکر خوب را که واقعاظاهرا وباطنا نوکر باشد وبکار خدمت امروزه دولت بخورد ازهمه چیزدنیا بهتر میدانم وچهار دستی او را نگاه میدارم میدانید که در ایران نوکر نمانده است یکی‌دوتا هم مثل شما پیدابشود بحرف مردمان پوچ بیمعنی چطور میشود در حق او بی التفاتی بشود اولا هروقت مثل تونوکری پیداشد حرف او اثر دارد یقین‌است شما در نوکری‌خود حقیقتا مثل ندارید .

ثانیا تاامروز احدی جرئت سعایت ازشما پیش ماندارد وبخدا قسم نشنیده‌ام .

ثالثا رفتار بقاعده و دولتخواهانه وبی‌طمعی وبی‌غرضی وکار پیش بردن سعایتی ندارد که کسی بکند خود مردکه اگر فرضا بخواهد هم مضمونی بگوید چه می تواند بگوید از کمال التفات ماتهایت اطمینان را داشته باشید .» عین این‌نامه‌درصفحه‌قبل گراورشده

سپهسالار همیشه مخصوصاً در اواخر عمر از ناصر الدین شاه « دل خونی » داشت زیرا باوجود آنکه درنامه‌هائی که بناصر الدین مینوشت تملق را از حد میگذراند چنانکه در ذیل اغلب نامه‌ها وگزارشهایش این جملات‌دیده میشود «خداوند جان ناقابل فدوی‌ذلیل‌را هزار مرتبه بقربان خاکپای مبارك نماید . آمین ثم آمین» ویادر موقعی که درحضور ناصر الدین شاه‌بود دستهای خودرا روی سینه مینهادو باجملات‌فریبنده وچاپلوسی بیش‌ازهر کسی تملق‌میگفت‌ولی‌درخلوت و درنزد بعضی اشخاص ازهر بدگوئی وناسزا گفتن به «شاه» خودداری وامتناعی نداشت.

عباس میرزا ملك آراء برادر ناصر الدین شاه که مدتها مغضوب ودر تبعید بسر میبرد درکتاب شرح حال خود درموقعی که ناصرالدین شاه درسال ۱۲۹۵ برای بار دوم باروپا میرود وعباس‌میرزا که‌در آنوقت حکومت زنجان‌را داشته‌وتاقزوین باستقبال«شاه» آمده مینویسد

«..... در عرض راه پیاده ایستادم شاه درکالسکه بودند اظهار التفاتی فرموده حکم به سواری فرمودند سوار شده نزدیك کالسکه قدری راه رفتم بعضی فرمایشات متفرقه فرمودند بعدرفته درکالسکه میرزا حسینخان سپهسالار دخول کردم‌واین کالسکه‌از کالسکه شاه تقریباصدقدم عقب میرفت وعلی‌الاتصال میرزا حسینخان‌بشاه فحش می داد وهرقدرصحبت متفرقه بمیان می‌آوردم ترجیع بندهمه فحش بشاه بود هرچه میگفتم مگو خوب نیست آخرحالامانان ونمك این مرد را میخوریم میگفت تو نمیدانی این چقدر حرامزاده است یك صفت ازشاه مرحوم ندارد هرچه دارد از مادر قحبه خودش دارد ویك کلمه حرف راست نمی گوید وباهیچکس خوب نیست و روی هیچکس را سرخ نمیتواند ببیند غالب‌میلش باشخاص رذل وسفله ونانجیب است ازآدم معقول بدش می‌آیدهیچ کاری را منظم نمی خواهد مگر قورق شکارگاه وامر خوراك خودش راکه کباب را خوب بپزند ونارنگی و پرتغال حاضر باشد قدر خدمت‌احدی راهم منظور ندارد وآخرالامر من وهر کس‌را که قاعده‌دان باشد یا نیکی در ذات او باشد خواهدکشت یاتمام وکالمعدوم خواهد نمود ودر اطراف غیراز چند نفر جوان نانجیب رذل دنی‌باقی

نخواهد گذاشت وساعت بساعت نگاه بکالسکه شاه کرده میگفت کور بگور بیفتد قاسم‌خان (۱) سك برینندبگور قاسم‌خان آتش بگیرد روح‌قاسم خان این پسرمحمد شاه نیست نمیدانم از کدام قراول دراندرون یااز کدام شاگرد بزاز یاکله پز این را بعمل آورده است واز اینمقوله لاینقطع میگفت.

من در حیرت بودم ودر فکر روز سیاه خودم وباخود میگفتم این مردکه شخص اول ایران وسپهسالار است وسالی زیاد از دویست هزار تومان مداخل میبرد وخیلی مقرب است این‌طوردلتنك ومتوحش میباشد پس وای بحال من که با من عداوت سابقه دارد و کینه‌های دیرینه زمان شاه مرحوم در دلش باقی‌است.....»

اعتماد السلطنه‌در کتاب وقایع روزانه دربار ناصر الدین شاه ضمن یادداشت روز سه شنبه بیست و دوم ذی الحجه ۱۲۹۸ مینویسد.

« در بیرونی صاحب جمع پسرامین السلطان رادیدم که بانهایت شعف بمن برخورد وگفت مژده نمرابده سپهسالار در خراسان فوت شده است حرف این جوان طوری بمن اثرکرد که زیاده از حد پریشان شدم صاحب جمع که انتظار زیاد ازمن داشت حالت پریشانی مرا که دید متعجب شد. راست است سپهسالار مرحوم بمن صدمه زیاد زده بود ولی بدو جهت راضی بمرك او نبودم اولا بقاعده کلیه که هیچ ذینفسی را بی‌نفس نمیخواهم دید ثانیا همه بایدبمیریم ای دوست برجنازه دشمن چوبگذری شادی مکن که برتو هم این ماجرا رود این شخص باجمیع صفات ذمیمه‌ای که داشت خیلی عاقل ودانا بود واز پولطیك واصول فرنك مطلع بود اگرپادشاه او را بواسطه ترقیات زیاد دیوانه نکرده بود بهترین خدمتکار دولت میشد امادر ظرف یکسال وزیر عدلیه بعد وزیر جنك بعدصدراعظم آنهم به‌آن استقلال که فی‌الواقع تفویض سلطنت باو بود باین جهت دیوانه شده بود و مغرور طوریکه امروز شاه میفرمودند نسبت بمن جسارت زیاد میکرد ــ خلاصه ماشنیده بودیم اما خود را بنا شنوائی زدیم اما خودشان باکمال استعجاب فرمودند واظهار تاسف ظاهری کردند در باطن چندان متالم نبودند زیراکه میفرمودند این مرد بحالتی رسیده بودکه جز مرك چاره‌ای برامی او نبود ومارا همیشه در زحمت داشت بلکه یکنوع حالت مدعیت پادشاه را داشت مقصودش خیانت بولینعمت بود. خلاصه جمعی رادیدم بسیارمشعوف بودند وجمعی بیدماغ‌بودند.»

در روز بعد مینویسد

شاه بواسطه تفتین وفساد سپهسالار درکارها بسیار مشعوفست از مردن او »

و ضمن وقایع روز جمعه بیست و پنجم ذیحجه مینویسد

«شاه خیلی دل پر از اعمال سپهسالار مرحوم بودند همچنین از طرف آقا وجیه (۲ میفرمودند در این مدت کم (مقصود در مدت حکومت خراسان) زیاده از شصت‌هزار تومان سپهسالار و آقا وجیه مداخل نمودندپس در این ده سال چه کرده باشند.»

مرحوم پیر زاده که میگویند با سپهسالار دوستی صمیمانه داشته است درنامه ای که منسوب باوست مینویسد

«مرحوم مغفور سپهسالاراعظم رحمةالله‌علیه در شب هیجدهم ماه ذی حجة سال ۱۲۹۸ که شب عید غدیر است ناخوش شدند در ارك شهر مشهد مقدس یك ساعت بغروب مانده به حمام تشریف بردند وغسل کردند وبدرشکه نشسته که بیایندبحرم مشرف شوند در بین راه تب کردند وارد حرم مطهر شده زیارت نمودند و در بالا خانه‌ایوان طلای صحن نوتشریف آوردند تب شدت نمود تاوقت صبح ابدا نخوابیدند وقت‌صبح باز زیارت‌نموده مراجعت بارك نمودند روز عید برای استقبال خلعت حضرت شهریاری باحالت تب تابیرون دروازه تشریف بردند و از آنجا وارد صحن مقدس شده بعد بارك تشریف آوردند سه شب دیگر ناخوش بودند و مرحوم شدند.»

روزنامه « گلوزریسیا » GOLOSSE ROSSII چاپ پطرز بورغ در شماره ۲۱

---

۱ ــ امیرقاسم خان قوانلو پدر مهد علیامادر ناصرالدین شاه

۲ ــ وجیه الله‌میرزا معروف به آقا وجیه ملقب به سیف الملك ــ امیرخان سردار وبعد سپهسالار اعظم

مورخ ۲۶ ژانویه (روسی) سال ۱۸۸۲ میلادی راجع بفوت سپهسالار مینویسد

« از ایران ضمن اخبار گذشته تفصیل فوت سپهسالار راکه یکی از امنای دولت ایران بود بما اطلاع میدهند سپهسالار درسال پیش از طرف اعلیحضرت پادشاه ایران بسمت سفیر کبیری به پطرز بورغ آمده بود و بعد از مراجعت بکشور خود بحکومت خراسان مأموریت یافت . شاید هنوز مردم پطرزبورغ هیکل باوقار او را در خطر دارند که باتفاق درویش خوشکل بلند قد عمامه سفید به تماشای آثار و غرایب شهر می پرداخت .

سپهسالار بعداز اتمام جنگ مادر آخال تکه بحکومت خراسان رسیده بود یعنی درهمان وقتی که مذاکرات تعیین حدود آنطرف بحر خزر بین ما و ایران وجود داشت . آیا این مسئله سبب و علت غضب شاه در حق سپهسالار شد، یا چیز دیگر بهر حال ثمره این غضب باعث قطع حیات یکنفر از اولیای دولت ایران گردیده است .

شاه یکنفر از طایفه روحانی (ملا) را نزد سپهسالار فرستاد و او خوردن قهوه حاضر کرده خود را به سپهسالار تکلیف نموده است . واضح است که سپهسالار پیش از وقوع حادثه بتوسط دوستان خود درطهران از این قهوه اطلاع پیدا کرده بود .

سپهسالار زهر را در سرمزار یکی از ائمه مقدس دین که ایرانیان برای آن احترام زیادی قائل هستند نوشید . میگویند اموال زیاد سپهسالار را شاه توقیف کرده است .»

بطوریکه اعتماد السلطنه در کتاب وقایع روزانه دربار ناصرالدین شاه نوشته بعد ازمرگ سپهسالار ناصرالدین شاه میخواست اموال سپهسالار را ضبط کند ولی چون برادرانش بسفارت روس شکایت میکنند وزیر مختار روسیه برای شاه نامه مینویسد و او را از اقدام به اینکار منصرف میسازد .

در ماده تاریخ مرگ سپهسالار گفته اند « حسین پای رضا زد بوس و آسود »

۱۲۹۸

۳

میرزا ملکم خان

ناظم الدوله

یکی از اشخاصی که بواسطه زندگـانی مرموز وسراسر اسرار آمیز قضاوت در اعمالش آسان نیست میرزا ملکمخان ناظم‌الدوله میباشد .



عده ای مثل ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان این شخص‌را بیدار کننده ایران واز رهبران نهضت آزادی این کشور دانسته میگوید « مقام پرنس ملکم خان در ایران همان مقام و لتروژان ژاك روسو و ویکتور هوگو است درملت فرانسه وهمان قسم که ملت فرانسه بآن دانشمندان افتخار دارد ملت ایران هم باین یگانه دانشمند مینازد . » و ظل السلطان در تاریخ مسعودی مینویسد « این شخص فیلسوف و معلم اول است خالی از اغراق بعقیده من مثل ارسطاطالیس و افلاطون است بلکه از علوماتیکه امروز هست و آنروز نبوده درهردو سه هزار سال قبل برآنها برتری دارد .»

ونیزمستر ویلفرید بلنت(۱) که درژوئن ۱۸۸۰ ملکم‌را ملاقات نموده‌در تاریخ‌مخفی اشغال مصر بدست انگلیس راجع باو مینویسد که ملکم مردی سالخورده باانـدام وبینی کوچك و چشمانی سیاه که پس از مفارقت تأثیر عمیقی‌در انسان میکنند واورا آگاه ترین مردان شرق میداند که درایران سی‌هزارنفر باو ایمان‌دارند ومیگوید ملکم شخصیت قابل ملاحظه‌ای‌دارد که تا آنوقت مثل‌اورا ندیده بوده‌است .

ولی عده‌ای دیگر مثل اعتماد السلطنه اورا خائن و طماع وپول پرست میدانند . نظری بزندگی و کارهای این شخص که مختصری از آنرا دراینجا شرح خواهم داد معلوم میدارد همانطوریکه مردم میرزا ملکم‌را باسم شیاد وحقه باز میشناختهاند خیلی بی‌مأخذ وبی‌جا نیست و بعید بنظر میرسد که ازیك فرد وطن دوست خدمتگذار این همه اعمال و

---

1 - Wilfrid Blunt

کارهای بی‌رویه صورت پذیرد.

ملکم پسر میرزا یعقوب ارمنی اصفهانی (که بعدها اسلام آورد) متولد بسال ۱۲۴۹ هجری قمری درجلفای اصفهان است. ملکم درسن ۱۷ یا ۱۸ سالگی برای تحصیل بپاریس رفت وپس از اتمام مدرسه پلی تکنیك آنجا بایران مراجعت نمود وبعنوان مترجم معلمین اطریشی وارد دارالفنون شد.

ملکم خان مردی گندم گون و کوچك اندام با بینی بسیار بزرك و چشمان سیاه گیرنده خود در پاریس هنگام تحصیل مان یتیسم وهیپنوتیسم را آموخت وچون از بعضی کارهای علمی مثل تلگراف و تلفون اطلاع داشت در تهران آنها را بنام تردستی وچشم بندی انجام میداد.

با آنکه این شخص در نزد عامه مردم به میرزا ملکم خان ارمنی معروف بود ولی خود را مسلمان میخواند ودر تظاهر بدین اسلام پافشاری عجیبی میکرد واز شریعت محمدی تعریف و تمجید بسیار مینمود.

وقتیکه فرخ خان امین الدوله برای عقد معاهده پاریس بین ایران وانگلیس بفرانسه میرفت ملکم بعنوان مترجم همراه هیئت نمایندگی ایران بود. از نقشی که ملکم در این ماموریت داشته اطلاع زیادی دردست نیست ولی بعد از مراجعت از این سفر بود که درخانه جلال الدین میرزا پسر فتحعلی شاه واقع در محله مسجد حوض تهران بطور سری و محرمانه انجمنی بنام فراموشخانه دایر ودوستان وشاگردان دارالفنون را بدان دعوت می‌نمود و میگویند بعد ازچهار سال که ملکم بدین کار اشتغال داشت الکساندر دوم امپراطور روس نامه‌ای بخط خود بناصر الدین شاه نوشت که «انجمن سری علیه تو ومن و برهم زدن صلاح هر دو مملکت است» ناصر الدین شاه هم دستور میدهد ملکم را تحت الحفظ بخانقین برده در آنجا آزادش گذارند. ملکم از خانقین به بغداد میرود ومدتی در آنجا با بابی‌ها رابطه وآمیزش پیدا کرده سپس باستانبول عزیمت میکند.

ملکم دراستانبول با ایران وایرانی بنای بدگوئی وفحاشی را میگذارد و گویا مدتی ترك تابعیت ایران را میکند وحتی برای ازدواج باهانریت دختر اراکل بیك ارمنی درماه جمادی الاول ۱۲۸۱ هجری قمری در کلیسای ایا استفانوس ترك دین اسلام میگوید.

میرزا حسین خان سپهسالار که درهمان هنگام وزیر مختار ایران دراستانبول بود اورا بسمت مستشار سفارت انتخاب میکند.

پس از چندی برای جلوگیری از هتاکی و فحاشی اورا بسمت سرکنسول ایران به مصر میفرستند ولی چون از اسماعیل پاشا ده هزار تومان پول میگیرد او را احضار مینمایند.

ملکم این بار در استانبول نامه‌ای مینویسد و تهدید میکند که اگر مرا بعنوان وزیر مختار ایران بلندن نفرستید اسرار دولتی را که نزد من است به عثمانی‌ها خواهم فروخت وآبروی ایرانی را خواهم برد.

ملکم چندی هم تابعیت عثمانی را می‌پذیرد وبا کلاه فینه قرمز باماهی ۴۰ لیره در وزارت امور خارجه عثمانی مستخدم میشود.

وقتی میرزا حسینخان سپهسالار بصدارت میرسد ملکم‌را به تهران میخواند و بسمت «مستشار صدارت عظمی» منصوبش میکند و برای او از «شاه» یك لقب ناظم الملکی (۱) با «نشان تمثال همایون درجه اول» هم میگیرد . پس ازچندی چون ناصر الدین شاه بسفر اروپا میرود قبلا ملکم‌را باسمت وزیر مختاری ایران بلندن میفرستند تا وسایل پذیرائی «شاه» را تهیه کند.

ملکم تقریباً مدت‌شانزده هفده سال عنوان نمایندگی دولت ایران را درانگلستان داشت ودراین مدت کارش زد و بند باانگلیس‌ها و گرفتن پول برای توسعه نفوذ آنها بود وچون درمواقعیکه ناصرالدین شاه باروپا میرفت باوادار کردن‌او بدادن امتیازات مختلف باواسطه شدن برای کارهای دیگر و گرفتن پول برای «خزانه عامره اعلی» خودرا خادم وخدمتگذار و وطن پرست نشان میداد مکرر مورد محبت ناصرالدین شاه واقع میگردد وباوعنوان جناب اشرف اعطا میکند و حتی اجازه‌استعمال‌لقب «پرنسی» را باو میدهد بعد ازمرك سپهسالار مخالفین ملکم کوشیدند تااورا ازسمت وزارت مختار ایران درلندن معزول کنند ولی نتوانستند تادرسفر سوم شاه بفرنك امتیاز لاطاری‌را برای‌خود میگیرد وآنرا بمبلغ چهل هزار لیره میفروشد وبعداً چون بواسطه مخالفت علمای دین بااین‌امتیاز مجبور میشوندآنرا لغونمایند وملکم ازپس‌دادن چهل هزار لیره بخریدار امتناع میکند وکار بمحاکمه میکشد در تاریخ ۱٦ ماه مارس ۱۸۹۱ میلادی اعلامیه عزل و الغاء تمام القاب ومناسب او ازطرف «شاه» درلندن منتشر میشود (جریان دادن امتیاز لاطاری و چگونگی‌لغو آن و محاکمه ملکم در جای خود شرح داده خواهد شد)

ملکم از این تاریخ باانتشار روزنامه قانون شروع به حمله علیه ناصر الدین شاه وتشکیلات در بار او میکند وچون در همین هنگام سید جمال الدین اسد آبادی را هم از ایران تبعید کرده بودند سید بلندن میرود و باکمك ملکم مقالاتی بر ضد دولت و حکومت استبدادی منتشر میسازند .

دراینجا نمیتوانم سهمی‌راکه ملکم باانتشار کتب ورسالات ونشریات انتقادی‌خود ازجمله روزنامه قانون - کتابچه غیبیه - اشتهار نامه اولیای آدمیت - مرآت‌البلها - رساله ایران نظم ندارد - مبداء ترقی پولتیکهای دولتی-ایجاد بانك وغیره دربیداری‌مردم این مملکت دارد ومبارزاتی که علیه پادشاه مستبد و هیئت حاکمه جابره ایران نموده ناگفته بگذارم ولی متأسفانه مواقعی باین کارها دست میزد که مورد بی‌مهری اولیای دولت‌واقع میشد وهروقت باو پولی میدادندیا کاری مطابق میلش‌باو رجوع میکردند سر وصدایش بریده میشد .

ملکم گذشته ازانتشار مقالات و نشریات مختلف برضد «شاه» چند مرتبه نقشه توطئه‌هائی علیه ناصرالدین شاه طرح میکند .

ولی چون کشف میگردد بجائی نمیرسدو ناصرالدین شاه تاپایان عمر از اقدامات ملکم وحشت داشت و همه وقت او را تحت نظر میگرفت . برای آنکه معلوم شود

---

۱ - ناظم‌الملك بعدها به‌ناظم‌الدوله مبدل میشود

کارهای ملکم در این باره چگونه وترس ناصرالدین شاه ازاو تاچه‌اندازه بود یکی از گزارشهای محرمانه‌ای که بنظر ناصرالدین شاه رسانیده‌اند ذیلا نقل میکنم .

محرمانه

«در کتابچه آخری ملکم سلطنت رامخصوص حاجی میرزا جواد مجتهد کرده است وشخصی که مجمع پسران حاجی سیدمرتضی باصوابدید او کار میکند میرزا آقاپسر مجتهداست وچون اینها باید در خلوت ولیعهد هم‌معاون وهمدست داشته باشند عملجات ذیل ولیعهد را مصطفی‌خان‌فراشباشی- خانخان بصیرالسلطنه - میرزا محمدعلیخان برادر شریف‌الدوله وبعضی دیگر که چندان معروف نیستند باخود هم‌خیال کرده‌اندوبهر کدام ازآنها رتبه‌وامتیازی وعده نموده‌اند اگر چه این دفعه‌تیر حضرات بسنك خورده لیکن باز در تهیه مقدمه خواهند بود و مادامیکه مفسدین بی‌تنبیه مانند محال‌است‌آسوده بنشینند ولازم نیست همه‌را یکجاویکدفعه بنحوواحد تنبیه نمایند بمرور وطرق مختلفه بی‌پرده میتوان تنبیه نمود اولاممکن است پسران سیدمرتضی که علاقجات زیادی دارند وغله آنها را با دیوان‌تسعیر کرده‌اند همان غله‌رابرابر گردانده دربازار بفقرا بفروشند ثانیا در جزو بحکام دستورالعمل محرمانه بدهند که بعلاقات آنها پیچیدگی نمایند ازاینطرف دراحقاق حقوق دیوان هزار دقت نمایند وبعضی راهم شبانه گرفته مفقودالاثر کنند والا اگر کار بهمین منوال بماند عاقبت بسیار بد وتاسف آمیز خواهد شد اطلاعاً زحمت دادم ونیزاطلاعا عرض مینمایم که هر گاه باین زودیها اقدام به‌تنبیه مغرضین‌بشودمحرك حقیقی آنها البته بمقام معاونت آنها خواهد آمد و آنهم صلاح نیست و باید تنبیه آنها را بموقع و مرور گذاشت زیاده چه عرض شود .»

ناصرالدین شاه زیر این گزارش چنین نوشته

« در فقره تنبیهات پسران سید مرتضی مرد که صحیح نوشته است بایدپدراینها را آتش زد و بهمین ترتیبات اینها را تنبیه‌کرد همین مسوده رامحرمانه برای ولیعهد بفرستید که در صدداین تنبیهات باشد بی‌مجازات وتنبیه سخت چطور اطمینان ازآتیه حاصل میشود .»

ناصرالدین شاه درزیر گزارش دیگری که نظر آقانماینده ایران درپاریس راجع بملکم فرستاده نوشته‌است .

«جناب صدر اعظم -یك حکم درکاغذ فوریه نوشته شده یکی هم‌بنویسید توکه وزیر مختار آنجا هستی حالاکه ملکم خان جای خودش‌را ازلندن تغییر داده است وبپاریس آمده است باید هر روزرا پرت حالت اورا که درچه حال‌است وچه میکند وباکی مراوده دارد ومشغول‌حقه بازی یاکار دیگراست بدهد چرا نمی‌دهی‌البته هرروز را پرت بدهد »

ملکم وامتیازات

ملکم‌درتمام مدتی که در دستگاه حکومت ناصرالدین‌شاه دارای سمتی بود میکوشید برای انگلیس‌ها امتیازاتی تحصیل کند البته تحصیل این امتیازات برای انگلستان ازروی ایمان وعقیده وی نبود بلکه رشوه‌های انگلیس‌ها اورا باینکارها وادارمینمود چنانکه ضمن امتیازات‌دراین باب توضیح داده خواهد شد .

همانطور که گفتیم مهمتر از همه امتیاز بارون جولیوس رویتر بود که خوشبختانه بمرحله اجرا درنیامد ولی امتیازات دیگرمثل آزادی رود کارون‌وامتیاز دخانیات و امتیاز بانك شاهنشاهی‌و غیره که بانگلیس‌هاداده میشود نتیجه همان امتیاز شوم رویتربوده‌است

آقای محیط طباطبائی در کتاب مجموعه آثار ملکم مینویسد

«مخالفین ملکم این وساطت او را در انجام کار امتیاز رویتر یك ضرری میدانند که عالما وعامدا و یا جاهلانه به مملکت‌زد وباوجودی که این امتیاز درست داخل‌مرحله اجرا نشد ولی حوادثی که‌متوالیا درنتیجه

بی اطلاعی و کم تجربگی رجال تهران پیش آمد بدون آنکه سر موئی خیر و برکت از ناحیه رویتر بکشور ایران عاید کند کلیه مضرات اقتصادی و اجتماعی آن را دامنگیر ملک و ملت ساخت و هم اینك بانك شاهنشاهی که مدت امتیاز آن در این ایام بپایان میرسد یادگار این عمل نابخردانه ایست که مخالفین ملکم انجام آنرا به حساب خود پرستی و بدخواهی او گذارده‌اند »

درسفرهای ناصرالدین شاه باروپا مخصوصاً سفر سوم فرنك که برای بار دوم انگلیس‌ها ازاو درلندن پذیرائی میکنند تمام فعالیت و کوشش ملکم برای گرفتن امتیاز از «شاه» مصرف میشود واغلب امتیازاتی را که بانگلیس‌ها میدهند براهنمائی و دلالی او صورت پذیرفته است.

چنانکه این موضوع را میتوان ازخلال بیانات ملکم درمحکمه‌ای که در لندن بواسطه کلاهبرداری او درامتیاز لاطار تشکیل شده بود دریافت

ملکم درپاسخ سؤال مستر بولارد باز پرس انگلیسی دادگاه راجع بچگونگی امتیازات میگوید.

«من پرنس وخان وناظم‌الدوله ایران هستم تاماه ژانویه ۱۸۹۱ چند سال بود که از طرف دولت ایران در دربار لندن سفیر بودم وپس ازآن از این عمل انفصال یافته لیکن حفظ افتخارات خود را نموده‌ام و اکنون نمیدانم که سفیر هستم یا نه.

مسافرت شاه در این مملکت وسایر بلاد فرنکستان را در سال ۱۸۸۹ بخاطر دارم قبل از آن بجهت استحصال امتیازات ازدولت ایران توسط مردمان دیگر اطلاعی نداشتم ولی مذاکراتی درافواه بود که امتیازاتی داده شده وسابق نیزاز من تقاضائی برای این امتیازات شده بود ومن امتناع میکردم بالاخره صدر اعظم بمن اصرار نمود که برای منافع مملکت آنچه در قوه دارم امتناع نکنم تااینکه خودشاه تاکیدبلیغ نمود که حتی‌المقدور در این مطالب بوزرای اوکمك کنم اگرچه ازاول جزئی مددی دراینباب به آنها مینمودم لیکن بعد از اصرار شاه بجد وجهد عمل نمودم واگرچه قبل ازآن ازتوانگران انگلیس در این فقره تمنانموده بودم لیکن از روی اطمینان نبود اماپس از فرمایش شاه بکوشش واطمینان در این باب ایستادگی نمودم. در موسم تابستان ۱۸۸۹ من با شاه باسکتلند رفتم ازجمله امتیازاتی که سابقا از من درخواست شده بود یکی امتیاز قرعه ایران بود راجع باین امتیاز باشاه وصدراعظم گفتگو کردم شاه وصدر اعظم هردو گفتند که درهمان لحظه اعطا شود. نظر بمراتبی که در میان ماگفتگو شده بود شاه‌میخواست امتیازات دیگری نیز بمن بدهد لکن درآن مطالب قدری فکر و تامل لازم بود.

این موضوع بعداًهنگامی که امتیازات مختلف هریك درجای خود شرح داده‌خواهد شد روشنتر میگردد.

درپایان این مبحث بی فایده نیست برای اطلاع از طرز فکر و نظر میرزا ملکم خان درباره امتیازات‌متن نامه‌ای‌را که بعد ازمراجعت ناصر الدین شاه از سفر سوم اروپا بوزارت امور خارجه نوشته دراینجا نقل نمایم.

«بتاریخ هفتم اکتوبر ۱۸۸۹

فدایت شوم. مراجعت موکب همایون البته حیات تازه بایران‌آورده حسن تاثیرات این سفرصدمرتبه بیشتر ازآن شد که تصور می‌آید ـ معنی‌وقدرت دولت علیه در هیچ عصر مثل این اوقات در دنیا مرتفع نبوده است.

عموم ممالك فرنکستان هنوزهم از کمالات وحسن‌اطوار ووسعت معلومات بندگان اقدس همایون‌شاهنشاه روحنا فداه مملو تحسین وتعجب هستند وحقیقة ذات مقدس اعلیحضرت شاهنشاهی در جلب قلوب عموم بزرگان

فرنگستان ودر ترفیع مقام دولت علیه‌چنان قدرت وکرامتها نمودند که هیچ مورخ وهیچ شاعر عشرآنرانمیتواند بیان نماید ـ اگر هم‌این سفر مبارك همایونی بعداز این هیچ نتیجه دیگر نبخشدهمین تاثیرات که‌درفرنگستان بظهور رساند ازبرای افتخار واستحکام دولت علیه یك‌سرمایه عظیم خواهد بود وحال اینکه ازهر جهت آشکار است که این واقعه بی‌نظیر یعنی این‌سفر همایون درهرصورت از برای‌امور داخله وارتباط خارجه ایران فواید و نتایج بی‌حصر خواهد داشت .

لندن هنوز خالی است ودر این ۳ماه آینده که دود سیاهی مخصوص این‌شهر غلظت تام پیدا میکند هر کس بتواند فرار میکندو مطلب عمدهٔ نخواهد بود مگربعد از افتتاح پارلمانت علی‌الاجماله مطلب بزرك این‌فصل عظمت پیشرفت بانك‌ایران است‌ازرونق این‌عمل هرچه بگویم درایران بنظردروغ خواهدآمد ـ بارون‌رایتر و چند نفر ازشرکای او درظرف دوروز دو کرور وسیصد هزارتومان مداخل کردند دراین‌حساب هیچ‌اغراق نیست جمیع نکات عمل‌علنی بوده است‌باین‌معنی که از برای‌یك‌ملیان‌لیره سرمایه بانك‌صدهزار سهم‌چاپ کردند به‌سهمی ده‌لیره قیمت قرار داده‌اند وهمه این صدهزار سهم‌را بهمین قیمت ده‌لیره خودشان قبول کردند وبعد جمیع این صد هزار اسهام راهر کدامی بقیمت چهارده و پانزده لیره فروختند ومردم همه رادرظرف چندساعت بالتماس و هجوم از دست رایتروشرکای اوخریدند ازاین‌واقعه میتوان‌تصور کرد که اعتبار دولت‌علیه دراین اوقات درنظرخلق‌فرنگستان چقدر و چه معانی پیداکرده .

این مطلب تازه که ازبرای ایران جای هزار تهنیت‌است قابل‌ومستحق این‌است که اولیای دولت ما اقلا یکروز حواس خودرا درست جمع‌نمایند وازخود بپرسند که‌واقعا این‌چه‌حکایتی‌است واین دوسه کرور تومان‌ازجیب چه اشخاصی بیرون‌آمد وبجیب کدام اشخاص رفت .

مدت سی چهل سال ملکم‌فریاد کرد که دولت ایران میتواند سالی هفتاد کرور مداخل داشته باشدعقلای ما که براین حرف اوخیلی، خندیدندبعدازاین کم کم تصدیق خواهند کرد که قول اوبی‌پا نبوده است‌فرقی که‌خواهد بود این است که آن هفتاد کرور عوض اینکه عاید خلق ایران بشود قسمت یهودیهای خارجه خواهد شد .

قرار نامهٔ امتیاز لاتری را باچاپار سفارت انگلیس فرستاده ام البته مقارن ورود این پاکت خواهدرسید .

آنچه محقق میشود امپراطور آلمانیا از پای‌تخت یونان باسلامبول خواهد رفت‌جای دقت‌خواهد بود که ببینیم اعلیحضرت سلطان در مراسم پذیرائی همان اشکالاتی که از برای مقام‌اقدس همایون روحنا فداه برپا کرده بود از برای امپراطور آلمانیا هم‌بمیان خواهدآورد یانه .

بتلغراف مقرر شده بود که آن دوتوپ ساچمه‌زن که‌پیشکش خاکپای اقدس شاهنشاه روحنافداه شده‌بود بفرستم که توسط سفارت انگلیس تقدیم بشود خواهم فرستاد امادرست نفهمیدم که آنرا باید بنده بفرستم سفارت انگلیس چرا باید تقدیم بکند . گویا خواسته اند علاوه برآن دلایل گوناگون که در این ملك بصد وسیله اعلام ومنتشر کردند دراین موقع آخرهم به‌بنده درست حالی‌نمایند که بعداز این سفیر ایران در لندن بایدخود را نوکر سفارت انگلیس بداند .

میگویند دلغاروکی بایران نخواهد رفت ودرعوض اوموسیو اونوکه سالها در اسلامبول مترجم سفارت‌روس بود، بطهران خواهدآمد .

چیزیکه مسلم است این‌است که هرسفیر تازهٔ که بایران بیاید وهرواقعه که بروز بکند ترقی وشوکت واهمیت موقع دولت علیه درزیر سایه این‌سلطنت عظمی‌وبه‌یمن بخت کرامت بخش‌بندگان اقدس همایون‌شاهنشاه ارواحنا فداه روزبروز جلوه وعلوتازه پیداخواهد کرد

دیشب سیردرمون وولف به‌بنده کاغذ نوشته بود که امروز می‌آید بسفارت ازمن وداع بکند که فردا

روانه طهران بشود از هر جهت خیلی‌تر دماغ است پیشرفت طرح از آنچه شد نصیب هیچ مامور نبوده است
محل امضاء ملکم »

اعتماد السلطنه از ملکم انتقاد میکند

هنگامی که ملکم در لندن وزیر مختار ایران بود اعتماد السلطنه باشاره امین السلطان صدر اعظم که بعللی دل خوشی از ملکم نداشت مقالهٔ در انتقاد از ملکم بعنوان صدر اعظم مینویسد وسپس آنرا بنظر ناصر الدین شاه میرسانند و برای مزید اطلاع عین آنرا در اینجا نقل میکنم :

«آنچه مشهور بین‌الناس است ناظم‌الدوله چندی‌قبل کتابچه در تنظیم وترتیب اساس جدید برای دولت فرستاده است ودوستان اوباهزار آب‌وتاب این کتابچه را در خاکپای همایون ودر مجلس وزراء جلوه دادند مثل اینکه بلاتشبیه یکی‌ازسور کلام مجیداست ونوشتن چنین مطالب خاصه این‌شخص فرید درلندن بودن در اطاقی آراسته ومزین ومخلی بطبع برروی حفه‌های اطلس نرم نشستن وسالی هم‌غیر حق بیست‌هزار تومان وجه‌نقد برای معاش ازدولت گرفتن وچندجلد کتب قوانین سیاسیه وبلدیه ملل فرنك‌دور خود جمع نمودن علی الخصوص هم غیر مکلف وناملقید بودن ودوستان عزیز دردربار دولت داشتن لازمه‌اش چنین‌مطالب نوشتن است این رهبان‌معتکف لندن اولا چه مایه‌دارد که باید اقوال اورا بمنزله وحی‌منزل من‌السماء تصور کرد ثانیاچه‌دولتخواهی در راه‌مملکت وسلطنت ازاو دیده شده‌که بترهات او بایددل بست گاهی ایجاد فراموش خانه درایران میکند و اساس جمهوری که لازمه فراماسونی است درایران فراهم می‌آورد ومدتهای مدید شخص سلطنت ونفس‌دولت وچندین هزار نفر آحاد وافراد ملت‌را درزحمت وتزلزل میاندازد وگاهی بماموریت رسمی‌بسمت‌جنرال قونسولی بمصر میرود‌ناموس دولت را بباد داده ازاسمعیل پاشا خدیوده هزارتومان برسم انعام تکدی میکند و گاهی کلاه فین عثمانی سر گذاشته تبعه‌آندولت میشود بعداز یاس از همه‌جا وهمه‌کس محض دوستی شخصی‌ماچنانکه رسم دوشخص شریك الخیانةاست که باطنا باهم عداوت دارند اما درظاهر برای پوشیدن اسرار یکدیگر لابدباهم بالفت میورزند مرحوم سپهسالار او را بطهران آورد وکردآنچه کرد ودیدند آنچه دیدند که باغوای اوچه طور نخوت وغروربرمزاج سپهسالار مستولی شد که یکدفعه از دولتخواهی حالش تغییر کرد وچقدر راه صعب شد که اگر بتدابیر صائبه وحسنه پادشاه همراه نبود بواسطه سوء سلوك مرحوم سپهسالار باعاظم واعیان ایران ننگی بیرون می‌آمد که‌فقره قتل میرزا سلیمان وزیرشاه محمد صفوی ازخاطرها محومیشد وبعدمسئله ریتر که همینطور معوق‌مانده است‌واگر عرض کنند تمام شده است خلاف محض‌است چراکه بهرکس امتیازی از آن بعد داده‌اند مخصوصا قیدشده‌است که باید رفع‌ادعای ریتر رابکنند پس‌ادعا برقرار است که درامتیازنامه‌های چند نفر قید نموده‌اند که باید رفع ادعاهای اوراکرد واگر هم این‌مطلب قید نمی‌شد ریتر ادعای خود را مینمود چنانکه در امتیازنامه باآلئون و بواتال نمود وباشد وقتی که همین مسئله ریتر بواسطه بی‌مبالاتی وعدم اعتنا که رجال دولت مادر اتمام آن دارند مایه زحمتی شود که مافوق آن متصور نباشد نمی‌دانم این‌سالی‌بیست‌هزار تومان باج‌دادن باین شخص‌محیل حق ناشناس که این‌اعمال ازآن ناشی‌شده برای‌چه‌است واورا نماینده دولت در دربار دولت انگلیس که‌هزار کار در اینوقت باآن دولت داریم قرار دادند برای چیست مخفی نماند که این شخص در دربار انگلیس قولش وجها من‌الوجوه وقعی‌ندارد تقلبی که به‌ریتر کرده ودویست‌هزار تومان از او بتدلیس دریافت داشته و خورده بوده است او را طوری لکه زده کرده است که در اغلب مجالس رسمی عمومی هیچ دعوتش نمیکنند دولت ماکه رسم‌ندارد ایلچی بجائی مامور میکند اجزاءآن سفارت را از وزارت خارجه بفرستد که بواسطه آن اجزاء وضع‌آن سفارت معلوم شود سفارتخانه‌های مایا هیچ اجزاء ندارند ویاگردارند ازبنی اعمام سفیر وخدام‌آن سفیر است اگرسفارت لندن مااجزای خارجی میداشت حالت میرزا ملکم‌خان آنوقت معلوم میشداگر وحشتی دولت از او دارد که بعد از خلع اودر روزنامه‌ها بدنویسی خواهدکرد جواب عرض میکنم چه بدی‌است که تابحال بواسطه خوداومستقیما یابتحریك او ومرده‌اش ننوشته‌اند که بعداز این بنویسند برفرض هم باز بنویسند چه وحشتی از روزنامه هاست وچه اثری خواهدکرد برفرض هم بنای چنین فضولی راگذاشت خیلی‌سهل است او را تحت‌الحفظ ازفرنك‌آوردن و تادیبش کردن بهتراز هیچ اعتنائی باونکردن است این‌شخص محیل هرچندی یکبار برای بهم زدن ترتیبی

که بدیاخوب در ایران برقرار است یابجهة اثبات وجودخود کتابچه نوشته دولت ما را تهدید میکند وعیب‌جوئی مینماید که حواس شخص سلطنت ورجال دولت را متزلزل نماید باید پرسید که آقای راهب خوش بخت لندن معایب گفتی اگر عاقلی وعالم چاره‌اش را بگو مثلا مینویسد خواهی نخواهی ایران را مجبور بداشتن قانون می کنند باید گفت مگرما قانون نداریم وچه عیب داریم ..... که ملك غضب شدی وبوم مشئوم وفنای ما را خبر میدهی مینویسد که دولت مامریض است وبهلاکت نزدیك دیریازود خواهد مرد چرا مریض است وچرا خواهد مرد این شخص رسمش این است همینکه نشان ندارد ساکت است وقتی که برای خود نشان گرفت آنوقت کتابچه در معایب دادن نشان مینویسد لقب که نداشت ساکت بود همینکه لقب گرفت لایحه در معایب لقب مینویسد مواجب که کم داشت هیچ نمی‌گفت همینکه مواجبش زیاد شد حالا اخطاری در تخفیف مخارج دولت مینگارد میرزا ملکم جلفائی چرابابد ملکم میرزای شاهزاده ایرانی خود رامعرفی کند حالت این شخص محیل بی‌ناموس همین است که نوشته شده اگرچه رجال دولت بهتر از اینجا کر از وضع او مطلع هستند ولی محض تذکار جسارت شد پس هرچه مینویسد وهرچه میگوید فقط بملاحظه اظهار شخصیت است وچاره‌اش این است که ابدا نباید اعتنائی باو کرد ووقعی بتحریرات او گذاشت ازاین ترجمه‌ها و کتابچه نویسی‌ها شاید ماها که رهبان لندن نیستیم و حواس جمع ومعاش بی‌اندازه یا باندازه وزاید ازلزوم نداریم ومصدر خیانت هم بدولت وملت خودمان نبوده ونیستیم بتوانیم نوشت تقصیرماها آنچه معلوم میشود نبودن در لندن وحاضر بودن در طهران وخدمتگزاری بدولت ایران است والا ما که خود حاضریم وناظر اجازه بدهید تابنویسیم وبگوئیم قصورات چه‌است وچاره‌اش چیست ودر هرفقره از فقرات کشوری ولشگری مقرر فرمایند تاماهم کتابچه عرض کنیم تامعلوم شود که میرزا ملکم خان ملك آسمان ویافرشته زمین نیست.»

ملکم بعدازعزل ازسمت وزیرمختاری ایران در لندن چنانکه گفتیم باانتشار روزنامه قانون (که قریب چهار سال از ژانویه ۱۸۹۱ منتشر میشد) از حکومت ناصرالدین شاه انتقاد میکرد وباروش استبداد مبارزه مینمود •

پس از قتل ناصرالدین شاه دردوره سلطنت مظفرالدین شاه بعداز بر کناری امین - السلطان وروی کار آمدن امین الدوله بواسطه دوستی دیرینه‌ای که بین ملکم و امین - الدوله بود میرزا ملکم خان رابسمت وزیرمختارایران درایطالیا به‌رم میفرستند وملکم تا پابان عمردراین سمت باقی بود •

راجع بفوت ملکم آقای خان ملك ساسانی مینویسد •

ملکم در سال ۱۳۲۶ در شهر لوزان (سوئیس) فوت کرد و بر حسب وصیت او جنازه‌اش را سوزانیدند ولی ناظم‌الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان مینویسد •

«ملکم در سال ۱۳۲۶ در روم پایتخت ایتالیا پس از آنکه وصیت نمود که مرا برحسب آئین مسلمانی کفن ودفن کنید بدرود زندگی گفت »

۴

میرزا علی اصغرخان امین السلطان

اتابك اعظم

خانواده امین السلطان

امین السلطان صدر اعظم دوران استبداد و رئیس الوزراء مشروطه قریب یك ربع قرن کارگردان عمده هیئت حاکمه ایران و مؤثر در تمام شئون این مملکت بوده است. اعتماد السلطنه در کتاب خلسه خود خانواده امین السلطان را اینطور معرفی میکند. جدش بنام زال از ارامنه سلماس بود و آقا محمد خان قاجار اورا جزء اسیران گرجستان بایران آورد بعدها زال در منزل میرزا گرگین خان گرجی از منسوبان منوچهر خان معتمد الدوله خواجه باشی فتحعلیشاه خانه شاگرد شد. سپس بمنزل امیر



میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابك اعظم

سلیمان‌خان اعتضاد الدوله قاجار واقع در ارک رفت و بحکم امیر سلیمان‌خان زال راختنه کردند و بکیش مسلمانیش در آوردند و در زمره غلامان امیر قرار دادند. زال در منزل خان زنی گرفت و از او فرزندانی آورد که دو پسرش را بنام ابراهیم و اسکندر خواندند مدتها این دو برادر در خانواده اولاد امیر سلیمان خان بسمت خانه شاگردی و شاگرد آبداری زندگی میکردند تا هنگامی که ناصر الدین میرزا ولیعهد به حکمرانی آذربایجان منصوب شد مهد علیا مادر ولیعهد نوه امیر سلیمان خان که بهمراه ناصر الدین میرزا به تبریز میرفت این دو برادر را نیز با خود برد. اسکندر بسمت آبداری ولیعهد انتخاب و برادرش که باسم ابراهیم خوانده میشد شاگرد او شد موقعی که ناصر الدین شاه بسلطنت میرسد اسکندر بیك بعنوان سقا باشی در رأس آبدارخانه در بار ناصر الدین شاه بخدمت مشغول بود وابراهیم نیز نزد برادر بسر میبرد هرچند ابراهیم مدتی از برادر جدا شده ودر دکان کفش دوزی شاگرد شد ولی باز نزد برادر آمده در جزء سقایان آبدار خانه دربار داخل میشود.

اسکندر بیك سفری بمکه میرود ودر بازگشت فوت میکند - جا نشین اسکندر بیك قاعدتاً باید فرزندش یوسف خان باشد - یوسف نیز باین سمت انتخاب شد ولی چون هنوز طفل بود عمویش آقا ابراهیم عملا آبدار باشی وهمه کاره آبدار خانه شد.

باری این آقا ابراهیم از اشخاص با استعداد و باهوش و زرنك وعاقل بشمار میرفت سواد خواندن و نوشتن نداشت ولی حافظه خدا داد ولیاقت و کار دانی وپشتکارش او را بجائی رساند که در اندك مدتی «امین السلطان» وهمه کاره ناصرالدین شاه یعنی همه کاره ایران شد.

آقا ابراهیم امین السلطان کم کم اداره آبدار خانه وصندوق خانه و شتر خانه و قاطر خانه وانبار غله مرکزی وضرابخانه وساختمانها وباغات وقنوات ووزارت گمرك و خزانه را تحت نظر خود درآورد و کمتر کاری در دستگاه دولت میگذشت که او در آن مداخله نداشته باشد.

کارها مطابق میل «شاه» وتمام افکارش برای جلب رضای او بود.

امین السلطان بر کرسی صدارت

آقا ابراهیم امین السلطان در سال ۱۳۰۰ هجری قمری موقعی که ناصر الدین شاه بمشهد میرفت در قریه داور زن بدرود زندگی گفت وپسر دومش بنام میرزا علی اصغر خان که لقب امین الملکی داشت در سن بیست و پنج سالگی صاحب تمام مشاغل ومناصب پدر گشت وبلقب امین السلطان خوانده شد.

مرحوم عبداله مستوفی در کتاب شرح زندگانی خود راجع بمیرزا علی اصغر خان مینویسد.

«امین السلطان دوم بقدریکه پدری مانند آقا محمد ابراهیم درفکر تحصیل پسرش میتوانست باشد در کودکی وجوانه مردی تحصیلاتی البته نه چندان عمیق کرده بود ولی در مقابل هوش وحافظه و زیرکی بسزائی داشت که هرچه میدید ومی‌شنید فرا میگرفت ومحفوظات خودرا بسیار بموقع بکار میانداخت درضمن کمکهائی که بپدر میکرد چنان بکار ماهر شده بود که بایك نظر بهر عریضه بدخطی نقطه حساس آنرا مییافت وباچند

کلمه که حاشیه آن مینوشت ازرد وقبول تکلیف را بخوبی میتوانست معین کند ـ بلند نظر وباگذشت ـ کریم و بزرگوار وگشاد بازو دراین ذمیمه بسیار بی‌پروابود. اوقات خودرا بین تفریح و کار تقسیم مینمود وقتی بکارمشغول میشد ده پانزده الی بیست ساعت بدون هیچ وقفه وتنفس کار میکرد وهمینکه بخلوت میرفت یك شبانه روز و گاهی زیاد تر بتفریح وقت میگذراند وهمه چیز حتی اوامر شاهانه‌را هم پشت گوش میانداخت صورتاً زیبا و بسیار خوش محضر و مرد مدار بود چون برادر بزرگترخودش که امین حضرت لقب داشت وبعیاشی عمرمیگذراند ازباقی برادرها دو نفر رسیده و کارآمد آنهارا کمك گرفت شیخ اسمعیل‌را که ازاین ببعد میرزا اسمعیل خان شد بالقب امین‌الملك ازطرف خود بریاست خزانه گماشت ومحمد قاسم برادر دیگرش را بالقب صاحب جمعی رئیس شترخانه و قاطر خانه کرد وگمرك‌را به معزالملك دائی خود داده کار آبدار خانه را به آبدار باشی سابق محول داشت انبار غله را به سقاباشی پدر زنش سپرد وضرابخانه‌رابحاجی محمد حسن مشهور بکمپانی واگذاشت صندوق خانه رابامین السلطنه منسوب دیگرش داد. ودراین‌وقت برای اشتغال بکارهای صدارتی بدون اینکه لقب صدراعظمی داشته باشد مهیا وآماده بود.»

باین ترتیب امین‌السلطان که بعد ازفوت پدرش جانشین او میشود پس‌ازمدت کمی کلیه کارهاراقبضه کرده وهیچ امری نبود که بدون نظر وموافقت او انجام شود.

این مرد بتدریج رقبای خودرا مغلوب وتحت سلطه خویش درآورده ویاازمیدان بدر میکند چنانکه وسائل عزل ظل السلطان که ازنیرومند ترین مخالفین محسوب میگشت بدست اوتهیه شد ودرحقیقت امین‌السلطان بود که فرزندخونخوار ناصر الدین شاه را باخدعه ونیرنك از حکومت پهناور قسمت های مرکزی و جنوبی ایران بجز اصفهان عزل کرد و همچنین دیگران مثل سید جمال الدین اسدآبادی وملکم‌وغیره‌هیچیك نتوانستند حریف او بشوند.

پروفسور ادوارد برون در کتاب انقلاب‌ایران مینویسد

«امین السلطان مردی باادب خوش خوی ودرچاره جوئی وانجام نقشه خود بس زیرك وماهرودراستتار اعمال سوء نیت بسیار تودار وبااحتیاط بود.»

ناظم الاسلام کرمانی در تاریخ بیداری ایرانیان راجع بامین‌السلطان نوشته.

«خواست تامحبوب القلوب عامه گردد وجذب وجلب نفوس همه‌را بطرف خود نماید باهمه کس بطور تدلیس اظهاردوستی وهم‌مشربی میکرد درنزد متصوفه اظهاردرویشی مینمود باطبیعی دهری بود باعلماء تدلیس میکرد وحسن عقیدت بخرج میداد متملقین راهم اطراف خودداشت ولقمه نانی بنزد آنها میانداخت»

لردکرزن راجع بامین السلطان مینویسد.

«نخست وزیر کنونی که میرزا علی اصغر خان نام داردوبامین‌السلطان ملقب‌است مرد جوانی‌است که‌دراین تاریخ (۱۸۹۱) سی وچهار سال دارد وبدون استفاده از موقعیت خانوادگیش باتکاء لیاقت و استعدادذاتی خود را بعالیترین مقامات ایران رسانیده ودرسال ۱۸۸۹ که شاه باروپا مسافرت کرد یکی‌ازملتزمین مهم او بود امین‌السلطان نوه یك ارمنی وپسر یکی از درباریان بودکه نخست سمت آبدار باشی شاه‌را درمسافرت وگردش وشکار داشت وبعد ببالاترین مقامات رسید. این شخص اکنون وزارتخانه های داخله،دادگستری، گمرك ودارائی‌را عهده دارد و بعلاوه رئیس ضرابخانه ومدیر بنارر خلیج فارس میباشد وهمچنین عملا وزارت خارجه را هم اداره میکند من بااو چند بار ملاقات کرده وبشدت تحت تأثیر هوش انرژی وقدرت اخلاقی محسوسش قرارگرفتم‌امین السلطان ظاهری گیرنده و روشی جذاب وبی‌پرده داشت وسخنان خودرا باروانی وبسرعت ومؤثر ادا میکرد او مانند دیگر درباریان که از طبقات بالا بودند تمول سرشاری بدست آورده بود که نیمی ازآن موروثی و نیمی اکتسابی بودو درمنزل زیبائی در پایتخت عمر میگذراند،

او بهیچوجه در بیان عقایدش که مشحون از آزادی وتمایلات انگلو فیلی بود اختفا روا نمیداشت وبامن تقریبا بآزادی در باره سیاست کشورش مذاکره میکرد. او میگفت که درانگلستان بیش از هرچیز ثروت هنگفت نجبا که هریك پادشاهی بودند ودانش وفرهنك مردم که بتمامی فهمیده بودند وتراکم وانبوهی جمعیت بطوریکه هردهکده شهری وهرشهر استانی بود نظر او را جلب کرده است.

در بازگشت بوطنش منظره رقت بار جاده‌های ایران اورا تقریبا بگریه آورده بود وچنین اندیشید که بهترین طریق برای ادای دین خود باروپا ایجاد ومرمت جاده‌ها وتاسیس راه آهن است.

او اظهار داشت که مایل است دو پسرش که بزرگترین آنها ۱۲ سال داشت درانگلستان تربیت شوند اما مادرشان تحمل دوری فرزندان خود را نداشت. مادر باره بعضی مطالب سیاسی با یکدیگر مذاکره کرده‌ایم واکنون نمیخواهم از آن مطالب سخنی بگویم اما همیشه من تحت تأثیر او در تشخیص موقعیت ودرك کامل وفوری نقشه ونظریات رقبایش قرار میگرفتم.

امین السلطان که اکنون با دسیسه‌های پی در پی وضدیتهای آشکار درباریان قدیمی هم مواجه است واورا توطئه کننده وتازه بدوران رسیده میدانند برای چند سال توانسته است خودرا حفظ کند دولت او بطورکلی ارخود قدرت وموفقیت نشان داده است تا اگر بتواند همواره از حمایت شاه استفاده کند و از خرابی وفساد زندگی درباری ایران خودرا برکنار دارد وهم اگر بتواند ازمیان طوفانها وگردابهای دسیسه‌ها وفتنه‌ها که دراطراف یك پیشوا درایران موج میزند سربلند کند ممکن است در زندگی خویش یك خیرخواه واقعی برای کشورش باشد.

در این موقع - سال ۲ - ۱۸۹۰ - که وضع هر روز وخیم تر وفشار بیشتر میشود بنظر میرسد که هنوز موقعیت او استوار وپا برجاست وگمان نمیرود حسادت رقبایش بتواند دراطمینان قلبی وعلاقمندیش در مورد صدارتش لطمه‌ای بزند».

هرچند امین السلطان تاسال ۱۳۱۰ هجری قمری عنوان صدر اعظمی نداشت ولی بنام وزیر اعظم درواقع تنها «همه کاره» ایران ومالك الرقاب این کشور بود

بعد ازقتل ناصرالدین شاه باز امین السلطان صدر اعظم مظفرالدین شاه بود تا در اواخر سال ۱۳۱٤ قمری که ازاین سمت عزل وبقم میرود ومیرزا علیخان امین الدوله بجای او انتخاب میگردد.

صدارت امین الدوله چندان طول نکشید که بتحریك عده‌ای (مخصوصاً خود امین السلطان) درسال ۱۳۱۷ قمری عزل ودوباره امین السلطان بجای او بصدارت میرسد وبلقب اتابك اعظم نیز ملقب میشود وتاماه جمادی الثانیه ۱۳۲۱ هجری قمری در کمال اقتدار حکومت میکند.

روابط امین السلطان با انگلیسها وروسها

امین السلطان در اوایل زمامداری تاهنگام واقعه تحریم تنبا کو کاملا انگلوفیل وروابط صمیمانه‌ای باانگلیسها داشت مخصوصاً با سردرومند ولف وزیر مختار زیرك وفعال انگلیس چنان نزدیك شده بود که هیچوقت کاری از امور مملکتی را بدون مشاوره و استجازه او انجام نمیداد. - وزیر مختار انگلیس مستشار صدیق ودلسوز و معلم دانای وزیر اعظم ایران بشمار میرفت - انگلیس ها نیز برای منافع خودشان باجدیت کامل ازاو پشتیبانی میکردند وچند دفعه که بعللی مورد خشم «شاه» واقع گردید وزیر مختار انگلیس تلگرافاتی مبنی برپشتیبانی وتقویت از امین السلطان جعل کرد که لرد سالیسبوری نخست وزیر انگلستان آنها را مخابره نموده وجدا مایل است امین السلطان سر کار خود باشد.

امین السلطان همیشه تمام کوشش خودرا بکار میبرد که فقط سر کار بماند وبرای

انجام این منظور از هیچ اقدامی ولو نیستی ونابودی کشور هم باشد خود داری نداشت ـ امین السلطان درراه دوستی باانگلیسها ازهیچ سعی و فداکاری امتناع نکرد . امتیازات بی شماری باثمن بخس و باگرفتن رشوه‌هائی برای ـ خود واطرافیان بآنها داد که اگر واقعه رژی پیش نیامده بود و امتیاز نامه‌ها بمرحله اجرا در میآمد ایران چون هندوستان ولی بدون خونریزی وخیلی سهل وآسانتر تحت سلطه انگلیسها رفته بود .

این مرد ناصرالدین شاه‌را برای بار سوم باروپا برد ودرانگلستان پذیرائی شایانی که انگلیسها از «شاه ایران» بعمل آوردند شاید تاآنموقع سابقه نداشته‌است ودر همین سفر نشان معروف «حمام» راکه هنوز بهیچ خارجی داده نشده بود برای اولین بار به‌وزیر اعظم ایران میدهند .

امین السلطان رویه دوستی باانگلیس‌را تاواقعه‌تحریم تنباکو وشورش مردم‌ایران وشکست سیاسی انگلیس در این کشور ادامه میداد ولی از آن ببعد باز برای حفظ مقام خود تغییر روش داده و دردامان روسها میافتد . دوستی امین السلطان با روسیه تزاری روز بروز محکم تر میشد وعلت اصلی قتلش نیز همین طرفداری ازروسها بود .

دکتر فوریه پزشك فرانسوی ناصرالدین‌شاه‌در یادداشت روز ۱۰ فوریه ۱۸۹۲ پس از شکستی که بسیاست انگلیسها درموضوع امتیاز دخانیات وتحریم تنباکو خورد راجع به تغییرروش امین السلطان مینویسد .

«جمع کثیری عقیده دارند که در حوادث اخیر انگشت روسیه سخت دخیل واین حادثه هم یك فصل از داستان رقابت دیرینه روس وانگلیس بوده‌است ـ این دفعه غلبه کلی باروسیه شده‌است تاآنجاکه امین السلطان پس ازشکستی که درتعقیب سیاست سابق خود خورد برای آنکه ازصدارت نیفتد بازیرکی مخصوص خودرا بروسها نزدیك کرده‌است وهمین امروز پس ازآنکه انحصار دخانیات ازمیان رفته وامید برگشت آرامش درمملکت زیاد تر شده‌است امین السلطان تغییر سیاست خود را علنی کرد باین معنی که بسفارت روس رفت و تامدتی قریب بسه ساعت ـ بادوبوتزوف وزیر مختار مشغول صحبت بود وباو اطمینان دادکه ازروش سابق برگشته سپس اورا مخاطب ساخت وگفت ممکن‌است شما بقول من اعتماد نکنید ولی عملیات من درآینده صدق این مقال را ظاهر خواهد ساخت) روسها طبعا باید از این پیش آمد خوشحال باشند زیراکه دردست داشتن امین السلطان برای ایشان از اصرار درعزل اوکه طرف علاقه کلی شاه‌است بمراتب بهتراست بهمین جهت وزیر مختار ازصمیم قلب بامین‌السلطان اطمینان دادکه‌اگر چنانکه میگوید عمل کند مورد حمایت دولت‌روسیه وشخص‌او خواهد بود .

یکی ازعلل پیشقدمی امین‌السلطان دراین راه اخباری بود که نمایندگان ایران ازپطرزبورغ و استانبول بشاه داده ولطف امپراطور روسیه‌را باورسانده بودند باین مضمون که‌امپراطوروعده داده‌است که درباب حل اختلافات سرحدی بین ایران وعثمانی وموضوع صدور تنباکوی ایران باسلطان عثمانی داخل مذاکره‌شود .»

سیاست امین السلطان از این تاریخ نزدیك شدن با دربار روسیه تزاری بود وتا پایان عمر ازاین روش دست بر نداشت چنانکه پس ازعزلش درسال ۱۳۲۱ روزنامه‌های روسیه‌ازاوطرفداری‌میکردند ووجوداورا دررأس حکومت ایران لازم میشمردند .

برای نمونه ترجمه یك مقاله ازروزنامه نیم رسمی دربار تزار روس بنام « نوبه‌ ـ وریمیا » را نقل میکنم .

روزنامه «نویه وریمیا» (عصر جدید) چاپ پطرزبورغ درشماره ۹۸۸۱ مورخ ۷

سپتامبر ۱۹۰۳ (مطابق ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۱ قمری) تحت عنوان «عزل صدراعظم» چنین مینویسد.

«شبهه نیست که سبب عزل صدراعظم مجتهد کربلا شد (۱)

کلیة برای آزادی درحرکات خودیکی ازمجتهدین شیعه‌از مملکت ایران خارج‌شده و در کربلا که خاك عثمانی‌است اقامت مینماید وازآنجا بتمام‌مردم وعلمای ایران راه‌نمائی مینمایدولی از قرار معلوم آنوقت که مجتهد کربلا تمام‌خیال خودش رابرای محافظت وقوت‌اسلام صرف میکرد گذشته - ازاتفاقات آخری چنان‌معلوم میشود که این مجتهدمحترم مداخله بکارهای پولتیکی شاه که درواقع کارهای صدراعظم باشد میکند و اسلحهٔ برای ممانعت دستهٔاز درباریهای طهران شده‌است وازآنجائیکه دول‌ذیمدخل باین‌دسته‌هاهم پول‌میدهند وهم‌ازآنها حمایت میکنند مجتهد مذکور ندانسته‌آلت فتنه‌انگلیس‌ها شده‌است وبهترین‌دلیل این مطلب کاغذ آخری‌است که مجتهد کربلا بشاه‌نوشته . رئیس‌مجتهدین اسلام‌در این کاغذ بشاه‌ایرادمیکند که چراازاهالی خارجه حمایت‌میکند وچرا ایران رابروسیه فروخته است حتی مجتهد مزبور میخواهد بکارهای خانوادگی سلطان هم مداخله بکند جواب سخت وشایانی که شاه‌بمجتهد داد دلیل‌این شد که مجتهد کربلا بعلمای ایران مخفیانه حکم کرد که شاه را از شورش مردم بترسانند وشاه بواسطه آرام کردن علمای مقتدراسلام صدرأعظم را که بعقیدهٔآنها آزادی‌طلب‌بوده وجه‌المصالحه قرارداده معزول کرد .

البته خیلی‌جای‌تاسف‌است که سفارت مادرطهران نتوانست اقداماتی برضدرفتار مجتهد کربلا بکند گویا مامورین مادر ایران مثل مامورین مقیمین چین‌بعد از وقوع از کارها خبردار میشوند بطور تحقیق می‌توان گفت کسی که بتواند کارهای صدراعظم را از پیش‌ببرد نیست‌وپنج وزیر که علی‌الحساب کارهای صدارت به‌آنهاراجع است اسباب تزلزل اساس متلاشی شده‌ایران خواهند شد کسی که امروز بتواند بکارهای دولتی‌ترتیبی بدهد وزیر خارجه مشیرالدوله است

ولی چون مشیرالدوله سالها باصدراعظم هم قدم بوده‌است مشکل است که شاه این‌شخص کار آمد کار دوست‌را مصدر این خدمت بکند وحال آنکه این‌شخص درمدت سنوات متمادیه که درخدمت دولت است‌هیچوقت بهیچوجه منافع شخصی خود را در نظر نداشته است واین صفتی است که در مستخدمین دولت ایران خیلی کم وبه ندرت دیده میشود»

کارهای امین‌السلطان او را منفور عامه ساخته بود

امین‌السلطان یك‌مرتبه ناصرالدین شاه ودوبار مظفرالدین‌شاه را باروپا برد وبادادن امتیازات بی‌شماری بانگلیس‌ها وروسها کشور را بسراشیبی نیستی میکشاند و چیزی نمانده بود که همین استقلال ظاهری نیز ازبین برود و ایران رسما مستعمره بیگانگان شود .

امین‌السلطان در مدتی که سیاست انگلیسی « مآبانه» داشت امتیازات زیادی به انگلیس‌ها داد چنانکه خواهیم دید فرمان اجازه کشتی‌رانی رود کارون (که قریب نیم‌قرن دولت ایران از اعطای آن بانگلیس ها خودداری کرده بود) در دوران صدارت‌اوصادر شد وهمچنین امتیاز بانك شاهنشاهی وامتیاز انحصار دخانیات وامتیاز ساختن راههای متعدد در جنوب وامتیاز استخراج معادن نفت‌بدارسی وغیره که هریك کمندی برای‌اسارت ملت ایران بود بدست این شخص داده‌شد .

بعد از آنکه امین‌السلطان بسیاست روسها متمایل میشودو باآنها طرح دوستی میریزد در این راه نیز امتیازات بسیاری بآنها میدهد .

---

۱ - ظاهراً منظور ازمجتهد مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی‌باشد که‌ازمخالفین جدی‌امین‌السلطان بود وبرای عزل او نامه‌هائی به تهران مینوشت .

گذشته ازامتیازاتی مثل ایجاد بانك استقراضی روس امتیازساختن راههای‌شوسه وراه آهن واستخراج معادن شمال واستفاده از جنگل‌ها وغیره که در مقابل امتیازات اعطائی بانگلیس‌ها وبرای حفظ توازن بین‌دورقیب در نتیجه خبطها واشتباهات این مرد بروسها داده شد در اواخر باگرفتن وامهای سنگین و شرایط کمر شکن از روسیه و گروگذاردن گمرکات شمالی نزدآنها ومخصوصا باعقدمعاهده ننگین گمرکی ۲۶رجب ۱۳۱۹ که شرح آنها خواهدآمد چنان ضرباتی باستقلال ایران زد که گمان نمیرود هیچ مردوطن دوستی مرتکب این اعمال نسبت بکشور خود بشود .

کسروی در تاریخ مشروطه ایران مینویسد .

« این مرد یگانه‌آرزو وخواستش این بود که بسر کار باشد و بمردم سروری فروشد ودستش‌بگرفتن و دادن باز باشد وهمه‌هوش وزیرکی خودرا دراین‌راه بکار میبرد و برای نگهداری خوددر سرکارکردن بخواهش‌های بیگانگان می گذاشت .

نتیجه خیرگی وناتوانی شاه ونادرستی وبدخواهی امین‌السلطان آن بودکه درسالهای بازپسین پادشاهی ناصرالدین‌شاه امتیازهائی به بیگانگان بویژه بانگلستان داده شدکه شناخته‌ترین آنها امتیاز تتن وتنباکو بود و اینها مردم را بشورانید .»

میرزا ملکم‌خان در شماره ۶روزنامه قانون مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۸۹۱ از قول یکنفر تاجر قزوینی راجع بامتیازاتی که توسط امین السلطان بخارجی ها داده شده می نویسد :

« کسی نیست ازاین جوان شریف (امین‌السلطان) بپرسد شما بچه‌قانون حقوق روستائیان مملکت ما را باجانب ماجراجو میفروشید - برطبق قانون مقدس اسلام وهمه قوانین دول این‌وسائل وروابط بازرگانی حق مسلم مردم این کشوراست اینهااسباب وسرمایه ای‌هستندکه ماروی‌آن ارتزاق مینمائیم چگونه شما جرئت و جسارت مینمائید که این وسائل حیاتی مسلمین را بمشرکین بفروشید آیامردم ایران در واقع مرده‌اند که شمامیراث آنانرا بحراج گذاشته‌اید ؟

مدیر روزنامه قانون جواب میدهد .

«آقای تاجر محترم این‌اشخاص حق‌دارند مارا مرده پندارند درکشوریکه روزنه‌ای ازحیات پدیدار است ودر میان مردمیکه اعصاب زنده باقی‌است - کدام وزیر شریف میتواند باری‌چنین ننگین و پست بردوش مردم تحمیل نموده واینطور بی‌پروا باشد !»

معروف است در اواخر درزمان محمدعلی شاه که امین‌السلطان از اروپا بازگشته وبریاست‌وزرائی انتخاب میشود از روش خرابکاری و اشتباهات خویش در موقع صدارت ناصرالدین‌شاه‌ومظفرالدین‌شاه پشیمان‌و نادم بوده‌ومیگفت هنگامی که در کمال اقتدارو‌قدرت بر کرسی صدارت‌ایران‌نشسته‌بود بواسطه جوانی‌و ناپختگی قدمی برای بهبود کشور بر نداشت ولی بعدها که در اثر تجربه و مسافرتهای خارج علم و اطلاع کافی پیدا کرده دیگر مجالی برای کار باو داده نمیشود .

بهرحال اقدامات امین السلطان وروش او که نتیجه آن محو استقلال ایران بود نفرت وبغض وکینه عامه را باوجلب میکرد وکم کم سروصدای مردم ازاطراف بلند شد و

بخصوص در هنگام گرفتن وام دومی در سال ۱۳۲۰ هجری قمری ازروسها اعتراضات زیادی باتابك میشد و شبنامه های مختلفی علیه او منتشرمی گشت.

در یکی از شبنامه‌ها قصیده‌ای که فخرالواعظین کاشانی سروده و چند بیت آن بشرح ذیل است درج شده بود.

ارمنـی زاده میـازار مسلمانانرا	بکف کفرمده سلطنت ایمان را
عاقبت خانه ظلم‌تو کندشاه خراب	پس‌چه‌حاجت که‌بافلاك کشی‌ایوانرا
داس غیرت‌چوشوددر کف‌ملت‌ظاهر	پاك‌از لوث وجود تو کند بستانرا
کاسه‌لیسی توازروس ندارد‌ثمری	کاین‌سیه کاسه‌در آخر بکشد مهمانرا

سر پرسی سایکس مینویسد

«در این‌دوره امین‌السلطان بامخالفت شدید مردم مواجه گردید که‌چرا مملکت را ازلحاظ مالی گرفتار کرده است لکن هنوز شاه بطور ثابت ودائم پول طلب‌میکرد که جهت درراه بی‌ارزش ترین‌مقاصد آنرا تلف کند «پول میخواهم» کلمه ای بودکه شاه‌طوطی وار فریاد میکرد زیراصدراعظم برای‌اوتوضیح داده بود که گرفتن قرضهٔ جدید غیرممکن است.

اتابك ازهرزگی هولناك ودائم التزاید شاه هراسناك‌گردید واین‌امر موقعیت وی‌رانزد شاه ضعیف کرد همچنین اغتشاشاتی که در غالب نقاط‌کشور بروز کرد موجب تضعیف حیثیت وی‌شد.»

از طرف دیگر علمای تهران مثل میرزاسید محمدطباطبائی وشیخ فضل‌اله نوری باعلمای نجف مثل‌آخوند ملامحمد کاظم خراسانی‌وحاجی‌میرزا حسین تهرانی دربرانداختن میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان(اتابك‌ عظم) هماهنك شده بانوشتن‌نامه‌هائی‌مظفرالدین شاه را مجبور ساختند تا درماه جمادی‌الثانیه ۱۳۲۱ اتابـك را معزول و عین‌الدوله را بجای او بنشانند.

مقارن همین اوقات تکفیر نامه‌ای از طرف علمای عتبات منتشرشدکه درآن امین‌-السلطان راکافر دانسته و بارتداد او حکم‌میکرد.

هر چند که بنا بگفته بعضی این تکفیر نامه جعلی است ولی بـرای مزید اطلاع متن آنرا در ذیل نقل مینمایم.

«بسمه تبارك وتعالی

برقاطبه اهل اسلام سیما ساکنین ایران مخفی نماند که تسلیط کفر و استیلاء اجانب برنفوس محترمه اسلامیه و بخشیدن حریت بفرقه ضاله بابیه خذلهم‌الله واشاعه منکرات واباحه بیع‌مسکرات درایران بحدی‌رسیده که جای توقف ومجال تامل باقی نمانده ویومافیوما در تزاید وآنچه درمقام تدبیر و دفع این غوایل هائله شده اثری ندیدیم واین‌نیز برماثابت و محقق گردید که تمام این‌مفاسد مستند بشخص اول دولت علیه‌ایران میرزاعلی اصغرخان صدراعظم است وپادشاه اسلام اعلیحضرت مظفرالدین‌شاهنشاه ایران خلدالله ملکه در نهایت دین‌داری و رعیت پروری وغایت اهتمام را در حفظ حدود مسلمین داشته ودارد وتمام‌این مفاسد را این شخص خائن دولت و ملت اسلام برآن ذات اقدس اغفال نموده چاره جز اظهار مافی الضمیر ندیدیم ــ لهذا بر حسب تکلیف شرعی و حفظ نوامیس اسلامی که برافراد مسلمین فرض‌عین است به‌خباثت ذاتی وکفر باطنی وارتداد ملی‌اوحکم نمودیم تاقاطبه مسلمین وعامه مؤمنین بدانند که ازاین وبعد مس بارطوبت میرزا علی اصغر خان جایز نیست واوامر و

نواهی اومثل اوامر و نواهی جبت وطاغوت است ودر زمره انصار یزیدبن معاویه محشور خواهد بود قوله تعالی لن یجعل الله للکافرین علی المسلمین سبیلا اللهم انا نشکوالیك فقد نبینا وغیبة ولینا ـ بتاریخ ۲۱ جمادی الثانی سنه ۱۳۲۱

الاحقر محمدالشربیانی (مهر) الاحقرالجانی محمدکاظم الخراسانی (مهر) محمد حسن المامقانی (مهر) الجانی نجل المرحوم میرزا خلیل (مهر)»

قتل امین السلطان

امین السلطان پس از عزل از صدارت بطرف اروپا عزیمت مینماید

در هنگامی که امین السلطان در خارج کشور بود درایران فرمان مشروطیت صادر شد و بعد از فوت مظفرالدین شاه محمدعلی شاه بسلطنت رسید.

محمدعلی شاه در سال ۱۳۲۵ هجری قمری امین السلطان رابرای ریاست وزرائی بتهران احضار میکند وباوجود مخالفت آزادیخواهان بالاخره بایران میآیدودر تاریخ بیستم ربیع الاول ۱۳۲۵ کابینه خودرا بمجلس شورایملی معرفی مینماید.

ظاهرا باسوابقی که امین السلطان داشت علت موافقت مجلس بازمامداری اوچنانکه گفته شد بواسطه ندامت وپشیمانی از کارهای گذشته خود و فعالیت طرفداران او در طهران بود ومخصوصا نامه میرزا ملکم خان که در آن نوشته بود.

«امین السلطان آن امین السلطان نیست. باتجارتی که حاصل کرده بوجود امر خوشبختی ایران را باید تبریك گفت».

خلاصه مدت زمامداری این شخص چندان طول نکشید ودر تاریخ شنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۵ هجری قمری ساعت هشت ونیم بعدازظهر هنگامی که از مجلس شورایملی خارج میگشت بضرب گلوله عباس آقاجوان آذربایجانی کشته شد.

درعلت کشته شدن امین السلطان (اتابك) وشخص قاتل تعبیرات واقوال متعددی هست چنانکه بعضی مانندمخبرالسلطنه هدایت قاتل راموقرالدوله ومحرك را محمدعلی شاه وبعضی دیگر قاتل را یحیی میرزا و محرکین او رالیدران حزب سوسیال دموکرات مثل مستوفی الممالك و سلیمان میرزا و تقی زاده میدانند.

بخش دوم

۱

روابط ایران و انگلیس
و
امتیازاتی که انگلیس‌ها در ایران تحصیل کرده‌اند

شاید در دسامبر سال ۱۶۰۰ میلادی که الیزابت ملکه انگلستان فرمان انحصار تجارت شرق را برای کمپانی هند شرقی بمنظور تسخیر هندوستان امضاء کرد سیاستمداران انگلیسی هم نقشه شوم اسارت ملت ایران را طرح نمودند.

بهرحال مدت سیصد و پنجاه سال است که انگلیس ها چشم طمع بکشور ایران دوخته و برای تسلط بر آن واز بین بردن استقلال سیاسی و اقتصادی ملت ما از هیچ عمل خلاف انسانیت خودداری نکرده‌اند.

اهمیت هندوستان برای بریتانیای کبیر معلوم و بگفته لرد کرزن امپراطوری انگلیس بدون هند نمیتوانست دوام بیاورد - ایران گذشته از آنکه خودبازار خوبی برای تجارت انگلستان بود کلید هندنیز بشمار میرفت و مخوف ترین و آسانترین راه حمله بهند محسوب میشد بنابراین حفاظت هندوستان وتسلط برخلیج فارس واقیانوس هندلزوم در دست داشتن ایران را ایجاب میکرد.

تازمانیکه پادشاهان صفویه دراین سرزمین حکومتی نیرومندداشتند برای انگلیسها دست اندازی بایران میسر نبود و بعد از آن در دوره نادرشاه نیز نمیتوانستند کاری انجام دهند.

انگلیس‌ها با آنکه در دوران سلطنت کریم خان زند در تاریخ ۲۳ ذی الحجه ۱۱۷۶ فرمانی برای تجارت در ایران بدست آوردند ولی عمده نفوذشان اززمان فتحعلی شاه و مخصوصا از هنگامی است که ناپلئون امپراطور فرانسه باتفاق پل اول امپراطور روسیه میخواست با کمك ارتش ایران بتسخیر هندوستان اقدام نماید.

ازاین تاریخ با آمدن سرجان ملکم وسپس سرهارفورد جونس مامورین سیاسی انگلیس روابط ایران بادولت انگلستان وارد مرحله تازه ای میشود. از این موقع انگلیس‌ها مطابق مقتضیات روز روش های گوناگونی پیش میگیرند و برای حفظ منافع امپراطوری بریتانیا و بمنظور برده وبنده ساختن ایرانی ورسوخ در کلیه شئون اجتماعی این ملت جدا مشغول اقدام میگردند و با دادن رشوه وهدایا وترویج فساد وپراکندن تخم نفاق وتقویت از خیانت کاران وبیگانه پرستان تیشه بریشه هستی مردم ایران میزنند

تازمانی که‌خطر ناپلئون هندوستان را تهدید میکرد باتدلیس و خدعه و فریب و دادن‌رشوه چند معاهده (درسالهای ۱۲۱۵و۱۲۲۴و۱۲۲۷ قمری) با دولت ایران منعقد ساختند وبموجب آنها دولت ایران ازیك طرف متعهد شد که «هرعهدوشرطی که باهر یك از دولتهای فرنك بسته‌اند باطل وساقط سازند ولشگر سایر طوایف فرنگستان را از حدود متعلقه بخاك ایران راه عبور بطرف هندوستان و سمت بنادر هندندهند» ونیز از طرف دیگر دولت ایران قبول کرد که «هرگاه پادشاه افغانستان تصمیم بگیرد که به هندوستان حمله نماید چون سکنه هندوستان رعایای اعلیحضرت پادشاه انگلستان می باشند یك قشون کوه پیکر باتمام لوازم ومهمات آن از طرف کار گزاران اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ایران بافغانستان مامور خواهد شد که آن مملکت‌را خراب وویران نماید و تمام جدیت و کوشش را بکار خواهند برد که آن ملت بکلی مضمحل شده و پریشان گردد.»

هنگامیکه ناپلئون شکست میخورد سرگوراوزلی مأمور سیاسی انگلستان در ایران بدولت انگلیس مینویسد.

«چون ناپلئون بجزیره الب تبعید شد وسرحدات هندوستان تأمین گردیدوخطری متوجه آنجا نیست بهتر است ایران در همان‌حال توحش و بربریت باقی بماند»

بعداز آنکه از سال۱۲۱۹ هجری قمری جنك‌های ایران و روس شروع میگردد فتحعلی‌شاه برای مقابله باقشون روسیه بموجب معاهدات سابق مکرر تقاضای کمك از انگلیس‌ها مینماید ولی مقارن این اوقات چون روابط حسنه بین دولتین روس وانگلیس برقرار بود دولت ایران از این در خواستها نتیجه‌ای نمی گیرد وانگلیس ها ببهانه های مختلف نه تنها ازهر کمك ومساعدتی خودداری میکنند بلکه بااقداماتی که بنفع روسها وبضرر ایران انجام میدهند واسطه صلح میشوند وابتدا عهدنامه گلستان و سپس معاهده ننگین واسارت آمیز ترکمانچای را بایران تحمیل میکنند.

این در موقعی است که این دودولت باهم‌نزدیك میشوند وبعدها که باهم رقابت میورزند وهریك برای عقب زدن حریف وبلعیدن کشور ایران دندان طمع خود راتیز می کنند بااقدامات وحشیانه دیگری دست میزنند که کمابیش دراین کتاب خواهید دید.

درزمان محمدشاه که دولت ایران برای تنبیه حاکم یاغی هرات بدانصوب لشگر میفرستد وهرات را محاصره میکند باآنکه بموجب عهدنامه سال ۱۲۲۷ هجری قمری مقرر بود که «اگر جنك ونزاعی فیمابین دولت علیه ایران و افغان اتفاق افتد اولیای دولت بهیه انگریز را درآن میان کاری نیست وبهیچ طرف کمك وامداد نخواهندکرد مگر آنکه بخواهش طرفین واسطهٔ صلح‌گردد.» انگلیس‌ها بااعزام قشون و فرستادن کشتی جنگی بجنوب ایران وتهدید،محمد شاه را مجبور میسازند دست ازهرات بردارد و از تسخیرآن شهر چشم بپوشد.

هنگام سلطنت ناصرالدین‌شاه که‌مجدداًارتش ایران بفرماندهی سلطان‌مرادمیرزای حسام‌السلطنه هرات رامحاصره میکند انگلیس‌ها به بهانه‌های مختلف ومعاذیر غیر موجه دولت ایران راتهدید وبعنوان حمایت از یکنفر مرد خائنی بنام میرزاهاشم‌خان با دولت ایران قطع رابطه مینمایند وبالاخره وقتی که ارتش‌ایران در ماه‌صفر ۱۲۷۳ شهر هرات

را تصرف میکنند انگلیس‌ها باز بجنوب کشتی جنگی و نیرو میفرستند و پس از تصرف جزیرهٔ خارك پنج‌هزار نفرسرباز به‌بوشهر پیاده کرده وبطرف محمره میرانند وسرانجام معاهده ننگین پاریس رادر ماه رجب ۱۲۷۳ (ماه‌مارس ۱۸۵۷) بایران تحمیل می کنند.

دولت انگلستان در آنموقع برای قطع رابطه وروشن کردن‌شعله جنك بین‌ایران وانگلیس‌ها به بهانه‌های بچگانه متوسل میشد وبی‌فایده نیست برای مزید اطلاع نامه میرزا آقاخان نوری صدراعظم ایران راکه به «کنیاز کرچکوف» وزیر امور خارجه روسیه در آنوقت نوشته واز رفتار ناهنجار انگلیس‌ها شکایت کرده وبرای مقابله با نیروی انگلیس ازدولت روس تقاضای کمك میکند درحاشیه نقل‌نمایم (۱)

---

۱ ـ نامه میرزاآقاخان نوری به کنیاز کرچکوف وزیر امورخارجه روسیه:

«مقرب‌الخاقان قاسم‌خان وزیرمقیم آن دربار شوکتمدار از نصایح مشفقانه آنجناب جلالتمآب که از جانب اعلیحضرت امپراطور ولینعمت همایون خود در عالم خیرخواهی درخصوص برودت حاصله مابین ایران وانگلیس بمشارالیه اظهار داشته‌اند شرحی باولیای دولت علیه عرض نموده بود مقارن آنجناب شارژدفر آندولت نیز طالب ملاقات دوستدار شده از جانب دولت متبوعه خود اظهار مودت واینطور ادای ماموریت کرد که جنك با انگلیس برای ایران مظنه خطر وخسارت عمده است دولت متبوعه من ازراه دوستی میخواهد اولیای دولت ایران رابابین معنی ملتفت سازد تاهرچه زودتر صرف نظراز هرات کرده نگذارند که کار دولتین بخصومت باشد اولیای این دولت مراتب‌راچه‌از کاغذوزیر مقیم وچه‌ازبیانات شارژدفر بسمع رضا گوش‌دادند. واعلیحضرت ولینعمت همایون من‌هم‌دلالت‌مشفقانه‌اعلیحضرت امپراطوری‌راکه محض‌جمعیت برادرانه‌وخیرخواهانه بودبقدری عزیز ومغتنم شمردند که بلادرنك از متابعت آن دریغ نداشته وندارند وبرای حفظ مسالمت مابین ایران وانگلیس بهمه قسم و همه طور حاضرند وازهرات اگر گرفته‌باشند کف‌برخواهند نمودواگرنگرفته‌باشند پس ازاطمینان مراجعت خواهند کرد و باافاغنه هراتی واخواهند گذاشت اماکمال افسوس حاصل است که نیت اولیای دولت ایران ودلایل واضحه بر حقیقت‌خودکه دراین مسئله حاضره دارند بالمره درپرده خفا مانده ثالثی نیست که بمقام تحقیق و چاره برآید و نیز نهایت تاسف دارند که صرف نظر ازهرات وپس خواندن قشون ازآنجا بلا شرط همان خطری را برای‌ایران دارد که ازجنك باانگلیس متصوراست.

مع شئی زاید و آن گرفتار شدن‌بدست افغان بی‌تربیت است در حالتیکه هرسه حکومت هرات وکابل وقندهار متحد ویکی ودرحقیقت سلطنتی‌عمده شود. اگر چه همه اینها مفصلا بشارژدفر اظهار شد ولی مناسب دانستند وازشرایط تعظیم نصایح دولت دوست خود شمردند که دراین مقام بلاواسطه نیز منحصراً باطلاع‌آنجناب رسانده باشند اولیای ایران ازبدو استقرار مراوده فیمابین خود وانگلیس درمراسم خاطر خواهی و مدارا بشهادت دول همجوار وغیر همجوار هرگز درحق دولت انگلیس کوتاهی نکرده اما اولیای ایندولت افسوس دارند از مشاهده وبیان اینکه بواسطه بدگمانی وخیالات دور ودراز آندولت وبسبب زود رنجی وتوقعات بی‌اندازه ماموربن انگلیس که مختصری ازآن درروزنامه دارالخلافه مشهود شده مدارا وخاطر خواهی وحسن سلوك اولیای دولت علیه ثمره منتظره رانه بخشید هرچه ملاحظه میشود خلافی نسبت بانگلیس نشده‌که مایه ظهور این حالات باشد اگر عهد تجارتی بادولت فرانسه‌را چنانکه بارها سفیر انگلیس بزبان آورده باطناً سبب رنجش ازین دولت قرارداده‌اند اولا مراوده مابین ایران‌وفرانسه تازگی نداشته

ثانیا دروقتی منعقد شد که کمال اتفاق مابین‌فرانسه وانگلیس‌بود عوض دولت روس چرا باید دولت انگلیس برنجد واگر گذارش مسترموره‌را دست آویز کرده‌اند سفرای سه دولت شاهد برکمال مدارای دولت علیه میباشند

بقیه در حاشیه صفحه بعد.

انگلیس‌ها بعداز معاهده پاریس دارای همان امتیازاتی شدند که روسها بعداز جنگ‌های طولانی و بموجب عهدنامه ترکمانچای بدست آورده بودند و بعلاوه ایران ازحق حاکمیت خود برافغانستان برای همیشه صرفنظر مینماید چنانکه درفصل ششم عهدنامه پاریس مینویسد «اعلیحضرت پادشاه ایران قبول میفرمایند که ازهر نوع ادعای سلطنت به شهر وخاك هرات وممالك افغانستان صرفنظر نموده وبهیچوجه از روسای هرات و

بقیه از حاشیه صفحه قبل

درایران میرزا قحط نبود که حکما بایستی آنکه‌را دولت علیه بدلایل حقه منکراست سفارت انگلیس بنوکری قبول نماید واگر حرکت دولت ایران‌را درباب هرات درنظرها نقض عهد وانمود کرده‌اند قرار نامه که جناب‌شیل صاحب بااولیای ایندولت درباب هرات قرار داد این بود که دولت ایران از تملك هرات باحقوقی که دارد محض رضا جوئی انگلیس صرفنظر کند واما هرگونه مراوده ومداخله را که ازقدیم چه درعهد کامران وچه در عهدیار-محمد خان داشته‌است کماکان داشته باشد واگر مدعی از سمت کابل و قندهار وخارج دیگر برای هرات بهم برسد دولت ایران قشون فرستاده دفع نماید ومراجعت کند وبخصوصه قید صریح شد ازطهران شیل صاحب بهرات یکسر آدم نفرستد بلکه آدمی که متوقف مشهد باشد روانه نماید که مضمون قرار نامه را بحاکم هرات حالی سازدونیز انگلیس وجها من الوجوه مراوده‌ومداخله باهرات وهراتی‌ننماید واگر خلل دریکی‌ازشرایط مقرره‌حاصل شود آنقرار نامه کان‌لم‌یکن‌ونانوشته انگاشته شود .

شیل صاحب اولا چنانچه فی‌مابین دول رسم است قرار نامه که فی‌مابین دو دولت منعقد میشود باید از طرفین مبادله شود این رسم‌را عملا ننمودقرار نامه این طرف‌را گرفت که بدولت خود بفرستد وباذن اولیای‌دولت خودش نسخه بمهر خود بااولیای دولتش باینطرف بدهد تاحال قرار نامه مزبوره بمهر آنطرف باولیای این دولت نرسیده ورسم مبادله بعمل نیامده‌است .

ثانیاً شیل صاحب اول کاری‌راکه اقدام کود فرستادن سلطان خان نویسنده سفارت یکسره ازطهران‌بهرات بود هرچه اولیای ایران موافق مکاتبات رسمیه باو اعلام کردند که خلاف نص قرارنامه نکند وبدست خود در ابطال آن‌نکوشد گوش‌نداد وصریح درضمن کاغذ رسمی باولیای‌دولت نوشت که من‌خود را درهرنوع مراوده یا هرات آزادمیدانم وسلطانخان‌را برخلاف قرار نامه‌ازطهران بهرات فرستاد سوادسؤال وجوابی که دراین باب مبادله شده واصل همه‌در وزارت امورخارجه این‌دولت ضبطاست وبعینها بملاحظه شارژ دفر رسید ارسال نزد وزیر مقیم شد که باطلاع آنجناب برساند . شیل صاحب فرصت نداد که قرار نامه هرات معمول شودوخود علانیه درابطال آن‌کوشید وعلاوه براین سندمداخلات دیگر که‌از مستر طامسن شارژدفر انگلیس ودیگران در مداخله بهرات اتفاق‌افتادو کاغذ انگلیسی‌مستر‌استیونس‌قونسول که‌بقندهار فرستاد همه‌موجود وحاضراست بااین احوال برای‌اولیای‌این دولت شکی باقی نماند که‌آنهاخود نخواستند این‌قرارنامه بین‌الدولتین معمول شود اولا قرارنامه باقی نماندکه نقض از اینطرف بشود .

ثانیا برفرض که باطل‌نشد وبرقرار ماند فرستادن قشون ازجانب این‌دولت کاملا مطابق مدلول قرارنامه بود زیرا وقتی‌قشون مامور شد که‌امیر دوستمحمد خان از کابل آمده قندهار راتصرف کرد واولاد کهندلخان را که در زیرحمایت ایندولت بودند ازخانواده پدری‌خودشان‌فراری‌ساخت وازانجا عزم‌تصرف هرات را جزم نمود و حاکم هرات وکل اعیان وروسای افغان‌وهراتی عریضه بدربار دولت‌علیه نوشته بجهةرفع‌تعرض امیردوستمحمدخان استمداد نمودند که الان همه‌آن عریضجات موجود است بعدازآنکه قشون دولت بغوریان رسیدرای‌هراتی‌باغوای دوستمحمدخان منحرف‌شد بنای‌مخالفت باقشون دولت ودست بمحاربه گذاشتند واز آنطرف کاغذها بامیر دوست محمدخان نوشتند که بتعجیل بیاید هرات رابتصرف او بدهند بخود امیر دوستمحمدخان کاغذ نوشت که خود داری نمائیداینك آمدم هماناکاغذهابدست نواب حسام‌السلطنه والی‌خراسان افتاد که الان موجوداست‌وآنوقت‌موافق هماقرارنامه‌سه تکلیف برعهده این دولت وارد آمد اولا دفع‌امیردوستمحمد خان که مدعی ومخل‌استقلال‌هراةبود.

بقیه در حاشیه صفحه بعد

ممالك افغانستان هیچگونه علامت اطاعت ازقبیل سکه وخطبه یاباج مطالبه ننمایند ونیز اعلیحضرت پادشاه ایران متعهد میشوند که منبعداز هر گونه مداخله در امورات داخله افغانستان احتراز کنند و قول میدهند که هرات وتمام افغانستان رامستقل شناخته و هرگز در صدد اخلال استقلال این‌ولایات برنیایند .....»

بقیه از حاشیه صفحه قبل

ثانیا دفع همان حاکم هرات ومتابعان اوزیراکه مقصود حفظ استقلال خاك هرات بود نه شخص حاکم هرات همینکه عیسی‌خان یاحاکم دیگر هرات مخل استقلال آن ملك واقع‌شد دفع‌خود اونیز بعینهٔ درحکم مدعی خارج مثل امیردوستمحمدخان برذمه دولت لازم بود پس‌در اینصورت نه‌ماموریت قشون بهراة ونه‌توقف درآنجا با بودن مثل دوستمحمدخانی درکمین وقت‌و نه‌محاصره هراة بجهة دفع خود عیسی خان که الان مخل استقلال حکومت‌وامنیت هرات ومنتظروقت وفرصت برای تسلیم آن ملك‌بدست غیراست هیچکدام برخلاف حق‌وقرارنامه نبوده ونیست واگرعهدی هم‌برفرض بوده‌است بهیچوجه تصور نقض آنرانمیتوان نمود.

ثالثا رفع بدنامی وحفظشان دولت چرا که قشون را باصرار ازدولت خواستند وبعداز مخارج گزاف و خواهش نمودن قشون بعجز وانکسار توپ وتفنك بهمان قشون بستند سواره هراتی وافغان تابغوریان بتاخت اردوی همایون آمد علاوه براینها شکی نیست که بمحض مراجعت قشون‌از هرات‌امیردوستمحمدخان آمده هرات‌راتصرف خواهد شد آنوقت باداشتن کابل وقندهار وهرات وبلخ قطع‌نظر از تفاصیل مزبوره گویا نزدهیچ عاقلی جای تشکیك نباشد که اگر جناب مسترموره‌وزیر مختار انگلیس مقارن ظهوراین حوادث بدون جهة قطع مراوده بادولت ایران نمیکرد ودوستی دولتین رابناگاه در مخاطره نمی‌انداخت باحضوراوممکن بود که اولیای این‌دولت از طرف امیر دوستمحمدخان وبقای استقلال قندهار وهرات وخطرات‌سمت خراسان وکرمان وبلوچستان‌اطمینان حاصل‌کرده عجله واضطراب درفرستادن وتحمل مخارج گزاف ننماید ودوستمحمدخان نمیتوانست همه‌جا شهرت بدهد که حرکات من‌باشاره دولت انگلیس‌است‌امابرعکس این‌معنی قطع مراوده خود را درچنان وقت خطرناك نموده بنای آسودگی این‌دولت را متزلزل ساخت وهرروز وهرساعت خبری‌درافغانستان وخراسان وداخله ایندولت پیچید که وزیر مختار انگلیس عامدا دراین هنگام اقدام باین عمل‌نمود میرزاهاشم‌خان قابل آن نبود که وزیر مختار بیدق سفارت رادر سرآن پائین بیاورد خیالات دوروانزدیك قوت‌تمام گرفت که البته درباطن خیالی‌عهده‌داشته واین فقره از راه بهانه‌جوئی بوده‌است دراینصورت آیاتکلیف اولیای دولت ایران چه بود جزاینکه در حفظ مقام احتیاط کار دولت خود برآیند‌علاوه‌براینها شکی نیست که‌بمحض‌مراجعت قشون از هراة‌امیردوستمحمدخان آمده هرات رامتصرف خواهدشد آنوقت باداشتن کابل وقندهار وهرات وبلخ‌ومضافات وبستگی آشکاراوبانگلیس وتقویت‌های باطنی وظاهری که باو میشود چنانکه‌استعدادهای کامله برای اوفرستاده تا درکارند بفرستند کیست که دولت ایران را ازشر افغان محافظت نماید آیاکی ضامن حفظ خراسان وکرمان و بلوچستان بلکه داخله ایران ازصدمات وتاخت وتاز افغان خواهد شد ازانصاف اولیای دولت اعلیحضرت امپراطوری سئوال میشود که اولیای ایران دست بروی دست گذاشته علانیه وآشکار منتظر ورود هرنوع صدمات افغانستان باشند که‌همیشه در حین فرصت بدولت ایران زده‌اند و نیز بسیاری نگذشته است که دولت صفویه بدست محمود اشرف افغان برچیده شداز خانواده سلطنت صفویه اززن ومردابقا نکردند مقابرآنهاکه صدوسی‌نفر رادر یکجا دربقعه متبرکه قم دفن‌کرده‌اند درمد نظر امت دولت ایران طالب تصرف هراة نیست ومقصود مملکت گیری ندارد همان طالب حفظ‌انتظام‌داخله خود وآسودگی ازبقای این سلطنت است اگر امروز دولت انگلیس اطمینان بدهد که امیر دوستمحمدخان بکابل‌بر گردد ـ قندهار بدست اولاد کهندلخان برسد هرات درحکومت مستقله خود باقی باشد خود انگلیس هم حالا ومالا بمقام تصرف افغانستان نخواهد برخواست همان آن‌حکم باحضار قشون و صرفنظر از ملك هراة میشود اما اولیای دولت ایران نمیدانند که دول بزرك باانصاف که اینهمه خسارت گزاف این‌دولت رادر عهده‌کی قرار خواهند داد اولیای دولت ایران ازبدوظهور این‌حالات‌بهرزبانی که بود حالی دولت انگلیس کردند

بقیه در حاشیه صفحه بعد ،

وبقول ویکتور برار [Victor Berard] نویسندهٔ فرانسوی در کتاب انقلاب ایران «این مسئله دیگر وحدت ایران را یکباره ازمیان برد.»

☆ ☆ ☆

انگلیس‌ها از همان اوایل قاجاریه به بهانه‌های مختلف ودست‌آویزهای گوناگون چه بوسیلهٔ قراردادهاو عهدنامه‌ها وچه بازور وتهدید باغلب جزایر مهم خلیج فارس وسواحل جنوبی ایران دست یافتند چنانکه مثلا درسال ۱۲۳۶ بنام جلوگیری از دزدان دریائی پادگانی در جزیرهٔ قشم تمرکز دادند وسپس شیوخ آن نواحی راکه تابعیت ایرانی داشتند مانند عمان وبحرین ومسقط و کویت وغیره درزیر حمایت خود گرفتند و با بعضی مثل شیخ محمره (خرمشهر) مستقیما وارد مذاکره ومعامله شدند تا بدین ترتیب حکومتهای نیمه مستقل که دست نشانده خودشان باشد تشکیل داده و گاه وبیگاه اسباب زحمت ودردسر دولت ایران را فراهم بیاورند.

خلیج فارس حکم یك خلیج انگلیسی راپیدا کرده بود که هرچند بچند یك دسته کشتی جنگی دولت انگلستان بادبدبه وشکوه مخصوص وارد آن شده و شیوخ ساده لوح آن نواحی را بالقب ونشان وحمایل میفریفتند ومیخ تسلط خودرا در آن نقاط محکم تر وپایه اقتدار دولت ایران را سست ترمیساختند.

انگلستان نمیتوانست علنا ایران رابانیروی نظامی تسخیر کند زیرا این عمل گذشته ازاشکالات زیاد بواسطه رقابت شدید موجود بین روسیه وانگلستان بقول لرد کرزن اگر انگلیس‌ها درایران یك قدم برمیداشتند روسها دوقدم جلومیآمدند وچون پیشروی روسها در ایران برای امنیت هندخطرناك بود مامورین سیاسی انگلستان برای رسیدن بهدف ومنظور خوددستورداشتند باترویج فسادو تحمیل یك عده مردم پست ونالایق ودست نشانده بعنوان هیئت حاکمه وترویج فقرومرض وجهل ایران رابقبرستانی مبدل سازند که ساکنین آنرا یك عده مردگان متحرك تشکیل دهند تا هیچوقت برای مقاصد پلیدشان رادع ومانعی در بین نباشد.

بعداز جنگهای ایران وروس وشکست ایران وعقد معاهدهٔ ترکمانچای «شاهان قاجاریه» بدربار تزاران روس متمایل شده وبواسطه چشم زخمی که ازآنها دیده بودند بیشتر ملاحظه همسایه شمالی را مینمودند.

انگلیس‌ها برای آنکه این نفوذ را خنثی کنند سعی میکردند حتی المقدور صدراعظم

بقیه از حاشیه صفحه قبل

ودر روزنامه دولتی نوشتند که شاید اقدامی در حصول اطمینان این دولت نمایند نشد دراین احوال حاضره واطلاع برنصایح مشفقانه دولت بهیه روسیه نیزباشد رضا وبکمال شوق طالب شدند وآرزو نمودند که چه میشد درهمین آن قرار حصول این اطمینان داده میشد و فورا حکم باحضار قشون صادر میگشت و دوستی قدیم این دولت با انگلیس درمخاطره نمی‌افتاد اماچه فایده که مامول اولیای دولت ایران بحصول نرسید درهمان مخاطره وتشویش باقی‌ماند اگر مقصود دولت انگلیس مراجعت قشون این دولت از هراة است بااینکه حق ندارد به آن تفصیلاتی که در فوق نوشته شد مراجعت می‌شود واگر مقصودش زورآزمائی است البته دولتهای منصف بزرك در روی زمین هستند که قراری بجهت آسودگی دول دیگر که بایشان تعدی وظلمی ازدولتهای زوردار نشود داده‌اند و هیچوقت خود را از اصلاح ومیانجی گری منصفانه کناره نگرفته‌اند اکنون حالت انگلیس از اینقرار است که نوشته شد تاحق مودت وهمراهی دولت روس وغیرت منصفانه اعلیحضرت امپراطوری چه اقتضا نماید شان خطیر آن اعلیحضرت زیاده بر آنست که فقط بنصیحت وتجدید اکتفا فرمایند واسباب اصلاح نچینند درهرحال دولت ایران بهمه جهة برنصیحت شنوی وسلوك جاده استقامت حاضر ومهیا است زیاده چه زحمت دهد حوره فی ۲٤ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۳»

های ایران ورجال موثردیگر وحاکم ایالات ایران اشخاصی باشند که نسبت بسیاست همسایه جنوبی همراه ووابسته ودست نشانده آنها باشند واغلب نیز دراین منظور باروش خدعه وتزویر وسیاست ماهرانهٔ خودتوفیق حاصل میکردند.

میرزا آقاخان نوری-میرزاحسین‌خان سپهسالار -میرزاعلی‌اصغر خان‌امین‌السلطان مخصوصا از اشخاصی بودند که باکمك ومساعدت انگلیس ها بمنصب صدارت ایران رسیدند.

بااین‌ترتیب انگلیس‌ها بادردست داشتن مؤثرترین اشخاص، دربار ودولت‌ایران را تحت اختیار خود در میاوردند وآنوقت زمانی بادادن پول ووعده مقام و پشتیبانی وگاهی باتهدید بعزل وخلع وحقه بازی هرچه‌میخواستندمیگرفتند وهر کاری راکه اراده میکردند انجام میدادند.(۱)



انگلیسها از اواسط نیمه دوم‌قرن نوزدهم برای بسط نفوذ مادی و معنوی خود در ایران باتزویرو«پشت‌هم‌اندازی» بگرفتن‌یك سلسله امتیازات‌اقتصادی وتجارتی اقدام‌نمودند ولی همیشه از این امتیازات برای پیشرفت امور سیاسی خودشان حداکثر سوء استفاده را میکردند.

بعداز عقد معاهده پاریس (مورخ بسال ۱۲۷۳) انگلیسها بواسطه احتیاج بداشتن یك وسیله ارتباط سریع ومخابراتی بین‌انگلستان وهندوستان اقدام بکشیدن سیم‌تلگرافی بین لندن و کراچی میکنند و چون میبایست این‌سیم ازایران نیز بگذرد مامورین‌انگلیسی درصدد گرفتن اجازه وامتیازی برای ایجاد سیم‌تلگراف وتاسیس تلگرافخانه درایران بر میآیند وبالاخره بامذاکرات زیاد ودادن رشوه بدرباریان موفق میشوند که در تاریخ ۶فوریه ۱۸۶۳ (۱۲۸۰) اولین باری امتیازی برای کشیدن سیم تلگراف از خانقین بطهران‌وازطهران‌ببوشهر درشش‌فصل‌تحصیل‌نمایند وسپس باگرفتن امتیازات بعدی عده زیادی ازافسران وافراد ونظامیان انگلیسی بقصدکشیدن سیم‌تلگراف و تشکیل تلگراف خانه واداره تلگرافخانه‌ها بایران اعزام میگردند.

لردکرزن درکتاب خود مینویسد.

«انگلیس‌ها که در تمام ایران برای سرپرستی تلگرافخانه‌ها متفرق شده‌اند با تمام طبقات مردم تماس دارند و باآنها همیشه در آمیزش هستند از حاکم محل گرفته تابرزگرو دهانی باهمه‌آنهامراوده دارند.مامورین دولت انگلیس همیشه‌در امتداد سیم‌ها حرکت کرده بااطلاع مختصری که ازطبابت دارند بامیل مفرط بمعالجه بیماران ودادن داروی‌مجانی به‌آنها اقدام میکنند

...... این صاحب منصبان غالبا درنزاع‌های محلی‌بین‌ایرانی‌ها حکم واقع میشوند اغلب اوقات اشخاص

---

۱ - درکتاب زندگی جرج کانینگ نوشته «جرج چهارم پادشاه انگلیس (۱۸۲۰-۱۸۳۰) به جرج کانینگ‌صدراعظم انگلستان خطاب کرده میگوید - مطلبی راکه زمانی یکی ازپادشاهان جدا بمن اظهار نمود هرگز فراموش نمیکنم آن مطلب این‌است - دولت انگلیس شما فقط برای این خوب است که ازاراذل واوباش حمایت کند ورجال درست وامین را تهدید نماید

آقای کانینگ‌عقیده شمادر این‌باب چیست آیاگنجینه مهمی از حقیقت در این گفتار نیست. کانینگ جوابی نداد.»

مظلوم وآنهائیکه درتحت فشاروتعدی متنفذین واقع میشدند فرار کرده به‌تلگرافخانه انگلیس پناهنده میشدند وهمینکه چنین شخصی وارد محوطه تلگرافخانه میشد از تجاوزات مصون بود . حال تلگرافخانه‌های انگلیس حکم‌یك بست ایمنی راپیدا کرده وصاحبمنصبان عالی درجه تلگرافخانه‌ها درشهرهای بزرك مشیرومشار حکام‌و شاهزادگان و طرف شور ومشورت آنها میباشند ....

منافعی که ازاین موسسات وازحضور عمال انگلیس عایدایران شده آن‌اطلاعات محلی است که صاحب منصبان انگلیسی بدست‌آورده‌اند ....»

لرد کرزن درجای دیگر اظهار تاسف میکند و میگوید .

«...... ازاین همه نفوذهای محلی واطلاعات تاریخی این‌مردان لایق وقابل ودرحقیقت فداکار که دراین قسمت‌ها ونواحی سالها سربرده‌اند از وجود آنها بقدری کم استفاده شده‌است که درواقع میتوان گفت هیچ‌بوده وبسیار اسباب تاسف است که هیچ نوع سعی‌وکوشش از طرف دولت‌انگلستان نشده‌است که‌از اطلاعات‌وخدمات ونفوذ این‌اشخاص استفاده کنند واگرهم‌شده بسیار کم‌واندك بوده‌است .

در یکی دومحل‌های مهم اولیای امور محلی روسای تلگرافخانه هارا در امور سیاسی طرف اعتماد خودشان قرارداده‌اند ......»

فردریك گلداسمید Sir Frederic John Goldsmid که در سال ۱۸۷۲ بین ایران وافغانستان حکمیت میکند وقسمتی از سیستان وبلوچستان را از ایران مجزا میسازد از همین مامورین انگلیسی بود که برای ایجاد سیم تلگراف و تاسیس تلگرافخانه سابقا بایران آمده بود



تحصیل امتیاز برای استفاده از منابع حیاتی ایران‌با‌اعطای‌امتیاز ببارون‌ژولیوس رویتر سرمایه‌دار انگلیسی در سال ۱۸۷۲ شروع میگردد .

قبل ازاین تاریخ گفتگوومذاکرات زیادی برای‌اعطای‌امتیاز استخراج معادن‌ایران وایجاد راهها‌وتاسیس بانك وغیره بین‌اولیای دولت ایران‌وانگلیسها‌ودیگران بعمل آمده‌بودولی هیچ یك به نتیجه‌ای نرسید تامیرزا حسین‌خان سپهسالار برکسی صدارت ایران قرار گرفت وامتیازی که ایران رابصورت مستعمره انگلستان در می آورد بیك نفر انگلیسی بنام‌رویتر داده شد هرچند بطوریکه بعدا بتفصیل شرح داده خواهد شد امتیاز نامه رویتر جامه عمل نپوشید ولغوشد ولی‌ازآن تاریخ ببعد اروپائیان مخصوصا انگلیس ها و روسها با استظهار وتقویت دولتهای متبوع خود برای تحصیل امتیاز وبهره برداری ازمنابع حیاتی ایران وضمنا توسعه‌اقتدارونفوذسیاسی‌خودباین کشورمتوجه وبااستفاده ازحق‌کاپیتولاسیون بیك سلسله اقدامات خلاف اخلاق وانسانیت دست زدند .

تحصیل امتیاز توسط انگلیسها مخصوصا از سال ۱۳۰۶ هجری قمری (۱۸۸۸) که فرمان اجازه کشتی رانی رود کارون صادر می گردد وامتیازتاسیس بانك شاهنشاهی بجای امتیاز ۱۸۷۲ برویتر داده می‌شود توسعه پیدا میکند وتمام منابع مختلف ثروت کشور ما باسم امتیاز باثمن‌بخس باجانب واگذار میگردد .

نظری بامتیازات متعددی که انگلیسها باکمك رشوه از ایرانیان گرفتند هدف شوم آنها را بخوبی معلوم مینماید واگرآنها موفق باجرای آن امتیاز نامه‌ها می‌شدند

هیچیك از منابع حیاتی واقتصادی ایران دردست خود ایرانیان نبود و بطور کلی مالك تمام منابع ثروتی این کشور (بجز قسمت‌های شمالی که دردست روسها بود) انگلیس ها بودند.

در امتیازاتی که انگلیسها درایران تحصیل مینمودند دولت انگلستان مستقیما با ایران طرف نبود بلکه اشخاص سرمایه‌دار وشرکت‌های تجارتی باراهنمائی وپشتیبانی دولت انگلیس واحیانا بازور وتهدید آن دولت امتیازی بدست میآوردند وامتیازنامه را پادشاه وصدراعظم ووزراء ورجال دیگر دولت ایران وصاحب امتیاز تبعه انگلیس در حضور وزیر مختار انگلستان امضاء میکردند وسپس بمهر سفارت ممهورمیشد.

در اغلب مواقع که نمایندگان کمپانی‌ها و سرمایه داران آن کشور برای تحصیل امتیازی بایران میآمدند وبجهاتی دولت ایران بتقاضای آنها ترتیب‌اثر نمیداد یاشرایطی که مورد موافقت آنها نبود پیشنهاد میکرد وموجبات عدم‌رضایت این‌اشخاص وموسسات فراهم میشد مثل آن بود که دولت انگلستان را ازخود رنجانده است وغالبا با تهدید و اعتراض شدید سفارت انگلیس مواجه میگشت.

شاید اولین موسسه ای که سرمایهٔ خود رادرظاهر- برای گرفتن امتیازات اقتصادی ودر حقیقت درراه انجام مقاصد سیاسی دولت‌انگلیس در ایران بکارانداخته است‌موسسه [New OrientalBank] (بانك جدیدشرقی) است که ببارون ژولیوس‌رویتر بجهت بهره بر داری‌ازمنابع‌ایران‌پول قرض میدهدو بعدهاهمین بانك قبل‌از ایجاد بانك شاهی شعبه‌ای در تهران تاسیس مینماید.

در سالهای آخر سلطنت ناصرالدین شاه ودوره پادشاهی مظفرالدین شاه که کار عمده هیئت حاکمه ایران باسم اعطای امتیاز فروش منابع حیاتی کشور ما باجانب بود از سرمایه داران وصرافان انگلستان شرکت‌ها و کمپانی‌های‌زیادی بنام‌های مختلف‌برای بدست آوردن امتیازوتاسیس‌موسسات باصطلاح‌تجاری واقتصادی در کشور مادرانگلستان تشکیل میگردد مثل کمپانی همایونی ایران‌وانگلیس

Societe Imperiale Anglo Persane .

موسسه بهره‌برداری‌ازسرمایه در ایران — Persian Investment Corporation.

سندیکـای آسیائی انگـلیس — Anglo—Asiatic Syndicate .

کمپانی ایران و فرانسه — Franco Persian Company.

بخت آزمائی‌های‌دولتی — State Lotteries

بانك شاهنشاهی ایران — Imperial Bank Of Persia

مؤسسه حقوق استخراج معادن بانك ایران

Persian Bank Mining Rights Corporation.

مؤسسه شاهنشاهی دخانیات در ایران

The Imperial Tobacco Corporation In Persia.

شرکت استخراجات اولیه First Exploitation Company Limited.
شرکت نفت بختیاری Bakhtiari Oil Company.
و بالاخره-شرکت نفت ایران و انگلیس Anglo Persian Oil Company

در امتیازاتیکه به بیگانگان داده میشد هیچوقت رعایت منافع ایران و مقتضیات مملکت را نمیکردند زیرا دهندگان امتیازات فقط بفکر دریافت حق‌الامتیاز ودر آمدی که بعداً از آن حاصل میشد بودند وگیرنده نیز در پی منافع خود ودوشیدن مردم ایران وپیشرفت مقاصد سیاسی وبالاخره تصاحب وتملك مورد امتیازمیرفت.

اعطای قسمتی ازامتیازات به بیگانگان تنها بازور وتهدید نبوده ونمیتوان عاملین آنرا بی تقصیر ومجبور قلمداد کرد بلکه اغلب بادادن مختصری لیره طلا به رجال خائن وبی اطلاع بگرفتن امتیاز طویل‌المدة توفیق حاصل میکردند. (۱)

رقابت روسها با انگلیس‌ها در تحصیل امتیازات

چنانکه گفتیم بزرگترین رقیب انگلیس‌ها در ایران روس‌های تزاری بودند.

رقابت این دو دولت نیرومند استعماری درقرن‌نوزدهم برای کشور ما متضمن لطمات وصدمات زیادی بود که گمان‌نمیرود سالها آثار شوم آن ازبین برود.

دراواخر قرن نوزدهم واوایل قرن بیستم بواسطه‌شدت فساد دستگاه اداری‌مملکت ووجود هیئت حاکمه بی اطلاع ونالایق که منابع ثروت کشور مارا بمعرض حراج گذارده بودند وامتیاز پشت سرامتیاز بروسهاوانگلیس‌ودیگران میدادند رقابت دو دولت نامبرده نیز به منتهای درجه رسیده بود و بقول لرد کرزن صحنه ایـران مانند صفحه شطرنجی

---

۱ ـ ممکن‌است پرسیده شود که چرا درآنوقت باتباع ایران وسرمایه داران ایرانی انحصار و امتیازی داده نمیشد یاچرا ایرانی‌ها باین کارها تن درنمیدادند یااگر امتیازی ایرانیان میگرفتند چرا پیشرفتی نمیکرد ـ علت اصلی این‌امر رابایند در روش فاسد حکومت ایران دانست.

در سابق تجار وسرمایه‌داران ایران حاضر نمیشدند برای‌تشکیل شرکت‌های بزرك یاگرفتن امتیـاز به منظور ایجاد کارخانجات واستخراج‌معادن‌وکشیدن راه‌آهن وساختن راه وغیره سرمایه‌های خود را بکاربیندازند زیرا بواسطهٔ نبودن قانون وعدم حمایت ازآنـان وبعبارت دیگر عدم امنیت قضائی هیچگونه ضمـانت اجرائی برای ایشان وجود نداشت. مثلا امتیازی برای دایر کردن فلان کارخانه یابهره‌برداری از فلان‌معدن ازدولت می گرفتند و قرار دادی منعقد میساختند ـ اگر روزی «شاه» هوس میکرد بدون هیچ عذروبهانه‌ای آن‌قرار داد را بهم بزند وصاحب امتیاز بدبخت رابروز سیاه اندازد چه‌کسی میتوانست حرفی بزند؟یا اگر زحمات وکوششهای او بجائی میرسید ومحصول کارش مورد توجه واقع میشد و«شاه» میل میکرد آنرامالك شود آیـاآن شخص می توانست ازپیشکش سرمایه خویش خودداری کند؟

بهمین جهات فقط خارجیان میتوانستند بواسطه استفاده ازحق کـاپیتولاسیون وحمایت دولت متبوعشان ازگرفتن امتیاز وبکارانداختن سرمایه شان‌درایران برخوردار شوند وچنانکه‌دیدیم تقریبادرذیل‌اغلب‌امتیازنامه ها امضاء نماینده سیاسی دولتی که صاحب‌امتیازتبعه آن‌است دیده میشود.

شده بود که حرکت یک طرف با حرکت و اقدام طرف دیگر مواجه میگشت و این دو رقیب استعماری میکوشیدند تا یکدیگر را «مات» سازند و حریف را از میدان بدر کنند

تا هنگام صدور فرمان اجازهٔ کشتی رانی رود کارون (۲۴ ماه صفر ۱۳۰۶ هجری قمری) با آنکه قبلا امتیازاتی بمنظور ایجاد راه آهن وغیره به بیگانگان داده شده بود ولی هنوز چندان زیان و صدمه‌ای برای استقلال کشور ما نداشت و غالباً امتیازی که انگلیس‌ها میگرفتند بواسطه عملیات روسها از بین میرفت و یا بالعکس اگر روسها بتحصیل امتیازی موفق میشدند بواسطهٔ اقدامات انگلیس‌ها بجائی نمیرسید چنانکه بهترین نمونه دراین موارد همان امتیاز بارون ژولیوس رویتر را باید ذکر کرد که مخالفت روسها از علل مهم لغو آن بود واغلب دراین مواقع ناصرالدین شاه حد اکثر استفاده را از رقابت و مخالفت‌های این دو حریف میکرد .

اما بعد از آنکه سر درومندولف وزیر مختار زیرك انگلستان با کمك میرزا علی اصغرخان امین السلطان صدر اعظم وقت فرمان آزادی رود کارون را که انگلیس‌ها قریب پنجاه سال برای تحصیل آن میکوشیدند بدست میآورد جریان صورت دیگری پیدا میکند .

پس از آن روسها وانگلیس‌ها بجای آنکه عملیات یکدیگر را خنثی کنند بجبران امتیازی که برقیب داده میشد تقاضای اعطای امتیاز دیگری برای خودشان مینمودند

امتیازی روسها میگرفتند عین همان را چندی بعد انگلیسها تقاضا میکردند و یا بالعکس درجنوب امتیازی بانگلیس‌ها داده میشد روسها مانند آنرا در شمال میخواستند نوکران جیره‌خوار ایرانی نمای آنها هم در نزد «شاه» مسابقه وطن فروشی و حراج مملکت را گذارده و با گرفتن مزد خود درمحو استقلال کشور میکوشیدند .

در تحصیل امتیازات تا اوایل سال ۱۸۹۲ (۱۳۰۹ هجری قمری) که امتیاز نامه انحصار دخانیات بواسطه شورش مردم ایران لغو میگردد باصطلاح ابتکار عمل در دست انگلیسها بود ولی در این موقع که بسیاست انگلستان در ایران شکست سختی میخورد امین السلطان وزیر اعظم دولت ایران بسفارت روسیه میرود و بقول اعتماد السلطنه با دبوتروف وزیر مختار روس عهد و پیمان می بندد و چنین میگوید : «..... سیدی و مولائی دولت روس از من چه میخواهد اگر با انگلیس‌ها چندی راه مودت پیمودم خبط کردم خطا نمودم ..... عفو کنید بعذر خواهی آمده‌ام حالا راهی که با انگلیسها میروم ظاهر سازی است بعدها منافع شما خواهم بود امتحان کنید تجربه نمائید ببینید آنچه میگویم قول است یا فعل گفتار است یا کردار ......»

امین السلطان همانطور که گفته بودبعد ازاین جریان بسیاست روسها متمایل میشود وهرچه میخواستند بی مضایقه دراختیارشان میگذاشت و تاپایان عمر ازاین رویه دست بر نداشت مخصوصاً در اواخر دورهٔ سلطنت مظفر الدین شاه باگرفتن قرضهای کمر شکن و تغییر تعرفه گمرکی نفوذ روسهای تزاری را در این کشور چنان بسط و توسعه داد که در هیچ تاریخی این اعمال سابقه ندارد .

در سالهای آخر دوران سلطنت ناصر الدین شاه که امتیازات بیشماری به بیگانگان داده میشود «محض اطمینان دولت علیه از حسن جریان امور امتیازات بکمپانیها» مقرراتی تحت عنوان «دستور العمل مجلس تدقیقات امتیازات» تهیه نمودند که متن آنرا در کتاب «اولین مقاومت منفی در ایران» صفحه ٦٤ نقل کرده‌ام برای اینکار اداره ای بریاست هوتم شیندلر (۱) تشکیل دادند وعده‌ای بعنوان مهندس ومترجم ومحرر نیز انتخاب کردند تاهر کسی از اتباع بیگانه بخواهد امتیازی از دولت ایران بگیرد باین اداره رجوع نماید تاگزارش امر توسط شیندلر باطلاع صدر اعظم برسد.

ناصرالدین شاه ومظفر الدین شاه تمام پولهائی را که ازاین راه حاصل میشد صرف هزینه‌های بیهوده سفرهای اروپا نمودند وبطوریکه خواهیم دید بیشتر درمواقعی که «شاه» هوس دیدن «فرنگستان» را میکند بفروش منابع مختلف کشور بنام امتیاز باثمن بخس دست میزنند و بعداً در اواخر که چیزی باقی نماند یاخریداری نبود باگرفتن قرض های کمر شکن ازدولت تزاری روسیه وانگلیسها وگروگذاردن کمرکات شمالی و جنوبی در محو ونابودی ایران قدم برداشتند.

وضع کشورمادر آنموقع ورقابت های خانمانسوز دولتهای روسیه تزاری وانگلیس در بدست آوردن امتیازات در ایران که سرانجام منجر بقرارداد تقسیم مملکت در ۱۹۰۷ میشود داستانهای جانخراشی دارد که کم وبیش دراین کتاب بآنها اشاره خواهد رفت ومی بینیم که این دو دولت نیرومند استعماری بادست رجال خائن وبی اطلاع این مملکت مرتکب چه جنایات نابخشودنی شده‌اند.

در پایان این قسمت بی‌مناسبت نیست که برای مزید اطلاع از نظریات دولتهای روس وانگلیس وچگونگی رقابت آنها دردوره سلطنت مظفر الدین شاه نمونه‌هائی از مقالات جراید آنروز اروپا را نقل کنم.

بدین لحاظ ذیلا ترجمه مقاله یك روزنامه فرانسوی و مقالهٔ ازیك روزنامه روسی ویك مقاله هم ازیك روزنامه انگلیسی را از میان ترجمه مقالات جرایدی که در دسترس داشته‌ام انتخاب ودرج مینمایم.

روزنامه فرانسوی «ژورنال ددبا» چاپ پاریس درشماره مورخ دو شنبه ۵ فوریه سال ۱۹۰۰ تحت عنوان «روس وایران» مینویسد.

۱ـ هوتم شیندلر Houtum Schindler اصلا آلمانی وای تبعه انگلیس وظاهرا از اجزای تلگرافخانه بوده که درسال ۱۲۹٤ دردوره صدارت میرزاحسینخان سپهسالار بایران آمد وسالهای متمادی در دستگاه دولتی سمت‌های مختلفی داشته است.

شیندلر مردی بلندقد باسبیل‌های مخصوص که بچند زبان خارجی مخصوصا زبان فارسی آشنائی کامل داشت از فلسفه قدیم بی اطلاع نبود ومثنوی مولوی را بانگلیسی ترجمه کرده است.

«شیندلر صاحب» که مدتها دروزارت معادن ایران واداره تذکره وسایر دوائر دولتی خود را خدمتگذار صدیق دولت میخواند در باره معادن ومنابع زیرزمینی نقاط مختلف کشور مابررسی‌های زیادی کرده و اطلاعات جامعی برای استفاده بیگانگان کسب نموده است ـ فوتش در حوالی سال ۱۳۳۰ قمری اتفاق افتاد.

« جراید انگلیس در فن تجاهل مخصوصا در موقعیکه اخبار موافق طبع آنهانیست ید طولائی دارند .

روسیه باوسائل واقدامات مختلفی موفق‌شد که درایران پیشروی فوق‌العاده کند . انگلستان خود را از جریان بی‌اطلاع نشان میدهد و فقط گاهی روزنامه ها بدرج اخباری که حاکی ازپیشرفت روسها دراین منطقه‌است بدون هیچگونه‌اظهار نظری مبادرت کرده‌اند .

اگر جاسوسهای لرد سالیزبوری (نخست وزیر وقت انگلستان) اورا از جریان مطلع نکرده باشند البته او نیز نمی تواند اطلاع داشته باشد که در حقیقت روسیه دست روی ایران گذارده است .

سالهای متمادی است که از طرف سفارتین روس و انگلیس برای بدست‌آوردن نفوذ در تهران‌مبارزه میشود تاچندی قبل ظواهر امرنشان‌میداد که موفقیت انگلیس ها در این‌زمینه بیشتراست .

انگلیس‌ها موفق شده بودند اجازه تاسیس بانك ها امتیاز ساختمان جاده های جنوب کشور و طبعا انحصار کشتی رانی دررود کارون را بدست آورند . این رودخانه متصل بخلیج فارس است و تامقدار زیادی در خاك ایران پیش میرود ودرنظر است راه‌اساسی تجارت انگلستان باشد .

طرح ساختمان راه‌آهن‌هائی نیز ریخته شده وسرهانری درومونددولف وزیر مختار انگلیس درتهران‌وقتی‌درسال ۱۸۹۲ تهران را ترك کرد خاطرش جمع بود که ایران در تحت‌تسلط کامل‌انگلستان قرارگرفته است .

لکن موفقیت‌های بالا ابتدای کار بود چه‌ولف قبل از حرکتش بخیال خودبا گرفتن امتیاز انحصار فروش تنباکو در ایران برای یك کمپانی انگلیسی شاهکارسیاست خود رابخرج داده و شرائطی که مورد قبول شاه واقع گردید ظاهرا بدلخواه انگلیس‌ها بوده ودر خلال مدت کمی یك‌عده کارمند - بازرس فروشنده - بازبین وغیره‌ازافراد انگلستان بایران روی‌آوردند.
لکن‌نفوذ مستمر اروپائی‌ها در زندگی خصوصی مردم ، ایرانیان را برآشفت زیرا ایرانیان مجاز بودند مواد دخانیه‌را فقط بانگلیس ها بفروشند و مردم مجبور بودند مواد دخانی مورد احتیاج خود را از انگلیس‌هابخرند. وبدین ترتیب موادمزبور باتماس باآنها نجس میشد - این‌عمل نارضائی تولید وعلماء در راس مخالفین قرار گرفتند - روسیه هم با این عده کمك کرد و در ظرف یکی دوماه انقلاب که ابتدای‌آن ازتبریز شروع شده بود بتهران سرایت کرد و ناصر الدین درکاخ خود محصور شد .

دکتر فوریه طبیب مخصوص شاه در یاد داشت های روزانه خود که اخیرا انتشار یافته شورش تهران را بخوبی توضیح داده و انحطاط نفوذ انگلیس را در ایران نشان

میدهد

35

LUNDI 5 FÉVRIER
1900

PRIX DE L'ABONNEMENT

	TROIS MOIS	SIX MOIS	UN AN
France et Alsace-Lorraine	10 fr.	20 fr.	40 fr.
Étranger	1[illegible] fr.	32 fr.	64 fr.

ON S'ABONNE :
En province et à l'étranger dans tous les bureaux de poste

Les annonces et réclames sont reçues directement dans les bureaux du JOURNAL DES DÉBATS

LA RUSSIE ET LA PERSE

Il est admirable à quel point la presse anglaise a l'art d'ignorer, à de certains moments, ce qui lui est désagréable. La Russie, par une série d'arrangements de nature diverse, vient d'avancer extrêmement ses affaires du côté de la Perse. l'Angleterre n'a pas eu l'air de s'en apercevoir; c'est à peine si ses journaux ont reproduit les dépêches qui mentionnaient au jour le jour les progrès russes et aucun commentaire ne les a accompagnées; aucun article n'en a fait ressortir la singulière importance aux yeux du public. Si les « agents secrets » de lord Salisbury ne l'ont pas renseigné, il peut, lui aussi, ne pas savoir que la Russie a, en réalité, mis la main sur la Perse

La lutte d'influence s'était poursuivie de longues années, à Téhéran, entre les deux légations d'Angleterre et de Russie, et, il y a quelque temps encore, tout semblait faire croire que l'avantage demeurerait du côté britannique. Les Anglais avaient obtenu l'établissement de banques, la concession de routes, dans le sud de l'empire, naturellement, le monopole de la navigation du Karoun, cette rivière qui, du golfe persique, pénètre profondément dans le pays et qui devait être la grande voie du commerce anglais; des chemins de fer étaient projetés, et sir Henri Drumond Wolf, le ministre britannique auprès du shah, était bien persuadé, quand, en 1892, il quitta la Perse, qu'il l'avait mise sous l'absolue domination de l'Angleterre.

Mais c'était la première manche seulement. Sir H. Wolf, peu avant son départ, avait cru faire un coup de maître en obtenant pour une Compagnie anglaise le monopole de la vente du tabac dans l'empire; les conditions que le shah avait acceptées étaient vraisemblablement favorables pour les Anglais, et, en peu de temps, tout un réseau d'employés britanniques, inspecteurs, contrôleurs, vendeurs et autres, avait enserré la Perse. Mais cette pénétration quotidienne de l'Européen dans leur vie privée irrita les Persans; car c'était aux Anglais seuls qu'on pouvait vendre le tabac, c'était de leurs mains qu'il fallait l'acheter, et par leur seul contact il devenait impur. Un sourd mécontentement se produisit; les prêtres se mirent à la tête du mouvement, le ministre de Russie le seconda, et, au bout de peu de mois, la révolte, née d'abord à Tauris, assiégea Nassr-ed Din lui-même dans son palais. L'émeute de Téhéran, que le docteur Feuvrier, médecin du shah, a fort bien racontée dans son curieux *Journal*, qui vient de paraître, marque le commencement de la décadence de l'influence anglaise en Perse: le gouvernement en vint aisément à bout, mais il accepta dorénavant le « dévouement » que lui offrait un habile ministre de Russie, M. de Butzow, et sir F. Lascelles, le successeur de sir H. Wolf ne put jamais reconquérir la situation perdue

En quelques années, le système des douanes du côté de la Russie fut modifié de telle façon que le commerce de Moscou vint faire sur le marché de Perse une concurrence victorieuse aux produits anglais; les routes du Nord

دولت ایران به آسانی توانست این شورش را بخواباند ضمنا از این تاریخ ببعد دوستی وزیر مختار زیرك روسیه موسوم به بوتسف راقبول کرد ولاسل جانشین ولف وزیر مختار زیرك انگلیس دیگر نتوانست موفقیت از دست رفته انگلستان را بدست آورد .

در عرض چندسال سیستم گمرکها ازطرف روسیه طوری تغییرداده شدکه بازار محصولات انگلستان در نتیجه رقابت تجارت روسیه شکست خورد . جاده‌های شمال توسط روسها بجاده‌های روسیه متصل وبیشتر از سابق رسیدگی ومرمت میشد .

یك بانك استقراضی توسط روسها تاسیس ودیری نگذشت که بانك نامبرده شعبه‌ای ازوزارت دارائی روسیه گردید . لازم بتوضیح نیست که در مسکو از موفقیت‌های اکتسابی زیاد تنالیدند - روسیه ملایم‌ولی مطمئن کار می کند - بدین ترتیب فهم اینکه وضعیت فعلا از چه‌قرار است مشکل است .

باوجود این درروزهای اخیر اطلاع حاصل شد که در فاصله چندساعت بانك استقراضی اجازه چاپ اوراق قرضه‌ای بمبلغ ۲۲ میلیون ونیم روبل که دولت ایران آنرا انتشار خواهد داد ودولت ایران در مقابل باستثناءبعضی از حقوق‌های مختصر گمرکی که در اختیار انگلستان گذارده شده بود عایدات تمام گمرکات ایران را درگرو روس گذارد . ضمنا روسها موفق شدند اجازه عبور آزاد ارتش را از طریق سیستان ازشاه بگیرند - اگر این خبر اخیر صحیح باشد اهمیت آن فوق‌العاده است چه سیستان در منتهی‌الیه ایران واقع ودر داخل افغانستان وبلوچستان پیش‌رفته است وچون این ایالت باراه‌آهن بترکستان روس ارتباطی ندارد لذا برای رسیدن باین منطقه باید تمام ایالت خراسان را طی کرد

حق عبور از سیستان طبعاً متضمن حق عبور از خراسان هم خواهد بود وبالنتیجه تسلط روسیه بتمام این ناحیه از ایران محرز خواهد بود-باضافه بروسها اجازه میدهد که رشته کوههای افغانستان را بدین ترتیب دور زده و فاصله آنها با هندوستان فقط دشتهای بدون سکنه باشد.

ممکن است خبر مربوط به سیستان عاری از حقیقت باشد لیکن اگر این خبر حقیقت داشته باشد بلاشك روسها بااستفاده از گرفتاری انگلستان دراین موقع وبامهارت هرچه تمامترقدم بزرگی بطرف هندوستان برداشته‌اند بطوریکه یکی از خبر نگاران ساده تایمز این موفقیت روسها را « فقط وحشتناك » تلقی نموده است . »

روزنامه نیمه‌رسمی دربار روسیه تزاری موسوم به « نوویه‌وریمیا » (عصرجدید) چاپ پطرزبورغ درشماره ۹۳۵۷ مورخ ۲۳ ماه مارس ۱۹۰۲ (۲۵ ذی الحجه ۱۳۱۹) تحت عنوان « انگلیس‌ها درایران » مینویسد

« بازخبر نامطبوعی که برای منافع روسها در ایران مضراست رسیده.از قرار اخباری که بروزنامه (مورنینگ پست) از بغداد نوشته‌اند یکی‌از متمولین‌اهل‌استرالیا موسوم به (دارسی) ازدولت ایران امتیازی گرفته که معادن نفت دردره رودخانه کرخه درامتداد خط جنوبی رودخانه مزبور الی بندر بوشهر را استخراج نماید - دادن چنین امتیازی به میلیونر استرالیائی یعنی انگلیسی برای‌ما اسباب اضطراب است وجهت این اضطراب نه این است که استخراج این‌معادن نفت بتواند بتجارت نفت مانقصان وارد بیاورد بلکه اضطراب ماازآنجاست که دادن این امتیاز درآن محال اسباب این‌میشود که‌نفوذ مدعی مادر این‌نقاط استحکام پیداخواهد کرد - تاحال سعی‌مااین بود که ایران را ازاینکه اهالی خارجه در آنجا دخالت‌درکاری داشته باشند محافظت نمائیم وشرط آن این بودکه امتیاز راه‌آهن درایران باماباشد ودرآن صورت مامیتوانستیم بمقصود خودمان نائل بشویم اما در باب کارهای دیگر ایران که چندین مرتبه امتحان کرده‌ایم ومعلوم شده‌است چندان اهمیت ومنفعت ندارد باین ملاحظات ماخیال داشتیم پولتیك واقعی خودمان را درایران بکار نبریم وایران را بگذاریم برای وقتیکه قوه و وسایل مابدرجه که لازم است برسد »

ازقرارنامه خط جدید تلگراف که فیمابین ایران وانگلیس منعقد شده‌است بمامعلوم‌شد ترتیباتی که مابرای محافظت ایران از رایت نفوذ خارجه بکار برده بودیم کامل نبوده ونتیجه‌مطلوبه حاصل‌نشد این‌قرارنامه ضرر کلی بمصالح ماوارد آورده ومااًبدا حرکتی نکردیم که‌ممانعت ازاجرای این قرارداد بنماید حالا بایدمنتظر قرارنامه‌های دیگر شد.

ثروت طبیعی ایران‌خیلی زیاداست واشخاصی که میل بانتفاع ازآنهادارند کم نیستند آنوقت ایران چه خواهد شد و از نفوذ مادر ایران چه باقی خواهد ماند عمل داری‌خیلی اهمیت دارد زیرا این نقاط‌ثروتمندترین نقاط ایران است محل استخراج این‌معادن متصل است بامعبر خط‌آهن بغداددراین نقاط هم سرمایه‌داران‌انگلیسی که پول خود را صرف راه بغداد مینمایند و هم اشخاصی که درجنوب ایران استخراج نفت خواهند کرد منتفع خواهند شد.

همینکه نفوذ خارجی‌ها در دره رود کرخه و کارون برقرار بشود مانع از پیشرفت نفوذ مادر قسمت‌جنوبی راه‌آهن بغداد خواهد شد البته این اوضاع خیلی نامطبوع است ولی چه کنیم دولت ایران دولت مستقلی است و بهرطورکه میل داشته باشد میتواند در داخله مملکت خود رفتار بکند نمیشود که بایرانیها گفت اجازه باهالی خارجه ندهید که ثروت طبیعی ایران را استخراج نمایند وصبر کنید تاماروسها خوب قوه خودمان را تکمیل بکنیم و فکر خودمان را بنمائیم آنوقت شروع باینکارها خواهیم کرد.

چندی قبل بارون رویتر ازایران امتیاز کشیدن چندراه‌آهن گرفت بعدچون طوفانهای بحر خزر مانع شد ازاینکه لوازم راه‌سازی بانزلی برسد ودر موعد مقرر نتوانست شروع بکار کند صاحب امتیاز مجبور شد از این امتیاز استعفا بدهد اگرچه پیش‌از وقت بارون رویتر راملتفت آن طوفانها کرده بودند ولی مشارالیه اعتنا نکرده امتیاز راگرفت وخوب تنبیه شد درصورتیکه وضع ایران باما مساعد است. برای دیپلوماتهای‌ما باوسائلی که دردست داریم خیلی سهل‌است که برای پیشرفت نفوذ مادر ایران خدمت بکنند هرگاه بامساعدتی که ایرانیها بامادارند مامیخواستیم ازوضع خودمان منتفع بشویم این‌اخباریکه دراین‌اواخر میرسد و در مقابل جنگ افریقا اسباب تسلی انگلیسهاست بگوش مانمیرسید.»

روزنامه انگلیسی تایمز چاپ لندن درشماره مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۰۲ راجع به مذاکراتی که درمجلس عوام انگلستان راجع بایران شده چنین مینویسد.

«دیروز در پارلمان در خصوص مسئلهٔ که اهمیت تامه دولتی دارد مذاکراتی که حاوی اطلاعات مفیدی بود بمیان‌آمد.

مستروالتن که غیرت ووطن‌خواهی اواز این حیث که ایام تعطیل خودرا دربررسی مصالح انگلیس درنقاط دور بمصرف رسانیده موجب تمجید وتحسین‌است برای‌آنکه خاطر عموم را باوضاع فعلی‌ایران متوجه سازددرمورد خطابه همایونی بتوضیح ایرادی قیام نمود.

مشارالیه اهمیت ایران را ازلحاظ سیاسی وتجاری برای انگلستان در نطق مهمی که متضمن ملایمت وملاحظه بوده تشریح وتوضیح نمود که چگونه دولت روس بوسیله تغییرات گمرکی وتعرفهای جدید تجارتی که ازراه فارس وباطوم انگلیس باشمال ایران داشت ازپادر انداخت وتاچه اندازه تجارت مهمی که در جنوب ایران داریم در معرض خطر قرار گرفته است. علت این امر بواسطه مداومت در سیاست قدیمی است. در ازمنه سابق چون کلیه تجارت مشرق منحصر بما بود این سیاست پیشرفت داشت ولی حالا آن ترتیبات در مقابل‌تدابیری که دول معظمه برای ترقی تجارت خود وتنزل تجارت غیردارند بی‌اثراست.

امتناع دولت انگلیس ازضمانت پنج کرور لیره که ایران درسال ۱۸۹۸ لازم داشت که ما در هماوقت کوشش خودرا بانتشار سوء نتایج آن گماشتیم نمونه خوبی‌است ازوضع پلتیك اسقاطی که اکثر اوقات دولت انگلیس در ممالك مشرق روبه خودقرار داده. لرد‌کران بورن درمذاکرات پارلمان بااین‌عذر که وثیقه ایران

برای اطمینان معامله کافی نبود سعی کرده‌است دولت را از سوءنتایج این عمل معذوردارد وماتاسف داریم از اینکه مشارالیه درخصوص راه‌آهن وساختن راه نیزاز این قبیل بیانات نموده‌اند .

مسیو ویت (وزیر مالیه‌روس) باوضع دیگر باین‌مسائل نظر انداخته است .

روس که نسبت بمابی‌پول است پولی‌راکه ماازدادن آن احتیاط کردیم پرداخت و بوسیله این معامله یك مقام جدید رفیعی دردربار ایران برای خود تدارك نمود و آن را سریعا اسباب تخریب تجارت ما قرار داد .

درخلیج فارس تجارت ماهنوز تفوق دارد ولی‌از سال گذشته دولت روس‌چند جهاز تاسیس ومحض رقابت با تجارت ماآن اودسا راه‌انداخته ومبلغی وجه اعانه به‌آنها میدهد وروسها اظهاراطمینان میکنند از این که عاقبت بمقصود خود نایل خواهند شد .

هر گاه ماباینگونه اقدامات تاسی نکنیم رقبای ما سبقت خواهند گرفت .

فعلا روس سه‌خط راه در داخله خاك‌ایران احداث نموده‌است .لردپرسی ومستروالتن که هر دو بواسطه مسافرت‌درایران ازروی اطلاع صحبت میدارند مصلحت ماراداراین می‌بینند که برطبق اقدامات روس عمل نمائیم ولی بدون اینکه مثل‌آنها اسباب منع تجارت سایرملل رافراهم بیاوریم .

یك مطلب دیگرهم که بدولت تکلیف شده وماهشعوف هستیم‌از اینکه مورد توجه دولت است مسئله ازدیادعده قنسولهاست . بموجب اظهارات لردکران‌بورن معلوم می‌شود که دراین باب اقدامی‌شده وعدهٔ هم داده اند که متوجه این مطلب باشند تمام اشخاصی که در مذاکرات راجعه بایران شرکت نموده‌اند کمال احتیاط را منظور داشته‌اند چیزی که مخالف دوستی بادولت روس‌باشد بزبان نیاورند . خود مستروالتن وسرادوارد گری ولردپرسی تصویب نموده‌اند که قراری دوستانه باروس بایستی داده‌شود همه کس باین‌مطلب مایل است درصورت اینکه به‌ترتیبی صورت بندد که منافی مصالح مهمه مادر آسیا نباشد . بعقیده سرادوارد گری قراری که فقط مخصوص بمسئله ایران باشد غیر ممکن‌است و حال آنکه مسئله پامیر منفردا مطرح مذاکره ومثمر ثمر واقع شد .

مشارالیه میگوید درکلیه مسائل آسیا باید باروس مذاکره بمیان آورد ودرمصالح طرفین قراری باهم داد در هرحال میگوید امتحان این‌مطلب ضرری ندارد زیراکه اگر غیراز این باشد باید درهر کاری با روس مخالفت وضدیت ورزید وعنان امور را از کف داده عن قضا سپاریم .

دراین دورای ماباسرادوارد گری هم عقیده هستیم که ضدیت مناسب نیست وآن شق‌دیگر ازحوزه عمل مابیرون است چنانچه در مسئله اقصای مشرق برما معلوم‌شد نتیجه هردوشق این است که هم دچار سوء نتایج ضدیت میشویم وهم ضرر تسلیم برماوارد می‌آید در حالتی که فایده ازهیچکدام نمی‌بریم .

چنانچه سرادواردگری میگوید دولت روس از این وضع رفتار ماهمیشه فایده میبرد ولی بدون اینکه اسباب دوستی ورضای خاطراو بشود زیراکه ازاول طوری رفتار نمی کنیم که مایه امتنان او بشود بعضی‌اظهارات سرادوارد گری درباب حقوق مادر خلیج فارس وبی‌اعتنائی مابمقامات مهمه استراتژی سایردول بی اساس وموجب حیرت ماست ولی اظهارات صریحهٔ لردکران بورن مانع است که کسی بتصورات غلط بیفتد .

سرادوارد گری می گوید ماناید ساکت وصامت بنشینیم روس درحفظ مصالح خود سعی‌وافی دارد ماهم باید جهد کنیم اکثری راعقیده این‌است که دولت انگلیس نمی‌تواند همیشه درامورات سیاسی بیك‌رویه ومسلك‌مداومت نماید بسبب اینکه بعضی اوقات اقداماتش‌بسته بمیل جمهور است وکسی نمیداند که درحوادث آتیه رای جمهور چه‌اقتضانمایداین عقیده تایکدرجه واقعیت دارد وخالی ازخطر هم نیست رای جمهورحالت پادشاه مستقل‌راداردکه‌از اقدامات‌این‌ونه‌ازآن کسی میتواندقبل ازوقت خبربدهدولی‌جمهور انگلیس مستعد تعلیم وسریع‌القبول‌است وحاضر نیست نصیحت آنهائی راکه‌مسئول‌اموراند بسمع رضابپذیردوازراه‌صواب منحرف نمیشود وهر گاه‌مردمان‌سیاسی‌بزرگ‌این‌مملکت درامورات خارجه فکر صحیح بنمایند وطرح پلتیك ثابتی بریزند ومجمل آن را بمردم حالی کنند در وقت لزوم

خواهند دید که مردم هم دراجرای پلتیك دولت همراهی دارند وقتی که مهمی پیش می آید وبغتتاً بمردم تکلیفی می شود معلوم است که برای مردم تردید حاصل میگردد واین نیست مگر باین سبب که روسای ملت قبل ازوقوع واقعه بامردم مذاکره نکرده‌اند و گویا سبب هم این باشد که خودروسا هم فکر نمیکنند که چه پیش خواهدآمد لردگران بورن دیروز درمجلس پارلمان باکمال استقامت رای وبطور صریح سخن گفته‌اند بنابقول ایشان مبنای پلتیك انگلیس در آسیا حفظ وضع حالیه آنجاست که بهیچوجه تغییری درآن حاصل نشود ازقراریکه میگویند منظور از این پلتیك نه‌این است که زمام امورات رابدست قضاوقدر واگذاریم که‌هرچه خواهدبشود اگرچه بعقیده ماتیجه این پلتیك غالبا همین بوده‌است جهات ودلایل مخصوصی‌دارد که مانمی‌خواهیم درایران تغییری روی‌دهد گذشته ازمصالح تجارتی که حفظ آن برذمهٔ ماست مصالح پلتیکی عمده درآنجا داریم .

در این مصالح هیچ چیزنیست که‌مارا ازدوستی باروس مانع‌شود ولی‌چنانچه لردگران بورن اظهار داشت دوستی روس‌را نباید برحقوقی که بموجب عهدنامجات داریم تقدم‌بدهیم چنانچه ایشان که نایب وزارت خارجه‌هستند گفتند باوضع مامناسب نیست که دست بسینه در مقابل روس ایستاده تمنی نمائیم که باما قراری بگذارد .

اطمینانات لازمه‌بین‌ماوروس مبادله شده‌است درخصوص اینکه حفظ استقلال ایران اساس پلتیك دولتین است ماازاین پلتیك انقطاع نجسته‌ایم ولی بی‌ملاحظه سایردول هم نمیتوانم بلوازم آن عمل کنیم باستقلال ایران مایل هستیم ولی بتعدیل میزان اقتدار درممالك شرق بیشترمیل داریم .

لردگران بورن اظهار داشته که ممکن نیست ازمقام حقهٔ که در ایران تحصیل نموده‌ایم خصوصا در خلیج فارس وممالك جنوب وخطهٔ که بخاك هند منتهی میشود دست‌برداریم حقوق وتفوقی که داریم از دست نمی‌دهیم سعادت مادراین‌است که تفوق مابتفوق قوه‌بحری مابسته‌است نمی گذاریم‌درچنین حدود عمدهٔ بندر گاهی برای تاسیس قوهٔ بحری تحصیل شود که زیانی بقوه بحری مابرساند بقول لرد کرزن تحمل چنین اقدامی‌خیانت است و خائن مستوجب توبیخ و ملامت — سببی هم ندارد که لرد مشارالیه از نوشتن این عبارت پشیمان شده باشد» »



در این بخش امتیازات مهمی راکه‌انگلیسها تاقبل از مشروطیت درایران تحصیل نموده‌اند بترتیب شرح خواهم داد .

راجع بامتیاز نفت وسوابق آن که باید در یك بخش جداگانه وبتفصیل نوشته شود چون اخیرا کتب ومقالاتی درآن موضوع انتشار یافته‌هرچند که نواقص بسیار درآنهادیده شده ولی فعلاازبحث درآن صرفنظر میشود .

راجع بامتیاز انحصار دخانیات نیز که چگونگی آنرا بتفصیل در کتاب « تحریم تنباکو» یا «اولین مقاومت منفی‌در ایران » نوشته‌ام ودر سال ۱۳۲۸ بچاپ رسیده‌باید بآن کتاب مراجعه شود .

در مورد امتیازات متعدد راه آهن چون مناسب بود که چگونگی اعطاء تمام امتیازاتی که برای ایجاد راه‌آهن بدول مختلف داده شده دریك بخش جداگانه نوشته شود از شرح آن در این قسمت صرف‌نظر گردید وامیدوارم جریان اعطاء تمام‌امتیازات راه‌آهن وسوء استفاده بیگانگان راکه داستان جانخراشی دارد بتوانم بتفصیل در جلد دوم این کتاب شرح دهم .

۲

امتیاز بارون جولیوس رویتر

امتیاز بارون‌جولیوس رویتر که ایران‌را بصورت مستعمره‌انگلستان درمیآوردیکی ازبزرگترین اشتباهات ناصرالدین شاه ومیرزا حسین‌خان سپهسالاراست .

لرد کرزن در کتاب « ایران ومسئله ایران » مینویسد

«کامل‌ترین وعجیب‌ترین امتیازی که درطول تاریخ کمتردیده شده وبموجب آن تمام منابع صنعتی کشوری بیك خارجی تسلیم‌وتفویض گشته این امتیاز بوده‌است»

نویسنده دیگر انگلیسی بنام‌گراهام استوری در کتاب «رویتر دریك‌قرن» نوشته بموجب این امتیاز برویتر اجازه داده شدکه به‌تمام منابع اقتصادی ایران واکثر افرادآن درمدت هفتاد سال حکومت واقعی کند وهمچنین این‌امتیاز بودکه دروازه‌های کشورایران را بروی دنیای غرب گشود .

هرچند امتیازنامه رویتر بطوریکه گفته خواهد شد بمرحله اجراء در نیامد ولی چون موجب دادن امتیازات دیگر بانگلیس‌ها وروسها وموجد مفاسد زیادی برای ایران گردیده‌که هنوز هم اثرات آن زائل نگشته‌است قابل اهمیت و توجه مخصوصی‌استزیرا چنانکه خواهیم‌دید اعطای امتیازبانك شاهنشاهی برویتر بعنوان‌جبران خسارت این امتیاز نامه بود واعطای امتیاز بانك استقراضی روس درمقابل بانك شاهنشاهی وبرای تعادلو توازن دو سیاست استعماری روس تزاری وانگلیس وبهمین ترتیب اغلب‌ازامتیازات‌دیگر که بخارجیها داده شده ازهمینجا سرچشمه میگیرد مثل امتیاز انحصار دخانیات وغیره .

بارون جولیوس رویتر کیست ؟

قبل از آنکه جریان‌اعطاء این امتیاز وچگونگی آنرا شرح دهم بی‌فایده نیست برای آشنائی خوانندگان این کتاب مختصری از زندگی و کارهای جولیوس رویتر صاحب این امتیاز و مؤسس خبرگزاری معروف رویتر را دراینجا بنگارم .

این‌قسمت‌از کتاب «رویتردریك‌قرن» (Reuters, Century—1851—1951) تألیف گراهام استوری Graham Storey اقتباس شده است .

«اسرائیل بیر» (۱) سومین فرزند «ساموئل‌لوی ژوزافات» (۲) در تاریخ ۲۱ ماه ژوئیه سال ۱۸۱۶ درشهر «کاسل» (۳) درآلمان غربی دریك خانواده یهودی متولدگردید .

1—Israel Beer
2—Samuel Levi Josaphat
3—Cassel

ساموئل‌لوی پدر اسرائیل بیر که سمت مشاور قضائی اقلیت یهودرا داشت در سال ۱۸۱۴ یعنی یك سال قبل ازجنك واترلو ازدست سپاهیان ناپلئون فرارکرده به شهر کاسل آمده بود .

مرك ناگهانی ساموئل‌لوی درسال ۱۸۲۹ باعث شد که اسرائیل درسن سیزده سالگی بشهر «گوتینگن» (۱) نزد ، یکی ازخویشانش که درآنجا بانکدار بود برود ولی‌تاده‌سال بعدازآن نیز اسرائیل نتوانست‌شغل ثابتی برای خودپیدا نماید .

شهر «گوتینگن» در آن موقع مرکز فعالیت های «الکترو تلگرافی» بود و درسال ۱۸۳۳ «کارل فردریك گاس» (۲) یکی از زبردست ترین ریاضی‌دانها وفیزیك‌دانهای عصر خود که دراین شهرمیزیست باکمك وهمکاری «وبر» (۳) موفق شدکه علائم الکتریکی‌را بوسیله سیمی که روی یکی ازبرجهای شهر بسته بودبیکی ازشهرهای همسایه بفرستد .

اسرائیل که در آن هنگام در بانك پسر عموی خودکار میکرد بواسطه تذکر دادن یك اشتباه ریاضی بزرك که درحساب بانکی «فردریك گاس» پدیدآمده بود موفق شد توجه اورا بخود جلب نماید .

«گاس» تلگراف الکتریکی وآینده درخشان این اختراع‌را برای اسرائیل شرح داد .

اسرائیل مدتی دراین باره فکر کرد که اگر دفتر تلگرافی تأسیس کند ممکن‌است نتایج خوبی ازآن برگیرد ولی درآنموقع چون هنوز اهمیت کبوترنامه‌بربیش ازتلگراف بود این فکر بزودی‌جامه عمل نپوشید .

درسال ۱۸۴۰ اسرائیل به برلن رفت ودرسال ۱۸۴۴ بدین‌آباء واجدادی خود پشت پازد و بکیش مسیحی درآمد ونام «پل‌جولیوس رویتر» (۴) را برای خود انتخاب نمود وسپس بادختر یکی ازبانکداران برلین بنام «ایدامارباماگنوس» ازدواج کرد .

باآنکه این‌زن ازلحاظ ظاهرنقطه مقابل‌رویتر بودولی اورادرفعالیت‌هایش خیلی کمك کردورویترپیشرفت کار خود راتااندازه زیادی مرهون این‌زن بود .

بعدها رویتر باشخصی بنام «استارگارت» (۵) شریك‌شد ویك موسسه مطبوعاتی دایر کردند وچندبولتن سیاسی نیزچاپ ومنتشر ساختند .

این موسسه هنوز هم‌درشهر هامبورك وجود دارد وبنام بنگاه «رویتر واستارگارت» نامیده میشود . از همین موقع بود که رویتر زندگی مطبوعاتی خود راشروع کرد وبفکر جمع‌آوری وپخش خبرافتاد .

رویتر از آلمان بپاریس رفت و در یك موسسه خبرگزاری که توسط شخصی‌بنام «هاواس» (۶) تشکیل شده بود بسمت مترجم استخدام شد .

موسسه هاواس ابتدا یك‌خبرگزاری کامل‌نبود بلکه فقط مطالب جالب توجه مطبوعات مهم اروپا را اقتباس میکرد وروزانه برای روزنامه‌های فرانسه میفرستاد بعدا این موسسه کارش بالاگرفت ونمایندگانی در پایتخت کشورهای اروپا تاسیس کرد .

رویتر ازکارکردن در موسسه هاواس چندان راضی نبود و میل‌داشت در کار خود مستقل باشد واین تصمیم خود را در بهار سال ۱۸۴۹ باانتشار اولین نشریه خبری درپاریس عملی کرد .

باآنکه رویتر برای‌پیشرفت این‌موسسه خیلی‌فعالیت کرد ولی‌باعدم موفقیت مواجه گشت ودر سال ۱۸۴۹ موسسه مطبوعاتی اوتعطیل شد .

رویتر سپس به‌آتن رفت ودرآنجا یك‌دفتر کوچکی دایر کردو کم کم‌درغالب شهرهای مهم اروپا نمایندگی

1—Gottingen
2—Karl Friedrich Gauss
3 —Weber.
4—Paul Julius Reuter.
5.—J.A. Stargardt.
6—Charles Havas



بارون جولیوس رویتر

هائی تاسیس نمود و بالاخره در تابستان سال ۱۸۵۱ عازم انگلستان شد .

رویتر درلندن دو اطاق اجاره کرد و تلگرافخانه خود را در ۱۴ اکتبر ۱۸۵۱ افتتاح نمود . علت آمدن رویتر بلندن بواسطه توسعه کابل کشی بود که در آنجا این عمل رواجی پیدا کرده بود . در این موقع با سرمایه ای که رویتر دردست داشت ودوستانی که بین اعیان واشراف و هیئت حاکمه در اروپا پیدا کرده بود و نمایندگان وی که در شهرهای مختلف پخش شده بودند پیشرفت وموفقیتش حتمی بنظر میرسید .

در آن زمان مدت زیادی طول میکشید تاخبر بروزنامه ها برسد چنانکه خبر فوت ناپلئون دوماه پس از وقوع آن بلندن رسید معهذا جرابد انگلستان از این طریقه جدید چندان حسن استقبال نکردند مخصوصا روزنامه تایمز لندن که طریقه قدیمی را که عبارت از بکار بردن قایق بود ترجیح میداد .

بدینجهت رویتر ابتدا بابورسهای لندن تماس حاصل کرد وبا توسعه نمایندگی های خود چندی بمبادلهٔ اخبار بین بازرگانان اروپا مشغول بود .

رویتر بعدا دفتری در شهر کاله (فرانسه تاسیس کرد ودر سال ۱۸۵۶ باآژانسهای هاواس وولف برای اخذ خبر قراردادهائی منعقد نمود .

مقارن این زمان در فرانسه درایام سلطنت ناپلئون سوم حوادثی بوقوع پیوست که در انگلستان سر و صدای زیادی راه انداخت وچون پارلمان برای پخش اخبار محدودیت هائی قائل شد روزنامه های لندن و بخصوص تایمز باعتراضات شدیدی پرداختند .

در این وقت که مردم تشنه اخبار سیاسی وجرائد ارزان شده بودند چون رویتر میتوانست اخبار را سریع وارزان بدهد بتوسعه وموفقیت او کمك زیادی میکرد وبالاخره روزنامه های مختلف که طریقه رویتر را مقرون بصرفه وصلاح خود میدیدند مجبور شدند مشترك رویتر شوند وحتی روزنامه تایمز که بارویتر شدیدا مخالفت میکرد ناچار شد در اکتبر ۱۸۵۸ اخبار رویتررا منتشر کند ولی هنوز قبول نمیکرد که اسم رویتررا در روزنامه خود درج سازد بدینجهت قیمت اخبار را دو برابر می پرداخت .

در سال ۱۸۵۹ موقعی که ناپلئون سوم نطق تهدید آمیز خودرا علیه اطریش ایراد کرد یکساعت بعد این نطق مانند برق در لندن منتشر گردید و باعث پیروزی قطعی رویتر شد .

در هنگام جنك میان فرانسه واطریش خبرنگاران رویتر که مورد اعتماد طرفین محاربه قرار گرفته بودند توانستند اخباررا مرتب ومنظم دراسرع اوقات بفرستند واین امر بیش از پیش باعث موفقیت موسسه رویتر شد بنحوی که دیگر کسی نمی توانست بااورقابت نماید رویتر روزبروز بتوسعه و بسط شبکه های خوددر جهان می پرداخت .در هنگام جنك های داخلی امریکا موسسه رویتر مردم اروپارا زودتراز همه ازاخبار جنك مطلع میساخت

در سال ۱۸۶۶ هنری کولینز Henry Collins ازهمکاران نزدیك وفعال رویتر به بمبئی رفت وپنج شش سال بعد که بانگلستان بازگشت شبکه های رویتر درتمام مناطق خاور و اقیانوس هند و خاور دور مستقر گردیده بود .

رویتر بعدازتوسعه دامنه عمل وبسط شبکه های خوددر جهان باموسسه هاواس در فرانسه وولف در آلمان برای ردوبدل اخبار قراردادهائی بست واین موسسات مناطق نفوذ ومیدان فعالیت خود رامعین کردند ولی رویترضمنا با اقداماتی که مستقیم وغیرمستقیم انجام میداد میخواست که دوموسسه رقیب رااز بین ببردو باضمیمه موسسه خود کند

رویتر باین طریق موسسه خود راتوسعه داد وهنگامی که پخش اخبار درانحصار اودرآمد توانست حق اشتراك را افزایش دهد و منافع سرشاری ببرد .

بواسطه فعالیت های فوق العاده رویتر درتاریخ ۷ سپتامبر ۱۸۷۱ ارنست دوم دوك ساکس کوبرك گوتا (۱) در قلمرو حکومت خودبه پل جولیوس رویتر عنوان بارونی داد .

ولی مدت بیست سال طول کشید تارویتر توانست ازتمام مزایای بارونی دربریتانیا استفاده نماید .

---

(1) Ernest II; Duke of Saxe - Coburg - Goth

ویکتور یاملکه انگلستان علاقه زیادی به رویتر نشان میداد ودرجه اعتماد ویکتوریا را باین شخص از ذکر تلگرافات رویتر در دفترچه خاطرات ملکه میتوان استنباط کرد وحتی درسال ۱۸۷۸ نامه شدیداللحنی به دیسرائیلی نخست وزیرانگلستان که به اخبار رویتردائر به پیشرفت نفوذروسها دراستانبول توجهی نکرده بود نوشت .

هنگامی که لرد سالیزبوری نخست وزیر انگلستان شد ازرویتر تعریف وتمجید بسیار کرد ودرژوئن سال ۱۸۹۱ ضمن نامه‌ای به‌ملکه نوشت .

«بارون رویتر چندین سال است که برای دولت فعلی خدمات مهمی انجام داده‌است وکوششهای وی برای تهیه اطلاعات جهت علیاحضرت شایسته قدر دانی است»

در ٦ نوامبر همان سال بموجب فرمانی ملکه انگلستان امتیازات نجبای خارجی Foreign Nobility به رویتر ووراث او اعطا کرد .

خلاصه دستگاه خبرگزاری رویتر وسیله مؤثری بمنظور کسب خبر برای پیشرفت نفوذ دولت انگلستان درنقاط مختلف دنیا شده بود ودرسال ۱۹۱٦ یعنی اواسط جنگ بین المللی اول آلمانها در یافتند که رویتر با وجود آنکه آلمانی است باموسسه خبرگذاری خود چه کمک بزرگی به انگلستان وسایردشمنان آلمان کرده است فوت بارون جولیوس رویتر در ۲۵ فوریه ۱۸۹۹ درشهر نیس اتفاق افتاد .

توجه اروپائیان به منابع ثروت ایران

سالها قبل از آنکه امتیازرویتر داده‌شود مخصوصا ازهنگامی که در سال ۱۲۷۹ میرزاحسین‌خان سپهسالار باسمت وزیر مختاری باستانبول میرود وبکمک ودستیاری مستشارخود میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله گزارشهای متعددی مبنی برلزوم آوردن کشفیات واختراعات مردم اروپا وبکارانداختن سرمایه‌های «فرنگستان» درایران برای ناصر الدین شاه میفرستد زمامداران ایران باین‌فکر میافتند که باید با کمك اروپائیان از منابع مختلف ثروت مملکت استفاده کرد .

بدین لحاظ درسال ۱۲۸۰ هجری قمری (۱۸٦٤) بدستور ناصرالدین شاه میرزا محمودخان ناصرالملك وزیرمختار ایران درلندن وحسنعلی‌خان وزیر مختار مقیم پاریس دراین باب باکمپانی‌های مختلف‌اروپائی‌واردمذاکره میشوند وازطرف آنها پیشنهادهائی برای تاسیس راه‌آهن - استخراج معادن - ساختن راه شوسه - ایجادکارخانه - بانك و غیره بدولت ایران تسلیم میگردد :

درآنموقع چون‌دولت‌انگلستان‌بخیال‌ایجادراه‌آهنی‌بین دریای مدیترانه‌وهندوستان بود که قسمتی ازآن از ایران میگذشت از طرف کمپانی‌های انگلیسی مخصوصا برای تاسیس راه آهن درایران علاقه وتمایل زیادی ابراز میگشت . ولی اگر در این میان پیشنهاد مفیدی هم‌دیده میشد بواسطه رقابت دولتهای روسیه وانگلیس‌ونظرهای سوء این دولت‌ها از یکطرف وبی‌اطلاعی‌وطمع ورزی رجال ایرانی‌وتعصب و کهنه پرستی علمای روحانی از طرف دیگر بجائی نمیرسید .

گراهام استوری در کتاب «رویتر در یك قرن» مینویسد .

«پنج‌سال پیش (از امتیاز رویتر) دکتر استرونسبرگ(۱) از اهالی پروس چهارهزارلیره انگلیسی وجه‌الضمان خود را بر سر راه امتیازی که تاحدی مشابه امتیاز رویتر بود ازدست داده بود . صاحبان امتیاز اطریشی و فرانسوی نیزضررهائی مانندآن داده بودند .

(1) - Dr. Stronsberg

همه اینها اظهارات وزیرمختار انگلیس مقیم تهران را نشان میداد که گفته بود تمام نقشه و پروژه‌های اروپائیان اصولا فقط وسیله انتفاع و سودجوئی وزیران ایرانی یا عمالی است که آنها دارند .»

سرهانری راولینسون در کتاب « انگلیس و روسیه در شرق » مینویسد .

« وقتیکه سیم تلگراف در ایران دایر گردید بعضی نقشه‌های مفید طرح شد که دامنه عملیات را بنفع ایران وسعت میداد مخصوصا رشته‌های صنعتی و اقتصادی اروپا که در ایران باید از آنها استفاده شود.

در این زمینه‌ها طرح‌های زیادی برای استفاده از منابع مختلف پیشنهاد شده بود بعضی از آنها ازطرف اشخاص ماجراجو و بی‌اعتبار بود این پیشنهادها بمنظور استفاده‌های شخصی بود که اغلب با یکدیگر مخالف بودند .

پس از مطالعات دقیق درهریك ازاین پیشنهادها صلاح دراین دیده شد که امتیاز تمام آنها بیك کمپانی داده شود که رئیس آن بارون جولیوس رویتر تبعه انگلیس است .»

بارون رویتر تقاضای تحصیل امتیاز میکند

از سال ۱۲۸۸ که میرزا حسین‌خان سپهسالار روی کار میآید با کمك میرزا ملکم خان مستشار خود برای انجام نقشه های سابق و نظریات قبلی خویش دستور میدهد که مامورین ایران در کشورهای مختلف اروپا برای جلب سرمایه‌های خارجی بمنظور بهره برداری منابع ایران و تاسیس راه آهن و کارخانجات و غیره در این کشور اقدامات جدی بعمل آورند.

میرزا حسینخان که در ابتدا سیاست یك طرفه و «انگلیسی مآبانه» داشت در این مورد از «راهنمائی» و «نصایح» سفارت انگلیس در تهران و وابستگان آنها کاملا برخوردار بود .

قبلا دیدیم سرهنری راولینسون در شرح حال میرزا حسینخان سپهسالار نوشته است .

«دوماده مهم واساسی در پروگرام میرزاحسینخان سپهسالار بودیکی دادن امتیاز بهره‌برداری ازتمام‌منابع ثروت سرتاسری ایران ودیگری بردن ناصرالدین‌شاه باروپا .»

نقشه‌ای که انگلیسها در این باره طرح کرده بودند خیلی ماهرانه بموقع اجراء گذارده شد .

ناصرالدینشاه ترقیات و پیشرفت‌های مردم ممالك اروپا رازیاد می‌شنید . گزارش‌های نمایندگان ایران را راجع بایجاد راه‌آهن واستخراج معادن‌واختراعات مختلف بسیار خوانده بود وخیلی میل داشت بدون آنکه ازاقتدار و اختیارات مطلقه اش ذره ای کاسته گردد یا پولی ازخزانه دولت بمصرف برسد تمام‌این اختراعات بکشور ایران بیاید - مخصوصا راه آهن یا « کالسکه بخار » .

گذشته ازآنکه نمیخواست چیزی در این راه از « خزانه عامره اعلی » پرداخته شود میل داشت اگر ممکن باشد پولی هم از این طریق بدست آورد .

مسافرت اروپا ودیدن تمدن غرب برای « شاه » ودرباریان نیز امری حتمی وواجب بود !

در آنوقت فقط یك اشکال بنظر میرسید وآن مخارج گزافی بود که انجام این امور لازم داشت .

پرداخت این مخارج هنگفت در آنوقت بواسطه کثرت مستمری بیکاره ها ووظیفه

دعاگویان وچاکران درباری وتهی بودن خزانه امری ممتنع مینمود .

درچنین موقعی بارون جولیوس رویتر باشاره دولت انگلستان برای تحصیل امتیاز استخراج معادن وتاسیس راه‌آهن وایجاد کارخانه وغیره باحاجی محسن‌خان معین الملك وزیر مختار ایران در لندن وارد مذاکره میشود .

بارون رویتر گذشته از فعالیتی که برای توسعه وپیشرفت خبرگزاری خودمیکرد در ضمن باقدامات دیگری هم که برای خودش از لحاظ مادی وبرای انگلستان از لحاظ سیاسی مفید باشد دست میزد .

رویتر به وزیر مختار ایران میگفت اگر پیشنهادهای اومورد موافقت دولت ایران قرار گیرد سرمایه زیادی قریب به «پنجاه کرور» در ایران بکار انداخته و در ظرف چند سال در این کشور راه آهن کشیده وراه شوسه خواهد ساخت معادن استخراج و بانك وکارخانجات متعدد تأسیس کرده وکمرکات نظم و ترتیبی خواهد یافت که نظیر آن فقط در متمدن ترین کشورهای اروپا ممکن است وجود داشته باشد علاوه براین منابع تازه ای برای عایدات دولت ایران مجاناً ایجاد میگردد که باورنکردنی است. مخارج سفر «شاه و ملتزمین رکاب» هم که در مقابل این عواید سرشار هرچه باشد ازهمین محل پرداخت خواهدشد!

جملات فریبنده‌ای که رویتر برای «شاه» ایران ورجال طماع وبی اطلاع اوضمن پیشنهاد خود میگفت تقریباً بهمین مضامین بود بالاخره ناصرالدین شاه که دراین مورد محرك اصلی او میرزا حسین خان سپهسالار ودلال وواسطه آنهم میرزا ملکم خان ناظم الدوله بودبا علاقه زیادی این موضوع را استقبال میکندودستور میدهد نماینده رویتررابتهران دعوت نمایند و پیشنهادات اورا مورد مطالعه قرار دهند

گراهام استوری در کتاب « رویتر دریك قرن » مینویسد

« متجاوز ازدوسال قبل از اعطای امتیاز در سال ۱۸۷۰ ژنرال محسن‌خان وزیر مختار ایران درلندن توجه رویتررا برای بکار انداختن سرمایه غرب در کشور ایران جلب کرد .

کشوری باستانی که باوجود حکایات عجیب درباره ثروت سرشارش هنوز مراحل اولیه تمدن را می‌پیمود .

موقعیت ایران برای تجارت انگلستان زیاد مهم بود - وضع سوق الجیشی ایران ازآن نظر که شاهراه هند محسوب میشد اهمیت فوق العاده‌ای داشت . بدین جهات رویتر درنهایت اطمینان مصمم باین کار شد ودر اواخر بهار سال ۱۸۷۲ محرمانه نماینده‌ای بدربار شاه درتهران فرستاد تا امتیازی راکه محسن خان باووعده داده‌بود بدست آورد .... »

نماینده‌رویتر برای مذاکره بتهران‌میاید

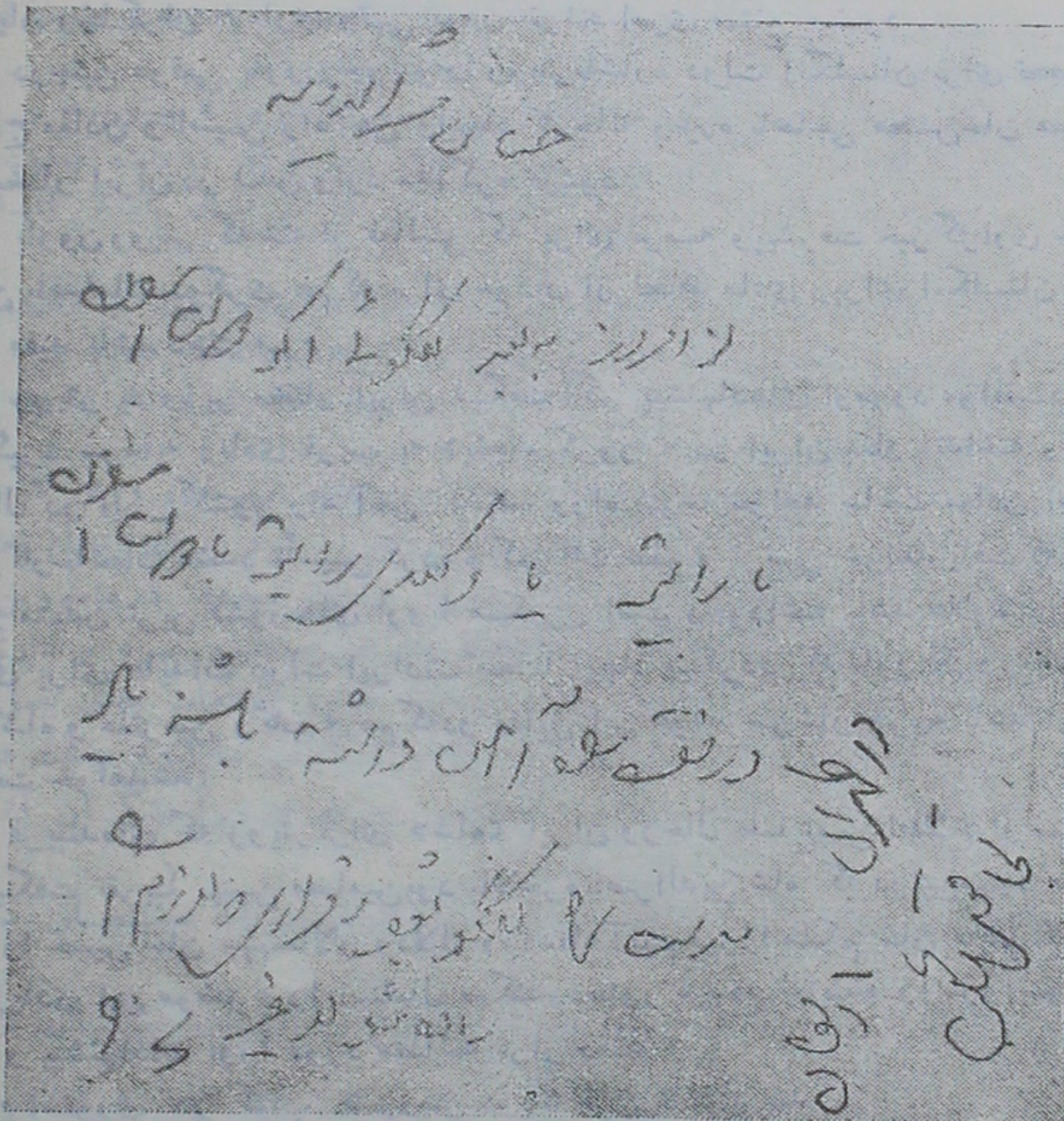
بالاخره نماینده رویتر بنام مستر کوت وارد تهران میشود وبرای تهیه متن امتیازنامه بمذاکره می‌پردازد .

ناصر الدین شاه نیز اختیارنامه‌ای بشرح زیر بعنوان سپهسالار صدر اعظم که ملقب به مشیرالدوله بود مینویسد .

جناب مشیرالدوله

ازامروز به بعد گفتگوئی اگر دولت ایران با رایتر یا وکلای رایتر بادولت ایران درفقره راه‌آهن داشته باشد بدست شما گفتگو شود وقراری که لازم است داده شود لاغیر . درطهران ۱ رمضان تخاقوی‌ئیل ۲.

عین این نامه در صفحه بعد گراور شده است



بین سپهسالار و مستر کوت تامدتی مذاکراتی بعمل میآید ــ ناصرالدین شاه که جریان این مذاکرات را با دقت و علاقه مخصوصی تعقیب میکرد از دخالت دیگران که ممکن بود از انعقاد قرار داد جلوگیری نمایند میترسید و در نامه‌ای به سپهسالار اینطور مینویسد .

«جناب صدر اعظم

انشاالله تعالی اینکار راخوب انجام بدهید خدماتی بدین و دولت کرده اید که مافوق ندارد اما همان اشخاصی که تعجب از قبول کمپانی اینکار را باین آسانی کرده‌اند بسیار میترسم که تعدیل کوت را ازخارجه و داخله خودمان خالی بکنند که اشکالات بیاورد و اینکار نگذرد این مردم را خوب شناخته‌ام.ودراین چند روز مراقب کوت باشید که بامردم ایرانی و فرنگی کمتر مراجعه کند .

تلگراف رئیس کوت هروقت برسد زود تر بعرض رسانید خیلی مراقب باشید که کوت راترسانند و بواهمه بیندازند بر پدر خائن لعنت »

خلاصه بعد از آنکه درشرایط ومواد امتیازنامه بین طرفین موافقت حاصل میگردد بدستور ناصرالدین شاه مجلسی ازوزراء ورجال دولت تشکیل میشود تاآنرا بررسی ونظر خودشان راگزارش دهند اعضاء این مجلس بعد ازمطالعه گزارشی بشرح ذیل تهیه وبرای ناصرالدین شاه میفرستند .

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت گردم (کذا) ماجان نثاران بقدری که درقوه عقل و اطلاعات شخص خودبود درباب راه‌آهن مذاکره و گفتگو نمودیم هرگاه بخواهیم معظمات نتایج آن کار و کثرت غبن وضررهای تاخیر اینعمل راشرح بدهیم درخاکپای همایون کمال جسارت ومنتهای بی‌ادبی خواهد بوددراین عصر کدام ذی شعور است که فواید راه‌آهن رامثل آفتاب معترف وبر اعجاز آن‌مقر نباشد بنابراین از لزوم و منافع اینعمل هیچ عرض نخواهیم کرد .

مطلبی که درپیش روی‌خود مجسم می‌بینیم این‌است که بجهت ساختن راه‌آهن درایران اقلا پنجاه کرور پول نقدلازم داریم بدیهی است که دولت علیه اصلا قادر نخواهد بود که چنین مخارجی رامتحمل بشودواین نیز روشن است که هیچ دولت وهیچ کمپانی این‌پنجاه کرور رامجانا بمانخواهند داد واگر یك کمپانی این‌مبلغ رااز برای ماخرج بکند باین امید وباین اطمینان‌خواهد بود که درآخر علاوه برمخارج خود منافع کل تحصیل نماید الان یك کمپانی پیداشده میخواهد پنجاه کرور رااز برای ماخرج بکند آیادر مقابل این‌پنجاه کرور چه‌باید بدهیم وچه میتوانیم بدهیم . پس‌از لازمه‌تاملات وتدقیقات آنچه بعقل فدویان رسید که میتوانیم بدهیم همه‌رامشخص کرده‌ایم دورنیست که‌در اولین ملاحظه آنچه‌را داده‌ایم بنظر گزاف بیاید اما‌اگر بخاطر بیاوریم که‌ما این چیزها رادر مقابل پنجاه کرور میدهیم خواهیم دید که هیچ حق‌ادعای غبنی نداریم واین‌را هم‌باید ملاحظه فرمود که ما هیچ نداده‌ایم که ازمداخل حالیه دولت یکدینار کم بکند آنچه داده‌ایم منحصرا عبارت است ازبعضی موادعاطله که‌تا امروز هیچ منفعتی ازبرای دولت نداشته‌اند و اگر دردست مابمانند بعداز این هم فایده نخواهند بخشید در صورت عوض پنجاه کرور پول چیزی که باید بدهیم ومیتوانیم بدهیم همین فقراتی که‌در امتیازنامه معین شده‌است مانه ازاینها کمتر میتوانیم بدهیم نه‌بی عیب‌تر از اینها چیزی میتوانیم پیدا کنیم ملاحظه دیگری که محل کمال احتیاط بودفقره ضمانت است بجهت درك این‌مطلب باید عرض بکنیم که این پنجاه کرور راهیچکس وهیچ کمپانی حاضرنکرده است که‌بمابدهد بایداصحاب‌امتیاز بروند واز خلق فرنگستان پنجاه کرور پول قرض کنندتافرنگستان ازیك دولتی حمایت نبینند به‌اصحاب این‌امتیاز یك‌پول نمیدهند اصحاب‌این‌امتیاز بواسطه حسابی که کرده‌اند یقین دارند که باوجود منافع معادن و جنگلها و آبها و مداخل راه آهن دیگر بهیچوجه احتیاج بضمانت دولت نخواهد بود .

اما این حساب‌را فقط موسسین این کمپانی میتوانند بفهمند آن اشخاص متفرقه عامه که باید این‌پنجاه کروررا بدهند ازدقایق چنان حساب بکلی بری هستند و تاضمانت آشکار نبینند یك پول نمیدهند درمقابل این حالت تدبیری که کرده‌ایم‌اینست که‌بخلق فرنگستان میگوئیم دولت ضامن‌است وازطرف دیگر کمپانی در قرارنامه دیگر تعهد میکند که هیچ ضمانتی برعهده دولت ایران وارد نخواهد آمد بواسطه این تدبیرهم خلق فرنگستان به‌اطمینان پول میدهند وهم دولت ایران اطمینان کامل دارد که تحت هیچ ضمانت و خسارتی نخواهد بود تفصیل این تدبیر درامتیازنامه ودرآن ورقه‌جداگانه که جزو قرارنامه مخصوص خواهد بود خوب‌آشکار وروشن شده‌است بندگان اقدس همایون شاهنشاه روحنا فداه باندك ملاحظه درك خواهند فرمود که دراین باب تدبیر دقیق وراه بی‌عیبی اخذ کرده‌ایم این فقره ضمانت که حقیقة سد مهیبی بودباین طور ازبخت بلند شاهنشاهی درکمال درستی وسادگی رفع شده‌است حال‌دیگربنظراین جان نثاران هیچ عیب ومحذوری نمیآید وبقین دارند که هرگزازبرای دولت علیه مناسبتر ازاین شرایط بدست نخواهد آمد .

اکنون انجام این مطلب بزرگ که بلاشك اسباب‌احیای جمیع این صفحات‌خواهد بود منوط بیك اشاره شاهنشاهی‌است هرگاه اسم مبارك همایون خودرا براین امتیاز نامه مرقوم فرمایند بهمین گردش یك قلم بیش ازجمیع خدماتی که سلاطین ایران دراین چند هزار سال بملت خود کرده‌اند به این خاك وملت مرحمت واحسان وعطای حیات حقیقی فرموده‌اند واگر خدا نخواسته ازعدم مساعدت بخت این ملك دربذل چنان مکرمت تاملی فرمایند این موقع مساعد فوت وتابیست سال امید های ایران عقب خواهد ماند وخدا میداند که دراین بیست سال چه نوع اسباب تاسف و حسرت‌باقی خواهد ماند تکلیف بندگی و دولت خواهی ووظیفه سلطان پرستی و جان نثاری ما این بود که عرض کردیم حال امر واراده باحضرت ظل اللهی روحنا فداه‌است .

محل مهرها

ناصرالملك (میرزا محمودخان قراگوزلو)
نظام‌الدوله (دوستعلی خان معیرالممالك وزیر مالیه)
قوام الدوله (میرزا محمد خان وزیر محاسبات)

[illegible]



وزیر دول خارجه (میرزا سعید خان)

محمد علی‌بن امام‌قلی (شاهزاده عمادالدوله

یحیی (یحیی خان معتمد الملک)

اعتضادالسلطنه

امین‌الملک (پاشاخان وزیر عدلیه)

دبیرالملک (میرزا محمد حسین وزیر رسائل ووزیر داخله)

صفحه‌آخر این گزارش درصفحه مقابل گراور شده‌است

این گزارش را میرزا حسین‌خان سپهسالار مهر نکرده است.

تحصیل این امتیاز نامه توسط انگلیس‌ها در آنروزها از شاهکار های سیا-ی انگلستان بشمار میرفت وهنگامیکه امتیاز نامه منتشر میشود در تمام ممالك اروپا اسباب تعجب مردم گردیده بود و همه میپرسیدند چگونه زمامداران کشوری باین آسانی حاضر شده‌اند مملکت خودرا اینچنین تحت سلطه واختیار اجانب قرار دهند.

انگلیس‌ها این نقش‌راچنان‌ماهرانه بازی‌میکردند که ناصرالدین‌شاه از عدم‌انجامش آنطور نگران بود ورجال ووزرای دولت نیز آنرا اینطور خدمت‌واسباب احیای‌مملکت میشمردند. ناگفته نماند که مستر کوت‌نماینده رویتر برای تسریع وتسهیل کار مبالغی برجال ووزراء ایران رشوه مبدهد واگر کسی جرأت مخالفتی میکرد بادادن پول دهانش را می بست چنانکه اعتمادالسلطنه در کتاب‌خود مینویسد.

«پنجاه هزار لیره میرزا حسینخان‌صدراعظم گرفته همینطورها هم‌میرزا ملکم‌خان بیست‌هزار لیره حاجی محسن‌خان معین‌الملك - بیست هزار لیره منیر الدوله - مبلغی هم اقبال‌الملك‌مبلغی هم مردم دیگر که دست‌اندر کار بوده‌اند مختصر قریب دویست هزار لیره تعارف داده است وصدهزار لیره هم خرج کرده.»

امضای امتیاز نامه بهرحال بعداز آنکه متن امتیاز نامه تهیه میشود سپهسالار آنرا بضمیمه نامه‌ای بشرح‌ذیل برای ملاحظه‌وامضای ناصرالدین شاه میفرستد.

«قربان خاکپای جواهرآسای اقدس همایون مبارك شوم دیروز پس‌از آنکه پاکت عرایض بصحابت معتمدالملك بسته ومهمورشد وبعدازآنکه قرارنامه راه‌آهن در مجالس متعدده‌باحضور اولیای دولت ساخته گردیده وبامسیو کوت اتفاق آراء حاصل نمودند نوشته ومهر کرده در شرف تقدیم بخاکپای مبارك شاهنشاهی روحنافداه بودند که تلغرافی ازبارون رایتر بعنوان مسیوکوت رسید واصرار درفقره ضمانت دولت نموده بوده‌وجب اوقات تلخی‌همه گردید فدوی‌خانه‌زاد تعطیل فرستادن لایحه رابخاکپای مبارك جایز نشمردم و گفتم اگرچنانچه فقرات مسطوره درلایحه مقبول خاطر همایونی گردید بامضاء فرمایند وبارون رایتر قبول نکند کمپانی دیگر بهمین شرایط بهرقسم‌است فدوی بجهت‌انجام این‌مقصود حاضرخواهم کرد وهمان دقیقه تلغرافی بحاجی محسن‌خان‌زدم که بابارون رایتر مذاکره نموده وبگوئید کارتمام شده‌بود که تلغراف اخیره شماباعث مایوسی ماگردید اگر بهمان شرایط سابق قبول دارید بسیارخوب والا کمپانی دیگرهست بااو قرار اتمام عمل را خواهم داد مسیوکوت را نیز وادار نمودم تلغرافی بهمین مضامین ببارون رایتر کند وتلغراف اخیره بارون رایتر را باترجمه معتمدالملك‌آورد که ازلحاظ انور مبارك شاهنشاهی روحنا فداه بگذراند هنوزجواب تلغراف فدوی خانه‌زاد ازمحسن خان‌نرسیده است لکن الان‌مسیوکوت آمد وجواب بارون رایتر که بمشارالیه نوشته‌است آوردو به‌او اجازه داده است که قرار نامه رابطوری که الان درخاکپای مبارك است امضاء نمایدواشکالاتی وارد نیاورد.

اصل تلغراف نامه‌وارده از بارون رایتر که مسیو کوت بزبان فرانسه بخطخودش ترجمه نموده‌ونوشته‌است

از د معتمدالملك فرستادم كه بفارسی ترجمه كرده ازلحاظ انوراقدس اعلی‌روحنا فداه گذراند بعد از آنکه ذات اقدس ملوكانه به‌نفس نفیس‌مبارك خودشان تفكر وتعمق دراطراف كار ومضامین مندرجه درلایحه فرمودند وباآن بصیرتی كه خداوند در وجود مسعودهمایون عطیه‌ازلیه قرارداده است مطالعه نمودند تاهرچه امرقدرقدرت‌همایونی شرف وقوع یابد برمابندگان اطاعت‌فوری لازم است. اخبارتازه نرسیده است كه جسارت بعرض نمایم‌الحمدالله امنیت وفور نعمت‌در همه‌جا هست. تلغرافی از مویدالدوله وروزنامه مدرسه دارالفنون رسیده بود تقدیم خاكپای مبارك شد. الامرالاقدس‌الاعلی مطاع مطاع مطاع »

ناصرالدین شاه در حاشیه این نامه اینطور نوشته‌است.

« جناب صدراعظم معتمدالملك واردشد عرایض راكاملا رساند جواب‌ازفراری است كه نوشته شدملاحظه خواهید كرد . قرارنامه راه‌آهن راكه بمهرشما وسایر وزراء ممهوربود ملاحظه شد بسیار خوب وبقاعده بود در دوفصل كه ۱۸ و۲۴ باشد تعرض كرده‌ام ملاحظه وفرانسوی وفارسی هردو رابرطبق‌آن بنویسید بطور وضوح‌دیگر هیچ عیب ونقصی ندارد بلكه همه محسنات‌است وقرار نامه بمبارکی بامضای مارسید وممهور شد بصحابت محمد آقافرستادم نگرانی كه بود از تلگراف سابق‌رایتر بود كه آنهم برسیدن تلگراف شما الحمدالله رفع شد اماگویا فراموش شده تلگراف‌رایتردر جوف نوشتجات معتمدالملك وعرایضی كه‌بمانوشته‌بودید نبود دوباره بفرستیدملاحظه شود انشاءالله طوری بكنید كه این كار بشود و نتیجه بهم برساند مثل كمپانیها و قرار سابق‌نباشد انشاءالله»

متن امتیازنامه رویتر متن امتیازنامه رویتر كه از روی نسخه‌اصلی آن تهیه گردیده بشرح ذیل‌است (۱)

اعطای امتیازات حقوق

از جانب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به‌بارون‌جولی‌یوس‌دروتر کمپانی همایونی ایرانی وانگلیسی بجهة راه‌آهن و اعمال

مفیده عامه درایران

عطای امتیازات حقوق از جانب اعلیحضرت همایون شاه‌ایران به‌بارون جولی یوس دروتر فیمابین دولت اعلیحضرت همایون شاه ایران و بارون جولی‌یوس دروتر مقیم لندن فقرات ذیل متعهد وبرقرار است.

فقره اول ـ دولت علیه‌ایران بحكم این‌قرارنامه به‌بارون جولی یوس‌دروتر اجازه واختیار تام میدهد كه در فرنگستان بهراسم وبهرشرایطی كه خود مشخص نماید یكی یاچندین كمپانیهاتا.یس واحداث بكند كه در تمام خاك ایران به‌آن كارهای مفیده كه‌در این امتیازنامه مذكور است اقدام‌بكندوآنهارامجری‌دارد.

فقری دویم ـ دولت علیه ایران از برای مدت هفتاد سال امتیاز مخصوص وانحصار قطعی راه‌آهن بحر خزر الی خلیج فارس‌را بارون دروتر وبشركاء یابوكلاء اعطاء ووا گذار مینماید وهمچنین‌بایشان‌حق مخصوص وانحصاری وقطعی میدهد كه هرشعبات راه‌آهن كه مناسب بدانند خواه بجهت‌اتصال ولایات وشهرها درداخله خاك ایران‌خواه بجهت اتصال راه‌های ایران براههای آهن ممالك خارجه ازهرنقطه ازنقاط سرحدات ایران رو بفرنگستان و هندوستان بسازند وبكار بیندازند.

---

(۱) اصل نسخه امتیازنامه رویتر كه بفارسی وفرانسه نوشته شده دربایگانی‌وزارت امورخارجه موجوداست وبطوری كه ملاحظه میشود بارونوشت امتیازنامه مزبور كه در بعضی كتب اخیرا منتشرگردیده‌تفاوت زیای دارد .

فقره سیم - ونیز دولت علیه ایران باصحاب این امتیاز حق مخصوص وامتیاز انحصاری داده است درهر نقطه که مناسب بدانند تراموای ها بسازند خواه بجهت اتصال بشهرها وقصبات وبلوکات باهمدیگر خواه بجهت اتصال این اماکن براههای آهن یا به آن نقاطی که کمپانی درآنجاها کار دارد کمپانی ازبرای ساختن و بکار انداختن این ترامواها همان امتیازات و حقوق را خواهند داشت که بجهت راه آهن در فقرات چهارم و پنجم و ششم داده است .

فقره چهارم - هرقدر که بجهت ساختن خطوط آهنها وشعبه های آنها وراه های جفت (۱) وراههای گریز (۲) وتخلف وراههای احتیاط وسراهای خروج وورود ومنازل ومنزلگاه واماکن سکنی ازبرای مامورین و کارخانجات آهنگری ونجاری و ملحقات اینها لازم شود دولت علیه ایران همه آنهارا اگر از املاک خالصه باشد مجانا باصحاب این امتیاز میدهد . در خصوص اراضی که تعلق باشخاص داشته باشد باید کمپانی باصاحبان آن اراضی با رضای طرفین قراری بگذارد امادولت علیه ایران باتمام وسایل کمال سعی واهتمام خواهد کرد که این اراضی را بقیمت جاریه مملکت از برای کمپانی خریده وتحصیل شود واگر لازم شود اصحاب این اراضی را موافق قاعده مجبور نمایند که اراضی خودرا بکمپانی بفروشد علاوه بر عرض مقرره راههای آهن دولت علیه ایران از هرطرف خطوط راه آهن هرقدر که طول آنها باشند ازاملاك خالصه وازآن اراضی که این اوقات زراعت نکرده باشند مقدارسی متر بکمپانی مجانا میدهد هرگاه علاوه برشهرها ودهات که کمپانی باقتضای مصلحت خود مختاراست از برای راههای آهن منازل قراربدهد مصلحت کمپانی مقتضی باشد که دربعضی نقاط دوردست واماندرع منازل بسازد ودولت علیه ایران در همان جاهائی که کمپانی بخواهد بکمپانی مجانا چهار هزار ذرع مربع زمین خواهد داد که بجهت مامورین خود که درآنجاها باشند بتوانند اسباب گذران امن وسهل فراهم بیاورند .

فقره پنجم - کمپانی اختیار واجازه تام دارد که بجهة ساختن وحفظ تعمیر راههای خود هر مصالحی که لازم داشته باشد ازقبیل ریك وسنگ وآهك وغیره از املاك خالصه مجانا بگیرد وبجهة مصالح تفرعاتی ازقبیل آلات و وافزار وآذوقه ودواب وغیره که کمپانی بخواهد در جاهائی که کار دارد بخرد دولت قدغن خواهد کرد که بیش ازقیمت رواج مملکت چیزی ورسومی نگیرند .

فقره ششم - هرنوع مصالحی بجهة ساختن وبکارانداختن طرق آهن لازم باشد داخل خاك ایران خواهد شد بی آنکه هیچ رسومی بدهد نه رسوم گمرکی نه رسوم دریا بجهة خروج امتعه نه رسوم دخول نه رسوم انبار و نه هیچ رسوم دیگر که درعرض راه چه ازجانب دیوان وچه ازجانب اشخاص مطالبه شود و گمرك حق مواظبت خواهد داشت امابطوری که سرعت ودرستی ورود مصالحرا بمحلی که مقصوداست بهیچوجه بتاخیر نیندازد وهمین حق معافیت از هرنوع رسوم ازبرای هرقسم مصالحی که بجهت اقدامات و کار کردن وتحصیل تمتعات کمپانی لازم بشود ازجانب دولت معهود وبرقرار است مامورین وعمال کمپانی ازهرنوع مالیات داخله معاف خواهند بود وهمچنین کل اراضی کمپانی هر قبیل وهرقدر که باشند ازهرنوع مالیات ورسوم بکلی معاف خواهند بود ومحصولات کل عمال وهرقبیل امتعه کل تصرفات واعمالات کمپانی به آزادی ازتمام خاك ایران عبور ومرور خواهند کرد وبه آزادی از خاك ایران خارج خواهند شد ودرحین خروج ازخاك ایران ازهررسوم ومالیات معاف وآزاد خواهند بود .

فقره هفتم - طرز ساختن راه آهن وموعدی که بایدبرسرآن هرقطعه راه آهن بکارافتد باموافقت دولت معین خواهد شدودر دفتر حمول ملحق خواهدشد باین امتیازنامه حاضره .

فقره هشتم - روزی که این قرارنامه ممضی شود چهل هزار لیره انگلیسی باسم دولت ایران واصحاب این امتیاز در بانك انگلستان رهن گذاشته خواهدشد هرگاه ازتاریخ این قرارنامه الی پانزده ماه دیگر شروع بکار نشود این مبلغ ضبط خواهد شد مگر اینکه تاخیر شروع کار بحکم اسباب مهمه بواسطه چنان موانعی باشد که از اراده

1— La Ligne avec double voie

2— Voies d,evitement

کمپانی خارج شود ازقبیل جنك و غرق وتعطیل حمل ونقل درممالك خارجه درمقابل قبض حاکم رشت مشعر بر اینکه بقدر کفایت ساختن راه آهن ازرشت الی طهران میلهای آهن واردانزلی شده‌است این‌مبلغ چهل هزار لیره به کمپانی ردخواهدشد .

فقره نهم — کمپانی تعهدمیکند که در تمام مدت این امتیاز از منافع خالص عمل راه‌آهن صد بیست بدولت ایران بدهد .

فقره دهم - برسرانقضای مدت‌این امتیاز که عبارت ازهفتاد سال‌است باید اصحاب این‌امتیاز قبل‌ازوقت در باب‌اینکه تصرف وتمتع این‌راههای آهن دردست ایشان باقی‌بماند وامتداد بیابد بادولت گفتگوبکنند وقراری بگذارند درصورتیکه دراین باب فیمابین دولت واصحاب امتیاز قرارتازه میسر نشود جمیع خطوط راه آهن که بحکم این امتیاز و قرارنامه ساخته شده باشد بامصالح ثابته ودواره خود مال‌دولت علیه ایران خواهد بود .

در باب ابنیه وتوابع خطراه آهن‌رجوع خواهد شد به‌آن قواعدی که‌عموما سایر دول رعایت کرده‌اند وشروط آن‌در این‌باب برای دولت مساعدتر ازهمه‌باشد اصحاب این‌امتیاز در عوض راه‌آهنی که بدولت واگذارند حق مطالبه هیچ تنخواه وهیچ تلافی نخواهند داشت .

فقره یازدهم - دولت‌علیه‌ایران بحکم‌امتیازنامه وقرارنامه حاضره باصحاب این‌امتیار حق مخصوص‌وامتیاز انحصاری وقطعی میدهد که درمدت طول این‌امتیاز درتمام ممالك ایران معادن ذغال‌سنك وآهن ومس‌وسرب و پطرول وغیره‌راوهرمعدن‌دیگر که‌ایشان مناسب بدانند کاربکنند وازآنها تمتع بردارند بغیرازآن معادنی که مالك مردم است وصاحبان آنها در آنهاکار میکنند - درخصوص این‌نوع معادن هرگاه کمپانی بخواهدآنهارا بخردباید باصاحبان آنهابرضای طرفین معامله‌نماید بطور وضوح مقرراست که هیچیك‌ازکارگذاران ومامورین دولتی ومذهبی وهیچیك ازرعایا وتبعه واشخاص نمی‌توانند درخصوص یك‌معدن ادعای حق‌تصرف نمایند مگر در صورتیکه مدت پنج سال قبل علنا و با معرفت و تصدیق عامه در آن معدن کار کرده باشد خارج‌ازاین‌شرط‌است .

هرمعدنی که‌کمپانی پیدا بکند مثل زمین ساده وعادی محسوب خواهد شد و از جانب کمپانی بقیمت متداوله آن ولایت خریده خواهد شد واگر لازم شود دولت صاحب یااصحاب آن زمین را مجبور خواهد کرد که آنرا بقیمت متداوله آن ملك بکمپانی بفروشد دولت معادن طلا و نقره و جواهر را برای خود نگاه میدارد .

از برای کارکردن این‌نوع معادن دولت میتواند باکمپانی قرار دادهای مخصوص بگذارد .

فقره دوازدهم - ازمحصولات خالص هرمعدنی که‌کمپانی بکار بیندازد دولت ایران از منافع خالص‌آن سالی صدوپانزده مرسوم ومقرر خواهدداشت :

فقره سیزدهم - ازبرای کارکردن معادن واتصال‌آنها براههای آهن وترامواى وطرق دیگرهر قدر زمین که لازم میشود از املاك خالصه مجانا بکمپانی داده خواهدشد .

بجهةاین معادن کمپانی بهره یاب‌خواهد شد ازهمان امتیازاتی که در فقره ششم برقرار است وهمچنین محکوم همان تعهدی خواهد بود که در فقره دهم‌معین‌است .

فقره چهاردهم - دولت علیه‌ایران بحکم‌این قرارنامه باصحاب این امتیاز حق مخصوص وامتیاز انحصاری قطعی‌میدهد که درمدت طول‌این امتیاز در جنگلهای تمام ایران کاربکنندواین‌جنگل‌هارابکار بیندازد وازآنها تمتع بردارندواین کارکردن‌وتحصیل تمتع کمپانی در جنگلهای ایران بهرترکیبی که باشد درهر زمینی که تاامضای این قرارنامه زراعت‌نشده‌باشد جائز ومعمول خواهد بود .

در هرجائیکه کمپانی درختهای آنجا رابریده باشد هراراضی که دولت بخواهد بفروشد کمپانی‌قبل‌از همه کس حق‌خواهد داشت که‌آن اراضی را از دولت بقیمت متداوله بخرد دولت ایران از منافع خالص این جنگلهاسالی صدپانزده قسمت خواهد برد .

فقره پانزدهم — دولت علیه ایران باصحاب این امتیاز حق مخصوص وامتیاز انحصاری میدهد که در مدت این امتیاز درتمام مملکت ایران بجهت برگردانیدن رودخانه‌ها ومجاری آنها وساختن بندها و سدها و استخرها وکندن چاههای سیاله ومجراهای مصنوعی وبجهت آوردن آبهائی که دولت برآنها حقی بکسی‌نداده باشد وجاری کردن آن آبهابنقاط مختلفه که خود اصحاب این امتیاز مصلحت‌بدانند وهرعمل وکاری واقدامی که لازم باشد بکنندمجری دارند .

وهیچ صاحب ملکی باعبور این آب‌ها هیچ نوع مخالفتی نکند یابعبور آنها موانع وعوائقی نگذارند وازآن طرف هم بهرصاحب ملکی که عبور این آبها خسارتی وارد بیاورد کمپانی تلافی خواهد کرد.

دولت ایران بجهت کارها وبناهای آب کشی وهرنوع احداثاتی که‌تعلق بآب داشته باشد هرقدر زمین که لازم بشود بکمپانی مجانا خواهد داد وعلاوه براین دولت ایران ازهرطرف جوهائی که ساخته باشد مقدار بیست متر زمین بطول آن جوبها مجاناً بکمپانی‌خواهد داد وهرزمین بایری که کمپانی‌بواسطه‌آبهائیکه آورده شده‌دائر بکند تصرف اختیاری درزراعت‌آن زمین حق کمپانی خواهد بود کمپانی قیمت آبهائی که بخواهد بفروشد باتفاق دولت بارضای‌طرفین معین خواهد کرد .

دولت ایران ازمنافع خالص این آب‌ها سالی صد پانزده قسمت خواهد برد .

فقره شانزدهم — بجهة ساختن راه آهن که امتیاز آن بحکم این قرارنامه به اصحاب این امتیازنامه واگذار شده است وبجهه اجرای اعمالی که مقتضی کارها واقدامات دیگری‌است که در فوق ذکر شده‌است دولت علیه ایران ببارون دروترو‌شر کاء یابو کلاء او اجازه واختیار تام میدهد که بحکم این قرار نامه ابتدا یك‌سرمایه اولیه که عبارت ازصد وپنجاه ملیون فرانق یاشش ملیون لیره انگلیسی باشد برسم حصه‌های شرکت یاسندهای قرض صادرنمایند منفعت‌وقیمت وشروط وطرزصدور این مبلغ‌را خود اصحاب‌این‌امتیازبعد مشخص‌خواهند‌کرد.

فقره هفدهم ـ دولت‌ایران بحکم این‌قرارنامه بجهة هرسرمایه‌که صادر شده باشد یابعد صادرشودسالی صد پنج منفعت وعلاوه برآن صدد وهم بجهة ادای سرمایه بکمپانی ضمانت میکند .

فقره هجدهم — این ضمانت صد هفت بر عهده مداخل معادن وآبها وجنگل‌ها وگمرك های دولت علیه ایران است .

این ضمانت حکمی نخواهد داشت مگر پس ازاتمام خط راه آهن ازبحر خزر الی اصفهان مطابق‌همان طرز وترکیب که دردفتر حمول معین باشد تاآنوقت کمپانی منفعت سالیانه‌را ازروی آن سرمایه اولیه که صادر شده است یاازروی آن سرمایه جدید‌که اجازه واختیار داردکه موافق مصلحت خود صادر نماید بحصه داران ادا خواهدکرد .

فقره نوزدهم ـ دولت علیه ایران بحکم این قرارنامه تعهد میکندکه اجاره گمرك های ایران‌را ازتاریخ ماه مارس سنه ۱۸۷٤ تامدت بیست وپنج سال باصحاب این امتیاز بدهد بجهت اجاره این گمرکها اصحاب این امتیاز مبلغ اجاره حالیه‌را بدولت خواهند داد وعلاوه برآن سالی هم مبلغ پانصد هزار فرانق یابیست هزار لیره انگلیسی باسم اضافه خواهند داد این شرایط ازبرای پنجسال اولی مقرراست ـ ازابتدای سال ششم در عوض این پانصد هزار فرانق مبلغ اضافه ازروی کل منفعت خالص سالی صد شصت بدولت داده خواهد شد بغیر ازقیمت‌اجاره

فقره بیستم — درصورتیکه دولت‌علیه ایران بعدازاین مصمم بشود که امتیاز بانك را یاامتیاز یك‌دستگاه اعتباری‌را ازهرقبیل که باشدبدهد آن امتیاز ازامروز بحکم‌این قرار نامه‌محفوظ ومعهودومخصوص است ازبرای‌این کمپانی که برجمیع اشخاص وکمپانیهای دیگر حق رجحان خواهد داشت .

فقره بیست‌ویکم —ازبرای هرنوع کارها وتلغراف‌ها وآسیاها وکارخانه‌جات آهن آلات وسایر کارخانها وغیره که بعد ازاین امتیازی بخواهند اصحاب این امتیاز حاضره درجمع این‌مواد وامتیازها حق رجحان برجمیع اشخاص وکمپانیهای دیگر خواهند داشت .

فقره بیست‌ودویم ـ اصحاب این امتیاز در هروقت مختار خواهند بودکه کل این حقوقی که بواسطه این امتیازنامه داده شده‌است یایك جزو این حقوق‌را بهرطورکه بخواهند بکمپانی دیگر یا بمشتری دیگر بدهند یا

بفروشند بانعهداتی که کرده‌اند.

فقره بیست وسیم - اصحاب این امتیاز نامه تعهد میکنند که این اعمال را یعنی اعمال معادن وآبها و جنگلهارابااعمال راه آهن باهم‌شروع بکنندوباهراهتمامی که ممکن باشداجرای آنهارا پیش ببرند.

دولت علیه ایران نیز ازطرف خود علاوه برآن عملجات خارجه که کمپانی‌مختار است بمیل خود اجیر نماید هرقدر عمله که کمپانی بجهت اجرای این اعمال مختلفه لازم داشته باشد بقیمت متداوله مملکت ازبرای کمپانی پیدا خواهد کرد.

دولت علیه ایران ازبرای حفظ امنیت هرزمین وهرمحل که‌بجهت هریك ازاین اعمال بکمپانی‌داده‌است وهمچنین از برای اکمال امنیت هریك ازوکلاء و کارگذاران وماموربن و عملجات کمپانی هرقواعدی که لازم باشد اعلام خواهد کرد وهرتدابیری که واجب باشد حکم باجراء آنها خواهد نمود

فقره بیست‌وچهارم - این امتیازنامه بزبان فارسی ترجمه خواهد شد اما در صورت ظهور مشکلات فیما بین طرفین متعهد تین مضمون فرانسه تنها سند خواهد بود.

درطهران بیست وپنج ژولیه سنه ۱۸۷۲عیسوی مطابق هیجده شهرجمادی الاولی سنه ۱۲۸۹ هجری دردو نسخه نوشته شده.

جناب اشرف امجد صدر اعظم‌دولت علیه ایران به‌حکم اختیار نامه تامه که بایشان ازجانب اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ایران داده شده‌است باتفاق جمیع وزرای دولت این قرار نامه را امضاء و تصدیق داشتند واعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی نیز این قرارنامه‌را به امضای همایون خود ممضی وتصدیق فرمودند.

محل مهر «الملك لله السلطان ابن‌السلطان ناصرالدین شاه قاجار».

محل امضاء ناصرالدین شاه «السلطان ناصر الدین شاه قاجار»

محل امهار بترتیب [۱] پاشا خان امین الملك وزیر عدلیه اعظم -حسنعلی خان وزیر فواید عامه - عماد الدوله محمدبن امامقلی میرزای وزیر - میرزا سعید خان وزیر امور خارجه دولت علیه ایران - اعتضادالسلطنه دوستعلی خان نظام‌الدوله وزیر مالیه - حاجی محسن خان وزیر مختار مامور دربار دولت انگلیس - ناصرالملك)

این یك شرحی‌است که بجهت توضیح فقره‌هجدهم باید دردفتر حمول ثبت شود.

بطور صریح مقرر است که حتی درآن وقت اتمام خط راه آهن از رشت الی اصفهان دولت علیه ایران بجهت ادای منافع صد هفت سؤال نخواهد بود اما بر کمپانی لازم خواهدبود که تاآنوقت معادن وآبهاوجنگلها وگمرکها را به حالتی رسانده باشد که اضافهٔ دخل آنها به منفعت آن سرمایهٔ که ضمانت شده مساوی باشد.

درصورتی که اصحاب این امتیاز درآنوقت چنان نتیجه بدست نیاورده باشند ازدولت هیچ مطالبه نخواهند کرد و درادای تنخواهی که بجهت اجاره گمرکها ومبلغ اضافه که درفقره نوزدهم مقرراست هیچ تغییر وتاخیری جایز نخواهند داشت. وبرآنها لازم خواهد بود که منافع مزبوره را ازروی سرمایهٔ اولی بدهند یااینکه بمیل و اختیار خود سرمایه دیگری صادر نمایندباهمانطور ضمانت‌ها که دراین‌امتیازنامه مقرر شده‌است بطور صریح مقرراست که بارون جولیوس روتر بمحض قبول این امتیاز نامه حاضره بدون هیچ استثناء امضاءوتصدیق میکند جمیع آن تعهداتی که مسیو کوت درخصوص این امتیازنامه درطهران برعهده گرفته‌است بتاریخ ۲٤ ماه اغوت سنه ۱۸۷۲

(درذیل متن فرانسه امتیازنامه مسیو کوت نماینده رویتر این عبارت‌را باخط خود نوشته و سپس آنرا امضاء کرده‌است «چون ساوالان خان ادعا میکنند که ازجانب دولت ایران باو بعضی حقوق داده شده است بارون رایتر بی‌آنکه ادعای اورااعتراف نماید تعهد میکند)

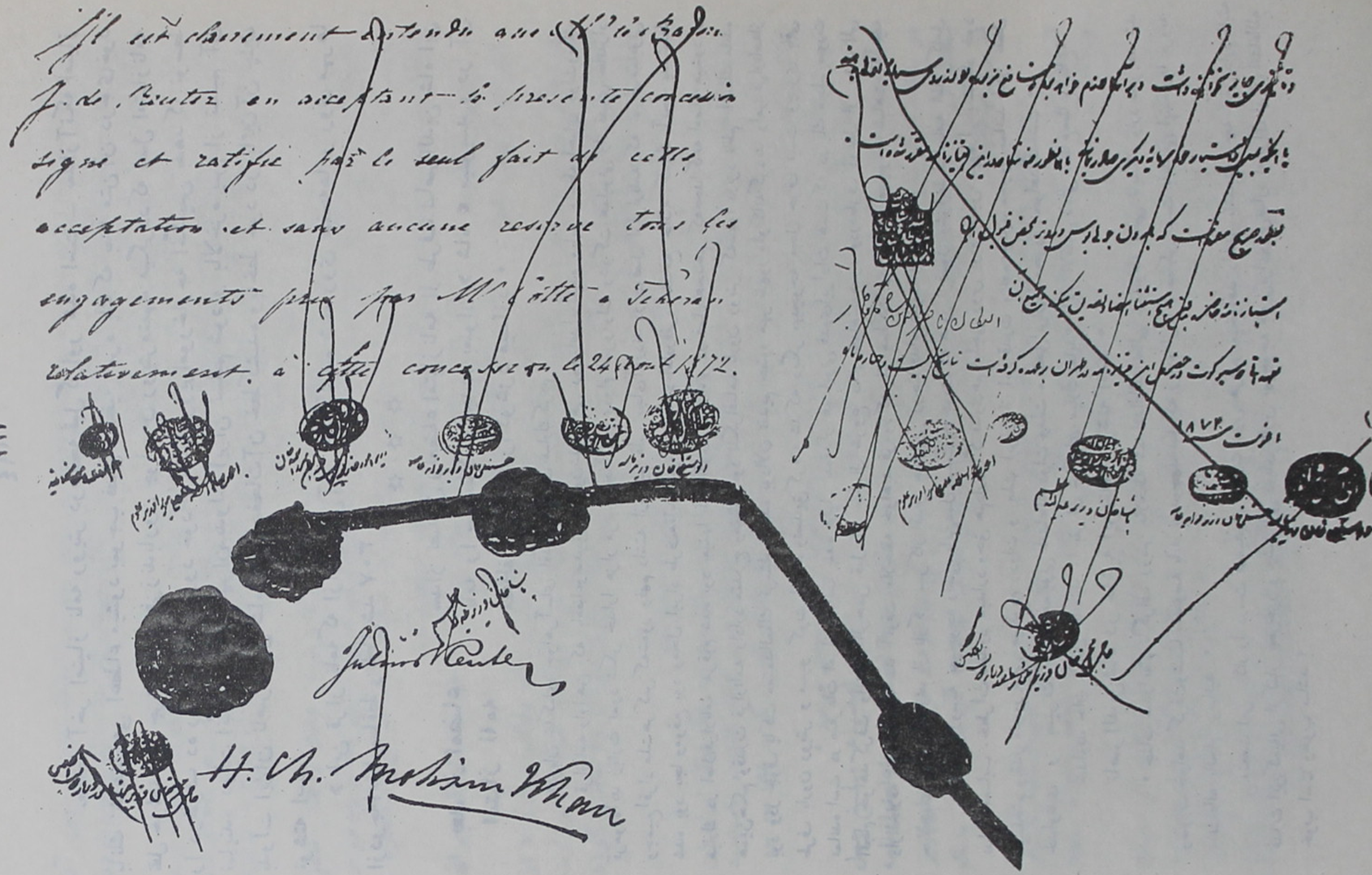
(دراینجا دوباره همان اشخاصی که قبلا مهر کرده‌اند مهر نموده‌اند.)

محل امضاء ومهر ژولیوس رویتر

درذیل متن فرانسه میرزا حسین خان سپهسالار باخط خودنوشته

«هو این نسخه قرار نامه راه آهن بخط فرانسه مطابق‌است بانسخه خط فارسی که بدستخط مبارك همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه‌وسلطانه مشرف وبمهر مبارك ملوکانه مزین‌شده‌است واختلافی ندارد مورخه ۲۷ جمادی الاولی ۱۲۸۹ «محل مهر صدر اعظم»

مجددا اشخاص مزبور مهر کرده‌اند



Il est clairement entendu que M. le Baron J. de Reuter en acceptant la présente concession signée et ratifiée par le seul fait de cette acceptation et sans aucune réserve tous les engagements pris par M. Cotte à Téhéran relativement à cette concession le 24 Aout 1872.

Julius Reuter

H. Ch. Mohsin Khan

صفحه آخر امتیاز نامه رویتر درصفحه قبل گراور شده است - بعداز آنکه امتیاز بانک شاهنشاهی اعطاء میشود بموجب فصل ملحقیه نمره یك که بعداً متن آن درجای خود نقل خواهد شد جرج رویتر فرزند بارون جولیوس رویتر متعهد میگردد که اصل امتیاز نامه را درظرف ده روز پس از ورود خودش بلندن بوزیرامورخارجه انگلیس بدهد که توسط نماینده دولت انگلستان در تهران بدولت ایران تسلیم شود و بالاخره پس از تسلیم آن بدولت ایران ناصرالدین شاه روی صفحات آن خط کشیده و باخط خود در پائین آن چنین نوشته است.

« این قرار نامه که ازاول الی آخر خط کشیده شده روی صفحه‌ها و روی مهرها ازدرجه اعتبار ساقط و باطل شد ۳۰۷ »

☆ ☆ ☆

بعد از امضاء امتیاز نامه

بعداز تصدیق وامضاء امتیازنامه از طرف ناصرالدین شاه این نامه را سپهسالار مجددا بعنوان « شاه » مینویسد و در آن مخالفت روسها راگوشزد میسازد.

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارك گردم.

قرارنامه راه‌آهن که بامضاءوتصدیق همایون‌شاهنشاهی روحنافداه‌رسیده وباین واسطه احیای دولت‌وملك فرموده‌اید زیارت نمود شکر خدارا هزار مرتبه بجاآوردم ودوام عمرودولت وشوکت همایونی را فدوی خانه‌زاد وجمیع افراد ملت‌هرکس که‌شعور وفهم داشته ازصمیم قلب بجای‌آوردند در دوفصل ازقرارنامه که تصرف‌همایونی شده بود بجا وموقع بود ومحل ایراد طرف‌مقابل نمیتواند بشود امادرفقره منافع حالیه گمرك آنچه بدستخط مبارك در اصل‌قرارنامه مرقوم شده بود بعینها بلکه‌قوی وشدیدتر در فصل هجدهم که‌جداگانه امضاء میشود و همین‌حکم وقدرت قرارنامه رادارد مندرج ومنظور بود تلگرافنامه بارون رویتر که‌سهوا درنزد ناظم الملك مانده بود ودر جوف پاکت معتمدالملك فرستاده‌نشده بودالان تقدیم حضور مهر ظهور ملوکانه گردید وامر قرارنامه‌از طرف بارون رویتر و مسیو کوت امضاء وتصدیق گرفته شدکه دیگر بهیچوجه محل حرف نیست وچیزی باقی نمانده است در متفرعات امراز جانب بنده ذلیل بیمقدار همایونی قدری‌ایرادات هست که در یك مجلس صورت انجام خواهد گرفت وانشاءالهالرحمن قبل از یکسال شروع بکار خواهند نمود ودرظرف دوسال از رشت الی دارالخلافه تمام خواهد شد آنوقت ملاحظه خواهید فرمود که یك مملکت ودولتی که بهیچوجه شباهت بآنچه حالاهست ندارد خداوند از تازگی بسرکار اقدس همایونی روحنا فداه عنایت فرموده‌است.

سفارت روسیه بهیچوجه راضی باین‌عمل نیست باوجودی که هنوز ازفصول وشرایط قرارنامه اطلاع کامل ندارد معایب خطرات معدود میدارد وحق هم‌دارد اگرفدوی‌هم ایلچی روس بودم همین شیوه‌را پیشنهاد خود میساختم وبقدر مقدور سعی میکردم دولت و ملت ایران از این قدرت و نفع جدید محروم بمانند لکن تفضل خداوندی و بصیرت کامله همایونی انشاءاله دولت وملت مستحق‌ایران‌را محروم نخواهد گذاشت.

خداوند جان ناقابل خانه‌زاد را بقربان خاکپای مبارك نماید. الامرالاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع»

ناصرالدین‌شاه در حاشیه این نامه نوشته است.

« جناب صدراعظم تلگراف رویتر ملاحظه شد انشاءالله تعالی بهیچوجه نقصی باینکار وارد نخواهد شد وصورت خواهد گرفت وشما بخصوصه باید بجدوجهد تمام که زیاده از آن ممکن نیست باید پی اینکارها بروید وانشاءاله بانجام برسانید.

منفعت این کار را درست فهمیده‌ام سفارت روس هرقدر میخواهد دلخور باشدبشود چه حقی دارد البته قدرت این کمپانی از کنار بحرخزر و رشت الی دریای فارس بهیچوجه خوبی برای‌روس ندارد امابرای ایران انشاءالله خوب است وخوب باشد »

این امتیازنامه‌را ابتدا مستر کوت ازطرف رویتر قبول وامضاء نموده وسپس آن را توسط میرزاملکم‌خان وزیرمختارجدید ایران درانگلستان بلندن‌فرستاده‌اند وخودبارون جولیوس رویتر نیز آنرا تائید کرده است ◦

در موقع امضاء امتیازنامه مستر کوت متعهدمیشود که رویتر اعتباری بمبلغ‌دویست هزار لیره برای ناصرالدین‌شاه تهیه نماید . این پول برای‌پرداخت قسمتی ازهزینه‌های‌شاه وهمراهان باروپا بود که وجه آنرا رویتر باید درشهرهای‌مسکو ــ پطرزبورغ ــ برلن ــ لندن ــ پاریس ــ وین ــ استانبول ورم بپردازد .

وبموجب همین‌تعهد هنگام توقف ناصرالدین‌شاه درلندن قرار دادی درشش فصل بتاریخ ٦ آوریل ۱۸۷۳ بین میرزاملکم خان‌بوکالت ازطرف ناصرالدین شاه و ژولیوس رویتر منعقد میگردد که درشهرهای مزبور پول‌لازم رادر اختیار شاه ایران بگذارد . راجع باین وام در قسمت مربوط باستقراض بازصحبت خواهیم کرد .

رویتر آماده اجراء امتیاز نامه

روز بعداز امضاء امتیاز نامه‌متن آن از طرف مستر کوت‌برای رویتر بلندن مخابره میگردد .

وقتی رویتر از شرایط این امتیاز نامه مطلع میشود « از خوشحالی در پوست خود نمی گنجید» و‌بین‌تلگراف مستر کوت نماینده خود را بوزارت خارجه انگلیس میبرد واز اینکه توانسته باین آسانی سند اسارت ایران را بدست آورد دولت‌انگلستان‌را مطلع‌میکند .

گراهام استوری در کتاب « رویتر دریك قرن » مینویسد .

« این امتیاز جاه طلبانه وتهور آمیز به‌موسسه خبرگزاری رویتر داده نشده بود بلکه دولت ایران این امتیاز رابشخص وی‌اعطا کرده بود . مشارالیه بطور واضحی به‌تقویت مقامات مهمی اتکاء داشت و بامساعدت موثر یکی از شرکاء شرکت (جاردین متی‌سان وکمپانی) (۱) که یك شرکت بزرگی در خاور دور بود بکار پرداخت .

بقدری رویتر بموفقیت خود اطمینان داشت که حتی بفکرایجاد شرکت خاصی هم‌نبود .»

چون مطابق ماده هشتم امتیاز نامه میبایست در موقع امضاء مبلغ چهل هزارلیره بحساب مشترك دولت ایران وصاحب امتیاز بعنوان وجه‌الضمان اجراءامتیازنامه در بانك انگلستان سپرده شود فورا رویتر حساب مشترکی بنام‌خود وحاج محسن‌خان‌وزیر مختار ایران دربانك انگلستان (۲) باز میکند وچهل هزار لیره به آن حساب در بانك مزبور میگذارد .

ونیز چون بموجب همان‌ماده هشت بایستی ۱۵ماه پس‌از تاریخ امتیازنامه بکار شروع کند ــ رویتر ازهمان موقع بدون آنکه فرصت را از دست بدهد مشغول تهیه مقدمات وسائل اجراء مواد امتیازنامه میشود .

بدین منظور به‌همکار صمیمی وقدیمی خودهنری کولینز که قبلا ذکری از او بمیان آمد دستور میدهد که برای استخدام مهندسین و کارشناسان لازم اقدام نموده و خود را آماده عزیمت بایران بنماید ◦ باوجود آن برای اقدام بکارهای اساسی میبایست رویتر منتظر شود تامیرزا ملکم خان که بجای میرزا محسن خان بسمت وزیر مختاری ایران

1-Jardine Matheson and Co. 2— Bank of England

در انگلستان تعیین شده بود امتیاز نامه را بلندن ببرد و بعداز تسلیم آن به رویتر قرارحمل اسباب ولوازم مورد احتیاج را بااوبدهد - گراهام استوری مینویسد.

«مع الوصف شروع کار واقعی راه آهن بدون موافقت بین دولت ایران وبارون رویتر درباره دفاتر حساب وتجویز خرید مواد مورد نیاز امکان ناپذیر بود.

شاه دراین موقع عقیده داشت که قبض واقباض این سند باید وضع مناسبی داشته باشد واصرار میکرد که وزیر مختارجدیدوی درانگلستان ملکم خان دفاتر را باخود بیاورد وشخصاً به رویتر تسلیم نماید.

باضرب الاجل رسمی شروع کارراه آهن که شش ماه آن منقضی شده بود در این هنگام وقت ، امرحیاتی بود نظر باینکه وزیر مختار جدید در بهار سال ۱۸۷۰ بسمت مغرب حرکت میکرد رویتر بانمایندگان او وزیر مختار رادروین وبران وبروکسل وپاریس وبالاخره لندن ملاقات واحاطه کردند.

هنگامی که عاقبت رویترموافقت وزیرمختار را در مورد دفاتر جلب کرد معلوم شدکه وضع نا مناسبی بمیان آمده است.

چنین بنظر میرسید که ملکم خان یک ربع امتیاز اصلی رادرحق خود محفوظ داشته بود که البته می توانست بروسها یادیگران واگذار نماید.

این امر برای بارون رویتر به بیست هزار لیره وتعهدی دایر برپرداخت سهمیه‌ای در کلیه منافع آینده تمام شدتاتوانست مالکیت امتیازنامه خودرا بدست آورد.»

برای اجراء امتیاز نامه کارعمده که البته رویترهم ازابتدا هیچوقت از آن غافل نمی شد جلب موافقت وپشتیبانی کامل دولت انگلستان بود زیرارویتر میدانست که اجراء این امتیاز نامه بامخالفت شدید روسیه روبروخواهد شد وتادولت انگلیس ازاو کاملا حمایت و پشتیبانی نکند باجراء آن موفق نخواهد گردید.

گراهام استوری راجع باین موضوع مینویسد

«در عین حالی که رویتر مقدمات وسائل اجراء امتیازنامه رافراهم میکرد افکاروی متوجه مسئله دیگری بود. گذشته ازآنکه درنتیجهٔ آشنائی مردم ایران بتمدن غرب وترقی سطح زندگی مردم آن بازار فروشی برای امتعه‌های انگلیسی درآن کشورپیدا میشود این موضوع منافع سوق الجیشی فوق العاده‌ای برای دولت بریتانیاخواهدداشت.

اوفکر میکرد که ارتباط ایران باهندوستان بوسیله ایجاد راه آهن سرتاسری ایران مسئله‌ایست که عموماً باآن نظرموافقت داشته‌اند بعلاوه بااین ترتیب همانطور که درنامه خوددرماه سپتامبر ۱۸۷۲ بهلرد گرانویل وزیرخارجه کابینه گلادستون نوشته بواسطه این راه آهن وپیشروی بطرف دریای خزر از پیشرفتهای روسیه جلوگیری بعمل خواهد آمد.

بانوشتن این نامه رویتر امیدوار بود که لااقل دولت بریتانیا معناً ازاوحمایت خواهد کرد»

در نامه مزبور رویتر مینویسد « من مایلم که باین کشور خوانده خودم (انگلستان) خدمت کنم وخدمات من صرفاً تحت توجهات دولت بریتانیا صورت خواهد گرفت و اقداماتی که در این مورد مینمایم از نقطه نظر علاقه‌ایست که شخصاً در این مورددارم وازدولت علیا حضرت ملکه کمك مالی نمیخواهم ولی در عین حال بایستی مطمئن باشم که چنانچه اشکالاتی بین من ودولت ایران پیداشود دولت علیاحضرت ملکه با پذیرش طرح ونقشه کارهای من حقوق مرا بعنوان یك تبعه بریتانیا تاآنجاکه درقدرت دولت باشدمحفوظ بدارد »

امانظریات رویتروقضاوت اودرباره اموسیاسی مسلم نبود ودولت گلادستون بیم داشت ازاینکه خودرا دراجراء نقشه رویتر متعهد بنماید وبرای انجام آن ازخزانه دولت وجوهی مصرف کند. ازطرف دیگر وزارت هندوستان در عین آنکه پروژه ونقشه رویتررا نمی پسندید جداآنرا مورد انتقادهم قرارداده بود زیرابموجب اظهارات متخصصین و کارشناسان، ایران «بی قابلیت وحتی دراقتباس وپذیرفتن عادت اروپائی مبنی برطرز تفکرزنده یاحس اخلاق ازترکیه نیز ناتوان تراست»

بعبارت دیگر ایرانیها بنحوتغییر ناپذیری محکوم بفنا میباشند وحتی اشاره‌ای که در پروژه رویترراجع

بجلوگیری ازپیشرفت روسهاشده بود مسموع واقع نشد
جواب وزارت امورخارجه ماه‌بعد رسیدوزارت امورخارجه نوشته‌بود که البته دولت علیا حضرت ملکه
«اقدامات دولت‌شاه‌را جهت ازدیاد منابع‌ایران ازطریق افزایش راه‌آهن‌وطرق‌شوسه بارضایت تلقی می‌نماید » اما
«دولت علیاحضرت ملکه‌نمیتواند رسماخودرا ملزم به‌حفظ منافع‌شما که ناشی ازاجرا، تعهداتی‌است که در قبال
آن دولت دارید بداند»
این موضوع صحیح بود ودر عین‌حال یاس‌آور ......»

ناصرالدین شاه باروپا میرود و امتیاز نامه‌منتشر میشود

ناصرالدین‌شاه تقریبا دهماه بعدازتاریخ امتیازنامه یعنی در۲۱ صفر ۱۲۹۰ هجری‌قمری برای‌اولین بارعازم اروپا میشود قبل از حرکت « شاه » میرزاملکم‌خان ناظم‌الدوله راگویا به‌پاس خدمات مهمی که در تهیه وتنظیم امتیازنامه رویتر انجام‌داده بود با سمت وزیر مختاری بلندن میفرستند تاضمن تسلیم امتیازنامه برویتر و قرار اجراء آن مقدمات‌پذیرائی شاه‌را اهم درانگلستان فراهم کند .

مسافرت ناصرالدین قریب پنجماه بطول‌انجامید ودراین مدت‌کشورهای روسیه و آلمان‌وبلژیك وفرانسه وانگلستان رادیدن کردودرتاریخ ۱۴رجب ۱۲۹۰ بایران بازگشت.

میرزا حسین‌خان سپهسالار صدر اعظم وعده دیگری از رجال دولت ایران دراین سفر همراه «شاه» بودند.

ناصرالدین شاه میل‌داشت انیس‌الدوله سوگلی حرم‌خود وچندنفراز زنان دیگرهم در همه‌جا همراه اوباشند وتاروسیه هم‌آنهارا باخود بردولی ظاهرا در آنجا مناسب می بینند که‌ادامه سفرانیس‌الدوله‌وزنان«حرمسرا» صلاح‌نیست وآنها رابایران بازمیگردانند.

انیس‌الدوله که درناصرالدین‌شاه نفوذفوق‌العاده‌ای داشت این نظرو تصمیم را از ناحیه سپهسالار می‌داند وازهمانموقع کینه اورا دردل‌می گیرد .

در غیاب ناصرالدین‌شاه فرهاد میرزا معتمدالدوله باعنوان نیابت سلطنت عهده‌دار انجام امور کشور میشودوبرتق وفتق کارها می‌پردازد .

در موقعی که ناصرالدین شاه در انگلستان بود رویتر کوشش می کردکه خود را بااو نزدیك سازد مخصوصا که احساس می کرد ناصرالدین‌شاه آن‌شوق وذوقی راکه دراول مرحله داشت دیگرندارد وهمچنین میدانست که دولت روسیه جدا با اجراء این امتیازنامه مخالف‌است ودولت انگلستان هم‌مایل نیست بواسطه‌حمایت ازوی‌با روسیه بمبارزه برخیزد گراهام استوری می نویسد .

«در ضمن این‌مدت‌رویتر مساعی بسیاربعمل می‌آورد که روابط‌خود وشاه‌را براساس‌شخصی و مفید تری‌بر قرار سازد برای جلوگیری ازاشکالات ارزی ورستن ازدشواری‌حمل‌ونقل مسکوکات سنگین وزن ایرانی وی مبلغ بیست‌هزار لیره جهت‌ساختن ترن‌سلطنتی که بایست‌در پایتخت‌های اروپائی فراهم‌می‌آمد بشاه‌وام‌داد.هنگامی که‌در ازاء قرضه‌دیگری رویترسعی کرد تضمینات معین دیگری درمورد امتیاز خود تحصیل نماید شاه مودبانه عرضه اورا ردکرد .»

ناصرالدینشاه حتی‌در مجلس‌ضیافتی که ژولیوس‌رویتر بافتخاراو درلندن تهیه‌دیده بود نرفت‌وباآنکه‌ولیعهدانگلیس‌را هم‌واسطه قرار داد باصرار وابرام اوترتیب اثرنداد.

باآنکه روسها ازهمانموقعی که صحبت‌اعطای این‌امتیاز برویتر بود از جریان آن

کاملا اطلاع داشتند معهذا دولت ایران و نماینده رویتر سعی زیادی در مکتوم داشتن آن بکار بردند.

هنگامیکه ناصرالدین شاه در انگلستان بسر میبرد رویتر موقع را مناسب دانسته ومتن امتیاز نامه را در روزنامه ها منتشر می کند.

گراهام استوری مینویسد.

«موقعی که سفر پیروزمندانه شاه مشارالیه را بانگلستان کشیده بود ووسائل پذیرائی شاهانه وی نقل محافل لندن بود خبر امتیاز بارون رویتر منتشر گردید. وقت خوبی انتخاب شده بود.

مردم انگلیس باشوق وشعف از آن استقبال کردند وخرسند بودند که رشته های ارتباط تازه ای بین این شاه مستبد شرقی وایشان ایجاد میگردد.

میان جراید فقط مزاح مقفای روزنامه «پانچ» اثری از شك وتردید داشت (۱)

«رویتر رابیا - دلمان میخواهد بجای رویتر بی عرضه رویتر خان بشود.

و بنك اوبتوزین آب خلیج پرداخته که از ابتدای حکومت قاجار آن بآن وسیع تر شده است.

واکنون میان طبیعت خشك شده ومردسر گردان جریان طلا - (بخاطر نادرشاهی که رفت) دو باره بحداعلای خود رسیده است»

مع الوصف پارلمان نگران بود.

در مجلس عوام ناطقین شرافت وهوش و«اصول کاملا انگلیسی» بارون رویتر راتائید میکردند لیکن درمورد اختیاراتی که طبق این امتیاز بوی اعطا شده بود کلمات فوق العاده وخطرناك را بکار میبردند.

روبرت لاو (۲) وزیر دارائی به ترتیب اداری معمول بایشان جواب میداد که «مادراین امر هیچ نفعی نداریم» در مجلس اعیان هنگامی که از لرد گرانویل (۳) وزیر خارجه سئوال کردند آیا امتیاز بنفع ایران ومطابق سیاست انگلستان هست یانه ؟ مشارالیه بهمین اکتفا کرد که اعلام کند چنین امتیازنامه موجود است. در این مجلس نیز نمایندگان این خبر را با کلمه خطرناك استقبال کردند»

وقتی خبر امتیازنامه رویتر در روزنامه های ممالك اروپا منتشر گشت بقول لرد کرزن «بهت وحیرت خارق العاده ای بمردم اروپا دست داد.

هیچ کس فکر نمیکرد که یك چنین امتیازی بااین شرایط بیك بیگانه داده شود امتیازنامه ای که ایران را دربست بانگلیس ها واگذار مینمود وآنها میتوانستند تامدت هفتاد سال کلیه منابع حیاتی کشور را تحت اختیار وسلطه خود گرفته آنرا بصورت یك مستعمره انگلیسی در آورند، مستعمره ایکه بدون جنك وخون ریزی وبدون رنج و زحمت و فقط بادادن چند لیره رشوه به هیئت حاکمه ایران بدست آمده بود.

شاید هم بقول ساده لوحان کسانیکه این امتیازرا بانگلیس ها داده اند هدف و منظورشان آبادانی ایران واستخراج معادن و ایجاد راههای مختلف دراین کشور بوده است وفکر میکرده اند انگلیس ها بخاطر آنها یا بواسطه زرنگی وسیاست آنان بانجام چنین نقشه ای مبادرت میورزیده اند دراینصورت آیا نباید بپرسیم برملت بدبخت ایران چه مردان نادان و بی اطلاعی حکومت میکرده اند وآیا تاریخ این اشخاص را میتواند بیگناه بخواند ؟

۱- روزفکاهی «پانچ» Punch ازروزنامه های معروف انگلستان است که ازاوضاع سیاسی ومسائل روز در لفافه کنایه واشاره انتقاد میکند- بفارسی درآوردن عباراتی را که راجع برویتر نوشته خالی ازاشکال نمی باشد ونمیتواند منظور نویسنده آنرا برساند

2—Robert Lowe

3— Lord Granville

سرهنری راولینسون انگلیسی مینویسد .

« وقتیکه این امتیاز بطبع رسید و در دنیا منتشر گشت و دیده شد که دارای این مزایای بیشماراست و تمام منابع ثروتی وصنعتی وفلاحتی سرتاسر ایران بدست انگلیسها افتاده است هیچکس قادر نبود این موضوع را پیش بینی کند که روزی یک چنین امتیاز مهمی بدست یکی از اتباع دولت انگلیس بیفتد - علاوه بر تمام خطوط راه آهن ایران و ترموای که انحصار آن تا هفتاد سال ببارون رویتر واگذار شده بود تمام معادن ایران نیز جز معادن طلا ونقره وسنگهای قیمتی دراختیار صاحب امتیار قرار میگرفت بعلاوه گمرکات وآبیاری اراضی و احداث قنوات وکانالها برویتر واگذار گردیده بود ».

انگلیسی دیگر یعنی لرد کرزن مینویسد .

« یک چنین امتیاز عظیم وبی سابقه یک بخشش نامه بود ازطرف کشورایران وباید اعتراف کرد که اگر بریتانیا توانسته بوداین بازی را به آخر برساند نه تنها شاه ایران مات شده بود بلکه تزار روسیه هم بجای خود میخکوب میشد .»

خود ناصرالدین شاه و سپهسالار نیز بعدها که بمعایب ومضار امتیازنامه پی بردند همیشه اعطای آنرا از بزرگترین اشتباهات خویش میشمردند .

درمدتی که ناصرالدین شاه در اروپا بسرمیبرد در خارج وداخل ایران حوادثی روی میدهد که « شاه » و « صدر اعظم » ایران کم کم باشتباه خود در مورد اعطای امتیاز رویتر پی میبرند و نظرشان نسبت بآن تغییر میکند و بالاخره تصمیم بلغو امتیاز نامه میگیرند .

از جمله این حوادث یکی مخالفت شدید روسیه ودیگر مخالفت بعضی از رجال و روحانیون ایران بود .

مخالفت روسها بعداز آنکه ناصرالدین شاه درماه صفر ۱۲۹۰ بقصد گردش اروپا تهران را ترک میکند باتفاق سپهسالار در ۲۴ ربیع الاول ۱۲۹۰ وارد پطرزبورغ میشود و باالکساندر دوم امپراطور روس وپرنس گورچاکوف صدراعظم روسیه ملاقات مینماید .

برخورد « شاه ایران » وامپراطور روس چندان گرم نبود ودرملاقاتها امپراطور روسیه عدم رضایت خود را از تمایلی که دولت ایران بانگلستان ابراز داشته بود واقداماتی که برای بسط نفوذ انگلیسها مخصوصاً بااعطای امتیاز رویتر بعمل میآمد اظهار میدارد.

البته روسها ازهمان هنگامیکه صحبت اعطای امتیاز رویتر بمیان آمد مخالفت خود را با آن آشکار کردند زیرا آنها نمیتوانستند به بینند ایران بدست انگلیسها افتاده و نفوذ آن دولت تاپشت دروازه‌های روسیه استقرار پیدا کرده است . و سپهسالار نیز در نامه ایکه بناصرالدین شاه نوشت وقبلا آنرا نقل کردم باین موضوع اشاره کرده بود ولی ناصرالدین شاه ذیل آن نوشته است « منفعت اینکاررا درست فهمیده ام سفارت روس هرقدر میخواهد دلخور باشد بشود چه حقی دارد.»

میرزا حسینخان سپهسالار درنامه ایکه بعدها به ساعدالملک - وزیرمختار ایران در پطرزبورغ - درتاریخ ۲۲ جمادی الثانی ۱۲۹۱ هجری راجع بشرایط سخت پیشنهادی ژنرال فالکن - هاگن روسی درباره راه آهن نوشته و باو دستور مذاکره باوزیر امور خارجه روسیه راداده - این موضوع میسد جریان ملاقات و مذاکره ناصرالدین شاه و خود را

با پرنس کورچاکوف صدر اعظم روسیه راجع بامتیازنامه رویتر اینطور شرح داده .

«..... شما باید خالی از اطلاع نباشید روزی که سرکار اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه وسلطانه بوزارت امور خارجه امپراطوری بافتخار پرنس مشارالیه تشریف بردند کنیاز قارچاقوف مبادرة به‌ترجمانی خود من از قرارنامه منعقده بارون رویتر شکایت نمود واورامخل شان واستقلال دولت علیه شمرد سرکار اقدس همایون روحناه فداه فرمودند بهرطور بوده است حالاقرارنامه امضاءشده ما در دست مومی الیه است ! اگراز عهده مواعید و تعهدات خود برآید که کاری است گذشته وچاره ندارد اگراندك غفلت وقصور ازجانب اوبعمل آید درآتیه بهیچوجه مساعدة وموافقتی باو نخواهیم فرمود واین قرارنامه رالغو وباطل خواهیم کرد لکن شما میدانید که درعصر حاضر امورات دول بقدری ترقی نموده است که دولت ایران بدون راه آهن نمی تواند زیست نمود آنوقت لا بدیم که با کمپانی دیگر قراری بگذاریم برشماست که درآن صورت بمامعاونت نمائید پرنس مشارالیه درجواب گفتند ماهم سعی مینمائیم که کومپانی معتبری بجهت شما پیدا کنیم مجلس همینقدر ختم شد پس ازآن مذاکره سرکار اقدس شاهنشاهی بقدری بوعده ملوکانه خودوفافرمودند که بارون رویتر در ایام مسافرت همایونی بلندن مورد هیچگونه تلطف ومساعدت نشد سهل است انواع بی اعتنائی دید ومبالغ گزافی خرج نموده وتهیه وتدارك مجلس بالی دیده بود و ولیعهد دولت انگلیس راواسطه خودقرار داد که ولینعمت همایون اجابت استدعای او را فرموده بمجلس بال تشریف ببرند محض همان وعده که به پرنس مشارالیه داده بودند قبول نفرموده واودر شهرلندن خجل وسرشکسته شد ......»

گراهام استوری راجع بمخالفت روسها مینویسد .

آن عده ازمردم انگلیس که از روسها وحشت داشتند همواره آماده بودند که هرگونه شکستی راکه متوجه یك موسسه انگلیسی در راه هند میشد نتیجه دسیسه روسها بدانند وشاه نیزشهرتی بهم زده بود که روسها و انگلیسها را بجان یکدیگر میاندازد و ازآب گل آلود ماهی میگیرد . امادراین مورد فشار روسیه به شاه ایران مسلم بود سفیر کبیر انگلیس درروسیه گزارش داده بود که شاه ازپذیرائی خود درسن پطرز بورغ ودرمدت سفر اروپا بسیارخرسند وخوشنود شده بود .سعی بعدی سفارت روسیه درتهران برای تحصیل امتیاز جدیدی جهت یك شرکت روسی بطور کافی خوشنودی شاه را میرساند .

صرف نظر از این قسمت پرنس کرچاکف صدر اعظم تزار بعداً در ملاقاتی که در دهکده انترلاکن (سویس) باروبتر کرد اعتراف نمود که ازامتیازنامه شدیداً نزد تزار تکذیب کرده بوده وبهیچوجه محتمل بنظر نمیاید که این تکذیب بگوش شاه نرسیده باشد .بعدها درنوامبر ۱۸۷۴ وزیرمختار ایران صریحا نزدلرد تنتردن (۱) معاون دائمی وزارت امور خارجه انگلیس اعتراف کرد که اصرار روسیه موجب لغو امتیازنامه شده بود. برای روسها وجود هرگونه منافع انگلیس درساحل بحر خزر یعنی دریای مسدود روسیه وحشت آور بود ونمیتوانستند تصور کنند که امتیاز روبتر تاکنون ازپشتیبانی دولت انگلیس برخوردار نبوده است .»

ظاهراً انگلیس‌ها درابتداامتیاز نامه رویتر را وسیله‌ای برای نزدیك شدن باروسها قرارداده بودندومیخواستند مقدمات انعقاد قراردادی راکه بعدهابنام « قرارداد کورچاکف وگرانویل » معروف شد تهیه نمایند .

درآنوقت درمرکز اروپااتحاد مثلثی ازروسیه واطریش وآلمان تشکیل میگردید وازطرف دیگر روسیه درنواحی ترکستان وسرحدات افغانستان به پیشروی خود ادامه میداد وامنیت هندوستانرا بمخاطره انداخته بود .

انگلیسها برای جلوگیری ازدست اندازی روسها درآسیا مشغول اقداماتی شدند تاازممالك ایران وعثمانی وافغانستان جبهه متحدی برای تهدید دولت روسیه ایجاد نمایند قرار داد کورچاکف وگرانویل شش هفت ماه بعد ازامضای امتیاز نامه رویتر در

1- Lord Tenterden

فوریه سال ۱۸۷۳ بین روسیه وانگلیس منعقدگردید و بموجب آن افغانستان از منطقه نفوذ روسیه خارج شد. هرچند اعتباراین قرار دادچند ماه بیشتر طول نکشید ولی تحصیل امتیاز رویتر وبردن ناصر الدین شاه بانگلستان برای تحریك روسها واظهار تمایل آنها درانعقاد آن وسیله مؤثری بود.

ناصر الدین شاه بعد ازلغو امتیاز رویتر همیشه بروسها میگفت که این عمل فقط بواسطه قولی بود که درپطرزبورغ بصدراعظم روسیه‌داده وباخط خوددرنامه‌ای به میرزا حسین خان سپهسالار اینطور نوشته‌است.

«مشیر الدوله — این دستخطرا درحضور وزیر مختار بخانید(کذا) وسواد این دستخطرا بدهید وزیر مختار اصل این دستخطرا پاره کنید به پرنس کرچکوف تلگراف شود از جانب وزیر مختار روسیه ازقول مادر فقره راه آهن که درپطرز بورغ گفتگو شد وبشما وعده دادم که قرارنامه‌را باکمپانی امتداد نمیدهم بوعده خودوفا کرده بعلاوه آن درصدد ابطال آن هستم .

وعده هائی هم که شما از جانب امپراطور در ازدیاد دوستی دولتین ایران وروس بما دادید فراموش نخواهید کرد .»

عین این‌نامه درصفحه قبل گراورشده است

ودرنامه دیگر نوشته

«جناب مشیر الدوله

درفقره راه آهن باید ملتفت صحبت‌های پطرزبورغ باقرچکوف‌را باشید که چه تحاشی داشت ازاینکار ووعده صریح باو داده شد که ما اینکاررا Prolonger نمیکنیم اگر خلاف آن وعده بشود دولت روسیه‌از ایران و ازما بسیار رنجش حاصل خواهد کرد و رنجش روسیه چقدرها ضرر بایران دارد از همه عمده تر رنجش‌روسیه است.»

عین این نامه درصفحه قبل گراورشده است

مخالفت بعضی از رجال وعلماء

درمدتی که ناصرالدین شاه در«فرنگستان» بودعده‌ای ازرجال وعلماء موقع‌رامغتنم‌شمرده‌وامتیاز نامه رویتررا «پیراهن عثمان» کردند و آنرا وسیله‌ای بـرای عـزل میرزا حسین خان سپهسالار قرار دادند.

درشرح زندگانی‌سپهسالار گفتیم که‌وقتی او بصدارت ایران رسید چون سایررجال را در کارها دخالت نمیداد وهمچنین مانع ترقی وپاسوء استفاده دیگران بود عده‌زیادی درگوشه و کنار باوی دشمن شدند.

دراین موقع فعالیت مخالفین بتحریك روسها زیاد میشد ونامه‌های زیادی‌مینویسند ومردم‌را مجبور بمهر آنهامینمایند وخلاصه جریان‌را برای ناصرالدین‌شاه باروپاتلگراف میکنند که تمام‌مردم ایران علیه میرزا حسین خان‌سپهسالار که میخواهد درایران راه‌آهن بکشد و «کفارفرنك» رابایران‌بیاورد قیام کرده اندوبایداین‌شخص ازصدارت‌عزل‌شود.

محرکین مردم ومخالفین عمده‌عبارت‌بودند ازانیس الدوله سوگلی حرم‌ناصرالدین شاه که بواسطه ممانعت سپهسالار ازادامه مسافرت او باروپا باوی دشمن گردیده بود و سردسته رجال مخالف فرهاد میرزا معتمدالدوله که درغیاب «شاه» نیابت سلطنت رابر عهده داشت وسلسله جنبان علماء حاج ملاعلی کنی (۱) را باید نام برد.

(۱ مرحوم حاج‌ملاعلی کنی‌درسال ۱۲۲۰ هجری قمری درقریه کن ازقرای‌حومه غربی طهران متولدشد وپس ازتحصیلات ابتدائی درسن بیست‌سالگی به عتبات رفت ونزد سیدابراهیم موسوی قزوینی صاحب کتاب‌ضوابط الاصول وشیخ محمد حسن نجفی صاحب کتاب جواهرالکلام به تحصیل فقه واصول پرداخت.

درسال ۱۲۴۴ براثر بروز طاعون درعراق‌عرب مدتی‌درمهاجرت ومسافرت بود تابار دیگر بعتبات برگشت وبه تکمیل معلومات پرداخت وپس‌ازنیل بدرجه اجتهاد بعزم زیارت حضرت رضاودیدار پدر بایران آمد ودرطهران اقامت گزید.

تالیفات مرحوم حاج ملاعلی کنی عبارت است ازرساله در موضوع اوامر ونواهی و مفاهیم واستصحاب وکتاب‌تحقیق الدلائل فی‌شرح تلخیص المسائل وکتاب توضیح‌المقال درعلم رجال.

حاج ملاعلی‌کنی ازاواسط سلطنت ناصرالدین شاه درطهران بواسطه توجه مردم باو نفوذ فوق‌العاده‌ای پیدا نمود وناصرالدین شاه ازوی ملاحظات بسیار میکرد ورعب وهراسی فراوان داشت

درکتاب المآثروالاثار راجع بمرحوم حاج ملاعلی کنی‌مینویسد.

«...... اهل دیوان وی‌را رئیس المجتهدین مینوشتند وحق تعالی آن عالم عامل وفقیه کامل‌را بفرط ثروت وطول عمر ونفاذ امر اختصاص بخشیده بود اکثر علماء ورؤساء طهران بتربیت وترویج او اعتبار یافتند و بمدارج ومقامات رسیدند جمعی از معاصرین درحق وی گستاخی میکردند وبی‌باکی میورزیدند که اورا مالا و حالا هرگونه قدرت مزید ترویج شریعت وخدمت ملت بروجه کامل حاصل است ومع ذالك همی جز جم اموال وجمع املاك ندارد ....» فوت حاج ملا علی کنی درروزپنجشنبه ۲۷ محرم سال ۱۳۰۶ هجری قمری‌اتفاق افتاد ودرحضرت عبدالعظیم‌مدفون گشت سنش قریب ۸۶ سال بود

خود سپهسالار علل مخالفت این اشخاص را در نامه‌ای که بناصرالدین‌شاه نوشته و متن آنرا درصفحه ۴۳ نقل کرده‌ام تا اندازه‌ای شرح میدهد.

بهرحال قبلا دیدیم پس از آنکه «شاه» و «صدراعظم» از اروپا با ساعات بازمیکردند بواسطه پافشاری مخالفین و تقاضای عزل صدراعظم - ناصرالدین شاه درماه رجب ۱۲۹۰ سپهسالار را درانزلی ازصدارت عزل وخود بتهران میآید.

تقریباً یك هفته بعد ازورود ناصرالدین شاه بخاك ایران حاج ملاعلی کنی مجتهد متنفذ تهران نامه‌ای مبنی برمخالفت بالامتیاز نامه‌رویتر وملکم دلال وواسطه آن بناصرالدین شاه مینویسد که متن آن دراینجا نقل میگردد.

این نامه که تلویحاً درآن به میرزا حسین خان سپهسالار حمله شده باعث عزل‌او ازصدارت وماندن دررشت شد و ناصرالدین‌شاه که معجلاتنها بتهران مراجعت میکند تصمیم میگیرد که امتیاز نامه‌را لغو نماید.

بسم الله الرحمن الرحیم

درحال ادای تشکرات وافره براجابت دعوات متکاثره داعیان وعموم اهل ایران سلامتی ذات اقدس شاهنشاه اسلام واسلامیان پناه ازسفر فرنگستان بشرف عرض اقدس ارفع همایون اعلی میرساند.

ازآنجائیکه عقیده جمیع اهل اسلام این‌است که حضرت ختمی مرتبت پس ازریاضات کافه چهل ساله مبعوث بجهة قاطبه عباد وانتظام بلاد ورفع هرگونه خلل وفساد شدند لهذا مصدر و مظهر مقامات علم وسلطنت و اجراء قوانین واحکام متعلقه بدنیا وآخرت بودند وازجانب خداوند متعال ابلاغ رسوم وقواعد وتهذیب وتکمیل نفوس بریاضات وعبادات ونظم ابواب معاملات ومعاشرات وحفظ نفوس واعراض و اموال بحدود سیاسیات مجاهدت فرمودند فجزاءالله عن جمیع الجزاء وبعد از خود همه مقامات را تفویض وصی ونائب خود فرمود الی حضرت حجة عجل‌الله فرجه که دارای جمیع مقامات هستند درازمنه غیاب آن حضرت خداوند متعال برای هرمنصب ومقامی ازمقامات آن جناب نائب ومظهری مقرر فرمودند علمای اعلام‌را نایب ومظهر علم وتکمیل نفوس وتطهیر اموال وانصاب مقرر فرمودند که بیان طریق آنهارا ازمعاملات ومناکحات وغیر ذلك بفرمایند و سلاطین اسلام‌را در هرعصری ازاعصارمصدر ومظهرتنظیم اموربعادورفع تقلب متقلبین وامنیت طرق وبلاد مقرر داشتند تاایادی‌اقویا ازسر ضعفا کوتاه فرمایند وساکن بلاد اسلام‌را از ...... ویابطریق خدعه وتدویر مخفی ازانظار محفوظ دارند ازبیان‌این مقدمه مختصر که شرح وجوه ونکات وموبدات آن را دربن ساعت نمیتوانم واضح ولایح میشود اینکه بهیچ‌وجه دولت وملت‌را ازیکدیگر جدا نمیتوان نمود چه فی‌الحقیقه هردو یکی و ازجانب یکی میباشند اگر چه کافل وحامل هرمقامی متعدد باشند درمعنی باریست که هریك بقدر قوه خود کناری‌ازآن بار راگرفته بمنزل میکشند ومی‌برند پس ازاختصار این مقدمه مرقومه اگر باعث حصول کلال و عروض غباری برخاطر مبارك نباشد عرض میشود اگر علمای اعلام درمسائل دولتیه اختلالی‌خدای نخواسته مشاهده فرمایند وبخاکپای مبارك برحسب رضای آقا مخدوم عرض کنند فضولی نکرده بلکه فضول باید کسی باشد که این را فضولی بنامد برعلماء و غیر علماء لازم‌است عرض کنند پسند خاطر مبارك بشود یانشود درمقام اصلاح آن برآیند یانیایند.

بناء علی ذالك همه ما دعاگویان بلکه عموم اهل ایمان عرض میکنیم که شخص میرزا ملکم خان را ما دشمن دین ودولت دانسته‌ایم وبهیچ وجه صلاحیت وکالت ازدولت وسلطنت وانتظام ملك ومملکت ندارد که بخطاب ولقب ناظم‌الملکی مخاطب وملقب باشد وهرکس باعث این امر شده‌است خیانت کلی بدین ودولت

نموده است که چنین دشمن جانی را مداخله در کارهای بزرك دولت داده‌است .

مدت زمانی نگذشته که دردارالخلافه ابراز شعبده‌های زیاد نموده ومجلس فراموشی ترتیب داده بود وباین تذوبر وشعبده درخیال تصاحب ملك ودولت واضمحلال مذهب وملت بود و الزام مواسات وبك جهتی وهم عهدی که هریك درپای دیگری در مقام تمام مال وجان بایستد وتایکی آوازی برآورد همه حاضر و ناظر باشند ودروقت اجراء شروط وفرصت وجمیع اسباب نهضت وحرکت همگی یکدفعه حمله ورشوند وبرغیر هرکه باشد بتازند وهرچه بخواهند بگیرند وببرند گویا ازخاطر مبارك نرفته باشد حاصل گذارشات فراموشخانه ونتیجه محتماه بلکه مطمئنه آنرا وقتی بخاکپای مبارك معروض داشتم حکم جهان مطاع بر دفع و اخراج ایشان شرفصدور یافت بحمدالله این‌دشمن‌دین ودولت ازیمن توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مسکوت ومایوس کرد لکن برای ما این اوقات ازراه محکم دیگری که خیلی محکمتر وواضحتر وشدیدتراست درهمان خیالات افتاد که احداث راه‌آهن بفرمائید باشروط وتعهدات ومواثیق چندی‌ازقرار مسموع ومکتوب درعهد نامه آنکه جمیع خلق مجبور برتسلیم اموال واملاك خود باشند ازقبیل جنگل‌ها ومعادن وقنوات بلکه سلطان بااقتدار نیز دراین اجبارداخل باشد که املاك خالصه وزرخریدی ومعادن و رودخانها را بتوانند باجبار ببرند بحدی که اگر پس از زمانی دولت بخواهد رفع آن‌هارا بکند جمیع نقود خزانه عامره ونقود اجناس متداوله موجوده دردست رعایا وفا باداء تاوان وزیان آن ننماید واگر جسارت نباشد گوینده را میرسد که بگوید وبپرسد دولت‌را چه تسلط است براملاك واشجار وآب واراضی رعایا که حتماً بفروشند ، گمان ندارم درشرع‌خود بلکه سایرادیان تجویز این‌قسم اجبارها شده باشد . مسموع شد ازآن شخص فرانسوی که درجنگ مرو اسیر شده بود وامپراطور آن دولت باهتمام که بقیمت تمام بلکه الوف و آلاف در خریداری واسترداد او مصرف داشت اوگفته بود که مقام عدل و مهربانی دولت ما بحدی‌است که بااین همه التفات ودرحقیقت خریداری‌من‌حق این‌را ندارند بگویند چرادستکش دست چپ‌را بدست راست کرده‌ای کمپانی هند تمام هند باآن وسعت ومکنت را بخریداری و تملك یك جریب زمین مخصوص سکونت خود برد کمپانی معاصر ما باتصرف آن همه اراضی متعلقه براه آهن استحقاق انتفاع جمیع معادن ورودخانها واراضی باحق بکارواداشتن‌جمیع کارکنان اررعایا چگونه ایران‌را نبردوچرا نبرد

خوب پس‌ازآنکه رعایابرضایابحکم کارکنان ایشان‌شدند وازدادن منال‌دیوانی‌معاف ماندند آیا بخزانه عامره از کجا؟ و کدام‌مالیات و کدام‌نسق‌اززراعات‌چیزی بیاید‌یااینطورهادر عهدنامه نیست ویاهست ونخوانده‌اید وبهآل کاربر نخورده‌اید اگرخدای نخواسته کارمالازم افتد دفع‌طغیان وتعدی همجوار بااقتداری را ازسرحدات خود نمائیم اولا باکدام مال که عرض‌شد کذلك باکدام‌رجال حکم‌جنك بکدام فوجی‌داده شود که مواجب‌وجیره چندساله‌ایشان نرسیده وهرچند فوجی که هستنددر بستندواگر ازهمه‌مایوس شده درخیال اجماع وبلوا برآمده باشیم کدام عالم محترم مسموع‌الکلام مانده‌باهجوم عموم‌فرنگیان دربلاد ایران‌ازراه‌آهن کدام عالمی در ایران خواهد ماندواگر بماند جانی‌ونفسی‌داشته باشد که یکدفعه وادیناوواملتا بگوید ازجناب میرزا ملکم‌خان یاسر کارکمپانی با اینهمه اموال واینهمه‌رجال وداشتن‌راهی بااین‌سهل ببلادعظیمه ایران‌بخصوص بپایتخت سلطنت‌ودولت بکدام‌قلب واطمینان چه اطمینان‌داریم که درطول یکساعت‌پرنکنند اطراف مارا ازرجال وتوپ وتفنك و غافلگیر نشویم زیاده جسارت نمیشود مجال‌هم‌نیست .

امااعلیحضرت شاهنشاهی‌را به‌باطن همان امام‌عصری که محل ومظهراقتدار وسلطنت ایشان می‌باشند قسم‌می دهم که اهتمام برحفظ‌دین ودولت و دفع هرخائن از مملکت و ملت بفرمائید بخصوص همین‌شخصی‌راکه قرارراه آهن داده و عهدنامه آنرا بر وفق صلاح دشمن دین و دولت نوشته بدون اینکه از عقلا و خیرخواهان دولت اجازت ومشورتی نمایند .

چون فقره خیانت‌دیگرازاین‌شخص بزرك بواسطه اشتغال‌بذکر معایب آوردن میرزاملکم‌خان واوراوکالت سلطنت‌دادن درباب راه‌آهن فراموش کرده بودم‌وخیال ختم‌عرایض‌داشتم حال که متذکر شدم‌لازم‌دانستم ازآن‌خیانت نیزاشاراتی بنحواجمال معروض دارد‌وآن فقره کلمه‌قبیحه آزادی‌است که‌بظاهر خیلی‌خوش‌نماست و خوب و در باطن سراپانقص است وعیوب این‌مسئله برخلاف جمیع‌احکام رسل‌واوصیاء وجمیع سلاطین عظام‌وحکم و الامقام

است بااین‌جهت در نوشته دیگری نوشته‌بودم علی‌الاسلام والسلام ودولت را وداع تام‌وتمام باید نمود بواسطه‌اینکه اصل‌شرایع وادیان درهرزمان خودقید محکم سخت‌وشدیدی بوده ومی‌باشد که ارتکاب مناهی و محرمات ننمایند متعرض اموال وناموس مردم نشوند وهکذا برخلاف مقاصد وانتظام‌دولت وسلطنت‌است که هر کس هرچه بخواهد بگوید وازطریق تقلب وفساد نهب‌اموال نماید وبگوید آزادی‌است وشخص اول‌مملکت همه را آزاد کرده است و در معنی بحالت وحوش بر گردانیده معلوم‌است نفوس بالطبع طبیعت‌شیطانی مایل‌بهوی وهوس وبرآوردن مشتهیات خودند همین‌مایه بی‌نظمی وزیادی تاخت وتاز شده وهیچکس نمی‌تواند چاره کند اینست که قاطبه علماء وفضلاء رابصدا درآورده حکام وداروغه‌راخانه نشین وعاجز نموده ـ زیاده جسارت است جز تعلق گرفتن خاطر مبارك بر رفع فساد و اصلاح اموری‌عباد وانتظام بلاد ، مناص ومخلصی بنظر نمی‌آید دعا میکنم که تاثیر در قلب مبارك نماید و رای جهان آراء برآن قرار یابد .

فان قلب‌السلطان بین یدی‌الرحمن فی۲۲شهررجب ۱۲۹۰»

بعداز ورود ناصرالدین‌شاه بتهران اشخاصی‌هم که‌واقعاً بااعطاء امتیاز نامهٔ مخالف بودند کتباً وشفاهاً معایب امتیاز نامه‌را بناصرالدین‌شاه گوشزد میکنند .

یکی از نامه‌هائی‌را که بتفصیل معایب ومضارامتیازنامه راشرح داده و در تاریخ سوم ماه شعبان ۱۲۹۰ (سه‌روز بعداز ورود بتهران) بنظر ناصرالدین شاه رسیده ذیلا نقل میکنم .

متأسفانه نویسنده این نامه که معایب ومضارامتیاز نامه رابخوبی شرح میدهد بواسطه نبودن مهر وامضای او درذیل آن نتوانستم دقیقاً بشناسم .(۱)

«قربان‌خاکپای‌جواهرآسای همایونت شوم مقرب‌الخاقان‌منشی‌حضور همایون فرمایش‌جهانمطاع اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنافداه را باتلغراف بچاکرجان نثارابلاغ کرده بود که سواد قرارنامه راه‌آهن رابرای عرض حضور مراحم ظهور ملوکانه بفرستد .

چون نسخه فارسی قرارنامه راکه میرزاملکم‌خان بخط‌خودش نوشته است بانسخه خط‌فرانسه که ازراه گیلان بتوسط مقرب‌الخاقان معاون‌الملك برای ثبت دفتروزارت خارجه فرستاده بودند این غلام فدوی بمالیجاه میرزا هارطون داده ترجمه‌کرد در بعضی فقرات تفاوت و اختلاف داشت و همچنین درآخر نسخه فارسی پاره منضمات وملحقات بود که‌در نسخه خط فرانسه نبودلهذا چاکردادهردونسخه رانوشتندنواب مستطاب معتمدالدوله بالطاف‌الله بیك فرستادند البته تابحال ازعرض پیشگاه مقدس اعلیحضرت‌شاهنشاهی روحنا فداه گذشته است‌اگرچه جمیع نکات و دقایق امور و معایب و محسنات و مناظم و مصالح کارها بعون‌اله تعالی رای حقایق پیرای اقدس اعلی احاطه دارد .

واینمعنی‌واضح وهویدااست که‌راه‌آهن برای آبادی مملکت ورواج تجارت وزراعت وروبق کسب وحرفت‌و منافع عامه اهالی‌ایران و صرفه وصلاح دولت وملت خیلی‌خوب است ونزددول وملل متحابه که خیرخواه دولت وملت ایران هستند پسندیده ومطبوع می‌باشد .

ولی در همچه کاراهمی که دایربمنافع عامه‌مردم وصرفه‌وصلاح دولت‌وملت وآبادی‌مملکت ورونق‌تجارت وزراعت وسایر کارهای عمده ومعظم‌است اگرازهرطبقه دولت وملت مجالس شوروبشورت وصلاح ومصلحت‌میشد جمیع معایب ومحاسن اینکار غورها ودقتها وتحقیقات وهمگی اطلاع و استحضار میرسانیدند .

خدافرموده است به‌پیغمبر خودوشاورهم فی‌الامر ولوکنت‌فظا غلیظ‌القلب لانفضوا من‌حولك .

یااگر بحرف کسی ازاشخاص‌عظام که کرها وعنفاقرارنامه رامهر کردند گوش میدادند ومردم‌را بی‌اطلاع نمی گذاشتند چرا بعد از اطلاع از عیوب آن که راجع بدولت و ملت دیدند محض غیرت دین و دولت بجنبش می آمدند .

---

۱ ـ ممکن است نویسنده این‌نامه اعتمادالسلطنه که باسپهسالار میانه خوبی نداشته و درآنوقت رئیس «دارالطباعه» بوده ، باشد ومیرزا هارطون درآنموقع مترجم «دارالطباعه» بوده‌است .

علاوه بر اینکه به همه مردم ایران معلوم شده است جمیع فقرات این قرار نامه بصرفه و صلاح کمپانیها نوشته شده است .

شارژدفر دولت‌اطریش ومجارستان میگفت شنیدیم دولت‌ایران میخواهد قرارراه‌آهن رابدهد چه قدرها دولت ماوسایر دولت‌های خیرخواه مشعوف شدند‌ولی بعداز دیدن قرارنامه واطلاع‌ازفقرات آن که دیدند همگی صرفه ومصلحت باکمپانیها ودرحقیقت بادولت انگلیس‌است دولت‌ما و سایر دول نیکخواه را نهایت تاثر حاصل گشت که چقدر تنزل کرده است ـ معایب آن‌که بمردم اثر کرده است و واجع بدولت و ملت میباشد از اینقرار است :

اول – درفقره ٤و١٥ البته اعلیحضرت شاهنشاهی روحنافداه غور فرموده‌اندکه درباب املاك وآبها به طوری‌که نوشته‌اند برای کسی ملك و زمین و آب نخواهد ماند و مثل حکایت هندوستان خدا نکرده خواهد شد .

ثانیا ـ موافق فقره ٦ عملجات کمپانی از هر نوع مالیات داخله‌معاف خواهند بود وموافق فقره ٢٣ که‌کمپانی مختار است ازخارجه هرقدر عمله‌بیاورد وهرقدر هم‌ازهرجای ایران خواسته‌باشد می تواند بگیرد در اینصورت اولا ازفرنگی ایران راپرمیکند ثانیا نه‌رعیت برای‌کسی میماند نه‌نوکر ثالثا نه‌زراعت میماند نه تجارت برای اهالی ایران رابعاً برای‌دولت هم‌مالیات نمی‌ماند چراکه همگی‌عمله آنها میشوند واز همه‌چیز معاف٠

ثالثا ـ موافق فقره ١٤ که اختیار جنگلها رابکمپانی داده‌اند مطلقا قیدوشرطی برای مایحتاج ملت و دولت از قبیل ذوغال وهیزم واسباب وادوات نجاری وسایر درقرارنامه مندرج نکرده‌اند کمپانی مختار است بهر قیمت بخواهد بخارجه بفروشد وباهالی ایران تنك بگیردوهمه‌را مستاصل نماید .

رابعاً ـ موافق فقره ١١ که اختیار جمیع معادن ممالك ایران‌را بکمپانی داده‌اند بازمشروط ننموده‌اند بجهة ضروریات ومایحتاج دولت وملت از قبیل‌نمك که محتاج‌الیه‌عامه‌است وهمچنین ذوغال سنگ وآهن ومس وسرب وسایر وکمپانی اختیار دارد بهرقیمت بفروشد ومردم راپریشان کند .

یاب‌داخله نفروشد وبخارجه بفروشد .

خامساً ـ درفقره ١٧ و١٨ که ضمانت صدوهفت برای دولت‌قرارداده است صدوپنج برای منفعت‌سرمایه وصد ودو برای ادای سرمایه .

فرضا اگر کمپانی صدکرور برای راه آهن خرج نماید هرساله برای ادای سرمایه دوکروربگیرد در مدت هفتاد سال یکصد وچهل کرور میشود چهل کرور ازاصل سرمایه اضافه‌خواهد شد .

سادساً ـ موافق فقره ١٩ که اجاره گمرکها رابکمپانی واگذاشته‌اند ظاهرا برای‌دولت منفعت قرارداده‌اند ولی در معایب آن غورفرمایند چه ضررها برای دولت‌وملت حاصل است چرا که اختیار جمیع ماکولات و مشروبات وامتعه وحبوبات وبقولات وسایر دست‌آنهاست کیف‌یشاء ویرید .

سابعا—موافق‌فقره‌٢٢ که کمپانی‌را مختار کرده‌اند حقوق خود را بهرطور بخواهد بکمپانی دیگریامشتری دیگر بدهند یابفروشند .

کمپانی حقوق خودرا بدولت انگلیس میدهد یامی‌فروشد آنوقت کار املاك وآبها وجنگل‌ها و معادن وگمرکها وسایراز تجارتی گذشته دولتی خواهد شد .

ثامنا ـ درفقره ٢٤ که اشاره کرده است در صورت ظهور مشکلات فیمابین طرفین مضمون فرانسه تنها سند خواهد بود .

خط فرانسه راهم باخط فارسی مطابق ننوشته‌اند وحال‌آنکه خط فارسی راکه میرزاملکم‌خان بخط‌خود نوشته است بایستی‌خط فرانسه راهم مطابق آن بنویسد دیگرچه لزوم داشت که‌قید وشرط نماید درصورت ظهور مشکلات فیمابین طرفین مضمون فرانسه تنهاسند خواهد بود ازهمین‌شرط معلوم میشود که‌باید اختلاف داشته باشد اکثر اهالی ایران خط فرانسه راچه میدانند وانگهی بکسی هم‌اطلاع نداده‌اند آنوقتها .

تاسعا ـ در نسخه خط‌فارسی میرزاملکم‌خان درفقره ٨ نوشته‌اند درمقابل قبض حاکم رشت مشعربراینکه بقدر کفایت ساختن راه‌آهن ازرشت الي طهران میل‌های آهني‌وارد انزلي شده‌است این چهل هزار لیره رهن به

کمپانی رد خواهد شد .

در نسخه‌فرانسه) در وقتی که اسباب میلهای راه‌آهن حمل بکشتی وارد بانزلی بشود که حکومت‌رشت رسیدگی اسباب رابنویسد همین‌وجه معین محجربکمپانی داده‌میشود که‌بمخارج راه‌آهن‌رسانیده باشد .

عاشرا - درآخر فهرست شرایط مهندسین که‌بایددراختیارنامه ثبت‌شود مشتمل‌بردوازده فقره که درآخر قرارنامه خطفارسی نوشته شده‌در فقره ثامن خواهید دید که نوشته است تعیین قیمت اراضی ازروی قیمتی‌خواهد بودکه در وقت اجاره‌کردن به‌آن‌قیمت بوده‌است وجه اجاره که در این‌مدت داده است از قیمت ملك کسر خواهد کرد .

اولا قیمت ملك راکمپانی باختیار خود کرده که‌صاحب ملك نتواند موافق قیمت روز حرف‌بزند ثانیاچه ظلمی است که وجه اجاره ازقیمت ملك کسرشود .

یازدهم - در فقره ۱۲ شرایط فهرست مهندسین نوشته اند ونیز مباشرین ولایات ونواب محال عرض‌راه مجبورند که برای‌قطع اشجار وانهدام دیوارها ویادفع هرنوع سدی که در جلوراه واقع شود هرقدر عمله که مهندسین را لازم باشد بدون مضایقه بدهند و اجرت عمله را بقانون متداوله از مهندسین راه گرفته عاید دارند .

البته درفصل بهار بعرض خاکپای همایون اعلیحضرت اقدس‌شاهنشاهی روحنافداه رسیده است که‌ازرعایای دهات برای بنائی مردم عمله می‌آیند بشهرها وقتی که‌حاصل رامیخواهند دروبنمایند همگی‌آنها بازمیروند بدهات برای دروکردن وجمع کردن خرمنها عمله‌چقدرها کم‌میشود واکثر بنائیهامیماند وقتی که کمپانی همه‌مردم‌ایران را مجبور کردکه عمله بجهة راه‌آهن ازهمه‌جا بدهند آنوقت دیگربرای مردم‌رعیت وزراعت وتجارت وکسب و حرفت ونوکر نمیماند یابرای دولت مالیات چراکه همه‌مردم عمله میشونددیگر عقب‌زراعت و کسب وحرفت و نوکری نمیروند چراکه معاف هستند از مالیات وسایر تحمیلات وقس‌علی هذاسایر فقرات قرارنامه‌راکه دروقت غور وتامل‌وامعان نظرمعلوم‌خواهدشد که‌بصرفه وصلاح کمپانیها نوشته‌شده .

نکته ودقایقی که برای رفع این‌معایب بنظر قاصرچاکران آمده‌است‌در آخرنسخه قرارنامه فارسی‌ازعرض لحاظ انوراعلیحضرت‌اقدس شاهنشاهی‌روحنا فداه‌خواهد گذشت که‌نوشته است .

سواد شرحی است که مسیو کوت و کیل‌وماموربارون‌جولی‌یوس‌روتردرطهران نوشته‌وداده است .

مشتمل بچهار فقره

درضمن فقره‌دوم نگاشته‌است - دفاترحمول جمیع کارها واقداماتی که بسته‌بامتیازنامه مزبور باشد باید قبل ازوقت وپیش‌از اجری باعامور دولت مذاکره‌شود وبتصدیق اوبرسد .

وهمچنین درفقره ٤ بنظر مبارك خواهدرسید که‌نوشته است‌این مقرراست که بجهت‌این فقرات‌مذکوره یك امضای‌مامور دولت بجهة اجرای‌آن قواعدکافی خواهد بود .

ونیز مقرراست که‌دولت ایران هیچ‌تکلیف مخصوص برعهده مامور نخواهد گذاشت که اختیاراحتیاطی او رابجهة تعیین این‌قرارها برهم‌بزند - حکم این قرارنامه مثل این خواهد بود که لفظ بلفظ در امتیازنامه اصلی مندرج است .

از این‌شروط همچه معلوم میشود که باید دفاتر حمول بنویسد وباماموردولت که درضمن فقره اول نوشته‌است‌ناظم‌الملك خواهد بود مذاکره خواهند کرد .

وبیك امضای مامور دولت که اوباشد کافی خواهدبود وشرط هم کرده‌اند که‌حکم این قرارنامه مثل‌این خواهد بودکه لفظ بلفظ درامتیازنامه اصلی‌مندرج باشد ،

برای عرض خاکپای همایون اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه‌این تفصیلات ونکات و دقایق را جسارت کرد چنانچه رای‌حقایق پیرای ملوکانه که‌دارای جمیع‌حکمت‌ها ومصلحت‌ها ونکات ودقایق اموراست قرار بگیرد وصلاح دانند حکم‌تلغرافی بمیرزا ملکم‌خان شرف‌صدور خواهد یافت که بی اجازه و استحضار و امضای دولت و ملت دفاتر حمول واین فقرات و شرایط راکه مسیو کوت ومهندسین راه‌آهن در طهران داده‌اند باتمام وامضاء نرسانند .

والا بهرطوری که رای مبارك اعلیحضرت اقدس شاهنشاه عالمیان پناه روحنا وروح العالمین فداه اقتضا کند امرامرسرکار اقدس ارفع اعلی است ومطاع ومطاع»

گفتیم معتمدالدوله فرهاد میرزا که از سران مخالفین بشمار میرفت و با سپهسالار خصومت میورزید شب وروز بناصرالدین شاه میگفت اعطای امتیاز رویترخیانت بمملکت بوده وعامل آن باید مجازات شود.

در اینجا یك نامه ازفرهاد میرزا را که بعدازلغوامتیاز رویتر بناصرالدین شاه نوشته نقل میکنم و بطوری که ملاحظه میشود در آن نامه میخواهد «هر که خائن دولت پادشاه و ملت پادشاه است بغضب اعلیحضرت شاهنشاهی گرفتارشود»

«قربان خاکپای جواهرآسای مبارکشوم درروزنامهٔ مبارکه بتاریخ ۱۹ رمضان انتشارموقوفی راه‌آهن را دیدم خداوندوجود مسعود همایون روحنافداه را درار یکه جهان‌داری مستدام بدارد که برا هالی ایران بشارتی مقررشده بود انشاءاله تعالی از اقبال همایون روحنا فداه واز باطن اسلام به‌آن قرارنامه خط‌بطلان کشیده خواهد شدوهر که این کار را کرده‌باید بانجام برساندواگررای همایون‌قراربگیرد درمناشیر وفرامین‌دولتی نیزحکمی صادر بشود که در منابر بخوانند بتاج وتخت همایون قسم است که ازاین‌روزنامه مردم چقدر امیدوار ودعاگو شده‌اند.

انشاءاله تعالی بحسن تدبیرملوکانه بایدقبض یك کرور استقراض که‌پول اورسیده است گرفته‌شود وحساب بیست هزار تومان پول ملکم‌خان هم‌پرداخته شودوامیدوارم که بزودی انشاءاله تعالی بشارت و اشارت این‌فقرات در روزنامه مبارکه گوش زدخاص و عام بشودو بخط مبارك این بنده را بشارت داده سر افراز فرمایند که خیالات خلاص بشود.

بتاج وتخت همایون قسم‌است که این‌بنده درگاه بعقل قاصرخود همه چیزرایك توجیه ودلیلی قرارمیدهد ولی این یك کرور استقراض که بی‌جهة بایدتمسك داد نفهمیده‌ونخواهد فهمید واین‌مسئله مسلم‌بودکه در هرنقطه فرنگستان برای اعلیحضرت همایون روحنافداه پول ضرور بودازهرکه هرقدر میخواستند میدادند دیگر قبل از وقت وضرورت قرض کردن که حالاتمساك رابزحمتی که‌بایدپس گرفت چه‌معنی داشت خداوند انشاءاله تعالی هر که خائن دولت پادشاه وملت پادشاه است بغضب اعلیحضرت شاهنشاهی گرفتار نماید

زیاده جسارت‌است امرهمایون مطاع‌مطاع‌مطاع»

در پشت‌نامه محل‌مهر «فرهاد».

شروع بکار

بطوریکه دیدیم بعداز امضای امتیاز نامه چون مطابق فصل هشتم میبایست پس‌از پانزده ماه ازتاریخ آن‌رویتر بکارشروع نماید به‌هنری کولینز دستور میدهد مهندسین و کارکنان لازم را استخدام کند و بطرف ایران حرکت نماید.

امتیازنامه درتاریخ ۱۸ جمادی‌الاولی ۱۲۸۹ (۲۵ژوئیه ۱۸۷۲) امضاء شده‌بود وبنا براین درمدت ۱۵ماه‌بعداز آن‌یعنی‌تاتاریخ شنبه ۲رمضان ۱۲۹۰ (۲۵ اکتوبر ۱۸۷۳) میبایست بکارشروع کرده باشند.

کولینز درماه فوریه ۱۸۷۳ باعده‌ای مهندس‌و کارگر ازانگلستان بطرف ایران حرکت میکند ودر ماه مارس باستانبول میرسد وبعداز یك‌ماه توقف درآنجا در ماه مه وارد تهران میگردد.

دراینکه کار ازجنوب شروع بشود یااز شمال بین‌رویتر و کولینز باناصرالدین‌شاه و سپهسالار مذاکراتی بعمل میآید و چون ناصرالدین شاه اصرار داشت که‌باید ابتدا

راه آهن تهران وبندر انزلی ایجاد شود مقدمات شروع بکاردر رشت فراهم میگردد.

گراهام استوری مینویسد.

«مساحی یکصدوپنجاه میل راه رشت وتهران انجام شد ونقشه بریدن هشت هزارفوت ازکوه البرز تکمیل گردید واولین محمولات ریل ازانگلستان بارگیری شد.

معهذا شروع بکار واقعی راه آهن بدون موافقتنامه بین دولت ایران وبارون رویتردر باره «کاپه دوشارژ» ممکن نمود زیرابرای خرید اجناس ولوازم، مشخصات آن نیز مورد احتیاج بود.»

وسپس راجع بشروع کار نوشته.

«بالاخره در پنجم ژوئیه (۱۸۷۳) رویتراجازه تحصیل نمود که مهندسین ازرشت مشغول ساختن راه بشوند در این موقع فقط سه ماه ونیم برای شروع کار وقت باقی بود.

شش هفته قبل از انقضای ضرب الاجل یعنی در اوایل سپتامبر تشریفات ایجادراه آهن در حضور قنسول بریتانیا واتباع خارجی مقیم محل بعمل آمد.»

رویتر دراین هنگام که زمزمه مخالفها رامی شنیدومخصوصاً از تصمیم اولیای دولت ایران دایر به لغو امتیاز نامه بااطلاع بود به کولینز نماینده خود دستور میداد که در کار تسریع نمایند وبهانه‌ای بدست دولت ایران ندهند.

کولینز وسایر مهندسین باکمك قریب هزارنفر عمله در رستم آباد ۱۶ کیلومتری منجیل درحدود نیم فرسنك درختهای جنگل رابریده وزمین راسطح وهموار میکنندوموقعی که ناصرالدین شاه ازاروپا باز میگشت در انزلی ازاو تقاضا مینمایند که برای بازدید عملیات به محل مزبور برود واز آنجا نیز سپهسالار که گفتگو ازعزل او میرفت تلگرافی بارویتر مخابره میکند واو رابواسطه شروع بکار تبریك میگوید وچند روز بعداز آن هم حسنعلی خان وزیرفواید عامه باشاره سپهسالار که دراین وقت ازصدارت عزل شده بوددر تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۸۷۳ نامه‌ای بشرح زیر بعنوان «کولینز سرمهندس ونماینده رویتر» مینویسد

«آقای من

سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی ایران استعفای جناب صدراعظم راقبول نفرموده‌اند ومیل خاطر آن اعلیحضرت آنست که جناب مشارالیه رامجددا بصدارت منصوب دارند من از جانب جناب مشارالیه مامور هستم که بمقام اظهار تشکر برآیم که فی الحقیقه درموقع شروع بکار راکرده‌اید وبخصوص جناب جلالتمآب صدر اعظم بسیار از شما راضی است که شماها رادر کار کردن می‌بینند امیدواریم که انشاءالله بروفق معاهده قرارنامه رفتار نموده باشند شما را مشعوف ومسرور خواهند ساخت والان از محمدآقا سرتیپ بکمال خوشوقتی شنیدم که ازامروز ابتدای شروع کار کرده‌اید من ازاین جهت ازشما راضی هستم وحاجت تکرار وزحمت دادن نیست بهرحال آقای من حاضر هستم که جمیع امورات شماوابسهولت بگذرانم و بهرنوع اعانت و تقویتی که احتیاج داشته باشند بعمل خواهد آورد امضاء حسنعلی خان»

بهرحال باتمام جدیتی که رویتر ونماینده او برای اجراء شرایط امتیاز نامه بعمل آوردند نتوانستند آنطور که باید و شاید اقداماتی بنمایند که بهانه‌ای بدست دولت ایران داده نشود.

اقدام برای لغو امتیازنامه

چنانکه گفته شد ازموقع امضاء امتیاز نامه روسها اظهار نارضائی نمودند وهنگامی هم که ناصرالدین شاه به پطرزبورغ رفت امپراطور روسیه حضورا عدم رضایت خود را ازاین موضوع باو گفت وبهمین جهت ازهمانموقع، دیگر

آن میل و علاقه اولی را باجرای امتیاز نامه نداشت و در انگلستان نیز چندان اعتنائی به رویتر نکرد وحتی به تقاضای مکرر او در مورد تمدید ضرب الاجل مقرر ترتیب اثر نداد.

یك موضوع دیگری که باعث یاس و دلسردی ناصرالدین شاه و سپهسالار از انگلیس شد قرارداد گرانویل و گورچاکف بود که قبلا ذکری از آن رفت و گفتیم بموجب آن دولت انگلیس وروس مناطق نفوذ خود درا در آسیا معین کردند و این امر برای «شاه» و «صدراعظم» ایران خیلی غیر منتظره بود.

ناصرالدین شاه وقتی بایران آمد مخالفت علماء و رجال را هم که دید مخصوصا با اخباری که از گوشه و کنار کشور دایر بمخالفت مردم با امتیاز نامه باو میرسد جدا تصمیم میگیرد که امتیاز نامه را لغو کند با آنکه بعد از ورود ناصرالدین شاه به بندر انزلی بواسطه نامه هائی که علمای متنفذ روحانی مثل حاج ملاعلی کنی و سید صالح عرب و همچنین انیس‌الدوله و فرهاد میرزا معتمدالدوله باو نوشتند سپهسالار یعنی کسی را که عامل اعطاء امتیاز نامه میدانستند از صدارت عزل میکند وخود بتنهائی بتهران می آید معهذا اوضاع وضع عادی نداشت و در همه جازمزمه های مخالفت با امتیاز نامه بلند بود و ناصرالدین شاه از این موضوع زیاد وحشت داشت - دریك گزارشی که در تاریخ سوم رمضان ۱۲۹۰ بناصرالدین شاه داده اند نوشته شده.

«..... ملاها بعضی خیال داشتند ایام رمضان بمسجد نروند بعضی خیال داشتند بعد از چهار پنج روز در مسجد بنشینند و عریضه کنند میرزا عیسی از جانب سنی الجوانب بآنها اطمینان داد علی الحساب آسوده هستند نرفتن به مسجد و عریضه نوشتن گفتگوی خودشان بامحارم خودشان بود .....»

گراهام استوری مینویسد.

«..... عذری که برای وزیر مختار انگلیس در تهران آورده این بود که از ملاها وحشت داشتند دولت شاه چنین اظهار میداشت که «ایشان (ملاها) مشغول تشویق یك بحران سیاسی میباشند» و ثبات تاج و تخت در خطر بود و تنها راه جلوگیری از آن فدا کردن امتیاز نامه بنظر میرسید ... »

خلاصه ناصرالدینشاه از همان بدو ورود بتهران با تمام مخالفین و موافقین بمشاوره پرداخت تاشاید راهی برای حل این مسئله غامض پیدا کند اما کسی را بهتر از خود میرزا حسین خان سپهسالار برای انجام این منظور نمیدید.

سپهسالار نیز که وحشت ناصرالدینشاه را مشاهده میکرد باو قول میداد که بهر ترتیبی باشد این مسئله را بخوبی حل خواهد نمود.

سپهسالار بتهران احضار و مامور لغو امتیاز نامه میشود

با آنکه آمدن سپهسالار بتهران با وجود آنهمه مخالفتها از کارهای خطرناك بود و همه مخالفین اورا منشاء و موجد این گرفتاریها میدانستند بطوری که در شرح حال او دیدیم (صفحه ۴۶) ناصرالدین شاه بازحمت بسیار اورا برای حل این موضوع بتهران احضار می کند و با سمت وزیر امور خارجه مامور فسخ و لغو امتیاز نامه رویتر مینماید.

سپهسالار نیز فورا مشغول اقدام میشود و در نامه هائی که بناصرالدینشاه مینویسد اشکال کار و غامض بودن این مسئله را گوشزد میسازد ولی وعده میدهد هر چقدر هم

که کاردشوار باشد اواز عهده انجامش برمی آید.

عین نامه میرزا حسین‌خان سپهسالار که‌در این مورد نوشته ودر پنجم رمضان ۱۲۹۰ بنظر ناصرالدینشاه رسانیده بشرح ذیل است.

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم دستخط مبارك جهانمطاع شاهنشاهی روحنا فداه که‌درباره الغاء و ابطال نمودن قرارنامه راه‌آهن بافتخارفدوی خانه‌زاد شرفصدور یافته‌بود زیارت‌نموده مباهی گردیدم دراول مسئله عرضه‌میدارم که این کارهم‌چه‌سهل وآسان‌نیست که دریك‌روزیایك دوماه بگذرد وتمام‌شود موقوف بمکاتبات متعدده ومخابرات متکاثره‌است ومثل اشخاصی که بجهت تسخیر ریاضت میکشند هیکل های مهیب بنظرها خواهد آمد لکن نقلی نیست وتشویش ندارد علاجش ثبات رای وحرکت مدبرانه وعاقلانه واجوبه بروفق قاعده خودشان است وبالاخره تحصیل منظوردولت بدون یکدینار ضررخواهد بود انشاءاله بشرط توجه و تقویت همایونی روحنا فداه فردا انشاءاله شروع بکار خواهم نمودلکن‌در تکلیف شخصی‌خودم حیرانم‌بقسمی که مبادا کارکسی این گونه مشکل نمیدانم بایدبروم یاباید توقف‌نمایم اگرباید بروم کجا بروم برشت یاقم درصورتی که بایدبروم‌شروع بکار نمودن‌عقبه اورا نیاوردن چه‌حاصل وثمر خواهد داشت درهرحال‌خانه‌زاد مطیع ومنتظر اوامر همایونی است میرزا احمدرامی‌خواهم فرداروانه نمایم وقت میگذرد به امین‌الملك مقررفرمائیدبقیه کارهای‌اورا‌تمام کند که‌معطلی نداشته‌باشد برآورد سی‌عراده توپ کروپ را باسه‌هزارتیرقورخانه ازتولوزن نموده بخانه‌زاد نوشته بود که چهل دوهزارویکصدتومان‌میشود تاشهرمسقو وکرایه ازمسقو تادارالخلافه‌علاوه براین مبلغ‌خواهدشد دراینفقره هم‌بهرچه‌رای مبارك علاقه می گیرد مرقوم شود تا تکلیف معلوم گردد نوشته‌ازنظرآقابعنوان‌فدوی رسیده ود تقدیم خاکپای مبارك گردید خداوند

جان ناقابل خانه‌زاد راهم آنی هزار مرتبه تصدق وجود مبارک نماید آمین امر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع»

نامه دیگر از سپهسالار درهمین مورد که بتاریخ ۱۲ رمضان ۱۲۹۰ بنظر ناصرالدین شاه رسیده است

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارک شوم بزیارت دستخط مبارک جهانمطاع همایونی روحنا فداه که درجواب عریضه عبیدانه این غلام خانه‌زاد شرف صدور یافته بود مشرف ومباهی گردیدم انشاءاله در خاکپای انور اعلی بدرجه ثبوت رسیده است که حتی المقدور حرف بی‌پا وبی‌ماخذ کمتر میگویم خاصه درخاکپای مبارک امیدوارم که انشاءاله عنقریب خاطر مبارک را ازاینفقره آسوده دارم واعلان ابطال این امررا نمایم لکن دراول عرض نموده‌ام که شکلهای مهیب بنظر خواهد آمد امابالاخره خالی از ضرر است انشاءاله درهمین روزها یعنی بعداز فرستادن چند تلغراف بفرنگستان که از فردا شروع خواهم نمود ودو مکاتبه با کلنس استدعای شرفیابی بحضور مهرظهور ملوکانه روحنافداه خواهم نمود وبعداز عرض عرایض واستحصال رای انور فورا شروع باجرای منظورات همایونی خواهم نمود درآخر عریضه بازجسارت نموده عرضه میدارم که خاطر مبارک را ازاینفقره آسوده دارید وخیال همایونی را صرف مرمت وتعمیر سایر کارهای دولت بفرمائید خداوند جان ناقابل خانه‌زاد را بتصدق وجود مسعود مبارک نماید آمین ثم آمین الامراقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع»

سپهسالار باآنکه جدا برای لغو امتیاز رویتر اقدام میکرد ولی گویا خود عقیده باینکار نداشت وبکسانی که «خیالات عالیه ملوکانه» واورا برعکس جلوه داده‌اند لعنت میفرستاد و نفرین میکرد.

سپهسالار درنامه‌ای که مقارن همان تاریخ بنظر ناصرالدینشاه رسانده اینطور مینویسد

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارک شوم بزیارت دستخط مبارک همایون شاهنشاهی روحنا فداه مشرف ومفتخر گردیدم وبرحسب اراده همایونی دستخط مبارک رادرجوف عریضه عبودیت فریضه اعاده بحضور مبارک دادم خدای وحده لاشریك له شاهد کافی این غلام خانه‌زاد است که قدم وقلمی برنداشته‌ام ونخواهم برداشت مگر این که رضای خاطر مبارک همایونی روحنافداه رادراو داشته باشم انشاءاله بلعنت خدا وسخط پادشاه بیایند اشخاصی که ازبابت غرض وخودخواهی وجهل این حرکت رانمودند وخیانت بدولت وملت کردند ودر انظار ملل فرنگستان که امروز بقاودوام دول موقوف بدرجه اعتباری است که درآن انظار دارند پنجاه سال اقلا مارا عقب انداختند و آن خیالات عالیه ملوکانه رابرعکس جلوه دادند غلام خانه‌زاد اهتمام داشت که اسم مبارک شاهانه سر صفحه سلاطین بزرگ فرنگستان بشود آنها سعی کردند که بجهة نسبت بیقدرتی وعدم استیلا واختلال درشعب امور اسم مبارک همایونی را داخل اسامی سلاطینی که مملکت آنها قابل هیچ نوع ترقی وتمدن واعتنا نیست نمایند والله بنمك مبارك قسم است سفیر اطریش از افکار اروپا بعد از این حرکت فسده وجهال چیزها بیان کرد که فدوی خانه‌زاد بعد از رفتن او گریست انشاءاله بتدابیر صائبه همایونی نوعی خواهد فرمود که رفع این تاثیر بدکه مفهوم مصرح سلب اقتدار و اختیار سلطنتی است بشود امادر فقره راه‌آهن همان عرضی است که ازشش ماه قبل نموده‌ام وامروز چون میل مبارک را قوی‌تر ملاحظه مینمایم قوی‌تر عرضه می‌دارم که خاطر مبارک رامطمئناً آسوده بدارند واین عمل راباطل شده بدانید انشاءاله بعداز یك دو مجلس دیگر مذاکره باوکیل رایتر یك روزی بعداز تحصیل اجازه شرفیاب خاکپای مبارک گردیده بتفصیل آنچه باید عرض نمایم عرض نموده بعد اعلام در طهران وولایات بطوردلخواه همایونی خواهد شد خداوند جان ومال مرابه تصدق وجود مبارک نماید آمین ثم آمین الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع»

عین دو نامه فوق درصفحه بعد گراور شده است

هرچند سپهسالار دراقدامات خود تعجیل میکرد و هیچ غفلت روا نمیداشت معهذا ناصرالدینشاه بواسطه وضع غیرعادی که درنتیجه اقدامات مخالفین پیش آمده بود و ناراحتی خیال خود عجله فراوانی در اینکار بخرج میداد چنانکه در نامه‌ای به سپهسالار اینطور مینویسد.

«جناب مشیرالدوله اگرچه ازعرایض شمادر فقره ابطال راه‌آهن کمال اطمینان‌را دارم امادیروز نوشته بودم

که نمی‌دانم درماه رمضان میتوان اعلام رسمی کرد یانه بعلت اینکه موقع رمضان بهتراست مردم درمنابر ومساجد می‌شنوند ودیگراینکه بعدازرمضان میخواهم جاجرود بروم انشاءاله ـ این اعلام رسمی نشده اولا نمی توان به آسودگی بشکار رفت ثانیا موقع احکام لازمه میگذرد گیرمن در همین اعلام رسمی ابطال راه آهن است در پشت همین دستخط جواب بده»

سپهسالار در پشت نامه اینطور نوشته

«قربان خاکپای مبارکت شوم انشاءاله روز پانزدهم این ماه بشرف زیارت خاکپای مبارك همایونی روحنا فداه مشرف شده واعلان رسمی ابطال راه آهن رادر همان تعیین خواهم نمود وانشاءاله قلب مبارك به آسودگی به شکارگاه تشریف خواهد برد واحکام مبارك اجری خواهد نمود خداوند جان و مال خانه‌زاد را به تصدق وجود مبارك نماید آمین ثم آمین»

تعجیل ناصرالدین شاه بواسطه اقدامات مخالفین بود که تاخیر در لغو امتیاز نامه راجایز نمیدانستند و میخواستند هرچه زودتر اعلان بطلان آن منتشر گردد.

عدم اجراء امتیاز نامه در موعد مقرر

گفتیم باآنکه رویتر ونماینده اومیل داشتند قبل از انقضاء موعد مقرر (شنبه ۲ رمضان ۱۲۹۰ ـ ۲۵ اکتوبر ۱۸۷۳) واقعا بکارهای اساسی شروع کنند تا بهانه‌ای بدست دولت ایران برای لغو امتیاز نامه ندهند باهمه جدیتی که بکار بردند نتوانستند و تسطیح و هموار کردن مقداری از جنگل نزدیك رستم آباد رشت نیز برای انجام منظور کافی نبود.

بعلاوه در اینمدت میبایست برطبق فصل بیست‌وسوم بکارهای دیگر مثل استخراج معادن وغیره نیزاقدام کرده باشند وحال آنکه برای این امور هیچ اقدامی بعمل نیامده بود.

بالاخره بعد از خاتمه تاریخ مزبور سپهسالار شفاها بمستر کولینز نماینده رویتر عدم اجراء شرایط امتیاز نامه وبالنتیجه بطلان آنرا اعلام میکند ولی مثل آنکه مستر کولینز

موضوع را نادیده انگاشته و در تاریخ چهارم نوامبر ۱۸۷۳ (۱۲ رمضان ۱۲۹۰) در مورد کایه‌دوشارژ (۱) که قبلا نیز به آن اشاره ای‌شد این نامه را بعنوان « جناب سپهسالار اعظم » مینویسد .

«از بارون روطر تلگرامی دریافت نموده‌ام بموجب آن که اومیگوید غیبت جناب ملکم‌خان ازلندن حقیقتاً اسباب منع اجرای امتیازنامه است جناب ملکم‌خان ازجانب دولت متبوعه خود ماموراست که درباب کایه دوشارژ بابارون روطر قراری بدهد .

بارون روطر به من دستور العمل داده‌است که ازجنابعالی استفسار نمایم که دراین موقع تکلیف چه‌بوده واطلاع حاصل نمایم که جناب ملکم خان چه وقت بلندن مراجعت مینمایند .»

سپهسالار روز بعد درجواب کولینز اینطور مینویسد

«بتاریخ پنجم نوامبر ۱۸۷۳ مطابق سیزدهم رمضان ۱۲۹۰

مسیو .

درجواب مراسله دیروز شما باتاسف بامعان نظر شما میرسانم که کمپانی که شما مأمور آن هستید چون درایفای شرط وعهد خویش چنین که درفصل هشتم قرارنامه مشروط است باعتقاد ما قصور کرده دولت ایران نیز بحکم همین واقعه خودرا ازعهود وشروط خویش نسبت به بارون رویتر آزاد میگمارد ودراینصورت نمیتواند بمامور لندنی خود احکاماتیکه شما خواهش میکنید برای فقره دفتر محاسبات همین قرار نامه که درلفظ ومعنامعیوب گشته صادر نماید پس قبل از اینکه طرفین دوباره متفق‌الرای باشند نه تنها هرحکمی که سابقاصدور یافته به نسخ آن هم اشاره خواهد گردید بلکه خود قرار نامه درنظر ما ملغا وکان‌لم‌یکن خواهد بود در این موقع مسیوبیان احترامات مرا بپذیرند حسین »

بعد ازاین نامه مستر کولینز شروع باعتراض میکند و بانوشتن نامه‌هائی دلائلی برای اینکه بکار شروع کرده و امتیاز نامه باعتبار خود باقی است اقامه مینماید از جمله دلائلی که بآن استناد میکرد تلگراف تبریك میرزا حسینخان به رایتر و همچنین نامه حسنعلی خان وزیر فواید عامه بعنوان کولینز بود که درآن صریحاً شروع کارراتبریك گفته بود ونماینده رویتر میگفت اگر بکار شروع نکرده چگونه صدر اعظم و وزیر فواید عامه به رویتر و اوتبریك گفته‌اند ؟

ازطرف سپهسالار به تمام نامه‌های کولینز ودلائل او جوابهای لازم داده میشد .

ملاقات سپهسالار با وزیر مختارانگلیس

سپهسالار دردنباله اقدامات خود در۱۶ ماه رمضان ۱۲۹۰ مستر طامسن وزیر مختارانگلیس‌را بمنزل خوددعوت میکند وموضوع فسخ امتیاز نامه‌رویتررابااودرمیان میگذارد جریان‌این مذاکرات را خود سپهسالاربناصرالدین شاه چنین گزارش میدهد .

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارك شوم . روز شنبه ۱۶ شهر حال برحسب امر قدر قدر همایون شاهنشاهی روحنا فداه مستر طامسن وزیر مختار انگلیس را نزد خود احضار نمودم دو ساعت بغروب مانده آمد بمشار الیه گفتم سر کار اقدس همایون ملوکانه روحنا فداه ازآنجائیکه دولت انگلیس‌را حقیقةدوست صمیمی واقعی خودشان میدانند وشخص شمارا خیرخواه و صدیق میشمارند به من فرمودند که شمارا نزد خود خواسته فرمایشات آتیه‌را بشما بگویم وجواب تحصیل نموده بعرض آستان مبارك برسانم .

میفرمایند هیچکس بقدر خود من فطرتا طالب انتظام واصلاح درامور وترقی دولت نیست وباز هیچکس بقدر من نمیداند که وسیله ترقی پیروی بهمان‌قواعدی‌است که در ممالك فرنگستان ازروی علم وبصیرت وحکمت

1- cahier des charges

مجری نموده اند که اعظم آنها راه آهن وتلغراف وتسهیل تجارت ومراودات واجرای عدل وانصاف وتأمین مال وجان‌است قبل ازآنکه بسفر فرنگستان بروم واینهمه اعمار وثروت وانتظام را برای العین مشاهده نمایم همیشه طالب وراغب این امور بودم چنانچه قرار نامه راه آهن قبل ازعزیمت فرنگستان انعقاد یافت حالا که خود همه آنهارا مشاهده نمودم وبدقت حکمت‌همه‌را مطالعه کردم بمراتب میل وشوق من دراجرای قواعد حسنه بالمضاعف شده‌است وباچه خیالات عالیه معاودت‌میکردم که بعد ازورود بمقر سلطنت فوراً در صدد اجرای آنها برآیم بغتة دراول ورود بخاك ایران این مقدمه روی داد ومارا مجبور کرد که چندی خیالات خود را تاخیر انداخته باتدبیر دراصلاح امور داخلة برآئیم ازجمله مقدمه راه‌آهن‌را بقدری دراذهان علما وعموم ملت‌مضر ومخرب دین ودولت وتمامی ملت به قلم داده‌اند که هرقدر بخواهیم اینفقرات‌را ازذهن آنها بیرون بیاوریم‌ومحسنات ومنافع اینکاررا تعداد دهیم عجالة امکان نخواهد داشت تنها به اختلال افکار علمای دار الخلافه اکتفا نکرده‌اند بجمیع علمای ولایات شروحات نوشته‌اندوبرآنها یقین نموده‌اند که‌اینعمل مخرب جمیع قواعد دینیه وقدیمه دولت‌است وهرروزه ازحکام ولایات راپورتهای موحشه میرسد ازبرای رفع ودفع این خیالات و تصحیح افکار عامه عجالة چاره بجز الغا وابطال قرار نامه چیزی بنظر مبارکشان نمیرسد در صورتیکه شرایط خود قرارنامه این حق‌را بطورتصریح بدولت می‌دهد وصاحبان‌امتیازبه‌آنچه وعده نمودند وفانکردند وبازفرمودند که بشمااطمینان بدهم که‌درمحسنات راه‌آهن بهیچوجه تغییر اعتقاد نفرموده‌اند ومیدانند که قوه وقدرت آتیه دولت منوط براه آهن است پس‌ازآنکه این قرارنامه حاضر که موجب اینهمه گفتگو شده است لغو و باطل شد واذهان آرام گرفت آنوقت بفاصله دو یاسه‌ماه باهمین بارون رایتر یاکمپانی دیگر مضایقه ندارند سهل‌است اصرار خواهند فرمود که قرار مجددی از روی اساس تازه درایجاد راه‌آهن بدهند حالا رای وسلیقه شمادر آنچه از اول تا آخر گفتم چه‌چیز است بیان کنید تا عرضه دارم گفت ازروزی که گفتگو و مذاکره راه آهن بابارون رایتر بمیان‌آمده است دولت انگلیس کلیة بیطرف مانده است یعنی که تاامروز یك کلمه بادولت ایران مذاکره در اینفقره نکرده است نه اعانت و تشویق ونه اهانت وممانعت کرده است رسمامن‌هم‌باید بدولت خود تاسی نموده بیطرف وساکت بمانم گفتم البته در نظر دارید که دولت شما در مجلس پار لمنت حمایت خودرا ازاین امتیازنامه به‌بارون رایتر دریغ داشت وامروز در این مسئله بارون رایتردر تحت حمایت انگلیس نیست گفت ازجمیع مذاکرات درپار لمنت و جوابی که به رایتر داد اند اطلاع دارم بعدشرح مفصلی از وخامت نتیجه این حرکت که بوقوع رسیده است و سوء تاثیر اودر جمیع فرنگستان خاصه در انگلیس بیان کرد وگفت حقیقة امررا محرمانه بتومیگویم اعلیحضرت شاهنشاهی‌آن قبول عامه که درلندن تحصیل فرموده بودند غیب کردند ودولت انگلیس امروز ازدولت ایران مایوس است وچه قدر بااینت خوب حاضرشده بود که‌تقویت‌ها ومعاونت های کلیه از دولت ایران نماید در جواب او گفتم بهترین و بزرگترین صفات ملت انگلیس دردنیا انصاف و حقانیت است امادراین‌موقع چه‌بحثی برشخص همایونی میتوانید وارد آورد که قبول عامه درلندن راغیب فرموده باشند امرناگواری برخلاف میل ورضای مبارك ایشان بوقوع رسید وهرقدر تصور نمائید متغیر شدند و راه خبر را به‌اردوی متوقفین دارالخلافه مسدود نمودند وهرچه نوشتند انحصار بخودشان داشت وکار رابقدری بزرك قلم‌دادند که باز میتوان گفت سر کار اقدس همایونی کمال قوت قلب را بعمل آوردند گفتم یك‌فقره بشمامیگویم یقین بدانید که در مسائل داخلیه ایران و استعمال تدابیر لازمه بجهة تحصیل مقصود هیچکس را بقدر ذات اقدس‌ملوکانه روحنا فداه‌مهارت تامه‌ندارند وخدا میداند خیلی‌خوب وباتدبیر وعقل کامل حرکت میفرمایند وآنچه شمامنظور دارید که‌استقلال کلیه اوامر سلطنتی باشد بعمل‌آمده وعنقریب تکمیل خواهد شد

بعد فصلی راجع بشخص فدوی خانزاد وخیالات و پولتیك عاقلانه خانزاد بقول او بیان و اظهار تاسف و ملالت زیاد از پارهٔ حالتها بیان کرد که عرض آنهـا از طرف خانه زاد بهیچوجه مناسب نیست خوبست

بوسایل دیگر بعرض خدام آستان مبارك برسد همینقدر فدوی در جواب گفتم که من کمال تشکر وخاکساری را از آنچه تابحال در باره من فرموده‌اند دارم وخود برای العین مشاهده مینمایم که جمیع اوقات مبارکشان مصروف تقویت واصلاح کار من‌است که ازآنجمله همین فقره راه‌آهن واصراری که میفرمایند بازجزء اعظم اواز برای خودمن است حالا اگروافعا شما بطوری که میگوئید وجود نابودمرا از برای پیشرفت خدمات و اوامر همایونی لابد مندمیدانید پس‌تقویت ومعاونت نمائید تااینفقره راه‌آهن لغو وباطل شودواموارت بروفق مرام‌صورت گیرد گفت درآخر فصل‌هشتم من‌یکقدری‌اشتباه‌دارم به این‌معنی که اگردر راس وعده پانزده ماه شروع بکارنکنند شماحق ضبط آن‌چهل‌هزاره لیره انگلیسی رادارید لکن بعداگر اوباز میل های آهنی‌ازرشت الی‌طهران راآورد آنوقت بازمی‌تواند مشغول کار شود فدوی خانه‌زاد قرارنامه راآورد وفصل هشتم رامجددا مطالعه نمود رفع اشتباه از او کردم بعدخود او بفدوی گفت فصل ۲۳ قرارنامه هم‌مقوی خیال ورای شمامیتواندشد اورا هم‌مراجعت کردم دیدم واقعا اسلحه خوبی‌است گفت حالا که میل همایونی براین‌است وشماهم میگوئید الغاء و ابطال اینفقره‌موجب تقویت شماست شخصاً آنچه در قوه داشته باشم معاونت روحانی درتقویت‌خیال شماخواهم نمود گفتم عجالةبزرگ‌ترین تقویت‌ها عدم حمایت از صاحب امتیاز است گفت آنفقره را درپارلمنت جواب داده‌ام تا امروز هم من بهیچوجه مداخله واظهار حمایتی ازکمپانی مزبور نکرده‌ام بعد گفت آیاسر کار اعلیحضرت شاهنشاهی تجویز می فرمایند که درمیان فرنگستان امروز خیوه‌را مقدم تر وباتربیت‌تر ازایران تصور نمایند گفتم چنین امری به تصور احدی نیامده ونخواهد آمد گفت درخیوه ازبرکت قشون روس اساس اسارت وبنده فروشی‌را موقوف کردند ودولت ایران ازاین فقره بهتر وبیشتر ازهمه نفع برد واسرای چندین ساله او ازخیوه آزاد شدند وآمدند و بلکه چند سال‌است که درخصوص منع اسارت سیاه‌ها سعی واهتمام دارد وباجمیع دول وامارت‌ها عهدنامه منعقد کرده است مثل دولت عثمانی وخدیومصر وامیرزنگبار وامام مسقط وغیره وغیره لکن دولت‌ایران هنوز داخل عهدنامه نشده‌است این اوقات سواد عهدنامه بسیار مختصر ازدولت بمن رسیده است که ترجمه نموده نزد شما میفرستم که به ملاحظه همایونی برسانید گفتم مطلبی که هنوز اظهار ننموده‌اید و نمیدانید رد میشود یاقبول هیچ حق نداشتید و ندارید که اسباب گله وشکایت خودقرار بدهید یاخیوه‌را بجهت تربیت مستعد تراز ایران بگوئید همینقدر بشما میگویم نه خودتان تغییر اعتقاد در باره ایران بالخاصه در باره ذات مقدس همایونی روحنا فداه بدهید و نه بگذارید از برای دولت وملت خودتان تغییر اعتقادی بشود زیراکه عظمت وقدرت و درست قولی وحسن وفای دولت انگلیس بخوبی‌بالا تر ازآنچه شما میل‌داشته‌باشید‌مشهود خاطرمبارك گشته واطمینان‌تمام‌بشما دارندوباسایرین مماشاة‌میفرمایند چنانکه خود شماهم‌مماشاة می کنید خلاصه‌صحبت خیلی زیادتر‌ازاین‌شد که‌بعرض خاکپای‌مبارك‌روحنا فداه رسانیدم

درحضور انور مشهوداست که ازبرکت تربیت همایونی درصحبت و مذاکره امکان ندارد که اهالی خارجه بتوانند برفدوی تفوق حاصل کنند . الامرالاشرف الاقدس‌الاعلی مطاع غلام خانه زادحسین .»

اعلان بطلان امتیازنامه

بعد ازاین ملاقات واقدامات دیگروخواستن نظر مأمورین ایران مقیم کشورهای بیگانه مخصوصاً ملکم وزیرمختار ایران درلندن چون ناصر الدین شاه میل داشت که برای آرامش مردم وآسایش فکر خود هرچه زود تر موضوع لغو امتیازنامه اعلان ودر مجامع عمومی برای مردم خوانده شود مجلسی باصوابدید سپهسالار مرکب ازکامران میرزا نایب السلطنه – میرزا یوسف خان مستوفی الممالك–حسام‌السلطنه مراد میرزا – اعتضادالسلطنه‌وخود سپهسالار تشکیل میشود وموضوع‌را مطالعه و سپس گزارشی بشرح ذیل برای ناصر الدین شاه تهیه مینمایند .

« بتاریخ شب چهارشنبه بیستم شهررمضان المبارك (۱۲۹۰) حسب الامر الاقدس الاعلی درمجلس خاص

در بار اعظم دستخط همایون درباب اعلان بطلان و فسخ امر راه آهن زیارت شد. صورت منظورات ملوکانه دراین مساله بیان شد بالضروره تفصیل اقدامات باین امر هم که موافق امر ملوکانه جناب جلالتمآب مشیرالدوله متصدی بوده اند برای مزید اطلاع اعضای مجلس شرح داده هیئات امروزه اینکار راکه درچه نقطه است توضیح نمودند.

معلوم شد که عجالة درملاقات سفیر انگلیس وسئوال وجوابها کهبامیرزا ملکم خان و کلنس وکیل رایتر شده است تنها دلایل نسخ وابطال قوتی یافته است نه اینکه هنوز ازختم وقطع کارا طمینان حاصل شده باشد واگر دراین حالت باعلان وانتشار امر اقدام شود شاید باز زحمتی حادث شود ووسیله حرف وادعائی بدست رایتر ووکلای او بیفتد صلاح دراین است که اولا چند روز تامل شود تاجواب تلگرافها که بلندن گفته شده است برسد ویکباره ازاسکات ویاس رایتر مطمئن شویم.

ثانیاً بعد ازاختتام امر و اطمینان از گذشتن کار اعلان وبطلان راه آهن را لازم نیست فرمان بنویسند و درمجمع عوام بالای منبر خوانده شود همین قدر باشرح مقدمات مساله بطوریکه قصور و کوتاهی را منحصراً برایتر ووکلای او بگذارند شرحی در روزنامه دولتی چاپ شود وبعضی ولایات هم مختصراً باتلگراف اخبار کنند بیش ازاین ضرورت ندارد.

رای مجلس این است که معروض افتاد تامقتضیات رای آسمان آسای اعلیحضرت همایون ارواحنا فداه چه باشد نایب السلطنه امیر کبیر - یوسف بن محمد حسن - حسام السلطنه اعتضادالسلطنه - غلام خانه زاد حسین.»

و برای اطلاع مردم درروزنامه رسمی ایران مورخ ۱۹ رمضان ۱۲۹۰ این اعلان منتشرمیگردد

«مطالعه کنندگان روزنامه ایران البته دانسته اند که سابقا فیما بین اولیای دولت ایران و بارون ژولیس رایتردرامتداد راه آهن ازرشت ببوشهرشده قرارنامه منعقد شده بود وچون تااین تاریخ که قریب یکماه از موعد شروع حقیقی بنصب و امتداد راه آهن منقضی شده وعلامات قصور وعدم تمکن بارون مزبور بوفای عهد و حفظ اصول قرارنامه خود شایع ومعلوم شد.

آنچه برما محقق ومعلوم شد دولت ایران قرار نامه مزبوررا کان لم یکن فرض کرده ورأی خودرا بواسطه تلگراف بخود بارون رایتر وبموجب تحریرات رسمیه بوکیل مشار الیه دردارالخلافه اعلام نمودند که دیگر قرارنامه مزبور لغو وباطل وازدرجه اعتبار ساقط است.»

وچند روز بعد از آن ازطرف حسنعلی خان وزیر فواید عامه بطلان امتیاز نامه رسماً به کولینز نماینده رویترو ازطرف وزارت امور خارجه به سفارت انگلیس اطلاع داده میشود ونیز اعلان رسمی بشرح زیر صادر میشود:

هو

اعلان رسمی

چون بارون ژولیس رایتر درماده قرارنامه راه آهن که بادولت علیه ایران منعقد کرده بود وفای بوعدهای صریحه مندرجه درقرارداد خود ننموده وشروع بعمل درمدت معینه نکرد لذا دولت علیه ایران بموجب حقیکه بمدلول فصول قرارنامه بجهت خود باقی گذارده بود قرار نامه مزبوررا الغاء وابطال نموده ودرحکم کان لم یکن گذارد واین رأی ثابت خودرا بموجب تحریرات رسمیه بوکیل مشار اله در دارالخلافه معلوم ساخت وازتاریخ امروز قرار نامه راه آهن منعقده بابارون مشارالیه وامتیازاتیکه باوداده شده بود عاطل وباطل وازدرجه اعتبار ساقط است.

وهمچنین در تاریخ پنجم دسامبر ۱۸۷۳ (جمعه ۱۴ شوال ۱۲۹۰ هجری) تلگرافی بشرح

ذیل بسفارتخانه های ایران درلندن وپاریس وپطرزبورغ واستانبول مخابره میکنند.

«چون بارون رویتر ازعهده تعهدات خود برنیامد ومخصوصاً شرایطی که درفصل هشتم وبیست وسه مقرراست پیش ازانقضای مدت مجری نشد در اینصورت که امتیازی باقی نمیماند ومثل این است که کان لم یکن است برای آگاهی خودتان اطلاع داده شد.»

درتلگراف به سفارت لندن این مطلب هم اضافه شده است.

«وجهی که برسم ضمانت دربانك گذاشته شده باید ضبط نمائید بهیچوجه اجازه ندارید در باب قرارنامه مخصوص راه آهن گفتگو نمائید. طهران پنجم دسامبر ۱۸۷۳»

ملاقات سپهسالار با وزیرمختار روس

ناصرالدین شاه ومخصوصاً میرزا حسین‌خان سپهسالار که بعد از بازگشت ازسفر اروپا بعللی وازجمله نارضائی دولت روسیه ازکار برکنار شده بود پس ازآنکه دوباره روی کار آمد وامتیازنامه رویتررا لغو کرد بروسها میگفتند امتیازنامه رویتررا بخاطر دولت روس باطل کردند واین امررا وسیله‌ای برای نزدیکی دولتین ایران وروس قرار داده بودند. میرزاحسین خان سپهسالار بعد ازلغو امتیازنامه مزبور دراین باب با «مسیو بکر وزیر مختاروایلچی مخصوص» روسیه ملاقاتی مینماید وجریان آنرا درگزارشی که بتاریخ ۱۲ شوال ۱۲۹۰ هجری درجاجرود بنظر ناصرالدین شاه میرساند اینطور شرح میدهد.

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم. بر حسب امر واراده ملوکانه روحنا فداه روز شنبه ۸ شهر حال درسفارت خانه دولت بهیه روسیه باوزیر مختار دولت مشارالیها ملاقات نموده بعد از تعارفات رسمیه بسر مطلب رفتیم وزیر مختار شرحی‌ازمضراتی که این راه آهن بجهة دولت روس داشت بیان‌نمود فدوی خانه زاد گفتم‌ازدقیقه که پرنس‌قارچاقوف اظهار مطلب درخاکپای همایون نمود واعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه دریافت فرمودند که اعلیحضرت امپراطور واولیای دولت روس مایل بعمل راه آهن نیستند برخود مخمر فرمودند نه اینکه تنها دراین عمل مساعدت لازمه را بعمل نیاورند بلکه بطور حتم قرار نامه حاضره را لغو و باطل بفرمایند و ازهمان روز تااین دقیقه فرمایشات ودستورالعمل ملوکانه بمن در این امر بوده است ومتصل تاکیدات‌همایونی بوقوع میرسد تااینکه‌دیدند والان بمشاهده شما میرسانم که ابطال والغای قرارنامه‌را بموجب تلغراف بخود بارون رویتر وبموجب نوشتجات رسمیه بوکیل او دردار الخلافه اعلان نمودیم و مصنف روزنامه ایران هم‌این‌اعلان رابجمیع اهالی‌داخله وخارجه اخبارنمود وهمه‌روزه هم‌من مشغول مبادله نوشتجات با وکیل‌رایتر هستم وهر کاغذ راازکاغذ اول سخت‌تر وبااثبات‌تر مینویسم وخیال‌دارم دراین‌روزها برشت‌تلغراف نمایم اگرچند نفرعمله درراه کار مینمایند مانع‌شده ونگذارند. ازاین‌بیانات ظاهراوباطناً مسرورشد وگفت‌اگر دولت روس‌راضی ومایل به‌این‌راه‌آهن نبوداز برای دولت ایران‌هم نافع نبودفدوی گفت این مسئله‌ایست طویل‌الذیل عجالة‌مجال دخول‌در این مبحث‌نداریم لکن‌بطور یقین اعلیحضرت ملوکانه روحنافداه محض‌عدم میل امپراطوراین قرارنامه رابرهم‌زدند نه‌خیال وتصور دیگر - بعد گفتم شبهه‌شمادر کجا بوده‌است بگوئید تامن‌بقدری که فهمیده‌ام درصدد رفع‌اوتوانم برآمد. گفت درفصل‌هشتم مینویسد اگرتاپانزده‌ماه ازتاریخ امضای‌قرار نامه شروع بکار نشود یکصدهزار تومان مرهونه ضبط‌خواهد شدبارون رایتر بهمین کاری که کرده‌است خواهد گفت من شروع کرده‌ام فدوی گفتم درآخر فصل‌میگوید که‌اگر تاخیردر شروع ازبابت‌جنك درممالك خارجه وغرق وتاخیردر حمل ونقل بهم‌نرسیده باشداگرمقصود ازشروع همین تسطیح یکربع‌فرسنك زمین‌بود که حالا کرده‌اند ازبرای همینقدر کار بهیچوجه محتاج بفرنگستان نبودند که‌ازآنجا چیزی‌حمل ونقل نمایند که‌غرق وتاخیر حمل‌ونقل آنها را معاف تواند داشت‌وزیرمختارمشارالیه بهیچوجه ملتفت‌این‌فقره نشده‌بوداز‌استماع ودریافت‌این دلیل‌خیلی‌مشعوف شدو گفت

خوب عذروبهانه بدست آورده‌اید گفتم همینقدر لیست ازبارون رایتر نوشته دارم که درایام مسافرت همایونی درفرنگستان باکمال اصرارششماه دیگراز من تمدید مدت میخواست اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنافداه بنابفرمایشی که به پرنس قارچاقوف فرموده بودند راضی نشدند و مدت مرحمت نفرمودند اگرمقصود ازشروع همین است و بود که بعمل آورده‌اید خواستن مهلت ششماه دیگر ازبرای چه بود آشکاراست که مقصود ازشروع گذاردن میل‌های آهنی است که نمی‌توانست درمدت معینه درقرارنامه برساند وششماه دیگرمدت میخواست علاوه براین دو دلیل فصل بیست وسیم صراحة میگوید که کمپانی مجبور ومتعهد است که شروع بهراه آهن ومعادن ومیاه وجنگل رادفعة واحده نماید وبه‌اقرار واعتراف خودش به‌آن سه‌فقره اخیره بهیچوجه شروع نکرده‌است همینکه دریکی‌از چهار امرشروع نکرده باشد مثل اینست که درهیچیك شروع ننموده‌است ومقصود ماحاصل‌است علاوه برآنچه شفاها بشما گفتم نوشتجاتی که‌دراین ماده فیمابین‌من ووکیل رایترمبادله شده است وادله راواضحا ومشروحا درآنجا نوشته‌ام همراه خود آورده‌ام که اگر بخواهید ملاحظه نمائید ازاینفقره‌زیادتر ممنون‌شد وازمن خواهش کرد که‌نوشتجات را نزد او بگذارم امشب بدقت درست ملاحظه نموده گفت خودم برداشته بیاورم وبشماتسلیم مینمایم و گفت در روزشرفیابی قرارشد که بعداز ملاقات باشما اعلیحضرت همایون شاهانه‌دستخطی مرقوم‌فرمایند که‌از روی اومن تلغراف رمز به پرنس قارچاقوف بفرستم گفتم‌از این‌فقره من‌اطلاعی ندارم فرمایشی بمن‌نشده‌است خواهش کرد که درغرض وتقدیم راپورت عاجزانه بخاکپای اقدس‌اعلی اینفقره رانیز عرض نموده وجواب‌بمشارالیه بدهم بهرچه امرقدر قدر همایونی شرف صدوریابداطاعت خواهدشد.

درهمان روز برحسب امرهمایونی روحنافداه ازوزرای مختار انگلیس‌وعثمانی واطریش وفرانسه‌هم بازدید نمودم چون امر فرموده بودید که صورت مجلس ملاقات با وزیر مختار روس را بواسطه عریضه عرضه دارم جسارت نمودم. الامراقدس‌الاعلی مطاع مطاع مطاع

غلام خانه‌زاد حسین»

بعدها نیز هروقت اقدامی در این موضوع بعمل میآمد بمنظور فوق الذکر کم و بیش جریان آنرا بروسها اطلاع میدادند چنانکه ساعدالملك وزیرمختار ایران درپطرزبورغ درگزارشی که بتاریخ ۲۹ ذی‌الحجه ۱۲۹۱ بتهران فرستاده مینویسد:

«خدایگانا سئوال وجوابی که‌فیمابین‌حضرت‌اجل‌ووزیرمختاردولت‌انگلیس درباب‌امربارون رطررد وبدل شده‌بود سوادی ازآنها را ازبرای استحضاراین بنده ایفافرموده بودند درنهایت بوقت وبموقع رسیدزیرا که همان روزها روزنامهای خارج وروسیه دایر باین‌فقره تفصیلات زیادچاپ ومنتشر می کردند این‌بنده بدون فوت‌فرصت، و موقع کار هردو مراسله راباکمال دقت ترجمه کرده خودبرده بوزارت‌خارجه داد وخواهش کرد که‌همان روزبملاحظه پرنس شانسلیه برسانند آنچه که لازم‌میدانست شفاهاهم دراین‌باب بیان‌نمود و خواست بهرراهی که بتواند همان ترجمه‌هارا بنظر اعلیحضرت امپراطور هم‌برسانند ازتوجه بندگان مستطاب‌اجل نوعی اسباب فراهم‌آورد که همان روز در جزوراپورت‌های وزارت‌خارجه بنظر امپراطور هم‌رسید اعلیحضرت امپراطور زیادتحسین کرده بودند بالجمله همان‌مراسله‌جنابعالی خیلی موثرآمدبرقطر میگفت یك‌فقره این کاغذرا که‌این‌امرداخله‌است وسفارت‌حقی ندارد مداخله نماید جناب حسین‌خان (منظورسپهسالاراست) خوب‌ملتفت شده‌اند گفتم‌جناب دیرقطراین‌مراسله بندگان‌حضرت اجل‌که در جواب‌وزیر مختار انگلیس نگاشته‌شده باعتقاد من‌متضمن زیاد عبارات سخت است میتوانستند بلباس دیگر هم‌جواب بنویسند لیکن‌من محض‌ازبرای اینکه بوزارت خارجه اینجادرست مشخص شود که‌جناب اشرف مانع احداث راه‌آهن‌نیست ونمی‌خواهد که‌این‌فقره بارون‌رطیر دوباره بمیان‌آید این کاغذها راترجمه کرده‌بوزارت نشان دادم ناشمادرست ملتفت شوید بااینکه حالادولت انگلیس راه سئوال‌وجواب تازه باز کرده است بازکمال ایستادگی ازطرف جناب مستطاب اجل‌مرعی است ومانع این‌خیالات نیستند ومن‌بعد بشمادرست معلوم خواهدشد کسی که‌درایران طالب‌راه‌آهن است ومحسنات اورابهتر ازسایرین ملتفت میباشد جناب مشیرالدوله است و بس و چون استحضاربندگان‌حضرت‌اشرف امجددام اجلاله‌العالی ازاین‌تفصیل‌لازم‌بود جسارت بعرض‌مراتب‌نمود زیاده‌چه جسارت نماید ۲۹ شهرذیحجة‌الحرام‌سنه ۱۲۹۱» (محل‌مهرساعدالملك) درحاشیه‌نامه‌خودساعدالملك باخط خود نوشته» تصدقت

شوم اعلیحضرت امپراطورشفاها بخوداین بنده فرمودند که جواب وزیرمختارانگلیس رادرباب امربارون روطرکه بوزارت خارجه داده‌بودی دیدم اولیای دولت ایران خیلی خوب جواب داده‌اند هرگاه تاآخر بهمین سلك بروند خوب است بنده‌عرض کردم همیشه‌همان جواب راخواهیم داد »

اقدامات رویتر بعداز لغو امتیازنامه

بعد از آنکه بطلان امتیاز نامه از طرف دولت ایران اعلان میگردد باوجود مکاتبات و مذاکرات مستر کولینز چون نتیجه ای نمیگیرند رویتر و نمایندگان او در کشورهای مختلف اروپا باوسائلی که در اختیار داشتند سر و صدای زیادی در روزنامه های اروپا راه انداختند ودولت ایران رابه‌بدقولی وبی‌اعتباری متهم کردند .

درتهران نماینده رویتر بدولت ایران اخطار میکرد که امتیاز نامه بقوت خود باقیست و هر خسارتی که بواسطه انتشار خبرلغو امتیاز نامه متوجه آنها گردد بعهده دولت ایران است.

پس ازلغو امتیازنامه مهمترین اقدام بارون جولیوس رویتر مسافرت بروسیه بود . ظاهراً منظور رویتر ازاین سفرآن بودکه قسمتی از امتیازنامه را به‌عده ای از سرمایه داران روسی بفروشد و آنها را در اینکار شرکت دهد تاضمن تهیه سرمایه‌ای شاید بدین وسیله بتواند موافقت‌دولت‌روسیه راهم برای‌اجراء امتیازنامه درایران‌جلب نماید

میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملك قائم مقام ، وزیر مختار ایران درروسیه بتاریخ ٤ ذی القعده ۱۲۹۰ از پطرزبورغ گزارشی‌راجع باین موضوع بشرح زیر بتهران فرستاده است .

«سفارت ایران درپطرزبورغ .

خدایگانا اگرچه تفصیل حالت‌بارون روتررا بتوسط تلغراف عرض‌کرده بودم حالاهم مجددا عرض می نماید این مرد درماه شوال به‌پطرزبورغ باعیال خودآمد دوسه هفته به‌آمدورفت ازخود مشارالیه غیراز اینکه‌خود ستائی‌نماید وجلال وجبروت تحویل بدهداین بنده چیزی‌نفهید لیکن‌در باطن امر مراقب حالت‌او بوده که اصل نیت ومنظور اورا ازآمدن روسیه بداند ازقراریکه این‌بنده فهمیدددر همه ممالك اروپادر جمیع پایتخت‌های سایر دول این مرد قدم‌زده است بلکه بتواند کمپانی وپولی پیدانماید مقدور نشده درهرجا عذری شنیده بالاخره اینجا آمده عمده مقصودش این‌بوده است که هرگاه بتواند بدولت‌روس حق‌خودش رابفروشد درحالتی که این‌فقره سر نگرفت بااشخاص صاحب مکنت بنای‌شراکت گذارده وحتی‌چند نفررادر قلوب (کلوپ) انگلیس که هرشب آنجا میرفت قدری هم‌نرم کرده بود همینکه کار گذاران اینجااین مسئله رافهمیدند درباطن بهمان‌اشخاص رسانیدند که از او دوری نمایند ودر روزنامه‌پطرزبورغ هم‌مجملا همینقدر اعلام کردند باورن‌روتر که‌راه‌آهن ایران رابرداشته است بسازد وابدا این‌فقره سرنخواهد گرفت به‌پطرزبورغ آمده‌است این‌انتشار هم‌نکث کلی‌بحالت او‌رسانیدازآن طرف هم که‌از جانب بندگان جناب‌مستطابعالی تلغراف اخباررسید که‌روتر شروط قراردادنامه را در مدت معینه نتوانست بجابیاورد باطل‌شد این‌بنده اخبارداد دیگر دراینجا بندنشده گویا بلندن رفت‌از قراری‌که این‌بنده‌شنیده درروزنامه‌های مشهورآنجا پروتست کرده است که‌هرگاه دولت‌ایران بخواهد قرارنامه مرباطل نماید مسئولیت‌آن بپای دولت ایران خواهدآمد اگرچه وقت‌رفتن گفته است بعدازدوماه بازمراجعت بروسیه خواهم کرد گویا بی اصل باشد دیگر نخواهد آمد چرا که فهمید فایدهٔ مترتب نخواهد شد زیاده‌جسارت کرده معروضه ٤ذی‌قعده ۱۲۹۰ محل مهرساعدالملك»

ساعدالملك درتاریخ دهم ماه ربیع الاول ۱۲۹۱ درگزارش دیگری راجع برویتر

اینطور مینویسد .

«راپورت — ازبارون روتر وازراه‌آهن بهیچوجه دراینجا خبری‌مذکور نیست‌حتی درروزنامهای خارجه هم که هرروز بسفارت می‌آید دایر باین‌فقره چیزی‌دیده نمیشود لیکن‌بالقطع بارون روتردر باطن مشغول کار است می‌خواهد بادستیاوی بعضی‌اشخاص که دراینگونه امورات مسائل شرعی‌وعرفی درست می کنند لباس‌باینکاربپوشاند بعدبمیدان بیاید چنانکه مسیوکوت درکاغذ خودکه بدیر قطرژورنال پطرزبورغ نوشته بود درآنجاصراحتاذکر کرده است ازآودکاتهای مشهور انگلیس تحقیق‌مسئله راکرده‌ایم حق‌را بطرف‌بارون روترمیدهند فقط‌دولت‌ایران درصورتیکه دلایل‌او موافق قانون‌دولت انگلیس باشدمستحق همان‌چهل‌هزار لیره گروی خواهد بود نه‌اینکه می تواند قرارنامه شومن‌دفر را بالکلیه بهم‌بزند لیکن‌جای هزار افسوس است که این‌عمل شومن‌دفر ازاول‌اینگونه ابتداشد وناقص ماننداین‌مرد بدون اینکه امورات‌خود را اول محکم نماید وکمپانی ازبرای خودپیدا بکند خواست کار باین‌معظمی راتنهاخود ازعهده برآید هرذی‌شعوری این‌مسئله رابعداز جزئی غورملتفت میشد که ازقوه بفعل نخواهد آمد کاری که نتوانست صورت بدهد سهل است سرمشق بدی‌هم بسایرین داد مکرر بعضی‌اشخاص نزد این بنده می‌آیند میروند تحقیق بعضی‌فقرات رامینمایند عمده‌منظورشان این‌است که‌هرگاه درایران بخواهندراه‌آهن بنانمایند همه‌امتیازات بارون‌روتر رابایدبه‌آنها نیزبدهند این بنده غیر ازاینکه جواب شافی بدهد که اینکاردخل بسفارت ندارد درطهران بایدبااولیای دولت‌علیه مذاکره بشودخود رادخیل کاری‌نمیکنند وتاحالا هیچکس را هم دعوت نکرده‌است که‌بطهران برود صریح میگوید هرگاه مثل سیاح کسی‌برود مختار است‌. در آن ضمن میتواند خیالات خودرا هم‌درخدمت اولیای دولت علیه اظهار وبیان نماید این‌شده تاحالا مستحضرنشدکه بندگان حضرت اجل بجناب وزیر مختار اسلامبول درباب همان شخصی که جنرال اغناطیف (سفیرروس دراستانبول) مدعی‌بر این‌بود که راه‌آهن درایران بناخواهدکرد حکمی مرقوم فرمودند وجواب بافایده از آنجا بعرض بندگان حضرت اجل رسیده یاخیر زیاده ازاین چه‌جسارت نماید .

معروضه دهم شهرربیع‌الاول سنه ۱۲۹۱ محل‌مهر ساعدالملك .»

اختلاف بارون جولیوس رویتر ودولت ایران قریب هفده سال‌بطول انجامید ودر این مدت رویتر باتشبث بدولت انگلستان اقدامات زیادی برای اثبات دعاوی بی اساس خود بعمل آورد وبا مکر و حیله نقشه هائی طرح کرد و پیشنهادهائی به دولت ایران داد .

کراهام استوری اقدامات ونقشه های رویتر را بعد از لغو امتیازنامه در کتاب «رویتر دریك قرن» اینطور شرح میدهد .

«از آنجاکه استدعاها واعتراضاتی که در مورد لغو امتیاز بعمل می‌آمد متساویا بلااثر بود در بهار سال ۱۸۷۴ کارگران مرخص ومتخصصین نیزبازخوانده شدند . عجزدولت ایران در مطالبه مبلغ چهل هزار لیره وجه سپرده ازبارون رویتر نیزوضع دولت ایران رامحکمتر نمی‌کرد . سرویلیام هارکورت (۱) که در این موقع مدعی‌العموم بود اظهار عقیده کرد که لغو امتیازنامه قانونا بهیچوجه قابل توجیه نبود .

نتیجه انتخابات‌فوریه ۱۸۷۴ برای رویتر امیدبخش بود محافظه‌کاران بااکثریت معتنی‌بهی فائق‌شدند وسیاست خارجی‌دیسرائیلی بسیار بیش‌از سیاست خارجی گلادستون باایران سروکار داشت . اما اعضاء دائمی‌وزارت امور خارجه انگلیس بجای خود مستقر بودند ولرد تنتردن (معاون دائمی وزارتخارجه) که‌از رویتر ظنین بود در این‌موقع نزد وزیرخارجه رویتر را متهم می کرد که «برای دولت دام میگسترد وسعی‌دارد دست وپای دولت را در آن گیراندازد» و وزیرخارجه جدید لرددربی (۲) مانند سلف خود از پنجه در پنجه شدن انگلیس و روسیه وحشت داشت .

1— Sir William Harcourt

2— Lord Derby

هنگامی که رویتر تقاضا کرد که وزیرمختار انگلیس درتهران نفوذ خودرا بکاربرد تا بن بستی را که بوجود آمده بودمرتفع کند به او جواب دادند که وی می تواند توقع داشته باشد که همان مساعدتی را که در باره هر فرد انگلیسی دیگر دراین مورد بعمل می آید ، درباره او هم میتوان مرعی داشت .

مع الوصف سرنوشت امتیازنامه ازاین پس درتهران ودر کاخ ابیض انگلستان یکسان تعیین میشد مبارزه برای تحصیل حقوق آینده صنعتی ایران شدت پیدا کرده بود این مبارزه دیگر بین یك بازرگان هوشیار و مشاورین یك شاه حیله کار بعمل نمی آمد آتش مبارزه بدامن دولت ها کشیده بود .

درسال آخر دولت گلادستون، رویتردوباره سعی خودرا بعمل آورده بود که دولت انگلیس را بنقشه خود علاقمند کند. در بهار آن سال رویترطعمه جدیدی به قلاب دام خود آویخت — بجای خط آهن ازشمال بجنوب بوزارت هند پیشنهاد کرد که ازشرق بغرب ایران راه آهن بکشد دراین باره به لرد گرانویل نوشت که درقبال تضمین احتمالی دولت جهت نصف منافع براساس یك قرضه ده میلیون لیره ازقرارصدی شش که مورد ضمانت ترکیه باشد رویتر حاضر است یك راه آهن دیگر ازاستانبول بسرحد ایران بکشد سپس راه آهن ترکیه رابراه آهن ایران منضم میساخت و بدین ترتیب یك راه آهن سرتاسری از کاله بایران ازطریق استانبول ایجاد می کرد که همواره ممکن بود بطرف مشرق امتداد یابد دراین مورد وزارت هند دچار اضطراب شد چنانکه دریك یادداشت محرمانه مذکوراست نفع وضرر ازهر دوطرف زیاد بود — رویتر تقاضا داشت که سالی ۳۰۰۰۰۰ لیره تضمین بشود واین مبلغ بسیار خطیر بود اما رداین این تقاضا ممکن بود ایران رابکلی ازچنگ انگلیسها بیرون بکشد ودر چنگال روسها بیاندازد (وزارت هند دراین مورد زیاد واقع بین شده بود) ازاین بدتر ممکن بودرویتر بکلی مأیوس شود واز تابعیت انگلیس دست بکشد وخود را تحت حمایت روسیه قراردهد بعقیده تهیه کننده یادداشت نتیجه نامطلوب بود.

در همان هفته کلیه مسئله مرابطات بوسیله راه آهن درمجلس عوام مطرح شد از گلادستون خواسته شد که در سیاست منفی سابق خود تجدید نظر کند .

اگر انگلستان باترکیه همکاری وخط نزدیکتری بهندوستان ایجاد نمی کرد فردیناند دولسپس (۱) که اکنون ازکارهای کانال سوئز رهائی یافته بود آماده این کار بود .

وی پیشنهاد ایجاد راهی ازروسیه کرده بود . امادراین موقع دولسپس دیگر دولت انگلیس را تهدید نمی کرد زیرا گلادستون ازپرداخت پول خزانه بیشتر میترسید .

در هرحال گلادستون اکنون عقیده یك متخصص رادر دست داشت که هر گونه امیدی به پیشرفت در ایران «خواب وخیال» بود گلادستون هیچ قصد تجدید نظر درسیاست خود رانداشت . مجلس اعیان نیز که با مخالفت نخست وزیر مجهز بود بطور خلاصه بوسیله لرد گرانویل برویتر جواب داد که «این امر برای دولت علیا حضرت ملکه خلاف سنت جاریه است که منافع مخارج کاری را که در یك کشور خارجی تعهد شده است تضمین نماید» دولت بطور خونسرد بی اعتنا ماند .

پیشنهاد دائر برجنبه بین الملل دادن بامتیازنامه نیز بی جواب ماند .در اینمورد رویتر حتی توانست بالرد گرانویل مصاحبه کند . رویتردر این هنگام تازه از ملاقات بیسمارك وزیرامورخارجه اطریش وپرنس کورچاکف(۱) بازمیگشت آلمان واطریش واز همه مهمتر روسیه حاضر بودند از امتیازنامه برای احداث خط آهنی که از ترکیه وایران بگذرد «جنبه بین الملل داشته باشد» پشتیبانی کنند این پیشنهاد زیاد مآل اندیشانه بود وچنان لرد گرانویل راتحت تاثیرقرارداد که مشارالیه گزارشی بملکه وگلادستون داد . اماقیل وقالها ومعاملات وکشمکشهائی که راجع بشرکت بین الملل کانال سوئز دست داده بود درس عبرت عظیمی بشمار میرفت دولت علیا حضرت ملکه آشکارا میدید که کابوس از نو پیش می آید و یك بار دیگر از دادن هر گونه کمك دولتی به رویتر استنکاف شد .

1- Ferdinand De Lesseps

1- Prince Gortschakoff

نقشه‌های مثبت بمنظور مفید واقع شدن امتیازنامه برای منافع انگلستان مورد بی‌اعتنائی واقع شده بود نخستین اثری که از ورود یك دولت رقیب بصحنه مشهودشد وزارتخارجه رابکار انداخت . در ماه اوت سال ۱۸۷۴ چندماه پس از لغوامتیازنامه‌رویتر ، ناگهان‌خبری‌تلگرافی به‌لرد دربی‌رسید که شخصی بنام ژنرال فالکن هاکن (۱) که یك‌افسر مهندس بازنشسته روسی بودموفق‌بتحصیل امتیازراه‌آهن درایران شده وبراثر فشار شدید سفارت روسیه این‌امتیاز بامضاء وزیر فوایدعامه نیزرسیده بود شاه‌بیشتر ازآن باوزیر مختار روسیه زدوبندداشت که از امضاء آن خودداری کند . این وضع که بکلی ازنظر عامه مخفی بود وخیم شده بود . هیچ دولتی در انگلستان نمی‌توانست اجازه دهدکه ایران بصورت یك‌ایالت روسیه درآید . راه علاج ظاهرا همان امتیاز رویتر بود . وزارت امورخارجه نیازی به‌تغییر سیاست خودوپشتیبانی ازرویتر نداشت .

لرد دربی می‌توانست مانند همیشه خودرا دورنگاهدارد . اماامتیازنامه رویتر سلاح‌مفیدی‌بود که‌بوسیله آن می‌توانست باسایرامتیازخواهان درایران مقابله‌کرد . اعطاء حقوق راه‌آهن بیك صاحب امتیازدیگر باشکایت حقه رویتر مواجه می‌گشت وچنین شکایتی البته ازطرف دولت علیاحضرت ملکه پشتیبانی میشد این‌ترتیب‌مورد آرزوی وزارت خارجه بود اما از یك لحاظ این روش برای رویتر از بی اعتنائی سابق وزارت امور خارجه نیز بدتر بود .

رویتر بالفعل لرد دربی را ازپیشنهادهائی که شرکت روسی قبلا باوکرده بود مطلع ساخته بود . روسها حاضر بودند در ازاء امتیازنامه رویتر کلیه مخارج اوبانضمام بیست‌در صداز منافع خودرا در مدت هفتاد سال‌از راه آهن وجنگلها ومعادن وگمرکات چهارولایت شمالی ایران بوی بپردازند رویتر این پیشنهاد رارد کرده بود زیرا آنطور که به‌لرد دربی می‌گفت «هنوز امیدوار بود که امتیازنامه رابرای حفظ‌منافع انگلستان عملی کند» بحران فالکن هاکن هرنوع شك وتردید را از ذهن‌لرد دربی دور ساخت ومشارالیه برای‌اولین بار دست باقدام شدیدزد . دربی اعتراض رسمی‌رویتر را بدولت ایران‌در باره‌اعطاء امتیازجدید در حالی‌که حقوق خود او محفوظ بود تقویت کرد وبوزیر مختار انگلیس در تهران دستورداد که‌کلیه نفوذخود را بکاربرد تاشاه را واداردد‌رمقابل فشار روسیه مقاومت‌کند این خشونت جدید تاثیرخود را بخشید .علیرغم کلیه وعده‌های ایران در ماه بعد ژنرال فالکن هاکن بالاخره پیشنهاد خود را مسترد داشت و هر گونه خطر برخورد روسیه وانگلیس منتفی گردید .

در این هنگام رویتر در صدد تصفیه دعاوی خود بنحومساعد برآمد . در صورت لزوم حاضر بود امتیاز خود را بدولت ایران واگذار نماید وغرامت مخارج خود را بگیرد . امابازهم امیدوار بود که نقشه عظیم تراو جامه عمل بپوشد . در تابستان سال ۱۸۷۵ رویتر باسماجت تمام‌منافع عظیمی‌راکه یك‌راه آهن بین بغداد و ایران برای انگلستان وهم‌برای هندوستان داشت به‌لرد دربی عرضه می‌کرد . وی‌به‌وزیر امور خارجه گفت که می تواند تعهدکندکه ترکیه کاملا همکاری خواهدکرد دربی میدیدکه این‌نقشه نیزبیش ازآنچه که دولت مایل بود دولت را دست اندرکار می‌کرد پیشنهادها یکی متعاقب دیگری میرسید ومسترد میشد وتلگرافها ونامه‌های واصل از تهران بلندن انباشته شده بود بالاخره یك نقشه تعدیل شده بین‌رویتر وشاه ایران مورد موافقت قرار گرفت - نقشه‌این بودکه‌بین سرحد ایران‌وترکیه تااصفهان پایتخت سابق ایران راه‌آهن کشیده شود و از بعضی جنگلها ومعادن بهره‌برداری شود ویك بانك درایران تاسیس گردد . وزیرمختار انگلیس درتهران موکدا از این قرار پشتیبانی کرد وعملیات آبیاری وتجدید ساختمان یك‌سد قدیمی‌را نیز به‌آن علاوه نمود . رویتراز نوکولینز را بتهران فرستاد ولرد دربی بطور غیررسمی نقشه جدید رامورد تایید قرارداد ظاهرا بالاخره چیز محسوسی از امتیازنامه حاصل‌می‌شد در همین موقع جنك بین روسیه وترکیه آغاز شد شاه ازمذاکره وحشت داشت خصوصا

1- General Falkenhagen

که جنگ درسرحد غربی ایران بود وپس‌از فتوحات روسیه شاه بیشتر ترسید . تاروپود شکست کامل شده بود کولینز در تابستان سال ۱۸۷۸ یعنی شش سال پس‌از نخستین بار که بایران آمده ازتهران باز خوانده شددرهمان سال آتش امید رویتر مجددا زبانه کشید . درماه مارس لرددربی ازسمت وزارت امورخارجه استعفاء کرد زیرا که سیاست مهاجمه آمیز دیسرائیلی نسبت بروسیه اورا ناراحت کرده بود جانشین دربی که لرد سالیزبوری بود وتقریبا همان نظریات امپریالیستی دیسرائیلی راداشت فورا بامتیاز رویتر علاقه نشان‌داد . اعتقاد رویتر و کولینز دائر باینکه کشیدن راه آهن درایران بنفع انگلستان خواهد بود باطلاع وی رسید .

در ماه نوامبر دولت ایران اظهار علاقه کرد که حاضراست بابارون رویتر راجع بساختن راه‌آهن از خلیج فارس بتهران مذاکره کنند واضح بود که سالیزبوری فعالیت می کرد .

نامه‌های خصوصی دیسرائیلی به ملکه نیز درآن موقع نشان می‌دهد که چگونه مشارالیه بطور کلی امید وار بود ایران راتقویت کنند درماه اکتبر سال ۱۸۷۹ (مربوط به‌تصرف احتمالی افغانستان‌وسیله انگلستان) دیسرائیلی به ملکه نوشت «ممکن است ترتیبی باایران بدهیم که موجب بازگشت سلطه آن کشور درآسیاشودو ایران را ازدهان حریص روسیه نجات دهد.»

امتیاز رویتر چیزی بود که دیسرائیلی می‌پسندید . مع‌الوصف ازلحاظ سیاست این‌امر مربوط به‌وزارت هندوستان بود وآن‌اداره هنوز نسبت‌بهر تغییری در وضع موجود درجاده هندوستان ظنین بود بتقاضای رویتردرباب مساعدت برای‌منافعی در اساس سرمایه لازم همان جواب مجلس اعیان داده شد . وزارت هندوستان حاضر بمساعدت نبود .

آخرین امید امتیاز راه آهن رویتر در ایران ازمیان رفت....»

مکاتبات سفارت انگلیس با وزارت امور خارجه

همانطور که گراهام استوری نوشته باوجود توسل و تشبث بارون جولیوس رویتر ، دولت انگلیس بتقاضاهای مکرر او مبنی بر پشتیبانی و تقویت برای اجراء امتیاز نامه ترتیب اثر نداد .

ولی وقتی که اتباع سایر دول برای تحصیل امتیازی در ایران اقداماتی بعمل میاورند دولت انگلیس بمنظور خنثی کردن این اقدامات دعاوی واعتراضات‌رویتر راوسیله فشار بایران قرار میداد ورسماً بدولت ایران اعتراض میکرد .

اولین مرتبه ای که سفارت انگلیس در تهران از رویتر پشتیبانی و رسماً بدولت ایران اعتراض میکند هنگامی‌است که ژنرال فالکن هاگن روسی برای تحصیل راه‌آهنی بین‌جلفاء وتبریزوبین‌رشت وتهران بایران میآید - راجع به فالکن هاگن وپیشنهاد او بعداً در جای خود بحث خواهد شد و در اینجا یاد داشت اعتراضیه سفارت انگلیس و جواب آن نقل میگردد .

جناب مستطاب‌اشرف امجدارفع‌رازحمت می‌دهدچون‌عالی‌جاه‌مجدت ونجدت‌همراه مستر کالینس‌و کیل بارون روطر در این مملکت درمقابل قرار دادی که بیك کمپانی روسیه داده شده برای ساختن راه‌آهن مابین تبریز و جلفا پروطست رسمی نموده است دوستدار از جانب اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مامور است که پروطست مذکور رابموجب اظهار رسمی بدولت ایران رسما تقویت نماید آنجناب مستطاب اشرف ارفع قبل‌ازوقت مطلع بودند که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان عمدا تابحال خودرا نگاهداری نموده‌اند ازاین که بدوستدار بیش ازاین دستورالعملی بدهند که من‌غیررسمانه اقدامات مستحسنهٔ بعمل‌بیاورد که بادعای بارون روطر استماع منصفانه حاصل‌نماید چراکه اولیای‌دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل بودند که ازهرچیزی که‌شبیه بمداخله درامور داخله‌ایران بود اجتناب نمایند آنجناب مستطاب اشرف ارفع‌نیزدر خاطر خواهند داشت که‌درچند

ماه‌قبل دوستدار برحسب دستورالعمل از اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به‌آن جناب مستطاب اشرف ارفع حالی‌نمود که اگرچه اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نمی‌توانستند از قرارداد بارون روطر در حالتی که داشت تقویت نمایند لکن‌خوشوقت میشدند اگر گذارده شود. بارون‌روطراز هرجزو قرارداد مذکور که دولت ایران آنرافارغ ازایراد بدانند بهره‌ور شود. اولیای دولت‌اعلیحضرت پادشاه انگلستان قلبامعتقد هستند که بارون روطر حق‌صحیحانه درشکایت نمودن دارد اگرچنانچه دولت ایران بخواهد راه‌آهن به‌تبریز ساخته شودویا اجازه ساختن آن بکسی دیگرداده شود لهذا دوستدار مامور است که باولیای دولت علیه ایران اصرار نماید مصلحت موقوف داشتن هرنوع اقدامی را در خصوص اجازه نامه بکمپانی روسیه مادامی که ادعاهای بارون روطر درست سنجیده نشده و باایشان ختم عمل‌نشود زیاده زحمتی ندارد فی ۳ شهر شوال ۱۲۹۱ مطابق ۱۴ نوامبر ۱۸۷۴ محل مهروزیر مختار انگلیس طیلورطامسن.»

در پاسخ نامه سفارت‌انگلیس اینطور نوشته‌اند.

«مورخه ۱۷شهرشوال ۱۲۹۱ (نمره۱۸)

وصول مراسله ۲شهرشوال ۱۲۹۱ و۱۴ نوامبر ۱۸۷۴ آنجناب‌جلالتماب رابا کمال شرف‌اعتراف‌مینمایم ومتاسفم که اولیای دولت اعلیحضرت‌پادشاه‌انگلستان به‌آن جناب ماموریت‌داده‌اند درتقویت امری که در نظراولیای دولت ایران کان‌لم‌یکن ودر حکم‌معدوم است زیراکه دوستدار باعتقاد خودم‌دولت علیه ایران آنچه‌لازمه مساعدت وموافقت بود تابدرجه‌که در قوه داشت درباره‌بارون رایتر بعمل آورد که شاید مومی‌الیه بتواند شرایط امتیازی که باو داده شده بودبعمل‌آورد پس‌ازآنکه بارون مومی‌الیه ظاهرا وعلنا ازعهده تعهدات خودنتوانست بیرون‌بیاید واز تحقیقات خارجی که درکمال دقت کار گذاران دولت ایران درباره بارون‌مومی‌الیه بعمل‌آوردند ومایوس شدند که اوقوه ومکنت انجام تعهدات خود راداشته باشد ویقین کردند که منظور ومقصود مومی‌الیه کارکردن وباتمام رسانیدن امورات متعلقه بمنافع‌عامه چنانچه در قرارنامه قیدودرج است نبود باکه می‌خواهد در فرنگستان این امتیاز را وسیله یك معامله (؟) بجهت خود قراربدهدآنوقت بدلایلی که درمکاتبات فیمابین دوستدار وعالیجاه مستر کالینس(کولینز مندرج‌است ودر موقع خودسواد جمیع آنها بسفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان داده شده است امتیاز مزبور را بنابه قصوراتی که ازبارون رایتربوقوع رسیده بود لغووباطل نمودند واولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این‌حرکت اولیای دولت‌ایران راعاقلانه معدود نموده رفتارمارا تصدیق وتحسین نمودند و اگر دولت ایران ذره حق‌از برای بارون رایتر تصور میکرد هرگز هیچ امتیازی بکمپانی دیگر نمی‌داد ودر این‌موقع بخاطر محترم‌آن جناب جلالتماب می آورم اظهاراتی که در باره بارون رایتر وزیر مالیه و وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان درپارلمنت ماتی انگلیس نموده‌اند باکمال احترام‌معذورم از اظهار این که دوستدار هیچ راهی بجهت مداخله رسمانه‌سفارت سپرده به‌آنجناب فیمابین دولت ایران و بارون رایتر نمی آید صورت جوابی که به پروتست مستر کالینس از جانب دوستدار نوشته شده است لفا بجهت استحضار آن جناب جلالتماب فرستادم

همواره دوستدار را نسبت‌بخودتان دراحترام فائقه برقراردانند.»

همچنین‌هنگامی که‌چندسال بعدیکنفر فرانسوی بنام‌فابیوس بو اتال امتیازاتی در ایران تحصیل می نماید مجددا سفارت انگلیس اعتراض بارون جولیوس رویتر را ضمن نامه ای بوزارت امور خارجه می‌فرستد - راجع به فابیوس بو اتال بعدادرجای‌خودشرح داده‌خواهدشدودراینجا فقط نامه سفارت انگلیس وجواب آن آورده می‌شود.

نامه سفارت انگلیس بوزارت امور خارجه

« تاریخ ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۰۰

دوستدار استماع نموده که عالیجاه موسیوباتال دراین تازگی باعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی‌واولیای دولت علیه ایران عرض واظهار نموده که بابارون رایترقراری داده که از روی‌آن بارون مزبور نمی تواند ایرادی

وارد آرد بکنسیونی که اولیای دولت ایران در این اواخر بجهت کشیدن خطراه آهن ازرشت بطهران داده‌اند لهذا دوستدار لازم میداند که به‌آن‌جناب جلالتماب اظهار نماید که این مطلب دوراز صحت‌است چرا که بارون رایتر متصل درباب دعاوی خود نزد اولیای دولت انگلیس اصرار مینماید وبازهم دراین روزها تجدید اظهار نموده و ایرادات او دراینکه کنسیون باتال نقض حقوق‌اوست باعث شده که ازجناب جلالتماب وزیرامور خارجه انگلستان تلگرافا دستورالعمل بدوستدار داده شده که به‌پروطست اودراین موارد تقویت نماید وبدولت علیه ایران‌تکلیف کند که قبل از دادن اینگونه کنسیون بکسان دیگر اول قرار امر بارون رایتر را بدهند

زیاده زحمت ندارد «محل مهر (رانلدطامسن)

فهرست عرض وزارت جلیله راجع بفقره فوق ودستخط همایونی -

درفقره رایتر جواب آخری‌همان است که چندروز قبل اعلیحضرت اقدس همایونی روحنا فداه در باغ امین حضورفرمایش‌فرموده‌اند داده‌شد ودیگر هیچ مذاکره دراین‌خصوص‌نشده است‌این‌رقعه راکه‌لفا ازعرض‌خاکپای همایونی می گذرد بغتة وزیر مختار انگلیس فرستاده است چیزی شنیده‌است ولی بتحریف اصل مطلب رابدست نیاورده واین رقعه رانوشته خواسته است وسیله وبهانه دراظهار مطلب قرارداده باشد یکی هم میخواهد اینطرف را بحرف بیاورد بالجمله چون استحضار خاطر مهرمظاهر ملوکانه ازمضمون‌رقعه اولازم بود بحضور مرحمت ظهور همایونی روحنافداه تقدیم‌نمود امرالاقدس مطاع»

ناصرالدین شاه در حاشیه آن نوشته

« شما از همان ترتیب و همان ادله که در دست دارید خارج نشده تغییری بخیال و عقیده خود ندهید هرچه‌از سفارت انگلیس در این باب‌اظهار شود همان جواب هارا تکرار نمائید .»

وچندی بعد این نامه راهم در تعقیب آن می نویسند .

نامه سفارت انگلیس بوزارتخارجه

بتاریخ ۲۲ شعبان ۱۳۰۰

نظر بمراسله دوستدار بتاریخ بیستم شهرجمادی‌الثانیه راجع به‌پروطست بارون رایتر واینکه موسیوباتال باعلیحضرت اقدس‌شاهنشاه واولیای دولت علیه‌ایران عرض واظهار نمود که بابارون رایطر قراری‌داده که‌از روی آن بارون مزبور نمی‌تواند ایرادی واردآورد بکنسیونی که اولیای دولت ایران دراین اواخر جهت کشیدن خط راه‌آهن از رشت بطهران داده‌اند زحمت‌افزا می‌شود که از قرار تلگرافی که ازجانب بارون رایطر بتاریخ‌پریروز رسیده است این اظهار مزبور موسیوباتال که باوقراری‌داده بکلی بی‌اصل است چنین‌قراری بهیچوجه دادنشده است زیاده چه زحمت افزاید . محل‌مهر رانلدطامسن»

وزارت امورخارجه درجواب‌نامه‌های سفارت انگلیس این‌یادداشت رامینویسد.

«نمره ۲۷۱- مورخ ۳رمضان ۱۳۰۰

پس‌از ملاحظه رقعه محترمه آنجناب جلالتماب مورخه ۲۲شهر شعبان ۱۳۰۰ مشعر بوصول تلگراف‌از بارون رایطر مبنی برتکذیب مسیو بواتال دراقدام بقراری بابارون رایطر مشارالیه که ذکری هم از مراسله خود مورخه ۲۰ شهر جمادی‌الاخره ۱۳۰۰ دایر به پروطست بارون رایطر فرموده بودند لازم‌شد با غایةالقصوای احترام جوابا باحضار دومسئله بخاطر آن‌جناب جلالتماب بپردازند تابالکلیه درخاطر عاطر سفیرانه آن‌جناب جلالتماب‌جای تصور شبه وحاجت قبول زحمت مجدد دراین‌مسئله باقی نماند یکی‌آنکه هر گاه‌بواتال بابارون رایطر قراری داده باشد یانداده باشد درهر گونه اقدام تکلیف خود مختار خواهد بود وصدق و کذب‌قرار مشاوالیها بایکدیگرازلوازم اطلاعات تکلیفیه‌اولیای‌دولت علیه ایران‌نمیباشددیگر آنکه اولیای‌دولت علیه نظربمراسله وزارت‌خارجه مورخ ۱۰ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۹۹ که حاوی دلایل قاطعه صحیحه مشروعه ودر دفاترآن سفارت‌فخیمه ضبطاست پروطست بارون رایطررا بلا محل و باطل دانسته بالکلیه خود را از این مذاکرات فارغ میدانند.»

باوجود مکاتبات زیادی که بین سفارت انگلیس ووزارت‌امور خارجه درباره‌دعاوی رویتر بعمل میامد نتیجه‌ای حاصل نمی گردید .

دریك نامه که تقریباً پانزده‌سال بعداز تاریخ امتیازنامه ، سفارت انگلیس بوزارت خارجه نوشته از دولت ایران می خواهند که ترتیبی برای حل این موضوع بدهند و «بدینوسیله اززحمت کثیره صداع‌افزا تبری‌جویند»

نامه مزبور باین شرح است .

«جناب مستطاب‌اشرف امجد ارفع وزیر امورخارجه دولت علیه‌ایران .

چند روز قبل شارژدفر اعلیحضرت پادشاه انگلستان را مستحضر فرمودند از اینکه اعلیحضرت اقدس شهریاری مایل می‌باشندصحت‌وعدم صحت ادعای بارن رایطر را مطرح مذاکره فرمایند یقین است که شارژدفر انگلیس همیشه حاضر خواهد بود که بروفق میل‌مبارك اعلیحضرت اقدس‌شاهنشاهی حرکت نماید امالازم‌است‌اظهار شود که این مسئله پانزده‌سال الی‌الان مابین دولتین علیتین‌ایران وانگلیس مطرح گفتگو است مقصد اصلی آن است که رفع این گفتگو بشود چنین گمان میشود که اسلم وبهترین چیزها این‌است که مسئله اینکه‌حق‌باکدام طرف است بجای‌خود گذاشته وسعی بعمل‌آید که قرار مصالحه حقه درستی‌که بکلی ادعای بارون رایطررا تمام نماید داده شود واین قسمی است که مصالح طرفین منظور شده است وامیدوار است که اعلیحضرت اقدس شهریاری جناب مستطاب اشرف امجد ارفع وزیر امورخارجه را مختار سازند که با شارژدفر انگلیس در اصول مصالحه ممکنه در این‌باب گفتگو نمایند وبدینوسیله از زحمت کثیره صداع افزا تبری جویند لازم نمی داند تکرار نماید که مقصود کلی این است که دولت علیه ایران را از این ادعای سخت پرمشقت مستخلص نماید فی۱۲ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۰۴ » محل‌مهر (آرتورنیکلسن)

درروی پاکتی که محتوی یادداشت سفارت انگلیس بوده و روی آن چنین نوشته شده «یادداشت سفارت انگلیس بشرفعرض حضور باهرالنور اقدس اعلی روحنا فداه خواهد رسید »ناصرالدین شاه‌باخط خود نوشته است .

«عمل رایتر مثل سایرقرارنامه‌های راه‌آهن که درمیان دولتین ایران وسایردول اروپ برقرارشده‌وبالاخره بواسطه عمل‌نکردن بشروط ازطرف مقابل باطل‌وعاطل شد اینهم باطل و لغو شد بدلایل موجه حالا چیزی که مانده این‌است که رایتر تنخواهی‌را که باسم دولت ایران در بانك انگلیس رهن‌گذاشته است دولت ایران باو مجانا می‌بخشد ومطالبه نمی کند غیراز این هیچ راه دیگری برای انجام حرف رایتر بنظر اولیای دولت ایران نمی‌آید که اقدام نماید ازهمین قرار جواب صریح بدهید لاغیر »

منظور از تنخواه چهل‌هزار لیره وثیقه اجرای امتیازنامه بود که در ابتدا ببانك انگلیس سپرده شده بود و دولت ایران حاضر بود این مبلغ رادر صورتی برویتر مسترد دارد که رویتراصل‌امتیاز نامه‌رابدولت‌ایران بدهدوچون‌این عمل تصدیق‌ضمنی بر بطلان‌امتیاز نامه‌بود رویترحاضر باستردادامتیاز نامه‌نشد واین‌مبلغ تاخاتمه‌اختلاف‌همان‌طوردر بانك‌ماند.

چنانکه گفته شد اختلاف بین‌دولت ایران وبارون‌رویترقریب‌هفده‌سال طول کشید وسر انجام بعداز آنکه انگلیس‌ها اجازه‌کشتی‌رانی در رودکارون رابدست می آورند وروابط ایران‌وانگلیس واردمرحله تازه‌ای می‌شود مسئله‌دعاوی‌رویترنیزحل‌می گردد ودر ماه جمادی‌الاولی سال ۱۳۰۶ هجری‌قمری (ژانویه ۱۸۸۹ میلادی) امتیازی برای ایجاد «بانك شاهنشاهی» وهمچنین استخراج وبهره برداری معادن ایران‌برویتر داده می‌شود واصل امتیازنامه سال ۱۸۷۲ رامستردمی‌دارند چنانکه شرح آن بیاید وباین ترتیب‌یك پرده ازاین صحنه ملال‌انگیز پایان می‌پذیرد .

گراهام استوزی درپایان فصل مربوط‌بامتیاز رویتر در کتاب خود می نویسد .

«اگر بگویم این نتیجه نقشه وسیع رویتر در ایران شکست محسوب نمی شود بیهوده است . اینکه برای سیاست انگلستان نیزاین نتیجه شکست محسوب‌می‌شود یانه موضوع قابل بحثی است . اگر دولت انگلیس

قویاً از رویتر پشتیبانی میکرد نفوذآن دولت درایران بلامعارض میشد اماآن‌طوری که بود امتیاز رویتر توانست با توفیق کامل سایر دول را از ایران دور نگاهدارد.»

دکتر طلوزان امتیازنامه رویتررا خیانت میداند

دکتر طلوزان فرانسوی پزشک مخصوص ناصرالدین شاه که سالهای متمادی در ایران اقامت داشت و باغلب اسرار زندگی خصوصی ناصرالدین شاه واقف و دردربار مورد اعتماد و اطمینان خاص بودنامه‌ای درمعایب امتیازی که انگلیس‌ها برای کشتی‌رانی رود کارون وسد اهواز میخواستند بناصرالدین شاه نوشته وضمن آن بمفاسد امتیاز رویتر اشاره کرده است. بدنیست که درخاتمه‌این‌قسمت ترجمه فارسی نامه دکتر طلوزان‌را نقل نمایم

«اعلیحضرتا

ابلاغ امر همایون را در باب نرفتن فدوی باهواز بواسطه کمال مرحمت و اطمینان قلبی که اعلیحضرت شاهنشاهی بخدمات طبی فدوی دارند صنیع الدوله (میرزا محمد حسنخان که بعدها اعتماد السلطنه لقب یافت) نمود نهایت تشکررا دارم که دراین بیست سال چاکری لیاقت وصداقت من درآستان اعلی ظاهر شد. باتشکر زیاد قبول فرمایش همایونی را نموده فسخ عزیمت نموده درر کاب مبارك خواهم بود و همانطورکه مکرر عرض کرده‌ام امیدوارم تاجان دارم از خدمت مثل آن اعلیحضرت پادشاه قدر دانی تغافل نورزم مقبره خود را دولاب دانسته ومیدانم اما دراین ضمن خیالی برایم آمده استدعا دارم که اجازه فرمایند بدون پرده باصداقت کاملی که دارم خیال خودرا محرمانه بعرض برسانم امیدوارم این عرض فدوی‌راکه بخط خود بفرانسه عرض کرده‌ام وصنیع الدوله بخط خودش‌بفارسی ترجمه کرده‌است‌جز وجود مبارك احدی ملتفت نشود ومقصودم ازاین عرض دوچیزاست اولا اینکه بندگان اعلیحضرت همایون چون فدوی‌را درظرف این بیست سال تجربه کرده‌اند که دولت خواه و محرم هستم بالصراحه بدون اطلاع احدی بفدوی بفرمائید که از صرافت عمل اهوازاگر افتاده‌اند ومیل‌باجرای این کار ندارند فرمایش فرمایند این فدوی فلان کومپانی یا فلان شارلاتان نیستم که قصدی جز میل باطنی ومخصوص پادشاه داشته باشم شاهد براین عرض سکوت فدوی بود باوجود چندین مرتبه تاکیدات پادشاهی از بعد ازسفر مازندران که بدوا فقره اهواز گفتگو شد تادربادن باد وهنگام توقف پاریس وتامراجعت از سفر ثانی فرنگستان که بدون عرض فدوی خود پادشاه بالصراحه طبع همایون در این مسئله جدا اصرار کردند و باکمال میل قلبی باوجود هزار قسم موانع اقدام باین عمل فرمودند حالا هم اگر تردیدی پیدا نشده بالصراحه فرمایش بشود خود فدوی باوجود تقریباً هشتصدتومان مخارج که تابحال‌نموده است اقامه بعرض ادله نموده درعدم‌اجرای آن قرار نامه که بحسب ظاهر نقصی برای امضای پادشاهی واعتبارشأن قویشوکت دولت وارد نماید وآن قرارداد ونوشته را باطل دانسته امضاء وصح همایون‌را بحضور مبارك بیاورم که بدست مبارك محو فرمائید؛

ثانیاً همین قدر خوش بختم مسئلهٔ که جمعی اصرار درکتمان و اخفای آن درخاکپای همایون داشته و دارند بربندگان پادشاهی مسلم گردد و این فقره عمل (روتر) است که کراراً عرض کرده‌اند ما این ماجرا را خوابانیده‌ایم واین عمل‌را تمام کرده‌ایم اگر چنین بود پس چرا درباد داشت که‌مسیو طومسون شارژدافر انگلیس تقریباً بیست روز قبل بوزارت امور خارجه دولت علیه ایران فرستاده‌است بالصراحه دریکی ازفصول آن نوشته تصریح بلکه تشریح کرده‌است که عمل (روتر) را نه تنها فورنك‌اوفیس (وزارت خارجه انگلیس) بلکه خودشخص ملکه باطل ندانسته برقرار میداند وهنوز رقبه دولت ایران را مرهون (روتر) تصور میکنند سواد آن نوشته نزد فدوی حاضراست اگرملاحظه نفرموده‌اند هروقت مقرر بشود بنمایم.

بندگان پادشاهی در نیاوران بلفظ مبارك فرمودند فواید این سه زیاد است من جمله سدی است برای خیالات آتیه انگلیس مشعوفم که این قرار نامه اهواز عجالة این قدر فایده بخشید که این مسئله مکتوم(روتر) درآستان مبارك ظاهر شد درست ملتفت شوید اگر هم عرض کنند دولت انگلیس درخفا بطلان قرارنامه (روتر) را بما وعده کرده‌است کذب محض است ازخاکپای همایون سئوال میکنم‌حالت انگلیس‌ها مگر نمیدانند که‌هرگز چنین‌قرارنامه معتبر که همه‌اش‌سراپاخیانت بود که‌فی‌الواقع تمام ایران رابه‌آنهاداده بودنددرخفا باطل‌نکرده سهل‌است ظاهراوباطناسخت ترمیکنند. حال‌بسته‌بمیل‌مبارك است فدوی حاضر هرنوع احکام وفرمایش‌است. دکترطولوزان»

۳

فرمان آزادی کشتی رانی در رود کارون

اهمیت رود کارون برای انگلیسها وسابقهٔ آن

یکی ازفرامینی که‌درحقیقت اعطای امتیازی بانگلیسها بود فرمان‌اجازه آزادی کشتی‌رانی دررودکارون است که توسط ناصرالدین شاه درسال ۱۳۰۶ هجری قمری صادر شد.

این اجازه که انگلیسها مدت‌نیم‌قرن برای بدست‌آوردن آن میکوشیدند متضمن مفاسد و لطمات شدیدی برای استقلال ایران بود زیراگذشته از توسعه نفوذ انگلیسها درسر تاسر جنوب ایران توازنی راکه از لحاظ بیطرفی ایران تا آنوقت تقریباً بین دو رقیب نیرومند برقرار بود بهم زد و باعث شدکه برای جبران آن امتیازاتی که حق حاکمیت و استقلال ایران را از بین می برد بروسها و دیگران داده شود بنا براین تاریخچه اقداماتی که در این باب شده شایان دقت وتوجه مخصوصی است.

از نظر دفاع سرحدات هندوستان در دست داشتن ونفوذ در سواحل خلیج فارس وجنوب ایران برای انگلیس ها اهمیت حیاتی را داشت.

تسلط بر رود کارون گذشته از توسعه نفوذ سیاسی و نظارت برنواحی جنوبی ایران از جهت منافع تجارتی و استفاده از این راه طبیعی برای حمل و نقل مال‌التجاره انگلیسی و هندی بشهرهای مرکزی ایران دارای اهمیت فوق‌العاده ای بود.

لرد کرزن در سال ۱۸۹۱ در کتاب خود راجع برود کارون و اقدامات انگلیسها برای آزادی کشتی رانی در آن مینویسد.

«تقریبا پنجاه سال قبل اهمیت فوق‌العاده‌این وسیله‌تجارت یعنی‌رود کارون که مال‌التجاره هارابشهرهای داخله ایران برساند وبامراکز گندم خیز مربوط کند وتجارت انگلستان وهندوستان را رونق دهد بتوسط سر هنری لایارد ولیوتنان سلبی شناخته شده سرهنری لایارد بواسطه دوستی که بارئیس ایل بختیاری آقا محمد تقی خان ایجاد نموده بود وهم چنین رابطه وآشنائی که باتجار عمده شوشتر داشت توانست اهمیت تجارت باایران را نشان بدهد ودرهمان اوقات گزارش جامعی برای دولت انگلستان فرستاد ویك مراسله نیز باطاق تجارت بمبئی ارسال داشت وبه آنها تأکید نمود نگذارندیك چنین فرصت ازدست برود وازموقع استفاده کنند.

اما مناسبات سیاسی آنروز انجام این عمل‌را بتأخیر انداخت دیگر در این باب اقدامی بعمل نیامد تا اینکه بعد ازگذشتن سی سال مجددا موضوع استفاده از رودکارون و بکار انداختن این مجرای تجارت مطرح گردید وبار دیگر باب مکاتبات سیاسی راجع برود کارون بین دربار لندن و دربار تهران مفتوح شد.

در سال ۱۸۷۸ (۱۲۹۵هجری قمری) حسین قلیخان بختیاری که یکی از خوانین بانفوذ این طایفه محسوب‌میشود باب‌مذاکره‌راجع بتجارت رود کارون‌را بامستر مکنزی‌نماینده کمپانی گری وپول که دربوشهراقامت داشت باز ومشغول مذاکره شد.

موضوع مذاکرات درست همان بود که در سابق بین محمد تقیخان ولایارد مطرح شده بود و باهمان صمیمیت چندی جریان داشت و کمپانی مزبور حاضر شد چند کشتی تجارتی در آن رودخانه بکار اندازد این مذاکرات واین عملیات باعث شد که حکومت مرکزی درطهران باین پیش آمد رضایت نشان نداد وحسادت ورزید و ازاجرای آن جلوگیری کرد دوست لایارد در طهران در حبس مرد و دوست مکنزی در اصفهان بحکم ظل السلطان بقتل رسید.

باز لازم بود هفده سال دیگر ازاین موضوع بگذرد تا عمال سیاسی در نتیجه پشت هم اندازیهای خود که باانواع دسایس وتعلل شرقی مصادف میشد بمقصود برسند.

درضمن مذاکرات گاهی فرانسویها داخل میشدند وکاررا چندی بتأخیر میانداختند وباامتیاز آنرابرای کشتی رانی فرانسه میگرفتند وبالاخره وسائل دیگری پیش می‌آمد که امتیاز فرانسویها لغو میشد.

سرانجام سر درومند ولف درصحنه سیاست ایران وارد گردید ودراکتبر سال ۱۸۸۸ موفق شد که فرمان آنرا ازشاه بگیرد وبانگلیسها اجازه داده شد که تا اهواز درورود کارون کشتی رانی کنند».

نویسنده دیگر انگلیسی سروالنتین چیرول (۱) در کتاب خود بنام (موضوع خاورمیانه یا بعضی مسائل سیاسی دفاع هند) مینویسد

«ازاواسط قرن نوزدهم پیدا نمودن یك راه تجارتی نزدیك بین خلیج فارس ازراه رود کارون باصفهان مورد توجه سیاح جوان آن تاریخ بوده که بعدها این سیاح باعزم باسم سرهنری لایارد معروف شد بموجب توصیه او این مسئله نیز یکی ازمسائل مهم سیاست شرق نزدیك بشمار رفت ودرحقیقت درآن تاریخ ازبین رفتن محمدتقی خان بختیاری این موضوع‌را مسکوت گذاشت زیرا که لایارد یك دوستی بسیار نزدیکی بامحمدتقی خان بختیاری ایجادنموده‌بود همینکه او ازبین رفت این فکر نیز درآن زمان دیگر دنباله پیدا نکرد درصورتیکه محمدتقی خان برای ایجاد این راه وعملی نمودن آن نهایت میل‌را نشان میداد.

هنگامیکه قشون دولت انگلیس درسال ۱۸۵۷ (۱۲۷۳ هجری قمری) محمره ونواحی اطراف آنرا اشغال کرده بود بار دیگر فرصت مناسبی بدست آمد وممکن بود این فکر عملی شود امافرصت فوت شد بیست سال بعد سرجورج مکنزی که یکی از شرکاء فعال شرکت گری و پولو نماینده چند کمپانی دیگر بود ازبوشهر بتهران رفت ودراین باب پیشنهادهای تازه‌ای نمود.

این بار نیز باوجود مساعدت رئیس دیگر ایل بختیاری ازمذاکرت تهران نتیجه‌ای گرفته نشد وموضوع مسکوت ماند تااینکه دراین اواخر یعنی درسال ۱۸۸۸ درومونددولف وزیر مختار انگلیس توانست موفقیت حاصل نموده فرمانی ازناصر الدین شاه بدست بیاورد که راه رود کارون برای تجارت انگلستان مفتوح گردد».

هرات بجای رود کارون

این شرح مختصری از اقدامات انگلیس‌ها است برای افتتاح رود کارون که این دو نفر نوشته‌اند.

دراینجا راجع بفرصتی که درموقع اشغال محمره درسال ۱۸۵۷ پیش آمده بود وچیرول بآن اشاره کرده باید اضافه شود که آن درهنگامی است که هرات از طرف ارتش ایران محاصره شده بود وانگلیسها برای تهدید دولت ایران بسواحل خلیج فارس نیرو پیاده میکنند و بالاخره ناصرالدین شاه را مجبور میسازند که دست ازهرات برداشته ومعاهده پاریس‌را منعقد نماید.

ضمن مذاکراتی که در این باب بعمل میآمد از طرف ایران پیشنهاد میشود که هرات بایران واگذار گردد و درمقابل ورود کشتی های انگلیس برود کارون آزاد باشد واین موضوع را ناصرالدین شاه بخط خود نوشته است که عین آنرا ذیلا نقل

---

1 – Sir Valentine Chirol

مینمایم وبنابراین باآنکه ارزش اجازه کشتی رانی در رودکارون درنظر ناصرالدین شاه ارزش تصرف هراترا داشت چند سال بعد آنرا برایگان وبامفاسد بیشتری در اختیار انگلیسها میگذارد

« بعداز جنك ایران و انگلیس در مسئله هرات اولین یاد داشتی را که سفارت انگلیس راجع برود کارون بوزارت امور خارجه میدهد میرزا سعید خان وزیر خارجه آنرا درپاکتی گذارده روی آن مینویسد .

«یاد داشت سفارت انگلیس درباب رودکارون وروزنامه مذاکرات باوزیرمختار»

«در اینفقره از عرض خاکپای مبارك اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه»

«خواهد گذشت .

ناصرالدین شاه پس ازملاحظه یاد داشت سفارت انگلیس در پشت پاکت باخط خود چنین مینویسد

«جناب وزیر

اولا فقره رود کارون وساختن راههای عراده ازبوشهر به طهران در وقتی طرح شده بود که مسئله هرات درمیان بود که دولت ایران درازای تصرف هرات این کاررا قبول کند وواضح است این دوکار چقدر عمده بوده است که درمقابل تصرف هرات جزء قرار نامه وعهدنامه کرده بودند بعد ازآنکه آن قرارنامه صورت نگرفت وممضی نشد این دوشرط هم باآن قرارنامه امضاء نشده موقوف شد حال چه شده است که بدون هیچ شرط عمده که در مقابل این قبول ایران ازطرف دولت انگلیس باشد باید دولت ایران مجاناً وبلا عوض این کارعمده را قبول نماید وحال آنکه یك فقره آنرا که ساختن راه عراده ازبوشهر به طهران باشد شروع کرده ومشغول است البته چاپاران انگلیس ملاحظه کرده اند که راه ازطهران الی کنار گرد رسیده است ودراصفهان هم وشیرازهم ظل السلطان باتجار مشغول حرف وقرار داداست که تجاررا شریك این کار نماید وخود هم شریك باشد ودولت هم امداد کند وراه تمام شود .

ثانیا چون فقره رود کارون جزء عمل و کارهای داخله وملتی است من بتنهائی نمیتوانم دراین فقره کاری کنم ورای بدهم مگر به اطلاع وآرای مردم ورجال دولت اگر راجع به کار داخله بود البته میتوانستم خود برای خود تنها قبول یارد نمایم چون کار عمده راجع بداخله مملکت است من قدرت ندارم که خود به شخصه رای بدهم والا دردوستی بادولت انگلیس ازهیچ چیز خدا شاهداست مضایقه ندارم اگر مورد بحث مردم نمی شدم باید رای عامه را دراین کار ملاحظه کرد ۸۹ »

بهرحال هنگامی انگلیسها جدا درصدد بدست آوردن فرمان اجازه کشتی رانی رود کارون میافتند که میرزا حسین خان سپهسالار بر کرسی صدارت ایران جلوس میکند .

ازاین تاریخ (۱۲۸۸ قمری) تاسال (۱۳۰۶) هجری قمری که فرمان مزبور صادر میگردد انگلیسها هروقت فرصتی بدست میآوردند این موضوع را بمیان میکشیدند وهرچند یکبار یاد داشت تهدید آمیزی بدولت ایران میدادند ولزوم این عمل رابناصرالدین شاه گوشزد میکردند .

نامه‌های سفارت انگلیس

برای اطلاع ازتهدیدات و مطالبی که انگلیس‌ها راجع باین موضوع اظهار میکردند متن بعضی ازیاد داشتهای سفارت انگلیس راکه درسالهای متمادی برای دولت ایران فرستاده اند عیناً بترتیب در ذیـل نقل میکنیم .

یاد داشت سفارت انگلیس بعنوان میرزا حسین خان سپهسالاروزیر امور خارجه .

محرمانه

«جناب مستطاب اشرف امجد ارفع را زحمت میدهد .

«بدوستدار تعلیم شده است که مسئله رود کارون را باز بنظر اولیاء دولت ایران»
«بیاورد و بملاحظه اینکه معلوم سازد چه قدر متناسب بل لازم است که دولت ایران»
«دفع الوقت را جایز ندارد و در اجری داشتن اقداماتی برای وسعت تجارت و بهبودی»
«حال اهالی مملکت خود در جنوب ایران که بدانوسیله قادر خواهد شد در برابری»
«کردن باحالت ترقی که حال در مملکت عثمانی همجوار پیشنهاد شده است دوستدار»
«ترجمه مطلب بعضی از کاغذی که در این تازگی در انگلستان بطبع رسانیده انـد»
«بجهت تفکرا همه آنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع محرمانه تقدیم مینماید مربوط»
«بتفاوتی که درامر زراعت وعدم اطمینان درولایت‌های ایران وعثمانی واقع در کنار»
«شط العرب حاصل است و نیز ترجمه برخی ازمراسله عالیجاه مجدت و نجدت همراه»
«ماژور اسمیت را انفاذ میدارد که چندی قبل باً نصفحات رفته بود حاوی برباز شدن
تجارت در بصره وشط بغداد در این اوان باعتقاد اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه»
«انگلستان خیلی مصلحت دولت ایران است که درتشویق تجارت در اطراف جنوب»
«غربی ایران اقدامی شود و بجهت حصول این منظور بنظر اولیای دولت معزی الیها»
«واجب و لازم است باز کردن رود کارون برای کشتی های بخار واین یکی از اقدامات
«مؤثره میباشد که میتوان برقرار نمود . در آوردن مسئلهٔ رود کارون را بنظر اولیای
«دولت ایران بدوستدار نیز تعلیم شده است که کلیه فقره برقرار داشتن اقدامات برای
« تحصیل مکنت ولایت و ترغیب تجارت خارجه را بمیان بیاورد دوستدار خواهشمند است
«که آنجناب مستطاب اشرف ارفع مهربانی فرموده این مراسله محرمانه را تقدیم»
«حضور اعلیحضرت اقدس شهریاری سازند و درضمن این خواهش مخصوصاً خاطر »
«نشان میسازد حالت ترقی شط بغداد را نسبت بحالت حالیه غفلت آمیز رود کارون»
«که فقط رودی میباشد در ایران که میتوان در آن کشتی راند در باز کردن رود کارون»
«برای کشتی‌ها و منافعی که از آن حاصل میشود فقط اعتقاد واحدی باید داشت»

«و باطمینان آنکه حال وقت آن رسیده است و دیگر تاخیری در اجری داشتن این »
«اقدام نباید روا داشت دوستدار امیدوار است که آنجناب مستطاب اشرف ارفع»
«قویا اقدام نمائید و تکلیف کنند که بدون معطلی بموقع اجری گذارده شود این اقدام»
«بلا حرف و بدون تاخیر نه تنها برمالیات خواهد افزود بلکه وجوه کثیره را وارد»
« ولایت خواهد نمود که مایه متمول شدن ورضا مندی و بهبودی حال رعیت خواهد»
« بود و بدین جهت سبب نظم واستحکام بنیان دولت .»

« برهر نیکخواه دولت ایران باید واضح باشد که هرروزی بگذارید از میان »
«برود بدون اینکه این اقدام را اجری بدارند روزی ست زایل گشته و بغفلت گذشته »
«دوستدار ممنون خواهد شد اگر آنجناب مستطاب اشرف ارفع مهربانی فرموده»
«بهرزودیکه ممکن باشد از قراریکه اعلیحضرت اقدس شهریاری در این باب بدهند»

«دوستدار را مستحضر سازند تا بدون تاخیر آنرا باطلاع اولیای دولت متبوعه خود»
«برسانند چراکه ایشان بطوریکه آنجناب مستطاب اشرف ارفع البته درک فرموده‌اند»
«این مسئله را با کمال رغبت ملاحظه نموده نهایت اهمیت را بآن میگذارند.»
«زیاده زحمتی ندارد فی ۲۲ شهر رمضان سنه ۱۲۹۰ محل مهر وانلدطامسن»
یاد داشت دیگر
«مدت وقتی است که دوستدار درخصوص انداختن کشتی بخار برود کارون با اولیای»
«دولت ایران مشغول اظهارات و گفتگو است اولیای دولت علیه مرا مستحضر ساخته»
«اند که تا آن درجه که باصل مسئله رجوع شده است قبول این فقره را نموده‌اند»
«واین اراده را دوستدار باولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اطلاع داده»
«است و نوشتجاتی که دوستدار تازه از وزارتخانه های امور خارجه وهند وجناب»
«مستطاب جانشین هندوستان وصول کرده است لزوم ومناسبت قطعی راهم برای»
«فواید تجارت انگلیس وهم برای فواید تجارتی ومالیاتی دولت اعلیحضرت اقدس»
«شهریاری را دراجری داشتن اراده مذکور بدون معطلی در کمال تاکید واصرار»
«اظهار شده است تعجب وافسوس خودرا نیز بیان ساخته‌اند ازاینکه اولیای دولت»
«علیه انجام امری راکه تأخیر آن بخیریت و صلاح ایران وفواید دول متحابه که»
«رابطه تجارتی بادولت ایران دارند خلل عمده وارد است اینقدر بتعویق انداخته»
«باشند لهذا ازجانب اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تعلیم شده است»
«که بلاتأخیر این مسئله را درتحت تفکر اهمه اعلیحضرت اقدس شهریاری واولیای»
«دولت اعلیحضرت ایشان بیاورد.
«هیچ خیرخواه حقیقی ایران نمی‌تواند مسجل بدارد امکان آنرا که دراقدام باین»
«امر برای دولت مذکور ضرری متصور است بلکه برخلاف آن بهر شخص باهوش»
«وفراستی باید ظاهر وهویدا باشد که بخود ولایت واهالی وحکومت آن مثمر و»
«فواید عمده معنوی میباشد کانسیونی یااجازهٔ نیست که بیک کمپانی داده شود ویا»
«یک دولت فردی آنرا تصاحب نماید فقط باز نمودن جاده‌ایست بتجارت عالم که»
«قبل ازوقت طبیعی بوده وحاوی فایده دادن بتوسط کشتی بخار بدون مخارج بدولت»
«علیه فقط رود کشتی رو ایران راچون حالت امر اینطوراست تردیدی که اولیای»
«دولت ایران تابحال ظاهر نموده‌اند درتحصیل این منافع مخصوصاً باولیای دولت»
«اعلیحضرت پادشاه انگلستان که درهرچیزی که مایه ترغیب ووسعت تجارت باشد»
«کمال مواظبت را دارند باید بکلی غیرمفهوم باشد تزاید کمی نقود در ایران»
«مشهوراست واشکالاتی که ازاین نایابی الی مدتی معین بمیان خواهد آمد اگر رفع»
«آن نشود میتوان قبل ازوقت دریافت نمود لهذا چیزی که حال مقتضی این مملکت»
«است متوالیا مدخول وجوهات میباشد و دولت ایران میتواند آنرا بدون احتمال»
«ضرر ومخارج حاصل نماید بتوسط صادر نمودن فرمانی یاحکم دولت مبنی براذن»
«اینکه کشتی بخار برای تجارت دررود کارون کار نماید باین واسطه مقدار زیادی»

« ازمحصول ولایات اطراف علاوه برمصارف اهالی آنجاهااست وازاینجهت درمحل »
« بقیمت نازل است میتوان عوض نمود ومتصل بخارج حمل کرددرازای وجوه نقدینه »
« این مطلب خود معلوم است که تأخیر دراجری داشتن چنین اقدامی بعبارت اخری »
« بازداشتن دولت زیادی است ازمملکت ومالیات علاوه ازدیوان . »

« برحسب اعتقادی که اولیای دولت انگلیس دراینفقره اظهارداشته اند اظهارات »
« فوق بطور یاد داشت بزبان انگلیسی قلمی شده و باتفاق ترجمه ایرانی بتوسط »
« جناب مستطاب اشرف ارفع وزیرامور خارجه بدولت ایران تقدیم میشودباخواهش »
« آنکه آنجناب مستطاب اشرف ارفع مهربانی فرموده آنرابنظر ملاطفت اثر »
« اعلیحضرت اقدس شهریاری برسانند تااراده وحکم همایون دراین مسئله برای »
« اظهار باولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بسفارت اعلام شود فی ۲۳ شهر »
« شوال المکرم سنه ۱۲۹۳ »

بعد از ارسال این یاد داشت چون کتبا جوابی ازطرف ایران بآن داده نمیشود یکسال بعد مجدداً رونوشت آنرا ضمن یادداشت دیگری برای دولت ایران میفرستند و مطالبه جواب میکنند

دولت ایران نیز درجواب چنین مینویسد.

« مراسله آنجناب جلالتمآب مورخه ۱۶ شهرشوال ۱۲۹٤ که دایربه آوردن »
« کشتی بخار تجارتی برودکارون اظهار داشته وسواد فارسی از یاد داشت خود »
« مورخ ۲۳ شوال ۱۲۹۳ ارسال فرموده بودند واصل ایادی توقیر گردیده باکمال »
« احترام جوابازحمت افزامی شود که اولیای دولت علیه ایران همواره ازخیرخواهی »
« ودوستی حقیقی دولت انگلیس قرین امتنان وزاید الوصف مایلند که حتی المقدور »
« اظهارات آنسفارت رابه احترام واجری مقرون دارند لیکن در باب رودکارون »
« وراه انداختن کشتی بخاردرآنجا بملاحظه موانع پولتیکی که بالفعل موجوداست وذکر »
« آنهالازم نیست عجالتاً بالکلیه معذوروازعدم امکان اجرای این کاردراین اوقات قرین »
« افسوس میباشد. همواره احترامات فائقه دوستدارراتسبت بخود برقراردانند »
« زیاده زحمت افزاشد ۲۰ شهر رجب ۱۲۹٤ »

فرانسویها وامتیاز کشتی رانی رود کارون

موضوع کشتی رانی دررودکارون بواسطه اصرارو ابرامی که انگلیسها درتحصیل آن بعمل میآوردند وتهدیداتی که گاه و بیگاه در این باب بدولت ایران میشد مسئله بغرنجی را برای ناصرالدین شاه بوجود آورده بود «موانع پلتیکی» یااشکالات سیاسی که دریاد داشت مزبور ذکر گردیده همان بهم‌خوردن توازن و بی‌طرفی ایران و مخالفت روسها میباشد .اگراجازه کشتی‌رانی رودکارون باانگلیسهاداده شود روسهاهمان اجازه وامتیازرا درشمال ایران باشرایط سنگین تری تقاضاخواهند کرد واگرازانجام این امرسرباززنند انگلیسهارا چگونه راضی نمایند؟

چون دولت ایران همیشه مانع عمده اینکار رامخالفت روسها ذکرمیکردانگلیسها

میگفتند رودکارون برای کلیه ملل جهان مفتوح شود واختصاصی بیك ملت نداشته باشد بدیهی است درآن صورت نیز فقط انگلیس ها بواسطه نفوذ وداشتن وسائل حمل ونقل دریائی عملا میتوانستند ازرودکارون استفاده نمایند .

بهرحال ازجمله نقشه‌هائی که برای حل این مسئله طرح میکنند اعطای این امتیاز بفرانسوی‌هاست ولی ازاین اقدام هم نتیجه‌ای نگرفتند .

لرد کرزن راجع باین موضوع مینویسد .

«امتیاز کشتی‌رانی رود کارون از سال ۱۸۷۶ تا۱۸۷۸ دومرتبه داده شدولغو گردید این امتیاز که توسط دکتر طولوزان پزشك فرانسوی ناصرالدین شاه بانفوذ روسها برای فرانسویها گرفته شد در آن قید شده بود سد اهواز را نیز باید ببندند ودولت فرانسه فقط انحصار کشتی‌رانی رودرا داشته باشد واراضی مجاور رابکاراندازد واز معادن وجنگلهای آنها استفاده کند یکنفر مهندس فرانسوی بمحل اعزام شد که در باب تنده‌های آب در اهواز مطالعه کرده گزارش دهد وبرای همین مقصود یکدسته کشتی از مارسی تابصره معین شد رفت وآمد کنند ویکنفر نماینده فرانسه هم درمحمره مقیم باشد »

طرح اعطای امتیاز کشتی رانی رودکارون به فرانسویها توسط دکتر طلوزان وهنگامی تهیه شد که ناصرالدین شاه درسفر دوم اروپا درشهر بادن باد (درآلمان) مشغول استحمام درآبهای معدنی بود.

علت لغو امتیاز فرانسویها مخالفت انگلیسها بود که این عمل دولت ایران راغیر دوستانه تلقی کرده وآنرا برخلاف نظر اولیای دولت انگلستان میشمردند.

یاد داشتی راکه سفارت انگلیس دراین باب درتاریخ ۱۰ژانویه ۱۸۷۹ (۱۵محرم ۱۲۹۶) به میرزاحسین خان سپهسالارصدراعظم ایران نوشته باین شرح است.

« جناب مستطاب اشرف امجد ارفع را زحمت میدهد »

« دیروز شرف ملاقات آنجناب مستطاب اشرف ارفع را درك نمود بمنظور آنکه »
« تحصیل جواب کند باظهارات مجددی که در دوسفر ملاقات قبل ازبابت بازنمودن »
« رودکارون را بکشتی بخار برحسب دستورالعمل تازهٔ اولیای دولت اعلیحضرت »
« پادشاه انگلستان مصرا کرده بود واین مسئله میباشد که لازم نیست یادآورخاطر »
« آنجناب مستطاب اشرف ارفع سازد که دراین مدت سه سال گذشته ازقرارتعلیمات »
« اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان بکرات ومرات باولیای دولت ایران »
« موکداً اصرارشده وخود آنجناب مستطاب اشرف ارفع مستحضرند که معزی الیهم »
« کاملا متوجه وعازم هستند که اجازه اولیای دولت اعلیحضرت اقدس شهریاری »
« را بامری حاصل نمایند که بالسویه بدولت ایران وتجارت دولت انگلیس مفید »
« فایده است . »

« جواب آنجناب مستطاب اشرف ارفع این بود که اراده اقدس همایون براین است »
« که شخصاً بطرف شوشتر ورودکارون دریك زمانی سفر فرمایند وهیچ قرار »
« داد یا اذنی که دولت انگلیس مطالبه دارد تابعد از وقوع سفر مذکور داده »
« نخواهد شد . »

« دوستدار نمیتواند از آنجناب مستطاب اشرف پوشیده بدارد مراتب تأسف و یاس »
« خودرا ازوصول چنان جواب غیر مرضیه ازطرف اولیای دولت ایران که فی الحقیقه »
« وواقعا مبنی است بر انکار قبول نمودن خواهش منصفانه وموکده دولت دوستی. »
« پس ازمراجعت موکب همایون ازاروپا دوستدار درهنگامیکه شرف اظهار عقاید »
« اولیای دولت متبوعه خودرا دراینخصوص حضوراً خدمت اعلیحضرت اقدس شهریاری »
« میکرد فرمایش همایون چنین شد که قراردادی درمیان است که باز نمودن رود »
« کارون را بکشتی های بخار نیز متضمن آن خواهد بود بنابراین بیکنفر رعیت فرانسه »
« قرار نامه عطا شد که درمعنی تجارت رود کارون منحصراً باو واگذار گردید و »
« این بکلی برعکس نتیجه می بخشد وضد منظوراتی میشد که اعلیحضرت اقدس شهریاری »
« درنظر آورده ووعده فرموده بودند و بعلاوه جای اظهار این نکته راهم دارد که »
« دولت ایران از یکطرف خواهش دولت انگلیس را که متضمن انحصار تجارت »
« نبود وفقط خواهش باز کردن رود کارون رابکشتی های بخار برای عامه بودرد »
« مینماید وازطرف دیگر به یکنفر ازملت خارجه دیگری امتیازاتی می بخشد بیشتر »
« ازآنها که دوستدار طی اظهارات خودخواهش نمود باوجود اینکه این سبب اختلال »
« خواهش اولیای دولت انگلیس میشد دوستدار وضع عمل رابقسمی دید که نتیجه »
« دیگری را منتظر بود ودرحین تقدیم این اعتقاد باولیای دولت انگلیس ساعی بود »
« که مراتب همراهی ودوستی دولت ایران راخاطر نشان ایشان سازد لکن قرار حالیه »
« را اولیای دولت انگلیس بلاحرف بهیچ قسم ملاحظه نخواهند کرد مگر بطور رفتار »
« غیر مودتی نسبت بدولت انگلیس علی الخصوص چون دولت ایران برای انجام دادن این »
« رفتار غیردوستانه نسبت بخود ضرر واردمی آورد . »
« دولت ایران دروقتی که اسباب تسهیل تجارت بادولت روس را ازقبیل ساختن »
« راه شوسه واقدامات دیگر درطرف شمال مملکت خود فراهم میآورد ازطرف »
« جنوب برای تسهیل تجارت بادولت انگلیس وترقی دادن راه عبور ومرور ابداً »
« اقدامی نکرد ـ نه فقط اقدامی ننمود بلکه حال را مایل است که یك راه طبیعی »
« تجارتی که فقط ازیك رودخانه ایران میسر است مسدود بسازد وبدین سبب تجار »
« انگلیس را لابدنماید که مال التجاره خود راازراه ممتد مخوف سخت بامخارج »
« گزاف حمل نمایند بعوض اینکه خودرا ازشاه راه طبیعی که نزدیك تروامن وکم »
« خرج وآسان تراست بهره ورسازند . »
« دولت ایران برای انکار غیرمفهوم خود بامری که لزوما مفید فایده کلی برای »
« آن دولت است بدون اینکه بهیچوجه خسارتی مخارجی برایشان وارد شودتا بحال »
« هیچ دلیلی اقامه نکرده است در صورتی که خود را دراین عقیده مصمم بدارند »
« ازآنجناب مستطاب اشرف ارفع ممنون میشود دوستدار راازدلایلی که این انکار ازروی »
« آن احداث شده مستحضر فرمایند که یحتمل اثر نامطبوعی را که ازرفتار غیرمودت »
« آمیز مبهمه اولیای دولت ایران درخاطر اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان »

« پیداخواهد شد تخفیف دهد . زیاده زحمتی ندارد »
« فی ۱۵ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۶ ـ محل مهر (شارژدفر اعلیحضرت پادشاه »
« انگلستان در دربار دولت ایران رانلد طامسن »

سفارت انگلیس چون از دولت ایران جواب قانع کننده ای نه کتبا و نه شفاهاً یافت نمیکند دو یاد داشت ذیل را در دنباله نامهٔ فوق بعنوان میرزا حسین خان سپهسالار ارسال میدارد .

« مورخ ۱۷ ژانویه ۱۸۷۹ »
« جناب مستطاب اشرف امجد ارفع را زحمت میدهد »
« نظر بصحبتی که پریروز درخصوص تردد کشتی در رود کارون با آنجناب مستطاب »
« اشرف ارفع داشت وبخواهش دوستدار تعهد فرمودند که صحبت مذکور را خدمت »
« اعلیحضرت اقدس شهریاری راپرت نمایند حال زحمت اظهار میدارد که چون در تدارک »
« فرستادن چاپار انگلستان میباشد و سواد مراسله که درهمین مسئله بتاریخ ۱۵ »
« شهر حال شرف ارسال بآنجناب مستطاب اشرف ارفع داشت برای استحضار خاطر »
« جناب جلالتمآب مارکیس آف سالزبری وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه »
« انگلستان روانه میدارد از آنجناب مستطاب اشرف ارفع ممنون میشود اگر عقیده »
« اخیره اولیای دولت ایران رادرخصوص باز کردن رود کارون رابکشتی های بخار »
« چه موافق باشد چه مخالف بدوستدار اعلام فرمایند تا اولیای دولت انگلیس کاملا »
« بتوانند قدر حالت ورفتار دولت ایران را دراین مسئله درك نمایند »
« زیاده زحمتی ندارد فی ۲۳ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۶ »
« محل مهر (شارژدفر اعلیحضرت پادشاه انگلستان در دربار دولت ایران »
« رانلد طامسن) »

نامه دیگر

« جناب مستطاب اشرف امجد ارفع را زحمت میدهد »
« چون موکب همایون تشریف فرمای شهر گردیده است یقین تاکنون برحسب »
« وعده مهربانی فرموده تحصیل جواب اخیره رود کارون را نموده اید هرگاه تاحال »
« تأخیر افتاده باشد از آنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع خواهشمند است که »
« امروز جواب اعلیحضرت اقدس شهریاری را دراینخصوص تحصیل نمایند که بچاپار »
« سفارت برسد ونیز مایل است که امروز عصر بجهة این عمل وکاردیگر شرف ملاقات »
« مسرت دریاب آنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع را درك نماید خواهشمند است »
« اگر فراغت حاصل است دوستدار را مستحضر فرمایند که یکساعت بغروب مانده تاغروب »
« وقتی را از فیض ملاقات بهجت علامات مستفیض گردد زیاده زحمتی ندارد »
« فی شنبه دوم شهر صفرالمظفر سنه ۱۲۹۶ محل (مهر رانلد طامسن)

چنانکه قبلا گفته شد بالاخره ناصرالدینشاه مجبورا امتیازنامه فرانسوی هارا

باطل میسازد ولی بانجام درخواست انگلیس ها دائر بدادن اجازه کشتی را بآنها نیز تن در نمیدهد .

روش مناسبی را که اولیای دولت ایران در برابر فشار دولت انگلستان پیش گرفته بودند گذراندن وقت وامروز و فردا کردن بود واغلب مواقع نامه های سفارت انگلیس را دراین باب بدون جواب میگذاردند چنانکه سفارت انگلیس در نامه‌ای که در تاریخ ۱۶ اوت ۱۸۸۱ بشرح ذیل به میرزاسعید خان وزیرامور خارجه نوشته مطالبه جواب یادداشت های خودرا مینماید .

« جناب جلالت ونبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهار امشفقا »
« مکرما مهربانا.
«در ۲۱ شهرشوال دوستدار شرف آنرا داشت که یادداشتی بآنجناب جلالتمآب»
«بنگارد حاوی برفواید عمده که بدولت ایران وهمچنین بدولت انگلیس حاصل خواهد»
« شد چنانچه رودکارون برای عبور ومرور کشتی تجارتی بازوآزاد بشود ودرپنجم»
«شهر حال نیزشرف آنراداشت که مراسله بآنجناب جلالتماب بنویسد که در آن مصلحت»
« انعقاد عهدنامه فیمابین دولتین ایران وانگلیس برای دفع معامله عبید را تکلیف »
« کرده بود تابحال جواب نوشتجات مذکور را وصول نکرده است وچون اولیای»
« دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان هردو فقره را با نهایت اهمیت ملاحظه می »
« نمایند وتوجه مخصوص دارند دوستدار ممنون خواهد شد اگر آنجناب جلالتمآب»
« مهربانی فرموده جواب را کتبامرقوم میفرمودند تاازمنظورواراده اولیای دولت ایران»
« در این دوماده واقف و آگاه باشد وبتواند همان را تقدیم اولیای دولت اعلیحضرت»
« پادشاه انگلستان بسازد وهمچنین در صورت لزوم قادر بر آن باشد که بعضی »
« توضیحات واظهارات دیگر را مجددا مذکور بداردزیاده زحمتی ندارد فی ۲۲ شهر»
ذی قعده الحرام سنه ۱۲۹۸
«محل مهر (وزیرمختار وایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه انگلستان رانلدطامسن)

بااین حال انگلیسها دست بردار نبودند ومرتب این موضوع راتعقیب میکردند . در ملاقاتهائی که وزیر مختار انگلیس دراین باب بااولیای دولت ایران بعمل می آورد جزوعده‌های «سرخرمن» نمی توانست جواب صریحی دریافت کند .

میرزا سعیدخان وزیرامورخارجه در گزارشی که راجع بملاقات خود ووزیرمختار انگلیس در باب رود کارون برای ناصرالدین تهیه کرده می نویسد .

«وزیر مختار انگلیس را ملاقات نموده واشکالات را گفتم قبول نکرد وگفت این کار برای ایران منافع زیاد دارد وبعلاوه نباید یك دولت دوست را رنجاند واینکه یکی از اشکالات رامرداب انزلی میدانند صحیح نیست زیرا این اجازه یعنی استفاده ازمرداب انزلی توسط روسها مدتها قبل داده شده وکشتی‌های کوچك می توانند به آنجا رفت وآمد کنند بهرحال وزیر مختار انگلیس تهدید می کند که صریح بگوئید که نمی‌خواهید خواهش دولت دوست یعنی انگلیس را بپذیرند»

بااین اصرار وتهدیدات معهذا میرزا سعیدخان این موضوع را قابل مطالعه بیشتری

دانسته وانجام آنرا بوقت دیگری موکول می‌سازد .

ناصرالدین شاه عصبانی است

رانلد طامسن وزیرمختار سمج انگلیس در تاریخ دوم ماه جمادی الاولی سال ۱۲۹۹ قمری هنگامی که ظل السلطان در تهران است یادداشت ذیل را بمیرزا سعیدخان وزیر امور خارجه می نویسد .

« جناب جلالت ونبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا»
« مکرما مهربانا .
« در خصوص باز وآزاد کردن رود کارون بجهت عبور ومرور کشتی های تجار داخله»
«وخارجه آنجناب جلالتماب خوب مستحضرند که دولت انگلیس بجهت صرفه تجارت باین»
« کار بسیار اهمیت داده‌اند و چقدر ملاحظه واصرار در اتمام وانجام این امر دارند و»
«چون اعلیحضرت اقدس شهریاری انجام این امر راموقوف ومنوط بتشریف آوردن حضرت»
«مستطاب اشرف ارفع امجدوالاظل السلطان دامت شوکته فرموده‌اند که بعضی تحقیقات»
«لازمه باحضور حضرت مستطاب معظم الیه بشود واحتمال میرود که نواب مستطاب معظم الیه»
«چندروزدیگر بمقرحکمرانی خود مراجعت فرمایند لهذا محترما خواهش می نماید که»
«حسب الامر اعلیحضرت اقدس همایونی باحضور حضرت مستطاب معظم الیه اقدامات لازمه»
«رابموقع اجری گذارند که زیاده ازاین این امر بطول نینجامد که مزید امتنان دوستدار»
«خواهد بود . فی ۲ شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۲۹۹ محل مهر (رانلدطامسن)

ناصرالدین شاه که از دیدن این نامه عصبانی می شود با خط خود بمیرزا سعید خان وزیرامورخارجه چنین مینویسد .

« جناب وزیر امور خارجه

رقعه ایلچی انگلیس را در فقره رود کارون دیدم خیلی عجیب است که آب وملك مال دولت ایران واین نوع امور مهمه در نظر ما باید اهمیت نداشته باشد ودر نظر دولت انگلیس اهمیت دارد و باید فورا تا ظل السلطان اینجاست قرار این کار را بدهد .

صریح می‌نویسم که دولت ایران نمی‌تواند اذن بکشتی‌های خارجه بدهد که در رودخانه کارون تردد نمایند.

اگر برای تسهیل تجارت است دولت ایران خود اسباب حمل ونقل مال‌التجاره را از کشتی وغیره باید فراهم بیاورد رقعه وزیر مختار انگلیسی واین جواب مارا فردا در مجلس وزراء قرائت کرده باطلاع ظل‌السلطان همینطور جواب صریح آخری بدهد »»

ساعتی بعد در دنباله آن این نامه را هم می‌نویسد .

« جناب وزیر امور خارجه

امشب ملکم خان را بیاور منزل خودت درفقره خواهش انگلیس ها درفقره کشتی‌رانی در رود کارون از او سئوالات چندی بکن آنچه اودراین مدت از انگلیسها فهمیده باشد که اصل منظور ومقصود ازاین خواهش چه چیز است ونفع وضرر این کار را بتفصیل از ملکم‌خان سئوال کن و فردا صبح بعرض برسان لیکن جواب ما همان است که ساعتی قبل در جواب رقعه وزیر انگلیس نوشته‌ام حقیقتاً اینجا همان مثل قدیم خیلی مناسب است که بی گدار نمی‌توان بآب زد وغور وتدقیق نکرده چیزی را قبول کرد و بالمآل خدا می‌داند که چه ضررها را در پی‌داشته باشد فهمیدن عقیده ملکم‌خان نیز لازم‌است »»

دو نامه فوق که ناصرالدین‌شاه بخط‌خود نوشته عیناً درصفحات ۱۶۲و۱۶۳ گراور شده‌است

راجع بکارهای میرزا ملکم‌خان (ناظم‌الدوله) وزیر مختار ایران در لندن در بخش اول کتاب کم‌وبیش اشاراتی شد و گفتیم این شخص در غالب موارد بـرای حفظ منافع انگلستان در ایران باصطلاح « دایه دلسوزتر از مادر » بود ومثل آنکه ناصرالدینشاه هم اورا خوب می‌شناخت که برای دانستن مقصود انگلیس ها می نوشت «فهمیدن عقیده ملکم‌خان نیز لازم است ».

درسال ۱۳۰۱ هجری قمری میرزا ملکم خان تلگراف رمزی‌از لندن بوزارت امور خارجه مخابره می کند وضمن آن درمورد نظر انگلیس‌ها در باره رودکارون می نویسد «وزرای انگلیس محققا ازروی دلسوزی ومحض مصلحت ایران نوشته‌اند »

متن این تلگراف بشرح زیراست .

«استخراج تلگرام رمزجناب ناظم‌الدوله

حالا که کتابچه مفصل بنده باید رسیده باشد یعنی‌جزء ثانی سند انطکریطه خوب معلوم خواهد شد این جزء ثانی راوزرای انگلیس محققا ازروی دلسوزی ومحض مصلحت ایران نوشته‌اند شرح مقدمات و معانی آنرا بعد عرض خواهم کرد مضامین آن جزء ثانی‌سند مزبور لفظا بلفظ از این قرار است .

۲ ولکن دولت انگلیس نمی‌تواند این معنی را ازدولت ایران‌مخفی بدارد که مقدار تقویت و اعانت دولت بریتانیای عظیم نسبت بدولت ایران بیشتر بسته‌به آن مقدار دوستی ومیل باطنی است که ملت انگلیس نسبت بدولت‌ایران‌باید داشته باشد ازبرای‌ازدیاد این‌دوستی ومیل‌باطنی ملت انگلیس‌بی‌شك یك‌سدی درمیان‌هست وآن اینست که امروز میانه انگلیس وایران مراودات تجارتی بغایت کم‌است ومثل‌اینست که هیچ نباشدوسد مزبور بخصوص در آن موانعی است که برای تجارت جنوب ایران برقرار کرده‌اند واگر این موانع رفع میشد تجارت انگلیس وهند درآنصفحات بسهولت وسعت مییافت اهتمامات متواتره وزیر مختار انگلیس در طهران‌بجهة افتتاح رود کارون برای کشتی‌های تجارتی تابحال بجائی نرسیده ونیز عدم راههای مناسب وامن از داخله ایران بخلیج فارس‌بجهة اقدامات تجارتی مانع کلی شده است اگر اعلیحضرت پادشاهی بلاتامل واز روی جد تدابیرموثر میفرمودند که راه تجارتی انگلیس وسایر ممالك خارجه در سمت خلیج فارس بکلی باز شود مصالح و بستگی بریتانیای عظیم‌وسایر ممالك فرنگستان‌درایران‌خیلی زیاد وزود وسعت‌می‌یافت واز اجرای این‌نوع تدابیر علاوه‌بر آبادی ایران وکثرت کلی مالیات پادشاهی برای رفاه وسعادت ملت ایران‌منتها درجه حسن نتیجه را می‌بخشید (نمره ۷۷) ملکم ۱۳- سپتامبر (۱۸۸٤) ۲۲ ذی قعده (۱۳۰۱)»

تهدیدات سردروموندولف وزیرمختار انگلیس

بعضی از نامه‌های سفارت انگلیس که در اینجا آورده شد نمونه‌هائی است ازیـاد داشت های بسیار که بدولت ایـران نوشته شده‌ومتاسفانه تمام آنها در دسترس نگارنده نیست.

قبلاً گفتم باهمه این تهدیدات وفشارها ناصرالدین شاه درمقابل انگلیسها مقاومت کرد واین موضوع‌را بامروز وفردا گذراند .

درسال ۱۳۰۵ هجری قمری‌سرهنری دروموندولف باسمت مامور فوق‌العاده بوزیر مختاری در دربار تهران منصوب میگردد .

راجع باین مرد زیرك ومنظور دولت انگلستان ازاعزام او بایران درقسمت‌های مختلف این کتاب گاهی توضیحاتی داده شده وفقط لازم‌است‌دراینجا گفته‌شود مسئله‌ای که‌مدت تاه سال انگلیس‌هارا بواسطه مقاومت وپایداری دولت ایران بخود مشغول کرده بود

بالاخره بدست سر هنری درومندولف حل میشود وانگلیسها بمقصود خود میرسند.

صدر اعظم ایران در این وقت میرزا علی اصغر خان امین السلطان بود که در آنموقع روابط صمیمانه‌ای باسفارت انگلیس داشت وبطوریکه معروف بود امین السلطان هیچ کاری‌را بدون مشورت باولف انجام نمیداد ازجمله مسائل عمده‌ای‌را که ولف مامور حل آنها گردیده بود یکی موضوع اختلاف بین دولت ایران وبارون جولیوس رویتر و دیگر اجازه کشتی رانی دررود کارون بود.

ولف این دوموضوع‌را با کمال زبردستی بکمك میرزا علی اصغرخان امین السلطان صدر اعظم ایران بطور دلخواه دولت انگلستان بانجام میرساند.

درملاقاتها و مذاکراتی که بین صدر اعظم ایران ووزیر مختار انگلیس بعمل میآمد امین السلطان قول میدهد که ناصرالدین شاه‌را وادارخواهد کرد که فرمان اجازه کشتی رانی رود کارون‌را مطابق میل ولف صادر کند.

دردنباله مذاکرات امین السلطان وولف سفارت انگلیس یاد داشتی بشرح زیر بعنوان قوام الدوله وزیر امور خارجه میفرستند.

«قلهك مورخه ۱۱ محرم الحرام سنه ۱۳۰۶ (۱۸ سپتامبر ۱۸۸۸)

«جناب مستطاب اجل اکرم اشرف عالی راتصدیع افزاست.

«بنا بدستور العمل وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان باید بنظر اولیای»
«دولت اعلی حضرت شاهنشاهی ایران برسانم که اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی از»
«سابق همیشه اطمینان و وعده مشعر براینکه کشتی رانی رود کارون بتجارت تمام»
«عالم مفتوح خواهدشد واینکه اقدامات ازبرای تکمیل وسهولت مراوده مابین عمان»
«وممالك شمالی آندولت بعمل خواهد آمد مکرر بدولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان»
«بتوسط نمایندگان آندولت مرحمت فرمودند. علاوه بر این بنا بدستور العمل باید»
«بنمایم که هیچ اقدامی دراجرای آن وعده‌ها بعمل نامده وباید سئوال کنم که اولیای»
«دولت علیه ایران وعدهای خودشان راکی خیال دارند بموقع اجری بگذارند.

«راههای منظوره ازبرای آزاده تکمیل تجارت ممالك خارجه با ایران خیلی»
«واجب است وفعلا آن تجارت بنا بموانع طبیعی عقب مانده فقط راههای دیگر»
«بپایتخت شما بتوسط ممالك دول دیگر است وتجارتی که بواسطه آنممالك عبور»
«میکند مادام عبور ازآنممالك خارج ازتحت قوانین ایران است اما دراشاره وسائل»
«ازبرای سهولت تجارت بسمت شمال مقصود دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان این»
«نیست که فائده ببرد بنفی دیگران وامتیازیکه منحصر بخود دولت انگلستان یاملت»
«انگلیس باشد نمیطلبد بواسطه اینکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان دوست»
«ومتعهد باایران وبواسطه اینکه عهدنامه مشعر بصلح ومودت بادولت ایران امضاء»
«کرده وبواسطه اینکه بادولت روسیه اطمینان درحفظ و آزادی ایران داده‌اندولت»
«اعلیحضرت پادشاه انگلستان تصور میکند که حق‌دارد دراین باب نصایح خودشانرا»
«بدولت اعلیحضرت همایونی تقدیم نماید. یحتمل اجرای فوری اقدامات عظیم درتکمیل»

«مراودات این مملکت ازقبیل اقدامی در راههای آهنی و آبی مشکل‌است ولی در»
«صدوریك اعلان‌مبنی براعلام اینکه کشتی رانی دررودکارون حالا وتاابد از برای»
«تجارت تمام ملل آزاداست واینکه دولت ایران قلیل مبالغی از برای راه انداختن»
«کارهای‌لازمه‌رودخانه وساختن‌راههای لازمه‌بسمت‌شمال‌مصروف خواهد نمود نباید»
«اشکالی داشته باشد لهذا دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان ازآنجائیکه دوست»
«ومتعهد باایران‌است بدوستدار دستورالعمل دادند که سؤال کنم که کی باید منتظر»
«اجرای اطمینان ووعده‌های سابقه ملوکانه شاهنشاهی بشوند وامیدوارند که‌جواب»
«رسمی که وصول خواهند نمود کاملا مطابق آن اظهارات مودت‌ودوستی بین‌دولتین»
«که تکمیل وبقاء آن مقصود دولت انگلیس‌است خواهد بود دوستدار این موقع‌را»
«مغتنم شمرده‌احترامات خودرا نسبت بآنجناب‌تجدید مینماید محل مهر (وزیرمختار»
«وایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه انگلستان هنری‌درامندواف)

فرمان آزادی کشتی رانی رودکارون صادر میشود

این ایام‌مقارن باسالی‌است که ناصرالدین شاه بسفرسوم اروپا میرود ولی قبل ازرفتن بسفر فرنگستان باید درخواستهای وزیر مختار انگلیس ومقدم‌برهمه موضوع افتتاح رودکارون‌برای ورود وخروج کشتی‌های خارجی انجام پذیرد باوجود این ناصر-الدین شاه ازعواقب این عمل سخت بیمناك بود وازانجام آن امتناع داشت اما بالاخره بواسطه فشار وتهدیدات وزیر مختار انگلیس ونظر موافق ومیل باطنی امین السلطان تسلیم میشود ودستور میدهد مجلسی از رجال واعیان دولت تشکیل و ترتیب اینکار را بدهند وسرانجام بعد ازمذاکراتی که بعمل میآید تصمیم میگیرند کشتی‌رانی دررودکارون برای عموم دول بدون استثناء آزاد باشد واین تصمیم را در تاریخ سه شنبه ۲۴ صفر ۱۳۰۶ (۳۰ اکتوبر۱۸۸۸) به‌تمام‌نمایندگان‌سیاسی مقیم تهران بموجب یاد داشتی بشرح ذیل اطلاع میدهند.

بسفرای دول متحابه

دولت علیه ایران نظربوسعت تجارت وآبادی‌مملکت خودوترقی فلاحت خوزستان واهواز قرار داده‌است که کشتی‌های بخاری تجارتی عموم دول بدون استثناء علاوه بر کشتی‌های بادبانی که سابقاً دررود کارون عبور ومرورمی کردند دررود کارون ازمحمره الی سد اهواز بحمل ونقل مال‌التجاره مشغول باشند ولی مشروط است بر اینکه ازسد اهواز ببالا تجاوز نکنند زیراکه ازسد ببالا مخصوص کشتی‌های بادبانی و تجارتی خود دولت ایران وتبعه دولت ایران‌است وحق‌العبوری هم که دولت ایران قرار داده‌است در محمره اداکنند و حامل اشیائی که قدغن دولت ایران است نباشند وبیشتر ازاندازه که برای گرفتن وگذاشتن بارهای تجارتی لازم است توقف نکنند بجهة استحضار خاطر آنجناب زحمت داد مورخه۲۴ شهر صفر۱۳۰۶»

درومو ندولف وزیر مختار انگلیس که انجام این کاررا برای خود موفقیت‌بزرگی میدانست روز بعد وصول یاد داشت مزبوررا اینطور بوزارت امورخارجه اطلاع میدهد.

«(۳۱ اکتوبر۱۸۸۸)
«جناب جلالت‌ونبالت نصا بافخامت‌ومناعت‌انتسابا دوستان استظهاراً مشفقا مکرما»

«مهر با نا دوستدار بدون هیچ تعویق جناب جلالتمآب وزیر امور خارجه اعلیحضرت»
«پادشاه انگلستان را ازوصول مراسله آنجناب جلالتمآب مورخه بیست وچهارم شهر»
«حال مشعر براعلام افتتاح رودکارون الی اهواز بکشتی های بخاری وبادی عموم ملل»
«متحابه باایران مطلع ساخت.
«بنا بدستورالعمل جناب جلالتمآب مارکیوس آف سالیسبوری باید قدر شناسی»
«صمیمی اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس رااز این صلاح دید لامحرك منور»
«اعلیحضرت اقدس شهریاری باولیای دولت علیه ایران اظهار نماید. زیاده مصدع»
«نمیگردد فی ۲۵ صفر سنه ۱۳۰۶
« محل مهر (وزیر مختار وایلچی مخصوص اعلیحضرت پادشاه انگلستان»
«هنری درامندولف)

بعداز چندی شرایط ومقررات کشتی رانی رود کارون را تهیه و بصورت اعلان چاپ وبشرح زیر منتشر می سازند.

(اعلان دولتی)

دولت علیه ایران برای تسهیل تجارت ومزید ثروت وانتفاع ملکیه رود کارون رادرتحت شرایط مشروحه ذیل مفتوح وآمد وشد کشتی های تجارتی عموم ملل را از محمره الی اهواز مجاز وماذون داشته است کشتی ها در رود مزبور سیر و مرور کرده مقررات دولت را لازم الاجراء خواهند شمرد و این قرار داد درظرف ده سال بلاتخلف مجرا وپس از این مدت باقتضای وقت تغییرات لازمه خواهد یافت.

۱- کشتی های دول متحابه زیاده بر ضرورت بارگیری و باراندازی و حمل آذوقه مسافرت در اسکله ورودخانه توقف ننمایند.

۲- در کشتی ها اشخاصی که وجود آنها مضر نظم وباعث گفتگو وزحمت بشود نباید باشند هر کس می آید باید تذکره از دولت متبوعه خود داشته باشد زیرا که اگر تذکره نداشته باشد فهمیده نمی شود که کارش چه چیز است.

۳- هیچ کشتی حق هیچگونه حمایت بهیچ اسم و رسم از رعایای دولت ایران نخواهد داشت.

٤- حمل اسلحه مطلقا قدغن است واگر بخلاف قدغن دولت در کشتی ها اسلحه حمل شده باشد ضبط خواهد شد.

۵- اشیاء محترقه وترکنده بهیچوجه در کشتی ها حمل نخواهد شد.

٦- صاحبان کشتی و جهامن الوجوه ایجاد هیچگونه ابنیه از قبیل انبار زغال ومال التجاره و دکان وکاروانسرا وکارخانه و غیره هادر اطراف رود کارون نخواهند کرد.

۷- از برای وضع مال التجاره و ذغال کشتی ها از طرف دولت یا تجار ایران انبار ومکان اسکله بقدر کفایت ساخته خواهد شد.

۸- از برای انبارهای مال التجاره وذغال یك مبلغ معتدل معمولی اجاره معین خواهد شد که صاحبان کشتی ادا خواهند کرد.

۹- تحویلدار انبار ذغال ازرعایای ایران خواهند بود.

۱۰- کشتی ها از بند اهواز تجاوز ببالا نخواهند نمود.

۱۱- از برای انبار مال التجاره یك امین از ایران منتخب خواهد شد ویکنفر هم از جانب کل صاحب کشتی ها و کالا مشخص خواهد شد که متفقا مراقب باشند.

۱۲- مستحفظین انبارها از قبیل قراول وغیره کلا از جانب ایران خواهند بود .

۱۳- اهل هیچیك از کشتی ها حق ندارند وجها من‌الوجوه از احدی از رعایای ایران هیچگونه ملك بیع وشراء ورهن وغیره نمایند .

۱٤- از کشتی‌هائی که در رود کارون الی نقطه اهواز عبورومرور میکنند ذهاباوایابا اگر کشتی بخاراست بهرتن یکقران واگر بادبانی باشد دهشاهی باج وحق‌العبور گرفته میشود اگر بی‌بار باشد نصف باج از آنها گرفته خواهد شد و کشتی‌های بادبانی رعایای داخله ایران که از سی تن کمتر باشد از رسوم مزبور معاف خواهند بود .

۱۵- حمالها برای حمل مال‌التجاره از اسکله بکشتی واز کشتی باسکله باعلامت و نبت مخصوص از جانب دولت معین خواهند شد .

۱٦- در صورتی که در کشتی‌ها باجازه دولت ایران عملجات ایرانی استخدام شوند از زمانیکه تحت محاکمات بیایند یا متهم شوند محاکمه و مجازات آنها مستقیما بدون مداخله احدی با مامورین ایران خواهد بود .

۱۷- در باب بیرق کشتی‌ها تحت قانون کلیه بحریه خواهند بود .

۱۸- اهل کشتی‌ها بعموم رعایای ایران باستثنای عمل داد وستد تجارت .زیاده از دو تومان قرض نخواهند داد والا حق مطالبه نخواهند داشت .

۱۹- هیچیك از دول متحابه حق ندارند مداخله در عمق و طرح و مجرای رودخانه وجها من‌الوجوه نمایند.

۲۰ - عدد واسم ورسم اشخاص که باذن واجازه دولت داخل خدمت کشتی‌های دول متحابه می شوند باید در دفتر حکومت مقید باشد وتذکره از ایران داشته باشند والا نمی‌توانند مستخدم شوند .

۲۱- چون این اجازه عبور ومرور کشتیهای تجارتی دول متحابه در رود کارون منحصراً و مخصوصا محض ترویج وتسهیل تجارت است ولا غیر باستناد این عمل بهیچوجه من‌الوجوه مذاکره پلتیکی و غیره قبول نخواهد شد .

۲۲- دروقتی که یك کشتی غرق بشود همان معامله که در عموم سواحل دریاها معمول است حق‌خلاص مال ونفوس را باهل ساحل رودخانه ادا خواهند نمود .

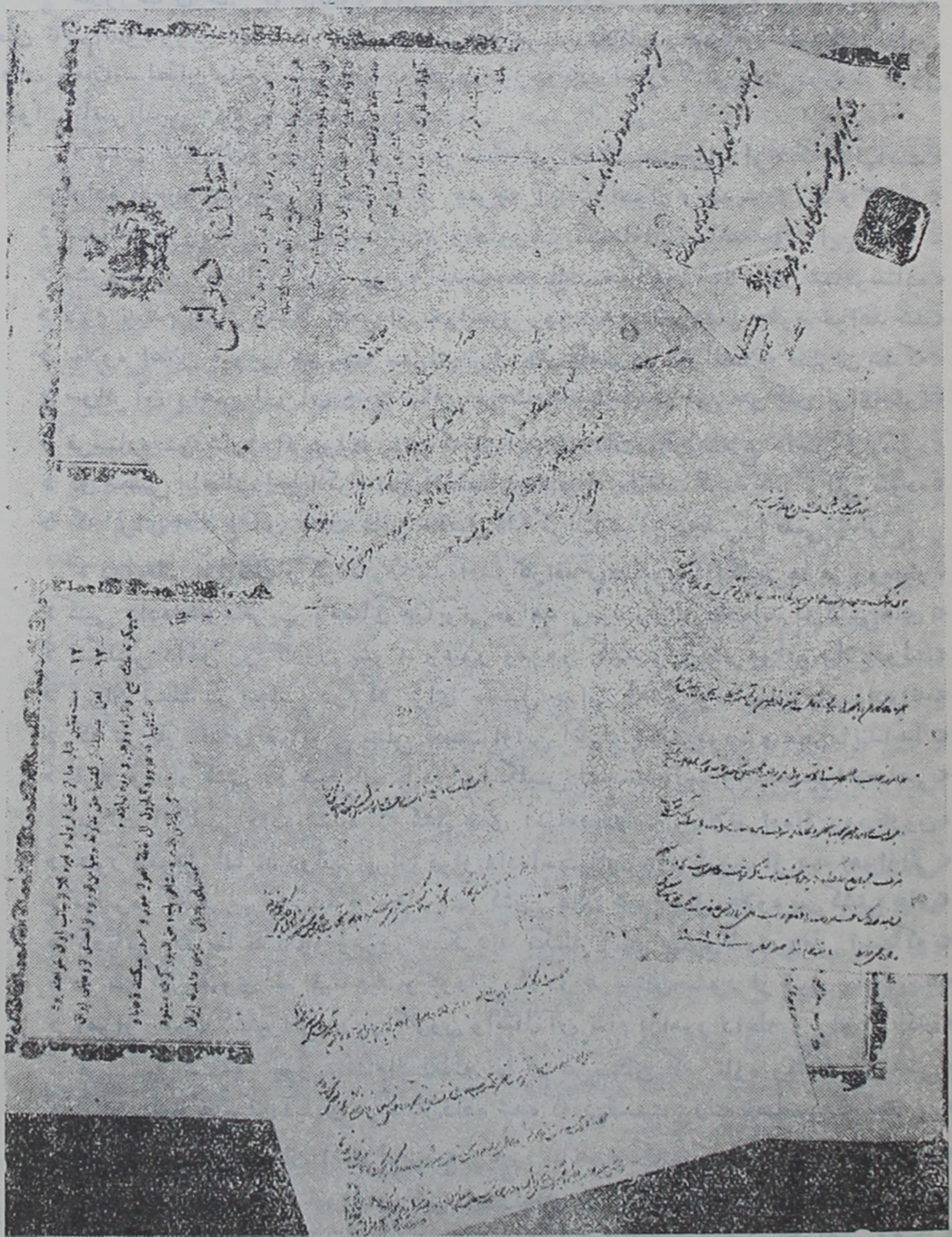
۲۳- اهالی کشتیها اشیاء مضره از قبیل اسلحه وغیره بهیچیك ازرعایای ایران وایلات وعشایرنخواهند فروخت والا اسلحه ضبط وقیمت مسترد خواهد شد .

۲٤- هر گاه هریك از کشتی‌های یکی از دول متحابه برخلاف این شروط وقرارداد رفتار نماید اگر کشتی بخار است ششصد تومان واگر بادی است سیصدتومان جریمه گرفته خواهد شد وآن کشتی تا دوسال ممنوع از آمدو شد خواهد بود . »

مقررات بیست وچهارگانه فوق رانیز در تاریخ ۱۳ماه ربیع الثانی ۱۳۰٦ ضمن مراسله مختصری بسفارتخانه‌های خارجی اطلاع میدهند وهمچنین برای استحضار عامه‌متن اعلان مزبور را در روزنامه رسمی ایران شماره ٦۷۷ مورخ یکشنبه نهم‌ماه جمادی‌الثانیه ۱۳۰٦ (دهم فوریه ۱۸۸۹) درج میکنند .

مخالفت روسها

قبلا گفتیم که علت عمده امتناع دولت ایران در دادن اجازه کشتی‌رانی در رود کارون مخالفت روسها بود زیرااین‌امرهم از لحاظ سیاسی واز هم جهت اقتصادی لطمه شدیدی بمنافع آنهادر ایران میزد .



بعضی ازیاد داشت های‌سفارت انگلیس واعلان آزادی کشتی رانی در رود کارون که‌رویهم ازآنها عکس گرفته‌شده است

میرزا عباس خان قوام‌الدوله وزیر امور خارجه وقت در نامه‌ایکه برای میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله وزیر مختار ایران در لندن نوشته جریان ملاقات و اعتراض شارژدافر سفارت روس باامین‌السلطان راجع بنظریات دولت روسیه درباب اجازه کشتی‌رانی دررود کارون وجواب ناصرالدین شاه را چنین شرح میدهد

«جناب ناظم‌الدوله فدایت شوم ازسابقه این مطلب استحضار دارید که سالهاست»
«اراده مقدسه همایونی روحنا فداه متوجه آبادی اهواز وتجدید ثروت و تمول»
«مملکت خوزستان وازدیاد مراوده ومعموریت آن‌سامان میباشد چون این مسئله»
«مشروحا در روزنامه ایران نوشته شده است ویك نسخه آن‌را حالا برای شما فرستاده»
«لازم ندیدم شرح وبسط بدهم از خواندن روزنامه مطلب بشما معلوم خواهد شد»
«بعلاوه اعلان عمومی هم بهمه سفرای دول خارجه مقیمین دارالخلافه طهران شد که»
«سواد آن راهم برای آن جناب سامی فرستادم قبل‌از آنکه این سرکلر برای سفرا»
«فرستاده شود شارژدافر دولت روس که از این اقدامات دولت اطلاع حاصل کرده بود»
«دو مجلس باجناب اجل اکرم امین‌السلطان دام اقباله ملاقات کرده مذاکراتی نموده»
«که برای اطلاع آن جناب عالی حاصل مذاکرات هردو مجلس را قلمی میدارد.

«درمجلس اول اظهار کرده بود شنیده‌ام سرکار اقدس همایون با انگلیس‌ها قرارومدار»
«کتبی داده‌اند وعنقریب بامضای همایونی خواهد رسید وقرار داده‌اند که کشتی‌های»
«انگلیس داخل رود کارون بشوند وعبور ومرور کنند واین کار موافق صلاح دولت»
«ایران نیست در مجلس دوم که برای تحصیل جواب آمده بود جواب باو داده‌اند»
«که سرکار اقدس همایونی خیلی تعجب ازاین اظهار شما فرموده و میفرمایند ابدا»
«قرار ومدار کتبی در هیچ باب با دولت انگلیس داده نشده است وابدا همچو اختصاصی»
«بدولت انگلیس داده نشده که کشتی‌های آنها مخصوصا وبالانفراد از رود کارون»
«عبور ومرور نمایند دولت ایران قرار داده است پائین رود کارون از سد اهواز الی»
«محمره که قریب پانزده فرسخ است کشتی‌های عموم ملل علاوه برکشتی‌های»
«بادبانی که سابقا عبور ومرور میکردند بکنند آنهم مشروط بشروطی است که»
«در سرکلر عموی خواهید دید وکارهائی که در عربستان میشود از قبیل ساختن سد»
«اهواز وهمین کشتیرانی دررود کارون وامثال آن تمام ازامور داخله وبرای آبادی»
«عربستان است و چون بنظام‌السلطنه حاکم عربستان که تازه رفته است بعضی»
«دستورالعمل‌ها برای آبادی عربستان داده شده که این قسمت بزرك حاصلخیز که بهترین»
«قسمت‌های خاك ایران است لم‌یزرع وبایر نماند حاکم عربستان هم بعداز ورود»
«آنجا ملاحظات لازم نموده وبعضی راپورتها فرستاده که اینها هم از جمله همانهاست»
«ودولت ایران هرکاری رابخواهد درخاك خود بکند نباید شما حمل بخواهش وقرار»
«ومدار بادولت انگلیس بکنید ابدا بخواهش دولت انگلیس این کار نشده است»
«پس‌ازاین اظهارات، شارژدافر میگوید راست است که باظهار دولت انگلیس نشده»
«است ولی باظهار حاکم عربستان هم که‌شده باشد بالاخره نفع آن عاید دولت»

« انگلیس خواهد شد و آرزوی دولت انگلیس بعمل آمده است ودولت روس نمی »
« تواند این را ببیند وبهتر این است اینکار را ترک کنید .
« جواب داده‌اند که اگر باین تصور بایداقدام بکاری‌نکرد پس چون هر کاری »
« بشود تصور میشود که خیال یکی بعمل آمده است بایدتمام کارها را بهمین خیال »
« ترک کرد واقدام بهیچ نوع اسباب آبادی وترقی نکرد واین هم غیر ممکن است »
« برماهمینقدر است که بشما بگوئیم واطمینان بدهیم که این کارابدا باظهار دولت »
« انگلیس نشده است واطلاع هم نداشته است وقرار ومداری هم بااودراین مسئله »
« داده نشده است اینکار محض ترقی فلاحت وزراعت وخرما فروشی و متاع خارج »
« کردن وبفروش رسانیدن ازعربستان واهواز است واگر از آمد و شد کشتی‌ها »
« فایده ملحوظ است آن فایده رادولت ایران بعموم ملل‌داده است ویکی‌هم دولت »
« انگلیس ویکی‌هم‌دولت روس‌است بفاصله چندروز که آن‌اعلان‌عمومی رابسفرافرستادیم »
« ازمن وقت‌ملاقات خواست وآمداظهارحیرت وتعجب ازاین فقره نمود که دومجلس »
« باجناب‌امین‌السلطان در این باب حرف زدیم قرار بود اظهارات مارا بخاکپای »
« همایونی عرض کرده جواب بدهد منتظر آن‌جواب‌بودیم که کاغذ رسمی وزارت »
« امور خارجه رسید من گفتم اینکار اهمیتی ندارد وهیچ خیال وتصور نمیرفت که »
« محل حرف و گفتگو بشود وکار معتنابه نبوده ونیست .
« آنچه لازم بود از بابت عدم سنگینی این کار باوبیان کردم خواهش کرد که »
« بعرض خاکپای مبارك برسانم که کشتیرانی‌در مردابها ورودخانهائی که‌ازخاك »
« دولت‌ها میگذرد باختیار آن دولت ومنافع آن عاید رعایای آن دولت میشود »
« مثل مرداب انزلی وسایر وعلاوه همینکه انگلیس‌ها حق‌عبور و مرور کشتی در »
« رودکارون بهم‌رسانیدند طولی نمی کشد که اراضی دوطرف نهررا بهر وسیله و »
« بهانه باشد تصرف خواهند کردوچون دولت روس در حفظ منافع ایران نهایت »
« اهتمام را دارد این‌است که لابد این بیانات‌را مینمائیم‌ونیز اظهار کرد که چون »
« باولیای دولت خودم هنوز نرساندم وماموریت ودستورالعملی ندارم شرفیابی »
« خاکپای‌مبارك را استدعا نکرده‌ام‌دور نیست مرا مامور نمایند شرفیاب شده »
« بعضی عرایض لازمه را دراین باب بکنم.
« این اظهارات شارژدافر روس را من بعرض خاکپای همایون روحنا فداه »
« رسانیدم فرمایشات ملوکانه باینطور صادرشد که صورت آن در ذیل نوشته میشود »
« ولی برای شارژدافر قرائت کردم وصورتی از آن خواست و نوشته برای او »
« فرستادم وبجهت استحضار جناب شماهم عینا قلمی می شود « اظهارات شما را »
« بتفصیل بعرض خاکپای مبارك همایون شاهنشاهی‌رسانیدم فرمودند اولا فقره‌رود »
« کارون بخواهش ومیل انگلیس نشده است دراین‌مسئله تفصیلی در روزنامه رسمی »
« ایران که در طهران باسمه میشود نوشته شده است که البته ملاحظه کرده یا »
« خواهند کرد و بعلاوه اعلان رسمی بتمام سفارت‌خانه‌های دول متحابه که‌سفرای »

« آنها درپای تخت ایران توقف دارند نوشته‌ایم هیچ اسم‌اختصاصی دولت انگلیس»
« در آنها ذکر نشده است محض رواج تجارت وحمل ونقل متاع وغلات ایران »
« بخارج وآبادی ولایت چنین اعلامی وچنین‌اذنی بدخول وخروج کشتی های تجارتی»
« بخاری و غیر بخاری جمیع ملل روی زمین داده ایم وهمه کشتی تجارتی دارند »
« چرا پای انگلیس را بمیان می‌آورید شایدانگلیس هم‌از این‌اعلام خوشحال بشود»
« خوشحالی او یا بدحالی اودلیل نمیشود که ماز صرفه و صلاح و نفع و ضرر »
« خودمان و آبادی ولایت ایران صرف نظر نمائیم ودست بروی دست گذارده »
« حالت وحشی‌های ینگی‌دنیا را بهم برسانیم .
« روز بروز جمیع ممالك روی زمین در ترقی است ماچرا اسباب ترقی‌وآبادی»
« مملکت خودمان را فراهم نیاوریم چرا باید راه نسازیم و کارخانه‌جات احداث »
« ننمائیم که از هرچیز محتاج بممالك خارجه باشیم اگر تا حالا اقدام بساختن »
« بعضی راهها کرده بودیم دوسال یکمرتبه سه‌سال‌یکمرتبه غلاوقحطی بعضی‌شهر-»
« های ایران خاصه طهران را مستاصل ومردم آنرا پریشان نمیکرد جمیع دول روی»
« زمین یاسلطنت مستقله هستند یاسلطنت‌مشروطه یاجمهوری درمیان دول روی‌زمین»
« پارهٔ دولت‌ها بهم میرسد که خیلی کوچك میباشند همه در مملکت وولایت وخاك»
« وزمین وامور داخله خودشان مستقل ومختارند که هرقراری درداخله خودشان »
« میل دارند وصرفه وصلاح خود را درآن‌می بینند میدهند دولت ایران که از همه»
« قدیمتر وهمیشه سمت استقلال را داشته ودارد چرا باید باندازهٔ‌یك دولت پست»
« کوچك هم استقلال در داخله خود نداشته باشد هرقراری را که مقرون بصرفه و»
« صلاح وآبادی مملکت خود میبیند ندهد .
« وضع دولت ایران طوری شده است که هیچ دولتی باین حالت نیست دولت »
« ایران میان‌رقابت‌دولتین‌روس‌وانگلیس گیر کرده است‌هر کاری‌مبنی بصرفه‌وصلاح و»
« آبادی.مملکت خودمان‌درجنوب‌ایران بخواهیم‌ازساختن‌راه وسایر بکنیم دولت‌روس»
« میگوید برای‌منافع‌انگلیس میکنند‌چنانکه درمسئله رودکارون‌همین‌طورمیگویند راه»
« هم بخواهیم بسازیم‌همینطورمیگویند‌درشمال‌ومغرب ومشرق‌ایران اگربخواهیم چنین»
« کارها بکنیم انگلیس‌ها میگویند‌بملاحظه‌منافع‌روس‌اقدام‌باینکارها کرده ومیکنید »
« چنانکه در ساختن راه قوچان وراه‌آهنی که حاجی‌محمدحسن در کار ساختن »
« در محمدآباد کنار بحر خزر است مکرر همین‌اظهارات را کرده‌اند تکلیف ما »
« مشکل شده است وروز بروز مشکل‌تر خواهد شدپس یکمرتبه روس و انگلیس»
« بیایند و بگویند دولت ایران دولت مستقل نیست هرچه بگوئیم باید آن‌طور بکنید»
« آیادرمیان دول روی زمین از بزرك و کوچك حتی بلغاری که تازه سری‌میان »
« سر ها بیرون آورده و صرب و یونان یك دولت هست که زیر بار این »
« حرفها برود .
« دولت خودمان را میخواهیم آباد کنیم کارخانه بسازیم‌قرارهائی بصرفه وصلاح»

« دولت وملت خودمان بدهیم دولتین انگلیس وروس چه حقی دارند بکارهای داخله ما که »
« این حرفها را بمیان بیاورند واین سئوالات را نمایند کشتیهای جنگی وتجارتی »
« انگلیس سالیان دراز است که از بندرعباس وسواحل بلوچستان که بسته بسند است که »
« آن سواحل کلا تعلق بایران دارد الی محمره همیشه درگشت و گذار است تاامروز »
« چه خلافی از آنها ظهور کرده است که بعدازاین دردخول وخروج یکی دو تا »
« کشتی تجارتی در رود کارون ظهور نماید کشتی های تجارتی جمیع ملل روی »
« زمین و کشتیهای روس هم گشت و گذار خواهد کرد اگرخلافی از کشتیهای انگلیس »
« وسایر ظهور نماید چطور ممکن است مامورین وحکام ایران باولیای دولت ما »
« اطلاع ندهند وچطور ممکن است در مقام ممانعت بر نیائیم و ساکت بمانیم هر »
« پادشاهی مسئول است که پی منافع وترقی دولت وتربیت ملت و آبادی ولایت خود »
« برود اگر نکند خلاف مسئولیت کرده وبتکلیف پادشاهی خود رفتار نکرده است »
« بنابراین مسئله رامکرر میکنیم رقابت روس وانگلیس طوری شده است که »
« مثلا اگر بسمت شمال ومشرق ومغرب مملکت خودمان بخواهیم بگردش وشکار »
« برویم باید بادولت انگلیس مشورت بکنیم چون سمت سرحدات روس است شاید »
« او خیالی بکند وبرنجد وهمچنین بسمت جنوب اگرمیل بکنیم باید از دولت روسیه »
« مشورت بکنیم .

« شما تصور نکنید که هیچ دولتی درروی زمین از بزرك و کوچك این حالت »
« حالیه مارا دارد آیا مایك دولت مستقله نیستیم که اختیارمحوطه مملکت خودمان »
« را داشته باشیم وبآزادی بتوانیم حرکت مصالح دولت خودمان را بنظر بیاوریم »

« البته ایران مستقل است وآنچه صلاح وقت مملکت وداخله خود را بداند بدون »
« اینکه منتظر باشد از دولت دیگری مشورت بکند یامنتظر سئوال وگله آنها بشود »
« البته باید بکند و اگر نکند خیانت بدولت وملت خود کرده است .

« اظهاراتی هم که بجناب امین السلطان کرده بودند همه را بعرض رسانده »
« بودند جواب آنها رادر مجلس ثانوی بشما اظهار کرده بودند که حالت انتظاری »
« برای شما باقی نمانده باشد این بود که دیگر شمارا زحمت نداده بودند تمام این »
« فقرات را برای استحصار آن جناب سامی نوشته که مستحضر باشند زیاده »
« زحمت است . فی ٤ شهر ربیع الاول ۱۳۰٦ مهر قوام الدوله »

روزنامه‌های روسیه نیز پس‌از انتشار فرمان آزادی رود کارون حملات شدیدی بدولت ایران میکردند ومقالات زیادی راجع باین موضوع مینوشتند وبرای اطلاع بیشتر باید به بخش سوم مراجعه شود و در اینجا برای نمونه مقاله ای را که روزنامه روسی بنام« قفقاز» در شماره مورخ بیست و هفتم ماه نوامبر سال ۱۸۸۸ درج کرده نقل مینمایم

«ترقی نمایان سر درومونددولف (وزیر مختار انگلیس) درطهران در امور دیپلوماسی که اختیار سوق کشتی‌رانی در نهررود کارون‌را بانگلیسها بخشیده درعالم مطبوعات پایتخت ماانقلاب عظیمی پیدا کرده است واین

یکی جای خرسندی است زیراکه از وقوع این فقره بطور یقین مشهود میشود که مطبوعات ما نیز درخصوص موانع پیشرفت تجارت روسیه در بازار ایران که اهمیتش زیاد از آن‌است که تاحال تصور نموده‌اند سخن‌میرانند ولی جای‌افسوس‌این‌است که در این واقعه مابمثل مشهورخود که میگویند (عقل پسین‌روسها) برخورده ایم.

نویسندگان مطبوعات پایتخت پی‌درپی مقابل یکدیگر ایستاده باکمال گرمی بتصریح اهمیت نهر کارون برای پیشرفت تجارت انگلیس در بازار ایران میکوشند در صورتی که این احوالات تازگی نداشته وقرنها است که اولیای دولت انگلیس دراین صدد بودند ودرین‌باب روسیه هم‌زحمات زیاد کشیده و اوراق بی شماری نوشته شده وحتی خود اولیای دولت انگلیس مطبوعات مارا بامسئله نهر کارون آشنانمودند منتها اسم نهررا فقط در آن وقت ذکر نکرده وبادولت عثمانی بنای محاجه گذاشتند که تعمیر قلاع وغیره در حدود ایران که مانع آزادی سفاین تجارتی در شط‌العرب وفرات ودجله تواند بود باید موقوف بشود اگرماهم‌از اوضاع مکافیت آنجابموجب تحقیقات‌خود ونه بموجب اطلاعات مأخوذه ازروزنامه‌های انگلیسی باخبر بوده وازترقیات‌وپیشرفت تجارت‌انگلیس در خلیج‌فارس‌وامکان‌سوق کشتی درنهر کارون‌مطلع میشدیم آنوقت‌البته که ماهم باکمال‌عجله برای‌سد جلوایشان‌تدابیر لازمه بعمل‌آورده نمیگذاشتیم که بازارایران‌راغصب‌نموده وتجارت‌روسیه‌را تهدیدنمایند وحال‌اینگونه‌تدابیر وترقیات دیپلوماسی سردرومندولف که‌دفعة بظهور رسیده مارامشوش‌وپریشان‌ننموده وموجب‌این‌همه مقالات‌پریشان وبی‌ثمر که صحایف روزنامه‌های پایتخت راپر کرده نمی‌شد بگمان ماواهمه ماکه‌بسبب‌این ترقی جزئی که فی‌الجمله‌موجب تسهیل امور حمل‌ونقل امتعه انگلیس ببازارایران گردیده نباید بدانقدرها باشدکه تصور مینمایند زیرا این یکی خودمایه شر بزرگی نیست اماشر بزرك راقدبری در آنطرف‌تر از غصب امتیاز سوق‌کشتی در نهررود کارون‌یعنی در مقابل اوضاع عمومی تجارت انگلیس در خلیج فارس باتجارت عمومی روسیه در شمال مملکت دولت متحابه ماباید جست دراینجا یك جمله معترضه که نیز کاشف مسئله‌عمده همین فصل است عرض می‌شود مابارهانوشتیم این راکه اگرچه روسیه در ترویج وتکمیل صنایع وغیره از مغرب اروپ خیلی عقب مانده لیکن بعد از جنك قدیم آنقدر قوه بهمرسانیده است که بدون اینکه زحمات مقدمات را بمرو رود هور متحمل شود یکدفعه می تواند نتیجه تمدن مغرب را باینجا بیاورد وخاطر جمع شود اگر روی قاعده نتیجه را تحصیل نماید در همه‌جا بیکدفعه شکوفه‌تمدن شکفته خواهد گردید چنان که بحکم‌قانون کلیه طبیعت در سایرجاهااول ریشه‌وبیخ‌بزمین رفته و استحکام یافته وشاخ وبرك پیدانموده بعدشکوفه داده است در مملکت ماهم میبایست‌اینطوربشود تامثمر ثمر گرددو چنانکه کلمه آخری علم فلاحت هم همین‌را بیان مینمایداما دراینجا اینطور بایدگفت که‌ماشکوفه های تمدن را از ممالك مغرب اروپ مانند بعضی چیزهای دیگر اخذ نمودیم ......»

راجع بمخالفت روسهامیرزامحمودخان علاءالملك وزیرمختار ایران‌درپطرزبورغ گزارشی در تاریخ ۸ربیع‌الثانی ۱۳۰۶ هجری قمری بتهران فرستاده است که برای‌مزید اطلاع متن‌آنرا عینا درزیرنقل میکنم.

سفارت دولت علیه ایران در پطربورغ نمره ۵۷

۸ربیع‌الثانی ۱۳۰۶

ایلچی کبیر آلمان دیدن‌این بنده‌آمده بود بفاصله‌مهمان دیگری‌وارد شد مومی الیه صحبت مختصری کرده رفت چندروز دیگر که بنده بازدید کرد مومی‌الیه صحبت از انتشارات روزنامها بمیان آورده از بنده تحقیق مسئله رودخانه‌کارون وماموریت ولاصوف رابمشهد بسمت جنرال قونسولگری وغیره نمود گفتم درهمه اینها هرچه روزنامه بنویسند واغراق گوئی وبدزبانی می کنند از روی بی‌اطلاعی واغراض نفسانی پارهٔ کسانیست که مهیج خیالات هستند ودر باز کردن. کارون دولت علیه ایران ابدا خیال تحقیر ویا نقص واردآوردن‌بروسیه یا بدوستی دولت روس نداشت مسئله داخلی و محض برای آبادی مملکت وصلاح وسعت معاش مملکتی خودش است که عبارت ازاکونومی پولیطیك داخله باشد هیچ دولتی را بدیگری در دخول به آن رودخانه ترجیح‌نداده است گفت اینفقره راست است گفتم اینفقره که‌روسها میگویند مانمی توانیم بهره از آنجا ببریم تقصیر وضع

جغرافیائی مملکت است انگلیسها هم‌در مغرب و شمال در کنار دریای‌خزر وغیره نمی توانندبهره‌ببرند پس آنها نیز باید ازما ناراضی‌بشوند شمادر باطوم بقدر عثمانی وفرانسه بهره نمی برید پس باید با این دول دشمن باشید گفت حق‌واست من‌ابدا حق تکدری دراین باب بروسها نمی بینم گفتم مسئله جنرال قونسولی ولاصوف‌رانیزدولت ایران ازراه دوستی صلاح ندانست اولا قبل‌از مامور نمودن این شخص ابدا بدولت ایران خبرنکردند نگفتند ما چنین خیالی داریم تاآن‌هم موانعی راکه در نظر دارد شمرده اتفاق رای‌حاصل گردیده از آن رو رفتار شود یکدفعه گفتند فلان‌آدم را بفلان سمت بمشهد روانه کردیم دولت علیه هم‌جواب‌داد که میدانید مشهد مثل کربلا ونجف ومدینه و مکه جای مقدس مسلمان‌هااست در آن‌جاها مامور غیر مسلم تاحال‌دول خارجه معمول نشده بفرستند وانگهی‌اگر شما فرستید انگلیسها هم می‌فرستند گفت مامور انگلیسی‌مگر مسیحی نیست گفتم خیر مسلمان است حتی‌چون اوخان بود ومامور روس بیك‌ودر ایران لقب خانی درنظر ملت عظمش بیشتراست برای دوستی خالصانه بموجب خواهش روسها دولت علیه بمامور روس کریم بیك لقب‌خانی داد گفت پس می گویند انگلیسها یکنفر جنرال وچند نفر آدم دارند ومدتها است در مشهد میباشد گفتم اگر هم باشند سمت‌ماموریت به آن‌جا ندارند شایدعبورا آن‌جا باشند چنانچه شنیده‌ام در سرحدات ایران وافغانستان یك مسئله متنازع فیه بوده و دولت علیه‌مامور معین کرده است که بامامور انگلیس که حکمیت خواهدکرد بروند در میانه قطع‌نزاع نمایند شاید همان ماموربن باشند که عبوراً آنجا هستند وباید باهندوستان وطهران سئوال وجواب نمایند و کار طول کشیده تاحال آنجا مانده‌اند چنان‌چه ماموربن تحدید حدود روس وایران هم‌بآخال تکه رفته بودندسه‌ماهه عمل‌را تمام نمایند سه‌سال کشید واینکه می گویند گندم ازلطف‌آباد قدغن شده بروسیه ندهند اینفقره را هم کارگذاران روسیه خوب می‌دانند گاهی آنجاها زراعت بداست و ماراه دریا و راه آهن نداریم که‌از جای دیگر گندم بیاوریم اگر آذوقه‌خودمانرا بهمسایه‌بدهیم قحطی می‌افتد لهذا اگرزراعت خوب است زیاده رامیفروشند اگر کم‌است حکومت حمل‌غله راقدغن می کند وتازگی ندارد بازهم سه‌سال قبل اتفاق افتاده بود وهرگز روسها رنجش حاصل‌نکردند حالاهم اگرغله‌قدغن‌شده‌باشد ازاین‌بابت‌است‌خیلی تعجب کرد گفت من‌دراینباب هنوز با مسیو غرس هیچ‌صحبت نکرده‌ام ایندفعه آکادمیك مان صحبت میکنم به‌بینم چه‌میگوید گفت حالاچه می خواهند گفتم بنده که نمی‌فهمم همان‌هااست که در روزنامه می‌خوانید میگویندرودخانه کارونرا باید دوباره بست خیلی‌خندید گفت هرگز چنین کار ممکن نیست که اسباب‌خنده عالم‌میشود گفت‌شنیدم‌اعلیحضرت همایونی خیال سفرفرنگستان را دارند گفتم سابق مینوشتند که تشریف خواهند آورد هنوز تکذیب این‌خبر نشده‌است گفت دیگر چه بهتر از این میشودکه اعلیحضرت همایونی‌آستینهارا بازکرده(۱)قبول‌نمایند ورفع این ماجراها بشود خیلی‌غریب‌است که اینها آسوده نمی‌توانند به‌نشینند گفتم اینهمه ازخوبیهای خودشان درحق مانقل‌کرده درروزنامه ها بنویسند آیا ماکمتر کرده‌ایم‌درجنك سواسطاپول که‌همه درضدروسیه‌بودند‌آیا درکمال دوستی باروسها راه نرفتیم مگرنمی توانستیم که باعثمانی ها باشیم آنوقت قفقازبهمین حالت میماندددر جنك‌آخری‌روس باعثمانی ده‌هزار قشون‌درخوی جلو قشون روس گذاشتیم زورمختار پاشارا ضعیف نمود آذوقه بروس دادیم اکرادها را مانع ازچپاول شدیم

بیست هزار در سرحدات بغداد و کردستان لشکر گذاشتیم بعداز جنك کردها که بما چپاول آوردندنوعی انتقام‌کشی از مابود آن‌ها راهم قشون خودمان‌دوانید وسرکرده‌هایشانرا گرفت بسزا رسانیده ماگناه نکردیم‌بروسها در عالم دوستی اطلاع دادیم آنها هم‌برای حفظ سرحدات خودشان بقدر چهار هزار قشون نزدیکی نخجوان که نزدیك بسرحدات جلفای ایران است فرستادند .

درمسئله آخال تکه بااینکه تراکمه نه اسلحه داشت ونه صاحب منصب‌شنیدید ودیدید چه قدر روسها بخرج وخسارت افتادند اگر دولت ایران عوض اینکه بروسها آذوقه وشتر دادکمك کرد وتراکمه را ناچار به تسلیم نمود بالعکس پروطست بیارهٔ حقوق خود کرده وکمك بتراکمه می کرد کار اینطور سهل تمام نمیشد فقط گناه ما یك چیزاست که روسیه‌را دوست خود دانسته قشون خودمانرا بدو کرورنرسانده‌ایم وهمیشه بمراقبت

---

1 - a bras ouvert

وموافقت راه رفته‌ایم گفت همه اینها راست است در هرموقع خیلی روسیه ازشما مساعدت دیده‌است گفت شما در انزلی رودخانه ندارید گفتم یك رودخانه کوچکی است تابه پیره بازار گفت آنجا کشتیهای روس میآیند یانه گفتم خیر اجازه دخول کشتی خارجه بآنجانیست گفت آنجارا اجازه‌بدهید کشتی‌های روس بیایند گفتم اولا دولت ایران به تصورش نمیآید که برخلاف دوستی روسها درنقص آبروی او کاری کرده باشد تابمقام تدارك او برآید ثانیاً هم اگر چنین چیزی باشد تادولت ایران اظهار چنین چیز کند توقع روسهابیشتر میشود صحبت اینجا تمام‌شد.

همچنین پارهٔ اشخاص معتبر مملکت ازبنده‌تحقیقات کهمی کنند مسئله‌رابطورحقانیت بیان کرده‌است امروز هم روزنامه‌نووی‌ورمیا طرز خودرا عوض کرده ویکدرجه تکذیب گفته‌های سابق خودرا می کند.

بروزنامه نووسطی هم میرزا رضا خان مستشار را فرستاد مطلب را حالی کرد آنهم خیلی خوب وبطور انصاف نشر اخبار میکند وتکذیب اخبار بعضی روزنامه‌هارا می کند واز دوستی دولتین ایران وروس سخن میراند روزنامهای خارجه هم بضد روزنامه‌های روسیه‌فصل‌ها مینویسند آنچه که‌از روزنامه‌ها ممکن بود باترجمه‌فرستاد باقی‌رابدون ترجمه‌فرستاده وقید کرده‌است که معلوم شود کدام یکی‌ترجمه‌نشده‌است.

امیدوار است بمرور اصلاح خیالات بشود تمام این آبهارا یکنفرگل آلود می کرد که ماهی بگیرد هروقت هم روزنامها ساکت بود باز فصلی بروزنامه نویسانده همه‌را بهیجان میآورد الامر الاقدس العالی مطاع محمود طباطبائی»

بعد از افتتاح رودکارون

گرچه فرمان آزادی رودکارون برای تمام دول‌جهان بود ولی فقط انگلیسها بودند که مستقیم وغیره مستقیم از این اقدام بهره مندمیشدند زیراگذشته از داشتن وسائل حمل ونقل بحری بواسطه نفوذی که انگلستان در خلیج فارس داشت بازار تجارت این‌ناحیه منحصر بآنها بودوکمپانی های‌مختلف انگلیسی‌مثل کمپانی ذیگلر (۱) وکمپانی لینچ وبرادران(۲) به تجارت اشتغال داشتند

سرپرسی سایکس در کتاب «تاریخ ایران» مینویسد.

«درمیان امتیازاتی که ناصر الدین شاه اعطاء کرد یکی موضوع افتتاح رودکارون‌برای تجارت است.

این امتیاز مورد استقبال شایان مطبوعات انگلیس قرارگرفت ولی وقتی دریافتند آنقسمت از رودخانه که افتتاح گردیده فقط درحدود ۱۱۷ میل دریائی یعنی تقریباً کمتر از ۸۰ میل زمینی است کمی اهمیت این مسئله روشن شد.

درعهدنامه ترکمانچای‌باروپائیان اجازه داده شده‌است «منازلی برای سکونت ومغازه‌هائی برای‌عرضه کالای خود داشته باشند» لکن «نظامنامه کارون» از حدود فوق عقب رفته بطوریکه میگوید «ساختن بناهائی ازقبیل انبارهای ذغال، مغازه‌های کالا، کاروانسرا وکارگاهها وغیره درکنار رودخانه ممنوع‌است» وباین ترتیب معلوم میشود که شاه گمراه شده ومیخواست آنچه‌را بادست خود داده بادست دیگر پس بگیرد.

جای خوشوقتی است که کمپانی لینچ تحت چنین شرایط نامساعدی در اقدام باین کار پیشقدم شده است.........

اشکال عمده در رودکارون سدطبیعی‌است که دراهواز وجودداشت‌وغالب اوقات سال مانع عبور کشتی‌های بخاری‌است. ازبالای اهواز تاشوشتر هشتاد میل بوسیله رودخانه و۶۰ میل راه خشکی فاصله دارد. این راه آبی بی‌اهمیت را شاه تصور میکرد که دارای فوائد زیادی‌است وآنرا برای بهره برداری اتباع ایرانی نگاهداری نموده بود وانتظار داشت ازاین بابت‌وجوه هنگفتی بخزانه شاهنشاهی عاید خواهد شد. شرکت لینچ که‌اطلاعات زیادی راجع بوضع ایران‌داشت موفق‌شد باهدیه یك قایق‌موتوری بشاه این خاررا ازمیان بردارد.

ازسال ۱۸۹۶ که من جاگه کارون را باز دید کردم تاکنون پیشرفت‌های زیادی در این نقطه حاصل شده‌است عملیات مهم مربوط باستخراج نفت دربای سلسله کوههای بختیاری منافع سرشاری را باعث گردیده

1- Ziegler 2—Messrs Lynch Brorhers

ویك جامعه انگلیسی درآن محل ایجاد کرده وبروسای محلی از طرف کمپانی منافعی داده میشود بعلاوه اتمام ساختمان راه شوسه بین اهواز و اصفهان توسط شرکت لینچ باعث پیشرفت های زیادی درحمل ونقل گردیده است»

پس از افتتاح رود کارون انگلیس ها برای تکمیل اجرای نظریات خود باقدامات دیگری دست میزنند ازجمله ساختن راه شوسه تهران واهواز که بعدا شرح آن خواهد آمد و دیگر اجازه کشتی رانی دربقیه رودکارون یعنی ازاهواز ببالا و همچنین ساختن انبار تجارت خانه و اسکله وغیره - دراین باره مذاکراتی بین دولت ایران وسفارت انگلیس بعمل میآید ویك کشتی کوچك بخاری هم بناصرالدین شاه تعارف داده میشود وسرانجام امتیاز کشتی رانی دررودکارون علیا به حاج آقامحمد معین التجار دهدشتی بعنوان نماینده کمپانی ناصری اعطا میگردد ودر ماه شعبان ۱۳۰۷ هجری قمری فرمانی بشرح زیر بنام این شخص صادر میشود.

فرمان

« بتاریخ شهر شعبان ۱۳۰۷

آنکه چون دراین عهد فرخنده همیونی موجبات ترقی و آبادی مملکت بتوجهات مخصوصه آفتاب مظاهرملوکانه فراهم آمده ودراین سال فرخنده فال او ئیل که رودکارون الی زیر سد اهواز را برای عموم ملل آزادومحل کشتی رانی تجارت شده محض افتخار ملت ایران وترویج تجارت رعایای مخصوصه دولت علیه بالای سدرا تاشوشتر و دزفول مخصوص رعایای این دولت علیه قرار دادیم چون مقرب الخاقان حاجی آقامحمد معین التجار ترتیب یك کمپانی المسمی بناصری داده است لهذا امتیازات مندرجه درفصول پنجگانه ذیل بمشار الیه مفوض وواگذار شد.»

بموجب فصل اول درنقطه محمره ده هزار ذرع زمین متصل بگمرکخانه جدید که درمحمره بنا میشود بکمپانی ناصری مجانا داده خواهد شد که در آن یکدست عمارت موافق نقشه که کمپانی لینچ داده است بنا نمایدوبکمپانی لینچ ازقرار ده یك ونیم درسال ده ساله اجاره دهد.

بموجب فصل دوم کمپانی ناصری باید یك اسکله ویك کاروانسرا و دکاکین بقدر ضرورت وبرای سد که قریب نیم فرسخ است یك راه شوسه برای آمد ورفت گاریهای بارکش بسازد واگر لازم باشد باید راه آهنی ایجاد کنند که مال التجاره معطل نشود.

بموجب فصل پنجم امتیاز استخراج معادن ذغال سنك واقع درخاك جانکی بختیاری بکمپانی ناصری داده شده که ازمنافع خالص صدی بیست بدولت بدهد.

۴

امتیاز بانک شاهنشاهی ایران

یکی ازموسسات انگلیسی که تقریباً مدت نیم قرن زنجیر اسارت اقتصادی بدست و پای ملت ایران افکنده بود «بانک شاهنشاهی ایران» است.

دیدیم بعد از آنکه ناصر الدین شاه در دادن امتیاز ۱۸۷۲ رویتر باشتباه خود پی برد بواسطه مخالفت روسها واز ترس وطن پرستان ایرانی ببهانه‌های مختلف متوسل وقرارداد را لغو کرد.

بارون رویتر بآسانی دست ازدعاوی خویش برنمیداشت ودرهمه‌جا این‌موضوع‌را تعقیب میکرد ولی حرفش بجائی نمیرسید تا تقریباً پس از ۱۷ سال بارون جولیوس رویترمذکور بااستظهار دولت انگلیس تقاضای خودرا تجدید ورسیدگی باین اختلاف وجبران خسارت راجدا درخواست نمود وبرای این منظورجرج رویتر فرزند خویش‌را بتهران فرستاد.

وبطوریکه خواهیم دید بعد ازمذاکرات مفصل در ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۰۶ هجری قمری (مطابق ۳۰ ژانویه سال ۱۸۸۹ میلادی) با مداخله سر درومندولف وزیر مختار زیرک انگلیس امتیازی برای ایجاد «بانک شاهنشاهی ایران» به رویترداده میشود.

سابقه بانک‌درایران

سالهای قبل ازایجاد بانک شاهنشاهی ناصر الدین شاه وصف بانک‌های اروپائی ونقشی‌را که‌اینگونه‌مؤسسات درپیشرفت امر بازرگانی داشتند شنیده بود وبی میل نبود که یك چنین مؤسسه ای هم در ایران تشکیل گردد. بدینجهت از سال ۱۲۸۰ هجری قمری که میرزا محمود خان ناصرالملك وزیر مختار ایران درلندن و حسنعلی خان وزیر مختار ایران در پاریس برای ایجاد راه آهن دراین کشور باسرمایه داران اروپائی مذاکراتی میکردند درضمن گفتگوی‌تاسیس بانک‌را هم بمیان میآوردند.

دراین زمینه پیشنهادهائی‌چند بدولت ایران داده میشود ازجمله ژان ساوالان‌نامی بنمایندگی عده‌ای ازسرمایه‌داران وصرافان بزرك فرانسه در رمضان سال ۱۲۸۱ هجری قمری (۱۸٦٤ میلادی) برای تاسیس یك بانك باسرمایه دومیلیون لیره‌انگلیسی پیشنهادی بدولت ایران میدهد - ژان ساوالان بتهران میآید وطرح امتیاز نامه‌را تهیه میکند - با آنکه این طرح مورد موافقت ناصرالدین شاه هم قرار گرفت ولی بعنوان آنکه فعلاصلاح دولت نیست جامه عمل نپوشید فقط بموجب فرمانی درتاریخ ۲٤ ژانویه ۱۸٦۵ حق تقدمی برای ژان ساوالان جهت ایجاد بانك و راه آهن قائل میشوند که بعدا نیز بآن ترتیب اثر نمیدهند.

راجع به ساوالان وامتیازاتی که او تحصیل کرده است بعدا در جلد دوم این کتاب

بازگفتگو خواهیم کرد ودراینجا برای مزید اطلاع متن پیشنهاد اورا برای تاسیس بانك درحاشیه نقل مینمایم (۱)

بهرحال تاسال ۱۸۸۸ که بانك جدید شرقی شعبه‌ای در ایران دایر مینماید دراین کشور موسسه‌ای که شباهت بابانکهای اروپائی داشته باشد تاسیس نشد.

لردکرزن درکتاب خود راجع باحتیاج ایجاد بانك در ایران و تاسیس بانك جدید شرقی مینویسد.

---

۱ — صورت فصول قرارنامه بانك

فصل اول ـ دولت علیه بعالیجاه مسیو ساوالان و کومپنی اجازه خواهد داد که یك بانك دولتی بسازند و اسم آنرا بانك ایران بگذارند.

فصل دویم — بانك امتیاز خواهد داشت که درزیر حمایت اعلیحضرت شاهنشاهی بوده باشد ودر معاملات ومحاسبات خودش باتبعه‌دولت علیه رجوع بهیچ سفارت نخواهد کرد وسفارت هیچ دولتی هم درعمل آنها مداخله نخواهد داشت وحقوقات بانك‌را دولت علیه مانند تبعه ورعیت دولت علیه مجری خواهد داشت ودولت علیه‌تعهد میکند که ازجانب دولت وملت درحق بانك بهیچوجه ظلم وتعدی وارد نیاید،تا اگر ظلمی درحق آن واردآید ودولت‌علیه‌رفع آنرا نکند آنوقت بانك حق خواهدداشت که‌بسفارت‌خود رجوع‌نماید.

فصل سیم ـ اصل سرمایه بانك پنجاه ملیان فرانك فرانسه یادو ملیان لیره انگلیسی و یاتخمیناً هشت کرور ونیم اشرفی ایران خواهد بود واین تنخواه بصد هزار حصه‌تقسیم خواهد شد که هریك حصه چهل‌وچهار تومان پول ایران میشود دراول کار دولت علیه وتجار وغیرهاهرقدر خواسته باشند ازبرای خود سهمی قراربدهند تادراین معامله سهیم و شریك باشند آنوقت هرکس که صاحب هر قدر حصه هست‌از هریك حصه پانزده از صد باید بدهد تاازبرای شروع کردن بانك هفت ملیان ونیم عدد فرانك یاسیصد هزار لیره یاششصد وشصت هزار تومان تنخواه جمع شود وبعد نسبت بپیشرفت امر بانك مابقی تنخواه بدون تقسیم مجدد بتدریج از صاحبان حصه مطالبه خواهد شد.

فصل چهارم — این اذن ازجانب دولت علیه الی مدت سی سال خواهد بود بعد ازانقضاء این مدت‌اگر دولت علیه مطلقا رسم بانك را موقوف بدارد آنوقت کومپنی بانك باید در مدت یکسال مطالبات خودرا وصول کرده وقروض خود را ادا نموده برود اما اگر دولت بخواهد مجدداً بنای وضع بانك بگذارد در آنحال اگر منظور دولت اشتراك ومداخله تبعه دول خارجه باشد کومپنی این بانك برسایرین مقدم‌است که قرارمجدد برضای طرفین بگذارد واگر منظور دولت دروضع بانك بدون‌مداخله خارجه‌باشد آنوقت کومپنی‌این‌بانك حق خواهدداشت که‌الی مدت ده‌سال برضائیت طرفین بابانك دولت شراکت نماید.

فصل پنجم — اصل محل بانك دردار الخلافه خواهد بود اما کارگذاران بانك اختیار خواهند داشت که در هریك ازولایات ممالك محروسه مصلحت دانند بانك کوچك قرار داده یکنفر مأمور معین نمایند.

فصل ششم ـ روسای بانك مرکب ازچند نفر خواهند بود که شش نفر آن ازجانب صرافان بزرك‌فرانسه معین خواهد شد وازجانب دولت علیه هم بقدریکه درشراکت سهم قبول کرده‌اند اختیار خواهند داشت که چند نفر را ضمیمه اجزای‌روسای بانك کنند که درکل معاملات وداد وستد بانك باآن شش نفر متفقا رسیدگی نمایند وازعمل گردان استحضار بهمرسانیده متوجه باشند که کارگذاران بانك ازحد خود تجاوز نکنند و بعد از انقضاء شش سال اول عموم صاحبان‌حصه نظر بتقاضای وقت وپیشرفت‌عمل اگر بخواهند در تبدیل روسا مختارخواهندبود

فصل هفتم — بانك اذن خواهد داشت که بمردم قرض‌بدهد بطوریکه اطمینان حاصل کند از گرفتن‌رهن وبامعاملات دیگر بجز بیعشرط وخریدن املاك ولیز بانك متعهد میشود که تجارت غله و سایر حبوبات مایحتاج ارزاق عامه را ننماید

بقیه درحاشیه صفحه بعد

«بدی و بیفایدگی سیستم پولی ایران و در واقع کلیه نقل و انتقالات بازرگانی آن کشور از مدتها پیش تاسیس بانکی را که باروش اروپائی اداره شود شرط لازم هر نوع توسعه و ترقی امور اقتصادی کرده است. درباره ترقی و تنزل ارز و کمیابی پول قبلا صحبت نموده‌ام ـ یك عمل مضر دیگر توزیع غیر متساوی فلزات گرانبها در هر لحظهٔ مورد نظر و مخارج گزاف حمل پشیز بود که فقط با تحمل مخارج سنگین بوسیلهٔ حیوانات بارکش میسر میشد

بازرگانان برای ارسال وجه به اروپا با اشکالات و خطرات عظیم مواجه میشدند. دسته‌های کوچك مردمی که کارشان داد وستد پولی است در شهرهای کوچك وقصبات در بازارها وجود دارند. سرمایه‌های داخلی بر اثر عدم اطمینانی که لازمه هر گونه بکار انداختن سرمایه است درهیچ عملی که سود عمومی در آن باشد بکار نمیرفت. وازاین همه بد تر ترتیب پس انداز کردن بود که ازشاه تاگدا همه بدان پابند بودند هیچ چیز بهتر

بقیه ازحاشیه صفحه قبل

فصل هشتم — بانك امتیاز خواهد داشت که بلیت رواج بدهد واسم آنرا بلیت بانك بگذارد ورواج یافتن آن بلیت بطوری باشد که دارنده آن در هر شهر ممالك محروسه که مامور بانك در آنجا باشد بلیت خودرا نزد آن ببرد وبمجرد نشان دادن وجه نقد بگیرد ومباشرین مالیات دولت علیه این بلیت بانك‌را در دست هر کس که باشد مانند وجه نقد بدون کسر قبول خواهند کرد.

فصل نهم — این بلیت بانك درزبان فارسی خواهد بود ونشان ایران‌را خواهد داشت وهریك کمتر از پنج تومان نخواهد بود وبرای اطمینان که مبادا بدون‌اذن دولت این بلیت بانك‌را زیاد کنند یکنفر ازجانب دولت مامور خواهد بود که مهر دولتی که بروی این بلیت‌ها زده میشود درنزد او باشد ودرروز رواج دادن این بلیت‌ها باید جمعی ازاعیان دولت ووزراء حضور بهمرسانیده هم بلیت‌های بانك‌را بامهر دولتی مزین کنند وهم هریك از ایشان نشانی برروی بلیت بگذارد تا بعد اگر در دست یکی بلیتی ابراز شود که یکی از نشانهای وزراء و اعیان که در روز رواج‌دادن‌بلیت بانك برروی‌بلیت گذارده اند کم‌داشته باشدخالی‌ازاعتبارومانندپول قلب خواهدشد.

فصل دهم — بانك متعهد میشود که در دوسال اول بمقابل بلیت‌هائی که رواج خواهد داد باطلاع اشخاصی که برای شراکت دولت علیه جزء روسای بانك خواهند بود پول نقد در خزانه خود موجود داشته باشد وبعد ازانقضای دوسال که اعتبار بانك معلوم شد ومردم آموخته گردیدند بانك مختار خواهد بود که بقدر یك ثلث این بلیت‌های رواج شده‌را وجه نقد وبقدر دو ثلث آنهارابا گروارزنده وباضمانت نامه معتبردرخزانه خود موجودداشته که آن اشخاص ایرانی که درجزء روسای بانك برقرارند تصدیق نمایند.

فصل یازدهم —دولت علیه متعهد میشود که احیانا اگرشخصی پیدا شود که بخواهد کارخانه راه بیندارد یابمردم قرض بدهد یاراه آهن بکشد یاکار دیگر کند اولیای دولت باید حالت معامله آن شخص‌را ببانك اظهار نمایند اگر بانك معامله آنشخص‌را باهمان‌قراردادی که بااولیای دولت علیه داده قبول کرد آن عطیه را ببانك واگذار نمایند والا باهمان شخص معامله‌رابگذرانند

فصل دوازدهم — در هریك ازشهرهای ممالك محروسه از برای بانك مکانی لازم شود کرایه خواهند کرد لکن دردار الخلافه دولت علیه قرار خواهد داد که مکان بانك در ارك باشد و در سایر شهر های دیگر دولت قرار خواهد داد که بانك‌را برای مکان معطل نگذارند وبطور معمول کرایه‌بدهند.

فصل سیزدهم — دولت علیه از برای حفظ و حراست بانك اسباب واوضاع لازمه را دردار الخلافه یادر شهرهای دیگر حسب اللزوم فراهم خواهد آورد بدون ضمانت لکن درصورتیکه بانك خواسته باشد تنخواهی‌را ازولایتی بولایت دیگر حمل ونقل کند هرگاه این تنخواه‌را شمرده بمباشرین دولت تحویل کند دولت ضامن‌آن تنخواه خواهد بود که بدون عیب برساند واگر نشمرده وآدمی هم ازخود همراه تنخواه روانه بدارد که حفظ‌آن بعهده مباشرین دولت خواهد بود بدون ضمانت ولی کرایه مالی‌راکه برای حمل ونقل تنخواه‌لازم خواهد شدبانك باید ازعهده برآید.

بقیه درحاشیه صفحه بعد

ازنرخ فاحش ربح که باگشاده روئی به رباخواران محلی پرداخته میشد وضع عقب ماندهٔ ایران را نشان نمیدهد ربح قانونی‌راقرآن به صدی دوازده محدود ساخته‌است(بدیهی‌است که لردکرزن دراین‌مورد سخت دراشتباه است) اما دراواسط قرن حاضر (نوزدهم) خانم شیل مینویسد نرخ ربح ندرةً کمتر ازصدی بیست وپنج‌است واغلب به صدی پنجاه یاشصت و حتی صدی صد میرسد بانکهای محلی تایکی دو سال پیش درمورد پول نقد میتوانستند براساس ماهانه تاصدی دو یعنی براساس سالانه : صدی بیست ونه پول تهیه کنند اما افرادی که پول به قرض میدهند ربح گزافتری میگرفتند .

هنگامی که درسال ۱۸۸۸ شرکت بانك جدید شرقی مصمم شد ایران را نیز مشمول حدود عملیات خود درآسیا کند وشعب ونمایندگیهائی در تهران ، مشهد ، تبریز ، رشت ، شیراز و بوشهر افتتاح نماید وضع مالی ایران بطور خلاصه بدین نحو بود . این بانك بعنوان یك شرکت بازرگانی که بکاری که برای عموم آزاداست مشغول بود واحتیاجی به تحصیل امتیاز خاصی ازدولت ایران نداشت پس ازیکسال که از ایجاد آن

بقیه ازحاشیه صفحه قبل

فصل چهاردهم – بانك بزرك ایران‌وبانك‌های کوچك ازهرقسم مالیات وعوارضات دیوانی معاف خواهدبود

فصل پانزدهم – بانك حالت منفعت خودرا درهرسه ماه هم در روزنامه‌های طهران وهم در روزنامه‌ی بزرك فرنکستان ثبت واعلان‌خواهد نمود که معلوم خاص‌وعام شود که درچه‌حالت است ودربیستم ماه مارس هرسال که عبارت‌ازشب عید نوروز سلطانی باشد حساب سالیانه خودرا پرداخته منافع سالیانه هرحصه‌را هرقدر شود در روزنامه های مزبور استحضار خواهند داد وصاحبان حصه در بردن منفعت پول خود مختار خواهند بود .

فصل شانزدهم – بانك همانوقت که پانزده ازصد هرحصه که داده شد شروع بعمل خواهد کرد و اگر تاآخر ماه سپتامبر هزار وهشتصد وشصت وشش تاریخ عیسوی کل آن تنخواه که صاحبان حصه مقیم یوروپ بهمان قدر که در فصل سیم ذکر شده و باید بدهند وارد دارالخلافه نگردد دولت علیه در دادن این امتیاز‌بدیگری مختار خواهد بود .

فصل هفدهم – ازبرای‌اعتبار بانك دولت علیه متعهد میشود که تقویت لازمه‌را درانضباط‌هرگونه‌امورات بانك بعمل آورد ومطالبات اورا ازهرکس که باشد مانند مطالبات خود که ازتبعه ورعیت غیر مقصر دولت علیه مطالبه میکنند وصول نماید .

فصل هیجدهم – مرافعاتیکه درمیان بانك و سایرین اتفاق میافتد دراول مرحله رجوع بمحکمه شرع انور خواهدشد بهرچه ازمحکمه شرع حکم صادر شود دولت اجری خواهد داشت اما اگر درنزد حاکم شرع رفع گفتگو نشد آنوقت آن مرافعه را بمجلس آنچند نفر اشخاص بیغرض که ازجانب دولت برای طی مرافعه معین خواهد گشت ببرند تادرحضور آنها اجلاس شود هرحکم که ازآن مجلس دراین باب صادر شود حکام دولت اجری خواهند داشت .

فصل نوزدهم ـ بجهت اعتبار بانك ایران اعلیحضرت شاهنشاهی هرقدر حصه بخواهند بگیرند و پانزده ازصد هرحصه‌را چنانکه درفصل سیم ذکر شده بعد ازوصول تنخواه حصه‌های فرنکستان و ورود آن بطهران از جانب سنی‌الجوانب بکارگذاران امر شود کارسازی کنند .

فصل بیستم – بانك تجارت جزء نخواهد کرد باین معنی که‌اشیاء محصول این مملکت‌را ازتجار مملکت نخواهدخرید ومتاع تجارتی خارجه‌را بتجار نخواهد فروخت مگر در صورتیکه محصول مملکت‌را بانك باصرفه تر وبیشتر ازتجار این دولت ابتیاع کند دراینصورت اذن خواهد داشت کماز‌اربابان ورعیت این دولت هم بخرند لکن درخرید وفروش بعضی‌اشیاء متفرقه منقوله از قبیل شال ترمه یا جواهر آلات و مس وفرش وغیره که مال تجار نباشد و مردم متفرقه خواسته باشند رهن بگذارند یا بفروشند بانك برضای مالك بخریدن آن اجناس ماذون خواهد بود .

بقیه در حاشیه صفحه بعد

میگذشت هنگامیکه من به تهران رفتم بانك بااجاره عمارتی کاخ مانندکه یك سمت میدان توپخانه‌را گرفته بود هم درتهران وهم در ولایات خیلی خوب کار میکرد . ایرانیان تازه معنی حساب سپرده و ارزش ربح ثابتی که به سپرده ایشان پرداخته میشد می فهمیدند . بانك ربحی معادل صدی دو ونیم به حساب جاری و صدی چهار به سپرده‌هائی که شش ماه دربانك میماند وصدی شش به سپرده‌هائی که یکسال دربانك میماند منفعت میداد بانك تاآن‌موقع نرخ تنزیل‌را تاصدی دوازده پائین آورده وبطوریکه میگفتند به شخص شاه قرضی باربح صدی‌شش تاصدی هشت داده بود . بانك شرقی ضمناً مردم را بانوعی پول کاغذی بصورت حواله خزانه دار برای مبالغ ازپنج قران به بالا قابل پرداخت دروجه حامل آشنا ساخته بود واین پولها در پایتخت رواج بسیار داشت . پس از دو سال که از ایجاد بانك میگذشت شعبه ایران آن‌رابانك‌شاهنشاهی ایران به مبلغ هنگفتی‌خریداری نمود»

بانك شاهنشاهی بجای امتیاز ۱۸۷۲ رویتر

پس‌ازلغوامتیاز نامه۱۸۷۲- بارون جولیوس رویتر که خودرا ذیحق میدانست هرچند وقت‌یکبار توسط سفارت انگلیس بدولت ایران اعتراضی میکرد و ادعای خسارت خویش را ضمن پیشنهادهای‌مختلفی تجدید مینمودچنانکه درقسمت مربوط بامتیاز رویتر قبلا دیدیم .

پس از روی کار آمدن امین السلطان ومامور شدن‌ولف نماینده انگلیس بتهران وروابط صمیمانه‌ای که بین این دو نفر بر قرار شد وقت آن رسیده بود که انگلیسها منظورهائی‌راکه ازمدتها قبل داشتند انجام دهند .

ازجمله این مقاصد یکی اجازه کشتی رانی در رود کارون بود که سابقاً دیدیم در ۲۴ صفر ۱۳۰۶ فرمان آنرا بدست آوردندودیگری‌رفع‌اختلاف دولت ایران ورویتربود که ازسال ۱۲۹۰ هجری تااین تاریخ به طول انجامیده بود .

بقیه ازحاشیه صفحه قبل

فصل بیست ویکم — بانك دراستیفاء مطالبات خودش ازتبعه ورعیت دولت علیه باسایر طلب کارهای این دولت حالت مساوات خواهد داشت و بطور شرع رفتار خواهد نمود و دولت علیه هم در استیفای مطالبات خود بابانك مساوات را منظور خواهد نمود مگر از اربابان و رعایای مالیات بده‌که ادای مالیات مقدم بر سایر مطالبات خواهد بود .

فصل بیست ودوم - بانك متعهد میشودکه از ابتدای شروع کردن بعمل بانك الی زمانیکه کل سرمایه مسطوره فصل سیم تحویل بانك نگردیده حاضر باشد ازبرای اینکه همیشه معادل صد هزار تومان بادولت داد و ستد نماید باین معنی‌که هروقت دولت‌را هرقدر پول لازم شود ازیك تومان الی صد هزار تومان از قرار صد شش قرض بدهد بوعده معینی وهروقت که تنخواه دولت ازبابت مالیات وغیره عاید شد طلب بانك‌را برساندودر وقت ضرورت باز قرض کندکه داد وستد شود وپس ازرسیدن کل سرمایه همین معاملەرا که عبارت ازصد شش باشد تایك کرور تومان با دولت خواهد نمود بشرطی‌که هروقت تنخواه دولت برسد طلب بانك‌را برساند فرضاً اگرتنخواه دولت موجودباشد ودرادای طلب‌بانك کوتاهی کند آنوقت بانك حق‌خواهد داشت که وجه تنزیل طلب خودرا بالمضاعف مطالبه نماید واحیاناً اگر اتفاقی بیفتد ازقبیل ساختن راه آهن ودرآوردن معدن وراه انداختن کارخانجات یادعوا کردن باسایر دول وبرای دولت بیشتر ازیك کرور تنخواه لازم شود مثلا الی پنجاه کرور بانك حاضر خواهد بودکه بدولت قرض بدهد لکن یك کرور تومان تنزیلش بهمانقرار مسطور الفوق میباشد وتنزیل علاوه تر ازیك کرور تومان نسبت بتقاضای وقت ونیك وبد بودن عمل که آن تنخواه استقراض صرف آن عمل خواهد شدتفاوت‌پیدا خواهد کرد یعنی کم وزیاد خواهد گردید .»

هنگامی که ولف وزیر مختار انگلیس باامین السلطان صدر اعظم ایران در باره خاتمه دادن این اختلاف مذاکره میکند ناصر الدین شاه در صدد تهیه مقدمات سفر سوم اروپا بود ومیخواست برای بار دوم بانگلستان برود.

باز مسافرت وعیاشی‌ها ومخارج بیهوده «شاه» وملتزمین رکاب پول لازم‌داشت و راهی بهتر از دادن امتیاز بانك. بررویتر بنظر نمیرسد که در ضمن هم بدعاوی او خاتمه داده شود وهم پول برای‌مخارج‌اروپا تهیه گردد و بطوریکه بعد خواهیم دید بهمین‌منظور بود که رویتر متعهد شد پس ازتشکیل‌بانك مبلغ چهل هزار لیره انگلیسی (یك ملیون فرانك) بمدت دهسال باتنزیل صد شش بناصرالدین‌شاه‌قرض بدهد واصل وفرع این‌پول‌را ازمنافعی که بانك باید بایران بدهد محسوب دارد. (۱)

روزنامه اقتصادی آلمان « برلین تاگبلات » (۲) چاپ برلین درشماره ۱۳۶ سال هیجدهم مورخ ۱۵ مارس۱۸۸۹یعنی۴۵ روز بعدازامضای امتیازنامه بانك شاهنشاهی‌تحت عنوان «اهالی اروپا درایران» راجع باعطای این امتیاز برویتر مینویسد:

«چندی‌است که دولت ایران به بارون رویتر صاحب امتیاز قدیم تمام راههای آهن ایران امتیازمخصوصی ازبرای یك بانك داده‌است.

میدانیم که بارون رویتر در قرارنامه ۱۸۷۲ مسیحی‌متعهد شده‌بود که بحر خزر را باراه آهن‌بخلیج فارس متصل سازد ومعادن‌را دایر نماید وجنگلهارا بمصرف برساند واقدام درکارهای بزرك دیگر نیز بکند ولی این‌را هم میدانیم که بعدازامضای امتیازنامه مزبور کار بر بارون رویتر سخت گردید زیراکه از برای او محال بود ازعهده تقبلات خود برآید ازیکطرف بواسطه اینکه کارهائیکه بعهده‌گرفته بود بسیار بزرك بود وازطرف دیگر بواسطه اشکالاتیکه درلندن برای او فراهم آمدند. چراکه درآنجا خط رشت به بوشهر بامنافع انگلیس مطابق و ملحوظ نیفتادند ونیز مذکورگردید که امتیاز مزبور باعث ناخوشنودی دولت روس گردیده امپراطور الکسندر ثانی اعلیحضرت شاهنشاه ایران‌را در سفری که درسنه ۱۸۷۳ به پطرز بورغ کردند از این صرافت انداختند بی شك امپراطور روس به میهمان همایون خود گفته‌است که امورات واقداماتیکه برعهده بارون رویتر واگذار شده‌اند فوق قوه یك شخص میباشند وبارون مزبور هرگز نخواهد توانست آنکارهارا باتمام برساند واین عمل میتواند برای دولت ایران مایه اشکالات دائمی گردد.

درهرصورت امتیازنامچه مزبور مجری نگردید وپیوسته بین دولت علیه ایران وبارون رویتر در اینباب قیل وقال بود خصوصاً دراین اواخر وقتیکه بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی امتیاز یکراه آهن‌را بیك‌کمپانی بلژ واجازه کشتی رانی آزادانه را روی رود کارون مرحمت فرمودند سفیر انگلیس تمام هم خودرا مصروف بطرفداری بارون رویتر گماشته و بارون مذکور پسر خود را برای ادعای حقوق خود به تهران کسیل ساخت. بالاخره برای ختم این معارضه دولت علیه ایران امتیاز یك بانك بعارض داد ومشار الیه متعهد گردید که صرف نظر از حقوق سابقه خود نماید ......»

گراهام استوری در کتاب«رویتردریك‌قرن» بعدازآنکه پیشنهادهای‌بارون‌رویتر را برای جبران خسارت امتیاز سال ۱۸۷۲ شرح می‌دهد مینویسد.

«بالاخره درسال ۱۸۸۸ پسردوم خود جرج دوررویتر را بااختیارات تامه بتهران فرستاد تا دعاوی اورا

---

۱ — این چهل هزارلیره را ازمحل همان پولی که جولیوس رویتر بابت وجه‌الضمان امتیاز ۱۸۷۲دربانك انگلستان بنام دولت ایران سپرده بود استفاده نمودند.

(2) Abed - Ausgabe BERLINER TAGEBLATT Und Handels - zeitung

تصفیه کند . بازهم ظاهرا مذاکرات دنباله پیدا می کرد اما سر انجام یکسال بعد قرارداد منعقد گردید .
درازاء دعاوی بارون حق تاسیس بانک شاهنشاهی درایران بوی تفویض شد . این بانک بموجب فرمان سلطنتی
درهمان سال تشکیل گردید ومرکز آن درتهران ولندن بود وبارون جرج دو رویتر عضو هیئت مدیره آن بود . »

مذاکره برای تهیه امتیازنامه

بعداز آمدن جرج رویتر بتهران برای تهیه متن امتیاز نامه جلساتی تشکیل می گردد ومذاکرات مفصلی بعمل میآید اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات ناصرالدین شاه که خود درجلسات مذاکرات حضور داشته جریان اعطای امتیاز بانک شاهنشاهی رابرویتر ازقول امین السلطان در کتاب خلسه اینطور شرح میدهد. (۱)

«روزی در اثنای صحبت ولف وزیر مختار انگلیس صاف و ساده بدون پیرایه بمن (یعنی امین السلطان) گفت
مسئله امتیاز رویتر که میرزا حسینخان قزوینی درصدارت خودداده بود همانطور لاینحل مانده وبعقیده من این تاخیر
وتعویق عاقبت برای دولت ایران خالی ازضرر نباشد چه عیبی دارد کاری که اسلاف شما نتوانستند انجام دهند شما
درست کنید واین نیکنامی باسم شما بماند اگر اینکار راصورت بدهید بدولت متبوعه وپادشاه خود خدمت کرده اید
ودولت انگلیس راهم بخود درایگان نموده ضمناً فایده کلی هم مالا خواهید برد ازآنجا که من هنوز دولتخواهی پدرم
رانسبت بشخص اعلیحضرت ووطن پرستی او رابه مملکت در نظر داشتم ویکباره آنرا در طاق نسیان نگذاشته بودم با
بعضی از ثقات دولتیان بمشورت پرداختم دریکی ازمجالس مشاوره حکیم طلوزان فرانسوی حکیمباشی مخصوص اعلیحضرت
همایونی که سالها درایران مستخدم بوده وهست حضور داشت مشارالیه که باروتر خصوصیت و مرابطه دارد ملتفت
شده ودانست که وقت کار است وموقع رانباید ازدست داد ولف را باجرای این قصد تحریض و تحریک نمود معجلا
تلگرافی بلندن کرد وروتر رابرآن داشت که بی تعلل ماموری بطهران بفرستد دوسه ماهی طول نکشید که پسر روتر
باجیبی پراز بلیطهای بانک انگلیس بدارالخلافه رسید سفارت انگلیس برای اینکه پادشاه و رجال دولتخواه ایران
را سوء ظنی حاصل نشود برحسب ظاهر اورا نپذیرفت انگلیسها چندی بود یکنوع صراف خانه باسم بانک شرقی درتهران
دایر وبرقرار کرده بودند شخص مودب وخوشروئی موسوم به دونیل رادر آن بانک ریاست داده ودوقبیل مردذیرکی
بود باشروط خیلی آسان بمردم گرسنه وگدای تهران ازرجال دولت وکسبه واعیان پول قرض میداد ومردم از این
بانک نهایت خورسند وراضی بودند پسر روتر بعداز ورود بتهران وملاقات بادکترطلوزان و غیره عریضه بحضور
همایون عرض وانجام واتمام کار گذشته را استدعا نمود .

اعلیحضرت شاهنشاهی زایدالوصف تعجب کردند که قریب ۱۷ سال ازاین مقدمه میگذرد ودراین مدت هیچ
حرفی ازروبتر شنیده نشده مگر بعداز مراجعت موکب اقدس ازسفراول فرنگ روتر چند بار پروتست کرد واز
دولت ایران شکایت نمود جوابهای سخت از دولت انگلیس شنید حالا چه شده که باز شیر یاد
هندوستان کرده

---

۱ — مرحوم محمد قزوینی درمجله یادگار راجع باعتمادالسلطنه مینویسد .

«محمد حسنخان مقدم پسرحاجی علیخان مقدم مراغه ای ملقب سابقاً بصنیع الدوله مترجم مخصوص ناصرالدینشاه
ووزیر انطباعات دردوره آن پادشاه صاحب تالیفات کثیره منسوب باوکه در حقیقت جمیع آنها (باستثنای یکی
دواز آن ها کهاز جمله کتاب خلسه اوست) تألیف دیگران است واین امری است که در عصر ما مستفیض بلکه
اجماعی است وشاید بعداز ماخلاف آنرا گمان کنند که از خود اوست پدرش حاجی علیخان از جمله میر غضبان
ناصرالدینشاه بود وهم اوست که مامور قتل امیر کبیر میرزاتقی خان گردید وهمچنین گویا مامور قتل باب در
تبریز بود یعنی حکم قتل را او ازطهران به تبریز برده است

محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در ۱۴ حمل یعنی روز بعد از سیزده نوروز سال ۱۳۱۳ هجری قمری
مطابق نوزدهم شوال فجاة درگذشت . وفات او قریب یکماه قدری کمتر قبل از قتل ناصرالدینشاه بود که در ۱۷
ذی القعده سال ۱۳۱۳ قمری رخ داد .»

اعتمادالسلطنه در کتاب خلسه (خوابنامه) از زبان بعضی رجال معروف دوره قاجاریه شمه ای ازاقدامات
وکارهای خلاف آنها را بیان میکند .

ملکم‌خان ارمنی وزیرمختار ایران‌درلندن چون‌ابتدا یعنی‌وقت دادن‌امتیاز بروترمبلغ‌ها ازاو رشوه گرفته بودواین‌دفعه هم که‌پسرروتر بطهران می‌آمد برای‌آنکه‌پشت‌بند برای‌خود درست کند بازباوجهی سبیل‌ملکم‌راچرب کرد آن‌ارمنی آبستن‌هم‌نوشتجات زیادی‌ازلندن بپایتخت‌ایران‌فرستاد که دولت انگلیس‌چنین و چنان میگوید و مطالب چنداظهار مینماید ودرباب حقوق‌ثابته روترجدا ایستادگی دارد بیطرفی‌ظاهری من‌وحیله‌ولف ووسوسه‌سایر وزراء بواسطه پسرروتر اعلیحضرت پادشاه رابرآن‌داشت کهحکم بانعقاد مجلس‌فرمایند و اینمطلب را در مجلس مذاکره‌نمایند وجوابیکه‌لازم‌است به‌پسر روتربدهند ازخوشبختی های‌من‌پرنس‌دالفورکی سفیرروس هم‌موقتا مرخصی حاصل‌کرده به‌پطرزبورغ رفته‌ازجانب‌دولت خودجوان بی‌حال وبی‌قابلیتی که هم‌مقهور خیالات زنانه‌حیله‌گر خود گردیده وهم‌دچار دسایس غری‌صاحب مترجم سفارت‌روس که سمت‌شارژدافری دولت معزی‌الیهارا درتهران داشت حکیم‌طولوزان راهم‌باغری‌صاحب سابقه مودتی‌بود میدانست که‌اودر مسئله‌پول حریص‌است شبی‌دوست قدیم خودرا باپسرروتر دعوت کرد شامی‌خوردند شامپنی‌زدند سکوت موقتی دۆلت‌روس رادرمسئله روتراز غری‌صاحب در همان مجلس بمبلغی نقدی‌خریدند اما معین ومعلوم نشد که این‌بیع‌وشری بچند صورت گرفت خلاصه مجلس شورائی هم بحکم همایونی منعقدشد واشخاص‌مسطور ذیل‌اجزاءآن بودند.

(نایب‌السلطنه) (عضدالملك) (صاحب دیوان) (مشیرالدوله) (امین‌الدوله) (مخبرالدوله) (قوام‌الدوله) (امین‌حضور) (اقبال‌الملك) (حکیم‌الممالك) (اعتمادالسلطنه نویسنده این سطور) وخود چاکرروسیاه (امین‌السلطان) (۱) هنوز گفتگوئی درمجلس نشده‌بود که اعلیحضرت شاهنشاهی ورودفرموده نطقی‌در افتتاح‌ایراد فرمودند که

۱ـ اعتمادالسلطنه درجای دیگر اعضاء این‌مجلس را چنین معرفی میکند

«رئیس این هیئت نایب‌السلطنه شاهنشاه‌زاده‌است متصف بصفات ظاهری وباطنی‌ازالسنه خارجه زبان‌آلمانی وفرانسه میداند درزن پرستی‌وشاهد بازی سرآمد روزگار خود است وباهرمردی که معاشرت کند او را بدرجه سرهنگی یاسرتیپی میرساند.

امین‌الدوله میرزا علیخان مردی‌داناوماهر در کلیه امورات درپلتیك نسبت بملکم‌خان ارمنی‌شاگردی‌دارد گرچه خود ملکم‌حاکم‌بی عمل وزنبور بی‌عسل است درصورتیکه متصف‌است بصفات‌رذیله پلتیك دانی اورا انکار نمیتوان کرد در وقتی که غرض ومرض‌نداشته باشد راهنمای ماهری‌است اماچون پای فایده وتصوربعضی منافع‌به میان آمد علمش نیز چون عملش هیچ میشود.

سوم عضدالملك علیرضاخان است ازمنسوبان پادشاه است خوشبخت ومال‌دار درخست وامساك باعلی درجه اشتهار امامتدین وظاهرالصلاح وپاك فطرت وپاکیزه سیرت‌در راه خدمت پادشاه ازبذل جان ومال عزیز مضایقه ندارد صرف در راه‌خداوخداوند پرستی میسپارد بتمام‌معنی‌شخص نازنینی‌است.

اما عامی وبسیطاست دربیسوادی‌وبی‌خبری بدرجه افراط وتفریط ـ متشرعی‌است که‌نه اصول میداندنه‌فهم مسائل فروع میتواند حتی‌قرآن ودعارا غلطمیخواند.

ازپولتیك وعلم روابط خارجی بی‌بهره است وبی‌اطلاع فقط دلش‌باین خوش‌است که مردم باو احترام زیاد نمایند وویرا ببزرگی وشأن بستایند.

چهارم ـ میرزا فتحعلی‌خان صاحبدیوان است که مال‌ومکنت بی‌حساب دارد تنباکووآبلیموی معطرشیراز خاصه شراب‌خلر که هوش ازسرمهتر وکهتر میرباید شال کشمیری وزر جعفری‌میدهد وهرچه میخواهد میگیرد خوان و خانه‌اش نیزآراسته و گسترده است هفتاد سال عمر خود را در حکومت و ماموریتهای بزرك گذرانده.

پنجم ـ میرزا عباسخان قوام‌الدوله در محاسبه وسؤال وجواب باحکام مهارت وسررشته دارد لیکن طبع لئیم ونفس خسیس طوری‌او راپست کرده که‌ابداً قابل‌اعتنا نمی‌باشد زنده‌است وهست اماچنان است که نیست‌هر قدر پیرترمی‌شود برخست ولئامتش می‌افزاید طمعش نیزازکرامت حضرت‌مرتضی علی‌زیادتر میباشد هر روز رو به

بقیه درحاشیه صفحه بعد

از اول خلقت آدم تاکنون هیچ‌پادشاهی مستقل‌چنین عبارات برزبان نیاورده بلکه روسای ملل‌جمهور هم این قسم تقریرات ننموده پادشاه کارآگاه فرمودند شمارا امروز برای این‌مطلب بـاین‌مجلس احضار فرموده‌ام که‌گوش به عرایض زوتر بدهید به‌بینید چه‌میگوید ذیحق‌است یابی‌حق‌اگر حق‌دارد چاره چیست واگرحق ندارد جواب‌شافی صریح باوبدهید مخصوصا بهریك‌از شماها میسپارم که عداوت وغرضی هم که‌باهم‌دارید کنار بگذارید فقط صرف دولت ومنفعت‌قاطبه ملت را منظور وملحوظ دارید طوری کنید که بعداز ده سال دیگر بیوه زنان ایران بمن که پادشاه شماهستم نفرین نکنند وپیرمردها لعنت ننمایند .

بقیه از حاشیه صفحه قبل

تزایداست وحرصش همواره‌درتصاعداز چنین کسی هیچکس‌را باك‌نیست

ششم - یحیی‌خان مشیرالدوله است این یحیای ازوینی دربذل ازیحیای‌برمکی گرو مببرد امادر طمع هم‌آنقدر علوباغلودارد که دست عباس‌دوس به آن بلندی که میدانید بدامنش نمیرسد به پرروئی و زور میگیرد بـابرام والتماس میدهد سر تاپا غلط و در یك گام سه مرحله خبط مینماید فرانسه خوب می داند و درکلیه کارها زرنگی‌دارد .

هفتم- علیقلی خان مخبرالدوله وزیرعلوم است که بوئی از علم‌بمشامش نرسیده وذائقه‌اش مطلقا این طعم رانچشیده برای سلطنت مستقله ومملکت مستبده‌چنین وزیرعلومی‌هم‌لازم است‌ازوجودش نه شری حاصل‌شود نه‌خیری مطلقا بهیچ‌چیز معتقدنیست می‌خواهد آسوده وبی‌دردسر فارغ اززحمت وضرر درعمارت مزین‌خود به نشیند خوش بخوردوخوش بنوشد نرم‌بیفتد و گرم بپوشدالدوخته وافرومال ومایه‌متکاثر خود را بعیش صرف‌نماید نه عقب کسی‌برود ونه کسی دنبال‌او بیاید .

هشتم — میرزا محمدخان اقبال‌الملك او شخصی است مداهن و چاپلوس مفسد ومدبر ومفتن ومزور —نه در امور ومامورت خارجه کاری کرده ونه درخدمات داخله راه آوردی دارد مثل‌او مثل خس و موج دریاست از هرطرف که اورابردبرده

نهم— آقاعلی امین حضور است که ازبی‌حیائی وبی‌تعصبی ضرب‌المثل‌است ودر وفاوانسانیت از هر قلیلی اقل- پایه بی‌شرمی رابجای بلند گذاشته ورایت بدعملی را ازبالای ثریا وفرقدین افراشته خیلی حالات‌اوبشخص امین‌السلطان شبیه‌است در حقیقت برادردینی وروحانی اوست .

دهم- میرزاعلینقی حکیم‌الممالك پسرحاجی اسمعیل جدیدالاسلام است اومردی‌است طبیب وامینی حبیب رفیق شفیق مهربان نزدیك بدل وخوش زبان چنانکه درتملق ومداهنه مشهوراست واسمش‌در طومار خوش آمد گویان مذکور برای خدمتگذاری هرکسی ازاعلی تاادنی وبرای هرخدمت از علیا تاسفلی حاضراست از جاروب کش‌تارتبه امارت ومقام صدارت هرچه باو رجوع شودحرفی ندارد وافکاررا بوجهی می گذارد دشمن ترین مردم بشخص وی خود اوست چه از بی مبالاتی کارش بقدری تو در تو است که با مواجب گزاف و دخل کلی هرگز نشده که چیزی داشته باشد درتحصیل نقود درهرراه میدود وهر کاری میکند با وجود اغلب گرسنه و پریشان است احتیاج اورا بکردن کارهای ناشایسته وامیدارد از بیچارگی برخلاف خود ورسم انسانیت راه میرود هر بیوه زنی متمولی را برای خوردن مال خواستگار است و هر چه یتیم و بیمار با مکنتی را پدر و پرستار .

یازدهم - اعتمادالسلطنه محمد حسن‌خان دارای همان صفات‌است که معاویه در تعریف عبدالله‌بن زبیر به پسربد گوهر خودیزید پلید بیان‌کرده وگفته مثل‌روباه فرار میکند ومثل شیرحمله مینماید

دوازدهم - امین‌السلطان نمیدانم طاعون مصرش خوانم یا وبای‌هند بلائی بود که بجان‌دولت وملت افتاد و ایران رابباد فناداد جامع‌تمام‌رذائل وفاقد کلیه فضائل است .»

من شمارا در حل وعقد این کار امین و مختار نموده‌ام شما هریك مسئول هستید مجبور نیستید که همین امروز جواب بدهید ورای خودرا ظاهر کنید مسئله مهم‌است عجله لازم نیست امروز تفصیل بشنوید درست بخاطر نگاهدارید بخانهای خود که رفتید بادوستان وآشنایان بلکه بابقال وعطار سرمحله خود دراین باب سئوال وجواب ومشاوره نمائید پس ازاینکه خیالات پخته شد هرچند بنظرتان آمد بنویسید واوراق مستوره‌را ده پانزده روز دیگر باخود باینجا بیاورید و بمجمع ارائه دهید تاصحیح از سقیم جدا شود ومسئله بدرستی حل گردد اعلیحضرت همایونی بعدازتقریر این خطابه شاهانه مراجعت فرمودند

اجزای مجلس شوری در اطاق آبدار خانه که منزل رسمی من بود جمع شدند من باوجودشأن صدارت وکمال قیدی که درباطن دارم ظاهرا درنظر شاهنشاه همیشه‌خودرا رئیس آبدارخانه بخرج میدهم درسفر وحضر هرگز این محل‌را ترك نمیکنم اما بااین اظهار بی‌قیدی ازتمام صدور ماضیه حتی میرزاتقیخان بیشتر توقع‌خدمت وادب‌ازمردم دارم چنانکه هریك ازارکان دولت ازدخول وخروج به من تعظیم نکنند در همان مجلس آنهارا بی‌آبرو وخفیف میکنم وبه منشی‌های خود دستور دادم که بمردم‌عموما‌اعلان واعلام‌نمایند که درعنوانهاو مراسلات به من همان نویسند که‌بحضرت ولیعهد ونایب السلطنه می‌نویسند اما مجلس شوری در باب انجام کار رو تر قبل از همه من پاکتی از کیف خود درآورده پیش از آنکه نوشتجات را بحضار نشان دهم مختصر تقریری کرده گفتم برتمام اهل مجلس معلوم باشد که من دراین کار مطلقا واصلا مداخله ندارم بکلی بی غرض وبی طرفم اوقاتیکه درجاجرود بودم پسر روتر بتوسط حکیمباشی‌طلوزان عریضه‌ای‌بخاکپای همایونی ایصال واستدعای اتمام کارگذشته پدر خودرا نمود عریضه آن اینست که می‌بینید وادعایش درسر امتیاز راه آهن است‌صورت حساب باعریضه‌فرستاده ومبلغی راکه بجهت امتیاز خرج کرده و بمصرف لوازم اسباب راه آهن رسانیده وآنچراکه بمردم تعارف و تکلف داده درآن معین ساخته آن مبالغ‌را هم که داده حساب کرده‌وبراصل افزوده‌است موافق این صورت دولت ایران قریب یك کرور تومان پول این مملکت به روتر مقروض است باید تنخواه وطلب اورا داد و سندیکه در دست دارد ازاوگرفت وباطل نمود ونابود ساخت درصورتیکه دولت ایران برای این طلب و وجه خسارت روتر حاضر نباشد خود روتر چاره دیگری بدست آورده وفکر کرده که برای دولت ایران سنگینی وسختی ندارد بلکه فایده ومنفعت عاجل هم دارد وآن فکر وچاره این‌است که باو اجازه داده شود بانکی درایران دایرنماید اگر این امتیاز باو داده شود امتیازنامه اولی خودرا که سند دعاوی او است بدون اینکه مطالبه دیناری کند رد مینماید وسلب هرنوع حقوق خودرا نوشته میدهد بلکه مبلغی بعنوان مسئله تقدیم خواهد نمود بانکی که میخواهد دایر نماید آنرا بانك امپراطوری ایران مینامند فصول شرایط آنرا هم نوشته ملاحظه فرمائید آراء برهرچه قرارگرفت بحضور شاهنشاه معروض دارید تاامر اعلی صادر شود

مقصود این است که من دراین کار ملاحظه ندارم فقط حامل نوشتجات پسر روتر ومبلغ امر همایون‌هستم پاکت نوشتجات‌را یحیی خان مشیر الدوله گشوده آنهاکه بزبان فرانسه نوشته بود خود نگاهداشت و فارسیها یعنی‌ترجمه آنها را به میرزا علیخان امین الدوله داد مشغول خواندن گردید ومشیر الدوله بااصل‌آن که بزبان فرانسه بود مقابله و تطبیق نمود باقی اهل مجلس نشسته و هیچ نمیگفتند تا قرائت قرار نامه بانك بانجام رسید ونوبت اظهار رأی شد ازحضار آنهاکه چیزی ازمسائل بانك وثروت ملت نمی فهمیدند وازاین علم بهره نداشتند بعضی خرافات که ابدا ربطی نداشت بهم بافتند برخی که اندك باخبر بودند چون پسر روتر بلا واسطه یامع‌الواسطه یابوسیله حکیم طلوزان بآنهاوعده کرده‌وآنهارا بطمع انداخته بودند به تمجیدپرداختند گفتند برای دفع شر روتر بهتر از امضای امتیازنامه بانك چیزی بنظر نمیاید اعتماد السلطنه گفت اولا باید دانست که ترجمه این قرارنامه بااصل مطابق‌است یانیست زیرا درجزئی تفاوت‌واختلاف ترجمه بااصل بسیاراتفاق افتاده که خسارت کلی وارد آمده زبان ما چندان بسطی ندارد وایجاد لغات مخصوص هنوز ننموده‌ایم خوب .

است ابتدا ترجمه‌را بااصل استکتاب نمائیم چنانکه اعلیحضرت فرمودند هریك‌ازحضار نسخهٔ ازآن باخود بمنزل ببرد ودرخانه بفراغت فقرات آنرا ملاحظه کند ومطالب آنرا بسنجد بعد هفته آینده باز جمع شده هر کس‌را هرچه بنظر آمده درمجلس اظهار نماید برحسب اتفاق‌روزی چند بود که من بظاهر اظهار لطف باعتماد السلطنه مینمودم بعد از آنکه این حرف‌را ازاو شنیده زائدالوصف ازاو رنجیدم وپشیمان شدم که چرا اورا باین مجلس راه دادم بتصور اینکه چون قبل ازوقت اورا از منظور ومقصود خود خبر نداده بوذم خیلی ملالت حاصل ننمودم ظاهرا تصدیق قول اوراکردم قرار شد تمام نوشتجات‌را ازاصل وترجمه درآنروز که پنجشنبه بود باعتماد السلطنه بدهم او ببرد ومقابله ومطابقه وتنقیح و تصفیه نماید وصبح شنبه بمجلس بیاورد درهمانروز بعد از خوردن ناهار بازمجلس منعقد شد اعتمادالسلطنه گفت مطلبی که صبح در اینجا مطرح ومذاکره کردید دو فقره بود یکی آنکه به بینیم روتر حق مطالبه خسارت امتیازنامه ۱۷ سال قبل را دارد یاندارد؟

فقره ثانی این است که باصل ترجمه و شرایط قرار نامه او رسیدگی شود و بوجه صحیحی دولت از این مخمصه فارغ گردد وما اصل کاررا کنار گذاشته خودرا مشغول فرع مینمائیم و این کار ظاهرا صحیح نباشد نایب السلطنه فرمود من پسر شاهم وهیچکاری باین کارها ندارم بلکه حضورمن دراین مجلس لازم نبودتکلیف حاضرین است که درمسائل مشکلیه دقت کنند رای وعقیده خودرا به‌پیشگاه همایونی‌معروض دارند هرطور میل ورای انور اقتضا کند من تابع ومطیعم وازخود رای مخصوصی ندارم.صاحبدیوان گفت ما بمطالب امتیازنامه‌اولی مربوط نیستیم پس باوجود بی خبری چگونه میتوانیم رای بدهیم وعرضی دراین باب بکنیم چه میدانیم چه‌بوده وچه شده امین الدوله در کشف این مطلب وحل این مسئله تقریبا یکساعت حرف زد خلاصه گفتار او این‌است.

درزمان صدارت میرزا حسینخان امتیاز راه آهن بروتر داده بودند بعد ازمراجعت ازفرنك که وقت‌وموقع‌اجرای آن امتیازنامه بود چون مردم برضدمیرزا حسین خان شورش نمودند علماءومجتهدین‌درفسخ ونسخ این‌امتیازنامه مصر شدند در منجیل ازمنازل گیلان حسنعلی خان که آنوقت وزیر فواید بود تلگرافی بروتر کرد که چون از موعد اجرای فصول امتیازنامه شما گذشته وهنوز اقدام جدی ازطرف شما نشده دولت ایران آن امتیازنامه‌را باطل میداند از آنجاکه درفرنك رسم و معمول است امور متعلقه بطرق و شوارع هرسئوال وجوابی دارد باوزیر فوایداست واو دخالت مینماید تلگراف مزبوررا حسنعلی خان‌وزیر فواید بروتر مخابره کرد اما افسوس که‌ازطرف دیگر عیب بهم رسانید یعنی عملجات ایرانی بدستورالعمل معلمین وچند نفر صاحبمنصب انگلیسی درآن حوالی نیم فرسخ از جنگل‌رابریده وراهی مسطح کرده بودند وآنها ازروتر رشوه گرفته تدلیس نمودند دردوسه روزتوقف رشت به تقریبی بندگان همایونی‌را بحوالی آن نیم فرسخ ازجنگل برده ومیرزا حسینخان که هنوزخود را از صدارت معزول نمیدانست بواسطه پنجاه هزار لیره دیگر تلگرافی بروتر زده اورا تبریك ازشروع‌شدن کار او گفت واظهار داشت که بندگان شاهنشاهی شخصا باتشریفات سلطنتی بسر کار رفته وخیلی تمجید فرمودند تلگرف صدر اعظم مشعر براجرای امتیازنامه روتر وتلگراف وزیر فواید در انکار شروع شدن کار بفاصله چهار روز در لندن بروتررسید وازآنجاکه روتربحسب ظاهرشروع بکار نموده‌واز صدراعظم ایران‌هم سندی‌دردست داشت‌لهذا معین‌است تلگراف حسنعلیخان وزیرفواید خالی‌از اهمیت مینمود لهذاروتر همان‌وقت در روزنامه‌های انگلیس پروتست کرد که من‌مبلغها خرج کرده‌ام وشروع بکار نموده سندصحیحی که مصدق من‌است از شخص اول دولت دارم حالا یکی‌ازوزرای نمره سوم‌ایران که وزیر فواید است چنین‌تلگرافی بمن مینماید پروتست روتر را ابتدا تمام اهالی انگلیس صحیح‌ودرست دانستند واورامحق شمردند درهمه‌روزنامه‌های انگلیس نوشتند دولت ایران یاباید امتیازنامه راه‌آهن روتر را معتبربداند ودراجرای فصول آن‌امتیازنامه وکارخودباا‌و همراهی نماید ویاباید مبلغی راکه اوخرج کرده بامنافع آن مسترد کند وامتیازنامه خودرابگیرد این‌روزنامه‌ها بتواتر بطهران رسید بعضی از نظر همایون گذشت وبرخی‌را ملاحظه نفرمودند سفارت انگلیس هم‌درآنوقت بواسطه‌تغییر صدارت وشورش‌اهالی وعلماء دانست صلاح‌در تصویب روتر نیست.

یك دوسال از این مقدمه گذشت ماموری که همیشه از جانب رویتر درطهران بود وسالی هفت هشت هزار تومان از او مواجب دریافت مینمود بهرمجلس ومحفلی ورود میکرد اول حرف پروتست ودادخواهی رویتر بود بیشتر از پنجاه مرتبه این تفصیل بعرض حضور مبارك شاهنشاهی رسید ومن خودم که امین الدوله هستم چندین بار گفتم کار رویتررا باید یکطرفی کرد سهل ومعوق نباید گذاشت از آنجا که تعلل وشارلاتانی یکی از کوك کارهای میرزا حسینخان بود هروقت بندگان همایون چیزی در این باب باو میفرمودند او هردودست را بسینه گذاشته عرض مینمود خاطر مبارك درمسئله رویتر آسوده باشد وهیچ از این فقره چیزی نفرمایند طرف رویتر مطالب خودرا به پارلمان انگلیس عرض ورجوع کرده اجزای پارلمنت صورت امتیازنامه راخواسته وبدقت ملاحظه کردند دیدند رویتر فی الحقیقه دولت رافریب داده این بود که جمعی ازمعتبرین رجال دولت انگلیس ازاجزای پارلمان مثل لرد دربی وغیره گفتند دولت و ملت ایران در امضای این قرارنامه منتهای بلاهت راداشته چون کوری که هیچ نه بیند و کری که هیچ نشنود این تصدیق اجزای پارلمنت سبب شد که پروتست رویتر درانگلیس فایده نبخشید ومایوس صرف گردید ماموری که در طهران داشت و هرسال مبلغی باو میداد بلندن طلبیده وازخیال افتاد اینك ده سال است که حرفی در اینباب زده نمیشود دیگر این ایام که مطلب را تجدید نموده اند من جهة این تجدید رانمیدانم .

حرف امین الدوله باینجا ختم شد بازمن بسخن آمده گفتم اگرچه من فرنك را ندیده و معرفتی در حق فرنگیها ندارم اما از قراریکه چند نفر بمن گفته اند رسم وعادت انگلیسها این است که درمطالبه حقوق خود عجله نمینمایند صابرند میدانند با آن قوت کامله ای که آنها دارند هروقت باشد حق ثابت خود را دریافت میکنند بلکه منافع آنرا هم میگیرند فرضا که حالا هم جواب صریح به پسر رویتر ندهید واو بی نیل مرام بلندن مراجعت کند بازپس ازچندی بتجدید مطلب وطرح مسئله خواهد پرداخت وشمارا بزحمت خواهد انداخت ادعای رویتر باخگری ماند که زیرخاکستر باشد بمجرد وزیدن مختصر بادی روی آن بازشده شعله می کشد حضار همه تصدیق کردند .

اعتماد السلطنه گفت چه ضرر دارد ما بدانیم این مبلغی را که رویتر اصلا وفرعا مطالبه میکند صرف چه کرده جواب دادند پنجاه هزار لیره میرزا حسینخان صدر اعظم گرفته همینطورها هم میرزا ملکم خان بیست هزار لیره حاجی محسن خان معین الملك بیست هزار لیره مشیرالدوله حاضر مبلغی هم اقبال الملك حاضر مبلغی هم مردم دیگر که دست اندر کاربودند مختصر قریب دویست هزارلیره تعارف داده است ویکصد هزار لیره هم خرج کرده

اعتمادالسلطنه گفت ازمیرزا حسین خان مکنت زیادی مخلف مانده آنچه ازرویتر گرفته ورثه پس بدهند سایرین هم که این رشوه را خورده اند وحاضرند رد کنند باقی را دولت درظرف چهل پنجاه سال به قسط بپردازد کلا کار رویتر کنده میشود من ازاین حرف خیلی بدم آمد ومشیرالدوله واقبال الملك وبعضی از حضار دیگر که حضور داشتند نیز هیچ خوششان نیامد وهمه درمخالفت بااعتماد السلطنه بامن موافقت کردند وبه همین حال آنروز مجلس بهم خورد .

روز شنبه باز مجلس منعقد شد اعتماد السلطنه ترجمه قرارنامه رویتررا صحیح وبااصل مطابق کرده به مجمع اظهار داشت چون در این ترجمه راه هرنوع تدلیس بسته شده بود ما علی الظاهر هیچ نگفتیم ودر باطن همان ترجمه اولی را که میرزا نظام مهندس الممالك کرده وسراپا غلط بود چنانکه بعد ازطبع و نشر آن عالم وعامی بصدا درآمدند وگفتند ما هیچیك ازمطالب این امتیازرا ندانستیم ونفهمیدیم ماخذ قرار دادیم.

مختصرا ما در همان مجلس قرار نامه را مهر کردیم و عاجلا بامضای همایونی رسانیدیم وبانکی در ایران ایجاد کردیم که هیچ خائنی ایجاد نمیکرد وزیر این بار نمیرفت حقیقتاماشوکت وثروت وسرمایه دولت ورعیت را محضا للشیطان باو دادیم وازآنروز کمر عداوت بااعتمادالسلطنه را جدا بمیان بستم ومن قسم خوردم تااورابخاك سیاه ننشانم دست ازسرش برندارم زیرا دراین خیال این شخص را باخود ضد و مخالف دیدم وبس نمیدانم اگر پیش ازاین اورا دیده وبااو گفتگو کرده یاپیغام داده بودم که من در این فقره حاضرم مبلغی از پسر رویتر برای تو میگیرم طمع پول ومیل سازش بامن اورا ساکت میکرد یانه درهرحال ضدیت او بامن مرا دشمن ابدی وی ساخت خلاصه چون بانك سر گرفت من وواقف سفیرانگلیس بمقصود خود نائل شدیم.»

امضای امتیاز نامه بانک

بالاخره بعداز مذاکرات مفصل متن امتیازنامه بانک شاهنشاهی برای امضاء حاضر می شود ولی قبل از مبادله آن ناصرالدینشاه توسط امین السلطان از سر هنری درومندولف وزیر مختار انگلیس وجرج رویتر حل چند مسئله رامیخواهد که مهمتراز همه یکی تعهد پرداخت یکصد هزار تومان (چهل هزار لیره انگلیسی) وام بود که برای مخارج سفر اروپا نهایت ضرورت را داشت ودیگر تعهد استرداد عین اصل امتیاز نامه ۱۸۷۲ رویتر که مدت ۱۷ سال وسیله ادعا واعتراض انگلیسها بردولت ایران بود .

این نظرها بانوشتن چندتعهدنامه بعنوان منضمات و ملحقات امتیازنامه بانک شاهنشاهی تامین میگردد. نوشته‌های مزبور که تاریخ امضای آنها ۲۷ روز قبل از تاریخ امضای متن امتیازنامه میباشد بشرح ذیل است .

«امضاء کننده ذیل متعهدمیشودمبلغ چهل هزارلیره انگلیزی فورا بورودخودش بلندن»
«بحضوراعلیحضرت اقدس همایونی کارسازی نمایددرصورتیکه بتوسط حکم دولت علیه»
«ایران و بتوسط جناب جلالتمآب محسن خان اختیارلازمه از برای بیرون آوردن مبلغ مذکور»
«از بانک انگلستان بدستش بیاید چنانچه درشرط ملحقیه ذکرشد .
«تسلیم این مبلغ بحضوراعلی حضرت اقدس همایونی بواسطه حواله تلگرافی ازطرف»
«امضاء کننده ذیل بیکی ازتجار که اعلیحضرت اقدس همایونی معین خواهند فرمود»
«خواهد شد .
«تحریرا درطهران بتاریخ سیم جانویه هزاروهشتصدوهشتادونه ۱۸۸۹ (محل امضاء»
«ومهر جارج دورویتر)
«در حضور من امضاءشد(محل مهر وامضاءهنری درامندولف ایلچی مخصوص ووزیر»
«مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیز به دربار ایران) (محل مهر سفارت انگلیس)»
«فصل ملحقیه امتیاز بانک شاهنشاهی نمره یك
«امضاء کننده ذیل متعهد میشود اصل امتیازیکه بیارون جولیوس دورویتر»
«بتاریخ بیست وپنجم جولیه سنه هزار وهشت صدوهفتاد ودومرحمت شده درظرف ده»
«روز بعداز ورود خودش بلندن بوزیر امورخارجه انگلیز تسلیم نماید .
«این نوشته باسم نماینده اعلیحضرت پادشاه انگلیزدرطهران عنوان خواهدشد»
«وجناب معزی الیه متقبل میشود که نوشته مزبوررا بدولت علیه ایران تسلیم نماید .
«تحریراً در طهران بتاریخ سیم جانویه هزاروهشت صدوهشتاد ونه ۱۸۸۹ (محل»
«امضاء ومهرجارج دورویتر)
«امضاء شده است در حضور من(محل مهر و امضاء هنری درامون دولف ایلچی»
«مخصوص ووزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیز به دربار ایران) (محل مهر»
«سفارت انگلیس)
«فصل ملحقیه نمره دویم
«مقرر است که بانک شاهنشاهی مواجب مامورمخصوص مذکور در فصل چهارم»

« این امتیاز را بدولت علیه ایران ادانماید . این مواجب مذکور که عبارت است»
« از سه‌هزار تومان در آخر هر سال مالیه یعنی در بیستم مارس بانك باید»
« کارسازی نماید .

تحریراً در طهران مورخه سیم‌جانویه هزار وهشتصدوهشتاد و نه ۱۸۸۹ (محل»
« مهر وامضاء جارج‌دورویتر)

«در حضور من‌امضاءشد (محل‌مهر و امضا هنری‌درامندولف ایلچی‌مخصوص و »
« وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیز به‌دربار ایران) (محل‌مهر سفارت انگلیس)

« فصل ملحقیهٔ نمره سیم

«واضح ومعلوم‌می باشد که‌وجه‌الضمانه چهل‌هزارلیره‌انگلیسی که بموجب فصل»
« هشتم‌امتیازنامچه بایدبدولت علیه ایران داده‌شود تسلیم بندگان‌اعلیحضرت اقدس»
« شهریاری خواهدگردید - این تنخواه برای بندگان اعلیحضرت همایونی قرض»
« دو کرور فرانك یعنی‌چهل هزار لیره‌خواهد بود که در فصل ششم‌ذکرشده وباین »
« نحو ازپیش تسلیمش وقوع بهم‌میرساند بناءعلیه فردای‌روز تشکیل بانك بندگان»
« اعلیحضرت اقدس شهریاری بعوض‌اینکه از برای‌دولتشان قرض مذکوردو کرور»
« فرانك‌قید شده در فصل ششم‌را بخواهند بمدیرهای بانك شاهنشاهی امر خواهند»
« فرمود که این مبلغ راچون ردوجه‌الضمانه ببارون‌ژولیوس رویتر بدهنداین‌مضاف»
« همان اعتبار را خواهد داشت که هر گاه کلمه بکلمه در خود امتیازنامچه »
«درج شده می بود .

« محل امضاء جارج دورویتر

« در حضور من امضاء شد (محل امضاء ومهرهنری‌درامندولف ایلچی‌مخصوص»
« ووزیر مختاراعلی حضرت پادشاه انگلیز .)

« در یکهزار وهشتصد وهشتاد ونه در دارالخلافه طهران قلمی گردید .

پس از امضای این تعهدات ازطرف ژرژ رویتر امتیازنامه بانك‌شاهنشاهی که در چهارده فصل تهیه شده بودبامضاء میرسد وبین‌طرفین مبادله میگردد .

« امتیازنامچه »

بانك شاهنشاهی ایران

« مقدمه - اشکالاتی که مدتها بین‌دولت بندگان اعلیحضرت شاهنشاه ایران و»
« بارن ژولیوس رترمعلق بودند چون آخرالامر برطرف گردیدند و امتیازنامچه»
«که ببارون ژولیوس ریترمذکور در بیست وپنجم‌ژوئیه ماه یکهزاروهشتصدوهفتاد»
« و دو عیسوی عطا شده بود چون معدوم گردید باتفاق طرفین مراتب مفصله»
« ذیل بر قرار شدند .

« فصل اول - امتیازنامچه -بموجب این امتیازنامچه دولت بندگان اعلیحضرت»
« اقدس شهریاری ببارون ژولیوس ریتر وبشرکاء یاعاملین اودر مملکت ایران‌حق»
«احداث یك بانك‌دولتی‌موسوم‌ببانك‌شاهنشاهی ایران‌می دهد .

Acte de Concession de la Banque Impériale de Perse

امتیازنامچه بانک شاهنشاهی ایران

صفحه اول امتیاز نامه بانک شاهنشاهی ایران

« مدت – حق مزبور برای مدت شصت سال ابتداء از تاریخ امضای این متیاز نامچه»
« بتوسط بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی عطامی شود .
« مرکز بانك ـ مرکز ومقر بانك در طهران خواهد بودو بانك مزبور خواهد»
« توانست درشهرهای دیگر ایران ودر خارجه شعبات برقرارسازد .
« اقدامات مختلفه ـ محض بسط تجارت وازدیاد ثروت ایران بانك شاهنشاهی گذشته»
« از اعمالی که متعلق بصرافی می باشند باخرج خود یا بخرج ثالثی اقدام در تمام کارهای»
« محاسبه وصنعتی وتجارتی که برای این مقصود نافع بداند خواهد کرد مشروط بر »
« اینکه هیچیك از آن اقدامات مخالف عهدنامه‌ها وقوانین دولت وملت ومذهب ایران»
« نباشد وقبل ازشروع اطلاع بدولت ایران داده شود .
« تقیدات ـ بانك حق نخواهد داشت درقلمرو دولت علیه ایران گرو بیع شرطی »
« قبول کندوغیرمنقول ازقبیل املاك واراضی و دهات و غیرها خریداری نمایدمگر»
« اراضی که برای یك بنای کافی درطهران و شعباتش درسایر ایالات لازم میباشند ونیز»
« قدغن اکیداست که بانك مزبور بروات دولتی راکه حواله باونشده‌اند تنزیل کند»
« ویا باعتبار آنهاوجهی بکسی قرض بدهد .
« فصل دویم ـ سرمایه بانك مبلغ دویست کرورفرانك یعنی هشت کروولیره انگلیسی»
« خواهد بود لهذا تعدادی اسهام احداث خواهند شد که بانك آنهارا بدفعات نشر »
« خواهد داد هروقت که تقبل قسمت اول سرمایه یعنی پنجاه کرور فرانك یادو کرور»
« لیره انگلیسی امضاءشد بانك مزبور تشکیل شده ملاحظه خواهد گردید محل امضای»
« تقبل سرمایه‌در پایتخت‌های مختلفه خصوصا درطهران وبرلن و لندن و پاریس و »
« پطرزبورغ ووینه درصورت اجازه دول متبوعه آن ممالك وضع خواهد شد .
« اسهام باسم حامل خواهندبود وبانك اسهام اسم‌دار هم میتواند نشر بدهد بانك»
« مزبور میتواند هروقت مفید بداند سرمایه و عدد اسهام خود را باتفاق »
« دولت علیه زیاد کند .
« فصل سیم ـ نشر بلیطهای بانك ـ بانك شاهنشاهی چون بانگی است دولتی حق »
« مانع لغیر نشر بلیطهای بانك بی اسمی خواهد داشت که بمحض رویت قابل الاداء »
« خواهند بود وهرگز متجاوز از چهل کرورفرانك که هشتصد هزارلیره انگلیسی»
« باشد بلیت بانك نشر نخواهد دادمگر اینکه بدولت اطلاع بدهد .
« برای مساعدت بسط اعتبارعامه ومحض تحدیدجریان مسکوکات نقره وازدیاد »
« نشر مسکوکات طلا بانك دولتی من حیث القاعده قبول وضع یك عیاری میکندمبنی»
بر تومان طلا ـ در مدت ده سال اول تشکیل بانك دولت بندگان اعلیحضرت شهریاری»
« ومدیرهای بانك بین خود قرار ومدارهای لازمه‌را برای وصول باین مقصود خواهند»
« داد معهذا نظر باقتضای وضع حالیه مسکوکات نشر بلیت‌های بانك شاهنشاهی بدوا»
« مبلغی برپایه قران نقره خواهند بود .

«این بلیت‌هارا تمام‌عمال و مأمورین‌دولت علیه قبول‌خواهند کرد ودر تمام‌معاملات»
«ایران رواج خواهند داشت ولی هرآنی کـه بانك نتواند قیمت یکی از بلیت‌های»
«خودرا ادا نماید نشر بلیت‌های بانك در تمام‌مملکت‌ایران منع خواهد گردید و بانك»
«مجبور خواهدبود که قیمت تمام بلیت‌های خودرا ادا کند .
«ضمانت اداء ـ محض اطمینان ادای بلیت‌ها بانك مزبور صریحاً متقبل میشود که»
«دردو سال اول ابتداءازشروع به کار اقلانصف قیمت بلیت‌های منتشر شده‌خودرا»
« وپس از انقضای دوسال اقلاثلث قیمت آنهارا نقدا موجود داشته باشد .
«تفاوت‌بین وجه نقدموجودی وسرجمع بلیت‌های منتشرشده بتوسط اسنادمنقولات»
« وغیر منقولات متعلقه به بانك که آنهارا در ایـران موجود خواهدداشت‌ضمانت»
« کرده می‌شوند .
«بانك شاهنشاهی‌مجبوراست که قیمت‌بلیت‌های خودرا به محض رویت درهرکجا»
«نشر شده‌اند ادا کند معهذابلیت‌های شعباتش خواهند توانست در طهران‌اداشوند»
« بلیت‌های بانك بزبان ایرانی خواهند بود و بانك نخواهد توانست بدون اذن»
«دولت علیه ایران‌بلیت کمتر ازدو تومان نشر بدهد .
«بلیت‌های بانك علامت یامهری خواهند داشت که مبین ثبت دفتری ایران باشد»
«وممضی خواهند بود بامضای یك مدیر یامدبر وبامضای تحویلدار عمده تاسیس که»
«درآنجا نشر شده‌اند .
«دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری متقبل میشود که در طول مدت این»
«امتیازنامچه هیچ نوع مسکوکات کاغذی نشر ندهد واحداث هیچ بانك تأسیسی‌را»
« که‌صاحب‌این گونه امتیاز باشد اجازه ندهد .
«فصل چهارم ـ دولت‌علیه‌ایران‌سرمایه بانك‌را ضمانت نمی کند وخواهدتوانست»
«بمیل خود خریدارا سهام شود ویادرخرید اسهام مساعد تبعه خود گردد تا به حد»
«خمس سرمایه منظوره ویابهیچوجه مداخلت نکند .
« اداره بانك ـ تقسیم سرمایه باسهام وعدد وقیمت بلیت های بانك مطابقاً »
« بمدلولات فصل سیم این امتیاز نامچه و نظم و نظارت بانك و تعیین روساء »
« و اجزاء چه در ایران وچه در خارجه و اداره کردن و جوهات بانك یامنافعی »
«که حاصل کند یاخساراتیکه ممکن‌است عایدش گردد بکلی برعهدهٔ دارای این»
«امتیاز وشرکاء وعمال آن خواهد بود وهر نفع‌وضرری باو مدخلیت دارد .
«مامور محترم مخصوص ـ دولت‌علیه ایران مراقبت تامه خودرا دربانك‌بتوسط
«یك مأمور محترمیکه خود معین کند جاری خواهد ساخت واین مأمور حق خواهد»
«داشت از نظارت بانك اطلاع تحصیل کند ومواظب باشد که امورات بانك بروفق»
«این امتیازنامچه بگذرند مأمور مزبور هر وقت دعوت شود بر حسب تکلیف در»
«مجالس عمومی اسهام داران وهمچنین درمجالس‌شورای مدیران درطهران حضور»
«بهم‌خواهدرساندو نشر بلیت‌های بانك‌را وارسی‌خواهد کردومواظبت‌تام خواهد داشت»

«که مدلولات فصل سیم این امتیازنامچه رعایت شوند و مراقبت روابط بانك با»
«خزانه دولت علیه برعهده اواست ونخواهد توانست درتدبیر و نظارت اعمال بانك»
«خود را داخل سازد و مأموریت او بهیچوجه اسباب مسئولیت دولت علیه ایران»
«نخواهد گردید.

«فصل پنجم - حمایت دولت - چون غرض این بانك که تأسیسی است ملتی خیر»
«عامه وخیر دولت میباشد دولت بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری حمایت عسکریه»
«خودرا که برای حفظ امنیت مقر اصلی وشعباتش لازم است دریغ نخواهد داشت
«دولت علیه ایران ابتیاع اراضی وامکنه راکه برای بنای مقر اصلی بانك و»
«شعباتش لازمند حتی الامکان سهل و بوجه عادلانه وحامیاً لبانك خودرا بین بانك وصاحبان»
«اراضی ثالث خواهد ساخت.

«معاف بودن ازمالیات - خودبانك و بناهای اووشعباتش بکلی ازهر نوع عوارضات»
«ومالیات معاف میباشند و بهمچنین اسهام و بلیت‌ها وقبوضات و بیجکها وجمیع اسنادی»
«که درباب امورات وداد وستدهای او از طرف خودش صادر میشوند نیز معافند»
«ولی هرگاه دولت درملك خود مالیات تمررا قرار بدهد بانك هیچ براة وسندی را»
«نخواهدگرفت که تمر دولت علیه رانداشته باشد.

فصل ششم - ادارهٔ وجهیه - بانك شاهنشاهی درسهو ت تأدیه جات خزانه عامره»
«چه درایران وچه در خارجه کوتاهی نخواهد کرد و برای هرخدمتی که دولت علیه»
«باورجوع کند گماشته گان دولت وروسای بانك حقی که بایددراین باب به بانك داده»
«شود معین خواهند نمود.

«قرض دو کرورفرانك - پس ازتشکیل وتهیه سرمایه خود بانك شاهنشاهی تعهد»
«میکند که مبلغ دو کرور فرانك یعنی چهل هزار لیره انگلیسی برای مدت ده سال»
«سالی صد شش تنزیل به بندگان اعلیحضرت شهریاری قرض بدهد واصل آن تنخواه»
«ومنافعش بموجب میل بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری ازبابت صد شش منافع»
«خلص که بر حسب فصل هفتم این امتیازنامچه به پیشگاه سلطنت تعهد شده است»
«محسوب خواهدگردید.

«پیشگی - علاوه بر آن بانك شاهنشاهی پیوسته پس ازتشکیلش حاضرخواهد»
«بود ازبرای تمام وجوه پیشگی واستقراضاتی که دولت علیه لازم داشته باشد وازاو»
«طلب نماید ودرهروجه قرار رهاین آن واستقراض بین دولت و بانك داده خواهد شدویا»
«اینکه آن وجوه پیشگی یااستقراضات بمعادل خودشان یك ضمانتی خواهند بوداز»
«برای سرجمع بلیت‌های نشر شده این وجوه پیشگی واستقراضات را دولت علیه در»
«رأس موعدهای مقرره اداء خواهد نمود - سرجمع تنزیلات منظما درآخر هرسال»
«مالیاتی ایران یعنی درآخر حوت داده خواهد شد.

« ده کرور فرانك - اولین این وجوه پیشگی که غیر از مبلغ دوکرور فرانك»
«فوق الذکر میباشند تدریجی وتاده کرورفرانك یعنی دویست هزار لیره انگلیسی»

«ودرسالی باصدهشت تنزیل خواهد بود .
«فصل هفتم - حصه منافع - درآخر هرسال مالیاتی ایران یعنی آخر حوت بانك»
«شاهنشاهی باید صد شش منافع خلص آن سال حودرا بدولت بندگان اعلیحضرت»
«اقدس شهریاری بدهد ویابجمعش بیاورد درصورتیکه حصه منافع صد شش مذکوره»
«دریك سال کمتر از صد هزار فرانك یعنی چهار هزار لیره انگلیسی بشود بانك»
«مجبور است که این مبلغرا کامل نماید ازاینکه کسر آنرا هرچه خواه باشد درجزء»
«مخارج خود محسوب بدارد وبدون اینکه حق داشته باشد وجهامن الوجوه آنرا»
«بخرج حصه منافعی که نتیجهٔ عمل سال بعداست بیاورد .
فصل هشتم-ضمانت - وجه الضمانه چهل هزار لیره انگلیسی که درهزار وهشتصد»
«و هفتاد ودو عیسوی بارون ژولیوس ریتر در بانك انگلیس گذارده بود برای»
«ضمانت تشکیل بانك شاهنشاهی بدولت علیه ایران تسلیم خواهد شد فردای تشکیل»
«بانك دولت علیه ایران مبلغ مزبورچهل هزار لیرهٔ انگلیسی را به بارن مذکورپس»
«خواهد داد هر گاه ابتداء از تاریخ امضای این امتیازنامچه بتوسط بندگان اعلیحضرت»
«اقدس شهریاری تامدت نه ماه بانك شاهنشاهی دایر نشود وجه الضمانه مزبور »
«بدولت ایران منتقل خواهد شد واین امتیازنامچه معدوم وساقط الاعتبار خواهدبود»
«مگردرصورتیکه بین بعضی دول بزرك اروپا جنگی برپاشود ویادرصورتیکه دولت»
«ایران درآن جنك دخالت بهمرسانند ویادروجه هراتفاق فوق العاده .
فصل نهم - قوانین - درحین تشکیل بانك شاهنشاهی بانیهای او قواعدیرا که»
«بموجب آنها باید بانك دایرشودنشر خواهندداد وآن قواعد باید مطابق مدلولات»
«این امتیازنامچه باشند پس ازتشکیل بانك قواعد مزبوره متغیر نخواهند شد مگر»
«بموجب قرار داد مجلس عمومی صاحبان اسهام ومجلس مزبور باید درتغییراتیکه»
«جاری میسازد حفظ ورعایت این امتیاز نامچهرا بنماید.
«فصل دهم - حمایت - برای جراءوحفظ حقوقیکه بموجب این امتیازنامچه داده»
«شده بانك مزبور درظل حمایت بندگان اعلیحضرت شهریاری ودولتشان خواهد»
«بود و بانك هم متقبل میشود که قوانین عمومی مملکترا از جمیع جهات محترم »
«دانسته اطاعت نماید .
«حکمیت - در صورتیکه بین دولت وبانك ویابین بانك و سایر مردم اختلافی»
«ظاهر گردد هریك ازطرفین یك یادو حکم منتخب خواهدنمود وقرار داد آن حکمها »
«قاطع خواهد بود ودر صورت عدم توافق بین حکمها آن حکمها حاکمی دیگر»
«منتخب خواهند نمودکه حکمش بدون برگشت اطاعت خواهد شد .
«فصل یازدهم - معادن - ازآنجائیکه بانك شاهنشاهی حاضر است که برای احیاء»
«تمام وسائل استخراج ثروتهای طبیعی مملکت فوراً کمال فدویت را بجا بیاورد»
«دولت علیه به بانك مزبور ودر تمام مدت این امتیاز نامچه امتیاز مانع لغیر قطعی»
«میدهد که درتمام وسعت مملکت ایران معادن آهن ومس وسرب وذیبق وذغال سنك»

«ونفط ومانگانزوبورق وآمیانت را که متعلق بدیوان میباشد وقبل ازوقت بدیگران»
«واگذار نشده‌اند دایر نماید .
«چون مصادف این امتیاز نامچه دولت علیه ایران درروز امضای این امتیازنامچه»
«به بارون ژولیوس ریتر صورت رسمی معادنی را خواهدداد که قبل ازوقت بدیگران»
«داده شده‌اند - معادن طلا و نقره و جواهریات وآن فلزاتیکه در فوق ذکر »
«نشده‌اند متعلق بدیوان میباشند لاغیرومهندسین بانك که آنهاراکشف کنندمجبورند»
«فوراًکشف آنهارا بدولت بندگان اعلیحضرت شهریاری اطلاع بدهند .
«دست مزد - غیر ازمهندسین وسرکارهائیکه ضروری میباشند تمام عمله جات»
«معدنچی که برای دایر نمودن معادنش بانك اجیر نمایدازمیان تبعه بندگان اعلیحضرت»
«اقدس شهریاری منتخب خواهند شد .
«دولت علیه ایران به تمام وسائلی که دردست دارد بانك را اعانت خواهدکرداز»
«اینکه دست مزد عمله‌جات لازمه به نرخ عادلهٔ وقت برایش میسر شود .
«تمام معادنیکه بانك ده سال بعد از تشکیل خود شروع در دایر نمودن آنها»
«ننموده باشد مثل این ملاحظه خواهند شدکه بانك مزبور صرف نظر از آنها»
«نموده‌است ودولت علیه خواهد توانست هر نوع تصرف در آنها بکند بدون اینکه بانك»
«صاحب امتیاز بتواندمانع شود .
«فصل دوازدهم - اراضی مجانی- اراضی که برای دایر نمودن آن معادن وبرای»
«ساختن يك راه مراوده باطرق حمل ونقل اقرب یااسرع لازم میباشند آنچه متعلق»
«بدیوان است ازجانب دولت علیه مجاناً به بانك داده‌خواهد شد هرگاه درممبر این»
«راه مراوده املاکی یافت شوند متعلق به اشخاص متفرقه دولت علیه ایران بانك»
«را در خرید آن املاك از صاحبانش به تمام وسائلی که در دست دارد اعانت»
«خواهد نمود .
«معاف ازخراج- ادوات لازمه برای دایر نمودن معادن بخاك ایران داخل خواهند»
«شد بدون اینکه هیچ حقی بدهنداراضی وابنیه متعلقه بآن اداره‌جات معدنی معاف»
«ازهرمالیات وعوارضی خواهند بود .
«فصل سیزدهم - منفعت دولت - ازمنافع خلص تمام معادنیکه بانك دولتی دایر»
«نموده‌است دولت علیه ایران سالی شانزده درصدش را اخذ خواهد نمود.
«رجعت بدولت - درانقضای مدت این امتیازنامچه اراضی معادن باابنیه آنها و»
«ادوات و متعلقات بدولت علیه ایران تعلق خواهندگرفت موافق قوانین کلیه که‌دول»
«آنرا معمول داشته‌اند ودراین باب شرایط بسیار مساعدرا برقرار ساخته‌اند.
«فصل چهاردهم - صرفنظر ازحقوق سابقه - بازای حقوقیکه بموجب این امتیاز»
« نامچه به بارون ژولیوس ریتر واگذار شده‌اند بارن مذکور صریحا اقرار بر ترك»
«کامل بلا استثناد تمام حقوق وامتیازاتی را مینماید که برحسب امتیاز نامچه قدیم مورخه»
«بیست وپنجم ژوئیه ماه یکهزار وهشصد وهفتاد و دوعیسوی که بتوسط این شروط»

Art. 14

En retour des droits à lui garantis par le présent contrat M. le Baron Julius de Reuter déclare formellement renoncer complètement et sans réserve à tous les autres droits et privilèges qui lui avaient été accordés par l'ancienne concession du vingt cinq juillet mil huit cent soixante douze.

Fait à Téhéran en double expédition …

… le 30 janvier 1889 …

فصل چهاردهم

صفحه آخر امتیاز نامه بانك شاهنشاهی ایران

«معدوم وساقط الاعتبار گردیده بمشار الیه عطا شده بودند.
«این قرارنامه درطهران نسختان نوشته شد و آن دو نسخه یکی به قبول وصحه»
«مبارك بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری وبمهر وزارت امور خارجه رسیده و»
«دیگریرا مسیو بارن جرج‌ریتر ازجانب مسیو بارن ژولیوس‌ریتر امضاء کرده در»
«بیست وهفتم جمادی الاول یکهزار وسیصدوشش هجری مطابق سی‌ام ژانویه یکهزار»
«وهشتصد وهشتاد ونه میلادی مبادله شدند.
«محل امضاء جارج دورویتر (محل مهر رویتر)
«درحضور من امضاء شده (محل امضاء هنری درامندولف ایلچی مخصوص ووزیر»
«مختار اعلیحضرت پادشاه انگلیس بحضور اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ایران)
«محل مهر سفارت انگلیس» (۱)

انتقاد از امتیازنامه

اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات ناصرالدینشاه که همیشه متمایل بسیاست روسها بود قبل از آنکه امتیاز نامه بامضاء برسد نامه ای به ناصرالدینشاه نوشته ضمن انتقاد از امتیازنامه بانك شاهنشاهی معایب ومضار آنرا شرح میدهد ودر اینجا متن آنرا نقل مینمایم.

« بسم اله تعالی
اعتراضات ثروتی وتجارتی
شهداله قرارنامه‌های بانکهای متعدد که فعلا درمدنظر این غلام است هیچیك درسهولت شرایط وملاحظات دولتی باینقرارنامه نمیرسد ولی اگر این اعتراضات وایرادات ذیل هم دفع ورفع شود بهترین جمیع قرارنامهای بانکهای دنیا خواهد بود وعمده جهت این سهولت وترجیحی که اینقرارنامه برشرایط بانکهای دول سایره دارد ازاینجاست که در ممالك دیگر دولتها خود طالب ایجاد وتشکیل بانك شده‌اند پس هرتکلیف که اداره بانك در ملاحظه جانب خود نموده است دولت قبول کرده ولی دراینقرارداد بانك طالب تشکیل گردیده لهذا در همه‌جا رعایت مصلحت دولت‌را نموده است تااینکه دولت بمیل تمام رد ننماید وقبول بفرماید.

در فصل اول که‌متعلق است بمرکز وشعب عباراتی مجمل آورده‌است واجمال این مطالب اختیار را ازدولت سلب میکند باید دراین مقام صریحا افزود که اداره بانك در تعیین مستقرمرکزی و مواقع تشکیل شعب باید مخصوصا اذن مجدد از جانب کارگذاران دولت علیه تحصیل بنماید

وهکذا در اقداماتی که زیاده برتکلیف اصلی خود خیال دارد ازقبیل تسهیل طرق تجارت و تکمیل جهات ازدیاد ثروت وامثالها مختار مطلق نیست و بایددر هریك ازاین خیالات اطلاع مخصوص بدولت بدهد و اجازه خاص تحصیل نماید ونیزدر فصل اول سرمایه بانك معین شده‌است اما‌مقدار قبوض بانك که در عوض مسکوك رواج خواهد گرفت معین نیست وممکن است که بانك چند مقابل علاوه بر سرمایه خود قبوض بانك انتشار بدهد پس لازم است که‌معین بنماید.

---

۱ ـ روزنامه رسمی دولت ایران در شماره ۶۷۸ مورخ یکشنبه شانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۰۶ هجری قمری (هفدهم فوریه ۱۸۸۹) مقدمه‌ای بشرح زیر راجع ببانك شاهنشاهی انتشار داده وبعد متن امتیازنامه را درج نموده است.

«چون همواره همت اعلی نهمت بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله تعالی ملکه ودولته مصروف آبادانی مملکت ومزید سود وثروت وترویج کلیه شعب صناعت وتجارت دولت علیه ایران است دراین ایام امتیار ایجاد بانك بسیار معتبری موسوم ببانك شاهنشاهی به بارون ژولیوس ریتر که از کمپانی معتبر با مکنت فرنك است مرحمت فرمودند که بموجب قرارنامه وشروط مفصله ذیل بانك مزبوررا درمملکت ایران ایجاد ودایر نماید.»

وهم در مسئله امتیاز معادن که نوشته است اگر اداره بانك آن امتیاز را بهمان شرایط قبول بکند بر غیر مقدم است باید قید شود که) اگر اشکالات پلتیکی درمیان نیاید) چراکه ممکن است بانك آن امتیاز را بهمان شرایط که غیر قرار میدهد قبول بکند ولی بك ملاحظ دولتی ومصلحت پلتیکی آن غیر را ترجیح بر بانك بدهد ودر فصل چهارم که قرارداده‌اند یك نفر مامور محترم ازجانب دولت علیه تفتیش بکند یکنفر مفتش محترم کم است زیراکه ممکن است که یکنفر عمدایا سهوا درتکلیف مخصوص خوداشتباهی بکند پس باید قرار داد که سه نفر ازطبقات مختلفه رجال دولت بر تکلیف تفتیش اقدام ومراقبت داشته باشند در کمال اتحاد بمثابه وجود واحد وآیا حق الزحمه مامورین تفتیش راکی خواهدداد بدانك نباید رجوع کرد اگر هم فی الواقع برعهده بانك قرار بگیرد در ظاهر باید دولت خود دریافت نماید و بمامورین برساند که مامورین رسما مواجب خوار بانك نبوده باشند .

ودر فصل ششم نوشته شده است که دولت علیه معادل یك ملیان فرانك بطوراستقراض ازقرارصد شش منفعت از بانك دریافت خواهد داشت جهة لزوم این استقراض معلوم نیست فی الحقیقة منت بیهوده ایست ومالاضرری که دارد این است که اولا درسالی شصت هزار فرانك بایدمنفعت بدهد وبانك در ظرف دهسال تقریبا معادل دوثلث یکملیان استقراض را باسم منفعت دریافت کرده است علاوه همینکه باب استقراض مفتوح گردید حدیقف نخواهد داشت و خدانکرده مثل دولت عثمانی ومصر وتونس مقهور اجانب خواهد گردید .

در فصل نهم این عبارت رابایدافزود که اداره بانك بایدمتعهد شود که درآخر هرماه صورت معاملات آن ماه را بتوسط روزنامجات مرکزی انتشار بدهد وهمچنین درآخر هرسال شمسی معامله دوازده ماهه را اعلان نماید تاتمام مردم ازدادوستد بانك مطلع بوده باشند

در فصل یازدهم اضافه شود که بانك در مقام استکشاف معادن اگر معدنی در اراضی بایره و بلامالك احتمال میدهد بدون استحصال اذن مخصوص از دولت میتواند در آنجا کاوش بکند ولی اگردر املاك مزرعه و آباد معدنی احتمال میدهد باذن و رخصت و رضای صاحب ملك کاوش بنماید خواه اراضی دیوانی باشد و خواه رعیتی ٠

در صورتیکه این قیدبطورتاکیدنشود مفاسد کلی بظهورخواهد رسید چنانکه در ممالك عثمانی ازاهمال این قید چه املاك عامر و اراضی دایر بیوتات مسکون خراب شد و زیانهای بی حد و احصاء بررعایاوارد آمد

(اما از حیث پلتیك)

در ظرف چهل ودوسال سلطنت بندگان اعلیحضرت قدر قدرت همایون شهریاری ارواحنا فداه بواسطه حسن تدبیر و اجراء پولتیك سالم وتعدیل درمهربانی بدو دولت رقیب بدون هیچگونه درد سر و زحمت خاطر بحمدالله تعالی سلطنت وحکمرانی فرموده‌اند وانشاءاله تعالی دوچهل سال دیگر هم بخواست خدا باکمال قدرت پادشاهی خواهند فرمود در این چند ماه بواسطه مسئله کارون خاطر مبارك فی الجمله مشغول است باز می‌توان متعذر گردید براینکه مسئله کارون انترناسیونال یعنی عمومی بود ولی دادن امتیازبه روطر ثابت می کند که اولیای دولت کلیة طرفدار یك سمت میباشند وبسمت دیگر چندان وقعی واعتنائی نمیکنند آیامصلحت اولیای قاهره است که از جاده تسویه وتعدیل که دراین مدت متمادی راه سلامت پیموده اند انحراف بورزند وبیطرفی راکنار بگذارند نعوذالله .

دولت آلمان باقرب چهارکرور سرنیزه محض اثبات بی‌طرفی خود باغایت مخالفتی که بعد از جنك عثمانی وروس مابین آلمان وروس بروز کرد ومادہ طوری غلیظ شد که هرساعت انتظار اعلان جنك بین دولتین مشارالیها بودامپراطور حالیه باسرپرشور که لازمه جوانی ومقتضای سن اوست به نصیحت وزیراعظمش پرنس بیزمارك ملاحظه تعزیه‌داری جد وپدرخودراکه درظرف چهارماه پی‌در پی مردند نکرد بمحض جلوس تخت سلطنت هنوز تعزیت وتهنیت نامه تاجداران وروسای دول کاملا باو نرسیده‌است سفری بروسیه کرد واظهار خصوصیت بامپراطور روس نمود بلکه برای تشید خصوصیت وجلب قلوب معاندین آلمان علی الخصوص امپراطریس روسیه به دانمارك که

در جنب آلمان نسبت پشه وعقاب دارد مسافرت نمود باسم اینکه من صلح طلب هستم وجنگجو نیستم فی الواقع اتمام حجت کرد که اگر مجادله مابین او ودولت روس واقع شود درانظار عامه ملل وامم روی زمین علی الخصوص اهالی مملکت خود مسئول نباشد که مبادرت بمخالفت نموده است نمیدانم مصلحت است که رجال دولت باین شدت بهانه بدست همسایه معتبر خودشان بدهند که از سه طرف حدود ایران وصل بخاك اوست وایلات وبادیه نشین های مااز ترك وتات لاعلاج باید باسرحد نشین های آن مرابطه داشته باشند روز چهارشنبه گذشته در مجلس مذکور شد که قرارنامه اولی روطر مطموس ومعلول نشد مگر بواسطه خواهش شخص امپراطور ماضی روس آیا ممکن نیست در این سفر سیم که بدولت واقبال بفرنك تشریف خواهند برد امپراطور حالیه نیز همین خواهش را بکند ودر آن صورت بجای یك سند معلول که حالا دردست روطراست دوسند صحیح در یك ورقه که هم اعتراف بصحت سند اول است وهم امضای سند ثانی بچنك او خواهد آمد وهردو معلول وغیر معمول خواهد ماند و تکلیف رجال دولت بین المحذورین خواهد بود نه انکار ونکول سندی که بدست تبعه انگلیس سپرده اند میتوانند کرد ونه اجراء وقبول وراه عذری درمقابل گله روسها خواهند داشت.

این خانه زاد بیمقدار اطلاع وربطی از پولتیك دولت علیه ندارد زیرا که درامورات دخالتی وراهی تحصیل نکرده است مثل یك اعمی نادانی عرض میکند که نه میبیندونه میداند.

اما بواسطه بصیرت و اطلاعات کاملی که در زیر سایه بلند پایه اروا حنا فداه از پولتیك سایر دول دنیا دارد معروض میدارد که رجال دولت بواسطه این همسایه شمال ومشرق وشمال غربی خیلی ممکن است طرف زحمت وگرفتاری خیال بشوند و از همسایه جنوبی ظاهرا اینقدرها که تعدیل زحمت و فایده تواند شد منتفع نگردند پس موافق عقل قاصر و فکر فاتر این خانه زاد خوبست که راه حرف روسهارا به بندند ودرمسئله که روتر بعد ازچهارده سال مجدداً عنوان کرده است از آنها استشاره نمائیم واستمداد کنیم اگر چاره کردند نعم الاتفاق والا هیچوقت لامحاله حق گله از ما نخواهند داشت انگلیسها باید از افتتاح کارون بجهة کشتی های عمومی تاهزار سال دیگر ممنون رجال دولت علیه بوده باشند وسکوت کنند وبطلان قرارنامه اولی روطررا اگر هم بقول اینها صحیح است پیشکش رجال دولت نمایند.

این فقره پر روشن ومبرهن است که این خانه زاد بیمقدار هرچه ازاین قبیل عرایض بکند اسم آنهارا فضولی گذاشتن انسب است تادولتخواهی گفتن.

ولی محض تذکار خاطر عاطر رجال دولت جسارت ورزیده عرضه میدارد که برآحاد وافراد ملت ایران واجب است که اول ملاحظه قدرت سلطنت وحفظ شوکت و ناموس دولت و آسایش خاطر مبارك شخص شاهنشاه گیتی پناه خلدالله تعالی سلطانه وآرامش قلوب کافه اهالی وطن راکه ازنعمت های بزرگ الهی است بنمایند و بعد رعایت حقوق ثابته حالیه ومالیه دولت علیه را بروجه کامل منظور دارند.

واگر در مقام دولتخواهی هرادنی رعیتی عرض بکند چنانچه قابل قبول ندانند تخفیف نیز ننمایند و توهین نفر مایند که آن بیچاره باعتقاد خود درمقام اداء تکلیف است نه استحقاق تخفیف جناب ولایت مآب صلواةالله وسلامه علیه دستور العمل بزرگی داده اند که انظر الی ماقال ولاتنظر الی من قال والسلام

خانه زاد بی مقدار محمد حسن مترجم

۲۳ جمادی الاول ۱۳۰۶»

ضمائم امتیاز نامه بانك شاهنشاهی

دوماه بعد از اعطای این امتیازنامه ناصر الدین شاه وامین السلطان عازم اروپا میشوندواز طریق روسیه بانگلستان میروند.

پذیرائی شایانی که در انگلستان از «شاه» ایران و همراهان او بعمل میآید تاآنوقت شاید سابقه نداشته است چنانکه اعتماد السلطنه که در این سفر همراه ناصرالدین شاه بود در کتاب خلسه خود مینویسد.

«طوری دولت انگلیس موکب آقدس‌را پذیرائی نمود که گویا هیچ پادشاهی را از سلاطین اروپا و آسیا تاآنروز اینطور محترم نه پذیرفته بودند - واف وسالزبوری صدراعظم انگلیس وجمعی ازوزراء آندولت ووکلای ملت بایکدیگر همدست شده وآن تشریفات فوق العاده‌را فراهم‌آورده که ازاین راه تغییری درپلتیك اعلیحضرت بدهند وایران‌را بلع نمایند.

پلتیك اعلیحضرت همایون پیش ازاین بیطرفی بود هیچیك‌از دول روس وانگلیس بلکه عثمانی وغیره‌را بر دیگری ترجیح نمیدادند آقایان میخواستند باتعارف وتکلف اینوضع را بهم زنند دولت ایران را تابع ودست نشانده انگلیس کنند پادشاه حالیه وسلاطین آتیه مملکت را مثل صوبه دارهای هند درتحت اقتدار بریطانیای کبیر قرار دهند وشان شهریاری ایران‌را ازامارت افغانستان وخدیو مصر نازل ترسازند»

در همین چند روزه اقامت در انگلستان که ناصرالدین شاه سرمست خوشی‌ها و عیاشی‌ها ومحو جمال وزیبائی های جزیره بریتانیا بود انگلیسها بدستیاری امین السلطان وملکم باگرفتن چند امضاء ازاو اوراق تازه‌ای بردفتر اشتباهات و خطاهایش میافزایند. ازجمله این اوراق یکی هم «ضمیمه چهار امتیازنامه بانك شاهنشاهی» است.

بعد ازاینکه جرج رویتر امتیازنامه بانك شاهنشاهی‌را بلندن برد نواقص ومعایبی در آن مشاهده میکنند وبودن ناصرالدین شاه‌را در انگلستان بهترین موقع برای رفع این معایب میدانند.

بالاخره متن اصلاحیه‌را تهیه و بامختصر جرح وتعدیلی دریکی از روزهای آخر توقف ناصرالدین شاه‌در انگلستان (روزشنبه ۲۸ ذی‌القعده ۱۳۰۶) درشهر برایتن بامضاءمیرسانند این ضمیمه اصلاحیه شامل نه فصل و باین شرح است.

ضمیمه چهار امتیازنامهٔ بانك شاهنشاهی

«این فصول ذیل‌هرگاه باشرایط‌امتیازنامچه وضمیمات آن تفاوت دارند برقرار»
«وقاطع‌خواهد بود.

«فصل-۱ مرکز معاملات درتهران‌خواهد بود ونشراصلی‌همه بلیت بانك درهمانجا»
«خواهد بود درسایر جاها نخواهد بود

«فصل-۲ بانك شاهنشاهی‌بدون‌اجازه دولت‌علیه ایران‌حق نخواهدداشت درقلمرو»
«دولت علیه ایران گرو بیعشرطی‌ازقبیل املاك‌واراضی ودهات وغیره کندوهم بدون»
«اجازه حق نخواهد داشت بروات دولتی‌را تنزیل کند یاباعتبار آنهاوجهی بکسی»
«قرض بدهد غیر ازبرواتی که ببانك حواله شده باشد

«فصل-۳سرمایه بانك‌میتواندمنقسم شودباسهام‌واستاکو که‌مناسب باشدبانك‌میتواند»
«تشکیل‌شودمطابق‌قانون‌آنولایت که سرمایه یاقسم‌اکبر آن درآن‌تحصیل شده باشد»
«محل امضاء فقط‌درمکان‌یامکانهای‌مناسب‌وضع‌خواهدشداسهام‌بانك‌اسم‌دارخواهدبود.»

«فصل-٤ ضمانت اداء بلیتها ازقرارذیل خواهدبود.

«بانك صریحا متقبل میشود که اقلا یك‌ثلث ازوجه بلیتهای منتشرشده خودرانقدا»

«موجود داشته باشد ودو ثلث ازاین وجه نقدی میتواند قرض طلا و نقره باشد تفاوت»
«مابین وجه موجودی نقدی و وجه بلیتهای منتشر شده هرگز زیاد تر ازوجه سرمایه»
«اداء کرده نخواهد بود.

«فصل - ۵ دولت علیه ایران مراقبت تامه خود را در بانك بتوسط مأمور محترمی که خود»
«معین کند جاری خواهد ساخت حقوق این مأمور ا قرارذیل خواهد بود.
«برحسب حق درمجالس عمومی بانك وهمچنین درمجالس شورای روسا درطهران»
«حضور بهم خواهد رسانیدودولت علیه را ازهر تغییر و تبدیل فصول امتیاز نامچه»
«مطلع خواهد ساخت ومخصوصا مراقبت تمام خواهدداشت که مدلولات فصل سیم»
«ازامتیاز نامچه که دراین فصول بیان شده است رعایت شوند و مراقبت روابط بانك»
«باخزانه دولت علیه بر عهده اوست چون نخواهد توانست درتدابیر و نظارت اعمال»
«بانك خودرا داخل سازد ومأموریت او بهیچوجه من الوجوه اسباب مسئولیت دولت»
«علیه نخواهد گردید.

«فصل - ٦ علاوه برچهل هزار لیره انگلیسی که قرار شده است بانك شاهنشاهی بدولت»
«علیه بدهد استقراضات وپیشکی دیگررا بدون ضمانت پسندیده نخواهد د وجوه»
«کل این پیشکی واستقراضات هیچوقت زیاد تر از یك ثلث وجه سرمایه اداکرده»
«بانك نخواهد بود.

«فصل - ۷ ادای حق سالیانه بدولت علیه ک درفصل هفتم ازامتیاز نامچه مقرره است در»
«آن بیستم ماه مارس یعنی آخر حوت خواهد بود که بعدازانقضای یکسال میباید»
«بعد از شروع بکار بانك درایران.
«فصل - ۸ درصورت عدم توافق بین حکمیکه مطابق فصل دهم ازامتیاز نامچه مقرر شده اند»
«برای انتخاب حکم آخری جهت قطع اختلاف که مابین بانك و اشخاص مختلف»
«ظاهر گردد آن حکم آخری بتوسط سفیری ازدول فرانسه یاآلمان یااطریش یا»
«ایطالیا مقیم طهران انتخاب خواهد شد وباید اختلافاتیکه درممالك ایران خارج»
«ازدارالخلافه مابین بانك و اشخاص مختلف ظاهر گرددمیتواند قطع شود بتوسط»
«حکمیکه درخود محل اختلاف بتوسط قنسول یاو کیل قنسولگری دول مزبوره برضای»
«طرفین انتخاب شده است هرگاه اختلافی مابین دولت علیه وبانك ظاهر گردد بانك»
«حق دارد که شخصی از اهل خبره جهت حکمیت بخواهد واین شخص باید ساکن»
«اروپ باشد وبتوسط روسای کل ازبانکهای دولتی دول فرانسه وآلمان واطریش»
«وایطالیا یابتوسط یکی ازآنها انتخاب خواهد شد ودولت علیه رای حکم اولی راو»
«یارأی حکم آخری را فوراً جاری خواهد ساخت.

«فصل - ۹ خودبانك معادن و کارهای دیگرمذکوره درفصل یازدهم ودوازدهم و»
«سیزدهم ازامتیاز نامچه وایضا کارهای تجارتی مذکور درفصل اول ازامتیاز نامچه دائر»
«نخواهد نمود اما بانك حق خواهد داشت یاهمه یایکی از حقوقیکه مطابق فصول»
«مزبور عطا شده اند بکسی یابکسان بفروشد یاواگذار نماید واین فروش یاواگذاری»

«مطابق فصول امتیاز نامچه خواهد بود مشروط بر اینکه آنکس یا کسان را جهت اجازه»
«بدولت علیه معرفی کند و بدون چنین اجازه از جانب دولت علیه چنین واگذاری یا فروش»
«کامل نخواهد بود.
«وهرگاه دولت علیه این اجازه را بدون اظهار سببی که صحیح باشد بتعویق بیاندازد»
«یا هیچ ندهد بانك حق دارد فقره را بحکمی رجوع نماید مطابق فصل دهم از»
«امتیاز نامچه که در فصل هشتم این اصلاحات بیان شده است وحق سالیانه فصل»
«سیزدهم از امتیاز نامچه آنکس یا کسان که معادن را دائر نمایند ادا خواهند نمود»
«و بانك ضامن صحت حساب و رسانیدن آن حقوق دولت است که درفصل سیزدهم»
«اصل امتیاز نامچه مقرراست و بانك حق دارد معادن یا کارهای دیگر را تصدیق وعموما»
«اعتبار آنهارا تحقیق کند.
«بتاریخ ۲۸ ذیقعدة الحرام سنه ۱۳۰٦ هجری مطابق ۲۷ جولای سنه ۱۸۸۹ در ایران»
«امضاء و بدو نسخه متساوی مبادله شد.

محل امضاء جولیوس رویتر   محل امضاء درومندولف»

تشکیل بانك

باین ترتیب بموجب این امتیازنامه اجازه تأسیس یك بانك مرکزی بنام «بانك شاهنشاهی ایران» باداشتن حق انحصاری انتشار اسکناس برای مدت شصت سال ببارون ژولیوس رویتر داده میشود.

این بانك گذشته از اعمال راجع بصرافی میتوانست بخرج خود یا بخرج ثالثی اقدام درتمام کارهای محاسبه وصنعتی و تجارتی که برای این مقصود نافع بداند بنماید و بعلاوه حق استخراج و بهره برداری تمام معادن ایران بجز معادن فلزات قیمتی ومعادنی که قبلا بدیگران واگذار شده است متعلق بصاحب امتیاز بود.

ژولیوس رویتر پس از تحصیل امتیاز نامه شرکتی مرکب ازعده‌ای از سرمایه داران انگلیس مثل بارون شرویدر - روبن ساسون وجفری کلین که همه ازبانکداران معروف انگلیس بودند برای تاسیس بانك شاهنشاهی باسرمایه چهارمیلیون لیره انگلیسی (صد میلیون فرانك فرانسه) تشکیل میدهد.

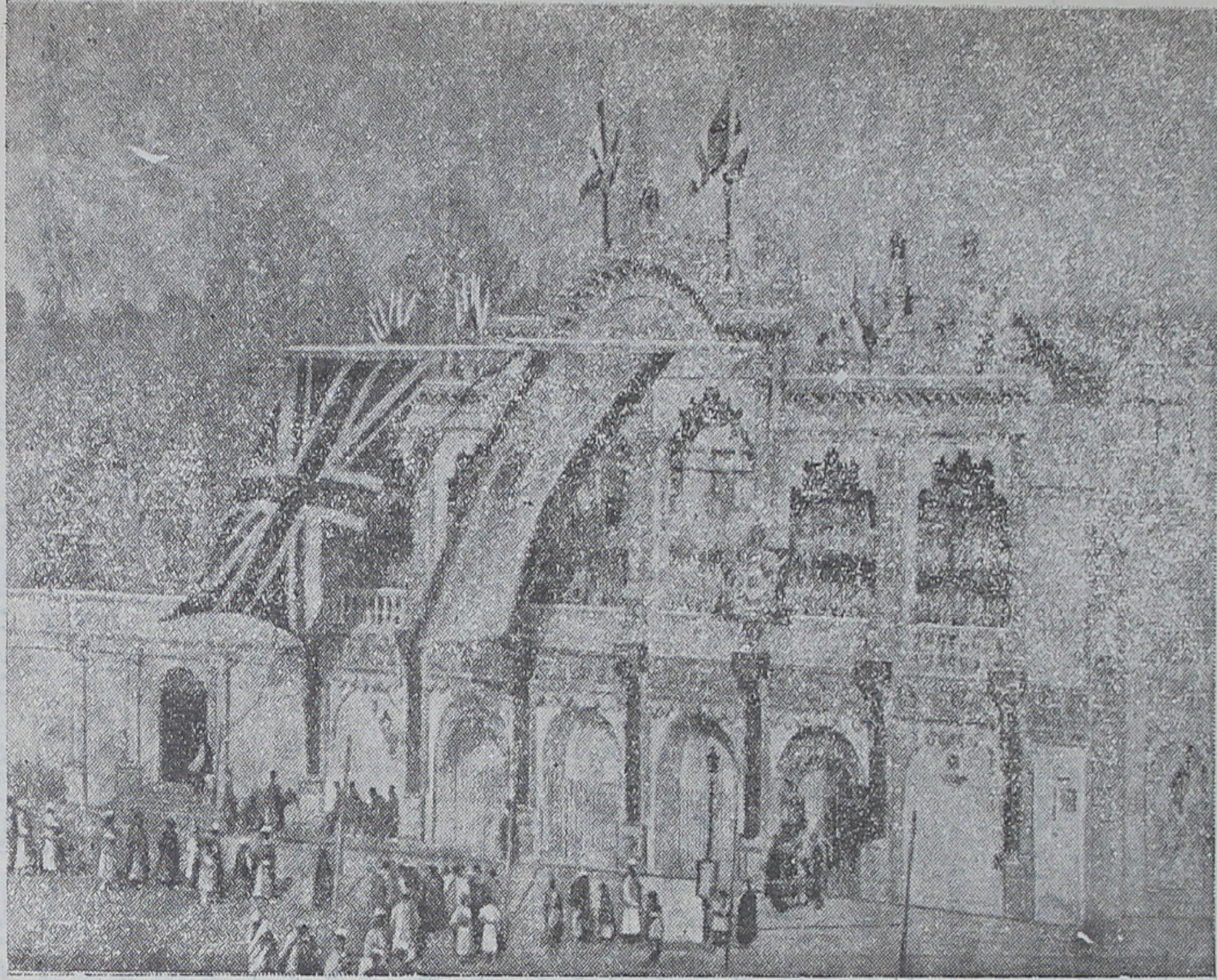
قسمت اول سرمایه بانك یك میلیون لیره وبه صد هزار سهم ده لیره‌ای تقسیم شد که ۲۰۰ سهم آن «سهم موسس» وبقیه اسهام عادی بود وهروقت سهام موسس بفروش میرسید بانك تشکیل مییافت.

لرد کرزن مینویسد.

«درماه اوت ۱۸۸۹ دولت انگلستان یك منشور ملوکانه شرکت بمدت سی سال به بانکی که بدین نحو تشکیل شده بود اعطا نمود.

درماه اکتبر اعلام نامه تاسیس بانك درلندن منتشر شد ودرآن خرید سهام باطلاع عموم رسید اطمینان عمومی باین موسسه چنان بودکه چند ساعت پس ازانتشار اعلام نامه ۱۵ برابر سرمایه که یك ملیون لیره بود تعهد گردید.»

بواسطه این استقبال بی سابقه مردم هر سهم ده لیره‌ای تا ۱۲ لیره بفروش رفت. تفاوت بهای اصلی وبهای فروش سهام که بـه دویست هـزار لیره بالغ میشد بنام



عمارت قدیم بانک شاهنشاهی ایران که بمناسبت جشن تولد «شاه» باپرچم های ایران وانگلیس تزئین شده است.

حق‌الزحمه وقیمت امتیاز نامه به بارون ژولیوس رویتر داده شد .

بعد از این جریان هیئتی بریاست مستر رابینو (۱) برای افتتاح بانک بتهران میآیند. لرد کرزن راجع بافتتاح بانک شاهنشاهی مینویسد.

بانك شاهنشاهی هنگام سفر من بتهران پس ازبدست آوردن بنائی درخیابانی که سفارت انگلستان در آن واقعست تازه شروع بکار کرده بود .

مدیر لایق بانك آقای را بینو بود که سالها در قاهره بکار بانك لیون مشغول بود وروابط بانك بادولت ایران دردست ژنرال هوتم شیندلر بود که خوانندگان این کتاب ازمدتها پیش باید بنام او عادت کرده باشند که در اکثر مسائل مربوط بایران مشار الیه بطور خارق‌العاده درآن شرکت داشته‌است .

دراوائل ـ ال ۱۸۹۰ هیئت مدیره بانك باشرکت بانك‌جدید شرقی که ذکری ازآن بمیان آمد کنار آمده‌و ساختمان بانك شرقی‌را درتهـران باتمام اثاثیه وحسن شهرت وارتباطات آن به ۲۰۰۰۰ لیره‌خریداری کرد»

حق انحصاری انتشار اسکناس

بموجب فصل سوم امتیاز نامه حـق صدور اسکناس در تمام ایران منحصر به بانك شاهنشاهی بوده و مقدارآن نباید از ۸۰۰٫۰۰۰ لیره انگلیسی (۲۰ میلیون فرانك) تجاوز نماید

بانك متعهد بود که در دو سال اول شروع بکار اقلا نصف قیمت اسکناسهای منتشر شده خود را وپس ازانقضای‌دو سال‌لااقل ثلث قیمت آنهارا نقدا موجود داشته باشد بانك ابتدا حق نداشت اسکناسهای کمتر از دوتومانی‌منتشر کند ولی بعدها بموجب اجازه نامه‌ای بشرح ذیل اجازه نشر اسکناسهای یك تومانی راهم بدست میآورد .

«سواد دستخط مبارك همیونی درباب نشر بلیت یکتومانی

«بموجب‌فصل سیم‌ازامتیاز بانك شاهنشاهی‌ایران حق‌ندارد بدون اذن‌دولت علیه»
«بلیت کمتر از دو تومان نشر بدهد ولی چون دراین اوقات معلوم کارگذاران ابد»
«مدت گردید که نشر بلیت‌های یکتومانی اسباب سهولت معاملات وداد و ستدهای»
«بانك مزبور میشود بااهالی‌ایران لهذا بموجب این‌نوشته‌دولت بندگان اعلیحضرت»
«شاهنشاهی اجازه میدهند که بانك شاهنشاهی ازبابت آن اندازه بلیتی که بموجب»
«امتیازنامچه حق نشر دارد و قسمتی از آنرا کـه صـلاح بداند بلیت یکتومانی»
«نشر بدهند .

«بتاریخ ۲۲ شهررجب‌المرجب ۱۳۰۷ محل‌صحه مبارك»

قبل از این تاریخ پول کاغذی در ایران رواج نداشت و بطوریکه لردکرزن مینویسد

«هنگامیکه درقرن حاضر (نوزدهم) روبل کاغذی روسی بایران آورده شد طبقه حاکمه ایران باسوء ظن بسیار بدان نگریستند ووحشت داشتند که منظور ازآوردن روبل بایران بردن طلا ونقره ایران بخارج‌است .این سوء ظن چندان دامنه گرفت که در ۱۸۸۳ شاه فرمانی صادر کرد که درآن اعلام شده بود (مردم بسیار احمقند که قطعات نجس کاغذرا بجای طلا ونقره میپذیرند و درآتیه کلیه اسکناسهای روبل روسی ضبط خواهد شد) این فرمان مانند اکثر فرمانهای شاهانه بلا فاصله‌پس ازانتشار خوشبختانه بلا اثر ماند.»

---

(1) JosePh Rabino

لرد کرزن دردنباله این مطلب مینویسد .

«دربرابر چنین علائم شوم تاریخی ومیان مردم ودرباری که اطلاعات مالی ایشان بکلی بدوی بود بانك شاهنشاهی شروع بانتشار اسکناس نمود .

مدتی صرف انتخاب نقش زیبائی شد ودر ۱۸۹۰ اسکناسهای جدید بایك سرلوحه فارسی باعلامت شیر وخورشید دریك طرف ویك سرلوحه انگلیسی باتمثال شاه درطرف دیگر باذکر ارزش اسکناسها ازیك تاهزار تومان منتشر گردید . یکی ازاکتشافات بانك درهمان ابتدا آن بودکه اسکناسهارا مردم ثروتمند میخریدند و پنهان میکردند زیرا اینگونه مردم که باندوختن پول عادت کرده بودند اسکناس‌راکه سبك وکم حجم بود بپول فلزی ترجیح میدادند . این یك توسعه غیر منتظره علاقه مردم ایران باحتکار پول بود . هنوز برای اظهار نظر در باره اینکه تجربه پول کاغذی بکجا خواهد کشید بسیار زوداست . اینطور شنیده‌ام که اسکناسهای شهرهای کوچك فقط درمحل قابل پرداخت‌است وقابل معاوضه درسایر شهرها نیست دلیل‌آن این است که بانك بابت‌این نقل وانتقال حق‌العمل دریافت میکند . شاید این عمل مانع رواج وسیع وفوری اسکناس شود .»

هنری‌ساوج‌لندور (۱) انگلیسی‌در کتاب خودبنام ACROSS COVETED LANDS مینویسد .

«دولت ایران اسکناس منتشر نمیکند زیراکه میان مردم باظن وتردید تلقی خواهد شد اما این نکته جالب توجه‌است که انحصاری که جهت انتشار پول کاغذی ببانك شاهنشاهی ایران اعطا شده خصوصاً درتهران که بانك مورد علاقه بسیار میباشد واز اسکناسها بخوبی استقبال شده نتایج عالی داشته‌است مع الوصف در شهرهای دیگر ایران که من سفر کردم اسکناس رواج نداشت‌وفقط درشعب‌بانك ودر بازار از طرف بعضی تجار بزرك باکسر مقدار جزئی پذیرفته میشد .»

حق انحصاری انتشاراسکناس تا تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۰۹ شمسی (۱۹۳۰ میلادی) بابانك شاهنشاهی بود - در این تاریخ بموجب قرار دادی که بین دولت ایران وبانك مزبور منعقد میگردد حق انحصاری انتشار اسکناس باشرایط ذیل از این بانك سلب‌وببانك ملی ایران‌واگذار میشود

۱ـ دولت ایران مبلغ دویست هزار لیره ببانك شاهنشاهی پرداخت

۲ـ دولت ایران ازحق بازرسی حسابهای بانك شاهنشاهی محروم شد

۳ـ دولت ایران ازدریافت حق‌الامتیاز ٦ درصد سود ویژه محروم گردید

٤ـ ببانك شاهنشاهی اجازه داده شد در مقابل رهن املاك غیر منقول بمردم وام بدهد وحتی برای‌وصول طلب خود اموال غیر منقول‌را به تملك خود درآورد

منافع بانك

لرد کرزن راجع به پیشرفت و منافع این بانك در سال‌اول مینویسد :

درانتهای سال‌نخستین تاسیس‌بانك (سپتامبر۱۸۹۰) هیئت‌مدیره بانك‌توانستند گزارش مقنعی به‌سهامداران بدهند . منافع‌خالص پس‌از کسر مالیات وبرداشت‌ربح قروض بالغ بر ۶۸۰۰۰ لیره گردید وهیئت مدیره‌توانست سودسهامی‌برابرصدی‌هشت سرمایه‌ای که تاآن‌وقت پرداخته شده بود بپردازد. وشعب نمایندگی های بانك اضافه برلندن وتهران درتبریز ورشت ومشهدواصفهان وشیراز وبوشهر وکرمانشاه وبغداد وبصره و بمبئی افتتاح‌شد. و بانك جای‌خودرا بعنوان یك‌موسسه ملی‌باز کرده در مالیه ایران موثر وآنرابخود جذب میکند . بانك از طرف

---

1 - A. HENRY SAVAGE LANDOR

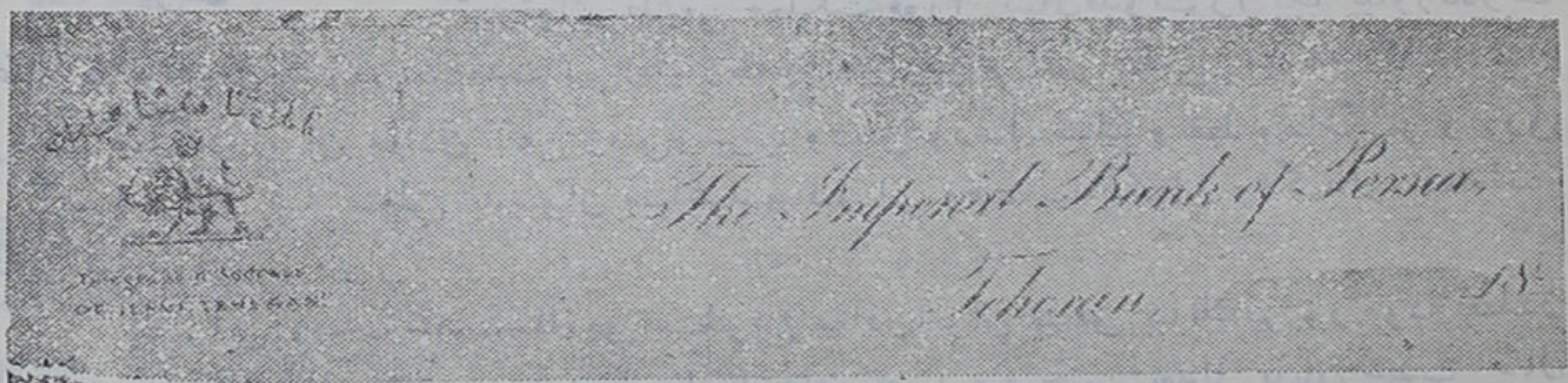


نمونه ای از اسکناسهای منتشره ، بانک شاهنشاهی ایران

دولت ایران برای وصول درآمد وپرداخت مخارج واجرای امورمالی عمومی وهمچنین ازطرف بسیاری ازدول خارجی
که باایران روابطی دارند برای انجام کارهای لازم ایشان استخدام شده است مردم ایران ازبانک برای نقل وانتقال کالاهای
بازرگانی خود زیاد استفاده میکنند وبانک بادادن مساعده جهت بارنامه کشتی وکالای بازرگانی بتجارت ایران فایده
بسیار رسانده است . وجوه امانی که دربانک گذاشته اند درشش ماه نخستین دوبرابر وجوهی شد که دریکسال دربانک
جدید شرقی متمرکز شده بودواز آن وقت تاکنون پنج شش برابر شده است . همچنین پرداخت قروض بمردم درازاء

وثیقه در هشت‌ماه نخستین‌دو برابر شد ونرخ‌عادی ربح بنصف‌نرخ سابق تقلیل‌یافت . تاثیر بانك درترقی وتنزل پول که از تغییر نرخ‌ارزناشی میشود نیز کمتر ازتاثیرآن درنرخ ربح‌نبوده‌است *در کشوری که سکه‌نقره درآن‌رائج است همواره براثرصعود ونزول قیمت‌نقره تغییری‌در ارزش‌پول حاصل‌میگردد اماتغییرات شدیدتر که ناشی‌ازاحتکار پول بوسیله دلالهای ارز وبعضی علل دیگرست علاج شده و بطور کلی ثبات بیشتری در وضع بازار پول ایران پیش‌بینی میشود .

گزارش هیئت مدیره در پایان سال دوم (سپتامبر ۱۸۹۱) شاید بطور کامل انتظارات سهامداران را بر نیاورد امامعهذا پیشرفت اساسی بعمل‌آمده بود و در هرصورت سود سهام برای ۵٪ سرمایه توزیع گردید . باید امیدوار بود که بانك بمنظور تحصیل یك پول رائج صحیح و خاتمه دادن به سیستم ارتجاعی فعلی‌در مدت قلیلی بتواند برضرابخانه نظارت کند .»



مارك نامه های بانك شاهنشاهی دراوایل تأسیس بانك

این بود تاریخچه مختصری‌ازتاسیس بانك شاهنشاهی ایران

این بانك درمدت‌شصت سال مخصوصا چهل‌سالی که حق‌انحصاری صدوراسکناس راداشت بادردست گرفتن امور ضرابخانه‌در کلیه شئون اجتماعی واقتصادی وسیاسی‌ایران دخالت‌های موثری مینمود وهروقت میخواست بعناوین‌مختلف بنفع سیاست انگلستان و برای‌منظورهای‌سیاسی، دولت‌ایران رادرمضیقه‌می گذارد وگاه‌وبیگاه باخرید‌ارزاق‌وخوار- وبار وذغال وسایر مایحتاج اولیه وضروری‌مردم قحطی های مصنوعی ایجاد میکرد .

بانك‌شاهنشاهی به متنفذین‌دربار، دولت ، روحانیون وغیره بعناوین‌متعدد رشوه می داد وآنهارا میخرید ویاهروقت قرضی میخواستند باشرایط ساده‌ومدت طولانی بآنها وام میدادوباین وسیله‌در دستگاه دولتی اعمال نفوذودخالت‌های نامشروعی میکرد ودرحقیقت این بانك خزانه و صندوق خانه سفارت انگلستان بود و همیشه از حمایت دولت‌انگلیس برخوردار میشد .

تنها رقیب بانك شاهنشاهی بانك‌استقراضی روس بود که گاهی بواسطهٔ رقابت بکارهای‌خطرناك و زیان آوری برای ملت ایران دست میزدند و زمانی هم عملیات یکدیگر را خنثی میساختند .

بالاخره مدت امتیاز نامه بانك شاهنشاهی بعداز شصت‌سال در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۴۹ (۱۲ بهمن ۱۳۲۷) خاتمه یافت وبانک نام‌خودرا به «بانک‌انگلیس در ایران‌و خاور میانه »تغییر داد .

مقارن این‌احوال چون دولت ایران برای بانکهای خارجی مقرراتی وضع نمود که

بواسطه پیروی این مقررات از عملیات بانك انگلیسی مزبور نیز بمقدارزیادی کاسته‌میشد ودامنه آن محدودمیگردید ناچار بانک کم کم شعب‌خودرا در شهرهای ایران برچیدو سرانجام از ساعت ۱۲روزچهارشنبه‌هشتم مرداد ۱۳۳۱ تعطیل شعبه‌مرکزی هم‌اعلام‌وبرای همیشه بانك شاهنشاهی و جانشین آن یعنی بانك انگلیس در ایران و خاور میانه از ایران رفتند ٠



امتیاز معادن ایران

چنانکه دیدیم مطابق فصل یازدهم امتیازنامه « از آنجائیکه بانك‌شاهنشاهی حاضر است که برای‌احیاء تمام وسائل‌استخراج ثروتهای طبیعی مملکت فوراً کمال‌فدویت را بجا بیاورددولت علیه به بانك‌مزبوردر تمام‌مدت این‌امتیاز نامچه‌امتیاز‌مانع لغیر قطعی میدهد که در تمام وسعت مملکت ایران معادن آهن ومس‌وسرب وذیبق وذغال سنك ونفط ومانگانز وبورق و آمیانت را که متعلق بدیوان میباشند و قبل از وقت بدیگران واگذار نشده‌اند دایر نماید ٠»

بنابراین درمدت شصت‌سال‌حق‌استخراج معادن‌ایران متعلق ببانك‌مزبور بودوفقط‌در اینمدت ازمنافع خالص۱۶ درصدبدولت ایران‌داده میشد وهمچنین بعداز پایان شصت سال تمام ابنیه و ادوات و متعلقات معادن‌مذکور بایران تعلق خواهدگرفت ٠

چون بموجب فصل نهم ضمیمه چهار امتیازنامه بانک میتوانست تمام یا قسمتی از حقوق استخراج وبهره‌برداری معادن ایران را « بکس یا بکسان بفروشد یاواگذار نماید این فروش یاواگذاری مطابق فصول امتیازنامچه خواهد بودمشروط برآنکه آن‌کس‌یا کسان را جهت اجازه دولت معرفی کندو بدون چنین‌اجازه‌از جانب دولت چنین‌واگذاری یافروش کامل نخواهدبود ٠»

در تاریخ ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۰۷قمری ازامین‌السلطان تقاضای اجازه واگذاری معادن را بکمپانی انگلیسی باین‌شرح مینماید ٠

« بحضور مبارك جناب مستطاب اجل‌اکرم اشرف‌عرضه میدارد مطابق فصل‌نهم»
«از ضمیمه چهارم‌امتیازنامچه که اعلیحضرت اقدس همایون‌شاهنشاه ببانك‌شاهنشاهی»
« مرحمت فرموده‌اند باکمال شرف وافتخار بدولت علیه عرض مینماید خیال دارد »
« حقوق دائر نمودن عمل معادن‌را بکمپانی انگلیسی واگذار نماید‌که مدیری آن»
« کمپانی بیکی‌از روسای‌بانك‌شاهنشاهی باشد وازروسای دیگرسه‌نفراز روسای»
« بانك مذکور خواهد بودوچون این‌قرارمذکور‌بدولت‌علیه ضمانت‌کلی خواهدبود»
« که نصفه‌از معادن بدرستی کارسازی خواهد شد . محترما از جناب مستطاب اجل »
« اکرم اشرف استدعا مینماید که‌از دولت علیه ایران اذن‌واجازه حاصل نماید که»
« این واگذاری مذکور قبول بشود (رابینو) فی ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۰۷ - »
« ۳ ژانویه ۱۸۹۰»

ودو روزبعداین اجازه‌نامه برای رابینو رئیس‌بانك شاهنشاهی نوشته میشود .

« مقرب الخاقان دوستان استظهار مشفق مکرم مهربان مسیو رابینو رئیس بانك»
« شاهنشاهی ایران
« درخصوص واگذار کردن حقوق دایر نمودن عمل معاون را بکمپانی انگلیسی که»
« بانك شاهنشاهی ایران بموجب فصل نهم ضمیمه چهارم امتیاز نامه مجاز گردیده»
« کاغذی در تاریخ یوم جمعه سوم ژانویه ۱۸۹۰ میلادی مطابق یازدهم جمادی الاول»
« ۱۳۰۷ هجری نوشته بودید ملاحظه گردید از خاکپای مبارك همایونی»
« روحنا فداه گذراندم مقرر فرمودند در صورتیکه بانك شاهنشاهی متقبل اجرای»
«تمام شرایط مندرجه درفصل مزبور ضمیمه یازدهم ودوازدهم وسیزدهم امتیاز نامچه»
«وضامن صحت حساب ورسانیدن تمام حقوق دولت علیه ایران است که درفصل سیزدهم»
«اصل امتیاز نامچه قید شده است اجازه باو میدهیم که واگذاری مذکور را جاری سازد»
«والبته در صورتیکه شرکت معدنی باین ترتیب تشکیل شود از جانب دولت علیه»
« کمال تقویت باو خواهد شد فی ۱۳ جمادی الاولی ۱۳۰۷ مطابق ۵ ژانویه ۸۹۰ »

چندی بعد بانك شاهنشاهی بموجب این اجازه نامه حقوق استخراج و بهره برداری معادن ایران را بیك کمپانی انگلیسی که بنام «بانك تعاونی معادن ایران» تشکیل شده بود بمبلغ ۱۵۰ هزار لیره انگلیسی میفروشد ودر تعقیب آن نامه‌ای دراین باب بدولت ایران مینویسد ونیز اعلانی بشرح ذیل برای اطلاع مردم منتشر میکند

«موافق اجازهٔ که چندی قبل از طرف دولت علیه ببانك شاهنشاهی ایران مرحمت»
«شده کمپانی بجهت دایر نمودن معادن ایران عما قریب درلندن تشکیل خواهد یافت »
«سرمایه این کمپانی یك ملیون لیره انگلیسی خواهد بود که منقسم است بدویست»
«هزار سهم و هر سهمی پنج لیره - ازاین دویست هزار سهم صدوسی هزار سهمش رسمی»
«خواهد بود و هفتاد هزارش مقدمی وآن یکصدوسی هزار سهم رسمی را خود بانك»
« نگاه میدارد وعلاوه بر آن یکصد و پنجاه هزار لیره نقدهم ببانك داده خواهد شد »
«ازاین هفتاد هزار سهم که هریك پنج لیره و نیم قیمت دارد چهارده هزارش باهل»
«مملکت ایران داده میشود.
«قبل ازآنکه بجهت سهام دیگر منفعتی منظور شود اسهام مقدمی حق سه عشر»
«ازمنافع دارند.
«ودرصورتیکه باقی منفعت از بابت تمام سرمایه بصد هفت برسد علاوه بر آنچه»
«ذکرشد منفعتی دیگر هم برای سهام مقدمی منظور خواهد شد هر کس که طالب»
«اسهام باشد قبول زحمت نموده ببانك شاهنشاهی ایران بنویسد که چند عدد از»
«اسهام را میخواهد وبرای هر سهمی ازتحریر این ورقه در عرض یك هفته باید مبلغ»
«سه لیره ببانك شاهنشاهی ایران بدهد ودو لیره و نیم باقی را سه ماه بعد اداء کنند»
«بتاریخ شعبان ۱۳۰۷ «محل مهر بانك شاهنشاهی ایران»

کمپانی «بانك تعاونی معادن ایران» که عده‌ای از سرمایه‌داران روسی و بلژیکی هم در آن شرکت داشتند پس ازتشکیل شروع بعملیات مقدماتی نموده و مهندسینی با وسائل وماشین آلات بنواحی جنوبی مخصوصا کرمان اعزام میدارد.

نکته قابل توجه در اینجا آنست که از طرف کمپانی مزبور مقادیری لوازم وماشین های مخصوص استخراج نفت ببوشهر وجزیره قشم ارسال میشود و بعدها که کار کمپانی پیشرفتی نمیکند تمام آنها را در همانجا بفروش میرسانند

ویگام (۱) در کتاب « مسئله ایران » راجع بعدم پیشرفت این کمپانی مینویسد

«علل اصلی عدم موفقیت شرکت این بود که اولا نیروی مالی شرکت برمنطقه وسیعی تقسیم شده بود که اداره نمودن آن فوق‌العاده دشوار بود و ثانیا حمل ونقل در ایران هزینه زیادی در برداشت پس از آنکه ماشین آلات گرانبها وارد و با زحمات فراوان بمعدن مانگا نز کرمان حمل گردید معلوم شد که هزینه حمل ونقل یك تن سنگ مانگانز از کرمان به بندرعباس مابین ۶ و ۱۰ لیره انگلیسی می باشد در صورتی که همان سنگ در لندن تنی ٤ لیره بفروش میرفت.»

هنگامی که از طرف کمپانی معادن عده‌ای بعنوان مهندس و کارگر از انگلستان بایران اعزام میشوند در ایران بواسطه قضیه رژی وواقعه تحریم تنباکو وشورش ومخالفت مردم با امتیاز انحصار دخانیات تنفر و بدبینی فوق العاده ای نسبت بانگلیس ها وجود داشت که بهمین جهت مردم با مهندسین انگلیسی بد رفتاری میکردند و عده‌ای از آنها را نیز مضروب ومجروح ساختند

میرزا محمدعلیخان علاءالسلطنه وزیر مختار ایران در لندن درماه جمادی الاولی ۱۳۱۱ تلگراف رمزی بشرح ذیل بتهران مخابره میکند که راجع باینموضوع نیز در آن اشاره کرده است.

استخراج رمز از لندن

بجناب مستطاب اجل اشرف اکرم افخم صدراعظم روسای کمپانی امتیاز معادن ایران کاغذی بشرکاء نوشته ودر روزنامه‌های اینجا منتشر شده است که بواسطه بعضی اشکالات وعدم تقویت حکام محل و مخصوصا بملاحظه تعدی که در ایالات کرمان وضرب وشتم و حبس مهندس معادن روی داده مجبور شده اند که دست از کار معادن برداشته وادعای خسارت ازدولت علیه نمایند کیفیت را بوزارت خارجه هم اطلاع داده‌اند ومشغولند باوجود بی‌اطلاعی ازچگونگی باوزارتخارجه مذاکره مطلب وسئوال وجواب لازم شد جوابی هم درمقابل اعلان روسای کمپانی باید جهة اطلاع مردم نوشت مستدعی است مقرر فرمائید حقیت مطلب را باآنچه که بنظر مبارك صلاح بیاید باتلغراف اطلاع بدهند کهازروی بصیرت جواب داده شود محمد علی ۶ جمادی‌الاولی ۱۳۱۱»

علاءالسلطنه در گزارشهای دیگری که بتهران میفرستد مینویسد.

«سرلپل گریفین (۲) مباشر رتق وفتق عمل کمپانی معادن» ادعامیکند که بواسطه عدم حمایت دولت ایران کار کمپانی پیشرفتی نکرده ودولت ایران باید خسارت کمپانی را بدهد وبرای انجام این منظور از دولت انگلیس تقاضا کرده‌است که دراین باب بدولت ایران تکلیف شود که برای رفع اختلاف به حکمیت مراجعه گردد ولی لرد کیمبرلی وزیر امور خارجه انگلیس گفته‌است که نمیتواند ازاین پیشنهاد او طرفداری کند زیرا دولت ایران در امتیاز نامه حق حکمیت را فقط ببانك داده‌است

بهرحال کمپانی مزبور باتقاضاهای مکرری که مدتها برای گرفتن خسارت ازدولت ایران میکرد نتیجه‌ای نگرفت و بالاخره مطابق فصل یازدهم امتیاز نامه حق استخراج معادن درسال ۱۸۹۹ خود بخود ازبین رفت.

---

1 _ H.J. Whigham 2 _ Sir LePPel Griffin



امتیاز لاتاری

امتیازنامه لاتاری

در اواخر دوره سلطنت ناصرالدین شاه که زمامداران وقت باسم «اعطای امتیازات» منابع مختلف کشوررا در« بازار استعمار » بمعرض حراج گذارده بودند امتیازی نیز برای انحصار عمل لاتار وبخت آزمائی وبازیهای مربوط بآن داده میشود .

مثل آنکه ناصرالدین شاه در سالهای آخر سلطنت که حب مال براو غلبه تامی یافته بود اگر پیشنهاد فروش قطعه‌ای از خاك ایران راهم باو میکردند درمقابل گرفتن پول حاضر بواگذاری آن میشد مخصوصاً در سفر سوم فرنگستان که «ملتزمین رکاب» باهم مسابقه فروش وطن‌را باجانب گذاشته وگاه وبیگاه هر یك فقط برای منافع شخصی راههای مختلف خیانت‌رابه «شاه» نشان میدادند .

ملکم خان ناظم الدوله بهتر از هر کس دراین موارد ابتکار بخرج میداد و در حقیقت دلال ماهری برای فروش منابع ایران . بیگانگان و وسیله خوبی برای توسعه نفوذ آنان دراین کشور بود .

در ماه ذی القعده ۱۳۰۶ هجری قمری که ناصر الدین شاه در اسکاتلند در شهر «اگوستا» مشغول سیروتماشا بود وکاملامجذوب زیبائی پریرویان انگلیسی‌شده ودختران قشنك جزیره بریتانیا وزنان شیك پوش لردان انگلستان دل ودین «شاه ایران»رابرده بود «پرنس ملکم خان» وزیر مختارایران در لندن یك هزار لیره طلا « تقدیم حضور مبارك» کرده و«امتیاز دائر کردن لاتری‌رادرایران» برای منشی خود تقاضامینماید.

متن این امتیازنامه که اصل آن بخط ملکم‌نوشته شده بود بشرح ذیل‌است

« امتیاز لاتری »

« نظر بدولت‌خواهی‌وخدماتی که عالیجاه مسیو بوزیك دوکاردوال نسبت بدولت»
«علیه ایران ابراز نموده اعلیحضرت اقدس‌همایون شاهنشاه کل ممالك ایران امتیاز»
« کل معاملات بالا تری واستقراضهای عمومی بالا تری وترتیب کمپانیهای لاتری و»
«فروش بلیط های بالاتری وبازیهای عمومی بالاتری از قبیل چرخ رولت در کل»
«ممالك ایران ازتاریخ امروز الی‌هفتادوپنج سال مخصوصا ومنحصرا باشرابطذیل»
«به عالیجاه مشار الیه دادند واو هم باشرط ذیل این امتیازرا قبول کرد

«درجمیع این معاملات وترتیبات واستقراضهای بالاتری که بحکم این امتیازحق»
«مخصوص و انحصاری عالیجاه مسیو بوزیك دو کار دوال است عالیجاه مشار الیه»
«هرسال ازمنافع خالص که بعدازوضع مخارج واداى‌صدپنج منفعت سرمایه مصروف»
«شده حاصل‌بشود صد بیست بخزانه دولت علیه‌کارسازی خواهد کرد که‌اولیای‌دولت»

«علیه باختیار خود صرف امور خیریه ایران نمایند .
«دولت علیه ایران حق خواهد داشت که بتوسط یکی ازمأمورین خود هر سال»
«حساب منافع خالص صاحب این امتیاز را تحقیق نماید اعلیحضرت اقدس همایون»
«شاهنشاه ایران این امتیاز را درحق عالیجاه موسیو بوزیك دوکاردوال و درحق»
«صاحبان حقوق او بامضای ملوکانه خودتصدیق ومقرر فرمودند وازتاریخ امروز بر»
«عهده دولت علیه ایران واجب است که حقوق این امتیازرا برای صاحب این امتیاز»
« بدرستی محفوظ ومجری بدارند .
«واین معنی بطور صریح مقرراست که دخیل این معاملات وبازیهای لاتری شدن»
«و خرید وفروش بلیطها و نمرهای قرعه ولاتری در ممالك ایران از برای احدی»
«بهیچوجه مجبوری نخواهد بود ودر کل ممالك ایران هر کس خواه تبعه ایران و»
« خواه تبعه خارجه کاملا مختار خواهد بود که بمیل خود داخل این معاملات لاتری»
« بشود یانه .
«فی تاریخ ۲۲ ذیقعده ۱۳۰٦ بدو نسخه مبادله شد درملك اگوس
«این قرارنامه که بزبان وخط فارسی نوشته شده است برای اجرای عمل لاتری»
«وقرعه درایران صحیح است سنه ۱۳۰٦ هجری ۲۲ ذیقعده درملك اکوس امضی شد»
«ناصرالدین شاه قاجار
«ملاحظه شد بدستخط همایون روحنا فداه است شرف امضی یافته وصحیح است»
«امین السلطان .»

بوزیك دوکاردوال (Buzic de Cardoel) صاحب امتیاز منشی سفارت ایران درلندن تبعه فرانسه بود که سابقاً کلنل و درمونت کارلوزندگی میکرده است.

این شخص بامیرزا ئیل خان برادر ملکم وخود ملکم در منافع این امتیازنامه باهم شریك بودند ومعلوم است در حقیقت دارنده اصلی امتیاز شخص ملکم بود و اینها واسطه‌ای بیش نبودند

ناصرالدین شاه ازانگلستان بطرف فرانسه مراجعت مینماید وملکم نیز همراه او بپاریس میرود بالاخره بعد ازچندی بامذاکرات قبلی امتیازنامه مزبور توسط ملکم بمبلغ چهل هزارلیره به‌دو کمپانی انگلیسی بنام «پرشن اینوستمنت کور پریشن» (۱) و«انگلو اشیاتیك سندیکت»(۲) فروخته میشود.

عقیده میرزا ملکم خان

گفتیم این امتیازنامه هرچند باسم منشی سفارت ایران درلندن بود ولی صاحب حقیقی آن میرزا ملکم خان وزیر مختار ایران محسوب میشد .

بد نیست برای اطلاع ازنظر ملکم در باره این امتیازنامه و بطور کلی عقیده او راجع به «سفر آخر همایونی» باروپا نامه‌ای راکه بعد ازمراجعت ناصر الدین شاه از اروپا بعنوان قوام الدوله وزیر امور خارجه نوشته ذیلا نقل نمایم.

(1) Persian Investment CorPoration (2) Anglo—Asiatic Syndicate

« لندن ـ بتاریخ سوم اوکتوبر ۱۸۸۹
«فدایت شوم سردر ومون وولف (وزیر مختارانگلیس درتهران) چند روز»
« دیگر از لندن حرکت خواهد کرد .
« چند روزی در برلین وچند روزی هم در اسلامبول توقف کرده روانه طهران»
«خواهد شد .
«لرد سالسبوری که مدتی است بآبهای گرم رفته بود این روزها بجنوب فرانسه»
«رفته تاچندی درآنجاها خواهد ماند نسخه قرارنامه امتیاز لاتری که بیك ملاحظه»
«میخواستم تاچندی دراین سفارت نگاه بدارم برحسب اشاره اعلی درجوف این پاکت»
بتوسط چاپار سفارت انگلیس فرستادم گمان بنده این است که این عمل بی آنکه هیچ»
«زحمتی برای دولت علیه داشته باشد ازجمیع امتیازات دیگر زودتر وبیشتر منفعت»
«بخزانه دولت علیه برساند .
«میگویند یهودیهای اصفهان اذیت میکنند ولیکن قطعاً دروغ است وبنده بهر»
«زبان این شهرت لغورا تکذیب میکنم .
«اعتبار ونیك نامی وامیدهای ترقی ایران این اوقات روز بروز زیاد ترمیشود»
« عموم مردم براین اعتقاد هستند که دولت ایران پس از تعقل وتأمل زیاد دراین سفر»
« آخرهمایونی کاملا معتقد وجوب ترقی شده وجاده ترقیات را بدرستی باز کرده وشکی»
«ندارند که عقل وقابلیت ایرانی دولت علیه را بیشتر وزودتر ازهرملك مظهرترقیات»
«بزرك خواهد ساخت ـ ملکم»

ناصرالدین شاه وقتی بتهران میآید امتیازنامه را لغو میکند

ناصرالدین شاه بعد ازگردش درکشور های اروپا در تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۰۷ وارد تهران میگردد .

امین السلطان صدر اعظم که بجهاتی چند با میرزا ملکم خان کدورتی پیدا کرده بوددر صدد عزل او ازسفارت میافتد

میگویند یکی ازعلل مخالفت امین السلطان باملکم بواسطه عدم وفای ملکم به قول وپیمان خود بود ـ ملکم درموقع تحصیل امتیاز لاتاری باامین السلطان وعده داده بود که پول گزافی که از محل فروش امتیاز نامه تحصیل میشود برای او خواهد فرستاد اما ملکم باین وعده خود عمل نکرد .

ازطرف دیگر وقتی خبر اعطای امتیاز لاتاری درایران منتشر شد علماء مذهبی بمخالفت باآن برخاستند و امین السلطان نیز به تحریك وتشویق آنان پرداخت تافتوای حرام بودن این امتیازرا گرفت .

عاقبت چون ناصرالدین شاه می بیند که علماء باین کار عنوان مخالف شرع وعرف داده واجراء آن باشکالات زیاد برمیخورد فسخ امتیازنامه را اعلام وبه میرزا عباس خان قوام الدوله وزیر امور خارجه دستور میدهد درتاریخ ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۰۷ (۵دسامبر ۱۸۸۹) تلگرافی بشرح زیر برای ملکم بلندن مخابره نماید .

«بجناب ناظم الدوله سفیردولت ایران ـ لندن

« فقره لاتری چون در ایران خلاف شرع و اسباب فتنه و فساد میشد بحکم»
«دولت موقوف شد.
«قرارنامه امتیاز آن باطل است ازدرجه اعتبار ساقط بسفارت انگلیس مقیم طهران»
« هم رسماً اطلاع داده شده است ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۰۷ نمره - ۷۷ »
نامه‌ای که دراین خصوص بسفارت انگلیس در تهران نوشته شده باین شرح است.
«برحسب امر اقدس اعلی زحمت افزا میشود که امتیاز لاتری که بجناب ناظم الدوله»
«داده شده بود بعد از آنکه معزی الیه صورت قرارنامه آنرا فرستاد ودرمضمون»
«آن دقت شد معلوم شد که بازی‌های دیگر هم داخل امتیازنامه آن کرده است که مخالف»
«قانون شریفه شریعت اسلام واجرای آن درممالک محروسه ایران متحمل ظهور بسی»
« مفاسد است لهذا لزوماً قرارنامه مزبور فسخ وابطال شده بجهة اطلاع واستحضار»
«سفارت محترمه وآگاهی دادن هرعملی که لازم دانند زحمت اظهار داد مورخ ۱۶»
«ربیع الثانی ۱۳۰۷»

ضمناً به ملکم دستور میدهند پولی را که ازبابت فروش امتیازنامه گرفته بصاحبانش مسترد دارد. تلگراف ابطال امتیاز نامه را وقتی درهولاند پارك (محل سفارت ایران در لندن) به ملکم ارائه میدهند ملکم پاکت تلگراف را باز کرده وآنرا میخواند وسپس مجدداً تلگراف را درپاکت گذارده به پیشخدمت خود میدهد که باورنده بدهد و بگوید وزیر مختار بمسافرت رفته و در سفارت نیست و فوراً خودش ازلندن به بورن‌موت ازشهرهای جنوبی انگلستان میرود.

دعاوی خریداران امتیازنامه

هنگامیکه اعلان بطلان امتیازنامه درلندن منتشر میگردد کمپانی های خریدار امتیازنامه توسط سفارت انگلیس درطهران بدولت ایران اعلام میکنند که دولت ایران نمیتوانسته است امتیازنامه را باطل سازد واگر اجراء آن باشکالاتی برمیخورد بایدخسارت آنهارا بپردازد.

ازطرف دولت به میرزا ملکم خان مجدداً دستور داده میشود که تمام پولی را که از کمپانیها گرفته زودتر پس بدهد ولی ملکم به بهانه‌های مختلف متعذر شده و میگوید معامله‌ای بوده که قبل از وصول تلگراف انجام شده و فسخ آن ممکن نیست و پول آنهم بمصرف رسیده است.

بالاخره چون ملکم از امر دولت خود داری میکند برحسب دستور ناصرالدین شاه در ۱۶ ماه مارس ۱۸۹۰ اعلامیه‌ای دائر برعزل ملکم ازوزیر مختاری ایران در انگلستان ومنع استعمال القاب و عناوین او در لندن منتشر میکنند و چند روز بعد هم ملکم جواب تند وزننده‌ای باعلامیه دولت درروزنامه‌های انگلیس منتشر مینماید.

محاکمه دریك دادگاه انگلیسی

چنانکه گفته شد دعاوی کمپانی‌ها ابتدا آن بود که دولت ایران حق لغو امتیازنامه‌را نداشته است و اگر اجرای امتیازنامه اشکالی دارد لااقل خسارت آنها پرداخت شود.

ولی دولت ایران ادعای آنهارا رد میکند ومیگوید جبران خسارت آنها مربوط

بدولت ایران نیست و باید خود آنها پولی را که به ملکم داده‌اند پس بگیرند.

بنا بدستور دولت سفارت ایران در لندن برای تهیه پاسخ کمپانیهای « پرشن اینوستمنت کور پریشن » و « انگلو اشیاتیك سندیکت » ورد دعاوی واهی آنها و کیلی استخدام میکند و قبلا نظریه علمای حقوق انگلستان را هم در این باب استعلام مینمایند.

ترجمه نامه‌ای که ویلسون بریستوهارپونل (Wilson Bristow Harpunel)

وکیل ایران در این مورد بزبان فرانسه به میرزا محمد علی خان علاء السلطنه وزیر مختار ایران در لندن (که بعد از عزل ملکم باین سمت انتخاب میشود) نوشته بشرح زیر است

«لندن ۲۱ ژانویه ۱۸۹۱

«جنابا بموجب دستورالعمل جناب شما از سیر والتر فیلیمر

(Sir Walter Phillimore

« که از اجزاء عدالت خانه و یکی از معتبرین و کلا استعلامی تحصیل نمودیم »

«در باب این مسائل که اولا آیا دولت ایران مجبور است اعتنا به پرتست‌هائی بکنند»

« که صاحب امتیاز یا انگلو ازیاتیك سندیکا و پرشیان انوستمان کور پوراسیون در»

«باب ابطال امتیاز لاتاری اظهار داشته اند یا خیر وثانیا آیا میتوانند هیچ ادعائی»

« بدولت ایران از بابت جبران خساراتی که بواسطه ابطال امتیاز وارد شده»

«بکنند یا نه ؟

«شرح مواقعی که در آنها امتیاز عطا شده بود و اعمالی که منوط بآنها بودند و»

«ابطال آنرا به سیر والتر فیلیمر اظهار داشتیم و با کمال شرف سواد جوابهائی»

که برای این مسائل داده لفا ارسال حضور جنابعالی میداریم ما هم ضمیمه میکنیم»

که خود ما نیز بهمین عقیده هستیم چنانچه سابقا هم بجناب شما عرضه داشته بودیم»

«این خود واضح است که وقتی سیر والتر فیلیمر میگوید نه انگلو آزیاتیك سندیکا»

«و نه پرشیان آنوستمان کورپوراسیون حق ندارند هیچ ادعائی بدولت ایران بکنند»

«مقصودش این است که ادعای آنها ابداشرعی نمیتواند بود یقین است هیچ مانعی نیست»

«از اینکه صاحب امتیاز یا انگلو ازیاتیك سندیکا یا پرشیان انوستمان کورپوراسیون»

«عریضه بدولت ایران عرض کنند و استدعای جبرانی نمایند و یا باعلیحضرت امپراطوری»

«پادشاه عرضی درباب خسارات وارده بکنند

« ویلسن بریستوهارپونل »

ترجمه رای والتر فیلیمر

«بتاریخ ۱۷ ژانویه ۱۸۹۱ـ لندن

« اولا عقیده من این است که دولت ایران مجبور نیست اعتنا به پرتست هائی بکند»

« که درباب ابطال امتیاز باو عرضه شده‌اند پرتستهای مزبور صاحب هیچ قوه »

« قانونی نیستند.

«ثانیا انگلو آزیاتیك سندیکا و پرشیان انوستمانت کورپراسیون نمیتوانند هیچکدام»
«هیچگونه ادعائی بدولت ایران بکنند برای جبران خساراتی که میگویند از بابت ابطال»
«امتیاز بآنها وارد شده پادشاه ایران بحکم قدرت سلطنتی میتواند امتیاز خود را هر»
«طور و هر وقت دلش بخواهد بدهد و پس بگیرد. والتر فیلیمر»

ظاهرا چون کمپانیهای مزبور درمییابند که نمیتوانند علیه دولت ایران در محاکم انگلستان اقامه دعوی نمایند و جبران خسارت خود را بخواهند ناچار علیه مقصر واقعی یعنی میرزا ملکم خان ادعانامه تنظیم میکنند و از دولت ایران نیز میخواهند که مدارك لازم را در اختیارشان بگذارد تا شاید بتوانند خسارات خود را از ملکم وصول نمایند.

در این مورد میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه که بعد از ملکم بسمت وزیر مختار ایران در لندن انتخاب شده گزارشی بتهران میفرستد که متن آن و دستور ناصرالدینشاه را ذیلا نقل مینمایم

«از لندن نمره ر ۴۵۰

«قربانت شوم لکیداترهای کمپانی پرشن اینوستمنت کورپریشن یك مسوده درزبان»
«انگلیسی نزدفدوی فرستاده وخواهش کرده‌اند که آنرا بطهران بوزارت جلیله»
«خارجه بفرستد که ازطرف جناب مستطاب وزیر امور جلیله خارجه رسما بفدوی نوشته»
«و بفرستند و عین آن بمشارالیهم داده شود که هنگام مرافعه ومحاکمه باملکم خان در»
«دستشان سند باشد اگرچه مطالب آن که دایر بصدور تلگراف ازجانب وزیر امور»
«جلیله خارجه درابطال امتیاز لاتری بملکم خان و نبودن بانك مخصوص سفارت وغیره»
«است سابقا ومتدرجا حسب الامر ازطرف سفارت رسما بایشان داده شده است ولی»
«حالا محض استحکام عمل این مسوده را فرستاده و این خواهش را نیز کرده‌اند.»
«اینك سواد مطابق بااصل مسوده ایشان که درزبان انگلیسی است با ترجمه آن»
«بزبان فرانسه درعریضه ارسال حضور مبارك میشود که بعداز گذشتن ترجمه آنها»
«درزبان فارسی از لحاظ وقادانور بهرچه رای اصابت پیرای مبارك علاقه گرفته حکم»
«ومقرر فرمایند از آنقرار اطاعت شود زیاده جسارت است معروضه ۱۹ جمادی الاولی ۱۳۰۹»

ناصرالدین شاه درحاشیه نامه اینطور نوشته است.

«البته بایدآنچه برضدملکم درباب لاطری وتقویت به‌صاحبان سهام است بنویسندخوب است‌لیکن طوری باید نوشته‌بشود که‌ریش دولت بگیرنرود همه‌اش‌طوری باشدکه ریش آن پدرسوخته رالای تخته گذارده شود و پولشان را ازآن پدرسگ بگیرند وپدرش‌را بسوزانند.»

بازپرسی از ملکم خان

بالاخره بعداز آنکه کمپانی‌های سابق‌الذکر در یک دادگاه انگلیسی درلندن علیه میرزاملکم‌خان وزیر مختار سابق ایران اقامه دعوا مینمایند و ادعای جبران خسارت میکنند ازطرف دادگاه مزبور میرزا ملکم‌خان احضار وابتدا از او بازپرسی میشود

برای مزید اطلاع ازجریان اعطاء امتیاز لاتاری وچگونگی انتقال وبعدلغو آن بی فایده نیست که خلاصه قسمتهائی از صورت جلسه بازپرسی و بیانات شهود ونمایندگان کمپانیها وهمچنین ملکم رادر اینجا نقل نمایم.

جریان این بازپرسی که بزبان انگلیسی بوددر همانموقع بفارسی ترجمه و بتهران فرستاده شده است .

« تقریرات شهود درعدالتخانه دولتی لندن

تقریرات (لارنس ودبین کلوئت) در مقابل استنطاق (مستر بولارد) دوم مارچ ۱۸۹۱

یك عده اشخاص ازمحترمین که وجهی معین نموده ومنتظر بودند که هروقت کمپانی تشکیل یابد پولی بدهند وسند اسهام بگیرند ومن نیز یکی از این اشخاص بودم .

(کارجیل) و (ماکدونالد) ازاجزای بانك جدیدشرقی و(فردریك بورك) صراف و (کورن هیل) و(دانیل کنیك) شرکت داشتند ولی این دونفر آخری قبل ازتشکیل کمپانی کنار رفتند .

مقصود مااین بود که بعضی امتیازات ازدولت ایران حاصل نمائیم وازبرای کسانیکه درصدد استحصال وقرار داد این امتیازات باشند تنخواهی تهیه نمائیم قبل ازتشکیل کمپانی قریب بیست یاسی هزار پوند بجهة این مقصود در عهده بعضی اشخاص قرار گرفت .

جنرال میکائیل خان واسطه ازبرای تحصیل اطلاع واستحصال امتیازات بوده ملکم خان نیز برای تحصیل اطلاع ویکی از وسائط استحصال امتیازات بود وبعضی اشخاص درایران بودند که بالاطراف دراین مرافقت علاقه داشتند چه ازصاحبان مناصب وچه غیره .

امتیازاتی که می بایست حاصل شود ساختن راه آذربایجان و امتیاز جنگل‌های آن مملکت و دریاچه ارومیه بود .

بعضی امتیازات دیگر وامتیاز تنباکو ازبرای (کردیت فنیر) وسایرین درایران استدعا شده بود این امتیازات حاصل گشت اما تحصیل آنها قبل از درج شدن سندیکت دردفتر کامل نشده بودومن از امتیاز قرعه ایران از طرف شاه اطلاع داشتم که هنگامی که شاه در اسکاتلند بوددر ۲۰ جولای ۱۸۸۹ واقع گشته بودلیکن این اطلاع بعداز عزیمت شاه ازانگلیس وپاریس بود وتحصیل این خبررامن از کاغذی که (کلنل وسچامیس) از پاریس بمن نوشته بوده نمودم باین مضمون که قرارداد فروش امتیاز قرعه در میان است واین امتیاز بصاحب منصبان سفارت ایران داده شده بمحض شنیدن این خبرمن خواهش نمودم که (انگلوایزیاتیك سندیکت) آزاین مطلب مطلع شده و آنها موافق قراردادی که قبل از تشکیل کمپانی داده شده بود حق اولی درخریدن این امتیاز داشتند وقرار دادمز بوردرمیانه (کلنل وسچامیس) ومیکائیل خان واجزای سفارت بانضمام خودپرنس داده شده بود ومخصوصا این امتیاز یکی از امتیازاتی بودکه من قدر وقیمت آن رابصاحب منصبان سفارت القاء نموده بودم ومن در آن وقت درلندن ازطرف دولت ایران جنرال قنسول بودم دراواسط ماه سپتامبر ۱۸۸۹ من از این امتیاز قرعه اطلاع حاصل نمودم و کاغذی که من در این باب به(وسچامیس) نوشته بودم جوابش بواسطه تلگراف این شد که او وپرنس ملکم خان بزودی بانگلیس مراجعت خواهند نمود وپس از آن باندك فاصله با باتفاق یابانفراده وارد انگلیس شدند .

خلاصه کیردول ومن ازطرف (اینوستمنت کمپانی) و پرنس ملکم خان از طرف فروشنده در ۳ اکتوبر ۱۸۸۹ قراردادی منعقد نمودیم .

وبابت قسط اول بیست هزار پوند از بانك جدید شرقی قرض نمودیم و امتیازنامه را نزد آن بانك رهن گذاردیم .

بعد من و(مستر کارجیل) و(مستر ماکدونالد) برات بانك شرقی را که محتوی مبلغ مزبور بوده در (هولاندپارك) که محل سفارت ایران بود به پرنس ملکم خان داده امتیازنامه اصلی که ممهور به مهر شاه بود گرفتیم .

قسط دویم که میبایست قبل از دویم نوامبر داده شود چهل هزار پوند بود ولیکن بواسطه نارسائی وعدم کفایت شرکای (پرشن اینوستمنت کورپریشن) از طرف عامه به بیست هزارپوند تبدیل یافت .

وقتی که ملکم‌خان را ملاقات نمودم که بیست هزار پوند تخفیف داده شود اومرا ملامت کرد و بالاخره راضی شد واین مبلغ راکه نصف مبلغی بوده که میبایست داده شود از طرف (پرشن اینوستمنت کورپریشن) به ملکم‌خان داده شد .

سرمایهٔ که شرکای (پرشن اینوستمنت کورپریشن) بعهده گرفته بودند عبارت بود از یکصد و چهل‌هزار پوند .

وقتی درماه جنیوری ۱۸۹۰ پرنس‌ملکم‌خان از سفارت‌معزول‌شد من‌ازاو استفسار نمودم که آیا عزل او باعث تعرض ومزاحمتی باین‌امتیاز خواهد بود یانه اوبواسطه نمودن‌بعضی تلگرافات ومخابرات بمن‌مدلل نمود که اوهنوز در نزد شاه مورد عنایت ودارای افتخار است‌وعزل او ونصب محمدعلیخان (علاءالسلطنه) بسفارت بواسطه مخالفات شخصی او باوزیر اعظم‌است که در نزد شاه مقتدر است .

چنان بخاطر دارم که درشانزدهم دسامبر درهولاند پارك محل‌سفارت ایران مجلس ملاقاتی با حضور(سیر کوبرهانتر) و(مستر اربر) از جانب (اینوستمنت کورپریشن) وپرنس ملکم‌خان ومستر میکائیل ابراهام وکلنل وسچامیس و میکائیل‌خان تشکیل‌شد من از ملکم‌خان خواهش‌نمودم که تنخواهی راکه گرفته مسترد داردواو گفت که تنخواه بمصرف رسیده ومعامله گذشته وامتیازنامه بقوت خود باقی است .

وقتی که باپرنس ملاقات نمودم خیلی تاکید درادای وجه امتیاز نمودکه آن وجه بایستی درایران به بعضی ازایرانیها عاید شود این‌واقعه وقتی اتفاق افتادکه تشکیل کمپانی بتاخیر افتاد واو بعقب من فرستاد و همچنین در موقعی‌که من بدیدن او رفتم که چهل هزار پوند را تخفیف به بیست هزار پوند بدهم نیز این صحبت واقع شد .»

خلاصه تتمه استنطاق (لارنس ودبین‌کلوئت) در سیم مارچ

«تمام‌مطالب راجع‌است باینکه‌من‌دارای‌تلگرافات وامتیازات‌دیگرهستم وامتیازاتی که‌توسط من‌حاصل‌میگشت به (انگلوایزیاتیك سندیکت) منتقل‌میگشت وبه ملاحظه یکی‌ازآنهابه‌تشکیل‌یك کمپانی‌درتحت‌این‌اسم (فرنکو پرشن کمپانی) اقدام‌شد که‌دارای‌یك ملیون‌لیره استرلین سرمایه‌بود‌این کمپانی نه تنهاآن‌امتیازات بلکه بامتیازقرعه نیز بایدعمل نماید . ملکم‌خان نیزاز جمیع‌مطالب بااطلاع بودوسندیکت ازملکم خان‌خواهش نموده است که لفظ (استیت لاتریز) باین کمپانی‌اطلاق شود ومن‌ملکم‌خان‌را ملاقات کردم او راجع‌به تشکیل‌این کمپانی خیلی تاکید میکرد زیراکه وجه قیمت امتیاز میبایست بایران آزبرای اشخاصی که مربوط باین عمل بوده‌اند فرستاده شود»

تقریرات ملکم بعد از ادای قسم در مقابل استنطاق مستر بولارد (مستر کامبل از جانب پرنس ملکم خان وکالت نمود)

«من‌پرنس وخان وناظم الدوله دولت ایران هستم تاماه جنیوری ۱۸۹۰ چند سال بود‌که از طرف دولت ایران در دربار لندن سفیر بودم وپس ازآن ازاین عمل انفصال یافته لیکن حفظ افتخارات خود را نموده‌ام و اکنون نمیدانم که سفیر هستم یانه .

مسافرت شاه دراین مملکت وسایر بلاد فرنگستان را درسال ۱۸۸۹ بخاطر دارم . قبل از آن بجهة استحصال امتیازات ازدولت ایران توسط مردمان دیگر اطلاعی نداشتم ولی مذاکراتی در افواه بودکه امتیازاتی داده شده وسابق نیز از من تقاضائی برای این امتیازات شده بود ومن امتناع میکردم بالاخره صدر اعظم بمن اصرار نمود که برای منافع مملکت آنچه درقوه دارم امتناع نکنم تااینکه خود شاه تاکید بلیغ نمود که‌حتی المقدور دراین مطلب بوزرای او کمك کنم اگر چه ازاول جزئی مددی در این باب بانها مینمودم لیکن بعد از اصرار شاه بجد وجهد عمل نمودم واگر چه قبل ازآن از توانگران انگلیس دراین فقره تمنا نموده بودم لکن ازروی اطمینان نبود اما پس ازفرمایش شاه بکوشش واطمینان دراین باب ایستادگی نمودم .

درموسم تابستان ۱۸۸۹ من باشاه باسکاتلند رفتم ازجمله امتیازاتی که سابقا از من درخواست شده بود

یکی امتیاز قرعه ایران بود راجع باین امتیاز باشاه وصدر اعظم گفتگو نمودم .

شاه وصدر اعظم هردو گفتند که درهمان لحظه اعطا شود نظر بمراتبی که درمیان ما گفتگوشده بود شاه میخواست امتیازات دیگری نیز بمن بدهد لکن درآن مطالب قدری فکر وتامل لازم بود .

موجب این شد که درهمان وقت امتیازنامه را که سابق درمیان من و کسانی که استدعای آنرا نموده بودند ترتیب یافته بود بشاه تقدیم نمودم .

شاه وصدر اعظم آنرا در ۲۰ جولای ۱۸۸۹ درحضور خود من مهروامضاء نمودند

امتیاز نامه بخط من وبنام (بوزی دو کاردوال) بود شاه وصدر اعظم در آن رسیدگی ودقت نمودند و درباره این عبارت

«ده دو آن بخزانه دولت ایران رسیده ودولت ایران آنرا بطیب خاطر درراه نیکبختی مملکت صرف نماید» شاه ازمن سؤال نمود که بچه سبب این عبارت نوشته‌شده‌است من ایشان‌را مطلع نمودم که دربعضی‌ممالک نظر بدیانت وتقوی بعمل قرعه اعتراضی وارد میآورند . شاه بطرف وزیر اعظم بر گشت و گفت «خیر این فقره‌را فهمیده‌ام واین‌مطلب دردین ما نامشروع نیست»

بوزی دو کار دوال نویسنده سفارت ما و کلنل فرانسه ومدتها درمونت کارلو بود .

این شخص در منفعت این امتیازنامه بااشخاص دیگر ازجمله میکائیل خان برادر من‌شراکت دارد

حقیقت‌مطلب این‌است که بعضی ازمردم ایران قبل ازآنکه اعطای‌این امتیاز ازروی حقیقت صورت گیرد منفعتی ازآن بردند وبعضی دیگر بواسطه قرار ومدار مخفیه که باصاحب امتیاز داده بودند بعد از فروش امتیاز حصه وقسمتی ازمنفعت به‌آنها عاید گشت .

امتیازرا طوری نوشتم که بعدها جای‌حرفی باقی نباشد .»

میرزا ملکم خان در جلسه بعدی‌استنطاق که درششم ماه‌مارس منعقد میشود راجع باین که دادن امتیاز در ایران بموجب میل‌شاه است وچون قانون حمایت اتباع خارجه‌در ایران هست فقط اتباع بیگانه میتوانند ازامتیازات بهره‌مندشوند واتباع ایران اگرامتیازی بگیرند چون کسی ازآنها حمایت نمیکند درهر آن ممکن‌است فسخ شود صحبت میکند .

جلسات محاکمه مدتها بطول انجامید وسرانجام محکمه میرزا ملکم را محکوم به کلاهبرداری کرد ولی‌چون ملکم‌در همان محکمه ادعای افلاس نمود کمپانیهای خریدار موفق نشدند خسارات خودرا از او بگیرند

بی‌اعتباری دولت ایران

این جریان یعنی تحصیل ولغو امتیازلاتاری بشرحی که گذشت مخصوصا که‌مقارن همانوقت امتیازانحصار دخانیات (رژی) نیز لغوشده بود گذشته از زیانهای مادی برای دولت ایران لطمه شدیدی به‌حیثیت وآبروی‌ایران درخارج واردساخت ومدتها باعث بی‌اعتباری و عدم اعتماد بدولت ایران‌شده بود البته این‌وضع یعنی بی‌اعتباری‌دولت ایران ازآن جهت که تاچندی مانع اعطاء امتیازات تازه‌ای به بیگانگان بودبرای ملت ایران نتیجه بهتری داشت ولی ظاهرا چون‌دولت ایران میخواست برای جبران خسارات کمپانی انحصار دخانیات(رژی) از سرمایه‌داران انگلیس پولی‌قرض بگیرد ناچار برای اعتبار خود خسارت کمپانی های «پرشن اینوستمنت کورپریشن» و«انگلواشیاتیك سندیکت» رامی‌پردازد .

«میسوارنستین» که مدتها باسمت کنسول افتخاری مستشار امور اقتصادی‌وسیاسی ایران‌درلندن بوده گزارشی راجع باین موضوع‌برای میرزا علی اصغرخان امین السلطان صدر اعظم بتهران فرستاده که متن آنرا درپایان این قسمت نقل مینمایم .

« حضرت اشرف بسیار عزیزم

سابقا عرض کرده بودم که بانك شاهنشاهی از انجمن « ستك اکس شانژ » خواهش کرده بود اجازه بدهد اسناد استقراض دولت ایران را در بازار لندن بعیار معینی رواج بهم رساند با کمال تاسف عرض میکنم که این خواهش بانك قبول نیفتاد و انجمن مزبور بدون اینکه جواب یاس بدهد رای خود را در این باب بوقتی دیگر موکول ساخته است با اینکه از برای من محال است بتوانم علت عدم موافقت انجمن را با این خواهش بانك تحقیق کنم چرا که انجمن حق دارد بدون اقامه دلیل در اینگونه امورات رای بدهد معهذا علتش بر هیچکس پوشیده نیست و آن علت این است که چندین نفر از اجزای معتبر آن انجمن اشخاصی هستند که برای امتیاز لاتری مبالغها پول بملکم خان داده‌اند و پول آنها از میان رفته است و تا عمر دارند مدعی عدم اعتبار دولت ایران خواهند بود و اشخاص مزبور بودند که انجمن را مانع قبوز خواهش بانك شدند و من بعد هم در هر عملی که راجع بایران باشد تا قوه دارند کار شکنی و خرابی خواهند کرد .

ناچار شدم با جمعی از آنها ملاقات کردم و آن‌چه در قوه داشتم کردم که بلکه به آن‌ها ثابت کنم که در این عمل لاتری دولت ایران بجز راستی و حقگوئی کاردیگر نکرده است و تمام تقلب از طرف ملکم بوده است نتوانستم خیال و عقیده آن‌ها را تغییر بدهم حرف آن‌ها این است که ما پول خود را باعتبار امضای اعلیحضرت شاهنشاهی بسفیر ایران دادیم نه باعتبار شخص ملکم خان و در حقیقت هم در طی مرافعه ثابت شد که بیست هزار لیره اولی را در وقتی ملکم گرفت که هنوز سفیر ایران بود و امتیاز را دولت ایران باطل نکرده بود و بیست هزار لیره ثانوی را در ۱۳ دسامبر سنه ۱۸۸۹ دادند یعنی هشت روز بعد از تاریخ ابطال امتیاز و ابطال مزبور درماه اول سال بعد باطلاع آن ها رسید با اینکه حرف آنها و ادعائیکه از دولت ایران میکنند صحیح نیست و بدولت ایران حقی ندارند و ملکم خان بتقلب پول آن‌ها را خورده است معهذا چون اشخاصی هستند که در همه جا نفوذ بسیار دارند و تا عمر دارند باعتبار دولت ایران ضدیت خواهند کرد بعقیده من بهتر این است آن‌ها را بیك طوری راضی باید کرد و از ضدیت با دولت ایران و اعتبارش در بازارهای لندن و فرنگستان انداخت اعتقاد من این است که اگر از جانب دولت ایران بمن ماموریت داده شود می توانم بنصف پولی که آن‌ها خرج کرده‌اند راضیشان نمایم و آن هم نه پول نقد بلکه بااسناد استقراض دولت ایران باین معنی که از روی تحقیق صحیح و اسنادیکه بعین مشاهده کرده‌ام مبلغ پنجاه و نه هزار لیره اشخاص مزبور خرج امتیاز لاتری کرده‌اند میشود آن‌ها را بدادن سی هزار لیره اسناد استقراض دولت ایران قانع ساخت و از ضدیت انداخت و برای خریدن این سی هزار لیره اسناد استقراض تقریبا نوزده الی بیست هزار لیره پول نقد لازم است چرا که در این تازگیها بانك شاهنشاهی معادل بیست و پنجهزار لیره اسناد مزبوره را ازقرار ۶۰ و نیم درصد خریداری کرده و دولت ایران می‌تواند از بانك خواهش کند بیست و پنجهزار لیره اسناد مزبوره را بهمان قیمت که خریداری کرده است بدولت واگذار نماید باقی میماند پنجهزار لیره دیگر که باید اسناد خریداری کرد .

این پنجهزار لیره اسناد را هم می‌شود ازقرار صدی ۶۵ خریداری نمود بناء علی‌هذا سی هزار لیره اسنادی که لازم است میشود بمبلغ بیست هزار لیره نقد خریداری نمود هرگاه این اسناد را بانك بدست من بدهد امیدوارم بتوانم تمام آن اشخاص را راضی نمایم و من بعد بر عکس گذشته در هر مقام حامیهای معتبر اعتبار دولت ایران باشند •

شکی نیست که یك چنین عدالت و درست کاری دولت ایران اسباب شهرت او در تمام روی زمین می شود و اعتبار رفته او و صد مقابله بجای خود برمی گردد و در کارهای راجع بدولت ایران اعتماد درقلوب مردم جاگیر می شود و سرمایه‌های خارجی که بدون آن‌ها هیچ کار بزرگی نمی‌شود کرد روبایران میکنند .

خیلی افسوس دارم که وقت عزیز گران بهای حضرتعالی را مصروف باین گونه کارهای دل ناپسند مینماید ولی یقین دارم وقتی بقصد باطنی من برخورید از این زبان درازی معفوم خواهید فرمود از حضور مبارك استدعا دارم مراتب معروضه را بنظر دقت ملاحظه فرمائید و آن چه در این باب رای مبارك همایونی علاقه گرفت بمن اطلاع بدهید •

با کمال شرف فدوی صدیق دولتخواه حضرتعالی

ارنستین »



امتیاز ساختن راه طهران

بسواحل خلیج فارس

علاقه انگلیس ها به ایجاد این راه و مکاتبات مربوط بآن

انگلیس ها ازهمان هنگامیکه درصدد بدست آوردن اجازه کشتی رانی در رودکارون افتادند ساختن راه طهران و سواحل خلیج فارس را نیز ازنظر دور نداشتند چنانکه در فصل مربوط برود کارون دیدیم ناصرالدین شاه نوشته بودموضوع ساختن راه طهران ومحمره و کشتیرانی رودکارون درموقع جنگ ایران وانگلیس برسرهرات درمیان بود که در عوض واگذاری هرات بایران کشتیرانی در رودکارون برای انگلیسها آزادوراه طهران و محمره ساخته شود بهرحال سا لهااین موضوع ازطرف انگلیسها جداً تعقیب میشدوبرای انجام آن دولت ایران رامورد تهدیدوفشار قرار میدادند ــ رویه دولت ایران درمقابل انگلیسها مانند قضیه رودکارون بادادن وعده وبامروز وفردا گذراندن بودتا بالاخره هنگام صدارت امین السلطان امتیاز این راه توسط یحیی خان مشیرالدوله بانگلیسها داده میشود.

لرد کرزن در کتاب خودمینویسد.

«....... مدتهاست که احساس‌شده ایران محتاج براه‌می‌باشد . هرکسی درآن مملکت مسافرت نموده بخوبی می‌داند که عبوراز آن راههابااسب‌های چاپاری وکاروان چقدرمشکل است وچه‌مقدار بایدوقت تلف کرد ومخارج آن‌چه‌اندازه زیاد است . هوش‌سرشار سرجان ملکم‌دراوایل قرن فعلی (۱۲۱۵ قمری– ۱۸۰۱ میلادی) این مسئله راخوب درك کرده بود وبشاه وقت(فتحعلی‌شاه) پیشنهادنمودوچه خوب‌ازآن استقبال شد و صدای شادی به‌آسمان رسید وفرمان شاهنشاهی برای ساختن‌آن ها صادر گردید ودرآن نوشته بود (طوری که ایلچی محترم اظهار داشته است) اما امین‌الدوله وزیر مالیه آن عصر دستهای خود را بهم مالید و گفت آقای ایلچی این جا ایران است .

حال قریب هشتاد سال‌متجاوز است که از زمان سرجان ملکم میگذرد وموضوع راه حل نشده است هنگامی که من‌در ایران مسافرت می کردم فقط دوراه شوسه موجود بود یکی راه طهران بقم ودیگر راه‌طهران‌به قزوین ـ برای‌ساختن‌راه قزوین هشتاد و هفت هزار تومان خرج‌شده وبرای راه‌قم قریب سی‌و پنجهزار تومان»

قبل از آوردن متن‌امتیازنامه اعطائی بمشیرالدوله و چگونگی جریان بعدی آن برای مزیداطلاع ازمذاکرات دولت ایران‌وسفارت انگلیس‌در این‌باب بعضی از نامه‌ها و مکاتباتی راکه بدست‌آورده‌ام بترتیب تاریخ ذیلاً نقل مینمایم.

راندلد تامسن‌شارژدافر انگلیس‌در تاریخ ۲۸ محرم ۱۲۹۶ هجری قمری هنگامی که برای گرفتن اجازه کشتیرانی دررود کارون بدولت ایران فشار می آورد در خصوص ساختن راه طهران‌ببوشهر‌این نامه‌را بمیرزاحسین‌خان سپهسالار صدراعظم‌ایران‌مینویسد .

« جناب مستطاب اشرف امجد ارفع رازحمت میدهد

« امروز صبح شفاها از آنجناب مستطاب اشرف امجد ارفع خواهش شد که در »

« خصوص ساختن راه از اینجا ببوشهر قراریکه داده شده رسما بدوستدار نگاشته که »

« بلندن فرستاده شود چون چاپار سفارت روز دوشنبه آینده عازم است مجددا با کمال احترام »

« خواهش میشود که فقره مزبور را زودتر محبت فرموده بسفارت انفاذ فرمایند که به چاپار »

« مذکور برسد وهمچنین فقره رود کارون را از آن جناب مستطاب اشرف امجد ارفع »

« خواهشمند است که چنانچه وعده فرمودند بعرض مبارك اعلیحضرت اقدس شهریاری »

« رسانیده جواب اخیره را حاصل ودوستدار را مستحضر فرمایند که آنهم با نوشتجات »

« سابق در این خصوص بتوسط چاپار سفارت فرستاده شود در باب فقره که صبح مذاکره »

« شد تفصیل صحبت خود را علیحده نگاشته وارسال داشت ولی درخصوص تلگرافی »

« که اظهار داشت که ازجناب جلالتمآب وزیر امورخارجه از لندن رسیده لازم دانست »

« که خاطر مودت مظاهر را باین نکته ملتفت سازد که دوستدار تلگراف خودرا دیروز »

« سه ساعت بغروب مانده کرد وچون بمحض رسیدن پیش ازغروب جواب فرستادند این »

« فقره دقت جناب جلالتماب وزیر امور خارجه اعلیحضرت پادشاه انگلستان را در »

« این خصوص ظاهر میسازد زیاده زحمتی ندارد .

فی ۲۸ شهر محرم ۱۲۹۶ محل مهر رانلدطامسن »

در چهارم ماه شوال ۱۳۰۲ هجری قمری ناصر الدین شاه به میرزا محمود خان ناصر الملك وزیر امورخارجه مینویسد .

«جناب وزیر امورخارجه درباب راه محمره که بشما دستورالعملی داده بودم که باوزیر مختار انگلیس حرف بزنید فراموش کردم که ازشما تحقیق کنم دراین باب چه کرده‌اید البته تفصیل اقدامات ومذاکره خودتان‌را که چه گفتید وچه‌جواب داده‌اند بعرض برسانید که اطلاع حاصل شده‌لازم است ٤ شوال ۱۳۰۲»

ناصر الملك جریان ملاقات خودرا باوزیرمختار انگلیس اینطورشرح میدهد .

«قربان خاکپای جواهر آسای مبارك اقدس همایونت شوم

در باب راه محمره خانه‌زاد حسب‌الامر قدر قدرت همایونی وزیر مختارانگلیس را ملاقات کرده گفتگو نمود جواب مشارالیه این‌شد که دولت انگلیس چندی‌قبل درباب راه برای ازدیاد مراوده این‌دولت که حالاروسها اسباب قطع آنرا فراهم آورده‌اند تمنائی کردند بعداز زیاد مذاکرات قبله‌عالم بمن‌وعده صریح داده و مرا مامور فرمودند که وعده‌ملوکانه را به‌اولیای دولت انگلیس بنویسم وتابحال درباب‌قرار با رایطربا استقراض یافرستادن مهندس ازجانب دولت‌انگلیس‌امروفرمایشی نشده‌بود وحال که امرومقررشده است‌اما در باب مهندس یکنفر مهندس مستخدم دولت که محل‌وثوق‌دولت وعامه است چندی‌قبل رفته واین‌راه را دیده‌است خلاصه راپورت یاتصنیف او را که از لندن فرستاده‌اند میدهم تقدیم خاکپای مبارك کنید درهمان مجلس ترجمه‌خلاصه آنرا نموده وبعد برای خانه زاد فرستاد خانه‌زاد گفت‌در این خلاصه اسمی‌از مخارج راه برده نشده ومقصود این‌است که مخارج‌معین شود همان مبلغ را استقراض فرموده وبهمان خرج به انگلیس مقاطعه بدهند جواب داد که مخارج را هم‌نمیتوان بسهولت معلوم کنم ووعده کرد که معلوم نموده بفرستد ترجمه خلاصه راپورت‌مهندس که وزیر مختار بخانه‌زادداده در جوف عریضه چاکرانه ازلحاظ انورهمایونی خواهد گذشت استدعادارد چون نسخه منحصر بفرد است مجددا بچاکر مرحمت‌شود که برای گفتگوی مجدد حاضرباشد امادرباب قراربارایطر واستقراض گفت‌چون فرمایش‌نشده بود تاحال سئوالی نکرده‌ام حال که فرمایش شده‌است هردو فقره‌را باچاپار مخصوص مقرر خودمان مینویسم‌وزود

جواب تحصیل میکنم لیکن این مسئله رابایذ بدانید که دولت هیچوقت قرض نمیدهد رسم نیست اگربدهند ملت و بانکیه های معتبر میدهند این امر را باید من بمجلس تجارت (شامبردوکمرس) بنویسم وخواهم نوشت چه بلندن وچه بهندوستان جواب زود میرسد عجالتا چنانچه خانه‌زاد بخاکپای مبارك عرض کرد اینفقره مسکوت عنه میماند تا جواب برسد دیگر هرروز نخواهند گفت چه شده محض امتثال فرمایش جهانمطاع همایونی خلاصه گفتگو اینست که بعرض رسید تاخود خانه‌زاد شرفیاب خاکپای مبارك همایونی شده مراتب معروضه رامفصلا بعرض برساند وهمچنین جسارت ورزیده درتمام فقرات رای قاصر چاکرانه خودرا معروض خواهدداشت که در استقراض چه ملاحظات است وفرضا قرض دادند در باب راه گیلان که اگر اقدام بساختن آن نشود روسها خیلی بصدا در می آیند چه باید کرد .

در باب فقره حرکت پاطرویل (۱) یاقراول روس امروز ترجمه کاغذمحرمانه ازوزیر مختار انگلیس بعرض رسانید بعداز مرخصی از خاکپای مبارك ومراجعت بمنزل مراسله رسمی راجع بهمین فقره ازوزیر مختار رسید لازم بود ملفوف عریضه چاکرانه تقدیم نماید ومقصود جزاطلاع خاطرمبارك نیست چون جواب همان است که امر ومقرر گردیده و خانه‌زاد همانطور خواهد نوشت وباید منتظر جواب صریح قطعی از جناب آصف الدوله شد الامرالاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع »

در حاشیه این گزارش ناصرالدینشاه نوشته است .

« جناب وزیرامور خارجه جواب بکاغذ وزیرمختار بنویسد که هرگز دولت ایران اجازه این نوع تخطی هارا بدولت روس نداده است واگر بداند که حقیقتا آنها این نوع رفتار کرده اند البته پروتست سخت خواهد کرد بدولت روس از حاکم خراسان تحقیق بعمل خواهد آمد

جناب وزیر .

در فقره راه انشاءالله در مراجعت خود بصاحب قرانیه بتفصیل بعرض برسانید حکمش میشود همراهی دیگراز این بیشترنمی‌شود اگراهمال کنند خود کرده اند دیگربما بهیچوجه دخلی نخواهد داشت درباب پاترویل روسها امروز تلگراف مفصل جانداری به آصف الدوله کردم باید منتظر جواب آن بشویم هروقت رسید بشما اطلاع میدهم حالا ماخودمان در حقیقت خبرصریحی نداریم . »

نامه سفارت انگلیس مورخ ٤ محرم ۱۳۰۳ هجری قمری بناصر الملك وزیر امور خارجه

« جناب جلالت ونبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا »

« مکرما مهربانا

« خاطر محترم آنجناب بخوبی مستحضر است که حال تقریبا سه سال متجاوز است »

« که درباب افتتاح راه ازدارالخلافه طهران الی شوشتر ومحمره از طرف بروجرد »

« کراراً دوستدار باوزارت جلیله امور خارجه دراین خصوص کتباو شفاها وپیغاما »

« مذاکرات نموده وبعلاوه عرایضی که دراین باب بتوسط وزارت جلیله امورخارجه »

« بحضور مکرمت ظهوراعلیحضرت اقدس همیون شاهنشاهی معروض افتادودوستدار هم »

« بلاواسطه چندفقره ازفواید ومنافع افتتاح این راه درپیشگاه حضورمبارك اعلیحضرت »

« همیون شهریاری عرض نمود وپس از توجهات کامله ومذاکرات عدیده در مجلس »

« شورای اعظم رای انور ملوکانه براحداث وافتتاح این راه قرار گرفت ومکرراً از »

« جانب سنی الجوانب همیونی ووزرای معظم دولت علیه ایران باولیای دولت انگلیس »

« بتوسط دوستدار اطمینان داده شد که یقینا راه تجارت ازاین طرف مفتوح خواهد »

---

1 _ Patrouille

«گردید لکن بعد در خصوص مخارجی که برای افتتاح این راه لازم بود مذاکرات عدیده بمیان»
«آمده تا اینکه در آخر بجناب جلالتماب فرمودند که آیا ممکن است دولت هندوستان»
«در باب مخارج این راه همراهی نمایند و تنخواهی که برای این کار لازم است موجود»
«کنند آنوقت قراری داده میشود که دولت علیه ایران تاوقت پرداختن اصل تنخواه»
«منافع آنرا برساند دوستدار هم این مطلب را بدولت متبوعه خود راپورت نمود»
«اوقاتی که آنجناب جلالتماب عزیمت بآبگرم فرموده بودند جناب دبیرالملك چند»
«فقره ابلاغ فرمایشات اعلیحضرت اقدس همیونی را دراینخصوص بدوستدار نمود»
«مبنی براینکه رای انور همیونی جدا برافتتاح این راه قرار گرفته است که همان»
«طوری که باآنجناب جلالتماب قبلا مذاکره شده بود دوستدار اقدام نموده تمام»
«نمایند لکن از آن وقت تاکنون دیگر بهیچوجه مذاکره دراین باب بادوستدار نشده»
«ومکنون خاطر مهر مظاهر ملوکانه دراینخصوص برای دوستدار معلوم نیست و از»
«آنطرف هم این اوقات گفتگوی سرحدی باتمام رسیده ویقینا دولت هندوستان»
«در مقام اظهار این مطلب برآمده وجهة تعویق را از دوستدار مستفسر خواهد شد و»
«دوستدار هم در حقیقت نمی داند که بعد از آن اطمینا نهائی که سابقاداده است حال»
«چه نوع این مطلب رابیان نماید لهذا در این وقت باکمال احترام خواهشمند است که»
«عینا همین مراسله رابطوری که مقتضی میدانند بحضور مراحم ظهور اعلیحضرت»
«اقدس همیون شاهنشاهی تقدیم نمایند وهرجوابی که مقرر فرمودند برای اطلاع»
«دوستدار مرقوم وارسال فرمایند که منظور ومقصود اصلی دولت علیه ایران دراین»
«باب مفهوم و توضیحا مراتب رابدولت متبوعه خود اطلاع بدهد»
«زیاده تصدیع نمی افزاید فی ٤ شهر محرم ۱۳۰۳ محل مهر (رانلدطامسن)

دولت ایران درجواب سفارت انگلیس این موضوع را موکول بآمدن ظل السلطان بتهران مینماید وموقعی که ظل السلطان بتهران میآید سفارت انگلیس اینطور مینویسد

«جناب جلالت ونبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا»
«مکرما مهربانا

«آنجناب جلالتماب بموجب مراسلهٔ که مورخه بیست وچهارم شهر محرم سنه ۱۳۰۳»
«جوابا باین سفارت ارسال فرموده بودند مرقوم شده بود که بعد از ورود حضرت»
«مستطاب اشرف ارفع والا ظل السلطان گفتگوی راه شوشتر ومحمره را باحضور»
«حضرت مستطاب معظم له مطرح مذاکره نمایند این خبر بهجت اثر همان وقت»
«بدولت انگلستان وهندوستان اطلاع داده شد وحال چون حضرت مستطاب معظم له»
«ورود بدارالخلافه طهران نموده اند لهذا دوستدار دراین وقت باکمال احترام از»
«مضمون مراسله مزبور خاطر مودت مآثر آنجناب جلالتماب را یاد آور میگردد و»
«امید دارد که درانجام این مسئله که برای دولت علیه ایران تجارتا و هم منفعة»
«مفید است اقدام شایسته بعمل آورند بنا براین دولت انگلستان وهندوستان دراتمام»
«این مطلب کمال شوق ومیل را دارند وامیدوارند که این مسئله بادقت تمام مطبوعی»

«بطور خوشی اتمام وانجام پذیرد وازاین گذشته جناب جلالتمآب سیر رانلد طامسن»
«چندین فقره اظهارات مرحمت آمیز اعلیحضرت اقدس همیون شاهنشاهی را در»
«اینخصوص مبنی براتمام این عمل بدولت متبوعه خود را پرت نموده اند لهذا کمال»
«تأسف و تأثر حاصل خواهد شد اگر این موقع حالیه از دست برود در صورتیکه»
«آن نتیجه که منظور ومقصوداست ازمیانه فوت شود.
«زیاده تصدیع نمی افزاید همواره احترامات فائقه را نسبت بآنجناب جلالتمآب»
«تجدید مینماید.
«فی ۸ شهرصفرسنه ۱۳۰۳ محل مهر (نیکلسن)
سفارت انگلیس چند روز بعد دردنباله نامه فوق مجددادرتاریخ ۲ دسامبر ۱۸۸۵ چنین مینویسد.
«جناب جلالت و نبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا»
«مشفقامکرما مهربانا.
«چند روز قبل دوستدار شرف آنرا داشت که مراسله مبنی برافتتاح راه محمره»
«وشوشتر بطهران نزد آنجناب جلالتمآب ارسال نمود که درمراسله مزبور خواهش»
شده بود که آنجناب جلالتمآب حال که حضرت اشرف والا ظل السلطان در اینجا»
«تشریف دارند قبول زحمت فرموده این مسئله را درمجلس شورا مطرح مذاکره»
«نمایند - دوستدار ازقراریکه استماع نموده است چندین دفعه درمجلس شورا در»
«این باب مذاکرات بعمل آمده‌است لهذا کمال امتنان‌را حاصل خواهد نمود اگر»
«آنجناب جلالتمآب دوستداررا مستحضر فرمایند که آیا قراری دراینکارداده شده‌است»
«یاخیرچنانچه خاطر محترم آنجناب جلالتمآب مستحضر است اعلیحضرت اقدس شهریاری»
«بجناب جلالتمآب وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان وعده فرموده بودند که»
«حکم اجازه ساختن این راه‌را مقرر خواهند داشت که صادر نمایند. بنا براین چنین»
«گمان میکند که مذاکرات درمجلس مزبور درباره جزئیات این مطلب وده است لکن»
«خود مسئله چنانچه جناب جلالتمآب وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان بدولت»
«متبوعه خود اطلاع داده‌اند اصلا ازجانب سنی الجوانب اعلیحضرت همایونی قبول»
«شده‌است وازمضمون مراسلاتی که دوستدار ازجناب جلالتمآب مارکوبز اف سالزبری»
«وزیر امور خارجه دولت متبوعه خود وصول نموده است چنین استنباط مینماید که»
«مسئله افتتاح این راه عبور میانه جنوب ایران و پای تخت این مملکت بجهاتی که»
«برخود آنجناب جلالت مآب واضح است بنظر اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه»
«انگلستان‌وهندوستان کار عمده میباشدوخیلی مسرور خواهند شد که بدانند اشکالی»
«دراین کارنیست وشروع بساختن‌راه‌تجارت مزبوره درجنوب ایران شده‌است و نیز»
«دوستدار لازم میداند که خاطر محترم آنجناب جلا لتمآب را مطلع سازد»
«از اینکه اگر چه قبول ساختن راه مزبور که‌اول قدمی است بجهت مطلبی که»
«منظوراست ولی بنفسه نمیتواند مایه‌ترقی‌وپیشرفت تجارت ایران شود واعلی درجه»

«آنرا متحقق سازد پس چیزیکه بجهت این مقصود لازم است باز کردن راه جهازات»
«تجارتی است درروی رودکارون فقط مقصود دولت انگلیس در اصرار این مطلب»
«ترقی رشته تجارت است مابین دولتین ایران وانگلیس و برخاطر محترم آنجناب»
«جلالتمآب واضح است که هرقدر رشته تجارت میانه این دو دولت علیه بیشتر باشد»
«اهالی مملکت انگلستان توجهشان بترقی دائمی وپایداری مملکت ایران زیاد خواهد»
«بوددراین موقع احترامات فائقه‌را نسبت بآنجناب جلالتمآب تجدید مینماید.
«زیاده‌زحمتی ندارد فی ۲٤ صفر ۱۳۰۳

«محل مهر شارژ دافر اعلیحضرت پادشاه انگلستان آرتر نیکلسن»

(جواب‌نامه بسفارت انگلیس)

«جناب مجدت وفخامت همراه نجدت و نبالت پناه دوستان استظهارا مشفقا مهربانا»
«از مضمون مراسله مورخه ۲٤ شهر صفر آنجناب مجدت همراه دائر بفقره»
«راه محمره استحضار حاصل نموده لازم میداند بخاطر محترم آنجناب اخطار نماید»
«که فقره راه محمره یاسایر راهها و کلیه اموری که اسباب ترقی و رواج تجارت»
«باشد همیشه ملحوظ نظر اولیای دولت اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی دام سلطانه»
«بوده وخواهد بود و تاحال هم تمامی مذاکرات جاریه دراین باب مبنی بر همین»
« اساس عمومی بوده وبعد از این نیز هرمذاکره بشود باز ازبابت اجراء»
«این حسن نیت ومقصود مقدس عمومی خواهد بود.
«نه اینکه رسما اختصاص باین راه مخصوص داشته باشد در این صورت میتواند»
«خاطر محترم آنجناب را مستحضر سازد از اینکه اولیای دولت علیه کمال سعی و»
«اهتمام‌را برای رسیدن باین مقصود که سبب آبادی مملکت است دارند و برحسب»
« اقتضای وقت آنچه لازم و مقدور باشد معمول خواهد داشت اگر در بعض موارد»
«تاخیری درملزومات حصول این مقصود بنظر رسیده است ازبابت بعضی موانع است»
«که من جمله عدم اطلاع بر مخارج ساختن طرق است که موقوف بیك برآورد(اطود)»
«کاملی است که تاحال نشده است احترامات فایقه خودرا نسبت بآنجناب مجدت همراه»
«تجدید مینماید زیاده چه زحمت دهد

شارژ دافر انگلیس بعد از دریافت جواب دولت ایران چون نتیجه عملی بدست نمیآورد در تاریخ ۱٦ ربیع الاول ۱۳۰۳ نامه ذیل‌را بناصر الملك مینویسد.

« جناب جلالت ونبالت نصابا فخامت و مناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقا »
« مکرما مهربانا
« دوستدار در مراسله قبل اظهار داشت که باحصول اجازه از آنجناب جلالتمآب»
« بعضی ملاحظات واظهارات درخصوص راه تجارت مخصوص درجنوب ایران خواهد»
« نمودلهذا دراینوقت درمقام زحمت بر آمده اظهار میدارد که اول چیزی که لازم است»
« این است که همین طرق حالیه طوری ساخته شود که بارکش وعرابه بسهولت بتواند»
« از آن عبور نماید و بدینجهت حمل ونقل متاع زودتر وارزانتر ازحالیه شود»

«آنجناب جلالتمآب خوب مستحضرند که آلان باری که منتها پنجاه من بوزن تبریز»
«باشد بمدت پنجاه روز و کرایه خرواری دوازده الی هیجده تومان از بندر بوشهر»
«بدارالخلافه میتوان حمل نمود اگرچه دور نیست آنجناب جلالتمآب اعتقاد نفرمایند»
«لاکن بدبختانه وضع چنین است که ازلندن ببوشهر که مسافت راه چند هزار میل»
«است زودتر متاع میرسد تااز بوشهر بطهران که چندصد میل است درصورتی که»
«کرایه این مسافت قلیل تقریباسه برابر آن مسافت کثیر است بااین احوال محل تعجب»
«نیست که تجارت روبه تنزل وعمل مالیات این قسم مغشوش ودرهم باشد .

«پول در ایران بی نهایت کم وتجارت روبه تناقص وانحطاط است بنا براین خیلی»
«لازم است که نزدیکتر واسهلترین راه در جائی که حاصل خیزترین اقطاع مملکت»
«است باز گردد وجای شبهه وتشکیك نیست که بهترین طرق راه محمره بطهران است»
«که از شوشتر ودزفول وخرم آباد وبروجرد وسلطان آباد وقم بگذرد ودر هیچ»
«راه دیگر فواید این راه متصور نیست واز بروجرد شعبات دیگر ازاین راه میتوان»
«منشعب کرد وباصفهان و کرمانشاهان وهمدان برد .

«طریق مزبور کوتاه وسهل ترین طرق است واگر بجهت اطلاعات وضع طبیعی»
«وجغرافیای آن باشد دوستدار ازروی خرسندی ومیل خاطر حاضر است که تقدیم»
«نماید ازهمه گذشته این راه که ازعراق که حاصلخیزترین اقطاع مملکت است عبور»
«مینماید وزراعت این قطعه که بواسطه نقص راه ولزوم حمل بدون ترقی مانده در»
«وقتیکه این سبیل احداث شود معلوم خواهد شد که چقدر بر حمل آن سریعا»
«افزوده میشود .

«ممکن است که تاحال یك راه سهل آسان ازمحمره بمبلغ پنجاه هزار تومان»
«احداث کرد که اشخاص بصیر معتبر در اول سال افتتاح منفعت آنرا بجهة شرکاء صد»
«بیست برآورد کرده اند ودرسنوات بعد که تجارت رونق گرفت علاوه گذشته ازاینها»
«متاع ازطرف جنوب به طهران بعوض پنجاه روز پانزده روزه بامقدار زیادتر وخروار»
«شش تومان کرایه در عوض دوازده وهیجده تومان حالیه خواهد آمد وجوهات فوق»
«چنان مبرهن است که زیاده براین اظهارات دوستدار رالازم ندارد .

«چنانچه آن جناب جلالتمآب اطلاعات دیگری دراینخصوص از قبیل مخارج احداث»
«یاکلیه تخمینات دراین باب بخواهند دوستدار باکمال شوق درارسال آن حاضر»
«خواهد بود مطلب دیگری است که توضیحا آنجناب جلالتمآب را از مفاد آن مستحضر»
«میسازد افتتاح راه محمره که قابل عبور عرابه وبارکش باشد اول گامی است بجهة»
«حصول بمقصد ولی آنچنان مفید است که جمیع مقتضیات رادر بر داشته یاتمام فواید را»
«از حیثیت زودرسیدن وارزانی حمل جنس شامل باشد .

«ازمحمره بشوشتر یك رودخانه که میتوان درروی آن جهاز انداخت جاری است»
«که بهیچ وجه سزاوار نیست که از چنین راه طبیعی خدا داد اخذ و درك»
«فواید ننمود .

« دوستدار استنباط کرده‌است که دولت‌علیه‌ایران‌در مذاکرات انبساب یك تردید»
« خیال و بی‌میلی دارید چراچنین است بااشکال میتوان باور کرد که دولت‌علیه گمان»
« کند که دولت انگلیس از اصرار دراینخصوص بجزاعانت و کمك تجارت وفایده »
« عایده بدولت علیه ایران منظور دیگری‌داردا گرممکن باشد برخیال کسی خطور»
« نموده باشد دوستدار آن‌جناب‌جلالتماب را اطمینان میدهد که خیال آن شخص باطل»
« وعاطل است بهیچوجه خیال ومقصود نهائی نیست فقط صادقانه وخالصانه منظور»
« این‌است که رودکارون را معبر تجارت بیند مثل شط‌العرب که چه‌اندازه مایه»
« وسعت معاش وسعادت مردم‌آن نواحی‌شده است‌چراراضی نمیشوند‌بعوض‌این‌منازل»
« دور ودراز امتعه بتوسط کشتی حمل باهواز وشوشتر شود قائق های اهالی این»
« مملکت بجهة اینکار کافی نیست ولابدجهازات بخار باید در کار آورد وباینطورهم»
« صرفه وقت وهم صرفه وجه ملحوظ است مقدور نیست که تمام نکات و محاسن »
« افتتاح رودکارون رادریك مراسله اظهارداشت‌واگر بیش ازاین‌اطلاعات لازم‌بود»
« ممکن بود که تقدیم دولت علیه‌ایران نمود محل شبهه نیست که این کاری‌است که »
« سبب فواید کثیره بجهة عموم مملکت است ودوستدار نمیتواند اعتقادنماید که‌رای»
گیتی آرای اعلیحضرت اقدس‌شهریاری منکراجرای این‌عمل گردد.

« اگر سخن دوستدار بسمع قبول‌اصغاء میشدهر آینه‌اصرار بلیغ می نمود که‌دولت»
« علیه‌ایران بنحوحالیه خودرا از جمیع ملل‌دوروتنها نگذارد و قطع مراوده‌عملی»
« ازسایرجاها ننماید . یك‌ملت بمنزله شخص‌مفرداست که‌نمیتواندازدیگر مخلوق‌دور»
« باشد ازجنابعالی استفسار میشود که آیاممکنست شخصی‌درخانه خود نشسته‌ابواب»
« را ازهمه‌جانب بروی‌خودبسته وازانباری که گرد کرده وجمع آورده‌مرزوق کرد و»
« بر آن انبار نقصان‌روی ندهد زودباشد که اتمام‌آن انبار را ملاحظه وخود را در »
« ورطه جوع‌مشاهده نمایدوخائف‌است که هر گاه‌درباز‌شوددوست‌ودشمن هردو داخل»
« میشوندوحال آنکه‌اگر دشمنی بخواهدداخل‌شود درها بازیا بسته باشدجبراً وعنفا راه»
« خودرا باز کرده داخل خواهد شدوآن‌شخص‌ازروی بدبختی می بیند فرصتی نمانده»
« است که‌ابواب دیگررا گشاده که دوستان اوداخل شوند بلکه‌آن دوستان هم »
« بواسطه عدم‌مراوده رفته رفته‌سرد وبی‌میل‌شده‌اند وبااین‌حال در کمك وامداد او»
« دستی دراز نمیشود .

« واگر دوستدار معذور باشد که اظهار اعتقاد خودرانماید اظهارخواهدداشت که»
« دولت علیه ایران خوبست بدون‌بیش‌از این‌تعویق کلیه این‌خیرخواهی و صوابدید »
« دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان رادرخصوص طرق جنوب ایران قبول فرمایند»
« واگر این منظور صورت گیرد سختی درقرار دادن اجرای این مطلب باآنهائی»
« که مایلند دولت علیه‌ایران را دراینکار کمك نمایند نخواهدبود دوستدارخواهش»
« مینماید که‌این مطلب رانگذارند که درمیان مذاکرات وراپرتهائی که منتج‌هیچ»
« نتیجه نیست فقدان پذیردیا اینکه بگویند باید درست‌ازحالات راههائی که بااین مشهوریست»
« اطلاع نمائیم که این‌قسم گفتگوها رافقط عذر بجهة‌تعویق میدانند وآنهائیکه مایل»

«انکارمیباشند بواسطه تاخیر وتعطیل زیاد ازاین خیال منصرف خواهند شد واگر»
«صورت گیرداشخاصیکه بنای اینکارراگذارده‌اندچنانچه دوستدار اظهار داشته کمال»
«فایده را خواهند برد ومصرانه بدولت علیه ایران اظهار مینماید که از هر جهت»
«اینکار ازحیث پولتیك وتجارت ومالیات بجهة دولت علیه فواید کثیره دارد درصورتی»
«که نگذارند فرصت حالیه ازدست برود در اینوقت احترامات فائقه ودوستانه صادقانه»
«خودرا بآنجناب جلالتمآب تجدید مینماید.
«زیاده چه تصدیع افزاید فی ۱۶ ربیع الاول ۱۳۰۳
محل مهر (آرتر نیکلسن)

امتیاز راه بمشیر الدوله داده میشود

باین ترتیب همان‌طور که گفته شد این موضوع سالها بطول انجامید تامیرزا علی اصغر خان امین السلطان بصدارت ایران رسید و درومندولف بسمت وزیر مختاری انگلیس در تهران منصوب گردید وامتیاز رودکارون وامتیاز تاسیس بانك شاهنشاهی داده‌شد وسپس امتیاز ساختن راه تهران بسواحل خلیج فارس توسط یحیی خان مشیرالدوله ببانك شاهنشاهی واگذار گردید. لرد کرزن در این باب در سال ۱۸۹۱ مینویسد.

«حال بانك شاهنشاهی درصدداست که راه محمره بطهران رانه تنها برای عراده‌رانی دایر کند بلکه میخواهد یك راه‌شوسه درست وحسابی که شاهراه باشد بایرانی ارزانی دارد این‌راه طوری خواهد بود که جنوب ایران را به طهران وصل کند ویگانه طریق ارتباط باشد نقشه اینکار درزمانهای قبل تهیه‌شده بود وحال شروع بکار نموده‌اند که راه بین‌طهران و شوشتر یا اهواز راکه درکنار رود کارون واقع است از راه قم، سلطان آباد، بروجرد و خرم‌آباد شوسه نمایند.

امتیاز این راهرا برای مدت شصت سال در ۱۸۸۹ میرزا یحیی‌خان مشیرالدوله ازشاه گرفت بعدبانك شاهی این‌امتیاز را ازایشان بدست‌آورد واینك مهندسین آن‌مشغول ساختن این‌راه میباشند وممکن است درهمین روزهایك موسسه مالی مخصوص برای عملی‌نمودن آن دایر گردد ومنافع زیادی برای‌آن متصور است زیرا که این راه خلیج‌فارس‌را بمرکز ایران‌نزدیك خواهدنمود وهمچنین قسمتهای فوق‌العاده حاصل خیز راکه تا حال از آنها غفلت شده‌است آبادخواهد کرد.

علاوه براین وسایل حمل‌ونقل مال‌التجاره انگلستان وهندوستان راسهل‌وآسان خواهد نمود بالاتر ازاینها بزوار اماکن متبرکه که‌ازاطراف وجوانب سالیانه قریب یکصدهزار نفر میشودو مقصدآنها قم و مشهد درشرق وکربلا ونجف‌و کاظمین وسامره ومکه معظمه درقسمت غربی است کمك فوق‌العاده خواهد کرد.

در قسمت‌های هموارآن وسائل حمل و نقل با دستگاه بسهولت برای مسافرین برقرار خواهدشد رودخانهای عرض راه‌درصورت لزوم سدبندی میشود کاروانسراها وباراندازها وبناها برای مستحفظین راه تهیه خواهدشد همچنین ازبروجرد یك‌راه فرعی‌باصفهان ساخته میشود- بین‌این دوشهر قریب ۲۱۰ میل راه است. تقریبا شصت‌فرسنك باین‌وسیله شهرهای جنوبی بشهرهای مرکزی وصل خواهد گردید. ومراکز پر جمعیت و شهرهای تجارتی بهم مربوط خواهند شد از این شهرها یك مخرج صحیحی بخلیج فارس مفتوح خواهد گردید. چنانکه مشاهده شده بوسیله این‌راه تمام این‌شهرها براه کشتی‌رانی رود کارون وصل میشود واز این‌راه در مدت

۱۲ روز از خلیج فارس میتوان با کاروان بطهران رسید در صورتی که امروزه از راه بوشهر و شیراز در مدت چهل الی پنجاه روز باید آن‌راه را طی نمود.»

امتیاز نامه راه عربستان

متن امتیاز نامه

«این امتیاز نامه برای ساختن راه فیمابین دار الخلافه الی»
«اهواز برای حمل مال التجاره بتوسط عراده بایك شعبه ازراه بروجرد باصفهان
«فصل اول - اولیای دولت علیه بچاکر دولتخواه این امتیاز را مرحمت خواهند فرمود»
«ومدت آن از روز تاریخ صدور فرمان الی انقضای شصت سال تمام میباشد این چاکر دولت»
«خواه حق آنرا خواهد داشت که راه فیمابین اهواز وطهران را با انضمام راه فیمابین»
«بروجرد واصفهان بسازد.
«وحق دیگر چاکر آنستکه درعرض راه در هر نقطه و مکانی که صلاح بدزند»
«کاروانسرا وپل وخانه از برای سکونت عملجات وانبار واصطبل ولوازمات دیگر و»
«کارخانجات نجاری وحدادی که برای راه ضرورت دارد بسازد وحق دیگر چاکر»
«این است که حمل و نقل مال التجاره وسیاح رابوقت وقرار معین تجدید نماید ودر»
«عرض راه حق آنرا خواهد داشت که در هرجا لازم است مجرای آب قنات احداث»
«نماید ولی فقط برای منزلگاههائی که آب نداشته باشد ودر هرمنزلگاهی اراضی»
«بایره که مال دولت باشد باندازه چهار هزار ذرع منزلگاه اعطاء خواهند فرمود»
«که بجهة قوت خود کشت وزرع نمایند.
«ومجاز خواهد بود که محصول آنرا اگر بخواهد بفروشد یا بخارجه حمل نماید»
«وهمچنین مجاز خواهد بود اراضی که بتوسط صاحب امتیاز دایر شده است اجاره بدهد»
«ولی برعیت ایران ودیگر چاکر خانه‌زاد متعهد است که حق عبور ازدواب ومکاری»
«ومسافر دریافت نکنند مگر در سر پلها که مخصوص ساخته شده است وقرار آن»
«را باید قبل از وقت با اولیای دولت بدهد.
«فصل دوم - برای ساختن ابنیه مفصله فوق درعرض راه اراضی که متعلق بدولت»
«باشد باید بقدر لزوم مجانا مرحمت شود واگر متعلق بمردم است چاکرخانه‌زاد یا»
«اجاره خواهد کرد یاخریداری خواهد نمود.
«فصل سوم - راه ابنیه در هرقریه که ساخته خواهد شد آلات وادوات و اراضی»
«ابتاعی در تحت حمایت اولیای دولت خواهد بود و محض ازدیاد تجارت و امنیت»
«مال التجاره وسیاح درعرض راه چاکر خانه‌زاد حق آنرا خواهد داشت که اولیای»
«دولت حمایت کامل فرموده بحکام وضباط ولایات عرض راه که خط راه عبور میکنند»
«احکام موکد صادر فرمایند که از اجزاء واعضای راه حمایت نموده وحفظ وحراست»
«کنند تاتعهدات چاکر بموقع اجری برسد واگر درضمن این حفظ وحراست گاهی»
«احتیاطا محتاج بقوه عسکریه بشود دریغ نکنند وبهیچگونه عذری متعذر نشوند.
«فصل چهارم - چاکر دولتخواه برای اجرای این مقصود مجاز خواهد بود که»
«ازخارجه ازسرمایه‌داران خارجه کمك بخواهد ومهندسین وعملجات خارجه اجیر نماید تا»
«بعون‌الله این خدمت بزرك انجام پذیر شود.

« فصل پنجم ـ اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی حق مخصوص بچاکر میدهند که »
«ساختن راه ابنیه ازقبیل پلها ومنزلگاهها وقنات ومجاری آب و آلات حمل و نقل »
« رامحض اطمینان سرمایه‌داران داخله وخارجه که پولشان بمصرف کلیه راه میرسد»
« بضمانت بدهد واین امتیاز درمدت شصت سال ازچاکر گرفته نخواهد شدمادامیکه»
« تمام پول که بمصرف اینکار رسیده است بسرمایه‌داران رسیده باشد ویاکارهای »
« این راه باتمام نرسیده باشد واتمام این کار باید در دو سال ونیم بعداز »
«شروع باشد .
«فصل ششم ـ ششماه بعد از صدور فرمان بایدشروع بکارشود والا این امتیاز نامه»
« از درجه اعتبار ساقط است .
«فصل هفتم ـ یکسال بعداز دایر شدن اداره حمل ونقل مال التجاره و مسافرین در»
« آخر هرسال از منافع حاصله این اداره چاکرخانه‌زاد ده‌دو بخزانه دولت تقدیم »
«خواهد کرد واولیای دولت بهیچ اسم ورسم مالیات وراهداری وصادر وعارض از»
« اراضی مزروع وغیر مزروع ومستغلات ومتعلقات باین اداره مطالبه نفرموده کلیه»
«را معاف خواهند فرمود ونیز ادواتی که‌از هرقبیل برای این راه لازم باشداز دادن»
« گمرك معاف خواهد بود و مباشرین گمرکخانه حق تجسس دربارها خواهند »
« داشت که معلوم شود مال متفرقه داخل آن نباشد .
«فصل هشتم ـ خانه‌زادمتعهداست که حمل ونقل پست دولتی رادر خط این راه بنصف»
« نرخ برد ونیزاین چاکر دولتخواه متعهداست که درحمل ونقل مال التجاره‌ها یاکرایه»
«تقدم و تأخر باشخاص ندهد و باملاحظه رعایتی نموده اشخاص رابدیگری اختصاص»
« و ترجیح بدهد و با تمام مردم در این مسئله بمساوات حرکت خواهد نمود که »
« اسباب رنجش احدی نشود .
« فصل نهم ـ چاکر خانه‌زاد برای انجام این مقصدمنتهی سی نفر عمله واجزاء خارجیه»
« لازم خواهد داشت و آنها در تحت قانون و آداب دولت علیه ایران »
« خواهند بود .
«فصل دهم ـ برای تحصیل ده‌دو منافع معروضه اولیای دولت علیه حق خواهندداشت»
« که‌هر ششماه بواسطه‌مامور مخصوص دفاتر کسان چاکر راملاحظه ورسیدگی نمایند این»
« مامور باید دائمادرآنجاباشد .
«فصل یازدهم ـ محض اطمینان خاطر اولیای دولت که این راه مسلما باتمام خواهد»
«رسیدچاکرخانه‌زاد مبلغ ده هزار لیره انگلیسی در بانك شاهنشاهی برده بطور »
« ضمانت خواهد گذاشت و قبض بانك را تسلیم اولیای دولت خواهد کرد و اینوجه»
«ضامن اتمام راه درمدت سه سال ابتداء ازتاریخ صدور فرمان خواهد بود واین»
«مبلغ وجه‌ضمانت که ده هزارلیره انگلیسی است بچاکر خانه زادرد نخواهد شده‌مگر»
«وقتیکه یك خمس ازراه ساخته شدیك خمس از آن وجه مسترد گردد باین ترتیب»
« که هریك خمس ازراه که ساخته‌شد یك خمس آن مسترد گردد و قس علیهذا».

«اگر در مدت سه سال راه تمام نشد هر قدر از وجه ضمانت که باقی است حق»
«دولت خواهد بود.
«فصل دوازدهم - در آخر شصت سال که مدت امتیاز نامه از تاریخ صدور فرمان است»
«درصورتیکه این امتیاز نامه تجدید شود تمام آلات وادوات ومستغلات غیر منقول»
«مال دولت ومنقول را درصورت لزوم خریداری خواهند فرمودانشاءاله تعالی در»
«سایه عدالت پیرایه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه بموجب شرایط دوازده»
«گانه این خدمت را انجام خواهد نمودفی ۷ ربیع الثانی سنه ۱۳۰۸ محل مهر»
«یحیی خان مشیر الدوله.

انتقال امتیاز نامه به بانك شاهنشاهی وسپس بکمپانی لینچ

ازابتدا این امتیاز نامه‌را به یحیی خان مشیر الدوله (۱) دادند که او به انگلیسها واگذار نماید زیرا بواسطه مخالفت روسها نمیخواستند دولت ایران مستقیما این عمل را کرده باشد چنانکه در مورد رودکارون هم دیدیم بااینکه افتتاح آن رود برای انگلیس‌ها بود معهذا عنوان «کلیه ملل» را روی آن نهادند.

یحیی خان مشیر الدوله در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۰۷ هجری قمری یعنی همانسال اعطای امتیاز نامه براهنمائی سفارت انگلیس در تهران وباجازه دولت ایران امتیاز نامه‌را بیك عده ازسرمایه داران انگلیسی میفروشد وامین السلطان صدر اعظم برای تأئیداین امر تحت عنوان «فصل الحاق بر امتیاز راه شوسه عربستان» شرح ذیل راباامضای ناصرالدین شاه بسفارت انگلیس میدهد.

«نظر باینکه جناب اشرف مشیر الدوله بتصدیق دولت علیه تمام حقوق خود را»

---

۱ - یحیی خان مشیر الدوله برادر کوچکتر میرزا حسین خان سپهسالار متولد بسال ۱۲۴۳ هجری قمری درقزوین است.

یحیی خان پس از تحصیلات ابتدائی بابرادرش میرزاحسین خان باروپا رفت و وقتی بتهران بازگشت وارد مشاغل درباری شد و چون زبان فرانسه راخوب می دانست ناصرالدینشاه او را بالقب معتمدالملك بسمت آجودان مخصوص خودانتخاب نمود.

یحیی خان مانندبرادرش مردی زیرك وباهوش وکاردان بود - دکترفوریه پزشك مخصوص ناصرالدینشاه علت ترقی اورا در یادداشت های خود اینطور شرح میدهد

«در سال ۱۲۷۵ موقعی که اردوی شاه در منزل حوض سلطان بود ویحیی خان درجلو چادر پادشاه قراول می‌داد ودستور داشت که احدی‌را نگذارد بچادر داخل شود حاجی مبارك خواجه‌سرا خواست بزور بداخل چادر سلطنتی قدم گذارد ویحیی خان مانع شد • حاجی مبارك قمه‌خود راکشید وچنان ضربتی به‌صورت یحیی خان زدکه بینی‌او را شکافت. شاه از این سروصدا ازچادر بیرون جست وچون برجریان قضیه اطلاع یافت امردادتافی المجلس گردن حاجی مبارك‌رازدند وتمام دارائی اورا به‌یحیی خان بخشید. بعداز چندی ناصر الدینشاه خواهر تنی‌خود را به یحیی خان بزوجیت داد واو مشاغل‌عمده ازقبیل حکومت‌های مهم‌واگذاشت واو را بالطاف جزیل سرافرازساخت.»

یحیی خان معتمدالملك بعداز فوت سپهسالار در سال ۱۲۹۹ ملقب بمشیرالدوله شد.

مشاغل عمده یحیی خان عبارت وداز مدیر مشورتخانه شاهی - وزیر مخصوص وسر کشیکچی باشی اردو - والی فارس - والی مازندران - وزیر امورخارجه ووزیر عدلیه وتجارت.

یحیی خان درماه جمادی الثانی سال ۱۳۰۹ هجری قمری هنگامی که درطهران مرض انفلوانزاشیوع یافته بود باین مرض در گذشت و جنازه او را بمشهد بردند و در کنار قبر برادرش سپهسالار بخاك سپردند.

«از این امتیاز بیك جماعت بین المللی واگذار نموده و جماعت مذکور درمدت شصت سال»
«مالك وصاحب خالص حقوق مزبوره ومسئول تکالیف معینه این امتیاز میباشند ودولت»
«علیه قبون شرایطی رامینماید که برحسب آنها جماعت مذکوره خودرا بجای صاحب امتیاز»
«گذاشته است هرگاه کمپانی راهی بسازند که بالفعل دائر ومحل عبور قوافل است وجهی»
«برای راه بدولت علیه نخواهد داد ولی هرجا نظر به بدی راه معمول کمپانی صلاح»
«بداند جزئی انحرافی در یك قسمت خط کل بدهد اگر آن خط جدید از املاك»
«حاصل خیز دولت علیه یا اشخاص دیگر بگذرد کمپانی باید قیمت آن املاك را بنرخ»
«عادله بصاحبانش بدهد واگر آن املاك لم یزرع وغیر حاصل خیز ومتعلق بدیوان»
«اعلی باشد مجانا بکمپانی واگذار خواهد شد ونیز حق مانع لغیر نقل اشخاص ومال»
«التجاره بواسطه عرابه وکالسکه وهمچنین وضع حمل دیگر در این راه بجماعت مذکوره»
«مرحمت میگردد اما درباب رسوم باج به پیاده روان ومال حمل درسر پلهائیکه»
«دولت علیه اجازه بدهد کمپانی باج بگیرد درمدت ششماه بعد از تصدیق این»
«فصل الحاقی باید بین دولت وجماعت مذکوره تعیین وبرقرار گردد غره ذی القعده»
«پارس ئیل ۱۳۰۷
«محل صحه مبارك همایونی
«فصل الحاقی امتیاز راه شوسه عربستان که بتوشیح دستخط همایون اقدس اعلی»
«شاهنشاهی است زیارت وثبت شد صحیح است شهر ذی قعده الحرام ۱۳۰۷
محل مهر (امین السلطان)

سرمایه‌داران مزبور شرکتی باسم «کمپانی راه شوسه» تشکیل میدهند ولی چندی بعد صلاح دیده میشود که امتیازنامه ببانك شاهنشاهی واگذار گردد وشخصی بنام (آلفردلمر) بنمایندگی کمپانی راه شوسه امتیازنامه را ببانك شاهنشاهی میفروشد و بالاخره بانك شاهنشاهی نیز درسال ۱۹۰۲ امتیازنامه‌را بکمپانی انگلیسی «لینچ وبرادران» منتقل میکند

چنانکه در امتیازنامه دیده میشود میبایست پس از ششماه از تاریخ امتیازنامه (۷ ربیع الثانی ۳۰۷) عملیات راهسازی شروع شده وپس ازدو سال ونیم تمام گردد ولی هیچگاه این امر جامه عمل نپوشید و تاسال ۱۳۴٤ هجری قمری کمپانی لینچ بعناوین مختلف این مدت‌را مکرر تمدید میکرد وبه بهانه‌های متعدد از قبیل عدم مساعدت دولت ایران وضع غیر عادی مملکت وحوادث غیر مترقبه متوسل میشد تاسر انجام در ۱۱ عقرب ۱۳۰۰ شمسی) دوم ربیع الاول ۱۳٤۰ هجری قمری) اعلانی ازطرف دولت ایران منتشر شد که چون کمپانی لینچ رعایت مواد وشرایط امتیازنامه‌را ننموده وباتمام حجت دولت ایران در این باب ترتیب اثر نداده دولت امتیازنامه مزبوررا لغو مینماید.

✡ ✡ ✡

کمپانی انگلیسی لینچ سابق الذکر که سالها باسم تجارت جنوب کشور مارا میدان تاخت وتاز خود قرار داده بود وبعناوین مختلف دردستگاههای دولتی دخالت و

اعمال نفوذ میکرد امتیازات دیگری مثل امتیاز ساختن ونگاهداری راه ازاهواز باصفهان وازشوشتر باصفهان را هم دراختیار داشت.

این امتیاز ابتدا درتاریخ بیستم ماه‌ذی‌القعده ۱۳۱٤ هجری قمری بموجب قراردادی درهشت فصل برای مدت شصت سال به «اسفندیارخان سردار اسعد و محمد حسین خان سپهسالار وحاجی علیقلیخان» داده میشود

بموجب فصل سوم صاحبان امتیاز حق دارند برای رفتن وبرگشتن ازهرشتر بابار ۱۵ قران وبی بار ۲ قران و قاطر بابار ۱۲ قران وبی بار ۲ قران والاغ بابار ٦ قران و بی بار ۱ قران باج دریافت‌دارند:

طایفه بختیاری از پرداخت این باج معاف بودند.

این‌راهها بایددرمدت سه‌سال ونیم بعد ازامضاء امتیازنامه ساخته شودوامنیت تمام راه بعهده صاحبان امتیاز خواهد بود واسباب وملزومات ساختن‌راه بدون دادن گمرك وراهداری وارد خاك ایران خواهد شد.

این امتیازنامه‌گذشته از امضاء صاحبان امتیاز، امضاء ومهر «حاج میرزامحسن خان‌مشیرالدوله وزیر امور خارجه» و« امین‌السلطان صدر اعظم» وامضاء ومهر وزیر مختار دولت انگلیس را هم داشت

تقریبا یك سال بعد از امضاء امتیاز نامه فوق در تاریخ دهـم ماه شوال ۱۳۱۵ (۳ مارس۱۸۹۸) قراردادی بین کمپانی لینچ ازیك طرف واسفندیار خان سردار اسعدو محمد حسین‌خان سپهسالار وحاجی علی قلی خان ازطرف دیگر درده فصل منعقد میشود.

بموجب این قرار داد کمپانی لینچ متعهد میگرددکه پولی از قرار صد شش در سال بمدت بیست و پنج سال به صاحبان امتیاز قرض بدهد و صاحبان امتیاز باقساط هر سالی یك هزار وصد تومان بابت اصل وفرع از آخر سال سوم تاریخ امضاء قرارنامه آنرا بپردازند.

تهیه نقشه راه وانجام کلیه‌عملیات ساختمانی راهها وکار وانسراها توسط کمپانی لینچ وبرادران خواهد بود.

صاحبان امتیاز متعهد میشوندکه درمیزان‌مبلغ باج بدون موافقت سفارت‌انگلیس تغییر وتبدیلی ندهند.

این‌قراردا گذشته‌ازامضاء طرفین بمهروامضاءوزیر مختار انگلیس نیزرسیده بود



گذشته از امتیازاتی که دراین بخش شرح‌داده شده انگلیس‌ها امتیازات دیگری نیز درایران تحصیل نموده‌اندکه برای‌جلوگیری‌ازتطویل‌وهم ازآنجهت که‌چون زیاداهمیت نداشته ویابمرحله اجراء درنیامده‌اند ازشرح آنها صرفنظر گردید مثل امتیاز انحصار تریاك - امتیاز انحصار پرورش کرم ابریشم - امتیاز انحصار صید مروارید - امتیاز تهیه اسفنج - امتیاز ایجاد مجاری آب وبرگرداندن مسیر رودخانه‌ها وبستن سد وغیره.

بخش سوم



روابط ایران و روسیه تزاری

و

امتیازاتیکه روسها در ایران تحصیل کرده‌اند

مقارن افول ستاره قدرت وعظمت سلسله صفویه درایران ، درروسیه مردساحشور و باکفایتی بنام پطر کبیر ظهور کرد که تسخیر ایران و رسیدن بخلیج فارس جزئی از نقشه جهانگیرانه او بود .

وصیت نامه‌ایست منسوب به پطر کبیر که درفصل نهم آن بجانشینان خود در باره ایران اینطور دستور میدهد .

«دولت روسیه راوقتی میتوان درحقیقت دولت نامید که پایتخت خودرا شهر استانبول»
«که کلید کنوز آسیا و اروپاست قرار بدهد بنابراین باید حتی الامکان کوشید که»
«باین شهر وحوالی آن دسترسی پیدا کرد تامالك تمام دنیا شد .

«برای انجام این امر و رسیدن باین مقصود بایستی میان ایران وعثمانی اختلاف»
«انداخت تاهمیشه بین آنها جنك وجدال برقرار باشد ـ اگر چه اختلاف مذهب و تباین»
«عقاید که جماعت شیعه بااهل سنت دارندکار هزارلشکر وتاثیر هرتیر وتیغی رامیکند»
«وبرای اجرای مقصود ما یعنی تسلط واقتدار روسیه درممالك آسیا بهترین وسیله»
«میباشد معهذا برشما لازم است کـه همواره بهرترتیبی هست شعله این اختلاف و»
«نقاررادرمیان دامن زنید وخصومت وعداوت آنهارا باهمدیگر زیاد کنید ونگذارید»
«بمقام الفت وموانست برآیند .

«چیزی که بیشتر ازهمه مرا خوشحال میکند دو موضوع است یکی تباین مذهب»
«میان شیعه وسنی دیگر مداخله وتسلط علمای دین درامور مسلمین و عدم تجویز»
«آنها مردم مسلمان‌را ازمخالطه بااهل اروپا که تاچشم وگوش آنها باز شده راه»
«ازچاه باز شناسند وهمین موضوع کفایت میکند که بزودی نام اسلام ازممالك آسیا»
«برطرف شود ومدنیت وتربیت دین عیسوی بدست سلاطین دولت جوان روسیه»
«جای آنرابگیرد .

«مدتها بود که این‌رویه یعنی دخالت علمای‌دینی در کلیه امور،ما مردم روسیه‌را در»
«پست ترین مراحل نگاهداشته ومانع‌ازترقی و ظهور قدرت واستعلای آن میشد و»

«من باهزار زحمت این خار کثیر المضرت‌را ازراه‌ترقی ملت برداشتم ودست مداخله»
« آنهارا ازامور دولت کوتاه و بصوم وصلوة متقاعد نمودم .

«علاوه براین باید تدابیر گوناگون بکاربرد که مملکت‌ایران‌روز بروز بی‌پول‌تر»
«شود وتجارتش تنزل کند وبطور کلی همیشه باید درفکر تنزل این مملکت بود وچنان»
«بایداورا درحال احتضار نگاهداشت که‌دولت روس هروقت بخواهد بتواند بدون»
« زحمت قادر برهلاك وخفه کردن او باشد وباندك فشاری کار اورا بآخر رساندلکن»
« مصلحت نیست که قبل‌ازفوت کامل ومرگ‌حتمی دولت عثمانی از جسد ایران بالمره»
«قبض روح نمود .

« ممالك گرجستان وولایات قفقاز شریان حیاتی ایران است و همینکه نوك‌نیش »
« تسلط روسیه بر آن خلید فی‌الفور خون‌ضعف‌ازرك ودل ایران‌فوران خواهد کردو»
« چنان او را از حال خواهد برد که بطبابت هزار افلاطون اصلاح طبیعت او »
« ممکن نشود .

« آنوقت سلاطین روسیه‌تا اطفاء شعله‌آخری‌مملکت عثمانی‌راما نند شتری مهار»
«شده دردست خواهند داشت که هنگام ضرورت بارکش مایحتاج وبعداز اتمام‌عمل»
« بدون اشکال‌نحروذبح نمایند .

« برشمالازم است که بدون فوت وقت ممالك گرجستان وقفقازرا تسخیر نموده‌و»
« فرمانفرمای ایران‌را خادم ونوکرمطیع‌خود سازیدو بعداز آن‌باید قصد هندوستان»
« کرد چونکه آنممالك بسیار بزرك ومحل‌وسیعی برای‌تجارت است وهر گاه در»
« آنجا تسلط پیدا کردید هرقدر پول که بوساطت انگلستان بدست‌می آید بیشترا »
«آنرا اصالة ازهندوستان میتوان تحصیل کرد ـ کلید هندوستان‌سمت ترکستان است»
« هرقدر میتوانید از جانب‌صحاری قرقیزو خیوق وبخارا پیش بروید تاشاهدمقصود»
« رادر آغوش کشید ولی تامل وتانی را از دست‌نبایدداد واز عجله وشتاب احتیاط»
« واجتناب باید نمود .»

پطر کبیر بمنظور انجام‌نقشه‌های خود وبرای آنکه‌راه‌تجارت مستقیمی باهندوستان داشته باشد درسال ۱۱۲۹ هجری قمری بادولت ایران یك‌عهدنامه تجارتی منعقدنمودولی بواسطه ظهور نادرشاه کاری‌از پیش نبرد و جانشینان اومخصوصا کاترین دوم باآنکه کوششهای زیادی برای اجراء وصیت‌نامه پطر کبیر ودسترسی بخلیج فارس بعمل آوردند معهذا نتیجه‌ای نگرفتند .

بعداز آنکه پل اول امپراطور روسیه که بواسطه اتحادبا ناپلئون وطرفداری از فرانسویها بتحریك انگلیسها درسال ۱۸۰۱ میلادی بقتل‌میرسد والکساندراول امپراطورروسیه میشود دولت‌روس ازضعف‌وبی اطلاعی حکومت فتحعلیشاه استفاده کرده جدا بمنظور اجرای دستور پطر کبیر مشغول اقدام شده وبرای‌تسخیر قفقاز دراواخر سال ۱۲۱۸ هجری قمری (۱۸۰۳ میلادی) سیسیانف سردار روس درنواحی گرجستان بتعرض‌میپردازد ودوره اول جنك‌های ایران وروس شروع میگردد .

مدت این جنك قریب ده‌سال بطول انجامید و در تاریخ ۲۹ شوال سال ۱۲۲۸ هجری قمری باانعقاد معاهده گلستان پایان یافت :

در نتیجه این جنك دولت ایران گذشته از تلفات جانی ومالی بسیار ولایات داغستان- قوبا- شیروان- شماخی- باکو- سالیان-طوالش - قره باغ-شوشه - گنجه - گرجستان را ازدست میدهد وازسرپرستی ایمرسی - غوری- مینگرلی (در ساحل دریای سیاه) ابخاز - شوراگلی- کاختی وغیره محروم میشود .

صلح بین ایران وروس چندان بطول نینجامید و بعنوان اختلاف مرزی مجددا در سال ۱۲۴۱ هجری قمری (۱۸۲۵ میلادی) آتش جنك بین دولتین شعله ورمیگردد وسرانجام بعداز بیست ماه جنگهای سخت میان طرفین باوساطت و دخالت مامورین سیاسی انگلستان عهدنامه ننگین واسارت آمیز ترکمانچای رادر تاریخ پنجم ماه شعبان ۱۲۴۳ هجری قمری با ایران تحمیل میکنند وباین ترتیب دوره دوم جنك‌های ایران وروس نیزخاتمه میپذیرد .

ایران بعداز این معاهده ایروان و نخجوان و بقیه اراضی ماورای رود ارس را هم ازدست داد .

عهدنامه ترکمانچای وضمائم آن چون زنجیر گرانی بود که برای مدت تقریبا یك قرن بدست وپای ملت ایران افکنده شد وتزاران روس او را تا سرحدمرك کشانیدند .

سیاست تزاران روسیه دراین مدت همان‌طور که پطرکبیر گفته بود برانگیختن وسائل گوناگون بمنظور توسعه نفوذروسیه‌در کشور ماوبنده وبرده‌ساختن ملت ایران بود وسیاست تخریب واختناق ایران توسط عمال تزاری روز بروز شدیدتر میشد و بطوریکه خواهیم دید از اواخر قرن نوزدهم تا انقلاب کبیر اکتبر سال ۱۹۱۷ استقلال ایران اسمی بی مسمی بود .

علاوه برسرزمینهائی راکه ایران ازدست‌داد بموجب عهدنامه‌ترکمانچای‌دولت‌ایران مبلغ‌ده کرور تومان‌رایج یابیست‌میلیون مناط‌بابت‌خسارات جنك بدولت روس پرداخت واز داشتن کشتی جنگی دربحر خزر ممنوع‌شد وبرطبق معاهده تجارتی ضمیمه‌عهد نامه مزبور حقوق ومزایای بیشماری برای‌تجار تبعه‌روس‌در ایران‌شناختند وبمامورین‌سیاسی‌و کنسولی روس حق کاپیتولاسیون داده‌شد باین‌معنی که هرگاه «مابین‌اتباع‌روس قتل‌وجنایتی بوقوع رسد رسیدگی ومحاکمه آن راجع» به« وزیرمختار وشارژدافر وقونسول » روس‌خواهد بودوهمچنین«اتباع‌ایران که جزء من‌تبع وزیر مختار وشارژدافر یاقونسول بوده وبجهت خدمت مشارالیهم لازمند مادامیکه درنزد ایشان هستندمانند‌اتباع روس وبالسویه‌ازحمایت آنها بهره‌مند خواهند بود .»

بعداز عهدنامه ترکمانچای استقلال ایران تقریبا ازبین‌رفت و بصورت کشور تحت‌الحمایه روس در آمد و این حال تا انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ یعنی مدت نود سال ادامه داشت .

در این نودسال تزاران روس گاهی باکمك پول وبیشتر بازور وتهدید هرروز بر نفوذ خوددر ایران میافزودند وباگرفتن امتیازات مختلف‌ودادن وامهای سنگین که شرح

هریك خواهد آمد استقلال سیاسی واقتصادی ایران را از بین بردند و بازنجیر و بندهای محکم دست و پای ملت ایران را چنان بستند که اگر نسیم آزادی بخش انقلاب کبیر اکتبر آن رشته ها را نمی گسیخت خدا میداند که سر نوشت کشور ما امروز چگونه بود .

نماینده تزار روس در ایران در حکم نایب السلطنه انگلیس در هندوستان بود و بقول اورسل Orsolle فرانسوی در کتاب خود بنام «قفقازیه و ایران»

«پادشاه حقیقی ایران آن شاهی نیست که در ارك تهران زندگی میکند بلکه آن مرد سیاستمداری است که در حوالی ارك نزدیك بازار منزل دارد یعنی وزیر مختار روس»

مامورین روسیه در این کشور دارای قدرت و اختیارات زیادی بودند ودر کلیه شئون مختلف مملکت ما دخالتهای ناروائی میکردند و کسی را هم یارای مقاومت در مقابل آنان نبود ومخصوصا بموجب صورت مجلس پذیرائی مامورین سیاسی مورخ دهم فوریه ۱۸۲۸ منضم بعهدنامه ترکمانچای برای نمایندگان سیاسی روس احترامات و تشریفاتی قائل شدند تاهمیشه بواسطه اهمیت و «جلال وجبروت» آنان رعب وهراسی در دل ایرانیان باقی بماند .

بعداز آنکه در سال ۱۲۹۷ هجری قمری بااجازه ناصرالدین شاه بریگاد قزاق تحت نظر افسران روسی تشکیل یافت مامورین سیاسی و کنسولی روس بعنوان حفاظت از سفارت خانه و کنسولخانه‌های روس در نقاط مختلف ایران عده زیادی قزاق استخدام میکردند وتشکیلات ودستگاههای عریض وطویلی برای خود فراهم میساختند وهنگام گردش وسواری باجلال وشکوهی هرچه تمامتر حرکت مینمودند چنانکه کنسول روس در رشت موقعی که در خیابانهای شهر بگردش میپرداخت دوازده نفر قزاق درجلو وعقب او حرکت میکردند و کنسول دیگر روس در تبریز که «دبدبه» وشوکتش بیشتر بود علاوه براجزاء وعمله صد نفر قزاق هم تحت اختیار خود داشت که در حقیقت قوه اجرائیه او بشمار میرفتند .

سفارتخانه و کنسولگری‌های روسیه سالها مأمن و پناهگاه اشرار ودزدان وخائنین بوطن بود و غالبا اشخاص مزدور وجیره خوار سفارت روس میتوانستند مرتکب هرخیانت وجنایتی بشوند وسپس بسفارت یا کنسولگری‌های روسیه پناه برند واز هرمجازاتی مصون بمانند . مامورین تزاری نیز علنا از این اشخاص حمایت میکردند و با تمام قوا از آنها طرفداری مینمودند .

روزنامه حبل المتین درشماره مورخ چهارشنبه ٦ جمادی الاخری سال ۱۳۲۵ هجری قمری مقاله‌ای تحت عنوان «خاك برسر ما» نوشته و بد نیست برای نمونه از دخالت‌های ناروای دولت تزاری خلاصه‌ای از آن در اینجا آورده شود .

نویسنده مقاله پس از شرح شکوه آمیزی بعنوان اعتراض و گله از دولت همسایه مینویسد .

« تمام قوانین دنیا ببانك بلندفریاد میزنند که سفیر و کنسول و وزیر مختار بیگانه نمی تواند در امور داخلی یك مملکت مداخله کند وسفارتخانه خودرا پناهگاه دزدانی شرور قرار دهد ومقصر عدلیه را حمایت کند حاجی ملك التجار را که تقصیرش ثابت شده گناهش آشکار است وزارت عدلیه چندنفر مامور بشمیران فرستاد که اورا مغلولا بشهر بیاورند در نزدیکی زرگنده سفیر روس خبرشده باجزاءخود حکم میکند که با اسلحه جلوگیری

کرده بهرشکل باشد بردن اورا بشهر مانع گردند هرقدر مامورین عدلیه بزبان اندرز و بیان نصیحت والتماس و چاکری وهمه چیز عرض میکنند اینکار خلاف است آنها که از باده غرور سرمست بوده گوش نداده ملك را گرفته بسفارت میبرند .

مامورین عدلیه بامید اینکه شاید سفیر از این حرکات وحشیانه مسبوق نیست واگر آگاه شود کسان خود را ملامت کرده ملك را بدانان تسلیم خواهند کرد بسفارت رفته عجز و لابه مینمایند ولی جواب یأس می شنوند وناچار بادست تهی بشهر می آیند .»

قبلا گفتیم که در این مدت سیاست تزاران روس سیاست تخریب واختناق ایران بود و بعناوین مختلف از هرگونه پیشرفت وترقی ملت ایران جلوگیری میکردند .

مامورین روسیه تزاری امتیازات زیادی برای کشیدن راه آهن - ایجاد راههای شوسه - استخراج معادن وساختن کارخانه وغیره درایران بدست آوردند ودراین موارد همیشه دولت تزاری منظور نظامی یااقتصادی وبانظر سیاسی خاصی را داشت و هیچوقت کوچکترین منافع ملت ایران رادر نظر نمیگرفتند .

لرد کرزن انگلیسی در کتاب «ایران ومسئله ایران» مینویسد .

« سیاست تزاری روس چنین اقتضاء کرده که ایران کنونی را یك مستعمره ویران نگاهدارد روسها نه خودشان می گذارند ایران آباد شود نه اجازه می دهند دولت دیگری (اگرچه هرقدر دور وبی طرف هم باشد) در آبادی وعمران آن مداخله کند . روسها باساختن جاده‌ها - راه آهن‌ها - بندرها - استخراج معادن - اصلاح کشاورزی - توسعه بازرگانی وپیشرفت فرهنك وبهداری در ایران جدا مخالفت می کنند .

دربار پطرزبورغ معتقداست که اگرایران آباد واصلاح شود بهانه‌ای برای تصرف و تسخیر این کشور باستانی برای آنها باقی نمی‌ماند .

ایران باید ویران باشد تا امپراطوری روس بدنیای متمدن بگوید برای جلوگیری از سرایت توحش ایرانی‌ها باروپا آن مملکت را مسخر کردم ومردمانش را باصول تمدن جدید آشنا ساختم »

لرد کرزن درجای دیگر کتاب خود مینویسد .

«در این تردیدی نیست که قصد دولت امپراطوری روس تصرف مملکت ایران می‌باشد بنابراین دولت مذکور مانع هرنوع ترقی در ایران است که برای پیشرفت مقصود او ایجاد موانع کندو باتولید زحمت نماید برای همین نیت است که سیاست روس درایران کاملا مواظب اوضاع این مملکت می‌باشد گاهی باتهدید زمانی بانیرنك ودسیسه بعضی اوقات هم باتملق وچاپلوسی ودر مواقع مناسب بارشوه وبذل وبخشش چه سراً وچه علنا بهر تدبیری که باشد مقصود خود را انجام می دهند .»

میرزا محمودخان علاءالملك وزیرمختار ایران درپطرزبورغ گزارشی بشماره ٤۰ مورخ اول ربیع‌الاول سال ۱۳۰٦ هجری قمری بطهران فرستاده وپس از شرحی در باره منظور وهدف دولت تزاری در ایران راجع باشکالتراشی‌ها و برانگیختن وسائلی برای دور نگاهداشتن ملت ایران از تمدن جهان ، میگوید عده‌ای ازتجار وسرمایه داران روسی برای ساختن راه آهن مصمم هستند بتهران بروند ولی دولت روس موانعی ایجاد میکندو ناچار تجار مزبور «..... باعلیحضرت امپراطور عریضه دادند رجوع بوزارت خارجه شد در وزارت خارجه اول به تجار عذرهای چند آوردند تجار بهمه جواب شافی ومسکت دادند آخرالامر صریح وزارت خارجه بآنها گفت که صلاح نیست در ایران راه ساخت باید تحمل کرد وقتش میرسد تملك کرده میسازیم .....»

☆☆☆

ترکمانان مردمی نیمه وحشی بودند که زندگی اکثر آنان از راه غارت قوافل وشرارت تامین میشد واغلب گاه وبیگاه بشهرهای شمالی وشمال شرق ایران حمله میکردند وامنیت راهها را مختل میساختند ومردم بیگناه را باسارت میبردند ودربازارهای مرو وبخارا بمعرض فروش میگذاردند .

وقتی که مامورین ایران تراکمه راتعقیب میکردند آنها با قایقهای بادی بدریای خزر پناه میبردند وبوسط آب میرفتند وچون ایران ازداشتن کشتی جنگی در بحرخزر ممنوع بود ارتش ایران نمیتوانست بترکمانها دست پیدا کند بهمین جهت هنگامی که از روسها یك فروند کشتی برای تنبیه تراکمه خواست روسها ازاین درخواست حسن استقبال نموده وبجای یك کشتی چند کشتی فرستادند و بالاخره برای پایگاههای دریائی بمنظور تنبیه تراکمه عاشوراه وچکشلر وغیره رامتصرف شدند ونیزهرچندی بچندی باسم استحکام سرحدات خود یك قطعه از خاك ایران راتصاحب میکردند وباعتراضات پی در پی دولت ایران ترتیب اثر نمیدادند و به توسعه نفوذ وبسط خاك خود ازطرف شمال وشمال شرقی ایران میکوشیدند تاسرانجام بعداز مذاکرات طولانی با عقد معاهده آخال وخراسان در تاریخ ۲۲ محرم ۱۲۹۹ هجری قمری (۹ دسامبر ۱۸۸۱) حدود طرفین تعیین ودست ایران از نواحی ترکستان کوتاه شد .



رقیب روسها درایران انگلیسها بودند

در بخش دوم گفتیم که درقرن نوزدهم روسیه تزاری و انگلیس دورقیب نیرومندی بودند که درایران بایکدیگر دست وپنجه نرم میکردند واقدامات این دو دولت استعماری صدمات ولطمات زیادی بکشور ما وارد آورد .

منظور عمده روسیه دسترسی بدریای آزاد وهدف انگلیس ممانعت از انجام این مقصود بود . روسیه میخواست خودرا بخلیج فارس برساند تاهندوستان را موردتهدید قرار دهد وانگلیسها میکوشیدند تا این نقشه جامه عمل نپوشد

هروقت انگلیسها امتیازی درایران بدست میآوردند روسها تمام‌هم‌خودرا مصروف آن‌میکردند که یا آن امتیاز رابرهم زنند یا امتیازی مشابه آن برای خود تحصیل نمایند. توسعه نفوذو بسط اقتدار روسیه درایران بیشتر ازهنگام واقعه رژی وتحریم تنباکو بود که ناصرالدین شاه وامین‌السلطان متمایل بسیاست روسها شدند وپس‌از آن در دوره سلطنت مظفرالدین شاه باگرفتن وامهای سنگین و تغییر تعرفه گمرکی این تمایل دولت ایران بحد اعلی رسید .

سرپرسی سایکس در کتاب (تاریخ ایران) مینویسد

«در دوره‌ای که دراین‌فصل از آن بحث‌می‌شود رقابت بین‌انگلستان‌و روسیه از هر موقع دیگر شدیدتر شده است .

هردودولت برای حفظ منافع مورد نظر خود زیرکانه بایکدیگر مبارزه مینمودند و بالنتیجه احتراز از اصطکاك منافع بدون‌تنظیم یك‌موافقت قبلی‌غیرممکن گردیده بود .

ایرانیها بمن می گفتند که واقعه‌رژی ضربه شدیدی به‌حیثیت معنوی انگلستان وارد کرد پس از آن دریافت دوقرضه ازطرف ایران بود که هردوبوسیله روسیه تهیه شده بود ولی ضربه واقعی موضوع تعرفه‌های جدید گمرکی بود .

این ضربات در موقعی واردشد که انگلستان گرفتار جنگهای افریقای جنوبی شده ودر نتیجه قادر باتخاذ یك خط مشی محکم نبود .»

والنتین چیرول انگلیسی در کتاب خود بنام (موضوع خاور میانه یا بعضی مسائل سیاسی دفاع هند) راجع بتوسعه نفوذ روسها در دوره مظفرالدینشاه مینویسد

«قدمهائی که در این مدت روسها در ایران بمرور برداشته اند در نتیجه شاه ودرباریان او کاملا متمایل بروسها شده‌اند .

روسها در بحر خزر و در تمام سرحدات شمالی ایران از تبریز تا مشهد در طرف شرق ایران تسلط نظامی پیدا کرده‌اند .

در پایتخت وایالات بوسیله بریگاد قزاق تنهاقشون منظم ایران هرطور که اراده کنند دخالت مینمایند و حقوق قزاقخانه رانیز تأمین کرده‌اند ومرتب میرسانند شاه سلطنت خودرا مرهون سعی و کوشش جنرال کوزاکوسکی (فرمانده بریگاد قزاق) میداند که بدون داشتن مدعی توانست بتاج وتخت ایران برسد وهمان نیروئی که اورا به سلطنت رسانید همان نیروهم می تواند دست اورا ازسلطنت کوتاه کند .

بریگاد قزاق فقط ازصاحب منصب خود اطاعت میکنند که جیره ومواجب آنها را مرتب پرداخت مینماید.

اعزام قزاق بولایات وایالات بعنوان حفظ حکام این است که برای روسها وسیله تبلیغ باشد وهم برای روسها جاسوسی کنند .

امروز روسها درایران به‌نیروی شمشیر نیروی طلا راهم ضمیمه کرده‌اند شاه جیره‌خوار آنهاست چون شاه درمخارج خیلی افراط میکند وبهرشکل خوش گذرانی وعیاشی عادت کرده است وزراء اوهم نه‌تنها جلوگیری نمی کنند بلکه آنها هم بنفع خودشان باین اسراف و افراط کاری بی ملاحظه کمك مینمایند و خود برای شاه جاکشی میکنند .

البته در این صورت شاه بدولتی متمایل میشود که آن دولت احتیاجات مالی اورا رفع کند وحتی یکبارهم از او سئوال نکند این همه پول درکجا مصرف میشود .

دولت امپراطوری روس باپولهائیکه دراین چند ساله اخیر بدولت ایران قرض داده تمام اختیارات حکومت ایران را بدست آورده است .

بانك استقراضی را که شعبه‌ای از وزارت مالیه روسیه و یك موسسه نیرومندی است در طهران ایجاد کرده‌اند .

دولت امپراطوری روس بدون اینکه مااطلاع پیدا کنیم قرارداد گمرکی جدیدی بنفع تجارت خودباایران منعقد نموده وبرای قرضه‌ای که بایران داده وثیقه معتبری در اختیار خود گرفته است تایکروزی ایران ورشکست بشودوبه آرامی یابوسیله زوراین وثیقه راتصاحب کند .

این وثیقه امروز توسط مستشاران بلژیکی رسمااداره میشود ولی باطنا مثل اینکه دردست خودشان است وبدون تردید در راس آنها وزارت مالیه دولت امپراطوری روس قراردارد .

ملت ایران خطرات آینده کشور خودرا هیچ تمیز نمی دهد دلیل هم این است که آنها سرپرست و رئیس ندارند .

در هرحال ایرانی‌ها امروز درك میکنند که وسائل سابق که بوسیله آنها پس از لبریز شدن کاسه صبر وتحملشان بدانها متوسل شده میتوانستند ازسوء سیاست وحکومت پادشاه یك سلسله جلوگیری کنند اکنون با

داشتن یك پشتیبان نیرومند مانند دولت امپراطوری روس که جدا از آن حمایت میکنند آن وسائل موثر نیست .

از طرف دیگر علائم زیادی آشکار است که بعضی ازآن اشخاصی که از اوضاع فعلی ناراضی هستند انتظار آنروز رادارند که شاه ووزرای او نوبتشان سرآید وروسیه آنهارا برکنار کند وخود زمام امورحکومت مملکت رابدست گیرد . همین‌وضع امروزه در قسمت بختیاری ودر نواحی‌دوردست کشور شاهنشاهی برقراراست وفرامین اوتدرتاً بدون منازعه بمرحله اجراء در می‌آید .

پشتیبان اعمال حکومت طهران که برای مرکزیت ایران فعالیت می کند دست نیرومندروسیه‌است بااین دست ممکن‌است مداراکرد یاکنارآمد ولی نمی توان مقاومت نمود .

ملخص کلام دولت امپراطوری روس نتایج سیاست ماهرانه خود راکه با مطالعه دقیق طرح‌ریزی‌شده‌و با پشت کار وجدیت تعقیب گشته‌وبادست مامورین عالی‌رتبه تعلیم‌یافته که مخصوصا دارای معلومات کامل ازحیث زبان و عادات مردمان آن مملکت هستند اجراءشده برمیدارد .

در اینجا بالطبع این‌سئوال پیش می‌آید - در این‌صورت اگر ایران امروز کاملا در چنگال روسها گرفتاراست پس‌دلیل چیست که آنرا تصاحب نمیکنند جواب این‌سئوال بسیارآسان است برای کسانیکه سیاست دولت روس رادر شرق مطالعه کرده‌اند می‌دانند که روسها یك‌همسایه ضعیف و ورشکست شرقی را بیك کشور ضمیمه شده ترجیح می‌دهند .

دولت روس باین نکته سری آگاهست که حکومت یك مملکت شرقی بدست صاحبان اسمی آنهابهتر اداره می‌شود بشرطی که آن مملکت ضعیف ، فاسد ووظیفه خوارروسیه باشد این‌خود یك‌تدبیری است توام‌باحفظ ظاهر ورعایت معاهدات وقراردادهای موجوده - این‌عمل هیچ مخالفتی هم بااصل حفظ «وضع فعلی» ندارد سایر دول نیز کمترحس‌مخالفت میکنند وخطربین‌المللی‌هم‌خفیف‌تراست.ودراینصورت زر گترین استفاده را خواهد برد با کمترین مسئولیت »

لرد کرزن‌هنگامی که فرمانفرمای هندوستان بود راجع به‌پیشرفت‌نفوذ روسها وعقب رفتن سیاست انگلیس در ایران در تاریخ ماه‌مه ۱۹۰۱ نامه‌ای بعنوان لرد لنزدئون (۱) وزیر امور خارجه انگلستان فرستاده ودرآن چنین مینویسد .

« در ماه سپتامبر ۱۸۹۹ که بشما گزارش دادم آن ایام اوضاع خیلی بد بود و امروز بمراتب بدتر شده است .

در مدت بیست وپنجسال گذشته حیثیت واعتبار ونفوذ دولت انگلیس درایران هیچ وقت‌باین درجه‌پست نشده بود امروز شاه برضدماست چونکه خزانه داری‌دولت انگلیس نظر بخودپسندی وایرادهای بیجا پیشنهادقرضه ایران رارد کرد درصورتیکه شاه مایل‌بود این‌قرض درلندن مورد موافقت واقع‌شود ولی‌مورد قبول قرار نگرفت و گذاشتیم شاه خودرا به‌آغوش روس‌ها بیندازد .

چرا وبچه دلیل‌دولت انگلیس این‌رویه راپیش گرفت من‌تابحال نتوانسته‌ام دلیل‌آنرا بدانم حتی در سال ۱۹۰۰هم که شاه ایران مایل‌بود بلندن‌بیاید برای‌آن‌هم درلندن موانع ایجاد گردید .

صدراعظم ایران امین‌السلطان نیز برضدماست دلیل‌آن‌هم اینستکه در هنگامی که او در تبعید بود مانسبت باو بی‌اعتنائی کردیم و گذاشتیم روسها اورا دومرتبه بصدارت برسانند . حال تمام‌دوستان و طرفداران ما از تهران تبعیدشده‌اند وهریك ازآن‌ها بنام‌حاکم در شهرهای دوردست بسرمی‌برند بانك روس در طهران بسرعت از بانك شاهنشاهی جلوافتاده قونسولگری های روس درتمام‌شهرهای تاسیس شده وبعده نفرات قزاق‌ایران که درتحت فرماندهی صاحبمنصبان روس است زیاد افزوده گردیده و پیشقراولان آنها فعلا باصفهان رسیده‌اند و عنقریب عده‌ای ازآنها رادرشیراز ، محمره وبوشهر خواهیم دید .

---

(۱) Lord Lansdowne

ماپیش خودتصور می کنیم بدولت ایران غدغن کرده‌ایم درجنوب ایران بدون صوابدید ما دست‌بساختن راه آهن نزنند امامهندسین دولت روس درتمام کشور ایران برای طرح ریزی و مساحی راهها درگردش وآمدورفت هستند بدون اینکه کسی متعرض آن بشود یاجلوگیری کند .

عده زیادی ازاتباع دولت انگلیس در جنوب‌ایران متضرر شده‌اند وبمنافع آن‌ها زیان‌وارد گشته است ما نمی‌توانیم دولت ایران راوادار‌یم این ضررها راجبران کند اکنون کشتی‌های تجارتی روس که ازطرف آن‌دولت مساعدت مالی به‌آنها می‌شود راه خودشان را بخلیج فارس باز کرده‌اند .

این تجارت مصنوعی که روسها درخلیج فارس بکار انداخته‌اند دردنبال آن ادعاهای حقوق سیاسی مصنوعی بیشتری ایجاد خواهدنمود . حکومت هندوستان آنچه که می‌توانست دراین‌باب انجام‌داده است ضمنا باید بگویم من‌اطلاع ندارم وزارت امورخارجه انگلستان درباب‌این مسائل چه اقدامی کرده است آنچه که‌من می‌دانم‌هیچ ماهنوز از این مرحله‌دور هستیم که یك‌سیاست مخصوص در این‌مسائل داشته باشیم —

حقیقت مطلب را بگویم در پنجاه‌سال اخیر ماهیچ سیاست صحیح‌نداشته‌ایم حال جسارت کرده‌آنچه را من فکر می کنم بایدانجام شود می گویم ومی‌توان آن‌رادر یك جمله بیان کنم — دولت انگلیس بایدتصمیم‌بگیرد تاکجاها اجازه‌خواهد داد که روسها درجنوب، ایران دست بتجاوز بزنند بدون‌اینکه دولت انگلیس مقاومت کند. لزومی ندارد که‌یك‌خط فرضی‌از وسط ایران ترسیم کند من‌بانهایت جدیت تاکید میکنم که سرفرصت . بطور عاقلانه ازروی‌بصیرت واطلاع باید یك‌سیاست بخصوص برای این‌مسائل اتخاذ کرد تادولت انگلیس در اجرای‌آن بکوشد و حکومت هندوستان از آن پیروی کند دولت ایران آن سیاست راصریح و روشن بداند وبفهمد .

دولت ایران هیچ نوع اطلاعی‌از مقاصدونظریات نهائی ماندارد که چیست چونکه خودماهم نداریم .

امیدوارم شماآنچه راکه من‌باکمال راستی وصداقت نوشته‌ام سوء تعبیر نکنید البته واضح‌است شماتمام این‌ها را در یکروز ممکن نیست چاره سازی کنید من انهایت درجه‌آرزووجدیت ازشماتقاضادارم درزمان تصدی خوددروزارت خارجه که امیدوارم زمان‌طولانی باشد ویقین دارم‌سالها طول‌خواهد کشید مسئله ایران را ازنظر دور نکنید چون من مشاهده‌میکنم که مابیك واقعه‌ای مانند پرت‌آرتوروعقد معاهده‌ای شبیه عهد نامه‌منچوری سوق داده میشویم بطوری که نماینده رسمی دولت انگلیس درتهران برای من‌توضیح داده‌است در تمام مدتی که‌او در طهران‌ماموریت داشته او خودرا مانند یك غریقی تصور می کرده که در یك گردابی گرفتار شده است.»

در سال ۱۳۱۷ هجری قمری که دولت ایران گرفتار مضیقه شدید مالی بود ومظفرالدین شاه برای رفتن باروپا دست‌گدائی بسوی دولتهای روس وانگلیس دراز کرده بود روزنامهای روسیه پیشنهاد میکردند که دولت تزاری باید از موقعیت استفاده نموده وبا دادن پولی بدولت ایران در سواحل خلیج فارس پایگاه جنگی ایجاد کند و چون انگلیس‌ها درآنموقع گرفتار جنك بوئرها در جنوب افریقا بودند و مجالی برای جلوگیری ازنفوذ روسها نداشتند این فکرروز بروز بیشتر قوت‌میگرفت چنانکه روزنامه روسی (برژویاویدومستی سنت پطرز بورغ) (۱) ناشر افکار وزیر امور خارجه روسیه تزاری، در شماره مورخ ۱۲ نوامبر ۱۸۹۹ مینویسد.

« دولت‌روس بایدوقایع فعلی راغنیمت‌شمرده بندرعباس وچهارجزایر مجاورآن بندرراکه عبارت ازهرمز ولارك وقشم‌وهنگام باشدتصرف نمایدوبرای انجام این‌مقصود بایدبندر وجزایرمذکوره رابموعد بیست‌وپنجساله‌مانند پرت‌آرتور که‌یکی ازبنادر چین‌است اجاره کندواز جانب دولت‌ایران برای‌انجام‌این‌مسئله‌هیچگونه اشکالی‌نخواهد بود زیراکه دولت‌ایران اکنون زیادمحتاج پول می‌باشد واگریك مبلغ کلی نقدا داده‌شود یابوجه معینی که سالانه پرداخته شود حصول این‌مقصود آسان خواهدبود اگرازموقع مساعد فعلی استفاده نکنیم انگلیسها بعداز جنك ترانسوال موضوع بنادر خلیج فارس رامطرح خواهند کرد .

---

(1) Birzheviya Viedomosti

تاحال دولت انگلیس مامورین‌سیاسی دربندر عباس‌ولنگه نداشت‌وکارهای خودرا توسط مامورین بومی انجام می‌دادند ولی‌اکنون مذاکره‌ای درمیان است که آنها را بمامورین انگلیسی مبدل‌نمایند.

روزنامه های انگلیسی اظهار می دارند که فرمانفرمای هندوستان باید فورا جزایر هرمز و قشم را تصرف کنند.

بندر عباس وجزایر آنرا بسهولت می‌توان مبدل بقلعه جنگی‌نمود درصورتی که راه‌آهنی‌از دریای خزرتا بندرعباس داشته باشیم که درصورت لزوم قشون‌روس به‌آن‌قلاع حمل‌شود. مخارج راه‌آهن رشت‌تا بندرعباس بیش از هشتادوشش کرور تومان‌نخواهدبودونظر بترقی واهمیت فوق‌العاده تجارتی این‌راه مبلغ مذکور گزاف نیست...»

روسها باوجودتمام کوششی که برای این‌منظور بکاربردند موفق‌بانجام‌آن‌نشدند وانگلیس‌ها بعداز جنگ‌افریقای جنوبی بتحکیم وضع خود در جنوب‌ایران پرداختند و بالفور (۱) نخست وزیرانگلستان درماه‌مه سال ۱۹۰۳ راجع باهمیت خلیج فارس برای بریتانیا اعلامیه‌ای بشرح زیرصادر نمود وتاسیس پایگاه‌دریائی رادر آن‌نواحی بزرگترین تجاوز نسبت بمنافع انگلیس شمرد.

«دولت پادشاهی انگلستان تاسیس پایگاه دریائی رادر سواحل خلیج فارس یک‌اقدام خصمانه و بزرگترین تجاوزی خواهد شناخت که نسبت بمنافع دولت انگلستان شده است و از این تجاوز باتمام وسایل خود که در اختیار دارد جلوگیری خواهد نمود»

ودر پائیز همانسال لردکرزن باجلال وشکوهی هرچه تمامتر بایک کشتی جنگی انگلیسی‌بخلیج فارس مسافرت کرد وبانشان دادن‌قدرت نیروی دریائی انگلستان شیوخ آن‌نقاط رامرعوب ومجذوب نمود.

رقابت انگلستان وروسیه درایران تاسال ۱۹۰۷ بشدیدترین وجهی‌ادامه یافت‌ودر این تاریخ طرفین‌ایران‌را بموجب قراردادی بدومنطقه نفوذ تقسیم کردند و چنانکه می دانیم طولی نکشید که بواسطه جنگ بین‌الملل اول وبعد انقلاب کبیر روسیه این قرار داد و سایر قرار داد های اسارت آمیزی که دولتهای تزاری بایران تحمیل نموده بودند از بین رفت.

در پایان این قسمت نیز مانند بخش‌دوم بی مناسبت نیست که ترجمه دو مقاله از روزنامهای انگلستان وروسیه درآنموقع راجع برقابت این‌دو دولت استعماری‌رابرای‌نمونه ومزید اطلاع خوانندگان نقل نمایم.

چنانکه دراول این کتاب‌توضیح‌داده شد ترجمه‌مقالات‌روزنامهائی که‌در این اوراق نقل میشود ترجمه‌هائی است که نمایندگان ایران‌در ممالک‌اروپا درهمانموقع تهیه کرده‌و بطهران برای‌وزارت امور خارجه فرستاده اند با همان عباراتی که آنها ترجمه نموده‌اند مگر در بعضی موارد که مختصر تغییری در عبارات آن داده‌ام بدون آنکه معنی آن عوض شود.

روزنامه انگلیسی تایمز (TheTIMES) چاپ لندن در شماره مورخ سوم دسامبر ۱۹۰۲ مینویسد.

1- Balfour

«امروز مقاله چهاردهم از مقالات مفیده خبر نگار خودمان راجع بایران در این روزنامه بطبع آمده.

قرائت قسمتی ازاخبارات خبرنگار ماحاکی ازپست شدن مقام ما درایران وفوت فرصت های با قیمتی که محض ضعف خاطرازدست دادیم برای انگلستان وطن‌پرست دولت‌خواه دردناك خواهد بود ازچهل سال قبل بعد که ایران در عالم پلتیك آسیااهمیتی بهمرسانده ازنفوذات مابتدریج کاسته‌شده در غالب نقاط ایران نابود گشته و آنچه بعلت تکاهل و بی‌بصیرتی ماباختیم دیگری در پیروی دائمی بفقرات وصایای پطر کبیر که متجاوز ازصدو پنجاه سال است گفته‌بدست آورده (عین فقرات این‌است) (تعجیل کنید درزوال ایران داخل شوید بخلیج ایران وتجارت قدیم‌بالوات رابرقرار نمائید وبرسید بهندوستان که‌خزینه عالم‌است)

روسها درپیروی این‌وصیت وتحصیل مقصود چقدرساعی‌اندوپیش رفته‌اند وچطور در این اواخربتعجیل پیش میروند ازاخبارات خبرنگار ما مبرهن‌است دیرمعلوم است که بیانات خبرنگار ما(از پیشرفتهای رقیب بزرك ما در نقاطی از ایران که‌ما ازدست دادیم)

از شایبه‌غرض و مرض دور است وقتی باقدامات مفیده صحیحه روس در ایالتی که بتحت قدرت آورده معترف است واز پیش بینی وعزم‌راسخی که روسها درتحصیل این‌مقام بکاربرده‌اند تمجیدات مینماید تمام شمال ایران امروز درقریب چنگال روس است

وحال مناسب‌نمی‌بینند که‌چنگال برطعمه خود فروبرد همین که وقتش رسید طعمه بیچاره وار در پیشش افتاده است سربازخانه‌ها ومعسکرهای‌روس‌در اطراف ایران آماده‌است راه آهن‌هم‌سرتاسر ایران برای حمل عساکر ساخته ودر خودایران هم راه‌مهیا کرده که عساکرش بطرف پایتخت یورش‌برند و مراقبت هم‌بعمل آورده که فقط لشگر ایران که‌قزاق است درتحت صاحب‌منصب روس‌باشد .

روس که در علم‌بنیان کنی وبرانداختن دول‌نیمه تربیت شده کهنه استاد است درتحصیل مقصود فقط بزور اتکال ندارد بل‌در کشیدن قدرت اسیر خود تمهیدات مالی‌وتجارتی وپلتیکی همه‌را بکار میبرد

روسیه چنانکه تمام‌اروپا میدانند بهیچوجه مملکتی متمول نیست باوجود این دلیری کرده متقبل‌قرض دادن بایران شد ومامحض اینکه شنیدیم رهنی که ایران میدهد چندان محل‌اطمینان نیست خو مانراپس کشیدیم وحال روس ثمراقدام خود رامی‌برد وبانك استقراضی روس درایران همان سبك را پیش گرفته که بانك (روس وچین) درپکین دارد .

وزیر مالیه روس‌هم که در امور نهایت سختی را دارد نسبت بایران اظهار سخاوت مینماید وباکی هم ندارد زیرا که در موقع اضطرار لشکرروس پشت اوایستاده‌اند ودراین بین هم وزارت مالیه در تحصیل صرفه و عوض پولهائی که میدهد مراقب است

مظفرالدین‌شاه در اتلاف پولها بهرطوری که میخواهد مورد خوش‌آمد روس‌اند هرقدرلاابالی تر وزودتر پولهارا‌هباوهد رسازند برای روس بهتراست زیرا هرقدر بیشتر قرضشان می دهند بیشتر بدامشان می آرند و — منظورانشارا مجری‌میسازند در مسئله تجارت قرار ملاحظه که‌در حق روسها داده‌شده مختصر نیست در مسئله استقراض‌هم‌ایران‌رااز همه‌دول بریده‌وبخود محتاج کرده حال‌شنیده‌ایم مدت‌عدم‌استقراض ازدول دیگر را الی ۱۹۱۲ امتداد داده ودور نیست در استقراض دیگر مدت رابیشتر نماید وشکی هم‌نیست که بروس که فقط قرض ده‌است توسل خواهند جست‌زیرا که ازقراری که به‌ثبوت رسیده شعف‌زندگی باپول قرض درماده شاه هم همان اثر بی اختیاری وخرابی را دارد که در ماده سلاطین دیگر مشرق که‌تازه بااوضاع عالم تمدن‌آشنا میشوند

عمل‌مالیات راهم شنیده‌ام به‌بلجیکیها می دهند بی شك آنها خودشان را در مسئله مالیه وسیله‌انجام منظورات روس‌خواهند ساخت چنانکه در مسئله گمرکات کرده‌اند ودر جنوب وشمال اسباب خسارت و شکست تجارت انگلیس رافراهم می‌آرند .

قرانتین هم که قایدش قونسول روس است و معاضدش قزاق روس حیله و مکری‌است در راه این مقصود .

نویسندگان روس آشکارا وصول روس را بخلیج‌عبن نیل بمقصود میدانند و درخرابی دولت شاه‌ووصول بجنوب ایران‌عین وصول بمقصودراکه هندباشد می‌بینند درانگلستان هم‌بعضی‌خلیج رابروس هدیه میکنند وبرخی دیگر آلمان را بحمایت آنجادعوت مینمایند ولی‌ما باهیچیك ازاین‌عقایدسهیم و شریك نیستیم عقیده راسخ مااین است که قدرتی راکه در جنوب ایران صدسال‌است تنهاتحصیل کرده‌ایم بهرقسم که باشد بی شراکت غیر باید نگهداری‌نمائیم اقداماتی که در خلیج ایران کرده‌ایم وامنیت وآسایش که درآن صفحات در این مدت فراهم آورده‌ایم حقی بمامی‌دهدکه دخل وتصرف دیگران در آن حق مورث خطر بزرك برای هندوستان و استرالیای ماخواهد بود.

خبرنگار ما مارا تحذیر کرده که حیلی که در شمال ایران‌در بیرون کردن مابکار برده‌اند در جنوب هم بعمل خواهد آمد غیر از اینکه سخت بایستیم و مانع ازپیش آمدن غیر شویم هیچ اقدام دیگری فایده‌مند نیست.

بهرحال ماباید عقیده پولتیکی راکه لردکران بورن سال گذشته درباب خلیج ایران درپارلمنت گفت‌به زبان سخت‌تر وآشکارتر بگوئیم وآن پولتیك را بهمه کسانی که دخیل‌اند آشکارا سازیم اگرچه در اجرای آن محتاج بسوق کشتی‌ها جنگی بشویم.»

روزنامه روسی نویه وریمیا (عصرجدید) چاپ پطرزبورغ درشماره ۹۶۲۷مورخ ۲۱ دسامبر (روسی) ۱۹۰۲ (۳شوال ۱۳۲۰ هجری‌قمری) مینویسد

« خلیج فارس — رای آنکه بیشتر پولتك‌انگلیسها در ایران وخلیج فارس بکسانیکه دراین مسئله مدخلیت دارند توضیح شود روزنامه تیمس میگوید که الازم‌است این پولتیك را بواسطه حرکت سفاین نظامی مستحکم نمود سفاین نظامی باید مدلل کنند که دولت انگلیس ابدا خیال ندارد قدمی از پیشرفت مقاصد خود بکاهد)

اوضاع‌و امور ایران‌بواسطه همجواری قفقاز و آسیای وسطای ما باآن مملکت باعلی درجه‌مد خلیت بروسیه دارد علی الخصوص که روابط تجارتی وپولتیکی ما با این دولت قدیم واقعه در شرق نزدیك وقتی شروع شده‌است که انگلیسها هنوزگرفتار خیالات خود درباب هند بودندو کشتی های جنگی منجارتی انگلیس میتوان گفت درحالت جنین بود.

بی‌فایده نبود اگر روزنامه تیمس قبل ازاینکه ازحرکت کشتی های انگلیس حرف بزند قدری توجه والتفات باهمیت بستگی تاریخی وارتباط و آمیزش قرون میکرد. کشتی‌های روس هم منجمد و میخکوب در یك نقطه نیستند ودرصورت لزوم میتوانند شجاعانه کار خودرا کنند.

جشن بیست و پنجساله عبور قشون روس از کوه‌های بالکان که چندی قبل منعقد گردید و کذلك جشن جنك جنرال سکو بلوف درمرو و کوك تپه که درحدود افغانستان بفاصله کمی ازهند واقع شده میتوانند بخاطر انگلیسها بیاورند حرکت قشون روس را درسخت ترین اوضاع واحوال بطرف هندوستان - حرکت سفاین نظامی ونوای بری در بدو مذاکرات ممکن نیست ولی مقصود روزنامه تیمس که میخواهد بواسطه حرکت سفاین حربی مذاکرات راجعه بامور ایران سهل. آسان نمود البته حاصل میشود درصورتیکه فصول جرايد لندن‌موافق خیالات سیاسیون ووزراء انگلیس باشدما دراین‌مسئله که عقاید روزنامه تیمس موافق خیالات سیاسیون انگلیس است شك داریم زیراکه این تصورات وعقاید مطبوعات خود پسندانه‌انگلیس‌ها درباب خلیج فارس سالم ومنطقی نیست این نوع مطبوعات حتی راضی نمیشوند که دولت انگلیس نظارت خودرا در آبهای جنوب ایران باروسها تقسیم نماید دولت انگلیس در بلوچستان مشغول ساختن راه آهن بی منفعتی است بطرف حدود ایران البته انگلیسها این قدر نابینا نیستند که ندانند عنقریب لازم خواهد شد که این باراه آهن روسیه بتوسط راههای افغانستان ویابواسطه طرق ایران متصل گردد

ازاین قرار زود یادیر روسیه وانگلستان درآسیای وسطی تلاقی خواهندکرد بنا براین چرا در خلیج فارس هم ردیف یکدیگر نه ایستند هرچه بیشتر نقاط تلاقی مابین آنها باشد کمتر خود پسندیهای فوق العاده تیمس درمسائل مهمه مشرق نزدیك که بیشتر بروسیه مدخلیت دارد ظاهر خواهد شد.

بعضی ازروزنامه‌های انگلیس‌را عقیده آن‌است که دولت انگلیس بعضی گذشت‌های خیر خواهانه درخلیج فارس بدولت روس بنماید ولی تنها ازگذشت نمیشود حرف زد بلکه لازم‌است که منافع طرفین مقایسه شود و دایره نفوذ دولتین درآسیای وسطی درقطعاتیکه نباید فقط بانگلیسها اختصاص داشته باشد بامصالحه قسمت شود یااین است که انگلیس مصمم شده است همیشه پیروی دولت آلمان را نموده همه نوع مسائل را بچشم آلمانی نظاره کند . »

این شرح مختصری‌است ازروابط ایران وروسیه در قرن‌نوزدهم ونظریات دولت تزاری دراین کشور وبعداز این بشرح امتیازاتی که‌دولت‌روسیه برای توسعه‌نفوذوپیشرفت مقاصد سیاسی وتجاری خوددر ایران بدست آورده بود میپردازم .

در این بخش ابتدا درباره اجازاتی که درنیمه‌اول قرن‌نوزدهم برای‌ورود کشتی‌های جنگی روس بمرداب انزلی وتاسیس بیمارستان وتجارتخانه در سواحل بحرخزر داده‌شده و در حقیقت باید آنها را یکنوع امتیاز بمعنای مورد نظر آن در این کتاب دانست اشاره میکنم .

این اجازات وفرامین که بدرخواست وپافشاری مامورین تزاری و بواسطه بی اطلاعی رجال‌این کشور ببهانه های مختلف مثل ازدیاد روابط دوستی و نزدیکی دولتین ایران وروس وتسهیل امورتجارت طرفین صادرشده مدتها اسباب زحمت و درد سر دولت ایران را فراهم ساخته بود وبمامورین روسیه فرصت‌بیشتری برای دخالت درامورمملکت ایران میداد .

بعداز آن بتاریخچه اجاره‌داری شیلات توسط اتباع روس و چگونگی جریان روابط یکصدساله ومکاتبات‌مربوطه بآن که بین‌ایران وروس مبادله‌شده اشاره‌خواهم‌نمود وسپس بایجاد قزاقخانه وبعد بشرح امتیازاتی که روسها پس از آزادی کشتیرانی در رود کارون وبهم‌خوردن موازنه سیاسی بین‌روس وانگلیس بدست آوردند میپردازم وراجع به امتیازات تاسیس راه‌آهن که‌بروسها داده شده همانطور که در بخش دوم گفته شد با امتیازاتی که انگلیس‌ها وسایردول درایران تحصیل نموده‌اند دریك بخش جداگانه ودر جلد دوم شرح خواهم داد .

۲

مرداب انزلی و تاسیس

تجارتخانه و بیمارستان در سواحل بحر خزر

دعاوی روسها در نیمه اول قرن نوزدهم

سواحل جنوبی بحرخزر از نقاطی بود که دولت تزاری روسیه سالهای متمادی بدان چشم دوخته و گاه و بیگاه بدانجا دست اندازی میکرد.

چنانکه در اوایل قاجاریه از آقامحمدخان اجازه گرفتند در نزدیکی شهر استراباد «دارالمعامله» (تجارتخانه) بنا کنند ولی بجای «دارالمعامله» قلعه جنگی محکمی ساختند و هیجده ارابه توپ در آنجا نصب کردند و بالاخره آقا محمد خان که متوجه میشود روسها اورا فریب داده‌اند شب هنگام صاحبمنصبان روس را بشام دعوت مینماید و پس از پذیرائی دستورمی‌دهد روسها را زنجیر کرده و باتهدید بقتل از آنها میخواهد که فورا قلعه جنگی راخراب کنند وسپس باهمان‌حال چشم هایشان را بسته و در کرجی‌های مخصوص نشانیده وبدریا رهاشان میسازد.

در دوره فتحعلیشاه پس‌از جنگهای ایران وروس بموجب فصل پنجم عهدنامه ترکمانچای «به تبعه روس درایران اذن‌داده میشود که برای‌سکنی و انبار و مکان برای وضع امتعه تجارت هم‌اجاره نمایند وهم بملکیت تحصیل کنند ومتعلقان دولت ایران بآن خانه‌هاوانبارهاومکانها عنفا وغصبا‌داخل نمیتوانند شد.» ونیز بموجب فصل هشتم دولت ایران ازداشتن کشتی جنگی دردریای خزر محروم‌میگردد وبحرخزر منحصر بکشتی‌های جنگی روس میشود وفقط کشتی‌های آن‌دولت میتوانست آزادانه در این دریا بسیرو گشت مشغول باشند.

بعداز فتحعلیشاه دردوره سلطنت محمدشاه‌روسها برای‌ازدیاد نفوذ خود در سواحل بحرخزر مسائل تازه‌ای بمیان کشیده ودراین زمینه برای‌بدست‌آوردن پایگاههای نظامی بدولت ایران فشار میآورند ازجمله ازدولت ایران‌میخواهند که بروسها اجازه داده‌شود در ساحل استراباد بیمارستانی برای‌نیروی دریائی‌روس ومعالجه‌ملوانان وتجارتخانه‌جهت کارتجار روسی بسازند و نیز بکشتی هـای جنگی روس اجازه داده شود که بمرداب انزلی آمده در آنجا لنگراندازند و همچنین شیلات و صید ماهی دربحرخزر باتباع‌روس باجاره واگذار گردد.

☆☆☆

الف ـ اجازه ورود کشتی‌های جنگی روس بمرداب انزلی

گفتیم بموجب فصل هشتم عهد نامه ترکمانچای دریای خزر منحصر بکشتی های روسیه شد و کلیه کشتیهای آن دولت میتوانست آزادانه در بحر خزر بسیر و گشت بپردازند.

در زمان محمد شاه بعداز آنکه روسها ببهانه تنبیه دزدان‌دریائی و جلوگیری از شرارت ترکمانان جزایر عاشوراده را اشغال و آنرا بیکی از پایگاههای دریائی خود مبدل ساختند در سال ۱۲۶۲ هجری قمری از محمدشاه تقاضا کردند که فرمانی مبنی بر اجازه ورود کشتی های جنگی روسیه بمرداب انزلی و لنگر انداختن در کنار سواحل آن صادر نماید.

محمد شاه و حاجی میرزا آقاسی(۱) ابتدا زیربار این تکلیف نمی رفتند وبروسها

۱ـ حاجی‌میرزاعباس‌مشهوربحاجی میرزاآقاسی ابن میرزا مسلم ایروانی صدر اعظم محمدشاه‌است.
حاجی میرزا آقاسی در جوانی برای تحصیل بعتبات رفت وپس از بازگشت به آذربایجان عباس میرزا نایب‌السلطنه اورا برای‌معلمی فرزند خود محمدمیرزا(محمد شاه) انتخاب نمود.

در مدتی که محمدشاه سمت‌شاگردی حاجی میرزا آقاسی راداشت باقیافه حق‌بجانب و عوامفریبی که این «معلم» زیرك‌داشت توانست شاگرد ساده‌لوح‌را کاملامجذوب ومفتون خود کند و تاپایان عمر رابطه مریدی ومرادی بین این‌دونفر برقرار بودوهروقت عارضه‌ای بمحمدشاه دست میداد ازمراد ومرشد خودیعنی حاجی‌میرزا آقاسی‌میخواست که اورادعاکند وسلامتی‌او را ازخداوند مسئلت‌نماید.

محمدشاه بعداز کشتن‌میرزا ابوالقاسم‌قائم‌مقام‌فراهانی‌حاجی‌میرزاآقاسی رابجای اوبر کرسی‌صدارت مینشاند. درصدرالتواریخ مینویسد.

«در آخرصفر ۱۲۵۱ هجری‌قمری وزارت حاجی‌میرزا آقاسی اعلام‌شدواز سال ۱۲۵۲ شروع بکار صدارت کردو تاربع آخرسال ۱۲۶۴ بوزارت مشغول بود وسیزده سال باینکار پرداخت وبیك‌قاعده چهارده سال باین اعزاز قرین امتیاز بود.»

حاجی میرزا آقاسی همیشه‌مقام خودرا مافوق صدارت‌ووزارت میدانست ورجال دربار ودولت ونمایندگان خارجی در مکاتبات خوداورا« شخص اول‌ایران » میخواندند ومحمدشاه در نامه‌های خویش او را« جناب حاجی» خطاب میکرد.

حاجی میرزا آقاسی که آخوندی خرافاتی وبی‌اطلاع ازامور سیاست بود در دوران صدارت خودمرتکب اشتباهات زیادی‌شد.

بعداز مرك محمدشاه (ششم‌ماه شوال ۱۲۶۴ هجری‌قمری) مدتی از ترس مردم در حضرت عبدالعظیم متحصن شد وچنانکه درصدرالتواریخ مینویسد.

«وزیر مختار روس وانگلیس بحمایت‌او کلمات زیاد گفتند وتهدیدات کردند وآخرجواب صواب‌شنیدند وعاجز ماندند.»

وبالاخره در ذیحجه ۱۲۶۴ هجری‌قمری باواجازه دادند که به عتبات عالیات برود ودر ۱۲ رمضان سال ۱۲۶۵ درآنجا درگذشت.

جواب رد میدادند

کنیازدالکورکی وزیرمختار روس که‌از فعالیت‌های خود نتیجه نمیگیردجریان‌را بپطرز بورغ گزارش میدهد و کنت نسلرود صدراعظم و وزیر امور خارجه روسیه نامه مفصلی بشرح ذیل برای‌حاجی میرزا آقاسی مینویسد .



حاج میرزاآقاسی

« جناب جلالت ونبالت نصابا کفایت وکفالت انتسابا ابهت ، فخامت اکتسابا محبان‌نوازادوستا مشفقامکرما محترما معظما

جناب کنیازدالغا روکی وزیرمختار دولت بهیه‌روسیه مقیم دار الخلافه طهران بدوستدار مکالماتی که با جناب سامی و اعلیحضرت شهریاری داشته در خصوص موانع غیرمتوقع که از جانب دولت علیه‌ایران که کشتی‌های آتشی ما بمرداب انزلیچی داخل نشوند بظهور رسیده معروض داشت عرایض مفصله راکه جناب وزیر مختار مادر این باب نوشته بود بلادرنك دوستدار بخاکپای مبارك اعلیحضرت امپراطور اعظم معروض داشت ومضامین آنها موجب حیرت ملالت انگیز اعلیحضرت‌امپراطوری گردید. ... از حمایت عالی همت که دولت بهیه‌روسیه درمدت چندین ساله بدولت علیه‌ایران نموده است واین‌همه‌دلایل آشکارای دوستی اعلیحضرت امپراطور اعظم نسبت باعلیحضرت پادشاه ایران آیادولت بهیه‌روسیه می‌توانست منتظراین‌باشد که‌از جانب‌دولت‌علیه ایران اینگونه‌رفتار مخالف بروابط دوستی ازقبیل قدغن صریح که کشتی‌های آتشی مابه‌آبهای انزلی‌آمد ورفت نمایند بظهور برسد آن‌جناب استحضار دارند که عهدنامه مبارکه ترکمانچائی بسفاین حربیه و بکشتی‌های‌تجارتی روسیه حق نامحدود وسیرآزادی‌درجمیع آبهای بحرخزر می‌دهد ازین‌حق عام استثنای مخصوص که بمرداب انزلی‌دخل داشته باشد در عهدنامه مذکوره مندرج‌نشده است‌چون اینگونه استثنای مخصوص قرارداده نشده‌بناء علیه‌موافق‌مضمون‌حقیقی عهدنامه مذکوره سفاین روس آشکارا حق‌ثابت دارند که داخل مرداب مذکورشوند مثل‌همه خلیجهای بحرخزر

برهمزدن حقوق خودرا ازهر که بوده‌باشد دولت بهیه روسیه ابدانخواهد گذاشت وهرگز رخصت نخواهد دادودر هیچوقت متحمل نخواهدشد .

بالفرض که‌قانون صریح درباب سیرآزادی کشتیها قرارداده نمی‌شد آنوقت‌هم سیر موافق‌قواعد عام که درمدت چندین صد‌ال شرافت‌پذیرفته‌شده‌است ومتدٔول‌است‌واز جانب‌جمیع‌ملل وطوایف مشهور معروف‌متفق‌الرای مقبول است سفاین‌حربیه نه‌تنها مرخص هستند که بدون ممانعت داخل‌بندرات دول‌متحابه شوند حتی‌محل‌احترام وامتیازات مخصوص‌میشوندوعندالضروره ازجانب کارگذاران مملکت دوست ازهرنوع اعانت وکمك بهره وروممتاز می‌باشند این‌قانون شریف‌بمرتبه قایم‌وقطعی است که استثنای بسیار کم جایز می باشد که مبنی و مقرون بـر قرارداد های مخصوص که دربنباب منعقد می شود و بس مثلا در باب اینکه سفاین حربیه بداردانل و با سفار داخل شوندفیمابین دولت علیه عثمانی ودول‌یوروپ‌ها شرط مخصوص علاحده (کذا) قطعی داده‌شده است سئوال میشود که آیا ضرورمی بودکه در این خصوص قرار علیحده داده شود اگر اختیار تنهای دولت علیه روم میتوانست کافی بوده باشدکه قدغن نمایندکه سفاین حربیه در دربند های دریای درونی متعلق بدولت علیه روم داخل شوند بااستثنای در بندهای مزبور در جمیع سایربندرات دولت علیه‌عثمانی که‌بحکم‌حق‌الناس‌عام‌تعلق‌دارندنه تنها بعضی جداگانه سفاین حربیه بجمیع‌دولتها داخل‌میشوند بلکه‌سفاین متعدده داخل‌می‌شوند قدغن که‌موافق عهدنامه‌ها درباب در بندرهای مرمره دنکیز قرارداده شده است همین تعلق دارد بسفاین بزرك که لی‌نافرقته می گویند ولی کشتی‌های حربی‌کوچك مرخص وماذون هستندکه در دربند های مذکوره آمدورفت نمایند درخود اسلامبول نزد سفارتهای روس وانگلیس وفرانسه همیشه سفاین جنگی که‌باهمه آلات حربیه آراسته‌اند حاضرو موجود می‌باشد درحق کشتی‌های آتشی قدغن دخول بدر بندهای دولت علیه روم‌هرگز مجری نبود. است باین‌طور کشتیهای بخار جنگی فرانسه درمدت چندین سال همیشه آمدورفت میانه اسلامبول وفرانسه می کنند در سال گذشته کشتی بزرك آتشی جنگی روسیه موسوم به سرابیا چهاردفعه در اسلامبول در دردنل وباسفاربیدق خود را زده بودکشتی‌های آتشی روس که باندازه وقوت چهارپنج مرتبه‌زیادتر میباشند ازکشتیهائی که‌از بحرخزر عبور دارند هرده‌روز بااهالی‌کشتی که بسفاین ماکه‌در قره دنکیز می‌باشند تعلق دارند از اودسه باسلامبول آمد و رفت می کنند .

چرا اینگونه واقعه رادر دول خارجه جستجونمائیم باوجود اینکه خوددر دولت علیه‌ایران اتفاق می‌افتد بکل‌عالم معلوم ومشخص‌است که سفاین حربیه دول مختلفه‌در هروقت بدون ممانعت داخل بحرالعجم می شوند و بابوشهر فرومی آیند ودر آنجا جناب غراف مدم‌وزیر مختارسابق ماکه به‌آنجناب خوب معروفست خودفرصت داشت که بکشتی‌جنگی انگلیس که درآنجا لنگر انداخته بودرفت - دوستدار زیاد می‌داند که دلائل دیگراظهار دارد از برای اثبات اینکه همین‌در حین‌برهم زدگی آشکار باجنك هردولتی که بوده‌باشد می‌تواند قدغن‌نماید که سفاین حربیه به بندرات او داخل نشوند یا بپارهٔ از سواحل فرو نیایند که قبل‌از این موافق قاعده متداوله صورت محاصره باآنها بجهت حالت جنك داده باشد در هرحال دیگر قدغن دخول کشتی جنگی به بندر بیحرمتی و تعرض آشکار به بیدق آن دولتیکه کشتی تعلق باو دارد میدانند وجهت کافی از برای برهمزدگی میشمرند چنانچه برای اینگونه رفتار کماینبغی رضامندی داده نشده باشد چون دوستدار آن جناب را باینگونه مراتب مسطوره ملتفت ساخته آن‌جناب به‌آسانی اندازه‌حیرت مارا درك خواهند نمود درحین وصول خبراز تدبیرات بیمثال اولیای دولت‌علیه ایران در باب کشتی‌های آتشی مابکار برده‌اند دوستدار باید که این‌گونه تدبیرات را همین بفساد قبیح مردمان بسیار بدخواه حمل کند که بمکالمات دروغ جرات نموده‌اند - آن‌جناب واعلیحضرت پادشاهی مارا باشتباه بیندازند .

تا بحال کشتی‌های جنگی مابدون ممانعتی داخل فرضات‌استراباد میشدندپس‌چه حق‌میتوانند قدغن‌نمایند که داخل مرداب انزلی نشوند اگرقبل از این کشتیهای بادی مابمرداب مزکوره آمدورفت نمی کردند جهت آن

فقط حالت خود آن کشتی‌ها بوده‌است چون در گودی آب فرو می‌نشستند نمی‌توانستند داخل مرداب شوند بجهت کم آبی دهنه آن مرداب بود این کیفیت را وقت ساختن کشتی های بخار ما منظور داشته‌اند اندازه ضروره به‌آنها داده شده است که بتوانند از دهنه مرداب عبور کنند وایستادن آن‌ها بیرون از مرداب در خود دریا به هیچوجه ممکن‌و مقدور نیست بجهت اینکه کشتی‌های آتشی بطغیان عناصر گرفتار میشدند و چون بهیچوجه‌از باد وامواج دریا محفوظ نشده میتوانند غرق شوند .

قطعا مراتب مسطوره ازنظر آن‌جناب دوست مشفق مکرم افتاده بود وقتیکه لنگرگاه ازبرای کشتیهای آتشی در خود بارگاه دریا مشخص نموده بودند یااینکه اخبارات بالمره دروغ‌آمیز در باب این مکانیت به آن جناب سامی داده‌اند توپها که در کشتی‌های بخارهستند نتوانستند بهیچوجه من‌الوجوه دلیل براین‌بشوند‌که دخول آنها بمرداب تدغن شود بجهت اینکه کشتی‌های تجارتی که در مرداب لنگرمیاندازند نیزتوپ دارند که آن‌ها ضرور وواجب‌دارند درحین سیر از سارقین‌بحری محفوظ نمایند .

آن جناب ازهمه‌کس بهترمی‌داند جسارت آن اشراررا واگردر سواحل گیلان ومازندران واسترابادردر این اوقات، بالاخره آه وناله وزاری ومایوس ساکت‌شده گریه واشك که نتیجه‌از چپاولهای جسور دائمی سارقین ترکمانیه وخرابی وخونریزی آن‌ها بوده است خشك شده واگر حالا در سواحل ایران کمال رفاه وآسایش می باشد اهالی آن‌جابابد این نعمت‌های بیکران رابه حمایت پرزور وجانفشانی بی‌نظیر اهالی سفاین دولت بهیه روسیه حمل نمایند که اعلیحضرت محمدشاه ایران از علوهمت اعلیحضرت امپراطور اعظم خواهش نموده است . چون دوستدار مراتب اخلاص آن‌جناب را که نسبت بااعلیحضرت پادشاه ایران دارد میداند واز اعتباری که آن‌جناب بوصف شخص اول در مشورت امور متعلق بدولت علیه ایران دارند واقف‌است دوستدار بر خود قرار داده که کیفیت این امر رادر صورت حقیقت خود باصداقت تمام به‌آنجناب بیان واظهار نماید بمقتضای فراست و فطانت آن جناب البته معنی عهده تدبیرات مخله‌که در انزلی نسبت بکشتی‌های آتشی مابکار انداخته‌انددریافت‌خواهند فرمود و دوستدار دراین امید است که برطبق عرض آن جناب اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی تعجیل خواهند فرمود که احکام لازمه بکار گذاران آنجا صادر فرمایند که کشتی‌های آتشی مابدون ممانعت داخل مرداب شوند زیرا که همین در آنجاکمی‌ها میتوانند محافظتی‌که از برای سلامتی آن‌ها ضرور است حاصل نمایند

اینگونه حکم بالمره مطابق خواهد بود بمراسم دوستی‌که اعلیحضرت پادشاهی مکرر بااعلیحضرت ولی‌النعمی امپراطوری اظهار فرموده بودند وخللی‌که شایدبواسطه اشتباه بحقوق مارسیده‌است هموارخواهد کرد اینطور حرفی‌را که اعلیحضرت امپراطور اعظم بهیچکس اذن‌نخواهد داداخلال نمایند وهرنوع که در محافظت آن حقوق‌میتواند اقتضا کند بدون‌مضایقه خواهد گذاشت .بملاحظه بیغرضانه حقیقت‌حال واقعی این‌امر اعلیحضرت پادشاهی البته متقاعد خواهند شد از فایده علاینه که بواسطه قرار داد آمد و شد سریع مترادف بمملکتین عاید خواهد شد .

این نوع مراوده تام‌را حاصل‌نمیتوان کرد مگربواسطه عبورومرور کشتی‌های آتشی این‌اراده که اهالی مملکتین بهمدیگر تقرب جسته‌مرتبه اتحادزیاد حاصل نمایند و پیشرفت عمل تجارت آن‌ها بطریق سهولت و خاطرجمعی وخالی‌از موانعیکه بکشتی‌های بادی دردریا واقع‌میشود بوده‌باشد این مراتب مسطوره‌اولیای دولت‌بهیه روسیه رابراین داشت که بحسن‌سعی واهتمام قطع‌نظر ازمخارج کثیره ومشکلات این‌مرحله قرار بدهند که کشتیهای آتشی در بحرخزرآمد ورفت نمایند وباهالی ایران نیز مثل بارعایای روسیه‌بدون هیچ‌تفاوت فرصت داده شد که‌به مصارف خودبکار ببیرند یعنی‌چه‌عوض امتنان از برای‌این نعمت‌تازه مادر ایران نه‌تنهاعدم اطمینان وبدخواهی حتی اخلال آشکار در حقوق‌ثابته خودمی بینیم‌نظر بمحبت قلبی که دوستدار به‌آن‌دوست مشفق‌مکرم دارد باصرار متوقع است که جد وجهدفرموده حقیقت حال‌را متن واقع درنظر مبارك اقدس‌همایون شهریاری بجلوه ظهور در آورده فساد مردمان بدخواه راآشکار سازد .

بنحویکه درابتدا مذکور شد که عدم‌اذن‌دخول کشتی جنگی‌به‌بندر درحین‌صلح وصلاح درهمه‌جاهاتعرض آشکارا وعلاینه به‌بیدق‌آن دولت می‌دانند پس‌ازاین بعداز اظهار مراتب مشروحه اگربرخلاف ماهول اولیای‌دولت

علیه‌ایران در نابینائی خود ازبرای موقوف کردن قدغن آمدوشد کشتی‌های آتشی بانزلی اهمال نمایند آن‌جناب به آسانی درك خواهند فرمودکه وظیفه‌شریفه حفظ آبرو وننك وناموس ملتی‌چه نوع تکالیف رابگردن ماوارد می‌آورد وچطور جواب که نتایج‌آن میتواند ببخشد ودر عهده خود اولیای دولت‌ایران خواهد بود .

این شرح رابعلت مضمون عمده‌خطیر اعلیحضرت ولی‌النعمی‌ام‌امپراطور اعظم باین‌بنده آستان‌معدلت‌ارکان خود فرمایش ملوکانه فرمودند که بصحابت فلدکر مخصوص نزدآن جناب ایفاد دارد باونیز حکم‌شده است که در آن‌جا منتظر شده ازآن‌جناب جواب بیاورد برآنجناب مخفی ومستور نماندکه مضمون شرح جواب آنجناب تاثیر بلاواسطه برمراوده آینده فیمابین دودولت خواهدداشت و دوستدار امیدوار است‌آن جناب تعجیل خواهند فرمودکه هرچه زودتر ممکن‌باشد مارا از اشتباه گران در آورند در خصوص تدبیراتی که اولیای دولت علیه ایران نسبت‌بدولت بهیه‌روسیه در این‌اوقات می خواهند بکار ببرند بعداز اظهار همه مراتب مشروحه به آن جناب آن چه باقی می ماند آنست که اعتقاد واقعی خود را در احترامی که نسبت به آن جناب مشفق مکرم دارد تکرار وبیان نماید .

شانسلیه دولت بهیه روسیه ـ دردارالسلطنه پطربورق بتاریخ ۳شهر سپطمبر سنه ۱۸٤٦ عیسوی مطابق شهرشوال المکرم ۱۲٦۲ هجری — غراف نسلرود

وبطوری که ملاحظه می‌شود دولت‌روسیه دولت‌ایران را تهدید میکند که بموجب معاهده ترکمانچای برای‌خود در کلیه نقاط‌بحرخزر حق آزادی عمل را قائل بوده و می میگوید اگرتا کنون کشتی‌های روس بمرداب انزلی نیامده‌اند بواسطه نقص ساختمانی آنها بوده که نمی توانسته‌اند بیایند و اکنون که این نقص مرتفع و ساختمان‌آنها کامل شده باید بمرداب انزلی آمده درآنجا لنگراندازند و نیز این امر را از لحاظ‌بشردوستی لازم دانسته وامنیت سواحل ایران رابواسطه عملیات کشتیهای جنگی روسیه میداند — بالاخره حاجی میرزاآقاسی پس از مطالعه نامه‌فوق درذی‌لقعده ۱۲٦۲ جواب‌ذیل‌رابرای کنت‌نسلرود میفرستد .

«مراسله آمیخته بمهروقهر که حسب‌الامر قدر قدرت اعلیحضرت قضاشوکت امپراطور اعظم بدوستدار نکارش ومصحوب ملاکر (فرستاده) مخصوص ارسال‌داشته بودند بتوسط جناب جلالت ونبالت‌نصاب زبده السفراء المسیحیه محبان استظهاری پرنس دولغاروکی وزیرمختار آن دولت بهیه‌واصل شد و مسطوراتش‌را از فاتحه الی خاتمه بنظر تحقیق وتدقیق ملاحظه و مطالعه‌کرده استحضار کامل حاصل نموده وفورا مراتب راعرضه حضور مهر ظهور اعلیحضرت قدرقدرت قضاشوکت شاهنشاه ولی‌نعمت‌خود روحنافداه داشته کمال تحیروتعجب را از مضامین و مسطورات مراسله آن جناب حاصل نمودند وفرمودند این‌معنی برهمه‌اهل عالم‌هویدا وظاهر است که ماتاچه‌مرتبه اهتمام در حفظ شروط عهدنامه مبارکه ترکمانچای داریم و انتظار امر دولت و رفاهیت رعیت و مملکت خود را در التیام‌و اتفاق دولت بزرك همجوار خود میدانیم و دوستی اعلیحضرت امپرا طور اعظم را بسیار باقدر وگرانبها می شماریم وراضی وراغب هستیم که بقدر ذره‌ئی از حکم عهد نامه مقرره تخلف و انحراف نشود اما‌در باب دخول کشتی‌های جنگی‌آتشی‌آن دولت بمرداب انزلی که فیمابین دولت‌علیه وجناب پرنس دولغاروکی وزیر مختارآن دولت بهیه گفتگو درمیان است وازاینکه اولیای دولت علیه‌اذن دخول به‌آن‌ها نداده اند آن‌جناب این معنی‌را حمل به‌بیحرمتی وتعرض آشکار به‌بیدق‌آن‌دولت بهیه کرده‌اند وجهتی کافی‌برای برهمزدگی شمرده‌اند فرمودند اگر در امور دایره بین‌الدولتین گفتگوئی فیمابین اولیای حضرتین باشد نبایدآین معنی‌راحمل‌به بیحرمتی‌نمایند و باعث برهمزدگی بشمارند چنانچه آن‌جناب مضمون فقره‌عهدنامه را باینطور تاویل کرده‌اند که مرداب انزلی داخل‌بحرخزر است وچون برای‌سیرسفاین حربیه‌آن دولت‌بهیه حدی نکذاشته‌اند حق دارند داخل مرداب مزبور شوند اولیای‌دولت علیه‌راسخن‌این‌است که بحرخزر نامیده شده‌است نه‌مرداب انزلی ومضمون فصل‌هشتم عهد نامه این‌است که سفاین حربیه‌آن دولت بهیه‌حق دارند کمافی‌السابق در بحر خزرسیر‌نمایند بطور وضوح معلوم است که

مرداب راخارج ازبحر خزر داشته‌اند بازمضایقه نداریم عهدنامه رابمیان گذاریم اگرحق باماست اولیای آن دولت بهیه‌را چه‌حرف واگر حق با امنای آن شوکت بهیه‌است، ماراچه سخن‌واینکه مرقوم‌داشته بودندآن دولت بهیه‌باید حفظ آبرو وننك وناموس ملتی‌خودرا فرموده‌ماهم باید رعایت این‌فقره را نمائیم چنان‌چه مکرر نوشتیم و گفتیم باوصف‌اینکه جناب غراف مدم کاغذ دولتی داده‌است سفاین‌حربیه آن‌دولت دربحرخزر تردد دارند نه‌توقف وداخل بجزایرمتعلقه باین‌دولت علیه نخواهد شد سفاین حربیه‌آن دولت بهیهٔ بدون اذن واسترضای این دولت علیه در قلتق استراباد وعاشوراده لنگراقامت انداخته‌اند وجزیره مزبوره‌را متصرف شده‌اند جاومکان ساخته یا چرا کار گذاران آن‌دولت بهیه تجار تبعه این‌دولت علیه‌را منع‌از بیع وشرای امتعه محصوله ایران می‌نمایند واموال‌آن‌ها را ضبط می‌کنند و علاوه‌از وجه‌گمرك بچندین صیغه‌از آن‌ها پول می‌گیرد وتعدیات که تفصیل‌آن‌مایه اطناب است اینکه مرقوم داشته‌اند توپهائی که در کشتی‌آنشی هستند نتوانستند بهیچوجه من‌الوجوه دلیل‌براین شوند که دخول آن‌ها بمرداب قدغن‌شود بجهته‌اینکه کشتی‌تجارتی که درمرداب لنگرمیاندازد نیزتوپ دارند که‌آن‌ها ضرور وواجب دارند درحین‌سیراز سارقین بحری‌محفوظ بماند می‌فرمایند اگراین عده معمول‌است که‌کشتی‌های تجارتی آن‌دولت بهیهٔ حق‌تساوی دارند منع‌ازآلات حربیهٔ وداشتن از توپ مینمایند .

ودیگر آن جناب مرقوم داشتهٔ اگرد ر سواحل گیلان ومازندران واستراباد دراین‌اوقات آه‌وناله وزاری ومایوس ساکت شده‌وگریه‌اشك اهالی‌آن‌جاکه ازچپاول سارقین وخرابی وخونریزی ترکمانیه خشك‌شده ودر سواحل ایران کمال رفاهیت میباشد باید این نعمت های بیکران‌را بحمایت پر زور و جانفشانی بی نظیر اهالی سفاین دولت بحریه روسیه حمل نمایند میفرمایند بعد ازآنکه ترکمانیه اهالی سفاین دولت بهیه روسیه‌رادرآن فرضه مقتدر وحکمران ومبسوط الید دیدند وبلیط مروروعبور به آنها دادند وبیکلر بیگی استراباد را بی‌رجوع ومسلوب الاختیار شناخته بطوری جسارت ورزیدند وپای طغیان وعصیان‌راپیش گذاشته وچندین دفعه بر سر بیگلر بیگیان استراباد هجوم آوردند که‌اولیای دولت قاهره را لابد کرده‌اند بمخارج کثیره که‌لشگر کشی وخونریزیها نمایند وآنهارا تنبیه وتأدیب کنند کجااهالی‌فرضات از شرارت ترکمانیه آسوده مانده اند از اینها گذشته مکرر اولیای دولت علیه بقوای آندولت بهیه اظهار کردند ونوشتند که بسیار اتفاق میافتد که دولتی ازحقوق خود بپاس دوستی دولت دوست خود میگذرد چنانچه دولت علیه ازحقوق خودکه در باب مهاجرت داشتند واین فقره هم‌وعده‌عهدنامه مقرر بود نظر بدوستی آندولت بهیه‌گذاشتند و سالداتهائیکه فرارا باین دولت علیه آمده وپناه جسته بودند رد کردند خواهش داریم که معاملت ومراودت باستراباد‌را که برای این دولت علیه ضرر فاحش دارد موقوف دارند قبول نکردند ومارا بخسارت وزحمت زیاد انداختند دیگر نوشته بودند که دخول سفاین حربیه آندولت بهیه درحالت صلح درهیچ بندری وخلیجی ومردابی ازدول متحابه ممنوع نیست ومثال ندارد مثل بغاز اسلامبول زده بودند که‌کشتی‌های جنگی آن دولت بهیه ودولت های دیگر داخل میشود جواب فرمودند درصورتیکه همچنین باشد آنها حکم علیحده دارند زیراکه اولا آن دولت ممنوع از داشتن کشتی خود درآن بندر وخلیج(هستند) نیستند ثانیا بنادر خودرا چنان بقلاع محکمه وتوپخانه مستحکم کرده که بتواند دروقت ضرورت خودرا محفوظ بدارند هیچیك ازاین دو فقره برای دولت علیه مقدور ومیسر نیامده است برای رعایت حزم مملکت داری حفظ حقوق خود را لازم میشمارم دیگر مرقوم‌داشته بودند چرا سفاین حربیه دول مختلفه درهروقت بدون ممانعت داخل‌بحرالعجم میشوند وبه بندرابوشهر فرود می‌آیند ودرآنجا غراف مدم وزیرمختار سابق آن دولت بهیه‌کشتی جنگی دولت بهیه انگلیس‌را دیده که‌لنگر انداخته‌است فرمودند اولا لنگر گاه بندرابوشهر تاخشکی قریب دو فوسخ مسافت دارد وهرگزممکن نیست هیچ کشتی‌جنگی نزدیك بخشکی بیاید مگرقایق وبطیل‌وبکارهای کوچك

ثانیا این دولت علیه ممنوع از داشتن سفاین حربیه درآن بحر نیستند وهیچ دولتی درآن بحر شرکت ندارند وپیوسته درفکر داشتن چند فروند کشتی جنگی درآن بحر هستند وحاضر خواهند کرد در وقت ضرورت ومحافظت بنادر وجزایر خود را نمایند

ثالثاً آمدن سفاین حربیه دول مختلفه بان بحر بسیار بندرت اتفاق میافتد واگر آنها نیز بخلیج یا مردابی وخشکی نزدیك شدند البته ممنوع خواهد شد رابعاً اولیای دولت علیه مدتهااست درفکر استحکام قلعه بندرابوشهر افتاده‌اند وآنجا را چنان کرده‌اند که تواند دروقت ضرورت خودرا محافظت نمایند خلاصه فرموده‌اند

اگر مرداب انزلی‌را موافق عهدنامه مقرره داخل بجزیره میدانند دیگر چه اذنی وکاغذی ازما میخواهند ؟ و اگر نیست چرا اذن بدهیم یاعهد تازه ببندیم زانکه ما تجربت بسی کردیم درباب تصرف جزیره عشوراده وغیره امتحان‌نمودیم ،

فرمایشات اعلیحضرت قدرقدرت قضاشوکت شاهنشاهی صان‌الله‌شوکته‌عن‌التناهی ازقرارتفصیلی بود که به‌آنجناب ابلاغ نمودا گر باین فرمایشات اکتفا میشود پس از آن جناب توقع دوستانه مینماید که زحمت کشیده ازجانب سنی‌الجوانب امپراطوری حکم برای جناب ژنرمختاروحکام عرض راه صادر نمایند که بلیط‌جواز بدوستدار که خیرخواه دولتین ودعاگوی حضرتین است بدهند که خود به پطرزبورغ آمده غرلاط بوسی حضور همایون اعلیحضرت امپراطوری حاصل کرده باآنجناب دوست مشفق مکرم نیز درمجلسی ملاقات کرده آنچه در خبایای ضمیر دوستی وتخمیرمکنون است بعرصه شهود درآورده وبعد ازحصول ملاقات بحسن اهتمام یکدیگر باز دید روابط اتحاد واتفاق دولتین علیتین پرداخته معاودت نماید زحمت کشیده جوابی مرقوم‌دارند که دوستدار تکلیف خودرا بداند ، اما پیش ازآنکه نعمت مواصلت دست دهد وباآنجناب ملاقات نماید بطور دوستی اظهار میدارد وازآنجناب سؤال مینماید که آیا دولت بهیه روسیه مرداب پطرزبورغ راداخل‌بحر بالتیك میشمارند وحق دارند که کشتی های جنگی دول‌متحابه ازکرن اشتاد داخل آن مرداب شوند که اولیای دولت علیه اذن بدهند کشتی‌های جنگی آن دولت بهیه نیز داخل مرداب انزلی شوند پس چه توقعی‌است که‌از این دولت علیه دارند.

مع‌ذالك‌المراتب دوستدار که دولتخواه‌ارادت کیش دولتین است به‌آن‌دوست مکرم‌محترم اظهار میدارد که آنچه حقیقت وراستی است اعلیحضرت قدرقدرت پادشاهی ابدالله عیشه وابد جیشه کمال اطمینان و خاطر جمعی بدوستی وانصاف بزرگانه اعلیحضرت قدرقدرت امپر امپراطوری دارند وتشکیك وتردیدی درمراتب اتحاد دوستی اعلیحضرت امپراطوری‌ندارند ودرانجام خواهشهای آن‌دولت بهیچوجه مضایقتی نمی‌فرمایند ولی‌چندی است که‌از کارگذاران آن دولت‌بهیه پاره حرکات صادروناشی میشود که‌مخالفت صریح‌عهدنامه مبارکه دارد و اولیای این دولت علیه‌رادر توهم وتوحش‌انداخته‌اند که‌البته آن حرکات بعرض حضور اعلیحضرت امپراطوری نرسیده است ازجمله چندسال قبل ازین‌اولیای ایندولت علیه‌از امنای آن‌شوکت عظمیه‌فخمیه خواهش کردند که چون دولت علیه‌دربحرخزر نمی‌خواهند کشتی جنگی نگاهدارندبرای چندوقتی‌دوفروند کشتی‌جنگی بدولت علیه بدهند که با قشون خود اشرار ترکمانیه رعیت‌خود راکه ازخشکی بدریا فرار مینمایند تنبیه کنند کارگذاران آن‌دولت‌بهیه همین رادست‌آویز کرده چندفروند کشتی بعشوراده که ملك‌الیمین دولت علیه‌ومحل گمرکخانه قدیم‌بوده آورده ودر آن‌جا لنگراقامت‌انداخته دست‌تصرف مالکانه دراز کرده در آنجا بیمارخانه وحمام وباغچه وبیوتات بنانهادند وتوپ ودیگرآلات حرب درآنجا گذارده سهل‌است رعایای تبعه این‌دولت علیه‌رادر آنجاراه ندادند ودیگرقونسول‌هائیکه برای‌امرتجارت وحمایت‌دولت بهیه خود بولایات ایران‌مامور وتعیین نموده‌اند بخصوص در گیلان چنان‌دست تطاول‌وتعدی را دراز وآمر وناهی آن‌ولایت شده‌است که حاکم رابهیچوجه‌تسلطی‌نیست لطف‌وعنف هم‌بدست‌اوست بهرکس از تبعه‌دولت علیه می‌خواهد بلیط رعیتی‌میدهد ودر تحت‌حمایت خود نگاهمیدارد بهرکه میخواهد تنبیه وتعزیر میکند این‌اسبابهائی است که باعث‌وحشت وسوءظن‌اولیای دولت قاهره‌شده است وآمدن سفاین حربیه به مرداب راهم‌یکنوع تسلطی برای رفتارآینده آن قونسول میشمارند علم‌الله‌تعالی که این دوست صادق‌الولاء آن چه گفته ونوشته است خیردولتین وصلاح حضرتین راخواسته است ومیخواهد وهیچ وقتی منظوری جزازدیاداتحاد شوکتین فخیمتین نداشته‌وندارد اگر آن جناب بحسن‌انصاف در مقام رفع‌اسباب توحش اولیای این‌دولت علیه‌بر آیند و با دوستدار شرکت نمایند انشاءالله گفتگوئی و گله فیمابین دولتین بهیتین باقی نخواهد ماند باقی ایام جلالت مستدام باد .

تحریرا فی‌شهرذی‌قعده سنه ۱۲۶۲،

بطوری که دیده میشود بااینکه حاجی میرزا آقاسی نامه کنت‌نسلرود رابتفصیل جواب میدهد ودلایل‌اورا رد میکند در پایان آن‌مینویسد «..... مع ذلك‌المراتب ..... . اعلیحضرت قدرقدرت . .... در انجام خواهشهای آن دولت بهیه بهیچوجه

مضایقتی نمیفرمایند ......»

در دنباله این مکاتبه دالکورکی وزیر مختار روسیه بپافشاری خود میافزاید و جدا از حاجی میرزا آقاسی میخواهد که فرمان اجازه ورود کشتیهای روس بمرداب انزلی صادر شود.

سرانجام حاجی میرزا آقاسی تسلیم میگردد ولی قبلا ضمن نامه ای به دالکورکی مینویسد.

«دوستدار قدغن کرد موافق خواهش آنجناب ملفوفه فرمان نوشتند لکن اعلیحضرت قدر قدرت ..... شاهنشاهی ..... از دوستدار سئوال فرمودند که معلوم است هروقت کشتی جنگی آندولت بهیه بمرداب انزلی میآید یکفروند بیشتر نخواهد بود.

...... حال در این باب جوابی مرقوم دارید که مراتب عرضه حضور اقدس همایون پادشاهی داشته فرمان همایون راصادر کرده نزد آنجناب ارسال دارد.»

وزیر مختار روسیه از قبول این تعهد که هر دفعه فقط یك کشتی بمرداب انزلی بیاید امتناع میکند و درنامه‌ای مینویسد این امر از «دستورالعمل دوستدار خارج است.»

حاجی میرزاآقاسی که از رفتاروزیرمختارروسیه دراین موردعصبانی میشود ضمن جواب مینویسد.

« رقعه آنجناب واصل ومضمونش رابعرض اعلیحضرت پادشاهی رسانید فرمودند»
« اگر منظور این است که دولتهای خارج بدانند مااحترام ازدولت بهیه روسیه بعمل»
« آورده‌ایم که قبول کردن یك فروند کشتی جنگی آندولت بهیه درآمدن بمرداب»
« انزلی کافی است وزیاده ازیك فروند آمدن بآنجا لزومی ندارد واگر زیاده از یك»
« فروند بخواهند اذن بدهیم در حالت مصالحه و انعقاد دوستی درست نیست واگر»
«مقصود ازآمدن چهارپنج فروند کشتی جنگی بآنجا جنك است آنراهم بدانیم فرمایش»
« اقدس ملوکانه این بود که بآنجناب اعلام شد »

بالاخره در تاریخ ۲۶ماه ذی القعده ۱۲۶۲ هجری قمری دستوری بشرح ذیل بعنوان محمد امین خان بیگلر بیگی گیلان و میرزا ابراهیم خان سردار انزلی نوشته میشود.

« عالیجاه مقرب الخاقان مخدومی محمدامین خان بیگلر بیگی گیلان
« درینوقت اظهار میشود که هروقت کشتیهای جنگی آتشی دولت بهیه روسیه به»
« مرداب انزلی میآید بهیچوجه من الوجوه مانع ومتعرض آنها نشوند و گذارند که»
«بانزلی ومرداب آنجا بیایند البته آن مخدوم از قراری که نوشته شده است معمول دارند.»
«فی ۲۶ شهرذی قعدة الحرام ۱۲۶۲ »

در ذیل نامه حاجی میرزا آقاسی باخط خود نوشته

« مقرب الخاقانا مخدوما هروقت کشتیهای جنگی آتشی دولت بهیه روسیه آنجا میآیند»
« کمال احترام به بیدق کشتیهای آندولت بهیه نمایند.»

بمضمون فوق نیز نامه‌ای بعنوان «عالیجاه میرزاابراهیم سردار انزلی» مینویسند

و باین ترتیب حاجی میرزا آقاسی اجازه میدهد که کشتیهای جنگی روس آزادانه بمرداب انزلی آمدورفت کنند .

میرزا آقاخان نوری از ورود کشتی های جنگی روس بمرداب انزلی ممانعت میکند

بعداز حاجی میرزا آقاسی میرزاتقی خان امیرکبیر با تدابیری مدتهااز ورود کشتیهای جنگی روس بمرداب انزلی جلوگیری میکرد وهروقت وزیر مختار روس در مقام اعتراض بر میآمد باخواهش و تمنی آن را بامروز وفردا میگذراند .

پس ازامیر کبیرمیرزا آقاخان نوری (۱) بصدارت ایران منصوب ومصمم میشوداجازه‌ای

۱- میرزا نصراله خان معروف به میرزا آقا خان نوری فرزند میرزا اسداله خان نوری‌است ودر کتاب روضةالصفا اجداد اورا اینطور مینویسد

«از اولاد واحفاد خواجه بزرگوار مدنی مولد ابوالصلت عبدالسلام‌بن صالح الهروی مرید و محرم اسرار حضرت امام علی‌بن موسی‌الرضا علیه‌التحیه والثناء وبدین وجه طایفه ایشانرا طایفه خواجه گویند»

اولاد ابوالصلت درمازندران و گیلان زندگی میکردند ومیرزا اسداله خان درزمان آقا محمد خان قاجار باستراباد رفت وبسمت لشکر نویس او انتخاب شد وبعدها دردوره سلطنت فتحعلی شاه «بوزارت عساکر منصوره ومعاملات تمامی سپاه اختصاص» یافت

میرزا آقا خان که کوچکترین فرزند میرزا اسداله خان بود در پشت هم اندازی و دسیسه بازی گوی سبقت ازهمگنان ربوده وبقول دکتر پلاك معلم اطریشی دارالفنون «یك مرد محیل ودسیسه‌باز بی‌بدلی‌بود»

وقتی فتحعلی شاه میرزا آقاخان‌را در اوان جوانی بعنوان «نیابت وزارت عساکر» بمعاونت پدر (یعنی میرزا اسداله خان) انتخاب کرد میرزا آقا خان باپدر نیز بنای رقابت‌راگذارد وآنقدر کوشید تافتحعلی شاه‌پدر را معزول وبه حکومت نور وکجور وتنکابن فرستاد وپسررا بوزارت‌لشکر منصوب نمود .

دردوره محمد شاه نیز چندی این سمت را داشت ولی چون باحاجی میرزاآقاسی بنای رقابت‌راگذارد وعلیه او بتوطئه ودسیسه پرداخت حاجی میرزا آقاسی اورا بکاشان تبعید کرد.

میگویند علت تبعید میرزا آقا خان نوری بکاشان بواسطه آن بود که برای انگلیسها جاسوسی میکرد واخبار واسرار دولتی‌را به آنها میداد وحتی شبی اورا مشاهده میکنند که بالباس مبدل بسفارت انگلیس میرود

بعد از مرك محمد شاه میرزا آقا خان ازکاشان به تهران میآید و چون میرزا تقی خان امیر کبیر از دسیسه کاری وتوطئه چینی او باخبر بود تصمیم میگیرد که مجدداً اورا بکاشان عودت دهد ولی میرزا آقاخان مهد علیا مادر ناصر الدین شاه ووزیر مختار انگلیس‌را واسطه قرار میدهد ودر تهران میماند و چندی بعد نیز بلقب‌اعتمادالدوله ملقب‌میگردد .

میرزا فضل‌اله برادرمیرزا آقا خان درتذکره تاریخی وزیر نظام راجع به آمدن خودوبرادرش ازکاشان بتهران وکمك انگلیسها به آنها اینطور مینویسد .

«...... چون بلای ناگهانی میرزا تقی خان‌فراهانی که ازجانب حضرت اقدس شاهنشاه روح العالمین فداه مصدر امور جمهور خلایق بود باراى كج وطريقه لج درفكر جان ودور نمودن ما بندگان ازخانمان بود ـ لابد دولت انگلیس‌را ازآن نشئ المرید که فعال مایرید بود مکمن انس واستیناس خود نموده باحالت تباه بپناه بردیم وازلوح خاطر خودنقش عافیت ستردیم ......»

بالاخره‌میرزا آقاخان‌وسائل عزل وقتل میرزا تقی خان امیرکبیررا فراهم میسازد ودرمحرم۱۲۶۸هجری قمری خود بجای او بر کرسی صدارت ایران قرار میگیرد.

هنگامی که ناصر الدین شاه میخواست، فرمان صدارت میرزا آقا خان را تحت تأثیر وسفارش سفارت انگلیس ومهد علیا مادر خود صادر کند چون باو کاملا اعتماد و اطمینان نداشت و بعلاوه معروف بود که میرزا

بقیه در حاشیه صفه بعد

را که روسها قبلا برای ورود کشتیهای خود به مرداب انزلی بدست آورده بودند برهم بزنند ونگذارد جهازات جنگی روس بمرداب وارد شوند.

بدین منظور بعیسی خان حاکم گیلان دستور میدهد که از ورود کشتیهای جنگی روسیه بمرداب ممانعت نماید و خود باوزیر مختار روس وارد مذاکره میگردد.

میرزا آقاخان دلایل جلو گیری از ورود کشتیهای جنگی روس را بمرداب انزلی در نامه‌ای که بتاریخ اول محرم ۱۲۶۹ هجری قمری بمیرزا محمدحسین صدر قزوینی عضدالملك وزیر مختار ایران مقیم پطرز بورغ مینویسد چنین شرح میدهد.

«در باب کشتی جنگی و تجارتی که روسها باصرار میخواهند بمرداب انزلی»
«داخل کنند وهنوز داخل نشده است پیشتر شرحی بشما نوشتم وصورت سئوال وجواب مرحوم»
«حاجی میرزا آقاسی راباجناب غراف نسلرود پیش شما فرستادم نمیدانم رسیدوجوابی»
«ننوشتید یاهیچ بشما نرسید باری مجدداوزیر مختار کاغذی باصرار هرچه تمام تر نوشته»
«است ایستادگی غریبی دارد که باید داخل مرداب شود دولت ایران میگوید.»
«اولامرداب داخل دریا نیست که موافق عهدنامه حق داشته باشد.
«ثانیا معمول این چندسال را باید رعایت کرد.
«ثالثا مرداب ممتد میشود تاداخل آبادی مملکت بااین حال آمدن کشتیهای روس»
«ظاهر است چه حالت بمردم این مملکت واهالی بلدو بیگانه و بومی خواهد دادشما»
«نمیدانم چه حرف زدید وچه شنیدید یاهیچ کاغذ بشما نرسید اگر بنای شما با جناب»
«سیتاوین بطور دوستی واتحاد وخالی از محاجه است حالی نمائید که آمدن کشتی»
«شما بمرداب انزلی از برای شما نفعی ندارد واما از برای ما از داخل وخارج که شما میدانید ضرر»
«کلی دارد بالفرض اگر حق ثابت دولت روس هم باشد که از شما توقع داریم»

بقیه از حاشیه صفحه قبل

آقا خان تحت حمایت سفارت انگلیس ووابسته به آنهاست تعهد نامه‌ای بشرح ذیل ازاو میگیرد.

«این چاکر قدیمی پدر برپدر خانه زاد ونمك پرورده این آستان مبارك بوده محمد حسنخان مرحوم وآقا محمد شاه مرحوم وخاقان مغفور وشاه مرحوم مبرور خودم واجدادم بارث خدمت کرده‌ایم بصداقت ،رعیت ونوکر خانه زاد شاهنشاه روحی فداه هستم کسی‌را یارای تخلف ازاین حرف وگفتار نیست و اگر خدای نکرده از این فدوی قدیمی جان نثار خیانتی دولتی سر بزند مورد مواخذه شاهنشاه روحی فداه باشم لیکن استدعای این چاکر این است که اگر عرض شود تحقیق شود وبعد از اثبات عقوبت شود تحریراً فی محرم ۱۲۶۸» درذیل آن مجدداً اضافه نموده.

«این بنده درگاه درزیر حمایت هیچ دولتی بجز در ظل حمایت شاهنشاه ایران خلدالله ملکه نیستم و امید الطاف ومرحمت ازاین آستان مروت نشان داشته ودارم» محل مهر در پشت صفحه «عبده آقا خان ابن اسداله» دوران صدارت این شخص تامحرم سال ۱۲۷۵ هجری قمری بطول انجامید.

میرزا آقا خان دراین مدت هفت سال ازلحاظ سیاست داخلی و خارجی کشور مرتکب اشتباهات جبران ناپذیری گردید وعده‌ای خیانت اورا درقضیه هرات وجنك بین ایران وانگلیس مسلم میدانند

میرزا آقا خان پس ازعزل مدتی بحال تبعید درسلطان آباد عراق ویزد واصفهان بسر میبرد وعاقبت در شب جمعه ۱۲ ماه شوال سال ۱۲۸۱ هجری در قم فوت میکند و جنازه‌اش را به نجف اشرف حمل و درآنجا بخاك می سپارند.

« بابی نشوید ......»

هنگامیکه مامورین ایران از ورود تمام کشتیهای روس بمرداب انزلی جلوگیری میکنند وزیر مختار روسیه نامه اعتراضیه ذیل را بمیرزا آقاخان نوری مینویسد.

« نمره ۱۰- چهارم اکتوبر ۱۸۵۳ غره محرم ۱۲۶۹

« ازقرار شرحیکه بواضع این دستخط وزیرمختار اعلیحضرت ایمپراطوری ازجانب»
« قونسول دولت فخمیه روسیه مقیم رشت رسیده است و بنظر امنای دولت بهیه خواهد»
« رسید کارگذاران انزلی اعلام داشته‌اند که برطبق احکام دولت خودشان وموافق»
« دستورالعمل والی گیلان ایشان نمیتوانند گذارند که کشتی آتشی تجارتی روس»
« متعلق بتجار کمپانی مسکو که بارش مال التجاره است بآزادی داخل مرداب انزلی»
« شود بغیراز این از برای مزید حیرت سرحدداران بعالیجاه ایوانفسکی صاحب»
« اطلاع داده‌اند که به آنهارسماحکم شده است که بواسطه جمیع تدابیر امکان بذیر»
« در این باب ممانعت نمایند این با اکراه زیادی است که واضع این دستخط باید»
« بملاحظه عمده جناب میرزا آقاخان صدراعظم اعلیحضرت پادشاهی در آورد این»
« گفتار تهدید آمیز مباشرین زیردست دولت ایران را چون واضع این دستخط»
« آرزوی صدیق دارد که دراینباب فقط نتیجه خبطی مشاهده نماید وخودرابدون دلایل»
« کافیه ماذون نخواهد دانست باور کند که این نوع اعلام که باین طریق اقرب متعلق»
« است بمراسم خصومت آشکار نسبت بدولت بهیه روسیه هیچوقت توانست اظهار»
« اراده سنیه بوده باشد . واضع این دستخط زیادمتقاعد است از میلی که اولیای دولت»
« اعلیحضرت پادشاهی در هرفرصت خواهندداشت که رابطه حسن اتحاد وصلح فیمابین»
« مملکتین حفظ نمایند تاکه این قسم احتمال رنجش آمیزرا قبول نماید بنظر واضع»
« این دستخط میآید که اولیای دولت ایران بقدر کفاف از فصول عهد نامجات»
« مستحضرند وزیاد وظیفه خود میدانند که آنهارا حفظ نمایند تا که اینگونه مقاوله»
« از جانب کارگذاران زیردست ایندولت خودشان متحمل شوند در کمال نادانی»
« خودمباشرین بلکه خبر ندارند که قطع نظر ازعهدنامجات قدغنی که سفاین خواه عسکریه»
« خواه تجارتیه به بندر دولت دوست وهمسایه داخل نشود درنجش است عمده وتدبیری»
« است که فقط درحین جنك جایز میدانند و گذشته ازاین که این تدبیر نقض آشکار»
« عهد نامه مقرره است بلاواسطه خللی میرساند بحقی که فیمابین ملل مجری است»
« که طالب شیوه منوره خود که سیویلزاسیان مینامدمیباشد مباشرین زیردست ایران»
« که اینطور انحراف از قواعدی که عموما معمول است جایز میدانند بلکه خبری»
« ندارند بنحوی که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاهی بواسطه اعلانات سابقه باید»
« اطلاع داشته باشند که دولت فخمیه روسیه درهیچوقت آنرانخواهد گذارد ومتحمل»
« نخواهد شد خلاصه واضع این دستخط مطالبه مینماید که به اشخاصیکه جرئت نموده»
« اسم دولت خودشان رابکار بردند از برای این نوع مکالمه خصومت انگیز وغیر»
« موجه بوسعت اطلاعی داده شود واز وظایف خود و از ضرورت الزم که حسن»

« مراوده فیمابین دولتین را که بواسطه مراسم دوستی و همجواریت صلح آمیز »
« متحداند حفظ نمایند . »

میرزا آقاخان نوری در جواب نامه اعتراضیه سفارت روس نامه ذیل را نوشته و میگوید که بکارگذاران گیلان دستور داده که از ورود کشتیهای تجارتی بمرداب انزلی ممانعت ننمایند .

« جناب جلالت ونبالت نصابا کفالت و کفایت انتسابا محبان استظهارا »
« مشفقا مکرما

« کاغذ آنجناب مورخه غره شهرمحرم‌الحرام سنه۱۲۶۹رسیدقلمی داشته بودند »
« که سرحدداران انزلی اعلام بعالیجاه فطانت‌همراه موسیوایوانفسکی قونسول‌دولت »
« بهیه روسیه مقیم رشت نموده اند که نمیتوانند گذارند که کشتی تجارتی »
« تجارآن دولت بهیه بآزادی بمرداب انزلی داخل شود چون کشتی های تجارتی »
« آن دولت سابقاً بادی بود و کشتی آتشی تجارتی در بحر خزر تازه »
« ایجاد شده است اگر منعی کرده اند بگمان این بوده است که کشتی »
« مزبور از کشتیهای جنگی است که‌چنانچه در مراسله مورخه ۲۵ شهر رمضان‌سنه »
« ۱۲۶۸ بآن‌جناب نگارش رفته‌است موافق عهدنامه حق آنها همین سیر در بحر »
« خزر است‌وبس‌حالا که آنجناب بالصراحه نوشته‌اند که کشتی مزبور تجارتی است »
« بکارگذاران گیلان اعلام خواهدشد که موافق قاعده متداوله که‌با کشتیهای تجارتی »
« آندولت رفتار میکنند بااین کشتی نیزعمل نمایند وچون کمی آتشی درین‌مدت آمد »
« ورفت در مرداب انزلی نداشته‌ودر نظر خلق آنصفحات تازگی دارد بجهت رفع »
« بعضی تصورات عوام کالانعام آنولایت توقع میرود که آن‌جناب قراری‌بدهند که »
« کشتی‌مزبوزهردفعه که میآید بقدر ضرورت مکث نماید واسباب‌تماشا وبیکاری‌مردم »
« و باعث شهرتهای مرارت‌افزا نشود .

« چون لازم بود در مقام زحمت برآمد حررفی ۹شهر محرم سنه ۱۲۶۹ »

در نتیجه این‌مکاتبات میرزا آقاخان صدراعظم نامه ذیل‌را به «عالیجاه عیسی‌خان حاکم گیلان» و «عالیجاه میرزا محمدعلی منشی مهام خارجه گیلان » مینویسد و بآنها دستور میدهد که فقط کشتیهای تجارتی روس را اجازه ورود بمرداب انزلی بدهند و از ورود جهازات جنگی ممانعت نمایند .

« بعالیجاه عیسی‌خان حاکم گیلان

« مقرب‌الخاقانا محترما وزیرمختار روسیه‌در باب‌دخول کشتیهای آتشی آندولت »
« بمرداب انزلی مراسلهٔ بدوستدار نوشته وجواب رانزد میرزا محمدعلی انفاذ نمود »
« وباو نوشت که بملاحظه آنمخدوم برساند اگرچه بعد از اطلاع بر مضامین آن »
« سئوال وجواب دستورالعمل‌خودرادربنباب‌خواهید دانست ولی‌از بابت غایت‌وضوح »
« بآنمخدوم زحمت میدهم که قدغن نمایند کشتیهای آتشی آندولت‌بهیه را که خالی »
« از توپ جنگی وسرباز وادوات جنك باشد و کشتی تجارتی بر آن صادق آید از »

«دخول وسیردر مرداب انزلی ممانعت ننمایند اما اگر کشتی آتشی جنگی آندولت»
«که سرباز وتوپ جنگی در آنست بخواهد داخل مرداب شود بگویند از برای ما»
«حکم و دستور العمل از اولیای دولت است خلاصه اذنی که بآنها داده شده است همان»
«کشتیهای تجارتی روسیه است نه کشتیهای جنگی دولت مشارالیها و فرق میان»
«کشتیهای تجارتی وجنگی بودن توپ و سرباز است در آن که هر کدام توپ و»
«سرباز دارد جنگی است وهریك ندارد تجارتی است آنمخدوم اهتمام زیادی در این»
«باب بعمل آورند که خدانکرده نقصی ووهنی حادث نشود.

«شهر محرم الحرام ۱۲۶۹»

«بعالیجاه میرزا محمدعلی منشی مهام خارجه گیلان
«عالیجاها مجدت همراها عزیزا
«فیمابین من وجناب وزیرمختاردز باب دخول کشتیهای تجارتی دولت بهیه روسیه»
«بمرداب انزلی سئوال وجوابی شد که سواد هردو را اینك ملفوف این نوشته از برای»
«استحضار آنعالیجاه فرستادم و بمقرب الخاقان مخدومی[۲] عیسی خان حاکم گیلان»
«مراتب را نوشتم آنعالیجاه مخدوم معزی الیه را از مضامین سوادها اطلاع بدهید چون»
«در جوابی که از جانب من بجناب معظم الیه نوشته شده است صریحا نگاشته نشده»
«است که کشتی های تجار دولت بهیه روسیه آیا ماذون است بمرداب داخل شود یا نه»
«از برای عدم شبهه و رفع ابهام و ظهور بصیرت و بینائی آنعالیجاه مینویسم که»
«کشتیهای آندولت بهیه خواه بادی خواه بخاری ماذون است که در مرداب انزلی»
«گشت و گذار ورفت وآمد نماید اما شرطش این است که خالی از توپ جنگی و»
«ادوات و سرباز باشد هر گاه توپ و سرباز داشته باشند کشتی جنگی هستند و»
«کشتیهای جنگی را از دخول بمرداب مزبوره اذن داده نشده است آنعالیجاه»
«بسرحددار انزلی مراتب را حالی نماید ودقت کند امر تازه احداث نشود اگر بخواهند»
«کشتی دودی بادوات جنك داخل مرداب نمایند جواب اینطور بگویند که ما از»
«جانب اولیای دولت خود ماموریم که از دخول کشتیهای تجارتی دولت روسیه بمرداب»
«ممانعت ننمائیم چون این کشتیها توپ وسرباز دارد و کشتی جنگی است اذن نداریم»
«که بگذاریم داخل مرداب شود موقوف بحکم مجدد اولیای دولت علیه است»
«بانسانیت ومعقولیت رفتار نمائید که حرفی وسخنی از آن بیرون نیاید از مضامین»
«سئوال وجواب آنعالیجاه همین کیفیت را استنباط خواهد نمود که بغیر این اذنی»
«بکشتیهای دولت روسیه داده نشده است زیاده چه نویسم. سلخ محرم ۱۲۶۹»

بدین ترتیب قرار میشود فقط کشتی های تجارتی روس داخل مرداب انزلی بشوند واز ورود جهازات جنگی جلوگیری نمایند.

میرزا آقاخان نوری همیشه این اقدام را از خدمات خود میشمرد چنانکه درجلد دهم روضة الصفای ناصری ضمن کارهائی که در دوره صدارت میرزا آقا خان انجام شده مینویسد.

« دیگر آن که اهالی دولت روسیه خطی از حاجی میرزا آقاسی گرفته بودند که جهازات ایشان را بلنگرگاه انزلی جواز نزول باشد و چون مایه بعضی اختلال میشد جناب صدارت آن را موقوف داشته بر خط حاجی خط برزد . »

بعد از میرزا آقاخان نوری نیز همیشه از ورود کشتیهای جنگی بمرداب انزلی جلوگیری میشد و حتی اگر یك کشتی را که روسها تجارتی مینامیدند ولی بنظر مامورین ایرانی جنگی میآمد از ورود آن هم بمرداب جلوگیری میکردند چنانکه حاج میرزا سعید خان وزیر امور خارجه در نامه‌ای بعنوان « میرزا صادق خان منشی مهام خارجه گیلان » بتاریخ سلخ جمادی‌الاخر سنه ۱۲۷۷ چنین مینویسد .

در خصوص کمی آتشی از خیالات کمپانی روس اطلاع وضمنا استفسار نموده بودید که کمی آتشی اذن دخول بمرداب دارد یا نه حقیقت این است که بتغییر وضع چنین کمی و اسم اورا تجارتی گذاشتن با اینکه خود آنعالیجاه نوشته است که یك چرخ زیر آب خواهد داشت که بکار جنك هم میآید نمیتوان اذن دخول بمرداب داد و اینطور کشتی ها جنگی محسوب خواهند شد فقط کشتی بادبانی را تجارتی میدانم و حق دخول بمرداب دارند کشتی آتشی شد وتوپ هم دارد دیگر ازجنگی بودن چه باقی خواهد داشت گفتن روسها که چنین کشتی تجارتی است دلیل نمیشود و البته آنعالیجاه مراقب باشد که کشتی آتشی ابداً داخل مرداب انزلی نشود لزومی هم ندارد وهر گاه ازآنطرف بمقام سئوال وجواب برآیند در مقابل بگوئید که ما همان جور کشتی‌را تجارتی میدانیم که متداول بوده وتا بحال داخل مرداب میشده‌است این وضع جدید را نمیشناسیم که تجارتی باشد و ماذون نیستیم که سوای جور کشتی‌های تجارتی سابق اجازه داخل شدن بمرداب بدهم این فقره درنظر مرحمت پایگاه همیون زیاد معتنا به‌است مبادا آن عالیجاه غفلت نماید واگردر آنجا نگذشت مراتب را عالیجاه قونسول بجناب وزیر مختار وشما باولیای دولت بنویسید تا از آنجا حکم صادرشود باقی والسلام .»

☆ ☆ ☆

ب ـ بنای تجارتخانه

قبلا گفتیم که روسها از آقا محمد خان قاجار اجازه گرفتند در ساحل استراباد «دارالمعامله»ای بنا کنند ولی بجای آن بنام تجارتخانه مشغول ساختن قلعه جنگی شدند وبطور اختصار دیدیم که چگونه آقا محمد خان روسهارا ازسواحل ایران راند و نگذارد که درآنجا پایگاه نظامی بسازند .

بعد از معاهده ترکمانچای در زمان محمد شاه روسها بموجب فصل پنجم معاهده مزبور ازحاجی میرزا آقاسی درخواست مینمایند که اجازه داده شود دراستراباد و بندر جز کمپانی روسی محلی برای معاملات تجارتی وسکونت بازرگانان روس بسازد .

حاجی میرزا آقاسی که سابقه موضوع را در زمان آقا محمد خان میدانست و مخصوصا رفتار خشونت آمیز غراف مدم وزیر مختار روس‌را میدید می‌ترسید که ساختن انبار تجارتی بهانه باشد ودوباره ساختن قلعه جنگی تجدید شود .

ابتدا قضیه‌را بامروزوفردا میگذراند ولی بالاخره بواسطه پا فشاری وزیرمختار

روس موافقت مینماید که انباری برای مال‌التجاره اتباع روس در استراباد بسازند ولی قبلا ازوزیر مختار روس میخواهد که تعهد کند این بنا فقط اختصاص بتجارتخانه خواهد داشت وهرگزه انبار مهمات جنگی و آلات حرب نخواهد شد وزیر مختار روس نیز درماه صفر ۱۲۵۸ این تعهدنامه‌را بشرح زیر بعنوان حاجی میرزا آقاسی مینویسد .

« جناب مجدت وجلالت نصابا فخامت ومناعت اکتسابا محبان نوازا دوستان استظهارا مشفقاً معظما مکرما بجهه رفع اشتباه وپارهٔ تصورات آزخواهش تجار روس درساختن انباری بکنار بندر استراباد برای مال‌التجاره خود که از مملکت روس می‌آورند چنانکه گفتکووقرار شده‌است انبار مذکور بهیچ بهانه مستحکم نخواهد شدوهرگز انبار آلات حرب واسباب قورخانه نخواهدگردید ودولت علیه‌ایران هیچ چیزبعهده خود نمی گیرد مگر دادن سربازکه برای حفظ مال‌التجاره مطالبه‌خواهد شد چنان‌چه انبار مذکور بخرج دولت علیه‌ایران ساخته شود تجار دولت بهیه‌روسیه برای مدت‌زمان که مال‌التجاره خود درآن خواهدماند رسومی خواهند داد وچنان چه برخلاف آن ساختن انبار فوق الذکر بعهده تجار روس باشد همین اخراجات سرباز مستحفظ این دولت جاوید مدت را خواهند داد .

زیاده چه مصدع شود باقی ایام دوستی و اتحاد مستدام باد تحریرا فی بیست ودویم صفرالمظفر سنه ۱۲۵۸

محل مهر

وزیرمختار دولت بهیه روسیه غراف مدم »

وبالاخره حاجی میرزا آقاسی اجازه می‌دهد که «موافق شروط عهد نامه مبارکه انبار باید در محل تجارت که خود شهر استرآباد است ساخته شود .» بعدا پس از اینکه «غراف مدم» وزیر مختار تندخوی روس‌از ایران میرود و بجای او کنیازدالگورکی مامور دربار محمدشاه می‌شود وروابط حاجی میرزا آقاسی باسفارت روس بهبودی می یابد «چرنایوف» کنسول روس در استراباد از حاجی میرزاآقاسی تقاضا میکند که‌اجازه بدهند در «فرضه استراباد» نیزانباری برای تجارت بنا کنند .

حاجی میرزا آقاسی نیز بااین تقاضا موافقت و به چرنایف کنسول دولت روس اینطور مینویسد .

«عالیجاه بلند جایگاه مجدت وفخامت همراه دوستا مشفقا مهربانا

مراسله حلت مواصله درزمانی خوب واصل واز مسطوراتش که مشعر برمراتب دوستی و یك جهتی بود کمال فرح وسرور حاصل‌آمد اینکه فقراتی از مراتب صدق عقیدت ودولتخواهی خود نسبت بدولت علیه نوشته بودند ومندرج داشته بودندکه میخواهند انشاءاله ازحسن نیت وخیرخواهی برمراتب دوستی و یك جهتی‌دولتین بهیتین بیفزایند ودرآن حدود که‌اقامت دارید از روی کمال حسن‌انصاف بمهمات تبعه دولتین بهیتین پردازند‌الحق آن‌چه نوشته‌اند همه‌مقرون بصدق‌و صوابست ودوستدار را یقین حاصل است که امورات تبعه دولتین بهیتین از حسن نیت‌وخیر خواهی آن‌دوست بخوبی وخوشی‌انجام خواهدیافت در باب ساختن انبار در فرضه استراباد بجهت گذاردن مال التجاره تجار تبعه دولت بهیه که اشعار کرده‌بودند که دوستدار بکارگزاران استراباد قدغن‌نماید بسازند و به تجار تبعه دولت بهیه روسیه کرایه بدهند حسب‌المسئول آن دوست شرحی بعالیجاه مقرب‌الخاقان سلیمانخان بیکلربیکی استراباد قلمی‌داشت که انباری بقدر کفاف مال التجاره تبعه آن دولت بهیه در فرضه استراباد در محلی که مناسب باشد ساخته به‌تجارآن دولت بهیهٔ کرایه بدهد یقین است که عالیجاه معزی الیه ازقرار نوشته من عمل‌خواهدکرد وانبار را خواهد ساخت زیاده مطلبی‌نیست »

نامه‌ای که حاجی میرزا آقاسی به‌سلیمان خان نوشته ودر نامه کنسول دولت‌روس بآن اشاره کرده این‌است

«مقرب الخاقانا مخدوما

چون از اوقاتیکه عالیجاه چرنایوف صاحب قونسول دولت بهیه روسیه در دارالخلافه بود درباب ساختن انبار بجهت گزاردن مال‌التجاره تبعهٔ دولت بهیه روسیه بامن گفتگو کرد ومن بعالیجاه مشارالیه وعده کرده بودم که انبار بقدر کفاف گذاردن مال‌التجاره تبعه آن‌دولت بهیه در فرضهٔ استراباد می‌سازم و به آن‌ها کرایه می دهیم هم‌این اوقات‌عالیجاه مشارالیه کاغذی بمن‌نوشته بودوخواهش این‌مطلب رانموده بود که بوعده وفا نمایم از اینکه عالیجاه مشارالیه راخیرخواه صداقت کیش دولتین بهیتین میدانم بقدراللزوم انباریکه کفاف گذاردن مال التجاره تبعه‌آن دولت‌بهیه رانماید در فرضه استراباد درجائیکه مناسب‌داند بسازید و بتجار تبعه آن دولت بهیه اجازه دهید که من‌اخراجات ساختن انبار مزبوره را به‌آن مخدوم خواهم داد تحریرا فی‌شهرصفرسنه ۱۲٦۳»

حاجی در دنباله این اقدام شرحی نیز باین مضمون برای کنیاز دالگورکی‌وزیر مختار روس نوشته است.

«جناب جلالت ونبالت نصابا محبان استظهارا دوستان اعتقادا مشفقا معظما

در اوقاتیکه عالیجاه مجدت همراه دوست مهربان چرنایوف صاحب دردارالخلافه بود ازمن‌خواهش کرد که در فرضه استراباد انباری بجهت گذاردن مال‌التجاره تجار تبعه‌دولت بهیه روسیه بسازم و کرایه بدهم و عالیجاه مشارالیه نیزدراین‌اوقات شرحی‌ازاستراباددرینباب‌بدوستدارنوشته‌بوداگرچه‌موافق شروط‌عهدنامه مبارکه‌انبار باید در محل تجارت که خود شهراستراباد است‌ساخته شود اماازاینکه دوستدار میخواهد رضای خاطر عالیجاه مشارالیه رابعمل آورد درینوقت شرحی بعالیجاه سلیمان خان بیگلر بیگی قلمی داشته که انباری بقدر کفاف مال‌التجاره تبعه‌دولت بهیه روسیه‌در فرضه استراباد درمحلی‌که مناسب باشد ازپول دوستدار که دخلی‌بکار دولتی ندارد بسازد کرایه بدهد چون استحضار آن‌جناب لازم‌بود دراینوقت نوشتجات استراباد رانزدآن جناب فرستاد که از مضامینش استحضار حاصل نموده زحمت کشیده ارسال استراباد فرمایند. فی هفتم شهرصفر سنه ۱۲٦۳»

چرنایوف کنسول روس در نامه ای باین شرح از اقدام حاجی میرزا آقاسی تشکر میکند.

« تعلیقه رفیعه شریفه که بجهت قبول مستدعیات این‌مخلص ارادت کیش‌صلاح اندیش شرف صدوریافته بود دراسعداوان وخوشترین زمان کالوحی‌المنزل عزوصول و پرتونزول ارزانی داشته از عبارات وفقرات تلطیف آیاتش که مبنی باظهار محبت ومکرمت بود کمال مسرت‌وفرخ رخ نمود وبمراتب اخلاص وامیدواری افزود چون در این‌ایام سعادت فرجام که‌چاپار سفارت دولت‌بهیه عازم‌آن صفحات برکت علامات بود واجب بل متحتم آمد که بمقتضای اخلاص باطنی که باعلی مراتب کمال بود قدم صدق وارادت بساحت شکر گذاری و حق شناسی نهاده بنگارش این مختصر پرداخته آمد امیدوار است که انشاءاله پیوسته اوقات باینگونه مراحم و اشفاق مخلص‌خودراقرین مباهی وافتخار فرمائید تحریرا فی ۲۹شهرصفر ۱۲٦۳»

حاجی میرزا آقاسی گذشته‌از نامه‌ای که قبلا به‌سلیمان خان بیگلر بیگی استراباد نوشته وتوسط پست‌سفارت روس ارسال‌داشته بود جداگانه ومحرمانه نامه‌ای هم بسلیمان خان مزبور مینویسد که در ساختن انبار دقت کافی بعمل آورد که مبادا روسها انبار را بصورت قلعه جنگی درآورند.

« مقرب الخاقانا مخدوما

موافق شروط عهدنامه مبارکه ترکمانچای باید کارگذاران دولت علیه در شهراستراباد که محل تجارت ومعاملت است انباری بقدر کفاف مال‌التجاره تبعه دولت بهیه‌روسیه بسازند به‌آنها کرایه بدهند امادر اوقاتیکه عالیجاه دوست مهربان چرنایوف صاحب دردارالخلافه بود ازمن‌خواهش کرد که چون اموال تجار تبعه دولت‌بهیه روسیه راکه ازکشتی بخشکی فرود می‌آورند مکانی ندارند که مال‌خود را ازبرف وباران محفوظ بدارند اموال آنها ضایع وتلف میشود من‌انباری در فرضه استراباد بسازم به آنها کرایه بدهم من محض استرضای خاطر

عالیجاه مشارالیه قبول کردم انباری ازپول خود که بهیچوجه دخلی بامور دولتی ندارد بسازم‌دراین باب بآن مخدوم نوشته بتوسط چاپار سفارت فرستادم که ملاحظه خواهید نمود لهذا مجدداً به‌آن مخدوم مینویسم که انبار مزبور بقدر مال‌التجاره آنهادر محلی‌بسازد که بهیچوجه ضرری‌برای دولت علیه نداشته باشد و انبار مزبور حصار وقلعه نمی‌خواهد مجتمع‌هم‌نسازد ومتفرق باشدمیباید آن‌مخدوم بطوری که نوشته شده‌است‌انبار مزبور رادر فرضه‌استراباد بسازد آنچه خرج‌نماید من خود بـه‌آن مخـدوم خواهـم داد وکسی هم از مضمون این نوشته مستحضر نشود باقی والسلام »

در ذیل نامه حاجی میرزا آقاسی باخط خودنوشته

«انبار انبار است وکاروانسرا کاروانسرا وقلعه قلعه چند جا انبار ساختن وبهم متصل ننمودن و بصورت قلعه در نیاوردن سبب اطمینان اهالی‌طرفین است بوضعی بسازید که بصورت قلعه وکاروانسرا که برادر کوچك قلعه است‌در آن‌سرحد باعث صدهزار گفتگو است خانه که‌چنداطاق کوچك برای نشستن تجار وانبار بزرگی که بسیار بزرك باشد برای گذاشتن بار کفایت دارد بعد بفاصله‌یکصد ذرع باز مثل‌آن میتوان وهمچنین اگر مطلب را یافتید فبهاوالا آدم دیگربفرستم بیاید انبارها راساخته مراجعت کند. بتاریخ سه‌شنبه۹شهرصفرسنه ۱۲۶۳»

وباین ترتیب انبارهائی در سواحل استراباد و بندر جز ساخته برای تجارت در اختیار روسها گذارده می‌شود.



هنگامی که امیر کبیر صدر اعظم ایران بود اتفاقا یکی از انبارهای فوق‌الذکر آتش گرفته وتمام بنای آن دستخوش حریق میگردد.

روسها بعد از خاموش کردن حریق در صدد ساختن مجدد بنا میافتند ومصالح و اسباب کار را فراهم میسازند.

از آن‌طرف امیر کبیر موقع رامغتنم‌شمرده به محمد ولیخان بیگلر بیکی استراباد دستور میدهد بهرطریق هست‌در کار ساختمان تجارتخانه موانع واشکالاتی ایجاد نموده تا میتواند نگذارد کار بنائی صورت بگیرد.

کنسول روس چرنـایوف مقیم استرابـاد در تـاریخ ۳ صفر ۱۲۶۷ بـه محمد ولیخان مینویسد:

«از قراری که معلوم میشود بعضی از اهالی جز و مباشرین آنجادر باب ساخته شدن انباری که از اول معاملت وتجارت کامپانیا در کنار جزساخته ودربن عرض مدت درتصرف ایشان بوده واین‌اوقات صورت احتراق یافته بود مانع میشوند ومردم‌را از بردن چوب وتخته منع میکنند ونمی گذارند که‌چوب آلات بفروشند. ازین طرز وطور ونرس حقوقها که بمردم داده ومیدهند وعاقبت کار بجائی‌رسید که نه تجار جرأت معاملت میکنند ونه مکاری قدرت حمل ونقل مال‌التجاره ازکناره دارند و این معنی که منافی مراسم اتحاد دولتین بهیتین است موجب سدطرق تجارت وباعث ضرر وزیان رعایای طرفین خواهدآمد ومردم از دادوستد و کسب و معیشت باز خواهند ماند ...... لهذا زحمت می‌دهد که در عالم اتحاد وموالات دولتین فخیمتین قدغن فرمایند که کسی در بـاب ساخته‌شدن همین یکباب انبار سوخته چوب‌فروش وتخته بران رامانع نشده گذارند که ساخته‌کمافی السابق در دست داشته باشند و بطریق اول مشغول تجارت خود گردند .....»

در طهران بین وزارت امور خارجه وسفارت روس مکاتبات و مذاکراتی بعمل‌می آید وبالاخره میرزا محمد علیخان از طرف وزارت امور خارجه به پرنس دالگورکی در ماه صفر ۱۲۶۷ می نویسد «..... دولت علیه ایران میل داردانباریکه پنج‌سال قبل ازاین

بخرج تجار کامپانی روس در کنار جز ساخته شده بود واین روزها آتش گرفته سوخته است بخرج خود از نوع بسازد ...»

پرنس دالگورکی این پیشنهاد را بادو شرط قبول میکند .

«شرط اول انبار مذکور هرچه زودتر بطوری ساخته شود که مقصود حاصل آید درینصورت معلوم است بنظارت عالیجاه قونسول و تجار کمپانی باید ساخته شود

شرط دوم تجار کامپانی برای ساختن انبار واسباب ومصالح جمع کرده نواب مهدیقلی میرزا (حاکم استراباد ومازندران) خرج آنرا بدهد زیراکه در راه مودت این خرج را کرده‌اند و خواسته‌اند که خرج بی فایده را از دولت رفع نمایند .»

وبدین ترتیب مطابق نقشه روسها یك انبار ویك عمارت مسکونی مشتمل برده اطاق باهتمام محمدولیخان بیگلربیگی استراباد ساختند وقرارشد که آشپزخانه و حمامی نیز بسازند واین بناها را رویهم از قرار سالی دویست وپنجاه تومان بکمپانی تجاری روس اجاره دادند .

صورت اجاره نامه از اینقرار است :

«کمپانی انبار جدید و مایتعلق بهارا که عبارت از نشیمن وحمام وآشپزخانه که باید ساخته شود اجاره میکند[1] که مبلغ دویست وپنجاه تومان هرساله بدهد مشروط بشرایط مذکور :

شرط اول این است بعد از آنکه همه انبار ونشیمن وحمام وجای عمله‌جات وآشپزخانه‌را درست کردند و بتصرف سرکشیك دادند چهار ساله اجاره نماید درهرسال دویست وپنجاه تومان بدهد واول وقت اجاره بعد از درست شدن نشیمن وحمام وغیره باشد .

دوم اینکه وجه اجاره‌را دریك سال بسه قسط بدهد یعنی ازچهار ماه بچهار ماه

سیم اینکه درظرف مدت اجاره هرگاه جائی خراب بشود باید فورا صاحب انبار در مرمت وتعمیر آن بپردازد و اگر تأخیر بیندازد سرکشیك خود درست کرده آنچه خرج نماید از وجه اجاره موضوع و محسوب بدارد .

چهارم اینکه قبل ازاتمام مدت اجاره که چهار سال‌است صاحب انبار آنرا بکس دیگر اجاره ندهد و نتواند فسخ اجاره نماید .

پنجم اینکه هرگاه کمپانی ضرور داشته باشد بخواهد جائی‌یامکانی علاوه برآنچه که ساخته‌شده‌است بسازد مانع نشوند واین قسم اخراجات را ازخود خرج خواهد کرد بشرطی‌که بعد ازانقضاء مدت اجاره همان جا و مکان علاوه ساخته مال صاحب انبار باشد سوای آنچه که از خرج و مال دیگر در آنجا باشد یعنی در میان آن مکان .

ششم اینکه هرگاه صاحب انبار نخواهد بغیر از انباری که جدید ساخته است نشیمن و مکان دیگر بسازد مانع نشده کمپانی خود خرج کرده خواهد ساخت ولی آنوقت اجاره انبار یکصد و پنجاه تومان خواهد بود در یکسال .

هفتم اینکه پل رودخانه که درپهلوی انبار است‌وخراب شده است باید صاحب انبار آنجا را نیز بسازد که تردد آسان باشد ۱۳ شوال ۱۲٦۷ »

وبدین طریق انبار تجارتخانه ساخته وبروسها اجاره داده میشود .

بعدازامیر کبیر دردوره صدارت میرزا آقاخان نوری بواسطهٔ سوء سیاست ، روسها بنای اشکالتراشی را گذارده و پرداخت اجاره بهارا بتعویق میاندازند و تقاضای خرید انبار تجارتخانه را مینمایندوهمچنین به بهانه کمی جاتقاضای واگذاری زمین‌های دیگری رامیکنند

بالاخره ساختن حمام و آشپزخانه که تا آن دوره بتأخیر افتاده بود توسط خود روسها ساخته میشود ودولت ایران خرج ساختمان آنرا بروسها میپردازد .

وراجع بفروش بنا که مکرر مورد تقاضای روسیه بود میرزا آقا خان زیر بار نمیرود وباین بهانه که آنجا خالصه وملك پادشاه است متعذرودر تاریخ صفر ۱۲۶۸ مینویسد «...... آنجا کلاخالصه وملك سر کار اعلیحضرت پادشاهی ارواحنا فداه است وبدیهی است یك مشت سفال آنرا به پنجاه هزار تومان نخواهد فروخت ......»

ج - بنای بیمارخانه

درسال ۱۲۶۲ هجری قمری هنگامی که حاجی میرزاآقاسی صدر اعظم ایران بود دولت تزاری روس بمنظوری که قبلا گفته شد بدولت ایران فشار میآورد که برای معالجه کارگران کشتی‌ها وملوانان واتباع روس ازطرف‌دولت ایران درساحل استراباد زمینی برای ساختمان بیمارستان بآن دولت واگذار شود .

پس ازمذاکراتی که در این باب بین دولتین بعمل میآید حاجی میرزا آقاسی از طرف محمد شاه دستوری بعنوان موسی خان حاکم استراباد صادر میکند که « در محلی خارج ازقصور بیمار خانه‌ای که جای‌زیاده ازحد واستعداد بیمارخانه نداشته باشد وتصور چیز دیگر نشود و استحکام آن همینقدر باشد که آن بنارا بیمارخانه توان گفت بفاصله وبطرز وترکیب جایهای معمولی رعیتی استراباد که بکار سکنی دادن مریضها برخورد که با اخراجات جزئی میتوان ترتیب داد بسازد ولاغیر »

باآنکه این دستور از طرف حاجی میرزا آقا سی صادر میشود ولی چون بعد از آن دوران صدارتش چندان بطول نمی انجامد این اقدام به نتیجه‌ای نمیرسد و بالاخره محمد شاه فوت میکند و ناصرالدین شاه بجای او مینشیند و امیر کبیر بر کرسی‌صدارت تکیه میزند .

یکی ازموضوعاتی که وزیر مختار روس باامیر درمیان مینهد همین تاسیس بیمار خانه دراستراباد بود وعاقبت امیر کبیر موافقت میکند که‌مطابق قرار حاجی میرزاآقاسی بیمارخانه ساخته شود و بدین منظور نامه‌ای بشرح ذیل به عباس خان بیگلر بیکی استراباد مینویسد .

«عالیجاها مقرب الخاقانا مخدوما درایام حیوة شاهنشاه مغفور »
«مبرور سفارت دولت بهیه روسیه ازاولیای دولت قاهره خواهش دوستانه کرده»
«بودند که کارگذاران دولت علیه بیمار خانه‌برای اهالی سفاین آن دولت بهیه»
«که دردریای استراباد تردد داردترتیب دهند وازمصدر خلافت ملفوفه فرمانی»
«بعهده عالیجاه مقرب‌الخاقان موسی خان حاکم سابق آنجا صادر شده بود »
«باین مضمون که‌درمحلی‌خارج ازقصور بیمارخانه که جای‌زیاده ازحد واستعداد»
«بیمارخانه‌نداشته باشد وتصور چیزدیگر نشود واستحکام آن همین قدرباشد»
«که آن بنارا بیمارخانه توان‌گفت بفاصله وبطرز وترکیب جای های معمول »
«رعیتی استراباد که بکار سکنی و اذن مریضها برخورد که با اخراجات جزئی»

«میتوان ترتیب داد بسازد ولا غیر اما از قراریکه مذکور شد تابحال چنین »
« بیمارخانه در آنجا ساخته نشده است .
« از اینکه سفارت آندولت بهیه دوستانه خواهشی است که کرده اند بآنمخدوم »
«اظهار میشود که بیمارخانه مزبور را بطوریکه درفوق مسطور است درمحلی »
«خارج ازعیب و نقص بسازد واز کارگذاران دولت بهیه روسیه موافق قاعده »
« کرایه بگیرد و اخراجات بیمار خانه مزبور چون جزوی است من خود بشما»
«خواهم رسانید و اگر برای بیمار خانه مزبور کشیکچی بخواهد من دراینجا»
« باجناب جلالتمآب زبدة السفراء المسیحیه محبان استظهاری پرنس دولغاروکی»
« وزیر مختار آن دولت بهیه گفتگو کردم قرارشد که ازخودسالدات برای کشیك»
«آنجا بخشکی نیاورندواز تبعه دولت علیه کشیکچی که بخواهند بگیرند وآجرت»
«آنهارا بدهند .   فی ۱۹ رجب المرجب ۱۲۶۵»

چند هفته بعدامیر کبیر ملتفت میشود چون این اقدام موجب بسط نفوذ روسها درشمال ایران است تغییر رای میدهد و بر آن میشود که اقدامی نماید تاشاید روسها را اصولا از این فکر منصرف نماید .

بدین منظور در تاریخ ۲٦ رمضان ۱۲۷۵ نامه ذیل را به پرنس دالگورکی وزیر مختار روسیه مینویسد .

« اینکه درطی مراسله مرسوله فقراتی از ساختن بیمارخانه برای بحریان روسی»
« در ساحل دریای استراباد اشعار رفته بود بلی ازآنجا که بحمداله امروز مراتب»
« مهر ومحبت ومراسم دوستی ومخادنت فیمابین دودولت بمرتبه کمال رسیده که این»
« طور مواحدت محسود اقارب واجانب آمده واولیای آن دولت بهیه بوضعی درترقی»
« وپیشرفت امور این دولت علیه اقدام اقتحا گذاشته نظر التفات واهتمام گماشته اند»
« که دولتین بهیتین حکم دولت واحد بهم رسانیده ودرمجاری تغییرات وتبدیلات که این»
« اوقات بحکم تقدیرات درین همایون شوکت ظاهر شد بنوعی در مهمات ایندولت »
« مجاهدت کافیه ومساعی جمیله از اولیای آن شوکت فخمیه بظهور رسیده که مافوق»
« بر آن متصور نیست بتخصیص آن جناب دوست مکرم که دردقایق دولتخواهی و »
« مراسم صلاح اندیشی بهیچوجه فرو گذاشت نفرمودند مقتضیات این طریق مواحدت »
« البته مستلزم آنست که تکالیف دوستانه جانبین درخدمت همایون حضرتین مقبول »
« گردد ولی این خواهش موجب استیحاش عامه خلایق وسرحد نشینان که مردمان »
« وحشی صحرائی وازرسوم دولتداری ومصلحت بینی عاری بلکه ضررهای فاحش را»
« محتمل است چنانچه آن جناب ازاحوال واخلاق خلق ایران استحضار دارند ومی»
« دانند که آنچه نوشته شده است ازروی حقیقت وراستی است نه عذر وبهانه انشاءاله»
« تعالی امنای آندولت بهیه بنظر انصاف ملاحظه خواهندفرمود که منظور ومقصود»
« اولیای این دولت علیه استیحاش از خلق ایران است نه از کارکنان آندولت بهیه زیرا»
« که ازآنها کمال حسن ظن دارند ودوست خیرخواه حقیقی خود میدانند بموجبات »

« مزبوره یقین حاصل است که آنجناب دوست مشفق مکرم ازراه دولتخواهی وصلاح
«اندیشی راضی بضرر فاحش ایندولت علیه نخواهند شد و بهمان بیمارخانه که در »
« جزیره آشوراده ملك ایندولت علیه موجود ومهیاست اکتفا خواهند فرمود چون»
« لازم بود اظهار شد ومصدع آمد ۲۶ شهر رمضان ۱۲۶۵»

این نامه ودلائل امیر کبیر وزیر مختار روس دالگورکی راقانع نکرده در جواب نامه اعتراض آمیز ذیل رادر تاریخ ۲۹ رمضان ۱۲۶۵ مینویسد .

« نوشته که آنجناب مناسب دانسته بدوستدار قلمی وارسال فرموده بودید رسید درضمن آن که فقرات چنداز دوستی رسمی مندرج بودآن جناب بقدرقوه ساعی وجاهد بوده که طفره بزنند ازاقرار واعتراف حقی که دولت بهیه روسیه بموجب فرمان مبارك شاه جنت مکان تحصیل نموده برای ساختن بیمارخانه درساحل استراباد . دوستدار میل ندارد که حالی وخاطر نشان آنجناب نماید که چه خیالی باید داشته باشد از دولتی که تعهدات خود را محترم نمیدارد وبدون سبب وجهت حسابی بهم میزنند کلام پادشاهی راکه جمیع خلایق مقدس میشمارند ونقض آنرا جایز نمیدانند ولی دوستدار تکلیف ووظیفه خودرا در این میداند که بطریق اکمل ایراد بگیرد اینگونه نقض وعدم کلی ظن نسبت بدولت همجوارودوست بزرك ودرستکار»

در دنباله این نامه مکاتباتی چند بین صدراعظم ایران و وزیرمختار روسیه رد و بدل میگردد وهرچه دولت ایران از زیر بار این تکلیف شانه خالی میکند نماینده دربار تزار براصرار وابرام خود میافزاید امیر کبیر ناچار درماه ربیع الاول سال ۱۲۶۶ نامه ای باین شرح توسط پرنس دالگورکی برای کنت نسلرود صدر اعظم و وزیر امور خارجه روسیه مینویسد .

« برصفحه مضافات وموالات مینگارد که مراتب اتحاد واتفاق دوحضرت بحمدالله»
«تعالی بطوری وضوح وبروز نموده که جای شبهه وابهام نباشد .
« در این عهد وروزگار خجسته آثارفیما بین شاهنشاه ولینعمت من ناصرالدینشاه»
« ابدالله عیشه وایدجیشه باعلیحضرت قدرقدرت قضاشوکت امپراطور اعظم اکرم »
« که پس از زمان ملاقات ووعده های ملوکانه امپراطوری نه بطوری بمحبت ونظر»
« تقویت آن اعلیحضرت اطمینان وخاطر جمعی دارند که احدی تواند سوء ظن یا »
« خطشه در مراسم دوستی و التیام و اتفاق حضرتین داشته باشد این معنی بر رای »
« صوابنمای آنجناب ودوستدار بلکه برهمه کس از دور ونزدیك هویدا و ظاهر و»
« معلوم است که موالیان وکارپردازان حضرتین نیز بوسایل مستحسنه طالب ازدیاد و»
« استکمال این حسن مودت و مراودت هستند جناب زبدة السفراء المسیحیه پرنس »
« دولقاروکی وزیر مختار آندولت بهیه در رمضان ۱۲۶۵ کاغذی بدوستدار نوشته»
« بموجب یکطغری سواد بخط منشیان سفارت فرمانی ازشاهنشاه مرحوم صادر شده»
« است که کارگذاران استراباد بیمارخانه برای بحریان سفاین دولت بهیه روسیه»
« در ساحل استراباد بسازند لهذا دوستدار شرحی در جواب کاغذ معزی الیه بموجب»
« حکم اقدس پادشاهی خلداله ملکه وسلطانه نگارش داشت که البته سواد آن بنظر »
« آن جناب رسیده این خواهش باعث استیحاش خاطر مردمان وحشی استراباد و »

« ساحل آنجا می‌شود البته بدین مهمات ضرر فاحش برای نظم ملکداری دولت علیه»
« خواهد داشت اولیای آن دولت بهیه نظر بتقویت و حسن نیتی که در پیشرفت کار »
«این دولت دارند این تکلیف را ننمایند در این اوقات باز جناب معزی الیه مجددا »
« اظهار ساختن بیمارخانه در محل مذکور نموده و مراتب بعرض اقدس ملوکانه رسید»
« دوستدار را مامور فرمودند که با آنجناب اظهار دارد که زحمت کشیده بحضور »
« اعلیحضرت امپراطوری عرضه دارند که نه ما و نه اولیای دولت ما بهیچوجه در»
« این باب سوءظن و بدگمانی در حق دولت بهیه روسیه نداریم و آن دولت بزرگ و»
« دوست همجوار خود را مبرا از اینطور تخیلات و تصورات میدانیم اما اینکه عالمیم»
« بحالت رعیت و مملکت خود بجهات مسطوره فوق قبول آنرا باعث ضرر فاحش»
« وخرابی امور مملکت خود می‌دانیم البته مسموع داشته‌اید رعایای آن ملك در باب»
« توقف بحریان سفاین آن دولت بهیه در جزیره عاشوراده ملك طلق این دولت زیاده»
« مایه استیحاش شده است از اعلیحضرت امپراطوری در عالم دوستی و اتحاد»
« متوقعیم که تکلیف ساختن بیمارخانه در سواحل استراباد بکارگذاران این دولت »
« علیه نشود و قراری در باب تخلیه جزیره عاشوراده ملك دولت علیه خواهند فرمود»
« بدیهی است که بیشتر باعث بروز و ظهور تقویت اعلیحضرت امپراطور اعظم اکرم»
« در انتظام امورات این دولت و این مملکت خواهد بود . »

کنت نسلرود در جواب نامه امیر کبیر در ماه جمادی الثانی ۱۲۶۶ نامه ذیل را نوشته و از طرف امپراطور روسیه موافقت میکند که چندی ساختن بیمارستان بتعویق افتد.

« عالیجاه رفیع جایگاه اولین وزیر اعلیحضرت شاه امیر نظام میرزا تقی‌خان دوست مهربان دام اقباله نامه آن عالیجاه شرف وصول بخشید و در ضمن آن سببی را درج فرموده بودند که بنابر رای آن عالیجاه اجرای حکم رضوان مکان محمدشاه را نسبت بتعمیر بیمارخانه در سواحل استراباد برای عساکر سفاین حربیه ما که گشت و گذار کرده ولایات ساحلیه ایران را از هجوم و غارت ترکمانان محافظت مینمایند اکنون مانع آمده است و این دوستدار از آن مضمون تمایل سرکار ایران از اجرای آنکه لازمه عهده اوست بحزن و حیف مطالعه کرده عدم موافقت آنرا پرسخت مشاهده نمود باتوثیقات جدید آن عالیجاه که در میل و رغبت دوستانه دربار شاهی نسبت بدولت روسیه نموده‌اند و سبب رد و منع بیمارخانه را چنان مینمایند که گویا اینگونه تمهید مردمی و مردم پروری مبادا اهالی استراباد را بسبب جهالت و درشتی طبع و وحشیت اخلاق ایشان به آشوب آورد حالا دوستدار را باید ملاحظه نماید که اینگونه سبب در زمانی معتبر میتوانستی شد اگر از حین صدور فرمان محمدشاهی فی الحقیقه در احوال وضع آن حوالی تغییرات کلی بهم رسیدی و بدانواسطه اکنون اخلاق اهالی درشت‌تر و نا ملایم‌تر از سابق میگردید اما در این مدت قلیله پرظاهر است که در اخلاق مردم آن گونه تبدیلات متحیره نمی‌توانست عارض گردد بلکه برخلاف آن بموجب اخباراتی که از طرف گماشتگان ما دائما رسیده است ظاهر و نمایان می گردد که اهالی آن حوالی قدر محافظت سفاین حربیه ما را که بایشان می‌نمایند هرساله بیشتر از پیشتر می‌فهمند و می‌دانند که ایشان را از نهب و غارتی که سابقا سواحل بحریه خزریه ایران رو بخرابی نهاده بود حراست میکنند پس بدین تقدیر سرکار دولت امپراطوری بمجرد اظهار بهانجات پنداری بهیچوجه نمی توانند سببی یابند تا از حقوقی که بموجب فرمان محمدشاهی ثابت و لازم است باز استند فلهذا دوستدار لازمه خود می‌شمارد که بموجب حکم همایون اطاعت مقرون امپراطوری به آن عالیجاه اظهار و اعلام نمایند که حضرت همایون اعلی در رعایت ثبات و استقامت آن

حقی که بموجب فرمان مذکور حاصل است عزمی ثابت می‌دارند امابا وجود آن باز ازروی مهربانی وهمت‌نسبت بسرکار ایران راضی‌شده‌اند که طلب اجرای آنکه بموجب فرمان مذکورلازمه ذمه سرکار ایران می‌باشد برای چندی فروگذاشته بیمارخانه را تاوقتی در جزیره عاشوراده متعلقه ایران بازدارند ونسبت بسیر سفاین آن همه هجوم دزدان بر کشتی‌های تجارتی و سوختن آن ونصه‌غارت وخراجی انبار اموال تجاران روس که درین نزدیکی واقع شد ظاهرا خیلی روشن مینماید که وجوب وجود قوت بحریه‌روسیه برای تحصن کشتی‌ها و برای امنیت ورفاهیت اهالی سواحل مازندران و استراباد از مقتضیات می‌باشد ورفع وجود آنها موجب تجدید خرابی و غارت است که سابق براین دزدان دریا مینمودند که عنان جسارت ایشان محض باستیلای ترس بیرق جنگی روس بازداشته میشود خلاصه دوستدار فرصت را غنیمت شمرده باکمال احترام و ارادت خود را نسبت به آن عالیجاه تجدید مینماید .

وزیر دولت عظمی غراف نسلرود در دارالسلطنه پطرز بورغ ٤ماه آمپریل ۱۸۵۰ مسیحیه قلمی شد .»

وبدینطریق باآنکه روسها اجاز. تاسیس بیمارخانه را بدست‌آورده بودند امیر کبیر نمیگذارد بچنین امری مبادرت نمایند .



شاید مناسب بود که‌در این قسمت راجع بجزیره عاشوراده ودست اندازی دولت تزاری روس بآن نیز بحثی بشود ولی‌چون تصرف عاشوراده بیشتر صورت تسخیر نظامی را داشته و بعلاوه اخیرا در بعضی از کتب راجع بآن کم وبیش صحبت شده در اینجابرای احتراز از تطویل ازاین موضوع صرفنظرشد .



شیلات

روسها و شیلات

سواحل جنوبی بحرخزر ورودخانهائی که بدان میریزد دارای انواع واقسام ماهیهای خوراکی است وصید ماهی در نواحی شمالی ایران از منابع مهم ثروت مردم آن سامان است .

سواحل جنوبی دریای مازندران که متعلق بایران است نسبت بسواحل شمالی بواسطه سرما در مدت زمستان ازیخ پوشیده شده وماهیها در این فصل بطرف سواحل ایران که آب وهوای معتدلی دارد ونیز عمق آن بیشتراز نقاط شمالی است مهاجرت میکنند .

مراکز عمده شیلات (۱) ایران عبارت است ازآستارا – پهلوی (انزلی) – حسن کیاده – مشهدسر – خواجه نفس – خلیج استراباد (در مصب قره‌سو) وگمش تپه.

صید وخرید وفروش ماهی های رود خانهای شمالی ایران و سواحل جنوبی بحر خزر توسط روسها سابقه ممتدی دارد وتوسعه آن بعداز جنك های ایران و روس و انعقاد معاهده ترکمانچای میباشد بخصوص که باامضاء عهدنامه تجارتی مورخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ هجری قمری (۲۲ فوریه ۱۸۲۸) ضمیمه معاهده مزبور برای تجارت اتباع روس درایران حقوقی را شناختند وامتیازاتی را برای آنها قائل شدند .

از این تاریخ تاسال ۱۲۹۳ هجری‌قمری که ناصرالدین‌شاه تمام‌شیلات را بمیرزا حسین‌خان سپهسالار اجاره میدهد واونیز یکجا تمام‌آنرا بروسها واگذار میکند حق‌صید وفروش ماهی هررودخانه و ناحیه دراجاره اشخاص مختلفی اعم ازروسی وایرانی بود .

این اجاره داری برای اتباع روس که داری وسائل بهتر هم‌برای صیدوهم برای حمل ونقل وفروش بودند فواید زیادتری داشت وبهمین‌جهت‌چون اغلب مواقع اتباع‌روس اجاره بهای بیشتری بحکام نواحی شمالی ایران میدادند اتباع ایران نمی توانستند باآنها رقابت نمایند .

این موضوع بعدها بااختلافاتی که بین موجر ومستاجر واتباع ایران وروس یابین خود مستاجرین پیش میآید مخصوصا آنکه دولت تزاری روس برای‌انجام مقاصد سیاسی

---

۱ – سدی که صیادان در نواحی شمالی ایران در عرض رودخانه برای صیدماهی باچوب وشاخ و برك درختان میسازند شیل نامیده میشود وجمع آنرا شیلات گویند .

ماهیها که در فصل معینی برای خوردن آب شیرین از دریا وارد رودخانه میشوند در موقع مراجعت در کنار این سدهای مشبك جمع میگردند وصیادان باتور یاقلاب بصید آنها می‌پردازند .

وتوسعه نفوذ خودبواسطه داشتن حق کاپیتولاسیون از این امرسوء استفاده‌هائی میکرد اشکالات زیادی برای دولت ایران تولید مینماید.

اولین صدراعظمی که بااجاره دادن شیلات بحر خزر بروسها مخالف بود شاید حاجی میرزا آقاسی را بتوان نام برد وبعداز او امیر کبیر و میرزا آقا خان نوری نیز اقداماتی در این باب بعمل آوردند ولی هیچکدام نتوانستند بکلی دست روسها را از شیلات شمالی ایران کوتاه سازند.

نوشتن تاریخچه کامل چگونگی قراردادهائیکه قبل از سال ۱۲۹۳ هجری قمری با اتباع روس رای استفاده از شیلات ایران منعقده شده خالی از اشکال نیست زیرا گذشته از عدم دسترسی باسنادی که ممکن است امروز موجود باشد قسمت عمده آنها یقیناً تاکنون از بین رفته است.

بهرحال برای آنکه خوانندگان تااندازه‌ای بجریان این موضوع آشنابوده وازروابط بین دولت ایران وروسیه تزاری دراین باب ومکاتبات مربوطه بآن مطلع باشند بعضی از اسناد ونامه‌هائی راکه بدست آورده‌ام در اینجا میآورم وسپس بشرح قرارداد میرزا حسین خان سپهسالار بابرادران لیانازوف می‌پردازم.

اجاره داری اتباع روس و اختلاف بین آنها

حاج میرباقرتاجر حاجی طرخانی وفرزندان او که اصلا اهل گیلان وبرای تجارت بقفقازرفته ودر آن‌جا سکونت اختیار کرده بودند از مستاجرین عمده شیلات بشمارمیرفتند.

بعداز جنگ‌های ایران وروس وعقد معاهده ترکمانچای حاج میر باقر به تابعیت روس درآمد وپس‌ازمرگش فرزندان ونوه‌های او نیز مانندپدر کارعمده آنها اجاره‌داری شیلات بحر خزر بود. وراث حاج میر باقر بعضی مثل میر ـ ابوطالب به‌تابعیت روس باقی ماندند وبعضی دیگر مثل‌میرزا اسمعیل ومیرزا صادق‌تبعیت ایران‌راپذیرفتند.

نامه ذیل را وزیر مختار روس هنگامی به وزیر امور خارجه ایران مینویسد که بین میرابوطالب باقراسیموف نام ارمنی اتباع روس اختلافی ایجاد شده بود.

در پشت پاکت نوشته

«عالیجاه رفیع‌جایگاه مجدت ومناعت اکتناه شوکت‌وجلالت انتباه دوستان استظهاری میرزا مسعود وزیر امور دول خارجه مفتوح فرمایند.»

متن نامه

«عالیجاها رفیعجایگاها ابهت ومناعت اکتناها دوستان استظهارا مکرما نظربراینکه در خصوص پارهٔ رودخانهای صید ماهی‌میانه میرابوطالب خان تاجر حاجی ترخانی و قراسیموف ارمنی منازعه واقعست و برای تشخیص حقیت هرکدام از آن‌ها لازم است که دو فقره از دولت علیه ایران استعلام واستفسار شود.

اولا آیا کومش‌تپه ومحل موسوم بحسینقلی از لواحق دریای استراباداند که در اجاره میرابوطالب‌خان است یااینکه مکانهای مزبوردخلی بدریای استراباد ندارند وعلاحده‌اند وآیامسافت جایهای‌مرقومه‌ازرودخانه سرحد استراباد چقدر می‌شود وثانیاً از جماعت حسینقلی و کومش‌تپه آیا حق دارند که بدون شراکت دولت ایران از رودخانه اترک ابتدا کرده تاگمش‌تپه برودخانه حاجی نفس وقراسینقیرالی رودخانه قراسو دخل تصرف داشته باشند

بانه چگونگی راتوقع دارم که بدوستدار اعلامی ومعلوم نمایند تاحقیقت امرمحقق ومشخص گردد زیاده چه زحمت دهد تحریرا فی ۲۲ شهر رمضان ۱۲۵۱ »

پشت صفحه محل مهر (وزیر مختار دولت بهیه روسیه غراف ایوان سیمویچ).

دولت ایران ضمن جوابی که بنامه سفارت روس میدهد میگوید که « عالیجاه عباس خان بیگلر بیگی استراباد مینویسد قراسیموف بدون اجازه بدستیاری عنایت ترکمان با کشتیهای خود در دریای استراباد مشغول صیادی است » و از سفارت روس میخواهند که قراسیموف را از این کار منع نمایند.

استپان سوجایوف تبعه روس ـ سالها در دوره محمد شاه مستاجر شیلات رودخانه‌های مختلف مازندران بود.

سوجایوف برای پرداخت اجاره شیلات رودخانه بابل مشهد سر تعهدنامه‌ای بشرح ذیل به میرزا مسعود خان وزیر امورخارجه میدهد که سالانه مبلغ یکصد وده تومان بابت اجاره بپردازد.

« از مال سرکار جلالتمدار مقرب الخاقان میرزا مسعود وزیر دول خارجه مبلغ یکهزار ویکصد تومان رایج خزانه عامره از بابت اجاره شیل ده‌ساله رودخانه بابل مشهد سرازهذه‌السنه پیچی ئیل برذمت دارد استپان سجایف تاجر حاجی ترخانی که انشاءالله تعالی مبلغ مزبور را از قرار قسط سالی یکصدوده تومان دروجه کارگذاران معزی‌الیه کارسازی نموده عذر نیاورد ـ تحریرا فی شهر ذی‌القعده الحرام سنه ۱۲۵۲ »

محل امضاء استپان سجایف (بروسی)

هنگامیکه بین میرابوطالب سابق الذکر و استپان سوجایف اختلافی پیش میآید سفارت روس نامه‌ای بشرح ذیل بمیرزا مسعود وزیردول خارجه می نویسد.

« جنابا جلالت ونبالت نصابا فخامت ومناعت مآبا مجبان نوازادوستان استظهارا

در باب نزاع حدود شیلابات مازندران متنازع فیه‌دو نفررعیت دولت بهیه روسیه که سوجایوف مسیحی ومیر ابوطالب اهل حاجی ترخان باشند آنجناب شنیده ومطلع بوده‌است سفارت دولت بهیه روسیه بجهته دفع نزاع ایشان بدقت وتحقیق وتفحص نموده حکم صریح بررفع نزاع طرفین نموده‌اند چون امنای دولت علیه ایران هم اظهار مصلحت اندیشی اینگونه نزاع ودعاوی را نموده‌اند بر دوستدار لازم آمد که کیفیت وچگونگی مابه‌النزاع ایشان وحکم سفارت رادر آن‌خصوص قلمی واظهار نماید ازقرار اجاره نامچهٔ سوجایوف مسیحی که‌از نواب شاهزاده‌ملک آراء حاکم سابق مازندران ومطابق همانفرمان اعلیحضرت پادشاهی دردست دارد حدود شیلاباتیکه دراجاره‌اوست از حد غربی ملاکلااست الی کلباد که یکحد مازندران وشرقی استراباد میشود.

میر ابوطالب ولدمیرباقر موافق اجاره‌نامچه که از نواب اردشیر میرزای حاکم سابق استراباد در دست دارد مدعی‌است که ازکواهوك تااشرف دراجاره من‌می‌باشد وحال آنکه شهراشرف در سه فرسخی غربی کلباداست مع‌هذا میرابوطالب علن وآشکار می‌خواهد بدون حق و حساب محل صید وشیلاتیکه در اجاره سوجایوف است ضبط نماید ودر این صورت میرابوطالب نام نمی‌تواند خودرا در این نزاع بی‌تقصیر نماید چون قبل از آن که‌میرابوطالب اجاره نامچه از حاکم استراباد گرفته باشد مضمون اجاره‌نامچه فرمان سوجایف بحکم دیوانیان از روی قانون در حاجی ترخان گوش‌زد همه اهالی آنجا شده شهرت یافته است که احدی دخل وتصرف دراجاره شیلابات سوجایف ننماید بهمین مضمون‌هم دوستدار بحاکم حاجی ترخان قلمی داشته است که تکلیف خودرا دانسته باشند در همان‌وقت عالیجاه میرزا الکسندر را نیز آگاه ساخت که‌میرابو طالب ولدمیرباقرتاجر کلدی (؟) اول حاجی ترخان

را اطلاع دهد که اگرخواسته باشد غیرآن رفتار نماید در هر باب ازعهده برآید گزارش وکیفیت اینستکه قلمی شد از آن جناب توقع است که از کارکنان دولت علیه خواهش نموده باشند که در هر جهة مراقب احوال سوجایف بوده احدی دخل وتصرف در شیلاتیکه در اجاره اوست ننموده بهیچوجه مانع ومزاحم صیداو نشوند تحریرا فی ۷ شهرجمادی الثانی من شهورسنه ۱۲۵۳»

شیلات در دوره حاجی میرزا آقاسی

گفتیم حاجی میرزا آقاسی صدراعظم محمد شاه با دخالت روسها در شیلات مخالف بود واز اجاره دادن شیلات باتباع روس حتی المقدور جلوگیری میکرد و بحکام نواحی شمالی ایران نوشته بود که بدون اجازه اوهیچیك از شیلات را بروسها اجاره ندهند.

حاجی میرزا آقاسی در نامه‌ای به اسمعیل خان میزان آقاسی مباشر شیلات چنین مینویسد.

«حکایت تازه شنیدم خیلی بنظرم غریب آمد ازاستراباد روزنامه نوشته بودند که»
«آقاسی نام آدم تو شیلات استراباد را بتجار روس اجاره داده‌است اگر این»
«حکایت راست باشد خدا میداند دیگر از دست من خلاص نخواهی شد درین»
«عرض مدت مرا نشناخته باشی خیلی بعیداست من جهد دارم سایر شیل را هم از»
«دولت بهیه روسیه بگیرم آدم تو برمیدارد شیلاتی که‌دردست ماست بتجارروس»
«اجاره میدهد مجملا مینویسم اگرفی الواقع این کیفیت اصل دارد بورود نوشته»
«آدمی بفرست آن آدمت که آقاسی نام‌است ازسرشیلات استراباد بردارند وکس»
«دیگررا مباشر این امر بکن که شیلات را ازدست تجار روس بگیرد دردست»
«خودش باشد اگر درحقیقت حرف بی‌جا و بی‌پائی است بنویس که مستحضر»
«باشم البته بزودی شرح این فقره را نوشته بفرست تا بدانم باقی والسلام.»

درنامه‌ای هم بشرح ذیل بوزیر مختار روس مینویسد که هر اجاره‌ای که بدون اجازه دولت ایران باشد باطل‌است.

«جناب جلالت ونبالت نصابا محبان استظهارا مشفقا.
«چون بعرض اولیای دولت جاوید مدت قاهره رسید که درسواحل بحر خزر»
«که متعلق باین دولت علیه است که حکام بدون اذن دولت بعضی از شیلات»
«ماهی گیری را باجاره داده‌اند لهذا فرمان قضا جریان عز نفاذ یافت که هر»
«اجاره که بی‌رخصت مخصوص دولت‌علیه منعقد شده باشد باطل‌است بعدذلك هر»
«کس خواسته باشد هرشیلی‌را اجاره کند باید ازاولیای دولت علیه مرخصی»
«حاصل نماید نظرباینکه احتمال میرفت که بعضی از رعایای دولت علیه‌روسیه»
«خواسته باشند بعضی ازشیلات‌را اجاره نمایند استحضار آن‌جناب‌ازمدلول حکم»
«محکم شاهنشاهی لازم نمود که آنهارا اخبار نمایند.
«زیاده چه تصدیع دهد تحریراًفی‌شهرمحرم‌الحرام سنه ۱۲۵۲»

حاجی میرزا آقاسی برای آنکه شیلات مستقیما تحت نظر خودش اداره شود از محمد شاه درخواست میکند که تمام شیلات دریای خزررا باواجاره دهد وبعد از آن هر

نقطه‌ای ازشیلات را که در اجاره تبعه روس بود ومدت آن پایان می یافت سعی میکرد دیگر باتباع روس اجاره ندهد.

چنانکه عمل کفتانیکوف تاجر روسی که مدت هفت‌سال شیلات گرگانرودرا اجاره کرده و پس از پایان مدت اجاره نمیخواست آنها را بتصرف دولت بدهد مورد اعتراض دولت ایران واقع شده‌واز وزارت امورخارجه بسفارت روس‌چنین مینویسند.

«جناب جلالت نصابا مجدت‌وفخامت انتسابا مخلصان استظهارا مشفق معظما.

«درباب شیل گرگانرود البته جناب سامی مستحضراند که جمیع شیلات را»

«اعلیحضرت قدر قدرت قضا شوکت شاهنشاه اسلام پناه بجناب جلالت نصاب»

«فخرالمسلمین حاجی مدظله‌العالی بازگذاشته اند که باید آدمی از خود جناب»

«معظم الیه برسر آنهاباشد چندی پیش بخواهش عالیجاه‌میرزا الکسندر قبول»

«فرمودند که کفتانیکوف رعیت دولت بهیه روسیه تاعید نوروز مشغول صید»

«شده بعد ازعید اسباب خودرا برده در گرگانرود صید ننمایند (وهرگز جناب»

«ایشان بکسی اجازه نداده وحرف وفرمایشی نفرموده‌اند)

«حال‌ازقراریکه بعرض جناب معظم الیه رسیده است‌تاجر مزبور تازه‌اسباب»

«صید بگرگانرودآورده است‌بااینکه مدتی است اسباب صید را عالیجاه میر»

«ابراهیم خان که اورا بمصلحت گزاری نپذیرفتند درآنجا حاضر کرده‌است مقرر»

«فرمودند که‌باآنجناب‌زحمت (دهد که‌بدون‌اذن‌مال‌مختص‌ایشان را عبث‌عبث رعیت»

«دولت بهیه متصرف شود چه معنی دارد چرا باید بی‌استیذان اسباب صید را آنجا جمع نماید)

«ونظر باقتضای مواحدت دولتین علیتین حکمی بکفتانیکوف تاجر دولت»

«خود مرقوم دارند که اسباب صید خودرا در گرگانرودبرده متعرض صید آنجا»

«نشود وبکسان جناب معظم الیه بازگذارد.

«یقین است که بمقتضای‌مواحدت‌دولتین درینباب مضایقه‌نخواهند فرمود فی۶»

«شهرمحرم‌الحرام سنه ۱۲۵۶»

«(قسمت های بین پرانتز درحاشیه نامه نوشته شده‌است)

ودر دنبال آن نیز شرحی نوشته میشود که شیلات گرگانه رود به میرزا ابراهیم خان دریا بیگی اجاره داده‌شده است. سفارت روس درجواب اینطور مینویسد:

«عالیجاها رفیعجایگاها دولت و اقبال همراها مجدت و نجدت اکتناها مقرب الخاقانا دوستان استظها را مهربانا

شرحی مشعر براینکه جناب جلالتماب حاجی سلمه‌اله تعالی شیلات گرگانه‌رود را ازعید نوروزباینطرف بعالیجاه میرزا ابراهیم خان اجاره داده‌اند نگارش وارسال داشته بودید رسید ازمضمون آن کما هو حقه اطلاع حاصل گشت دوستدار همان شرح مذکوررا ازبرای عالیجاه میرزا الکسندر فرستاد بلی دوستدار اطلاع واستحضار دارد که اعلیحضرت پادشاهی شیلات مازندران و گیلانرا بجناب جلالتماب معزی الیه مرحمت و واگذار فرموده اند اما این عنایت و واگذاشتن نمیبایست باعث و موجب فسخ و ضرر قرار داد نامهائیکه قبل ازاین چند نفر ازرعایای دولت بهیه روسیه درآن شیلات بسته‌اند که بعضی ازآن قرار دادنامها بامضای فرامین همایون اعلیحضرت پادشاهی رسیده‌بوده‌است گردد ازاینقرارآنچه دوستدار میتواند بکند این است.

که قرارداد نامه جناب جلالتماب سلمه‌الله راکه دراین باب گذاشته اند باطلاع اجاره داران دولت بهیه روسیه برساند اما برذمه‌خود نمیگیرد ومتعهد امیشود که جواب بدهد که آیا امنای دولت بهیه روسیه راضی‌خواهند شد که رعایای‌ایشان ازحق‌خود محروم نمایند وازقرار داد خود بگذرند . تحریرافی ۵ صفر سنه ۱۲۵۶ »

درپشت صفحه محل مهر وزیر مختار دولت بهیه روسیه - دوحامل .

تهدیدات روسها

هروقت بین دولت ایران ومستاجرین شیلات تابع روس اختلافی پیش میآمد سفارت روس در کمال شدت از دعاوی اتباع دولت متبوع خودپشتیبانی مینمود چنانکه درمورداختلافی که بین حاجی میر ابوطالب تبعه روس ودولت ایران پیدا میشود سفارت روس نامه های سختی مبنی برحمایت ازدعاوی میر ابوطالب بوزارت خارجه مینویسد و دولت ایران را تهدید میکند . نامه ذیل نمونه‌ای از آن نامه‌هاست که بعنوان میرزا مسعود «وزیر دول خارجه» نوشته‌است .

«جناب مجدت ونجدت نصابا فخامت ومناعت انتسابا مقرب‌الخاقانا دوستان استظهارا محبان نوازامشفقا

دوستدار امیدوار بوده که در آن تفصیلات که درباب ادعای عالیجاه میر ابو طالب خان تاجر دولت بهیه روسیه بعرض اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی رسانیده بجهت اسباب، ضرر و تعدی که جناب جلالتمآب اعتقادی حاجی سلمه الله‌تعالی بمشار الیه رسانیده است درنظر مبارک کافی خواهد بود و حالا که آنجناب شرحی مبسوط مشعر برسئولات چند ازجانب سنی‌الجوانب اعلیحضرت قضا شوکت شهریاری بدوستدار نوشته‌اند برخود واجب میداند که جواب آنرا فقره بفقره نگارش نماید ،

اولا آنجناب نوشته است که بندگان اقدس شهریاری تعجب میفرمایند که چرا دوستدار بوصف انصاف دخیل امری میشود که بدوستدار دخلی ندارد جواب این‌است که دوستدار نیز زیاده ازحد متحیر است که‌بندگان اشرف همایون جایز نمیدانند که دوستدار دخل وتصرف در امری نماید که خیر و شر رعیت دولت بهیه روسیه درآن آشکارا دخیل باشد آیا بر دوستدار لازم نیست که بمقتضای وظیفه وزیر مختار دولت بهیه روسیه حامی حق وحقوق رعایای خود شود و تعاقب نماید آن کسی راکه به آنها تعدی نماید چنین اهتمام بعهده دوستدار است و لازم است سعی تمام بعمل آورد .

دویما حالا میخواهند آن سندرا که آنجناب برسم دولتی بسفارت نوشته ضمنا اعلام داشته‌اند که جناب جلالتماب ایشان معترفند براینکه آقا میر صادق دریا بیگی شیلاترا به برادر خود عالیشان حاجی میر ابوطالب خان اگذار نموده است که حاج مشار الیه تنها صیادی نماید بی‌اعتبار نموده باشند چگونه دولت علیه ایران میتواند عذر آورد بر صحت امری که وزیر دول خارجه‌اش اعلام نموده است بنا براین باشد بهیچوجه عظمی و اعتباری برای عموم مستندات دولتی ایران باقی نمی‌ماند انصافا از این راهها آسان است برای گذرانیدن امور وقطع نمودن جمیع مطالب اما اگر دولت علیه میخواهد تعهدات خودرا باین طریق بعمل آورده سهو میکنند زیراکه این طریقه بگوش ما فرو نمیرود .

مجملا رضای جناب ایشان ازاول اینکار تابحال درقراری بوده است که نگارش میرود بعد ازآنکه از اول راضی شده‌اند که حاجی میرابوطالب خان بجای آقامیرصادق که‌هم برادرش بود و هم شریکش و درمنفعت شیلات سهیم . پارسال جناب ایشان غفلة بسفارت پیغام‌داد که آقامیرصادق مال‌الاجاره شیلات را رسانیده مهلت طلب دیوان همایون‌را نیز نداده ومفلس شده‌است باین‌عذرها اجاره آقامیرصادق را برهمزد وشیلاترا به‌میرزا اسمعیل داد دوستدار هم حرفهای جناب معظم الیه را باور نموده جهاتیکه برای بهمزدن اجاره بیان کرد حسابی‌دانست وبرخود لازم ندید که بمقام ممانعت ابدی برخیزد که اعتقاد دوستدار جایز بود زیراکه هراجاره باطل خواهد شد همین که از یکطرف خلف تعهدات روی دهد همالوقت دوستدار بقونسولگری رشت نیز نوشت که حاجی میر ابوطالب خان‌را نگذارد کهمانع صیادی میرزا اسمعیل شود ونیز بنا بخواهش جلالتماب حاجی سلمه‌الله بکار

گذاران حاجی ترخان شرحی نوشت که هر نوع حمایت مقرون بقاعده را در فروش محصولات شیلات که میرزا اسمعیل فرستاده است مضایقه ننمایند دو ماه قبل ازاین حاجی میرزا ابوطالب خان با مستندات رجوع سفارت دولت بهیه نمود قبوضات معتبر مقرب الخاقان امیر دیوان وکیل جناب معظم‌را رد نموده مدلل نمود که آقامیر صادق نه بدیوان اعلا ونه بجناب ایشان بهیچوجه مقروض نبوده وماز الاجاره شیلات را الی دینار آخر قسط بقسط کار سازی کرده‌است مقرب الخاقان امیر دیوان ازشیراز مراجعت نموده درهرباب نوشتجات خودرا قبول کرده‌پس معلوم شد که جناب معظم الیه برخلاف حق وحساب اجاره آقا میرصادق را برهمزده و مقصود عمده ایشان ازین بود که مال‌الاجاره شیلات‌را زیاد نموده باشد جناب معظم الیه بواسطه این عمل مایه ضرر وخسارت مستاجر خود شده وچون حاجی‌میرابوطالب خان حق مطالبه خسارت ازآقامیرصادق شریك خوددارد سفارت دولت بهیه‌روسیه‌هم طابق قرارداد تازه که باینطریق شرط‌شده کاز گذاران‌روس طلب‌های‌ورشکسته‌را ازبده کار نش که‌اهل ولایات خوداند چنان مطالبه‌خواهندمثل‌اینکه مقروض‌خود رعایای دولت‌بهیه‌بوده‌باشد بجهت‌دفع‌ضرر وخرابی‌تاجرروس کرمان جناب معظم‌الیه‌را گرفته میگوید که‌چرا اجاره آقامیرصادق‌رابی‌سبب پیش ازانقضاء وعده برهمزده وباین واسطه تاجر دولت بهیه را خانه خراب کرد علت دخل وتصرف آشکارا که دوستدار درامر شیلات مینماید ازقراری بود که نگارش رفت جناب معظم الیه همین که دیدند سفارت مورد بحث شده‌اند خیال کرده‌اند که راه گریز ایشان درانکار کل شیلات که اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری بایشان مرحمت کرده بود آیا اینطور پس دادن شیلات اجاره‌هائیکه سابقاً فی‌مابین جناب ایشان وآقامیر صادق مقرر شده باطل نمی‌نماید حالا‌بردوستدار لازم‌است که رجوع بدولت علیه نموده ساعی بشود که شیلاتیکه یکسال قبل از انقضای وعده بدون حق وحساب از مستاجر پس گرفته‌اند به‌آقا میر صادق وبرادرش‌رد نمایند .

اعلیحضرت قضا شوکت پادشاهی خود خواهند انصاف فرمود که رفتارجناب جلالتمآب حاجی سلمه‌الله‌تعالی دراینکار ناپسند بوده دوستدار بجز آنکه خواسته باشد تفصیل چنین حرکات جناب معظم الیه را بیان نماید بگفتن این چند کلمه اکتفا میکند که جناب ایشان فاحشاً خلاف باعتماد دوستدار فرموده‌اند که بقول ایشان داشت و مدعی امر بی‌اصل درپیش وزیر مختار اعلیحضرت امپراطوری شده گفتند که آقا میرصادق مفلس است و نگذاشته‌اند دخیل ابزامر شود که مایه خرابی رعیت روس شده وقتیکه چنین اسناد بایستی داده شود که محل اعتماد اعلیحضرت اقدس شهریاری‌است آنوقت حکایت خیلی عمده میشود .

سیما علت اینکه دوستدار چهارده ماه قبل ازاین مانع نشد که شیلات بمیرزا اسمعیل اجاره داده شود مفصل نوشته شد اینکه ایراد میگیرند چرا دوستدار زود تر اظهار ننمود که رعیت دولت علیه نمیتواند بصرفه صیادی کند این نوع ایراد خیلی غریب است آیا جناب معظم الیه بفریاد درنمی‌آیند که چرا دوستدار دخل و تصرف درامری مینماید که رجوع بدوستدار ندارد گذشته ازین فقره آنوقت دوستدار ازکجا بایستی دانسته شود که میرزا اسمعیل میتواند فایده بر دارد یا مایه و سررشته ضرور به این کاررا دارد یانه کار دوستدار نبود که آنوقت این تحقیقات را در حق اوبعمل آورد سفارت دولت بهیه روسیه همین بمقام حفظ اعتبار رعایای روس میباشد اینطور که میرزا اسمعیل مال‌الاجاره زیاد کرده چنان مفهوم میشود که او در کار خود خیلی مطمئن است و لازمه اسباب‌را دارد که ازشیلات منفعت بردارد وچنانچه حالا نتیجه بعکس بخشیده‌است تقصیر خودش‌است خیلی عجیب است که جواب این فقره‌را از دوستدار میخواهند دیگر شکایت دارید که چرا دوستدار ادعای‌خودرا زود تر بمیان نیاورد وتامل کرد تا میرزااسمعیل بموجب فرمان مشغول صیادی شدند زحمات دید خسارتها کشید آنوقت دوستدار بصدا درآمد جواب این‌است همانوقت که دوستدار دلایل آنرا بدست آورد که اجاره آقا میر صادق را بی‌سبب بر همزده‌اند بگفتگو درآمد اگر این دلایل زودتر بدست می آمد دوستدار نمیگذاشت که چنین تعدی روی دهد و جناب معظم الیه فرصت داشتند که نگذارند میرزا اسمعیل خود را در اخراجات بیجا اندازد اینکه نوشته اند میرزا اسمعیل درین بین خانه خراب خواهد شد این رحم ابرا جناب ایشان آنوقت که حاجی میر ابوطالب خان تدارك صیادی‌را دیده بود شیلات‌را از آقا میر صادق برادرش بزور گرفتند ظاهر نفرمودند جناب معظم الیه تاملی درامر مزبور نفرمودند که چنان عمل باعث خانه خرابی دو نفر

شخص محترم باخانه واده ایشان خواهد شد آیامحل تعجب نیست که بجهت رد ننمودن آن چیزی راکه ناحق از کسی بزور گرفته‌اند وبرای حمایت آنکس که بغیر متصرف است چنین بهانه و عذرها آوردن خود میرزااسمعیل باعث خانه خرابی خودش شده‌است . ازتقبل مبلغ کلی محض پامال کردن حاجی میر ابوطالب خان همین میرزا اسمعیل بقدر ۵۰ هزار تومان اسباب صیادی مشار الیه‌را بتوسط آدمهای خود بسرقت برده‌است حالا اگر بخواهند دوستدار باحوال چنان بی‌مایه رحم نموده بجهت اوچشم ازحقوق رعیت روس بپوشد چنین عمل ازجانب دوستدار دلیل ساده لوحی خواهد بود

باعتقاد دوستدار بیکراه میتوان بمیرزا اسمعیل خوبی کرد یعنی یکدقیقه زود شیلات‌را از اوگرفت و نگذاشت که بالمره خانه خراب شود دیگر دوستدار بجهت استخلاص او ازقرض کلی‌اش که برعایای روس دارد امروز بحاجی طرخان خواهد نوشت که آنچه ازمحصول شیلات دارد ضبط نموده بقدر تنخواه حاجی میرابوطالب خان وسایر طلبکاران روس حراج نمایند چهارم آنجناب نوشته است که جناب جلالتماب دوستان نوازی حاجی سلمه‌الله تعالی پیش ازوقت بسفارت دولت بهیه اعلام نموده بوده‌است که میخواهد شیلات‌را از آقا میر صادق پس بگیرد این فقره بالمره بی‌اصل‌است زیرا وقتیکه جناب معظم الیه در پس گرفتن شیلات افتاده اند حاجی میر ابوطالب خان برسر صیدگاه بود ولازمه تدارك را هم دیده بود چنانچه دوستدار آنوقت ازحرفهای بی‌پای جناب ایشان فریب خورده بقونسولگری رشت نوشته‌است که میرزا اسمعیل‌را درشغل صیادی خود آسوده گذارده ممانعت ننمایند وچنانچه آنوقت ازجانب تاجر خود ادعاعی ننمود بعلاوه بکارگذاران حاجی تر خان سفارش میرزااسمعیل را نوشته‌است وحسن اهتمام دراین‌امر جناب معظم الیه که‌درنظر دوستدار حق می‌آمد ظاهر کرده‌است اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی این رفتار دوستداررا باید حمل بر صداقت دوستدار فرمایند ودلیل اعتماد دوستدار بدانند که درقول جناب ایشان داشت اما اگر جناب معظم‌الیه‌بگویند که دوستدارتحریراً یاتقریراً وعده کرده است که دخل وتصرف درامر شیلات ننماید صراحت دروغ چنان حرف را ظاهر و آشکارا خواهد نمود در عالم کاری نیست که دخلی برعایای‌روس داشته باشد ودوستدار نتواند مداخله درآن کار نماید .

پنجم اعلیحضرت بندگان اقدس همایون‌را اعتقاد این‌است که این طایفه حاجی میر ابو طالب خانی‌سالی هفتاد هزار تومان مداخل خالص از شیلات داشته‌اند دوستدار میتواند اعلیحضرت قدر قدرت پادشاهی را معاضد سازدکه هرکس چنین عرض نموده است محض کذب و کذب محض بوده است بهترین راه تنبیه چنان اشخاص اغراق گواین است که شیلات را به‌آنقیمة به‌آنها بدهند تا مداخل‌خالص شیلات را درست بدانند بهترین طریقه تادیب آنها این است که نگارش نمود وهرکس جسارت نموده عرض کند که آقامیر صادق وبرادرش بدیوان اعلی آنچه بایستی بدهند نداده‌اند دروغ این معنی ازروی قبوضات که دردست است ثابت خواهد شد چنانچه مدعی برآنند که هرچه حاجی میر ابوطالب خان دارد از پرتو التفات ایندولت جاوید مدت است دوستدار اینفقره را اقرار ندارد اگر از اولیای دولت چیزی باو رسید است همین خسارت کلی است وتعدی نمایان دوستدار راگمان این است که این تفصیلات بجهت جواب جمیع فقراتیکه درشرح آن جناب مندرج بوده کافی است دوستدار امیدوار است که بندگان اقدس‌همایون شهریاری ازروی کمال ارادت ومروت حکم برحقیقت این ادعا فرموده قراری خواهند داد که بمقتضای انصاف سزاوار شوکت و شأن دولت علیه این گفتگو از میان جناب جلالتماب حاجی سلمه‌اله تعالی وسفارت رفع شود . چیزیکه بر دوستدار باقیست که از آنجناب توقع نماید این است که زحمت کشیده ازجانب دوستدار این چندفقره طریقه گذرانیدن این امررا که درنظر دوستدار مصلحت طرفین‌است معروض حضور معدلت دستور اعلیحضرت قضاشوکت شهریاری دارند .

طریقه اول حاجی میر ابوطالب خان بجای برادر خود آقامیر صادق یکسال ازوعده اجاره‌نامه به آخر مانده‌است درشیلات صید نماید وعلاوه برآن دوسال هم عوض‌خسارت صید پارسال نماید .

دویم اگر اجاره نامه فی‌مابین جناب معظم‌الیه وآقا میر صادق منعقد شده باید باطل شود بجهة رفع خسارت لااقل فرمائی وسید یکسال لیز به وعده بیفزایند و مال الاجاره آن عوض سالی پنجهزار تومان که بجناب معظم الیه داده شده همان هشتصد وپنجاه تومان که درفرمان مبارك مرقوم است مطالبه نمایند اگر اعلیحضرت قدرقدرت پادشاهی مصلحت دانند کل شیلات را سوای آنهاکه در اجاره سوجایف است بخود حاجی‌میر ابوطالب

خان بچهارده هزار تومان ده ساله یاهشت ساله اجاره بدهند مشروط براینکه مشار الیه ازجانب خود و برادرش ازمطالبه خسارت دست بردارندودوهزار تومان هم پیشکش بدهد

چهارم چنانچه رای مبارك قرار بگیرد که کل شیلات رابحاجی میر ابوطالب خان اجاره ندهند لااقل سفید رود تنها را ده ساله زقرار سالی چهار هزار باو اجاره بدهند مشروط براینکه مشار الیه ازجانب خود و برادرش ازمطالبه خسارت بگذرد.

پنجم یا اینکه عوض خسارت سفید رودرا دوساله بدون وجه اجاره بحاجی میرابوطالب واگذار نمایند اگر بندگان اقدس همایون پادشاهی بهیچوجه راضی نشوندکه شیلات بدست تاجر دولت بهیه روسیه باشد دوستدار استدعا دارد که بعد از آنکه از روی انصاف سیاهه که حاجی میر ابوطالب خان بسفارت قدرکل خسارت مشخص شده را نقدا مرحمت کنند تکلیفات مختلفه دوستدار ازقراری بودکه نگارش نمود متوقع است کههمهرا بحضور مبارك معروض داشته باشد چنانچه هیچیك از این تکلیفات درخاطر مبارك مستحسن نیفتد دوستدار لابد خواهد شدکه موافق قرار داد تازه بجناب جلالتماب حاجی مدعی شده ومراتب را بدولت بهیه عرضه دارد زیاده چه مصدع شود تحریرا فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۱ »

التماس حاجی میرزا آقاسی

باتمام کوششی که حاجی میرزا آقاسی برای جلو گیری ازدخالت روسها بعمل میآورد نمیتوانست جلو اخلال وکارشکنی آنهارا بگیرد وسرانجام نامه تضرع آمیز ذیل‌را بوزیرمختار روسیه نوشت وازاو میخواهدکه از تجاوز ودست اندازی مأمورین روس در امر شیلات جلوگیری نماید.

نامه حاجی میرزا آقاسی به «کنیاز دولغاروکی» وزیرمختار روس

« جناب‌جلالت ونبالت‌نصابا محبان استظهاراً دوستان‌اعتقادا مشفقامعظمامهر بانا»
« قریب دوسال میشود که دوستدار بتوسط جناب جلالتمآب غراف مدم وزیر »
« مختار سابق دولت بهیه روسیه بحضور شرافت دستور اعلیحضرت قدرقدرت‌قضا »
« شوکت امپراطور خجسته طور اعظم اکرم عرض‌واستدعا نمود که چون امرمعیشت »
« ومخارج من باید ازممرحلال بگذرد ودیناری‌ازمداخل ومالیات‌ممالك محروسه »
« ایرانرا برخودحرام میدانم‌اعلیحضرت‌قدر قدرت‌قضاشوکت‌شاهنشاهی‌خلدالله ملکه »
« وسلطانه وافاض علی العالمین یده و احسانه شیلات بحرخزر از اترك تاآستارا »
« راکه داخل انفال‌است وموافق شریعت‌مطهره‌اسلام‌بمن‌میرسد بموجب فرمان‌جهان »
« مطاع بمن واگذار فرموده اند اعلیحضرت امپراطوری درعوض اینکه من خیر »
« خواه دولتین واخلاص کیش حضرتین‌هستم مقتضی همم عالیه ملوکانه‌آنست که مرا »
« مشمول‌هرنوع عوارف وعواطف‌خود فرمایند احکام‌مطاعه اعلیحضرت‌امپراطوری »
« صادر شودکه تبعه آندولت بهیه بهیچوجه من الوجوه مداخله درامر شیلات بحر »
« خزرنکرده گذارندکه مستاجرین‌شیلات مزبوره در کمال‌فراغت‌وآسودگی‌مشغول »
« امرصیادی وسماکی بشوندکه بتوانند ازعهده اجاره برآیند وآنچه‌ازتبعه آندولت »
« بهیه پیشتر متعرض شیلات برخلاف حساب شده اند ازعهده‌غرامت برآیند‌دراینباب »
« هروقت ازجناب معزی الیه مطالبه جواب شد بعذر و بهانه متمسك شده جوابی »
« کافی وشافی ازجناب معزی الیه استماع نیفتاد چنانچه درباب قراسیمف که‌چند »
« سال بااترك وگرگان وقلتق استراباد‌آمده صید میگرد هرقدر مطالبه خسارت »

« شد و جناب معزی الیه وعده وصول فرمودند اما وفانکردند بسوجایف حاجی »
« ترخانی که در رودخانهای مازندران صید میکرد بجناب معزی‌الیه اظهار شد که »
« اولا مشار الیه ورشکسته ومفلس است وبدون اذن واجازه من صیادی رودخانهای »
« مازندران را بدیگری درعوض طلب واگذار کرد و مخالف قرارداد او رفتار »
« نموده است بقاعده هردولتی اجازه آن باطل است ثانیاً موافق سواد فرمان که »
« دردفترخانه مبارکه ثبت است اجاره سوجایف منقضی شده‌است اگرسخنی دراینباب »
« دارند اصل فرمان مبارک را ابراز کنید تامعلوم شود ابراز نکردند و برخلاف »
« حساب همچنان‌مشغول صیادی رودخانهای مازندران شدند درگیلان‌بااینکه سفید »
« رود دراجاره عالیجاه حاجی میرصادق دریابیگی رعیت دولت علیه‌ایران بود و »
« بعلت نرسانیدن وجه‌اجاره‌باوفسخ‌اجاره شده باجاره‌عالیجاه میرزااسمعیل میزان »
« آقاسی گیلان داده بود و جناب معزی الیه نوشتجات دولتی که در دست است »
« مستحضرشده خود سفارشات مؤکده درباب عمله وصیادی وفروش ماهی باوداده »
« بودند ومشار الیه مبالغی کلی اسباب صیادی تدارک کرده‌یکسال هم درآنجاصبد »
« کرده بود مع ذلك جناب معزی الیه بطور های ناخوشی بر خواسته بعنف از »
« اولیای دولت علیه سفید رود راکه سالی پنجهزار تومان اجاره دارد سه ساله »
« سالی هشتصد و پنجاه تومان برای عالیجاه حاجی میرصادق اجاره گرفتند واگر »
« آنجناب دراینباب غوررسی باشند نوشتجات ومستندات همه حاضراست وبملاحظه »
« آنجناب خواهند رسانید . »

« علی ای‌التقادیر درعوض اعانت وحمایت بطوری جناب معزی الیه بی‌اعتنائی »
« فرمودند که مداخل شیلات که سالی‌قریب‌پانزده هزار تومان میشد پنج شش‌هزار »
« تومان بیشتر عاید دوستدار نشد وازبس بخلاف حساب‌تبعه آندولت بهیه مداخله »
« در امر شیلات دوستدار کرده اند وبدون اذن و اجازه و اجاره آمده اند صید »
« نموده اند چنانچه همین‌روزها آمده‌اند بسان کاله (؟) صید مینمایند که بآنجناب اظهار »
« شدوکاغذ دادند کسی جرئت نمیکنند شیلات را اجاره نماید چنانچه درهمین اوقات »
« ده دوازده کشتی ازتبعه دولت بهیه روسیه آمده‌اندالی اشرف بدون حق وحساب »
« صید مینمایند لهذا نظر بکمال اتحادی که فیمابین دوستدار و آنجناب است و »
« دوستدار آنجناب را شخص بزرك و نجیب وعاقل و صاحب مدرك و با انصاف »
« میداند ونهایت اطمینان‌واعتقاد بدوستی آنجناب دارد درین باب که‌امر دولتی نیست »
« ومتعلق بدوستدار است ازآنجناب سؤال میکند که‌اگر دوستدار را محق‌میدانند »
« وشیلات بحر خزر را متعلق بدوستدار میسازند نظراهتمامی گماشته هرچه‌پیشتر »
« دراینباب‌تعدی واجحاف شده است گرفته وقدغن شدید بفرمایند که‌بی‌اذن ورخصت »
« دوستدار درهیچ مکان از فرضات وسواحل‌بحرخزر ازاترك تاآستارا تبعه دولت »
« بهیه روسیه مشغول صیادی نشوند و آنچه صفاین (کذا) تبعه دولت بهیه روسیه »
« برای صیادی آمده اند معاودت نمایند اگر آنجناب دوست مشفق معظم خاطر »
« جمع اند که آنها اطاعت بحکم آنجناب خواهند کرد وصیادان مزبوره مراجعت »

« خواهند نمود دوستدار را مطمئن سازند واگر میدانند که آنها بحکم آنجناب »
« نخواهند کرد وبزور خود مرتکب این عمل میشوند اذن بدهند که خود دربنباب »
« عریضه بحضور سعادت دستور اعلیحضرت امپراطوری عرض کرده رفع این تعدیات »
« از عدل و انصاف ملوکانه اعلیحضرت امپراطوری مستدعی شود چون لازم بود »
« مصدع شد متوقع است که جوابی بزودی در ینباب مرقوم و ارسال دارند »
تحریراً فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۲

(درحاشیه این نامه عبارات ذیل هم نوشته شده)

« امااز اینکه بحمدالله تعالی آنجناب دوست مشفق معظم بحسن انصاف ونیکی »
« اخلاف موصوف ومعروفند وبهیچوجه راضی بضرر دوستدار نیستند انشاءاله چه »
« در باب قراسیمف چه درامر سوجایف چه در کارسفید رودقرارمنصفانه خواهندداد »
« وبزودی تدارك خسارتهای گذشته را خواهند فرمود و از برای آینده حکمی »
« موکد صادر خواهند کرد که ازصیادان وغیره صیادان دولت بهیه روسیه بدون »
« اجازه واذن دوستدادصید ننمایند وازاین راه ضرر بدوستدار نرسانند تادوستدار »
« درکمال اطمینان وخاطر جمعی بتواند شیلات رابآدم معتبری اجاره بدهد واورا »
« ازخلاف حساب مطمئن سازد . تحریراً فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۲ »

سفارت روس درجواب نامه زیررا بحاجی میرزا آقاسی نوشته و وعده میدهد که ازعملیات کسانیکه بدون اجازه مشغول صیادی هستند جلوگیری کند.

« جناب جلالت ونبالت نصابا کفایت وکفالت انتسابا محبان نوازامعظم مشفق مکرم عالیمقاما
شرح آنجناب دوست مشفق معظم رسید درضمن آن بطرین دوستانه اشاره رفته بود از شکوه وشکایت حرکات تجاوز درامر صیادی که ازبعضی تبعه روسیه درسواحل بحر خضر بظهور میرسد برحسب خواهش آنجناب مشفق معظم ، دوستدار بلاتامل بعالیجاه دریابیگی خواهد نوشت که اسامی آنکسانرا معلوم کند که مرتکب بعمل صیادی شدند درجاها ومکانی که غیر مقرر درفرمان مبارك که بسوجایف داده شده ودرصورتیکه برخلاف مضمون آن رفتار شده عالیجاه مشار الیه درمقام ممانعت بر آمده قدغن نماید که موقوف کنند درباب اصل فرمانی که بسوجایف داده شده است دوستدار بعالیجاه بیکلر بیگی حاجی طرخان خواهد نوشت که آنرا گرفته ارسال دارد تامنتهای دقت وغور رسی نسبت بوعده اجاره که اولیای دولت قاهره بسوجایف داده بعمل آید بهر طور باشد آنجناب میتوانند متقاعد باشند که سفارت دولت بهیه روسیه هرگز درصدد آن نخواهد بود که ضرری یانقصانی بصرفه مخصوص آنجناب برسد ودوستدار تکلیف ووظیفه خود را میداند که حسب الاظهار آنجناب شرح مذکوررا باطلاع اولیای دولت بهیه روسیه برساند . زیاده مصدع نشد — تحریرا فی ٤ شهرربیع الثانی سنه ۱۲۶۲ »

اختلاف حاجی میرزا آقاسی باروسها تاپایان حل نشد وهمیشه شکایت و اعتراض طرفین باقی بود .

یکی دیگر ازنامه‌های سفارت روس دراین مورد که دراواخر بحاجی میرزا آقاسی نوشته شده این است .

« جناب شوکت وجلالت نصابا عظمت وحشمت مآبا دوستان استظهارا محبان نوازا مشفقا مکرما معظما
شرح آنجناب مشعر برشیلات بحر خزر که ازروی اجاره نامجات عدیده صیادی آنها بتوسط ودستیاری سفارت دولت بهیه برعایای روس وایران واگذار شده رسید درباب شیلات سفید رود برخلاف آرزوی دوستدار در عمل آوردن رضای آنجناب اجاره نامه فیما بین جناب سامی ومرحوم حاجی میر صادق متضمن شرایط میباشد

که دوستدار را نمیگذارد راضی بر بطلان آن قبل از انقضاء وعده بشود زیرا که گذشت حاجی میرابوطالب خان ازمطالبه خساراتیکه بعلت برهمزدن دولت علیه اجاره‌نامه قدیم باو رسیده بود مشروط براین بود که تعهدات مندرجه دراجاره نامه دو سال قبل بعمل آید بناء علیه وفات حاجی‌میر صادق نباید ضرر بخیر اولاد اوو برادران او که رعایای دولت بهیه روسیه هستند و حق حمایت از دولت بهیه دارند برساند عدالت مشهوره آن جناب مشفق مکرم دوستدار را متقاعد میسازد که آن‌جناب مشتبه نخواهندشد برسر جهاتیکه دوستدار را مجبور دارد اینگونه جواب بنویسد و بجهة اینطور رفتار دوستدار که از روی مروت و انصاف است تغییر اعتقاد در حق دوستدار نخواهند داددر خصوص اینکه مرقوم‌داشته‌اند سوجایف رعیت دولت بهیه برخلاف التزام که داده است همین‌درآبهای مفصله‌در فرمان مبارك صیدنماید تجاوز میکند دوستدار دراین‌باب شروح‌مو کده هم‌بدریابیگی‌دولت بهیه روسیه وهم بقونسول استرآباد که مراتب اخلاص اوبه‌آن‌جناب معلوم‌است نوشته است و بعلاوه صرارنوشته است که اصل فرمان که در دست سوجایف است بسفارت بفرستد تامشخص شود وعده‌آن که باعتقاد آن جناب تغییر داده شده است زیاد چه مصدع شود فی هشتم شهر صفرسنه ۱۲۶۳ »

جواب حاجی میرزا آقاسی نیز باین شرح است .

«جنابا

« مختصر شرحی که‌در جواب کاغذمفصل دوستدار که در باب شیلات بحرخزر »
«بآنجناب اظهار داشته بود در هشتم‌شهر صفر درباب‌سفیدرود مرقوم وارسال‌داشته »
«بودند که برخلاف آرزوی آنجناب درعمل آوردن رضای دوستدار اجاره نامه‌فیمابین»
«دوستدار ومرحوم حاجی میرصادق دریابیگی متضمن شرایطی می باشد که آن‌جناب»
« را نمی گذارد راضی بر بطلان آن قبل‌ازانقضاء وعده شودزیرا که گذشت حاجی‌میر »
«ابوطالب‌خان‌ازمطالبه‌خساراتیکه بعلت برهمزدن‌دولت‌علیه اجاره نامه‌قدیم باورسیده‌بود»
« مشروط براین بود که تعهدات مندرجه در اجاره‌نامه که سال قبل‌بعمل آمد رسید»
« لازم شد بجواب مصدع آید که دوستدار چنین‌ازمحبت ومودت‌جناب سامی وحسن»
« انصافی که‌دارند توقع نداشت که غورسی نکرده بسنت جناب غراف‌مدم وزیرمختار»
«سابق‌عمل نمایند ومیرابوطالب‌خان رامحق درمطالبه خسارت‌بعلت برهمزدن اجاره»
« بدهند حقیقت ماجرا این است که اولا تامرحوم دریابیگی بکربلای معلی نرفته »
«بود مرحوم حاجی میرابوطالب‌خان‌اصلا ادعائی نداشت که شیلات راقبل از انقضاء»
« وعده دوستدار از دست دریابیگی گرفته وباینواسطه ضرر وخسارت باورسیده »
« اما همینکه دریابیگی بعلت بیست‌هزار تومان وجه‌اجاره که از سابق مانده بود و»
«دوستدار از او مطالبه می کرد فراراً بکربلای معلی رفت حاجی میرابوطالب‌خان»
«بمیدان آمد ومدعی براین‌شد که‌شیلات‌رادرانقضاء وعده‌سه‌ساله که مقرب‌الخاقان»
«امیردیوان اجاره‌دار بود دوستدار پس گرفت‌وباین‌واسطه‌ضرر باورسانید دوستدار»
«هرچه بجهة اثبات چنین دعوی از حاجی میرابوطالب خان دلیل وبرهان و سند »
«خواست بغیر ازعربده وتهدید ونوشتجات تندوتلخ جناب‌مدم چیزی مشاهده نکرده»
«دوستدار بجهة رفع عربده‌جوئی ومعرکه آرائی که هرروز جناب غراف‌مدم برپا»
«می کرد وشیل سفید رود را بوعده سه‌ساله باین‌خیال داده که هروقت دریابیگی »
«مراجعت نماید اگر مصدق دعوی برادرش باشد از خود اودلیل وبرهان و سند»
«بخواهد واگر منکر دعوی برادرش باشد خود دریابیگی‌ازعهده‌شلتاق وناحسابی »

«برادرش بر آید بعداز مراجعت دریابیگی مجال این گفتگوها نشد تابرحمت خدا »
«رفت حالاهم که جناب سامی غور نفرموده‌چنان می‌دانند که دوستدارقبل‌از انقضاء »
«وعده سه‌ساله شیلات را ازدست دریابیگی پس گرفته است ومی‌ترسیدجناب غراف»
«مدم نزد اولیای دولت بهیه روسیه هم دوستدار را بدنام کرده‌باشد لهذااز آنجناب»
«توقع دارد که مجلس اجلاسی قرار بدهند ومستندات‌دوستدار ودریابیگی راملاحظه»
«نمایند چنانچه دوستدار قبل از انقضاء وعده ازدریابیگی شیلات راپس گرفته‌باشد»
«دوستدار وجه اجاره شیل سفیدرود وطلب سابق خود را مطالبه نخواهد کرد و »
«هرگاه حق بادوستدار باشد احقاق حق فرمایند ومبلغ بیست هزارتومان طلب »
«سابق ومنافع این‌مدت که شیل سفیدرود رادرتصرف داشته‌اندبگیرندوبدوستدا »
«برسانند خلاصه از جناب سامی .توقع است که یامجلس اجلاس دربنباب قرار بدهند»
«یامقرر دارند شیل سفید رود را بتصرف کسان دوستدار بدهند یا مقرر دارند »
«محصول سفید رود رادخل وتصرف ننمایند برسم‌امانت‌درحاجی‌ترخان نگاهدارند»
«تادوستدار چگونگی رابدربار پطرزبورغ عرض نموده‌ازآنجا آنچه حکم برسد »
«از آن‌قرار معمول شود دیگر سالی پنجهزارتومان گمرک‌ماهی میشود که‌سه‌ساله»
«پانزده هزار تومان می‌شود قراری نیز باید در این‌باب داده شود زحمت کشیده »
«جوابی مطابق سئوال .زودی مرقوم دارند که تکلیف خود را بداند چون لازم »
«بود مصدع جناب سامی شد تحریراً فی‌شهر ربیع‌الثانی سنه۱۲۶۳»

ولی گویا هرچه حاجی میرزا آقاسی بیشتر التماس ودرخواست می کرده روسها بعملیات خلاف‌آمیز خود بیشتر ادامه میدادند که در تاریخ شعبان سال ۱۲۶۳ نامه ذیل را نوشته وبآنها میگوید

«هل جزاءالاحسان الاالاحسان »

این نامه را حاجی میرزا آقاسی باخط خود بوزیر مختار روسیه نوشته است.

«بتاریخ ۱۰ شعبان‌المعظم سنه ۱۲۶۳

«جناب جلالت ونبالت نصابا مجدت و نجدت اکتنابا کفالت و کفایت انتسابا »
«دوستان نوازا محبان اعتقادا جنابا

«جنابا بعداز مدتها که انتظار کشید عالیجاه‌میرزااسمعیل میزان‌آقاسی گیلان »
«را که همه امور و املاک و شیلات دوستدار در دست اوست معطل »
«نموده خسارتها حاصل آمد جواب مراسله دوستدار را بآن نحو »
«نگاشته بودند خدای آفریننده آسمان وزمین‌عالم است که دوستدارعاشق مال »
«دنیا نیست والا چرا همیشه مدیون‌ومقروض بودمرا خیال اینکه چهارده سال‌است»
«بصداقت بهردو دولت عظمی بی طمع وتوقع خدمت میکنم که این خدمت کلیه »
«منظور اولیای دولتین علیتین است‌غافل‌ازاینکه بقدرسوجایف در دولتها اعتباری»
«واحترامی نداشته‌ام زحمت داده بودم که‌اگر سایر شیلات‌است موعد آنهامنقضی»
«گشته واز آستارا الی گرگان واترک‌همه‌شیلات‌میباشدومستاجرین آنجا هااسبابی»
«دارند وآدم دوستدار باید تدارک صید واسباب آنرا نماید فردا کسان مستاجرین »

« خواهند گفت که آدمهای دوستدار فلان چیز را بردند و فلان چیز را تصرف »
« نموده ومایه دردسر خواهد شد نوشته آنجناب جلالت‌مآب محبان نوازی بدهند »
« که بعداز فلان مدت دیگر کسان مستاجرین مداخله در شیلات نباید بکنند واسباب»
« واشیاء خودرا جمع آوری نموده بروند ومانع کسان دوستدار نشوند که آنها انبار»
« واسباب آنجا را سرانجام نمایند ودر میان بیجهة گفتگو نشود وباعث پر زحمت»
«دوستدار وسرکار آنجناب جلالتمآب نشوددر این باب هیچ حکمی نفرموده بودند»
«واگر شیل سفیدرود است که جناب غراف مدم محض تعدی از دست دوستدار گرفته بحاجی»
«میرابوطالب خان داد که نه باو شیل داده بودند و نه اوحرف میتوانست بزند باری مضی مامضی»
« نزدیک با نقضاست و باید تدارک وصیادی آنجا از حالا دیده شود بآنجناب جلالتمآب »
«زحمت داد که اگر حرفی باقی نمانده حکمی بکسان مستاجرین مرقوم دارید تا برای دوستدار»
«اطمینان حاصل شود تا تدارک صید پیش از وقت دیده شود دهنگام رسید موعد معطلی حاصل»
« نگردد والا باز حرف بمیان خواهد آمد وخسارت کلیه خواهد رسید آنوقت »
« اختیار باسرکار جناب جلالتمآب خواهد بود که دوستدار بحول الله تعالی احتیاج »
« چندان بشیل وشیلات ندارد خلاصه توقع از آنجناب جلالتمآب در مقام دوستی این»
« است که حکمی بحاکم حاجی ترخان مرقوم فرمایند که اگر اسبابی یاعمله برای»
« عالیجاه میرزا اسمعیل میزان آقاسی گیلان ضرور باشد ممانعت نکرده بلکه معاونت»
« وتقویت نمایند دیگر بعالیجاه بلند جایگاه قونسول گیلان مرقوم فرمایند که »
« هنگام موعد باید شیل سفیدرود مفوض بعالیجاه میزان آقاسی شود دیگر حرف »
« وگفتگوئی بمیان نیاورند دیگر بعالیجاه بلند جایگاه دریابیگی استراباد بهمین »
« مضمون اینطغرا نوشته مرا مرقوم میدارید که دوستدار هم پولی میدهد و اسباب و»
« مایحتاج تدارک می کند دیگر من بعد سالی اقلا یکصدهزار تومان ضرر شیلات را»
« نمی کشد ومنفعتی تحصیل می نماید واگر مرقوم نمیدارید بیجهت زحمت نکشد و »
« پول مفت خرج ننماید جواب کاغذ دوستدار این است والا دوستدار میداند که نه »
« سال تمام است شیلات مال دوستدار راسوجایف یاغیر متصرف می باشند و ضرر »
« بدوستدار میرسد و بدولت فخیمه روسیه هیچ عاید نمی‌شود واولیای دولت ایران»
« هیچ اطلاع ندارند که دوستدار دراین نه سال چقدر ضرر برای خود قبول نموده »
« حرفی بزبان و بیان نیاورده - زیاده مصدع نیست هل جزاء الاحسان الاالاحسان»
باقی ایام جلالت مستدام »

امیر کبیر و شیلات

یکی از کارهای میرزا تقی خان امیر کبیر در دوران صدارت خود جلوگیری از توسعه نفوذ و کوتاه ساختن دست خارجیان از امور ایران بود.

بی‌ترتیبی وضع شیلات و دخالت نمایندگان سیاسی و کنسولی روسیه تزاری در امور آن بعنوان حفظ منافع اتباع روس ازموضوعاتی بود که امیر باصلاح آن توجه‌خاصی مبذول می‌داشت.

امیر کبیر برای این منظور تصمیم می گیرد شیلات را بمیرزا ابراهیم خان دریابیگی تبعه ایران اجاره داده واورا مسئول این کار بدانند .

بدستور امیر کبیر میرزا محمدعلی خان نایب اول وزارت امور خارجه درماه ربیع الاول ۱۲٦٥ نامه ذیل را بوزیر مختار روس می نویسد وضمن اطلاع این تصمیم از او می خواهد که «کمال اعانت وحمایت را از میرزا ابراهیم خان و کسان او بنمایند »

« جناب جلالت ونبالت نصابا مجدت وفخامت انتسابا مخلص استظهار امشفقا معظما»
« جناب جلالتمآب اتابك اعظم امیر کبیر دام اجلاله خودشان شیلات بحر خزر را از»
« آستارا الی اترك باجاره دادند عالیجاه میرزا ابراهیم خان دریابیگی رعیت »
« دولت علیه ایران از اینکه باید اسباب صیادی ازحاجی طرخان بیاورد وتهیه و»
« تدارك خودرا آن طرف ها نماید لهذا از آن جناب متوقع است که شرحی در سفارش»
« او بحاکم حاجی طرخان مرقوم دارند که اسباب صیادی که عالیجاه مشارالیها»
« می خواهد باینطرف ها بیاورد ممانعت ننمایند و کمال اعانت وحمایت را از او و »
« کسان او بنمایند و نیز سفارشی ببزرگ سفاین حربیه قلمی دارند که عالیجاه »
« مشارالیه را مستاجر شیلات بحر خزر دانند که دیگری در امر شیلات مداخله »
« نداشته باشد چون لازم بود خدمت آن جناب مصدع آمد تحریراً فی شهر ربیع الاول»
«سنه ۱۲٦٥ .»

موضوع اجاره دادن شیلات بحر خزر به میرابراهیم خان موردِاعتراض وزیرمختار روس واقع شد و بعناوین مختلف در صدد شکایت و کار شکنی بر آمدند - وزیرمختار روس بامیر کبیر چنین مینویسد .

«آنجناب میدانند که عالیجاه میر ابراهیم خان که امر صیادی در بحر خزر باو واگذار شده است اقوامیکه تبعه دولت بهیه روسیه میباشند دارد فیمابین ایشان وعالیجاه مشارالیه اموال موافق قاعده و قانون تقسیم شده است وباین جهة جواب استعمال مایملك که آن ها جمع المال میباشند در عهده عالیجاه میرابراهیم خان است و شارالیه نمی تواند که اقوام خود را از منافعی که ازاین معاملات حاصل میشود محروم سازد از روزیکه جناب سامی اراده ظاهر فرموده بودند که شیلات مزبوره را بعالیجاه مشارالیه تفویض وواگذار فرمایند دوستدار بجناب سامی حالی وخاطر نشان نمود مرارتهائی راکه از برای دولتین بهیتین حاصل خواهد شد از روابط خویشی وقرابتی که تبعهٔ روسیه باعالیجاه میرابراهیم خان دارند در این اوقات عالیجاه میرتقی ودونفر دیگر اولاد مرحوم حاجی میرابوطالب خان نزد قونسول اعلیحضرت امپراطوری مقیم دارالمرز رشت در مقام شکوه و شکایت برآمدند که عالیجاه میرابراهیم خان در رسانیدن حصه ورسدی که از مایملك ایشان بهم میرسد مطالعه می نماید حتی محاسبه استعمال اموال مزبوره را نیز پس نمی دهد .

لهذا موافق عرایض واصرار ایشان عالیجاه رفیع جایگاه قونسول معزی الیه بجهة حفظ صرفه رعایای روسیه لابد شده که باطلاع سرحددار دولت علیه ایران موازی بیست ودوتای سریش ماهی که میرابراهیم خان میخواست بخاك روسیه بفرستد ضبط ونگهداری نماید دوستدار بعالیجاه قونسول حکم داد که لازمه تدبیرات را از برای محافظت رعایای روس ازبی حسابی وخودسری عالیجاه میرابراهیم خان بکار ببرد عالیجاه معزی الیه آنچه که حق وکیفیت امورات اقتضا مینماید البته بعمل خواهد آورد ولی دوستدار باید آن جناب مشفق مهربان را مطلع و مستحضر نماید از عملکیه ترضیه فوری وعبرت از برای سایرین باشد اقتضا میکند عالیجاه میرابراهیم خان بدو نفر از کسان خود میرمهدی ومیراسمعیل خان در انزلی حکم داده بود که امهار قونسولگری که اجناس ضبطی به آن ها ممهور بود بشکنند این نوع رفتار مقتضی آنستکه هیچ دولتی نمی تواند متحمل شد لهذا از جناب سامی

متوقع است که بکارگذاران اعلیحضرت ایمپراطوری رضامندی که ایشان حق‌دارند مطالبه نمایند بدهند عالیجاه غراف صاحب که همین مراسله را بنظر جناب سامی‌خواهد رسانید مامور است که به‌آنجناب جلالتماب دراین باب گفتگو نماید چون‌لازم بود مزاحم گشت تحریرا فی‌سیم شهر شعبان المعظم ۱۲۶۵ »

امیر کبیر باین اعتراضات ترتیب اثر نداد و برای مدت چهار سال شیلات را به میرابراهیم‌خان دریابیگی اجاره دادوهروقت اتباع روس دراموشیلات دخالت‌میکردند از اینکار جلوگیری وبسفارت‌روس اعتراض میکرد.

چنانکه در نامه ای بتاریخ ماه رجب ۱۲۶۶ بوزیر مختار روس مینویسد «حاجی عباس نام گیلانی ساکن‌استراباد که ازجانب‌میرابراهیم‌خان‌دریابیگی مباشر» «امور شیلات استراباد است عریضه‌ای خدمت‌اولیای دولت قاهره نوشته است که در» «این اوقات که‌دونفر از رعایای‌دولت‌بهیه روسیه یکی‌مسمی به‌پسر کفتان نیك و» «دیگری عامل مسمی به‌متکالف‌باچند فروند کمی‌وارداستراباد شده‌مداخله درامر» «شیلات مینمایند وخلاصه از قیمت‌متعارفه‌ازطایفه ترکمانیه خریداری‌ماهی مینمایند» «از اینکه شیلات استراباد ازاترك الی آستارا دراجاره عالیجاه میرابراهیم خان» «است واینطور رفتار خلاف قاعده وحساب‌است لذا ازجناب سامی متوقع است که» «زحمت کشیده شرحی بدریابیگی مرقوم دارید که قدغن نماید تبعه دولت بهیه» «روسیه ماهی از طایفه ترکمانیه خریداری ننمایند و اگر طایفه ترکمانیه صید» «ماهی مینمایند بآدمهای عالیجاه میرابراهیم‌خان دریابیگی بفروشند ونیز قدغن» «نماید که مشارالیه کمی های خودرا از آنجابرداشته بروندومداخله در امر شیلات» «عالیجاه مشارالیه ننمایند. چون لازم بود اظهار شد فی‌شهر رجب ۱۲۶۶»

میرابراهیم‌خان از اولاد میر باقرسابق‌الذکر وبابعضی از برادران وخویشان خود که تابع دولت روسیه بودند جمع‌المال بود وبهمین جهت برای آنکه این موضوع‌وسیله دخالت‌مامورین روسیه تزاری در امور شیلات نباشد و از بهانه جوئی آنها جلوگیری کند هنگامی که میرابراهیم در پرداخت قسط دیوانی تاخیر کرد امیر کبیراجاره‌نامه‌رافسخ وشیلات را بمیرزا اسمعیل ومحمدولی بیك‌نامی اجاره می‌دهد.

میرزا آقاخان نوری وشیلات

میرزا آقاخان نوری در دوران صدارت خود برای کوتاه ساختن دست روسها از سواحل بحرخزر کوشش‌زیادی مبذول داشت چنانکه دیدیم از ورود کشتی‌های جنگی‌روس به مرداب انزلی جلوگیری نمود وهمچنین در مورد شیلات بمنظور کم کردن نفوذ و تسلط روسها در امر صید ماهی بااجاره شیلات باتباع روس مخالفت می کرد و نسبت برعایا و ماهیگیران روسی‌در دوران صدارت اواز طرف‌مامورین ایرانی تضییقاتی ایجاد میشد چنانکه وزیر مختار روس در نامه اعتراضیه‌ای در ماه جمادی الثانی ۱۲۶۹ بمیرزا آقا خان صدراعظم می نویسد:

« وزیر مختار دولت روس برطبق عریضه عالیجاه ایوانفسکی صاحب قونسول گیلان تکلیف خودرا می داند که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاهی را ملتفت سازد برسوء رفتاری که معمول می شود در حق رعایای روسی که مشغول صیادی در شیلات سفیدرود ازجانب مباشرین وآن شیلات می‌باشند قطع نظراز قلیل اجرتی

که به‌آن‌ها بجهة این‌عمل می‌رسد واضع ایندستخط باین اکتفا خواهد که بجناب صدراعظم دولت ایران‌معلوم نماید که بعضی از رعایای مذکوره مریض واز گرسنگی نزدیك بهلاکت رسیدند بجهة نرسیدن مواجب ایشان در وقت وموقع خود درایام تابستان گذشته لابد شدند که در مدت چندروز درجبال وتلال سکنی‌نمایند وبعد از آن که آن‌ها نزد یك نر ایرانی که مواظبت‌شغل صیادی سفیدرود بعهده او مفوض است بشکایت بر آمدند مشارالیه در جواب گفت آن‌ها می‌توانند سنگریزهای دریا را بخورند ممتنع است که اولیای دولت ایران توانند این نوع سلوك وحشی را متحمل شوند بناء علیه واضع ایندستخط بامنای دولت ایران‌تکلیف مینماید که‌حکمی صادر فرمایند که بعداز این بارعایای دولت روس بهتراز این رفتار شود و اجرت آن‌ها نقد یومافیوما از جانب عالیجاه میرزا اسمعیل کارسازی شده برسد هرگاه غیر از این باشد جناب میرزا آقاخان خود تصدیق خواهند نمود که برطبق حالت این اوضاع اگر رعایای روس من بعد راضی نخواهند شد که آمده مشغول امر صیادی سفید رود شوند البته اولیای دولت روس هم به‌آن‌ها تکلیف نخواهند کرد که‌بیایند واز گرسنگی بمیرند در انجام شغلیکه از برای آن‌ها منفعت بسیار قلیل دارد.»

وهمچنین شارژدافر روس درتاریخ ۹ماه شوال۱۲۷۲ نوشته

«عمله‌جات ماهیگیری از رعایای دولت روس که درکنار سفیدرود میباشند از رفتار میرزا احمد نام نویسنده عالیجاه میرزا اسمعیل مباشر شیلات مزبور شاکی میباشند که او به‌آن‌ها اسناد دزدی حتی فحش و دست درازی می‌کند گذشته از همه این‌نوع حرکات مانع میشود که هیچ چیزیرا در اطراف نتوانند بخرند به مقصود اینکه بقیمت سه مقابل گران‌تر اشیاء دکان خود را بفروش برسانندواضع ایندستخط شارژدافراعلیحضرت ایمپراطوری مقیم دربار ایران مکررتقریرا وتحریرا ازجناب جلالتماب اشرف امجد صدراعظم اعلیحضرت پادشاهی خواهشمند شده بود که قرار رفع ودفع این‌نوع رفتار را نسبت برعایای روس که از برای عمله صیادی در کنار سفید رود می‌آیند بفرمایند ونیز مجددا همان خواهش را اظهار نموده لابد است بامنتهای افسوس معلوم آنجناب اشرف امجد رفع نماید که من بعدها نیز متحمل این نوع ظلم ورفتار ناهنجار واضع ایندستخط را مجبور خواهد نمود که بمقام چاره مرخص نمودن عمله روسیه از سفید رود وخواهش قدغن من بعداز برای آمدن آن‌ها از هشترخان بسفید رود برآید واضع ایندستخط وغیره.»

ایرانیها محتاج به کمك بودند

سابقا گفتیم که چون روسها وسائل بیشتری برای صید وحمل و نقل ماهی داشتند بهتر می توانستند امور شیلات را اداره کنند

علت اساسی که اولیای دولت ایران را وامیداشت شیلات را بروسها اجاره دهند همین موضوع بود. البته دولت روسیه برای انجام‌منظور-هائی که قبلا بدان اشاره شداز اجاره داری اتباع روس پشتیبانی وحمایت میکرد ولی اگر دولت ایران از پذیرفتن این پیشنهاد سرباز میزد روسهامیتوانستند عمل بهره‌برداری از شیلات راخنثی سازند زیرا عمله صید ومتخصص ماهی گیری بایداز روسیه بیاید-وسیله صید وماهیگیری بایداز روسیه خریداری شود - کشتی ووسائل حمل ونقل متعلق باتباع روس بود و بالاخره قسمت عمده محصول شیلات بشهرهای روسیه صادر میشد.

هرگاه اجاره دار عمده شیلات تبعه‌ایران بود نمی‌توانست بدون مساعدت و جلب نظر روسها از عمل خود نتیجه‌ای بگیرد وبدین جهت‌همیشه‌اجاره‌داران ایرانی ومباشرین شیلات متوسل بدولت ایران می‌شدند تااز طریق سیاسی همراهی و کمك روسها رانسبت بخود جلب نمایند.

برای روشن شدن این موضوع بدون آنکه توضیح بیشتری دراین‌باب بدهد دو

نامه که از طرف دولت ایران بسفارت روس نوشته‌شده ودر آنها برای متضدیان ایرانی امر شیلات تقاضای کمک گردیده ذیلا نقل مینمایم .

میرزا مسعود وزیر امور خارجه محمدشاه به‌دستور حاجی میرزا آقاسی صدراعظم درماه ربیع‌الثانی سال ۱۲۶۱ بوزیر مختار روس چنین مینویسد .

«عالیجاه میرزا اسمعیل میزان آقاسی سه‌فقره عرض بجناب اجل اعظم آقای »
« حاجی مدظله العالی کرده بود که بلوجود خسارتی که درین سال در معامله سفید»
« رود بمن رسیده است استدعا دارم که اولیای دولت قاهره قراری در باب این سه»
« فقره عرض بدهند که زیاد ضرر بمن که رعیت دولت علیه‌هستم نرسدجناب‌معظم »
« الیه بدوستدار فرمایش فرمودند که در باب این سه فقره‌عرض او بآنجناب‌زحمت»
« دهند که بمقتضای کمال اتحاد دولتین بهیتین وحسن اتفاقی که آنجناب دارند در »
« انجام آنها نظر التفات گمارند .

« فقره اول این است که عالیجاه مشارالیه یکفروند کشتی تجارتی ساخته است »
« که بحکم عهدنامه میتوانند در آن‌دریا داشته باشند این اوقات میخواهد کشتی »
« خودرا ماهی حمل کرده بفرستد بحاجی‌ترخان آنجناب نوشته بدهند که کسی »
« متعرض کس او نشود .

« فقره دویم کسان او از گیلان نوشته‌اند که پیش‌از قطع وفصل کار سفید رود »
« جناب سامی به‌تجار دولت بهیه روسیه قدغن فرموده‌اند که کشتی خود را اجاره »
« باو ندهند که ماهی خودرا حمل‌حاجی‌ترخان نماید حال که کار سفید رود گذشته»
« است نوشته بتجار دولت بهیه روسیه مرقوم دارند که اگر مشارالیه کشتی اجاره»
« بخواهد باو بدهند و از او مضایقه ننمایند که ماهی خودرا حمل حاجی ترخان »
« کرده بفروش برساند .

« فقره سیم این است که‌در سفید رود بار واسباب وصیادی دارد وعمله‌از تبعه»
« دولت بهیه روسیه یکساله اجیر کرده است عالیشأن محمد حسن بیك مامور است»
« برود باطلاع عالیجاه موسیولنبروس مباشر قونسولگری آن‌دولت بهیه اسباب »
« صیادی اورا باعمله صید که در اجاره اوهستند بجائی دیگرحمل کرده مشغول امر »
« صیادی شوند جناب سامی نوشته بعالیجاه‌موسیولمبروس مرقوم دارند که متعرض »
« اسباب صیادی مخصوص او وعمله که در اجاره اوست نشوند‌چون این‌سه فقره »
« عرض واستدعای عالیجاه مشارالیه مقرون بحساب است یقین است که آنجناب به »
« مقتضای کمال اتحاد دولتین بهیتین این زحمات را قبول فرموده نوشتجاتی که »
« استدعا کرده است خواهند داد که بزودی آدم خودراروانه دارد . چون لازم‌بود»
« زحمت داد - تحریرا فی ۲٤ شهر ربیع‌الثانی ۱۲۶۱

نامه دیگر که ازطرف وزیر امور خارجه بوزیر مختار روس نوشته شده .

« جناب جلالت و نبالت نصابا محبان استظهارا مشفقا مکرما مهربانا »
« امور شیلات متعلقه باینده‌ولت علیه برحسب امرهمایون‌سرکاراعلیحضرت اقدس»

« شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه درهذه السنه یونت ئیل و بعدها بامیر الامراء العظام»
« عمیدالملک حاکم گیلان مفوض وموکول شده است که در ضبط و نسق شیلات اهتمام»
« نمایند و همه ساله موافق قرار داد اولیائ دولت وجه عمل آنجا را بدیوان »
« کارسازی دارند چون انضباط این مهم همراهی جناب مجدت ونبالت همراه حکمران»
« حاجی ترخان را لازم دارد لهذا زحمت افزای خاطر آنجناب جلالتمآب میشود که»
« شرحی در اینخصوص بجناب معزی الیه بنویسند که لدی الضروره باقتضای مودت و»
« موالات دولتین علیتین ایران وروس از همراهی ومراقبت دراداره این عمل مضایقه»
« ننمایند واظهارات عالیجاه مجدت همراه میرزا یوسفخان کارپرداز مقیم آنجا »
« را در این باب باجابت مقرون دارند و چنانچه گماشتگان امیر الامراء العظام »
« عمیدالملک عمله واسباب صیادی و سایر ملزومات لازم داشته باشند قدغن نموده »
« بآنها بدهند وقیمت ملزومات رادریافت نمایند وچون عمل فروش ماهی که درسنه»
« ماضیه درحاجی ترخان شده استدرهذه السنه باید بتوسط گماشتگان عمیدالملک »
« بدیوان عاید شود توجه اهتمامی در وصول وایصال آن از جانب حکومت حاجی »
« ترخان بعمل آید بدیهی است آنجناب هرچه زودتر شرح موکدی در این باب قلمی»
« داشته نزد دوستدارخواهند فرستاد که نزد امیر الامراء العظام معزی الیه بفرستند . »

حرره فی سلخ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۵»

سپهسالار شیلات را اجاره میکند

در شرح زندگانی میرزا حسین خان سپهسالار گفتیم که بسیاری از امور دولتی را در دوران صدارت خود تحت نظم وقاعده درآورد.

موضوع بهره برداری شیلات چنانکه گذشت نه تنها از لحاظ سیاسی بواسطه اختلافاتیکه بین مستاجرین متعدد ایرانی وروسی پیدا میشد برای دولت ایران اشکالاتی را پیش میاورد ازجهت مادی نیزدرآمد دولت چندان قابل ملاحظه نبود وهیچوقت مبلغی که ارزش واقعی شیلات باشد عاید خزانه نمیگشت.
مال الاجاره ای که برای دولت وصول میشد ازدست سوم وچهارم بود تازه مبالغی از آنرا بعناوین مختلف بابت مخارجی که صورت میدادند محسوب و کسر میکردند.

میرزا حسین خان سپهسالار برای آنکه باین وضع خاتمه دهد بر آن میشود که شیلاترا مستقیماً خود ازناصرالدین شاه اجاره کرده وسپس یکجا بروسها اجاره دهد.

این نکته باید دراینجا گفته شود علت اینکه سپهسالار شیلاترا بروسها واگذار کرد و آنهارا بمستأجرین ایرانی ترجیح داد یکی از جهت سیاسی بود که دولت روسیه باین موضوع بی نظر نبود وبطوریکه دیدیم مامورین سیاسی وکنسولی روس اغلب مواقع ازدولت ایران تقاضای اجاره داری شیلاترا برای اتباع روسیه مینمودند ویقیناً عدم توجه بآن باعث رنجش دولت تزاری روس میگردید وازلحاظ روابط دولتین که بواسطه لغو امتیاز رویتر میرفت بهبودی یابد بسیار مهم بود.

دیگر از نظر مادی که روسها بعلت داشتن وسائل بهتری برای صید و خرید و

فروش مال الاجاره بیشتری میدادند .

قبل ازدوران صدارت سپهسالار مکرر از طرف روسها پیشنهاد اجاره شیلات میشد ولی ناصرالدین شاه ازقبول آن پیشنهادها خود داری میکرد چنانکه در گزارشی که بتاریخ ذی الحجه ۱۲۸۶ راجع بموضوعات مختلف ازجمله شیلات بنظرش رسانده‌اند نوشته‌است «وزیر دول خارجه

فقره نوشته بودید که قونسول روس خواهش دارد شیلات را بتاجر حاجی طرخانی اجاره داده شود حالا موقع این گفتگوها نیست البته در کمال خوبی از قونسول عذر بخواهید ۸۶»

بهرحال پیشنهاد سپهسالار مورد تصویب «شاه» واقع واجاره‌نامه‌ای بعنوان میرزا حسین خان سپهسالار تهیه و بامضای ناصرالدین شاه میرسد . که عین آن در صفحه بعد گراور شده است

سپهسالار شیلات را بروسها اجاره میدهد

میرزا حسین خان سپهسار پس از امضاء اجاره نامه شیلات را بموجب قراردادی در تاریخ ۱۲ یون (ماه ژوئن روسی) ۱۸۷۶ (سال ۱۲۹۳ هجری قمری) به استپان لیانازوف بازرگان ارمنی حاجی طرخانی تبعه روس اجاره میدهد ولی مدت این قرار داد چندان بطول نمی انجامد که بین طرفین اختلاف حاصل و لیانازوف ازپرداخت مال الاجاره خود داری نموده ومامورین ایرانی نیز بدستور سپهسالار با اطلاع سفارت روس اسباب صیادی لیانازوف را توقیف میکنند و بالاخره بعد از مذاکراتی که بین ملك بیگلروف وکیل لیانازوف وسپهسالار درتهران بعمل میآید اختلافات گذشته مرتفع وقرار میشود شیلات به لیانازوف وشرکای او اجاره داده شود .

بدین منظور ابتدا مصالحه نامه‌ای بشرح زیر تهیه میگردد .

مصالحه نامه

دارالخلافه تهران بتاریخ ١٤ ماه اکتبر ۱۸۷۹ مسیحی جناب مستطاب اجل اشرف امجد حاجی میرزا حسین خان مشیر الدوله سپهسالار اعظم وزیر امور خارجه دولت علیه ایران بموجب اختیار واقتداریکه از دولت علیه ایران دارند بجناب دیستوی تلونی‌استاتسکی ساوتنیك پاول شادمیرویچ ملك بیگلروف (۱) بموجب وکالت نامه که ازیانو مستوانی پاچوتنی گراژدانین استپان مارتین اویچ لیانزوف (۲) تاجر درجه اول شهر حاجی ترخن دارند جمیع محاسباتی که درخصوص اجاره شیلات دولت علیه‌ایران بموجب قرار نامه منعقده فی دوازدهم شهریون ۱۸۷۶ سنه‌مسیحی فیمابین جناب مستطاب اجل‌اشرف امجد سپهسالار اعظم ولیانزوف مزبوربوده‌است موافق شروط مفصله ذیل بالمره قطع وفصل گردید .

شرط اول ـ جناب مستطاب اجل‌اشرف امجد سپهسالار اعظم جمیع مطالبات خودرا که ازاستپان‌لیانزوف از بابت اجاره شیلات دولت علیه ایران بموجب قرارنامه مذکورداشتند تا تاریخ اول ماه‌اکتبرهذه‌السنه ۱۸۷۹ مسیحی بالمره قطع وفصل نمودند وچه آن قرارنامه وچه جمیع مستندات‌ومعاهدات راکه فیمابین جناب‌مستطاب

1— Deystvitelniy Statskiy Sovetnik PAVEL CHADMIROVITCH MELIK-BGLIYAROV

2 — Potomstvenniy Potchotniy Grajdanin STEPAN MARTINOVITCH LIANOZOV

« ازابتدای هذه السنه سیچقان ئیل
خیریت تحویل سنه ۱۲۹۳ هجری
لغایت ده سال تمام کامل الشهور
والایام همگی وتمامی کل شیلات
و صید انواع ماهی بحرخزر را
چه در گیلان وچه مازندران و تنکابن
و رودخانهای مخصوصه ومرداب
وغیره آنچه متعلق بدولت علیه
ایران است باجاره صحیحه شرعیه
متصله غیرمنفکه درسالی سی و یك
هزار تومان وجه رایج خزانه عامره
بجناب مستطاب اشرف حاجی میرزا
حسین خان مشیرالدوله سپهسالار
اعظم ووزیر امور خارجه واگذار
فرمودیم که همه ساله سالی هجده
هزار تومان مواجب خودرا ازمبلغ
مزبور موضوع داشته مبلغ سیزده
هزار تومان باقی را که خالص ازوجه
اجاره می ماند کارسازی دارد و
ضمنا اختیار تام تمام شرعی بجناب
معزی الیه داده ایم که برای ترقی
شیلات هر گونه عملجات واسباب
وآلات صیادی وپیرپاس وابنیه که
صلاح داند زیاد نموده وازارباب
خبرت وبصیرت بهر کس که مقتضی
ترقی این عمل به بیند رجوع کرده
کمال جهد و کوشش را در ترقی
این عمل بعمل آورده و همچنین
شرط بتی شرعی شد که پس ازانقضاء
مدت ده سال که موعد اجاره است
آنچه اسباب وآلات وپیرپاس وغیره
برنهج مرقوم جناب معزی الیه حاضر
وبازیاد کرده است مال وملك خالص
خوداوست و هر گاه مستأجر جدید
و هر کس دیگر کائناً من کان آن
اسباب وغیره را کلا وبعضاً بخواهد
ازاو بقیمت عادله ابتیاع نماید ودر
این مدت ده سال احدی راشرعاوعرفاً
حق واجازه نخواهد بود که بدون اطلاع
واجازه مستأجر مرقوم مداخله جزئی
یا کلی درامور شیلات نماید حرر ه فی
غره شهر جمادی الاخره سنه ۱۲۹۳

ناصر الدین شاه باخط خود
درحاشیه نوشته .

«این قرارداد واجاره شرعی صحیح است وبهیچوجه تخلف نباید بشود وانشاءالله جناب سپه سالار اعظم هم نهایت مراقبت را درانتظام عمل شیلات خواهد کرد ۹۳ .»

معظم الیه ومسیولیانزوف در خصوص شیلات مزبوره فوق منعقده بوده جناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم باطل واز درجه اعتبار ساقط نموده بنابراین به محض امضای همین مصالحه نامه جناب مستطاب معظم الیه متعهد می باشند که بسفارت دولت بهیه روسیه مقیم دارالخلافه طهران اعلام نمایند که جمیع واطکه‌ها واسباب ولوازم متعلقه بعمل صیادی آن‌ها راکه در ضبط بوده آنها را از ضبطیت خارج نمایند وکلا را بوکیل لیانزوف مسترد دارند واحکام لازمه بهمین مضمون با تلغراف بحکام گیلان ومازندران واسترابادصادر فرمایند.

شرط دویم- جناب ملك بیگلروف هم‌بموجب وکالت خود متعهد می‌شود که جمیع محاسبات ومطالبات وادعاهائی که مسیولیانزوف بموجب قرارنامه منعقده مورخه دوازدهم ماه‌یون‌سنه ۱۸۷۶ فیمابین جناب مستطاب اشرف سپهسالار اعظم ولیانزوف از بابت اجاره شیلات مذکوره فوق ازجناب مستطاب سپهسالار اعظم داشتند که عبارت ازسی‌ونه هزارتومان می‌باشد بالمره ترك وموقوف نماید لهذا چه‌قرارنامه‌مذکوررا وچه جمیع مستندات و معاهدات راکه در خصوص شیلات مزبوره منعقد بوده باطل واز درجه اعتبار ساقط نمود علاوه براین جناب‌ملك بیگلروف متعهد می‌باشد از جهة قطع وختم محاسبات طرفین بفاصله یکماه بعداز امضای همین مصالحه نامه مبلغ سی‌ودوهزار تومان از جانب لیانزوف بجناب مستطاب سپهسالار اعظم کارسازی نماید.

شرط سیم- این مصالحه نامه بامضای طرفین باید نسختین باشد وبه ثبت ومهروزارت جلیله مهام‌خارجه دولت علیه ایران وسفارت دولت بهیه روسیه مقیم دارالخلافه تهران‌رسیده یك نسخه آن را جناب مستطاب‌اجل اشرف افخم سپهسالار اعظم ونسخه دیگرآن را جناب دیستوی تلنی استاتسکی ساوت نیك ملك بیگلروف‌داشته باشند. محل مهروزارت امورخارجه • محل امضاء « میرزا حسین خان سپهسالار اعظم وزیر امور خارجه دولت علیه ایران.»

بعداز رفع اختلافات گذشته وامضاء مصالحه نامه قراردادی بمدت پنجسال برای بهره برداری از شیلات ایران بین‌میرزا حسین‌خان سپهسالار صدراعظم‌ووزیر امورخارجه از یکطرف وچهار بازرگان روسی بشرح زیر در همان تاریخ بامضاء میرسد.

قرارنامه کنترات

«دارالخلافه تهران بتاریخ ٤ شهراکتبر سنه۱۸۷۹ مسیحی مطابق هفتم شهر»
«ذی قعده ۱۲۹٦ هجری اشخاص مفصله ذیل یعنی جناب مستطاب اجل‌اشرف امجد»
«حاجی میرزا حسین‌خان سپهسالار اعظم وزیرامورخارجه‌دولت علیه ایران بموجب»
«اختیار واقتداری که ازدولت علیه‌ایران دارند ازیك جانب وجناب دیستوی تلنی»
«استاتسکی ساوتنیك پاول شادمیرویچ ملیك بیگلروف ازجانب خود و بوکالتهای»
«مطلق از جانب استاتسکی ساوتنیك لوآرساب ملیك بیگلروف (۱) برادر خود»
«واز جانب پاتومستونی پاچوتنی گراژدانین استپان مارتینویچ لیانازوف تاجر»
«درجه اول شهرحاجی ترخان والکسندر آقافونویچ ملیك آزاریانس (۲) تاجر»
«درجه اول شهر طفلیس این قرارنامه کنترا کت را منعقد نمودم به شرایط ذیل»
«شرط اول

«جناب مستطاب اجل اشرف امجد سپهسالار اعظم تمام‌و همگی شیلات وعمل»
«صیدماهی دولت علیه ایران‌راکه مسمی بحلال وحرام است ازرودخانه آستارا که»
«سرحد دولت بهیه روسیه است الی رودخانه اترك که سرحددولت علیه‌ایران‌است بموعد»
«پنج‌سال کامل یعنی‌از اول ماه اکتبر سنه ۱۸۷۹ مسیحی‌الی‌اول‌ماه‌اکتبرسنه ۱۸۸٤»

---

1 - Statskiy Sovetnik LOUARSAB MELIK-BAGLIYAROV
2 - ALEXANDR AGHAFONOVITCH MELIK_AZARIAN

« باجاره صحیحه قطعیه میدهد ببرادران ملیك بیگلروف و به لیانازوف وملیك آزاریانس »
« بمبلغ اجاره هرساله پنجاه هزار تومان پول ایران .

« شرط دویم – اجاره داران مذکور متعهد و متقبل میشوند که وجه اجاره »
« را از بابت شیلات وعمل صید ماهی که در شرط اول مذکوراست یعنی مبلغ پنجاه »
« هزار تومان راپول قران رایج دولت علیه ایران در هریکسال در دوقسط مساوی ک »
« عبارت از پانزدهم ماه ژانویه وپانزدهم ماه مارس سنوات آتیه ذیل – سنه ۱۸۸۰ »
« وسنه ۱۸۸۱ وسنه ۱۸۸۲ وسنه ۱۸۸۳ وسنه ۱۸۸٤ مسیحی باشد درشهرطهران »
« بجناب مستطاب سپهسالار اعظم کارسازی نمایند در صورتیکه اتفاقا اجاره داران »
« مذکور وجه اجاره مذکور را برسرموعدهای مذکور کارسازی ننمایند از برای »
« هرقسطی از اقساط یکماه مهلت داده خواهدشد بشرط این که بجهة اوقات پس »
« افتاده تنزیل از قرار تومانی یکصد دینار در هر ماهی یعنی از صد دوازده در »
« سال کارسازی نمایند .

« شرط سیم – در صورتیکه جناب مستطاب سپهسالاراعظم خواسته باشند صید »
« ماهی حلال را دراختیار خودداشته باشند اجاره داران مذکور متعهد ومتقبل میشوند »
« که این اختیار را بآنجناب واگذار نمایند ولی در این صورت آنجناب نیز متعهد »
« میشود که دوازده هزارتومان از پنجاه هزار تومان وجه اجاره سالیانه را از دو »
« قسط آنسال موضوع ودر جزوحساب محسوب بدارند ونیز بشرطاینکه هردفعه این »
« میل واراده خود را قبل از وقت تا اول ماه نوامبر هرسال به اجاره داران مذکور »
« اعلام نمایند .

« شرط چهارم – کل پرپیاس یعنی جمیع اسباب ولوازم که از هرجهة از برای »
« عمل ومصارف واطاکه های صیدماهی وشیلات حمل ونقل بداخل دولت علیه ایران »
« بشوند وایضا هرقدر از اجناس متفرقه متعلق بصیدماهی وعمل شیلات از واطاکه »
« های صیادی ایران حمل ونقل بخارج از دولت ایران شوند مباشرین گمرکخانه های »
« دولت علیه ایران از قرار اجاره سالهای سابق از اجاره داران مذکور بهیچوجه »
« حق مطالبه وجه گمرك نخواهند داشت .

« شرط پنجم – چون واطاکه واقع در جزیره آشوراده بواسطه سیل آب منهدم »
« شده است لهذا جناب مستطاب سپهسالار اعظم قبول میکنند که اجازه بدهد در »
« یکی از نقاطی در سواحل قولتق استراباد به استثنای سرتك ومیان قلعه انتخاب »
« بکنند واطاکه ازنی بجهة صیدماهی بسازند مستاجرین مجبورند که قبل از وقت »
« نقاط مزبوره را باطلاع سپهسالار اعظم رسانیده اجازه بخواهند بجهة »
« ساختن واطاکه .

« شرط ششم – محض ترقی وشیوع وانتشار عمل صیدماهی به اجاره داران مذکور »
« اجازه داده میشود که در تمام امتداد ومسافت واقع درمیان رودخانهای آستارا »
« واترك بغیراز سرتك (میان قلعه) واطاکه های جدید بغیراز آنهای که الان حاضر »

« وموجود میباشند ساخته دایر نمایند ولی بشرط اینکه هردفعه قبل‌از وقت بجناب»
« سپهسالار اعظم اطلاع واخبار دهند واجازه بخواهند وجناب سپهسالار اعظم‌هم»
« دردادن اجازه مذکور انکار نخواهند داشت

« شرط هفتم ـ اگرچه در حسن سلوك ورفتار حضرات اجاره‌داران با رعایای »
« دولت علیه ایران شك‌وشبهه نیست لیکن اگر فیمابین کسان اجاره‌داران واهالی»
« دولت علیه ایران حرفی یا اختلافی واقع‌شود اجاره داران مذکور تعهد میکنند که »
« کسان آنها اول بحکام دولت علیه ایران رجوع نمایند یاآنکه بدان‌شخص که »
« بسمت کارپردازی از جانب جناب مستطاب سپهسالار اعظم معین و مامور باشداز»
« برای امورات متعلق بعمل شیلات (در صورتی که چنین شخصی در آنجا باشد)»
« رجوع خواهند نمود .

« شرط هشتم ـ در صورتیکه برهم خوردن‌هریك از فصول بغیراز فصل هفتم این»
« قرار نامه‌هر کس ازطرفین که‌اسباب برهم‌خوردن آن بشودباید‌مبلغ یکصدهزارمنات»
« پول اسکناس روس بطرف مقابل برسم جریمه کارسازی نمایدو در مدت اجاره »
« واطاکه‌ها و اسباب صیادی تمام آنها مثل یك‌ضمانت بجهة موجود باقی خواهد »
« بود و مستاجرین در مدت اجاره حق اینکه آن‌ها را بسایرین بفروشند یا انتقال»
« نمایند ندارند .

« شرط نهم ـ بعداز اتمام موعداجاره مذکوردرقرارنامه کل‌واطاکه‌ها وبریپاس »
« ها یعنی اسباب ولوازم متعلق بعمل شیلات وصید ماهی ملك طلق‌اجاره داران می»
« باشند وبعداز اتمام موعداجاره داران مستحق‌میباشند که‌قرارنامه باجناب‌مستطاب»
« سپهسالار اعظم‌یا بااجاره‌داران جدید منعقدنموده قراری در باب واگذار نمودن»
« واطاکه‌ها واسباب لوازم مذکور را بایشان بگذارند ولی در صورتیکه این »
« قرارنامه نه باجناب‌مستطاب سپهسالار اعظم ونه بااجاره داران جدید سر نگرفت »
« آنوقت اجاره داران مختار ومستحق میباشند که واطاکه‌ها واسباب‌لوازم خودرا»
« برچیده در مدت سه ماه از ازایران حمل ونقل نمایند اگر فورس ماژور یعنی »
« حادثه فوق‌العاده رخ ننماید .

« شرط دهم ـ کنتراکت یعنی قرارنامه حاضر نسختین نوشته شده و بامضای »
« طرفین رسیده بایك نسخه ازآن در نزد اجاره‌داران باشد ونسخه دیگرآن‌باید »
« تقدیم خدمت جناب مستطاب اجل اشرف امجدسپهسالار اعظم بشود . میرزاحسین»
« خان ـ محل مهر شیروخورشید (وزارت جلیله مهام خارجه دولت‌ایران)»

بطوری که ملاحظه میشود سپهسالار شیلات رابسالی سی و یك هزار تومان از ناصرالدینشاه اجاره میکند که هیجده هزارتومان آنرا بابت مواجب خود برداشته‌وسیزده هزارتومان بقیه را به‌خزانه دولت بپردازد وسپس خود شیلات را بسالی پنجاه هزارتومان بروسها اجاره میدهد .

میرزا حسین‌خان سپهسالار سال بعداز امضای این قرارداد در شوال ۱۲۹۷ از

صدارت عزل و بقزوین تبعید میگردد.

بدستور ناصرالدینشاه تلگرافی بقزوین مخابره میشود که اجاره نامه شیلات و اسناد مربوط بآن‌را بتهران بفرستند.

سپهسالار ضمن نامه‌ای که از قزوین بناصرالدینشاه مینویسد اسناد مربوطه را بتهران میفرستد و از اینکه بشیلات سروصورتی داده و میزان مال‌الاجاره‌را بمقدار زیادی افزایش داده «کمال تشکر وافتخار ومباهات» رامینماید. نامه سپهسالار بناصرالدینشاه.

«قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم   چند روز قبل بواسطه تلغراف امر قدر قدر همایون شاهنشاه ظل‌الله روحنا وروح العالمین فداه شرف صدور یافته بود که انتقال نامه واسناد اجاره وغیره شیل رازودتر تقدیم خاکپای مبارك نمایم در کمال ضراعت وخاکساری جسارت بعرض نمودم که دو روزه تقدیم حضور مهرظهور اقدس اعلی روحنافداه خواهم داشت لهذا اولا ملفوفه فرمان همایون شاهنشاهی روحنا فداه که بمنزله اجاره واختیار نامه اینغلام خانه‌زاداست ودرصدر اوشرحی بدست خط مبارك همایونی در تحکیم عمل شرف صدور یافته است ثانیا انتقال نامه که بقدرقوه سعی نموده‌ام که بقاعده‌ زاکون نوشته شده باشد واصل اجاره ومال الاجاره وعمل را در آتیه برضا ورغبت خودم انتقال بذات مقدس همایون شاهنشاهی روحنافداه نموده وازخود کلیة سلب اختیار واقتدار وتصرف مداخله را درامر شیلات ودر وجه مال الاجاره نموده‌ام

ثالثا نوشته از جانب خود بسفارت روس نگاشته واین انتقال بذات اقدس همایونی وسلب اختیار از خود را بهمه جهة در نوشته مزبور اعتراف نموده خواهش کرده‌ام که این اعتراف غلام خانه‌زاد رادرانتقال وسلب اختیار از خودم در دفتر سفارت ثبت وضبط و بمسیو بیکلروف مستاجر رسما اخبار نماید که درآتیه سر وکار خودرا باهر که قبله عالم روحنافداه معین ومنتخب خواهند فرمود دانسته ومال الاجاره رادر اقساط معینه بهمان شخص کار سازی داشته وقبض وصول بجهت سند خود دریافت دارد مال الاجاره درسال مبلغ پنجاه‌هزار تومان نقد رایج خزانه عامره است که در تهران روزاول ماه ژانویه روسی بیست وپنج هزار تومان وروز اول ماه مارس روسی بیست وپنج هزار تومان نقد باید بدهند وبدون حرف ودقیقة تأخیر میدهند وقسط بندی را طوری نموده‌ام که همیشه آنها پیش باید بدهند مثلا غره ماه ژانویه روسی هذه السنه مطابق است با۱۲ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۹۸ که هفتاد روز قبل ازعید نوروز است و غره ماه مارس روسی هذه السنه مطابق با۱۲ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۹۸ که ده روز قبل ازعید نوروز است مثلا تمام وجه مال الاجاره سنه آتیه ئیلان ئیل ده روز قبل از نوروز کاملا پرداخته شده است . کمال تشکر وافتخار ومباهات بجهت اینغلام خانه‌زاد حاصل است روزی که شیل را به تیول واجاره این فدوی بیمقدار مرحمت وعنایت فرمودید اگرچه در دفتر سی ویك هزار تومان جمع داشت لکن هیچوقت ازهفده هزار تومان زیادتر عاید دولت نمی گردید چنانچه کتابچهای مفاصا حساب حکام سابق ازقبیل مرحوم اعتمادالدوله ومجدالدوله ونظام الدوله وغیره وغیره شاهد برصدق عرض فدوی خاکسار میباشد واز این هفده هزار تومان هرسال پنجهزار تومان قیمت پیرپاس از دیوان می گرفتند که درحقیقت سالی دوازده هزار تومان عاید دیوان اعلی میشد . حالا که این غلام خانه‌زاد امانت همایونی را رد می نمایم بی خرج وبدون زحمت در سالی پنجاه‌هزار تومان بیش عاید خزانه عامره خواهد گردید واگر مکان سرتك موضوع نشده بود در شصت وپنج هزار تومان ممکن بود اجاره داده شود •

از اسناد شیل چیزی که باقی است والان نتوانستم پیدا نمایم همان اجاره نامه بیکلروف است که تفصیل اورا دو روز قبل بجناب امین الملك نوشته‌ام که بخاکپای مبارك عرضه دارد عجالة نمی‌دانم کجا گذارده‌ام لکن سواد او را در دفتر وزارت خارجه ودردفتر سفارت روس هردو ثبت وموجود است به امین الملك نوشتم سوادی ازاین دودفتر دریافت نماید تاخود فدوی خانه‌زاد در همین روزها در میان نوشتجات اینجا که همراه دارم ونوشتجاتی که نیاورده‌ام و می فرستم می آورند اصل نسخه را پیدا نموده تقدیم خاکپای مبارك اقدس اعلی خواهم نمود •

الامر اقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع

معروضه ۲۲ شهر شوال ۱۲۹۷ غلام خانه زاد - حسین »

انتقال نامه‌ای را که در این نامه بدان اشاره نموده بشرح ذیل است .

بنا به‌اجازه واختیاری که از جانب دولت علیه متبوعه خود داشتم به اجاره صحیحه داده‌بودم تمامی شیلات حلال وحرام ایران را از قولتق استراباد الی رودخانه آستارا به استثنای محل موسوم به سرتك بمالیجاه بلند پایگاه پول شادمیروویچ ملك بیکلروف ازتاریخ ماه سپتامبر سنه ۱۸۷۹ مسیحی بمدت پنجسال تمام شمسی که دراین مدت بهرقسم که معمول سابق بوده است پول شادمیروویچ ملك بیکلروف یاشرکاء وگماشتگان او صیادی ماهی حلال وحرام را نموده مال خود بدانند ودر مکان موسوم بسرتك بهیچوجه مداخله نکرده ونه واتکه صیادی بسازند ونه درآن مکان صید نمایند ودر عوض سالی مبلغ پنجاه‌هزار تومان تنخواه نقد رایج خزانه عامره ایران در دارالخلافه طهران در دو قسط متساوی

یکی ابتدای ماه ژانویه روسی ودیگری ابتدای ماه آوریل روسی بمن کارسازی دارند چنانچه قسط سال اول را بهمین نهج کارسازی داشته وقبض دردست دارند ومال الاجاره چهارسال دیگررا که عبارت باشد ازدویست هزار تومان رایج ایران موافق قسط ونهجی که درفوق ذکرشد بالطوع والرغبه بمیل ورضای خودم انتقال داده و تحویل نمودم بذات اقدس همایون شاهنشاه جمجاه ظل اله (ناصرالدینشاه) خلدالله ملکه وسلطانه و تخلیه ید نمودم کاملا ازجمیع شیلات و منافع مال الاجاره او به قسمی که ازامروز ببعد مرا بهیچوجه حقی وقدرتی دراخذ مال الاجاره یا تغییر شرایط مندرجه در اجاره نامه که در دونسخه بیك مضمون نگاشته شده وبمهر وزارت جلیله خارجه دولت علیه ایران و بمهر سفارت دولت امپراطوری روس در تهران تصدیق شده نسخهٔ در نزد اینجانب ونسخهٔ در نزد پولشادمیرووبچ ملك بیگلروف می باشد باقی بماند و عالیجاه پولشادمیرووبچ ملك بیگلروف قسط مال لاجاره سنه آتیه ۱۸۸۱ وسه قسط دیگرمتوالی این قسط را درظرف چهارسال تامدت اجاره منقضی شود بهر که ذات اقدس همایون شاهنشاه ایران خلدالله ملکه معین و منتخب فرمایند کار سازی داشته و قبض الواصل دریافت نمایند و از امروز ببعدهیچ قبض وسندی بجز ازشخصی که ذات مقدس ملوکانه معین میفرمایند محل اعتنا واعتبار نخواهد بود این چند کلمه برسبیل انتقال نامه و کف ید نمودن در کمال استحکام قلمی وتحریرشد مورخه ۲۲ شهرشوال المکرم سنه ۱۲۹۷ هجری مطابق ۱۶ سپتامبر سال ۱۸۸۰ روسی فقرات مسطوره درفوق صحیح واعتراف اینجانب است ـ حسین

محل مهر (عبده الراجی محمد حسین)

نامه‌ای هم که سپهسالار بوزیر مختار روس مبنی بر انتقال امور شیلات بناصرالدین شاه نوشته بتاریخ ۲۲ شوال ۱۲۹۷ ودر ذیل آن نوشته است « ازقزوین زحمت داده

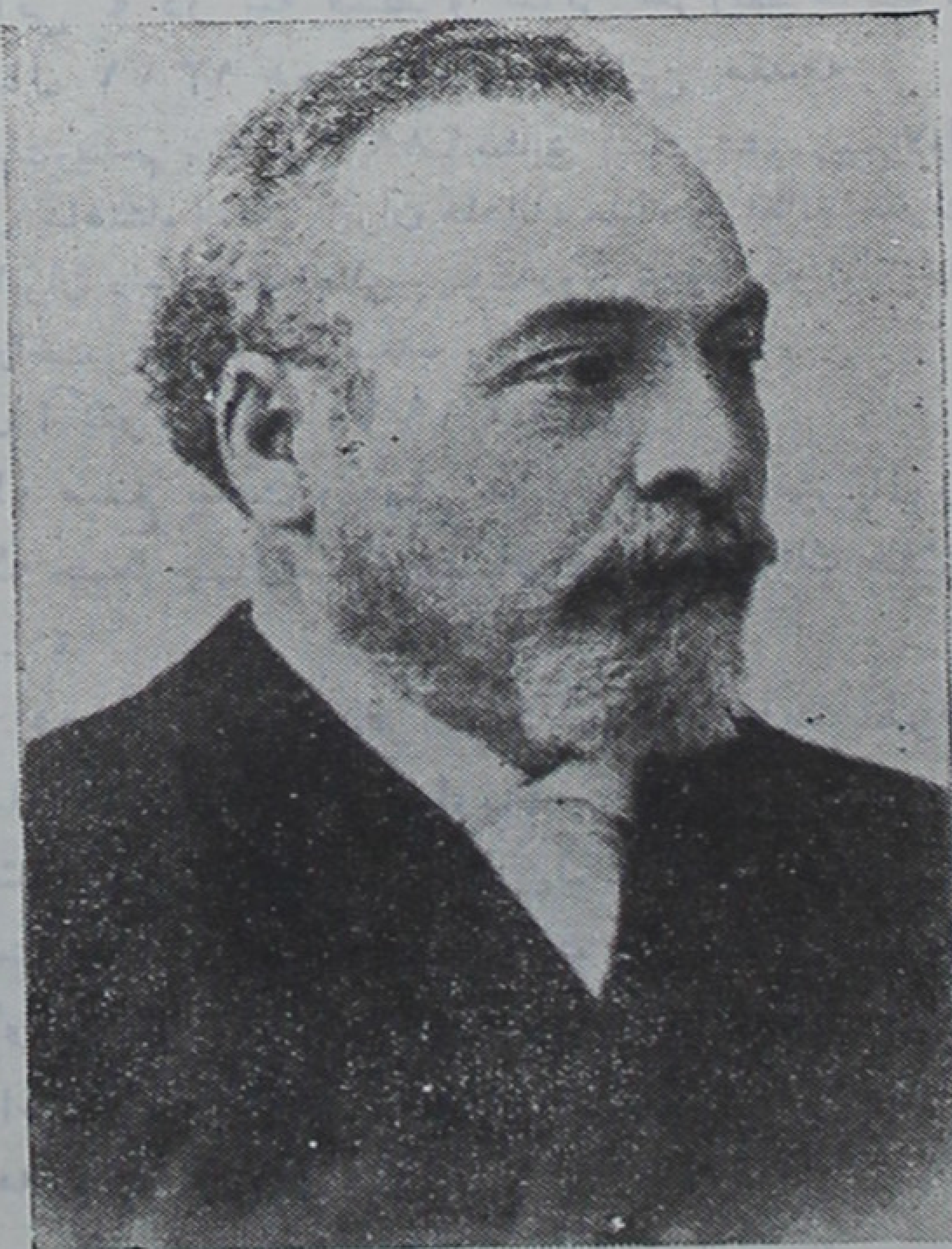
شد مخلص جناب شما ـ حسین » ولی این نامه را بسفارت روس نفرستاده‌اند .

شیلات بعداز سپهسالار

پس‌از عزل سپهسالار ناصرالدینشاه شیلات را بکامران میرزا نایب‌السلطنه فرزند خود واگذار میکند در جریان مدت اجاره لیانازوف بانایب‌السلطنه وارد مذاکره میشود که بعداز انقضای مدت اجاره شیلات را به تنهائی خودش اجاره کند و شش هزار تومان نیز اضافه بر مال‌الاجاره سالانه سابق بپردازد .

بهمین منظور قراردادی باهشت شرط برای‌مدت شش‌سال از اول ماه اکتبر ۱۸۸۴ تهیه‌ودر تاریخ ششم جمادی‌الثانی سال ۱۳۰۰ هجری قمری (اول آوریل ۱۸۸۳) بین نایب‌السلطنه ومیرزاسعیدخان‌وزیرامورخارجه از یکطرف‌واستپان‌لیانازوف‌ازطرف‌دیگر منعقدمیگردد .

شرایط این قرارداد تقریبا مانند قرارداد قبلی است‌بجز حق اختیار صید ماهی حلال که بموجب شرط سوم‌قرار داد سابق میرزا حسین‌خان سپهسالار برای خود محفوظ داشته بودودر مقدمه این قرارداد چنین نوشته شده .



استپان لیانازوف

« شهردارالخلافه طهران غره‌ماه ایپریل سنه ۱۸۸۳

ماها ذیل امضاء کنندگان وقول گذارندگان و کلای دولت علیه‌ایران‌حضرت‌مستطاب ارفع اشرف‌والانایب السلطنه امیرکبیر وزیر جنگ‌دولت علیه ایران وفرمان فرمای طهران ـ گیلان ـ مازندران ـ استراباد و جناب مستطاب اجل‌اکرم افخم میرزا سعیدخان موتمن‌الملک وزیرامورخارجه دولت‌علیه‌ایران بموجب اختیار واقتداری که از دولت علیه‌ایران داریم‌از یکجانب ورعیت روس باطومستوئنی پاچطنی غرازدانین استپان مارتینچ لیانازوف تاجر درجه اول حاجی‌ترخان ازجانب خود این کندراخت قرارنامه رامنعقد نمودیم »

ذیل قرارنامه‌را اشخاص مزبور امضاء کرده‌اندومهر «وزیراموردول‌خارجه‌دولت علیه ایران میرزا سعید خان» و «کامران عبد شاه مهرسریرنایب السلطنه امیر کبیر» دیده میشود.

بعداً قرارداد شیلات بااستپان لیانازوف و وراث اوبترتیب زیر در موارد مختلف تمدید گردیده است.

در ماه ربیع‌الثانی سال ۱۳۰۶هجری قمری بااین مقدمه.

«شهردارالخلافه طهران دوازدهم ماه‌اکابر سنه‌یکهزاروهشتصدوهشتادوهشت ۱۸۸۸ مسیحی‌مطابق بیستم‌شهر ربیع‌الثانی سنه یکهزاروسیصدوشش مادر ذیل امضاء کنندگان‌وقول گذارندگان وکیل دولت‌علیه‌ایران‌جناب‌مستطاب اجل اکرم افخم میرزاعباس‌خان قوام‌الدوله وزیرامور خارجه دولت‌علیه بموجب اختیار واقتداری که از طرف سنی الجوانب اعلیحضرت قدرقدرت اقدس همایون شاهنشاهی کل‌ممالك‌ایران خلدالله ملکه وسلطانه دارند ازیك‌جانب ورعیت روس پاطومستونی غراژدانین استپان مارتنیچ لیانازوف تاجر درجه اول حاجی ترخان از جانب خود این کندرخت رامنعقد نمودیم»

موعد این‌قرار داد سال از اول اکتوبر ۱۸۹۰ و مال الاجاره سالانه «شصت هزار تومان پول قرانی ایرانی» در سه قسط و سایر شرایط مانند قراردادهای سابق.

در ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۱۱ هجری قمری بااین مقدمه

«شهردارالخلافه طهران بیست‌وپنجم سپتامبر ۱۸۹۳ مطابق بیست‌وششم ربیع‌الاول ۱۳۱۱ مادرذیل امضاء کنندگان وقول گذارندگان وکیل شاهنشاه ممالك ایران خلدالله ملکه وسلطانه حضرت اجل‌اعظم اشرف میرزا علی اصغرخان صدراعظم دولت علیه‌ایران دام اجلاله‌العالی ورعیت روس تاجردرجه اول حاجی‌ترخان مستشارالتجار استپان مارتنیچ لیانازوف این کندراخت رابشرح ذیل‌منعقد وبرقرار نمودیم.

موعد ده‌سال از اول اکتوبرسال ۱۹۱۱ میلادی

«وجه اجاره هرساله مبلغ بیست وچهار هزار نصف امپریال روسی که هریك‌عدد آنرا از قرار بیست فرانك که جمعا چهارصد وهشتاد هزار فرانك طلای‌فرانسوی محسوب داشته باید کارسازی نماید.»

هریك از طرفین که موجب بهم‌زدن‌قرارداد بشوند باید بطرف مقابل‌مبلغ‌ششصد هزار فرانك طلا بپردازد سایرشروط مانند قرارداد سابق.

بعداز این ناصرالدینشاه بقتل میرسد واستپان‌لیانازوف فوت‌میکند.

مظفرالدین شاه بتخت سلطنت جلوس مینماید ولی امین‌السلطان بصدارت باقی میماند ودر تاریخ جمادی‌الاولی ۱۳۱۴هجری‌قمری‌قرارداد شیلات رابرای‌مدت پنجسال با گئورگی لیانازوف فرزند استپان لیانازوف تمدید میکند.

این قرار داد بامقدمه ذیل شروع میشود.

«شهر دارالخلافه‌طهران - دهم ماه اکتابر ۱۸۹۶ مطابق چهاردهم شهر جمادی‌الاولی سنه ۱۳۱۴ مادر ذیل امضاء کنندگان وقول گذارندگان وکیل‌شاهنشاه کل ممالك ایران خلدالله ملکه وسلطانه حضرت‌اجل اعظم اشرف میرزا علی اصغر خان صدر اعظم دولت علیه ایران دام اقبالـه العالی ورعیت روس تاجر درجه اول حاجی ترخان پاطو مستوینی پاچطنی غراژدانین غیورغی استپانوویچ لیانازوف (۱) فیما بین خودمان این کند راخت را منعقد وبرقرارنمودیم»

شرایط این قرار داد همان شرایط قرار داد سال ۱۳۱۱ میباشد و مدت پنجسال

---

(1) GEORGIY STEPANOVITCH LIANOZOV

بقرار داد سابق افزوده شد یعنی تا اول اکتبر سال ۱۹۲۵ شیلات در اجاره لیانازوف خواهد بود.

مبلغ مال الاجاره «هرساله ازقرار معادل بیست وپنج هزار نصف امپریال روسی که هریك عدد آن از قرار بیست فرانك طلا بوده باشد محسوب داشته هرساله ادا و کار سازی» نماید.

ضمنا مقرر گردید «اگر چنانچه برای ترقی کل صیادی شیلات مسیو غیورغی لیانازوف بخواهد برای خود شرکاء قرار بدهد لهذا ازاین تاریخ به بعد مجاز ومختاراست که هروقت ازاوقات لازم بداند از روی قانون مملکتی روسیه درانعقاد ودائر نمودن آن شراکت مختار خواهد بود»

بطوریکه ملاحظه میشود قرار داد شیلات را قبل از آنکه موعد آن منقضی شود باگرفتن مبلغی تمدید میکردند. درماه صفر ۱۳۲٤ هجری قمری بواسطه مضیقه مالی و بی پولی خزانه عین الدوله صدراعظم وقت قرارداد مخصوصی بشرح ذیل با نماینده قیم های ورثه گئورگی لیانازوف برای پیش گرفتن مال الاجاره پنج ساله شیلات منعقد میسازد

«قرارداد مخصوص»

«تهران ۱۷ صفر ۱۳۲٤ مطابق ۳۰ مارت ماه روسی ۱۹۰٦ امضاء کنندگان»
«ذیل صدر اعظم اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری خلدالله ملکه حضرت»
«مستطاب اشرف ارفع افخم والاشاهزاده سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله»
«اتابك اعظم دامت شوکته و پاتومست و ننی دواریانین پطر پطروبچ»
«واسکرسنگی (۱) وکیل اوصیای گئورگی استیپانو یچ لیانازوف که بطور شایسته»
«مجاز ومختار بودند قرار داد ذیل را نمودند.
«ماده اول - وراث گئورگی استیپانو یچ لیانازوف .تعهد میشوند که موافق»
«میل دولت علیه ایران وجه الاجاره آبهائیرا که درآن صید ماهی می نمایند»
«ازقرار ذیل بالمساعده پیشکی بدهند.
«الف - درتاریخ پانزدهم آپریل ماه روسی هذه السنه ۱۹۰٦ مال الاجاره»
«سه ساله سنه ۱۹۰۷ و۱۹۰۸ و۱۹۰۹ را که عبارت از یك ملیون وسیصد وهشتاد»
«هزار فرانك باشد پس از کسر تنزیل ازقرار صدی شش سالیانه بپردازند.
«ب - چهارصد وشصت هزار فرانك ازبابت وجه الاجاره سال ۱۹۱۰ درغره»
«ماه دکابر روسی هذه السنه ۱۹۰٦ داده شود.
«ج - ازبابت وجه الاجاره سنه ۱۹۱۱ در پانزدهم آپریل ماه روسی سنه»
«۱۹۰۸ باید چهار صد وشصت هزار فرانك پرداخت شود وهردفعه صدی شش»
«تنزیل سالیانه کسر گردد.
«ماده دویم - ازطرف دیگر چون دولت علیه ایران همیشه مراحم خودرا»
«نسبت به تجارتخانه وراث لیانازوف ابراز نموده وحالا هم نمی خواهد امور»
«آنهارا درآبهای اجاره شده مشوب نماید چنانکه تاحال این نکته مرعی بوده»

---

(1) Potomstvenniy Dvoriyanin PETR PETROVITCH VOSKRESENSKIY



« لهذا برای توضیح و تصریح کنترات هائی که در ۲۵ سپتامبر ماه روسی سنه»
«۱۸۹۳ مسیحی مطابق ۲۶ ربیع الاول ۱۳۱۱ بتوسط استپان لیانازوف بمدت»
«بیست سال ودردهم ماه اکتابر روسی ۱۸۹۶ مطابق ۱۴ جمادی‌الاولی سنه»
«۱۳۱۴ بتوسط گئورگی لیانازوف بمدت پنجسال دیگر منعقد شده بموجب این»
«قرارداد دولت علیه ایران متعهد میشود که بدون رضایت وراث گئورگی استیپانویچ»
«لیانازوف کنترات‌های مزبور را فسخ ننماید .

«ماده سوم ـ دولت علیه ایران تمام حقوق وراث گئورگی استیپانویچ لیانازوف»
«را که مبتنی بر ماده چهارم کنتراتهای منعقده در ۲۵ ماه سنتیابر روسی سنه»
«۱۸۹۳ مطابق ٦ ۲ ربیع الاول ۱۳۱۱ است بموجب این قرارداد تاکید و تائید مینماید»
«ماده چهارم ـ وراث گئورگی استیپانویچ لیانازوف بموجب این قرار داد»
«رضایت خود را اعلام مینماید که اجرت ماله‌های مرداب را که صید ماهی سوداك»
«(اسپاك) نموده به وراث لیانازوف میدهند درهرهزار قطعه ماهی بیست قران»
«بر پنجاه قران حالیه اضافه نمایند که جمعا هفتاد قران بشود از غره اکتیابر سنه»
«۱۹۰٦ مسیحی از آنجائیکه وراث گئورگی استیپانویچ لیانازوف از الطاف دولت»
«اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری نسبت به خود بسیار متحسس اند و از اجرای»
«تعهداتی که دولت علیه قبول فرموده اند کمال تشکر را دارند چنانکه قرارداد حاضر»
« هم این نکته را ثابت مینماید لهذا وراث مشارالیهم مراتب تشکرات خود را »
« بدولت علیه اظهار نموده امیدوارند که در آتیه نیز به اعمال مسالمت آمیز خود»
«همین طور توجه دولت علیه را نسبت بخود جلب ومعطوف نمایند »
« این قرار داد در دو نسخه نوشته شده .
«این قرار نامه درسال یونت ئیل ۱۳۲٤ درباغ گلستان نوشته شده صحیح است»
« این قرار نامه که موشح بصحه مبارك ملوکانه است در دفتر وزارت امور »
«خارجه ضبط شده و نسخه دیگر آن که بامضاء رسیده است بو کبل اوصیای »
«لیانازوف داده خواهد شد شهر صفر المظفر ۱۳۲٤ یونت ئیل محل مهر سلطان»
«عبدالمجید ـ محل مهر وزارت امور خارجه ـ در نمره ۲۳۵ ثبت دفتر محاکمات»
«وزارت امور خارجه شده است . فی ۲۷ شهر صفر المظفر ۱۳۲٤ محل امضاء »
« واسکرسنسکی ـ محل تصدیق ومهر سفارت روس »

لغو قرارداد شیلات

در سال ۱۹۱۷ بواسطه انقلاب اکتبر و ممنوع شدن حمل پول طلا ازروسیه وراث لیانازوف نتوانستند مال الاجاره را بموقع بپردازند و بالاخره مشار الملك وزیر مالیه در ۱۲ خرداد ۱۲۹۷ شمسی (۱ژوئن ۱۹۱۸ ـ ۲۱ شعبان ۱۳۳٦ هجری قمری) قرار داد را لغو میکند . در ۲٤ خرداد ۱۲۹۸ شمسی (۱۳ ژوئن ۱۹۱۹ ـ ۱٤ رمضان ۱۳۳۷ هجری قمری) شیلات بحر خزر بضمانت تجارتخانه تومانیانس به شخصی بنام گریگور پطرویچ وانتیتسف تبعه روس بیست ساله اجاره داده میشود که همه‌ساله نصف عایدات خالص مطابق دفتر مستاجر متعلق بایران باشد بعلاوه سال اول یکصد هزار تومان سال دوم یکصد و پنجاه هزار تومان سال سوم دویست هزار تومان سال چهارم دویست و پنجاه هزار تومان وسال پنجم سیصد هزار تومان وازسال ششم ببعد همه ساله پانصد هزار تومان بدولت ایران بدهد .

وانتیتسف چون نتوانست بشرایط اجاره نامه رفتار کند این قرارداد نیز درتاریخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۰۰ شمسی (۲ ماه مه ۱۹۲۱ ـ ۲۳ شعبان ۱۳۳۹ هجری قمری) لغو واموال و دارائی شیلات درمقابل طلب دولت توقیف گردید .

از همان هنگامیکه قرارداد وراث لیانازوف لغو گردید مگر در خلال این مدت بدولت ایران شکایت واعتراض مینمودند وجبران خسارات خودرا تقاضا میکردند و عاقبت قرار میشود اختلاف بین دولت ایران وورثه لیانازوف به حکمیت مراجعه شود.

در سال ۱۹۲۰ مرحوم ذکاءالملك فروغی رئیس وقت دیوان عالی تمیز و مرحوم دکتر ولی‌الله‌خان نصر رئیس وقت ثبت اسناد ومرحوم حاج‌سید نصراله تقوی مدعی‌العموم وقت دیوان عالی تمیز حکمین دولت ایران و از طرف وراث لیانازوف نیز دو نفر روس حکم تعیین میشوند.

بعداز رسیدگی حکم‌ها علیه دولت ایران رای میدهند وقرار میشود بهره برداری از شیلات تاپایان مدت (هشت سال بقیه) متعلق به ورثه لیانازوف باشد و برای جبران خسارت هفت‌سال دیگر نیز اضافه بر آن قرارداد تمدید گردد.



فصل چهاردهم عهدنامه دوستی ایران واتحاد جماهیر شوروی مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ (۱۶ اسفند ۱۲۹۹) مقرر میدارد.

«بتصدیق اهمیت شیلات سواحل بحر خزر برای اعاشه روسیه دولت ایران پس از انقضاء اعتبار قانونی تعهدات فعلی خود نسبت به شیلات مزبوره حاضراست که با اداره ارزاق جمهوریت اتحاد اشتراکی شوروی روسیه قراردادی درباب صید ماهی باشرایط خاصی که تاآنزمان معین خواهد شد منعقد نماید.

همچنین دولت ایران حاضراست که بادولت شوروی روسیه داخل مطالعه مسائلی که حالیه نیز تارسیدن موقع شرایط مذکوره درفوق امکان رساندن شیلات مزبوره‌را به روسیه درنظر ادارات ارزاق جمهوری‌اشتراکی روسیه تامین نماید بشود.»

پس از انعقاد عهدنامه مزبور برای طرز اجرای فصل‌چهاردهم آن کمیسیونی مرکب از نمایندگان ایران وشوروی تشکیل میگردد. ولی این کمیسیون نمی‌تواند تصمیمی اتخاذ نماید زیرا شورویها پیشنهاد اجاره شیلات را مینمودند و دولت ایران میخواست که یك شرکت ایرانی و روسی باسرمایه مساوی جهت بهره برداری شیلات تشکیل شود و چون بامذاکراتی که بین طرفین بعمل می آید نتیجه‌ای‌حاصل نمی گردد در تاریخ ۱۵ میزان ۱۳۰۰ شمسی (۶ صفر ۱۳۴۰ هجری قمری - ۸ اکتوبر ۱۹۲۱) نمایندگی‌شوروی در ایران تقاضا میکند که تااتخاذ تصمیم قطعی قرار موقتی داده شود که محصول شیلات را بآنها بفروشند ودولت ایران نیز بااین تقاضا موافقت وبموجب‌تصویب‌نامه مورخ ۲۸ حوت ۱۳۰۰ شمسی (۲۰ رجب ۱۳۴۰ هجری‌قمری - ۲۰ مارس ۱۹۲۲) هیئت دولت اجازه میدهد که محصول شیلات بقیمت عادله بشورویها فروخته شود.

در سال ۱۹۲۲ ورثه لیانازوف که بسن بلوغ رسیده بودند ما ترك لیانازوف را بموجب تقسیم‌نامه مورخ ۲۴ آبان ۱۳۰۱ (۱۶ نوامبر ۱۹۲۲) بین خود قسمت نمودند ودر تاریخ دهم اوت ۱۹۲۳ مارتین لیانازوف یکی‌ازوراث‌سهم‌خودرا که عبارت ازشیلات واقعه در انزلی وخلیج انزلی وآستارا ودر ساحل دریااز انزلی تاآستارا بود با قطعات زمین وابنیه منجمله جزایر کولان کودای کوچك وکولان کودای بزرك ووسائل حمل ونقل ومصالح وذخائر وآلات صید و غیره باداره مؤسسات صیادی دولت اتحاد جماهیر



مارتین لیانازوف

شوروی واگذار نمود .

دولت شوروی که در اینوقت مالك حقوق ورثه لیانازوف بود و قرار موقت را برای اجرای فصل ۱٤ عهدنامه دوستی سال ۱۹۲۱ کافی نمیدانست مکرر ازدولت ایران میخواست که اقدام جدی برای اتخاذ تصمیم قطعی دراین‌مورد بعمل بیاید و سرانجام در اول اکتوبر ۱۹۲۷ (مهرماه ۱۳۰٦شمسی) قرار دادی در۲۱ ماده منعقد وبضمیمه پنج صورت مجلس و پنج مراسله در مسکو بین ایران وشوروی مبادله میگردد .

بموجب ماده اول این قرارداد امتیاز بهره برداری از شیلات بحرخزر بیك شرکت مختلط ایران وشوروی واگذار گردید .

بموجب ماده‌دوم حدوداین‌امتیازهمان حدود شیلاتی است که‌سابقا به برادران‌لیانازوف داده شده بود باستثنای دهانه رودخانه‌های سفید رود بابل در مشهدسر - گرگان وشعبه آن قره‌سو - مدت این امتیاز بیست وپنج سال‌از روزمبادله اسناد مصوب خواهد بود .

پس‌ازخاتمه مدت ، تعهدات دولت ایران ناشیه از فصل ۱٤ عهدنامه دوستی فوق‌الذکر خاتمه یافته محسوب میشود واگر دولت‌ایران نخواهد امتیاز مزبور را تجدید نماید شرکت مزبور منحل خواهد شد ودارائی آن بغیراز اراضی که متعلق بایران است، بین طرفین بطور مساوی تقسیم میگردد ودولت‌ایران‌متعهداست که‌درصورت عدم‌تجدید قرارداد تا مدت بیست و پنجسال یعنی تاسال ۱۹۷۷ میلادی شیلات بحرخزر را به ممالك دیگر یا باتباع آن‌ها واگذار ننماید ونیز متخصص بیگانه برای اداره شیلات استخدام نکنند .

سرمایه طرفین در شرکت شیلات متساوی بودوشرکت بـاید بـابت حق الامتیاز هشتصدهزار ریال باضافه پانزده درصد ازعایدات خالص خودرا بدولت ایران بدهد وبقیه منافع خالص بالمناصفه بین‌طرفین تقسیم میگردید.

هیئت مدیره شرکت که مقرآن‌در تهران بود ازشش‌نفرکه سه‌نفراز طرف دولت ایران وسه نفراز طرف دولت شوروی تعیین میشدند تشکیل می‌یافت

امتیاز شرکت مختلط شیلات ایران‌وشوروی در تاریخ شنبه ۱۱ بهمن۱۳۳۱ شمسی (۳۱ ژانویه ۱۹۵۳) پایان یافت وچون دولت‌ایران از تجدید قرار داد خود داری نمود انحلال آن اعلام و قرار است دارائی شرکت مطابق شرایط قرار داد سابق بین‌طـرفین تقسیم گردد.



۴

قزاقخانه

ایجاد قزاقخانه‌را درایران باید یکی از اشتباهات بزرك ناصرالدین شاه و میرزا حسین خان سپهسالار دانست .

در سال ۱۲۹۵ هجری قمری هنگامی که ناصر الدین شاه برای بار دوم باروپا میرود وضع ارتش روس مورد توجه او واقع میگردد مخصوصا پس از دیدن وژه عده‌ای ازسپاهیان روسیه درمیدان «شان دومارس» پطرزبورغ هوس میکند که باهمان روش سربازانی درایران تربیت نماید .

سپهسالار بواسطه دلتنگی که از انگلیس ها داشت و تمایلی که بسیاست روسها پیدا کرده بود این فکررا در «شاه» تقویت وتصمیم میگیرند عده‌ای ازافسران روسی‌را بایران آورده‌قزاقخانه‌را تشکیل دهند وبالاخره درسال۱۲۹۶ برای اولین بار قراردادی بین دولت ایران ویك دسته ازافسران روسی بریاست ژنرال دومونتویچ منعقد میگردد .

در هنگام سفر اروپا در اطریش نیز عده‌ای افسر برای تربیت ارتش ایران استخدام‌نمودند ولی این دسته نتوانستند مدت زیادی دراین کشور توقف نمایند و بزودی متفرق شدند .

لردکرزن راجع بآمدن صاحبمنصبان روسی بایران مینویسد

« مقارن همان اوقات که صاحب منصبان اطریشی‌بایران آمدند یك‌عده از صاحبمنصبان روسی نیز بپایتخت ایران وارد شدند که نفوذ دولت امپراطوری روس‌را در ایران توسعه دهند و قشونی دراین کشور ترتیب بدهند که فرم واسلحه وتعلیمات‌قزاقهای روسی‌را داشته باشند .

کلنل دومونتویچ (۱) که‌یکی ازصاحبمنصبان تعلیم یافته‌ژنرال ترکوکاسوف (۲) ودرجنگهای تراکمه شرکت کرده بود باپنج نفر صاحب منصب دیگر برای تشکیلات قزاقخانه بطهران وارد شدند البته کار روسها از حیث تعلیم ومشق قزاقان ایرانی خیلی خوب پیشرفت نمود .

درمرحله اول یکهزار تفنك بردان یابردانکه که قیمت هریك سه لیره بود ودو باطری توپخانه صحرائی بدون اخذ قیمت ازطرف امپراطور روس که دوست پادشاه ایران بود بشاه ایران هدیه شد شمشیرهای این عده قزاقان درخود ایران هردانه به دوازده قران ونیم ساخته و آماده گردیدواین دسته درلباس و تعلیم‌مانندقشون‌غربی بودند وپادشاه‌ایران بخوبی‌می‌توانست بداشتن‌چنین‌لشگری که‌درست‌مطابق‌قزاقان قفقاز و نمونه‌آنهابودند بخودببالد .

دراین تاریخ (۱۸۹۱) عده قزاقهای ایرانی بالغ بر سه فوج است واسماً هر فوجی ششصد نفر که جمعا هزار و هشتصد نفر میشوند ولی درحقیقت‌تمام دو فوج هستند که هرفوج‌ششصد نفر ومجموعاً هزار ودویست نفر میشوند واگر اینهارا سه فوج فرض کنیم باید گفت که هرفوج بالغ برچهار صد نفر خواهد بود .

صاحب منصبان روسی عبارتند ازیك سرهنك و۳ نفرسروان یك نایب وده نفر گروهبان ولی‌هنگامیکه من درطهران بودم عده این صاحب منصبان‌کمتر بود یعنی یکنفر سرهنك یك نفر سروان یك نایب و شش نفر

---

(1) Colonel Dumantovitch (2) General Terqukasoff

گروهبان ودراین سالهای اخیر تصمیم گرفته شده که یك فوج نیز باین عده علاوه کنند ونفرات آنرا از کردها و تیموری‌ها وسایرطوایف سرحدات شمال شرقی خواهند گرفت .»

تعدادافراد قزاق بتدریج افزایش میافت و بعد شعباتی ازقزاقخانه درشهرهای تبریز واصفهان ومشهدوبار فروش ورشت تاسیس گردید .

مخارج یك بریگاد قزاق که مرکب از ٥٤ نفر صاحب منصب و گروهبان و ٦۰۰ نفر تابین بوده از روی بودجه‌ای که برای یکسال از نهم مارس ۱۸۸۲ تانهم مارس (روسی) ۱۸۸۳ مطابق عید نوروز ۱۲۹۹ تا عید نوروز ۱۳۰۰ هجری قمری تهیه شده بشرح ذیر بوده‌است .

۱ - مواجب عده مزبور ۲۸۰۳٦/- تومان
۲ - جیره برای ٦۰۰ نفر تابین ۸۷٦۰/- تومان
۳- علیق یکساله اسبها ۱۵۵۰۰/- تومان
٤- قیمت لباس ٦۰۰ نفر ٤۳۵۰/- تومان
(هر نفر هفت تومان ودوهزار وپانصد دینار)
۵- تعمیرات ابنیه قزاقخانه ۸۰۰/- تومان
٦- سوخت چراغ ٦۰۰/- تومان
۷- مخارج اردو ٤۰۰/- تومان
۸- مخارج متفرقه ۱۰۰۰/- تومان

جمع ۵۹٤٤٦/- تومان
۹- مواجب صاحب منصبان وعلیق آنها ۷۰۹۰/- تومان

جمع کل ٦٦۵۳٦/- تومان

این مخارج بتدریج زیاد میشد بطوریکه بودجه قزاقخانه در سال ۱۳۲٤ قمری مطابق صورتی که روزنامه تمدن درشماره ۱٦ مورخ ۲ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ درج کرده و پرفسور ادوارد برون در کتاب انقلاب ایران و آقای جمال زاده در کتاب گنج شایگان نقل نموده‌اند بالغ بر ۲۳۰۱۰۲/- تومان شده‌است ودرسالهای بعد این مبلغ تاچند برابر افزایش یافته است .

تاسیس قزاقخانه باآن ترتیبی که در ایران دایر شد باید یکی از امتیازاتیکه بروسها داده شده‌است دانست . این خبط بزرك سالها اسباب زحمت ودرد سر کلی برای دولت وملت ایران فراهم ساخته بود .

قزاقان درحقیقت قوه اجرائیه ونیروی نظامی سفارت روس و عمال تزاران بودند وبانواع واقسام مختلف در کلیه اموردخالت‌های ناروا میکردند .

افسران روسی هرچند ظاهرا مستخدم دولت ایران واز بودجه این ملت حقوق میگرفتند ولی مستقیم وغیر مستقیم تحت فرمان فرمانفرمای قفقاز و سفارت روسیه قرار داشتند وعملیات بی رویه و خلاف انسانی قزاقان داستانهای دلخراشی است که متاسفانه

دراینجا مجال شرح آنها نیست و نمونه آن ، رفتارظالمانه لیاخوف درمحو آزادی وجنبش مشروطیت وتوپ بستن مجلس شورای ملی و کشتن آزادیخواهان ایران است که در تاریخ مشروطه شرح آن داده شده‌است .

مجله کاوه درشماره ٤ مورخ ۸ جمادی‌الاولی سال ۱۳۳٤ هجری قمری مقاله ای راجع بقزاقخانه در ایران نوشته که برای مزید اطلاع خوانندگان متن آنرا در اینجا نقل مینمایم .

« قزاق ایران »

فوج قزاق ایرانی یکی ازبلایا وبدبختیهای ایران‌است که کسی نیست ثمرات تلخ آن شجره خبیثه‌را که ناصرالدین شاه کاشت مسبوق نباشد .

این دسته دشمن داخلی درسال ۱۲۹٦ قمری بعد ازعودت ناصرالدین شاه ازفرنك ایجا شد . مشارالیه درقفقاز وایروان ازلباس نظامی و ترتیب قزاق روس خوشش آمده خواست که برای کشیك مخصوص خود دسته قزاقی بترتیب روسی تشکیل‌دهد وبدین جهت چهار صاحب منصب و پنج نفر صاحب منصب جزء روسی برحسب خواهش وی مامور تشکیل‌یکعده قزاق پانصد نفری‌در« رکاب مبارك » شدند قرارداد منعقد میان صاحب منصب اول روس قزاقخانه که درجه سرتیپی داشت و دولت ایران حکم واختیار قشون مزبور را منحصر بشخص پادشاه میکرد و بدینواسطه از قوای نظامی دولتی مجزا میشد .

اولین سرتیپ روسی مامور تشکیل قزاق ایرانی دومونوبیچ فقط پانصد نفر قزاق میبایست تشکیل بدهد بعدهابتدریج قزاقخانه از حیث عدد ومخارج‌سالیانه وبالخصوص اختیارات وامتیازات متصل وسعت میگرفت .

درعهد وزارت جنك آقا وجیه سپهسالار سرتیپ روسی قزاقخانه بعنوان قوانین وقواعد نظامی یك‌جزوه قانون نامه نوشته ودست خط وصحه همایونی‌را به مجری بودن آن تحصیل کرد این فصول راجع به ترتیبات‌فوج مزبور دارای اختیارات زیاد و حقوق متعددی بود برای صاحب منصب روسی ازعزل ونصب وانجام دادن و اخراج وتنبیه وغیره واگر چه آنها بموجب فرمان بر قرار شده بود وجزو مواد یك قرار نامه میان ایران و روس یا صاحبمنصب مزبور نبود باوجود براین باز آنها را همیشه مجرا داشته وحق دولت ایران را درنسخ یکی از آن مواد قبول نکردند درایام مشروطیت ایران هرصاحبمنصب ایرانی قزاقخانه که باملتیان و آزادی طلبان همدردی داشت و بمیل قلبی روسها مخالف بود فورا عزل و اخراج میشد و این فقره سبب این شدکه درقزاقخانه فقط بدترین اشخاص ایرانی فرومایه و فاسد بمانند وآن فوج خلاصه شرارت وخیانت باشد هیچ وقت ازعده و عدد قزاقخانه اطلاعی صحیح بخارج و حتی بخود اولیای دولت نمیدادند .

درمخارج وافزودن وکاستن عدد و مقدار ذخیره و اسلحه آزاد بودند وگاهی گفته میشدکه عده قزاق خیلی بیشتر ازحد معلوم‌است .

در اواخر عهد مظفر الدین شاه سالی قریب سیصد و شصت هزار تومان ازدولت میگرفتند درعهد دوره استبدادی محمد علی‌شاه بیك کروربالارفت درگرفتن پول محتاج دولت ایران حواله وزیر مالیه نبودند .

بموجب قرار داد استقراض روس ۱۳۱۷ بایدکه تمام عایدات گمرکات شمالی ایران مستقیما بصرافخانه روس (بانك استقراضی درایران برسدواوپس ازوضع اقساط استقراض باقی‌را بدولت ایران ردکنند .

دراینصورت ریش دولت پیش صرافخانه روسی که شعبه وزارت مالیه روس درایران است گیراست سرتیپ روسی در سر موقع مخارج لازمه راکه خود ضرور می بیند بدون مشورت احدی از صرافخانه مزبور بعنوان قرض میگیردآن اداره نیز آن وجه‌را باتنزیل بحساب دولت آورده ازپول دولت که پیش اوست‌اخذمیکند.

عده قزان رسما یك فوج سواره (بریگاد) مرکب از ۱٦۰۰ سواره وپیاده بودلکن بنابراطلاعات اخبر کویا به پنج هزار و پانصد نفر مرکب از چهار فوج سواره و دو گروهان پیاده ودو باطری توپ کوهستانی ودو

قطعه توپ مسلسل رسیده بوده است بعد ازدستبرد مشروطیت در ۱۳۳۰ دولت روس درجزو امتیازات زیادی که در زیر تهدید از حکومت آنوقت تحصیل کرد یکی هم تشکیل یك قزاقخانه ایرانی تازه بود درتبریز مرکب از هشتصد نفر بود که بدین ترتیب میخواستند کم کم شعب این اداره رادرولایات شمالی بتدریج برقرار کنند ضدیت شدید و کارشکنی جدی که روسها برای پیشرفت قرا سورانی جدید میکردند بیشتر برای آن بود که بجای آن قوه قزاق ایرانی بناکنند قزاق ایرانی همیشه بر خلاف ملت ایران و مقاصد ملی حرکت کرده و آلت دست دشمن بوده است.

توپ بندی مجلس ملی در ۱۳۲۶ بدست لیاخوف و قزاقهای او جنك قزاقها بعد ازآن با ملتیان درتبریز وقزوین وسایر نقاط وآلت استبداد وجور شد نشان درتهران مردم‌را ازاین دسته بسیار متنفر کرد وانحلال آنرا اولین آمال ملی میشمردند در ورود مشروطه طلبان بطهران و عزل محمد علیشاه از سلطنت یکی از شرایط تسلیم شدن قزاقها بمجاهدین تعهد کتبی صاحبمنصبان قزاقخانه بود باطاعت ازدولت و وزیر جنك که باز بعدها هیچ عمل بآن تعهد نکردند.

اینك روزنامه‌های طهران خبر میدهند که اولیای دولت‌ایران مصمم برافزودن عده قزاق شده وحکم‌داده تاشماره آنرا بده هزار نفر برسانند معلوم است که این اقدام یك بنائی است برای تشکیل یك قشون ایرانی برای روس درایران ومخصوصا برای تخریب بنای قراسوران ملی دولت روس از ابتدای دخول ترتیب قشون‌نظامی در ایران درعهد فتحعلی شاه تا امروز همه وقت درهرجا برای جلوگیری از پیدا شدن قشون ملی کار شکنی کرده وبانواع دسایس وزور وزر بهم زده‌است هیئت معلمین انگلیسی را باسازش باانگلیسها در عهد عباس میرزا درنود سال پیش بهم زد هیئت معلمین اطریش‌را باهزار دسیسه پریشان نمود قوای نظامی ظل‌السلطان‌را بدسایس شاهزاده دالگاروکی وتحریك امین السلطان درهم شکست قوای قراسورانی شوسترا باعزل امریکائیان پاشیده کرد اینك قوای نظامی قراسورانی تازه‌را هم بسخت گیری مالی و کار شکنی بر ضد صاحب منصبان سوئدی بر انداخته ومیاندازد.»

۵

دعاوی روسها

بعد از افتتاح رود کارون

توسعه نفوذ انگلیسها

بعد از آنکه سر درومند ولف وزیر مختار زبردست انگلستان در سال ۱۸۸۷ مامور دربار ناصرالدین شاه میگردد ومخصوصا بواسطه روش «انگلیسی مآبانه» امین السلطان، وزیر اعظم و روابط صمیمانه‌ای که بین این دو نفر برقرار میشود نفوذ دولت انگلستان در دستگاه دولتی ایران بمنتهای شدت خود میرسد وچنانکه دیدیم بعد از مدت تقریبا پنجاه سال کوشش که انگلیسها برای بازشدن رود کارون بعمل میآوردند وموفق بانجام آن نمی شدند عاقبت در تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۰۶ هجری قمری فرمان آزادی کشتیرانی در رود کارون را تحصیل میکنند و سه ماه بعد از آن امتیاز نامه بانك شاهنشاهی را بامضای ناصرالدینشاه میرسانند و باین ترتیب ادعای رویتر واختلاف بین ایران وانگلیس که قریب هفده سال طول کشیده بود پایان میبابد و مقدمات سفر مجدد ناصرالدین شاه بانگلستان تهیه میگردد.

البته در خلال این جریان صحبت‌های دیگری برای اعطای امتیازات دیگر باتباع انگلیس نیز گاه و بیگاه بمیان می آمد که روسها توسط عمال خود کم و بیش از آن آگاه میشدند.

بدیهی بود که روسها هیچوقت ساکت نخواهند نشست که این حوادث را فقط تماشا نمایند وچیزی نگویند وانگلیسها هم تمام بازارهای تجارتی ایران را منحصر بمال التجاره خود کنند ونفوذ سیاسی خویش را بیش از پیش توسعه بخشند. گویا امتیاز رویتر در سال ۱۸۷۲ ناصرالدینشاه را متنبه نکرده بود ویا گذشت زمان تجربیات تلخ آن را از خاطرش برده بود بهرحال بادسیسه‌های ولف وزیر مختار انگلیس وبدستیاری امین السلطان فرمان آزادی رود کارون وامتیاز ایجاد بانك شاهنشاهی را امضاء کرد.

نارضائی روسها

از همان هنگامیکه روسها از این جریانات مطلع شدند جدا شروع بمخالفت کرده و دولت ایران را تحت فشار گذاردند.

از طرف دیگر روزنامه‌های روسیه حملات شدیدی بایران کردند و هریك برای مجازات دولت ایران پیشنهادی مینمودند که قبلا نیز در بخش دوم قسمت سوم صفحه ۱۷۳ اشاره‌ای بآنها شد واینك در اینجا ترجمه مقاله دیگری از آن روزنامه‌ها را باعباراتی که

درهمان موقع ترجمه شده نقل مینمایم .
روزنامه روسی « نوی‌وریمیا » (عصر جدید) چاپ پطرز بورغ در شماره مورخه ۲۷ نوامبر سال ۸۸۸ مینویسد .

« کار ما با ایرانیها از ترتیب وقاعده ممکن نیست خارج شود روس با قدرت کامل »
« خود در اموراتیکه راجع باوست در ایران مجری خواهد کرد واین مطالب موافق تواریخ »
« سابقه بماوصیت شده است وانجام اینکارها برای سلطان مقتدری مثل روس سهل وآسان »
« است ممکن نیست که بتوانیم خودمان را راضی کنیم که انگلیس بر ما مقدم باشد و برتری »
« بجوید اگر بخواهد انگلیس در ایران بر ما مقدم شود اسباب ملالت وتاسف ما خواهد »
« شد مسافت ما با ایران و بهمه املاك ومخلوق آنجا یکهزار و پانصد ورس است »
« از یکصد وپنجاه سال قبل الی حال ایران قدرت مارا فهمیده ودولت روس هم »
« بادولت ایران بدوستی وخصوصیت ثابت و برقرار بوده است تاقدرت انگلیس از آنجا »
« زایل نشود مادر حق این دولت کوچك بی قدرت بدگمان خواهیم بود از برای ما »
« ممکن است بدون زحمت از عهده این کارها بیرون بیائیم اگر درست ملاحظه کنیم »
« در ایران مثل سایر ممالك مجلس غور رسی ندارند وقدرت تجارتشان چندان نیست و دادرس »
« هم یافت نمیشود و مادر مملکتی که حق تحکم را داریم خواهش نخواهیم کرد و دیگر »
« آنکه ما باشاه وامنای دولت اودر نهایت احترام حرکت کرده ایم وخیلی هم زحمت »
« کشیده ایم اگر دیپلومات‌های مادوستانه کارهای خودشان را اصلاح نکنند و باحترام »
« از پیش نبرند باقوت وقدرت خود از پیش برده وانجام خواهند داد .
« مشهد وتبریز وبار فروش از حدود روس دور نیست قبل از اینکه بخواهد »
« انگلیس کمك وامداد کند این شهرها تصرف خواهد شد چرا باید خیال کرد که »
« انگلیس‌ها در مقابل ما کمپانیه تازه درطهران باز کرده‌اند ونباید ملاحظه کرد »
« مثل سردروماندولف که خود را دیپلومات عاقل و کار آگاه وبصیر میداند و از »
« کارهائیکه کرده است مقصود خودرا بعمل خواهد آورد اگر چه اینفقرات را »
« تلگرافا مطلع شده‌ایم خواهیم دید نتیجه این تعارفات اورا روس بدون هیچ ملاحظه »
« واحتیاط در سر حرف خود ایستاده با ایران حکم خواهد کرد . عهدنامه ای که در »
« سنه ۱۸۸۱ (منظور عهد نامه خال و خراسان که برای تعیین حدود بین ایران و »
« روسیه منعقد گردیده است) بسته شده مجری نماید ولی باید ساعی وجاهد باشد که »
« نتیجه آنها بدعاقبت نشود مامورین روس در ایران نسبت بسابق باید بیشتر باشند »
« ولازم میدانیم که درهمه سرحدات ایران اگنت(نماینده) بگذاریم حتی در کنار »

НОВОЕ ВРЕМЯ

№ 9105 С.-ПЕТЕРБУРГЪ, СРЕДА, 14-го (24-го) ІЮЛЯ 1901 ГОДА. № 9105

روزنامه نیم رسمی « نوی وریمیا » (عصر جدید) ناشر افکار
دولت تزاری روس که بزبان روسی در پطرزبورغ چاپ
میشد راجع بایران مقالات زیادی مینوشت

« رودخانه ها واین اگنت‌هاهم باید اشخاص تربیت شده وحکماروس باشند بجهة »
« اینکه روسها در امر دیپلومات خاطرجمع ترند وممکن نیست جنرال قونسول »
« مشهد مسلمان باشد امروز اینمقدمه را روزنامه گراژدانین میگوید باید راههای »
« طهران ومشهد بخاك روس متصل بشوند بجهة سهولت در عبور ومرور در اینکار »
« هرچه زودتر اقدام شود بهترخواهد بود آنچه لازمه انگلیس است خواهدفهمید »
« که او مثل روس باایران دسترسی نداردو باو افغانستان‌راوامیگذاریم ولی نخواهیم »
« گذاشت پاباایران بگذارد واوهم راغی نخواهد شددراین موارد خود را ذلیل کند »
« زیرا خاك ایران نزدیکتر است باحاطه‌وتصرف روس - دولتی که قادر بر هیچ »
« نباشد قیمی مثل روس باولازم است نه انگلیس مدت‌زمانی نیست که انگلیس‌ها »
« از هزار ورس باینطرف از هندوستان آمده که سرحدات مارا باافغانستان‌تعیین »
« کنند واز این بابت میخواستند اوقات‌را برما تلخ کنند که مامورین دولت مخفی »
« آمده‌اندبرای‌محافظت سرحدات‌اما آمدنشان بیحاصل بود ماهم‌لازمه‌احترام رابآنها »
« کرده وازخضرات دائمی هندوستان آنهارا آسوده کرده بآنهاواگذار کردیم آنچه »
« راکه توانستیم ولی‌حالا کارطوری گردیده است که مابیشترقدرت داریم باایران نه »
« انگلیس در افغانستان این‌مسئله را باید انگلیس ملتفت شود و الا ممکن است »
« بحالت‌سابق‌خود برقرار باشد . »

مقارن این‌احوال دالگورکی وزیرمختار روس‌درتهران نبود . شارژ دافر سفارت روس در تهران برای خنثی کردن عملیات انگلیسها شدیداً بفعالیت پرداخت وبناصرالدینشاه وامین‌السلطان پیغام‌داد که‌رفتار دولت ایران‌نسبت بروسیه خصمانه میباشد ودولت روس برای‌حفظ امنیت کشور خود باقدامات شدیدی دست‌خواهدزد . جریان‌ملاقات ومذاکراتی را که شارژدافر سفارت روس باامین‌السلطان بعمل می آورد قوام‌الدوله وزیر امورخارجه در نامه‌ی بعنوان ملکم وزیر مختار ایران درلندن شرح‌داده و متن آن قبلادر صفحه ۱۷۰ نقل گردیده است .

ناصرالدین شاه و امین السلطان که تهدیدات روسها را مشاهده مینمایند سخت بوحشت افتاده‌و در پی چاره میگردند و با ولف وزیر مختار انگلیس در این باب مشورت میکنند .

دالگورکی وزیر مختار روس باآنکه برای استفاده ازمرخصی چندین ماهه خود به‌پطرزبورغ‌رفته بود بواسطه‌جریان‌مخالف‌منافع‌روسیه‌دراواسط‌ماه‌جمادی‌الثانیه‌سال۱۳۰۶ هجری قمری (فوریه ۱۸۸۹) باعجله بتهران می آید ودر همان روزورود بتهران باامین‌السلطان وزیراعظم ملاقات میکند .

دالگورکی امین‌السلطان راتهدیدمیکرد که اگردولت ایران فورا روش خود را تغییرندهد ودر صدد جبران این موضوع برنیاید روابط دولتین قطع میشود و از ایران خواهدرفت و مسئول پیش آمدهای بعدی اولیاء دولت ایران هستند .

ناصرالدین‌شاه که در این‌موقع باعلاقه خاصی‌مشغول تهیه‌لوازم سفراروپا بودنمی

تُوانست این تهدیدات رانادیده انگاشته وراه اروپا را پیش گیرد زیرا گذشته از آنکه روسها اورا از راه روسیه نمی گذاردند باروپا برود چگونه میتوانست ازحوادثی که ممکن بود بااین ترتیب در غیاب اوروی دهد ایمن باشد . بااین جهت باامین السلطان دستورمیدهد که هرطوری هست رضایت دالگورکی راجلب نماید .

اعتمادالسلطنه در کتاب خلسه خود از قول امین السلطان راجع باین موضوع مینویسد .

« این وقت دالقورکی سفیرروس هم ازطرف دولت متبوعه خود تعلیمات خیلی سخت داشت همان روز ورود بامن (یعنی امین السلطان) ملاقات نمود و گفت یاقرارنامه انگلیس بایدپاره شود یابایدمنتظر آمدن قشون روس به ایران بشوید وبهیچوجه بمخیله شماخطور نکند که ماازراه ممالك روس بگذاریم شاه بلندن برود من در جواب دالقورکی متحیرماندم که روس دشمن قوی واز سه طرف همسایه راه رفتن بفرنك مسدودوامتیاز جدید رویترسر گرفته چه خاکی بایدسرریخت غری غرویچ صاحب (مترجم اول سفارت روس) هم اگرچه به مسیو پوجیو شارژدافر بی حال روس که سابقا ذکری از ایشان شده مسلطاست امادرنظر دالقورکی بقدرسك عظم نداردلابد شب دیگر بعداز مشورت باولف سفیر انگلیس پاسی از شب گذشته متنکراًدر کالسکه نشسته فانوسهای کالسکه را خاموش کرده بی خبر بسفارت روس رفته بردالقورکی وارد شده و دست و پای اورا بوسیده ویرا ازمرکب لجاجت فرود آورده بعدازآنکه نرم وملایم شدچاره کاررا ازاو خواستم دالقورکی یك کلمه فارسی نمی دانست شگفت نامی مترجم داشت سئوال وجواب مارا ترجمه مینمود ابتدا دستم را بدست دالقورکی دادم هرچه خواست اشتلم کرد بدستورالعمل واقف من ساکت وحیرت زده باونگاه کردم وتبسم مینمودم همین که ازجوش وخروش فرونشست وحرفش تمام شد گفتم چه عیب دارد مادر عوض امتیاز بانکی که بانگلیس هادادیم وعلی العجاله چندان فایده بحال قدرت دولت انگلیس در ایران ندارد بشما امتیازات دیگر میدهیم وشما فورا برقدرت متزلزله خوددر ایران قوت واستحکام دهید و بیشتر از پیشتر نمائید دالقورکی گفت مثل چه گفتم هرچه بخواهیدجواب مرابمجلس دیگر انداخت این تاخیر وتعویق اسباب امیدواری من گردید فهمیدم میخواهد ازدربار پطرسبورغ استیذانی نماید واجازه حاصل کند خلاصه بعد از چند روز دالقورکی بمنزل من آمد و گفت ماامتیاز راهی از انزلی بطهران را میخواهیم که ابتدا آنرا هموار نموده بعد راه آهن بکشیم گفتم دادیم ودیگر چه میخواهید گفت اختیار کشتی رانی درتمام رودخانهائیکه درخاك ایران است و بدریای خزر میریزند ازمصب تامنبع گفتم دادیم دیگر چه میخواهید گفت سند معتبریکه بعدها هر امتیازی بسایردول وملل میخواهند بدهند ازهرقبیل باشد اول ازمااجازه خواسته ومارا مستحضر سازند شاید ما باشروط سهلتر قبول کنیم گفتم دادیم دیگرچه میخواهید دالقورکی که این جوابها راشنید واین تمکین را دید عرش را سیر کرده چه باور نمینمود یکی از این تکالیف او پذیرفته شود برخواست وبمن دست داده من فقط همان دست راست که بضرر ایران دراز بود بوداًم ودست چپ را که اختیارنامه رویتردر بغل ایره در آن بود دریغ کردم وباخود گفتم اگرضرری بمملکت ایران وارد می آید بیایدانگلیس ها که دوستان من می باشند بهتر این است که دچار خسارتی نشوند این سه فصل ازملاقات من بادالقورکی می باشد که آشکار است شاید فصول مخفی دیگری هم داشته باشد که هرآدم عاقلی میداند که ازهمین سه فصل چه ضررها بدولت ایران وارد می آید .... و خیالی که در وقت دادن این امتیازات بدولت روس مینمودم فقط این بود که سردالقورکی را پیچانیده اوراساکت کنم وبار راه فرنك را به بندم .... »

پیشنهادهای روسها

بین امین السلطان صدر اعظم وقوام الدوله وزیرامور خارجه ازیکطرف ودالگورکی وزیرمختارو پوجیومستشارسفارت روس از طرف دیگرملاقات های مکرری اتفاق افتاد . تکالیفی که روسها بدولت ایران پیشنهاد میکردند بسیارشاق وغیرقابل قبول بنظر میرسید بحدی که ناصرالدین شاه را بسیار نگران ساخته بود .

هرچه امین السلطان و قوام‌الدوله با راهنمائی ولف وزیر مختار انگلیس کوشش کردند که ازسنگینی تکالیف دالگورکی وزیر مختار روسیه بکاهند ممکن نشد وبالعکس پافشاری وخشونت او بیشتر میگردید.

عاقبت ضمن ملاقاتی که بین «غری غرویچ صاحب مترجم اول» سفارت روس‌وقوام الدوله وزیر امور خارجه بعمل میآید آخرین تکالیف وپیشنهادهای‌وزیر مختار روس‌بدولت ایران داده میشود.

قوام الدوله جریان این‌ملاقات‌را بشرح ذیل بضمیمه عین تکالیف دالگورکی‌برای امین السلطان میفرستد.

«فدایت شوم‌امروز که روزجمعه است دوساعت‌بغروب مانده غری صاحب»
«آمد و از جانب وزیر مختار صورت تکالیف را آورد که ترجمه آن ارسال»
«گردید پیغام آورده بود که تکالیف روس این‌است که صورت آن‌را فرستادم»
«غیر این اگر بشود یاجرح وتعدیلی درآن نمایند اختیار ندارم آن را قبول»
«نمایم درباب پنج‌سال وچهارسال گفتم وزیرمختار وعده بمن دادومن بخاکپای»
«مبارك عرض کردم حالا مرا دروغگو بیرون‌آوردن‌چه معنی دارد گفت وعده»
«وزیر مختار دروغ نمیشود همین که پنج سال ازجانب دولت‌قبول شد شرط»
«باشد که یکسال را از امپراطور تخفیف بگیرندوزیر مختار خواهش دارد که»
«این کار را زود تمام نمائید که تعویق افتادن آن کار خوبی نیست وهرچه زود»
«تر بشود باعث رضای خاطر امپراطور روس خواهد بود زیاده عرض و»
«زحمتی ندارم»

تکالیف مزبور بشرح زیر بضمیمه نامه فوق برای امین السلطان ارسال‌شده‌است

«اولا آزادی مرداب انزلی باجمیع رودخانهائی که‌مصب آنها مرداب انزلی میباشد باحق ساختن اسکلها وانبار وغیره وسایر ملزومات متعلقه که مفصلا مذاکره خواهد شد.

ثانیاً آزادی سفید رود ورودخانه مشهد سر وسایر رودخانها که مصب آنها بحرخضراست

ثالثا ساختن راه عراده رو یعنی شوسه ازانزلی الی دارالخلافه طهران که این راه باید قبل ازهمه راهها ساخته شود وباز بشود کمپانی میتواند یااز اهالی روس یا از اشخاص متفرقه باشد اما راه قوچان باید در سر وعده وپیش ازهمه راهها ساخته وحاضر باشد.

رابعا تسهیل‌راه ازاستراباد الی اردبیل.

خامسا درباب ساختن راه آهن درخاك ایران مذاکره خواهد شد یعنی درباب خطوط این راهها وهم در باب ضمانت دولت ایران ـ باید دولت علیه ایران متعهد بشود که‌درمدت پنج سال باحدی‌اجازه ساختن راه‌آهن ندهد بعد از انقضای مدت مزبوره (یعنی فلان مدت) اگر دولت روسیه نخواست راه آهن بسازد دولت علیه ایران بهر که بخواهد اجازه ساختن بدهد مختار خواهد بود در تمام اطراف ایران و تمام خطوط.»

امین السلطان بعد از ملاحظه این نامه درذیل آن نوشته‌است

«کی مذاکره خواهد کرد باید معین بشود نه بی تعیین — خطوط در شمالی ایران را فقط یادرهمه جا جنوب مغرب مشرق باید توضیح شود — لفظ خطوط جمع‌عمومی است‌وما صلاح نمیدانیم باید یك خط‌مذاکره شود — درکجا وچه خطها درمدت معین اجازه ساختن راه آهن ندهد باید توضیح بشود.»

این نامه بخط امین‌السلطان نوشته شده و ناصرالدین شاه آنرا با جمله «بسیار صحیح است» تصدیق نموده است

رفتار خشونت آمیز وزیر مختار روس

دالگورکی برای قبولاندن پیشنهاد های خود بدولت ایران زیاد تعجیل میکرد ورفتار گستاخانه و خشونت آمیز او فوق العاده موهن و زننده بود وناصرالدین شاه از این روش جسورانه وزیر مختار روس بسیار عصبانی بود .

متن نامه‌ای راکه قوام الدوله وزیر امور خارجه درتاریخ ٤ ربیع الاول ۱۳۰٦ به میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله وزیر مختار ایران درلندن نوشته واظهارات ناصرالدین شاه‌را درجواب اعتراضات سفارت روس در مو د افتتاح رود کارون در آن نقل کرده بود قبلا درصفحه ۱۷۰ دیدیم واینك دراینجا متن تلگراف ناصر الدین شاه به میرزا محمود خان علاءالملك وزیر مختار ایران درپطرز بورغ ونامه‌ای‌راکه بامین السلطان نوشته‌ودر آنها ازرفتار دالگورکی وزیر مختار روس شکایت کرده نقل مینمایم .

پیش نویس تلگراف مزبور که بخط امین السلطان نوشته شده و بامضاء ناصرالدین‌شاه رسیده بشرح زیراست .

« دستخط است پطر بمیرزا محمودخان وزیرمختار همین دستخط مرا فوراً ببرید برای‌جناب موسیو کیرس ومسیو زینانویف بخوانید وبگوئید پرنس دالفوروکی آمد وچند فقره تکالیف ازجانب اعلیحضرت امپراطور آورده اظهار داشت وباکمال تندی و سختی جواب خواست بااینکه اینمطالب خیلی تامل وتفکر لازم داشت و خیلی مهم بود چون وضعی برداشت کرده بودکه میخواست خدا نخواسته در دوستی و اتحاد چندین ساله سکته وارد بیاورد ما هم بدون ملاحظه وتامل وتفکر باحترام اینکه نسبت آنرا بشخص اعلیحضرت امپراطور میداد فوراً امضی کرده دادیم که تفصیل آنرا مکتوباً بشما خواهیم نوشت ومقصود ازاین تلگراف این است که بجنابان مشارالیهما بگوئید که ماهیچوقت ازخواهشهای دوستانه اعلیحضرت امپراطوروحفظ روابط‌دوستی مضایقه وخودداری نداشته‌ایم واین سختی وتندی وبیمزگی‌های اینمدفعه پرنس ابداً لازم نبود خوب است که اولیای آندولت دوستی مارا نسبت بخودشان بهتر ازاین بشناسند که‌حاجت باین وضعها نباشد بسیارصحیح‌است .» عین‌این‌نامه‌درصفحه‌مقابل گراور شده

ودرتعقیب آن‌این نامه هم بخط ناصر الدین‌شاه بامین‌السلطان‌صدر اعظم نوشته‌شده‌است

« جناب امین‌السلطان

این فقره یاد داشت راهم باید صریح به دالفوروکی بگوئید ازاین قرار

ما کاینا منکر این هستیم که ابدا خلاف ادب وخلاف عهدنامها وخلاف قراردادنامها را بادولت روسیه نکرده‌ایم که لازم شود این گفتگوها بعمل بیاید و این نوع تکالیف سخت بلا جهت که از حقوق اصلی دولت ایران می کاهد وخلاف بین عهدنامه ترکمانچای است بما تکلیف شود . اگر این اظهار مارا صحیح میدانید پس چه اصراری دارید اگر صحیح نمیدانید ومیگوئید که ما خلافی کرده‌ایم و باید عوض آن خلاف‌را تکالیفات جدیده حتمی قبول نمائیم پس اورا دریك مراسله رسمی بنویسید ومدلل نمائید که خلاف عهد شده‌است تاما جوابی که داریم بدهیم والا درهمسایه گی‌ودر دوستی اگر خواهشی دارید برای‌رواج و تسهیل تجارت خودتان در شمال دیگر آن را باین طورهای تحکم آمیز وسخت که نباید بخواهید چیزی را باید بخواهید که ما بتوانیم قول بکنیم وخلاف عهدنامه وخلاف استقلال واتنکریته وآرای ایران نباشد وامر بطور دوستانه برضای طرفین بگذرد وحل شود ۳۰٦ .» عین این نامه در صفحه بعد گراور شده است

ناصرالدین شاه و امین‌السلطان باهمه کوششی که برای تعدیل تقاضاهای روسیه . بعمل آوردند فایده‌ای نگرفتند وخود را بتنظیم و امضای تعهدنامه‌ای که متضمن تمام پیشنهادات دالگورکی باشد ناچار دیدند .

امین‌السلطان درمذاکراتی که باوزیر مختار روس بعمل میآورد باو قول میداد که

جناب امین السلطان

[illegible]

این نامه بخط ناصرالدین شاه خطاب بامین السلطان است

تمام پیشنهاد های اورا دولت ایران خواهد پذیرفت وچون «شاه» باید بسفر اروپا برود فعلا مجال زیادی برای دقت درتنظیم این تعهد نامه نیست آنرا موکول بیازگشت ازاروپا نماید ولی دالگورکی وزیر مختار روس زیر بار نمیرفت و نه تنها تاخیر در امضای این تعهد نامه را جایز نمی شمرد بلکه بامسافرت ناصر الدین شاه هم از راه روسیه موافقت نمیکرد .

بالاخره ناصر الدین شاه که بیش از آن نمیتوانست در برابر روسها مقاومت نماید دستورمیدهد امین السلطان وزیراعظم وقوام الدوله وزیر امور خارجه بادالگورکی وزیر مختار روس مجلسی تشکیل وصورت تعهد نامه را تهیه نمایند .

این تعهد نامه که قید محرمانه را داشت ظاهرا باطلاع ولف وزیر مختار انگلیس رسیده بود واو باتمام مواد آن موافقت داشت بجز ماده شش که در مدت پنجسال ساختن راه آهن را در تمام ایران منحصر بروسها میکرد - ولف برای آنکه دولت ایران این ماده‌را قبول نکند فعالیت شدیدی بخرج میداد وآنرا مخالف منافع ونظر اولیای دولت انگلستان میشمرد .

مقاله روزنامه «نووستی»

درهمان حینی که مذاکرات بین دولت ایران و سفارت روس در تهران ادامه داشت و دولت ایران آماده برای قبول پیشنهاد های روسها بودیکی ازروزنامهای روسیه بنام «نووستی» (خبر)(۱)چاپ پطرزبورغ درشماره مورخه ٦ ماه مارس سال۱۸۸۹ راجع باختلاف بین دولتین ودعاوی روسها درایران مقاله‌ای نوشته که ترجمه آن ذیلا نقل میگردد .

«حل مسئله مسافرت اعلیحضرت شاه ایران باروپا بموجب اطلاعات دیپلوماسی که ازطهران رسیده مربوط بانجام مذاکراتی است که اکنون درمیان دولت ایران وکنیاز دالقورکی آغازشده است .

چون مذاکرات مزبوره کلیة بطریق دوستانه است بسرعت تمام پیشرفت میابد باید امیدوار شد از عموم جهات هم اتفاق حاصل خواهد آمد واحتمال میرود که اعلیحضرت شاه مسافرت خود را درنیمه اول ماه مارس که سابقا نیز بدین خیال بودند شروع نمایند .

مطالبات روسیه بدو قسم است پولتیکی وایکونومی.

مطالبات پولتیکی او تقریبا بدینقراراست ،

دولت روسیه میخواهد که دولت ایران اورا ازتکرارافداماتی مانند فقره نهر کارون تأمینات دهد و دیگر اینکه مسئله وراثت تخت سلطنت درحال حاضر متحمل گردد که در آتیه سد راه مخاطرات عظیمه ایران بود و دولت روسیه را وسیله مداخله بکارهای داخلی ایران بدست نیفتد زیراکه دولت روس بموجب عهدنامه منعقده درمیان این دودولت حمایت دودمان قاجاریه را بعهده گرفته است .

از آنجا که مطالبات روسیه از روی کمال اعتدال است چنین گمان میرود که روسیه بوعده بر ملای اعلیحضرت شاه قانع شود که درآینده نه‌از طرف خود ایشان نه ازجانب دولت ایران چیزی که موجب خلاف مرام روسیه باشدبظهور نیاید .

اعلیحضرت شاه حفظ روابط دوستی میان خود و روسیه‌را یکی از مواد اصلیه پولتیك خارجی نسل قاجار می شمارد

از مطالبات ایکونومی روسیه هم‌مقصود این‌است که‌در عوض خسارتیکه‌از بازشدن نهر کارون‌بکشتیهای انگلیس تجارت روسیه‌را عاید شده بروسیه نیز تلافی‌شود .

---

(1) NOVOSTI

قبل ز همه روسیه خواهش می کند که حکومت ایران بساختن راههای راه آهن در ایران روسها را امتیاز بدهد .

حکومت ایران بانجام این خواهش بکمال ممنونیت اظهار آمادگی مینماید چه ازقراریکه وزراء تصدیق می نمایند شاه بشخصه مقصودی بالاتر از این ندارد که خطوط راههای آهن ایران در همه جای آن کشیده شود وچون تاکنون هیچیك ازروسها در باب امتیاز سعی و کوشش ننموده‌اند لهذا اکنون را نمی‌توان گفت که آیا کارکنان روسیه وتجارت روس ازحالت حالیه ایران فعلا بهره یاب خواهند بود یانه .

در انجام سه مطالب هم روسیه اصرار دارد .

یکی اینکه دولت ایران ملتزم بشود که بند مرداب انزلی رابرای کشتیهای روس بازنماید (این لنگرگاه برای کشتی‌های روسیه تاکنون بسته بود)

ثانیا بدون تاخیر باقی راه شوسه ازعشق آباد تاخراسان را بسازد ثالثا بزودی بساختن راه شوسه از رشت تاطهران بپردازد .

این سه خواهش روسیه را دولت ایران تماما قبول نمود اکنون مقاوله نامه آمد وشد کشتی‌های ما را ترتیب می دهند وانتشار مقاوله‌نامه مزبور و اعلان باز شدن لنگرگاه مرداب بسفاین روس در این روزها منتظر است .

دولت ایران بوالی خراسان حکم مؤکدی فرستاد که مشارالیه راه شوسه از سرحد روس تامقرحکومت خود را بزودی انجام دهند واز هیچگونه بناگذاری دریغ ننمایند چون ما اکنون در خراسان جنرال قونسول داریم و مراقبت خواهد نمود که امر شاهی را با کمال جد و جهد انجام دهند لهذا این مسئله را حل شده باید انگاشت .

ساختن راه شوسه از رشت تاطهران را هم بعهده حاکم گیلان شاهزاده حسام السلطنه که درفصل خزان گذشته در تفلیس شرفیاب حضور امپراطوری شد محول داشته‌اند وشاهزاده برای ساختن این راه کنترانچی‌ها می‌طلبند و کنترانچی‌ها می‌توانند از خارجه هم باشند و بدینجهت پرنس نیز بتوسط مامورین دولت ایران مقیمین روسیه به کنترانچی‌های روسیه از عمل کنترات اطلاع میدهند - در خصوص حسن علاقجات ما با ایران هم میان کنیاز دالقورکی ووزیر اول شاه صلح وصفای کاملی حاصل شده است .

جناب امین‌السلطان در خصوص رفتار وکارهای خود در غیاب دالقورکی توضیحاتی داد که دالقورکی را راضی نمود وبرای مشارالیه یقین حاصل شده است که شایعات برودت آمیز میان وزیر اول ودولت روس بی اصل و ماخذ بوده است واین صلح وصفا اعلیحضرت شاه را خیلی خرسندنموده و بعلامت شادی خودبامین‌السلطان خرقه خلعت بافرمان مرحمت نموده است .»

پیشنهادهای روسها قبول میشود

عاقبت بعد از مذاکراتی که بین طرفین بعمل میآید متن تعهد نامه تهیه ودر ماه رجب ۱۳۰۶ هجری قمری باین شرح بامضای ناصرالدین شاه میرسد وسپس برای سفارت روس ارسال میگردد .

محرمانه

السلطان ناصرالدین شاه

«بملاحظه دوستی خالصانه خودمان بادولت بهیه روسیه حاضریم فقرات مفصله ذیل را قبول نمائیم و برای تسهیل وتوسیع تجارت میانه ایران وروس برقرار نمائیم

اولا - مرداب انزلی ورودخانهائیکه مصب آنها مرداب انزلی است

برای عبور کشتی های تجارتی ازبخاری و باد بانی و کرجی تبعه دولت روسیه آزاد خواهد بود و بملاحظه رفع خطرات کشتی ها و کرجیها دهنه مرداب انزلی ودهنه رودخانه مشهد سر وپیر بازار که مشهور برودخانه سیاه‌رودبار است تنقیه‌واصلاح‌خواهد شد حقوق و شروط این آزادی کشتی رانی علیحده مقرروازطرف دولت ایران به‌تبعه دولت روسیه اعلان میشود.

ثانیاً ـ کل رودخانه ها که مصب آنها بحر خزر است وعبور و مرور کشتی ها وکرجیها در آنها ممکن است برای عبور کشتی ها و کرجی های تجارتی تبعه روسیه آزاد است واین آزادی کشتی رانی برطبق حقوق وشروط فوق است که درفصول اول اشاره شده است

ثالثاً ـ انبارهای تجارتی واسکله‌هائی که لازم باشد و غیره را دولت علیه ایران بارعایای ایران ساخته و بتجار تبعه روسیه بقیمت عادله اجاره خواهند داد و از روزی که آنها را معین نموده وبکارگذاران دولت‌ایران از طرف تجار روسیه اعلان خواهند کرد تا انقضای مدت یکسال دولت ایران بارعایای ایران نساختند آنوقت تجار دولت روسیه حق خواهندداشت که موافق عهد نامه مقدسه آنهارا بسازند و تجار روسیه حق آنرا دارند که برای بار دادن وبارگرفتن از تبعه ایران باروسیه بقدر ضرورت عمله و مزد بگیرند.

رابعاً ـ دولت ایران ساختن راه شوسه را از پیر بازار یا مبارك آباد بطهران قبول میکند که کمپانی آنرا دولت روسیه تشکیل بدهد باشروطی که نافع تجارت دولتین باشد وتبعه ایران هم حق شراکت باآن کمپانی خواهند داشت‌وشروط قرارنامه اینراه شسه فیمابین‌اولیای دولت‌ایران و کمپانی‌مزبور برضای طرفین معین و مقرر خواهد شد و هنگامیکه در شروط و قرار داد ساختن اینراه شسه مذاکره و گفتگو میشود امتیازاتیکه بکمپانی راه آذربایجان داده شده بنظر خواهندآورد که نظایرآن امتیازات باین کمپانی هم مرحمت شود.

خامساً ـ بکمپانی راه آذربایجان مقرر خواهد شد که راه عراده از تبریز بجلفا و از تبریز باواجق را یکدفعه باتمام برسانند وبهمین کمپانی‌امر ومقرر میشودکه راه‌آستارا راهم الی اردبیل بزودی شروع نموده و تعمیر و تسهیل نمایند.

سادساً ـ دولت‌ایران قبول‌میکند که بکمپانی روس‌اجازه بدهدراههای آهنی که بهرجاکه مفید ومناسب منافع تجارتی دولتین روس و ایران باشد درخاك ایران بسازد وشرایط قرار نامه‌آن باید مناسب و برضای طرفین باشد برای مذاکرات‌این‌مسئله بکمپانی‌مزبورپنجسال‌مهلت میدهدووعده‌میدهد که درظرف این پنجسال بهیچ‌کمپانی دیگر اجازه ساختن راه آهن ندهد بعداز

انقضای مدت مزبوره بامضای قرارنامه دولت ایران مختار خواهد بود که اجازه ساختن راه‌آهن بهر ... واز هرطرف بخواهد بدهد درصورتیکه درظرف این پنجسال از کمپانیهای روس بخواهند راه‌آهن بسازند دولت ایران ازاین وعده تعهد خود بکلی آزاد است.

بملاحظه قبول فقرات مزبوره فوق وعده قراریکه درچهاردهم ذیحجه ۱۳۰۴ متعلق براههای آبی و آهنی باعلیحضرت امپراطوری داده بودیم از اعتبار خود ساقط شد

بتاریخ شهر رجب المرجب ۱۳۰٦ امضی شد وبجناب پرنس دالقوروکی وزیر مختار دولت بهیه روسیه داده‌شد صحیح است السلطان ناصر الدین‌شاه قاجار.»

ناصرالدین شاه باروپا میرود

باین ترتیب باسپردن این تعهد نامه تااندازه ای رضایت روسها جلب میشود وروابط دولتین ایران وروس ظاهراً بهبودی میبابد وناصرالدین شاه مقدمات سفرسوم اروپا رافراهم میسازد تاباخیال راحت درماه بعد عازم روسیه شود.

ناصرالدین شاه و امین السلطان در دوازدهم شعبان ۱۳۰٦ از طریق روسیه باروپا میروند.

روسها با آنکه باگرفتن تعهدنامه فوق هنوز بواسطه اعطای امتیاز ایجاد بانک شاهنشاهی واجازه کشتی رانی رودکارون بانگلیس ها ازناصرالدین شاه و امین‌السلطان دلخوشی نداشتند ونمیتوانستند اثرات بعدی این عمل رانادیده انگارند معهذا درپذیرائی از شاه ایران وهمراهانش کوتاهی نکردند وباکمال گرمی وصمیمیت رفتارنمودندچنانکه خود ناصرالدین شاه درسفرنامه خویش مینویسد.

«درحقیقت منتهای دوستی ومهربانی واتحاد را بجاآوردند.»

درملاقاتهائی که بین طرفین بعمل میآمدگاه و بیگاه روسها عدم رضایت خود را ازروش حکومت ایران اظهارمیداشتند وچون امین السلطان راموجد این رویه میدانستند نسبت باو بی اعتنا وبدبین بودند.

ناصرالدین شاه وهمراهان از روسیه به لهستان وآلمان وهلند وبلژیك وسپس بانگلستان میروند.

پس از پذیرائی مفصلی که درلندن از «شاه ایران» بعمل میآید به فرانسه وازآنجا به اشتوتکارت ومونیخ وسپس باطریش رفته وباز از راه روسیه بایران مراجعت مینماید ودرتاریخ ۲٤ صفر ۱۳۰۷ بطهران وارد میشود.

درمدتی که ناصرالدین شاه وامین السلطان درکشور های مختلف اروپا برای گردش وعیاشی باینطرف وآنطرف میرفتند تنها چیزی که موجب ناراحتی فکرآنهامیشد نارضائی روسها ومسئله دعاوی وطرز رفتار آنها درآینده بود.

ناصرالدین شاه هنگامی که درانگلستان مشغول عیاشی وباده نوشی بود در کمال بی‌خبری و بی اطلاعی علاوه برامتیازات گذشته بادستیاری امین السلطان و ملکم امتیازات

دیگری هم با نگلیس ها میدهد که بعد ها مزید بر گرفتاری هـای سابق شد مثل امتیاز لاطار وضمیمه چهارم امتیاز نامه بانك شاهنشاهی ودعوت ماژوتالبوت برای دادن امتیاز انحصار دخانیات وغیره

امین السلطان که میدانست بواسطه این مسائل روسها باو فـوق العاده بـدبین میباشندو نخواهند گذارد اوآسوده در مقام خود باقی بماندبیش از ناصرالدین شاه ناراحت ومشوش بود مخصوصا اینکه در آینده بااجرای مواد امتیازاتی که انگلیس ها و روس ها بدست آورده اند بااشکالات فراوانی دست بگریبان میباشد دائم در فعالیت و جستجوی راه حلی بود .

سید جمال الدین اسدآبادی مامور مذاکره باروسها میشود

بهمین منظور وقتی که عازم ایران بودند درشهرمونیخ امین السلطان با سیدجمال الدین اسدآباد ملاقاتی میکند و باو ماموریت میدهدتا به پطرزبورغ رفته واطمینان روسها را نسبت بخود جلب نماید .

سیدجمال الدین اسدآبادی بعدها که رنجشی از امین السلطان پیدا کرد ضمن نامه شکوائیه‌ای جریان این ملاقات وماموریت خودرا بپطرزبورغ برای ناصرالدینشاه‌مینویسد. در اینجا متن آنرا برای مزید اطلاع ذیلا نقل مینمایم .

این نامه راسید جمال الدین از حضرت عبدالعظیم بناصرالدینشاه نوشته‌است .

«عرضه داشت بنده سنیه‌عالیه وعتبه رفیعه سامیه اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه در (مونیك وقتی که از شرف وعداحترامات واجزه مصاحبت موکب همایونی در زمره طرب بودم [؟] در همان محضراسنی جناب امین ـ السلطان وزیر اعظم چنان پسندیدند که این عاجز برای اصلاح بعضی امورضروریه اولابه (پطرز بورغ) رفته پس از انجام آنها بایران بیایم اعلیحضرت شاهنشاه اقام‌الله به‌دغامةالمدن استحسان فرمودند در شبهمان یوم‌الشرف پنجساعت‌جناب وزیراعظم بااین‌عاجز مکالمه نمودند خلاصه‌اش‌این‌شد آن که اولا دولت روسیه ورجال‌وارباب جراید آنرا حق نیست که ایشان رابرجلس ونشانه سهام نمایند واز در معادات ومعاندت برآیند چون که ایشان یعنی جناب وزیراعظم مالك وصاحب ملك نیستند ورتق وفتق امور بقدرت ایشان نیست دیگر آنکه مسئله کارون و بانك ومعادن قبل از ارتقاء ایشان برتبه وزارت عظمی انجام پذیرفته است نهایت‌این‌است که اجراء آن ازسوء بخت درزمان وزارت ایشان شده است پس‌حین ورود پطرزبورغ بایددر نزد وزارت روسیه ابراء ذمه وتبرئه‌ساحت ایشان‌را بنمایم وتبدیل افکار فاسده وزراء روس‌را درحق ایشان‌داده وحسن مقاصد ونیات ایشان را در باره دولت روس مسجل کنم .

ثانیا از این عاجز خواهش نمودند که به (مسیو کیرس) (۱) رئیس‌الوزراء ووزیردول خارجه ومستشارهای ایشان (ویلنکالی) و زینوویف) (۲) شفاها بگویم که ایشان یعنی‌جناب وزیر اعظم از برای اثبات حسن مقاصد خود در هرحال حاضرند که‌اگر از طرف روس طریق سهلی‌ارائه شود در ظرف چندروز مسئله کارون و بانك‌و معادن را حل‌نموده بحالت سابق اعاده نمایند این عاجز چون‌نجاح مقاصد جناب وزیر اعظم راعین‌رضایت پادشاه وخیر ملت اسلام میدانستم به‌پطرزبورغ عودنمودم وچندنفر را که درسیاسیات مشرق زمین یاخود هم مشرب می دانستم چون ژنرال (ابروچف) درحربیه وژنرال (دیختر) دروزاوت دربار وژنرال (اغناتیف) (۳) سفیر سابق‌روس

---

(1) — De Giers
(2) — Zinoveieff
(3) — IG Cnatieff

در اسلامبول ومادام (نوویکف) (۱) که‌از خواتین نافذالکلمه وغالبا در مسائل سیاسیه که مابین روس وانگلیس است میکوشید باخود متفق کردم ودر ظرف دوماه بیست‌بار بامسیو (کیرس) وبامستشارهای ایشان ملاقات کردم و پیش‌از آن‌که در مقاصد جناب وزیراعظم شروع نمایم اولادر این‌سعی نمودم که بادله وبراهین سیاسیه وباعانت هم مشربهای خودم ثابت کنم که‌صلاح دولت روس‌در مشرق زمین آن‌است که علی‌الدوام بادولت ایران از در مسالمت ومواده ومجاملة برآید وسخت‌گیری ومخاصمت ننماید ودر ضمن همه‌وقت‌منع وسماح اعلیحضرت‌شاهنشاه اسلام پناه‌را در اترك واراضی ترکمانیه‌وجایهای دیگرخاطر نشان ایشان‌مینمودم‌چون‌دانستم که‌این‌مطلب اصلی‌مسجل شد ومقبول گردید واز برای ایشان انحراف رای روی‌داد وآتش غضبشان فرونشست در آن وقت مقاصد جناب وزیر اعظم را پیش‌نهاده گفتم وزیر اعظم بنفس‌خود در مونیك بمن گفتند بشماتبلیغ کنم که ایشان حاضرند اگر شما طریقی نشان دهید که موجب حرب وسبب غرامت‌نگردد مسئله کارون وبانك ومعادن را حل نمایند وموازنه سابقه که در میان دولت روس وایران و انگلیس بود دو باره برقرار کنند و در تلواین مطلب اینقدر که ممکن بود در تبرئه‌ذمه جناب وزیراعظم وحسن مقاصد ایشان درحق دولت روسیه کوشیدم چنان‌چه دو بار هم اینمطالب را از پطرسبورغ بایشان نوشتم مسیو کیرس ومستشارهای ایشان پس‌ازآن که مکرر ازحسن‌مقاصد ونیات عزم‌جناب وزیر اعظم پرسیدند گفتند که مابابد دراین‌مسئله باوزیر جنك ووزیر مالیه اولامشورت کنیم و باامپراطور حاصل مشورت خودرا عرضه نمائیم بعداز آن اگر طریق سیاسی‌یافت شد که بدان توان حل مسئله رانمود بشما شفاها خواهیم گفت که بنهج‌جواب بجناب وزیر اعظم برسانید البته‌اگر این مسئله بنهجی حل‌شود که موجب مخاصمه در میان دولت ما ودولت ایران نگردد بهتر است •

پس از چندین بار مشورت دومسلك پلتیك یکی‌از برای‌خودویکی از برای جناب وزیر اعظم تعیین‌نموده بمن گفتند که اگر جناب وزیراعظم می‌خواهند ابواب خطرهای آینده را ببندند در جواب رسالت این‌دومسلك را بدیشان از طرف ماابلاغ کن وچون هریك‌از ما خط حرکت پلتیك خودرا برآن دو مسلك معین‌قرار دهیم مسئله بخودی خود بلاغرامت وبلاجدال حل‌شده سبب رضایت همه‌خواهد بود این عاجز شادان وخرسند شدم که بقوت الهیه بتنهائی توانستم پس از اطلاع تام‌از مسالك سیاسیه خفیه روس در مشرق زمین خدمتی بدولت اسلام نمایم ووزیراعظم را از خودخوشنود کرده باشم چون بطهران رسیدم خارج شهرتوقف‌نموده بجناب وزیراعظم‌اطلاع دادم جناب ایشان خانه حاج‌محمد حسن امین‌الضرب رامعین نمودند که در آن‌جافرودآیم وتعجل ایشان‌رامهماندار مقرر نمودند واین‌عاجز مدت‌سه‌ماه تمام‌از جای خود حرکت نکردم بغیراز یکبارآن‌هم بعداز یکماه که عزشرف حضور حاصل‌شد وبدان نویدهای ملوکانه مفتخر گردیدم ودر اینمدت جناب‌وزیراعظم هیچگونه از این‌عاجزسئوال نکردند که در پطرزبورغ چه‌واقع شد وجواب آن‌مسئله که‌ترا برای آن بدان‌جا فرستادم چه‌شد بلی‌در اینمدت چند بار بعضی‌از حاشیه خودرا برای احوال پرسی‌فرستادم وعده ملاقات مفصل می‌دادند چون‌مدت طول کشید از کیفیت مسئله سئوال‌شد در جواب گفتم که هنوز از طرف وزیراعظم استفسار نشده‌است و سببرا هم نمی‌دانم در وقتیکه اهمال جناب وزیراعظم بوزارت روس معلوم گردید باهمه‌آن محاجات ومجادلات‌وتبلیغات ملحانه این‌عاجز در پطرسبورغ ایشان‌این امر را بمجرد ملاعبه‌وبازی واهانت وتحقیر ویاخود حیله سیاسیه مقصود کشف افکارطرف مقابلست (کاش سئوال میشد وکشف افکار طرف مقابل میگردید) شمرده بسفارت خود در دارالخلافهٔ طهران تلگراف نمودند که سیدجمال‌الدین از طرف وزیر اعظم شفاها بعضی‌تبلیغات نموداگر وزیراعظم میخواهندکه در آن مسائل داخل شوند راسا بنهج رسمی باسفارت روس درطهران یاباسفارت ایران در پطرزبورغ مکالمه نمایند و سید جمال‌الدین که بنهج غیررسمی بعضی‌تبلیغات نمود اگرچه‌پس‌ازاین سخنی‌از اینطرف بگوید‌مقبول‌نیست (لاحول ولا قوة الا بالله) رامرفته رنج کشیده برجوع قهقری بنقطه‌اولی‌بر گشت (شگفت) عقده حل کرده را دو باره‌محکم کردن (شگفت) اعلیحضرت پادشاه اسلام پناه نتایج اینگونه حرکات را بخرد خداداد دیپلوماسی ازهرکس بهتر میدانند جناب وزیراعظم چون از مضمون آن تلگراف مطلع شدند بخلاف عادت سیاسیین جهان بجای آن که تاسف نمایند که چرا افکار وزراء روس رادر این مسائل استکشاف ننمودند و جوابهای ایشانرا استماع نکردند

---

(1) — Novikoff

(بعرب صاحب گفته بودند که‌من چیزی بسیدجمال‌الدین نگفته بودم که بوزارت روس تبلیغ نمایند) ومن‌ایشانرا بپطرزبورغ نفرستادم (اناالله وانااليه‌راجعون) اینك لعب‌معكوس اينك‌فكر عقيم اينك نتيجه فاسده با اينمسلك چگونه توان‌راه اخطار رابست‌واز مهالك دوری‌جست (بلاسبب شبهه دردلها افكندن وقلوب را متنفر كردن‌خداوند تعالی مگر بقدرت کامله خودما را ازآثار وخيمه اينحركات حفظ كند .... واعجب از اینوا مه اینست پس از آن که وعداحترامات وستایش خود را ازلسان مبارك اعليحضرت شاهنشاهی شنیدم حاجی‌محمد حسن امین‌الضرب تبلیغ نمودند که رضایت‌اعلیحضرت شاهنشاهی اینستکه اینعاجز طهران را ترك نموده مجاور مقابر شهر قم بشوم هرچه در خبایای ذهن خودتفتیش نمودم سبب راندانستم - آیاجهت‌آن بودکه دولت روس را ببراهین و وسائط دعوت بمسلك ومواده دولت‌ایران نمودم‌یا برای آنست‌که بخواهش وزیراعظم بپطرزبورغ رفته در تبرئه ذمه و حسن مقاصد ایشان بادولت روس کوشیدم - یابدین‌جهت‌که طرق حل‌مسائل را چنانچه خواهش وزیر اعظم بود بقوه کدوجد بدست‌آوردم - اگرچه برمجرب ندامت‌رواست آنچه بپاداش‌مهمانی‌اول بمن گذشت مراکافی‌بودکه دیگر خیال ایران را نکنم‌امالفظ شاهنشاه رامقدس‌شمرده خواستم‌بخلاف‌آنچه گفته بودند معلوم گردد که هم‌خیر خواهم هم‌مطیع دیگراین چه نقش‌است که باز ژاژخوایان گوازه پسند باللەعلیکم اگرخدا نخواسته ظهورات مرا از مسلك خیرخواهی منحرف ومنصرف كند برمن چه‌ملامت خواهد بود سبحان‌الله توهم مزاحمت‌در مناصب‌هر وقت این‌صاحبان عقول‌صغیره ونفوس حقیره را براین میدارد که ذهن‌وقادنقاد اعلیحضرت شاهنشاه رادر باره این عاجز مشوب گردانند اینك درحضرت‌عبدالعظیم نشسته‌تاامر از مصدر عزت چه صادرشود .

واسئل‌الله تعالی ان یمدکم بالعدل والحق و ینصرکم بالحکمة‌ویشیددولتکم بقدرته و یحرسه عن کید الخائنین آمین العاجز جمال‌الدین‌الحسینی»

پس‌ازبازگشت ازسفر اروپا

ناصرالدینشاه بعداز بازدید کشورهای مختلف اروپادر تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۰۷ هجری قمری (۲۰ اکتوبر ۱۸۸۹) به تهران وارد میشود .

از این تاریخ ببعد امتیازات بیشماری که متضمن خطرات زیادی برای استقلال سیاسی واقتصادی کشور بود بخارجی‌ها اعطا میگردد .

لردگرزن انگلیسی راجع باین‌موضوع مینویسد .

« بعد از مراجعت شاه از سفرفرنگستان نمایندگان سرمایه‌داران اروپائی‌برای گرفتن‌امتیازات‌مانند مور وملخ بطهران هجوم‌آوردند ومعروف بود عده‌زیادی درطهران حاضر بودند امتیازاتی‌از قبیل امتیاز کارخانه قند - شیشه - تلفون - چراغ برق - ایجاد تاکستان وانحصار انواع واقسام محصولات فلاحتی وغیره بدست آورند شاه نیز حاضر است موافقت‌کند چونکه مبلغ کلی بحساب شخص شاه داده میشود .»

دکتر فوریه فرانسوی پزشك ناصرالدین‌شاه دریادداشت‌های خود مینویسد .

« چنین بنظر میرسد که بااعطای این امتیازات پی‌در پی ایران بالاخره بتمامی بدست خارجیان بیفتد .»

ناصرالدین‌شاه وامین‌السلطان که منابع مملکت رابمعرض حراج گذارده‌بودند با گرفتن‌مبلغ‌مختصری بدون آنکه از عواقب‌این عمل بیم‌وهراس بخودراه‌دهند تحت‌عناوین عمران وآبادی کشور و بکار انداختن سرمایه‌های خارجی در ایران‌از دادن هرامتیازی روگردان نبودند .

پس‌از ورود ناصرالدینشاه بتهران روسها قبل‌از هرچیز هم‌خودرا مصروف اجراء مواد تعهدنامه رجب ۱۳۰۶ مینمودند راجع بقسمت چهارم وپنجم‌وششم تعهد نامه مزبور یعنی راههای شوسه و راه‌آهن بعدها در جای خود اشاره خواهم کرد ودر اینجا فقط چگونگی اجرای‌مواد اول ودوم وسوم آنراشرح میدهم .



نصرت‌الدوله – معین‌الدوله – ناصرالدین شاه – میرزاحسین‌خان سپهسالار – اعتضادالسلطنه – اعتضادالدوله

مقررات ورود کشتیهای روس بمرداب انزلی ورودخانهای شمالی

در تعهدنامه مورخ رجب ۱۳۰۶ که «مرداب انزلی و رودخانه‌های آنرا برای عبور ومرور کشتی‌های روس آزاد می ساخت نوشته شده که « حقوق وشروط این آزادی کشتی رانی علیحده مقرر و از طرف دولت ایران به تبعه دولت روسیه اعلان میشود .»

روسها بدولت ایران فشار می آوردند که اینمقررات رازودتر تعیین واعلان‌نماید تاکشتی‌ها و کرجی‌های روسها بتوانند بمرداب و رودخانها آمدورفت کنند .

هنگامی که ناصرالدینشاه دراروپامشغول تفریح‌وتماشا بود روزی شارژدافر سفارت روس در تهران از قوام‌الدوله وزیرامورخارجه ملاقات‌وپیشنهادهای خودرا دراین باب‌باو میدهد وجدا تقاضا میکندکه تکلیف آنرا تعیین نماید .

قوام‌الدوله جریان این ملاقات و تقاضای شارژ دافر روس را بناصرالدینشاه که آنموقع در انگلستان بود بوسیله سفارت ایران‌در لندن تلگراف میکند .

« تلغرافی است که‌از جناب قوام‌الدوله باین‌سفارت‌سنیه‌رسیده بتاریخ‌یازدهم‌ژوئیه»
« ۱۸۸۹ . (۱۲ ذی‌القعده ۱۳۰٦)

« قربان‌خاکپای جواهر آسای‌اقدس همایونت‌شوم امروز که پنجشنبه دوازدهم»
« شهرذیقعدةالحرام است صبح شارژدافر روس‌آمده اظهار داشت موافق دستخط»
« مبارك که بسفارت‌داده شده نوشته شده در باب آمدورفت کشتی بمرداب انزلی »
« ورودخانها قراردادی برقرار خواهدشد وازطرف ایران بتجاروتبعه روسیه اعلان»
« خواهد شد مسیوغرس را ماموریت داده است که باشماحرف‌زده آن‌قرار داد را»
« توضیح ومراتب را معجلا اطلاع بدهم اینپیرغلام‌باو گفت‌موکب همایون تشریف »
« ندارند ومن بدون اذن واطلاع نمیتوانم سئوال وجواب در این‌باب بکنم گفت و »
« اصرار کرد که مراتب رابخاکپای اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه تلغراف»
« نمایم شارژدافر گفت از پطرزبورغ صورت قراردادی برای من نیامده است من»
« بسلیقه وعقل‌خودم چیزی‌یادداشت کردم اگردرخاکپای مبارك مقبول افتاد میتوانم»
« تلغراف نمایم که اولیای دولت روسیه هم تصدیق وامضاء نمایند باید از طرف »
« ایران اعلان بشودکه برای تسهیل امور تجارتی فیمابین ایران وروس دولت‌علیه»
« ایران بکشتی تجارتی روسیه اعم‌از آنکه بخاریابادی‌یاکرجی باشد اجازه میدهد»
« که‌در مرداب‌وجمیع رودخانها که‌بمرداب ودریای خزر میرود در کمال آزادی »
« آمدورفت نمایند بموجب قرارداد ذیل .

« اولا- کشتی و کرجیها باید در اسکله توقف نمایند همینقدر که برای داد وستد»
« بار ومسافر وآذوقه و تعمیر ومرمت لازم باشد ودر صورتی هم که دریا»
« طوفانی باشد .

« ثانیا-از برای انتظام امور در اسکله هم قراول ازدولت علیه ایران تعیین و»
« برقرار خواهد شد .

« ثالثا - تبعه ایران که مشغول فعله گی وحمل مال‌التجاره بکشتیهای مزبور »

« خواهند بود باید از کارگذاران ایرانی تذکره دردست داشته باشند .
«رابعا - از رعایای ایران که در کشتی‌های روسیه خدمت میکنند هرگاه تقصیری»
« در خاک ایران کرده باشند بعداز آنکه کارگذاران ایران تقصیراو را برئیس »
« کشتی مدلل داشتند رئیس کشتی مقصر رابکارگذاران ایران تسلیم خواهد کرد با »
« ملاحظه شرایط عهدنامه ترکمانچای .
« خامسا - حمل‌ونقل اسلحه کلیتا قدغن وموقوف است ولی‌روسای کشتیها بجهة»
« خودشان چند قبضه تفنگ‌های شکاری میتوانندداشته باشند .
«سادسا - بدون اذن واطلاع از طرف دولت‌علیه ایران کشتیهانمی‌توانندباروت»
« و دینامیت حمل‌ونقل نمایند .
« هفتم - هرگاه از کشتیهای روسیه غرق‌بشوند بایدموافق‌قرارداد کلیه روی زمین»
« سکنه ساحل در خلاص آن کشتی ومال‌التجاره آن‌اهتمام کافی بعمل‌بیاورندوحق»
« زحمت را هم که‌مستحق هستنددریافت نمایند .»

بااین ملاقات و ملاقاتهای بعدی وتقاضاهای مکرر شارژدافر سفارت روس تعیین واعلان مقررات مزبور راموکول بآمدن ناصرالدینشاه بتهران نمودند .

بالاخره پس‌از آمدن ناصرالدینشاه بتهران ومذاکرات مفصل شرایط و مقررات عبور ومرور کشتی‌ها و کرجی‌های تبعه‌روسیه بمرداب انزلی وورودخانهای آن(که تقریبا همان شرایطی است که در مورد ورود کشتی ها برودخانه کارون مقرر شده) با تراضی طرفین تعیین واعلان میشود .

وضمن نامه‌ای بتاریخ ۱۴ ماه شوال ۱۳۰۸ رسما این مقررات‌را به دبوتزوف(۱)وزیر مختار جدیدروسیه اطلاع میدهند .

مورخه ۱۴شهر شوال المکرم سنه ۱۳۰۸

«جناب جلالت‌ونبالت نصابا فخامت ومناعت انتسابا دوستان استظهارا مشفقامکرما مهربانا .

بموجب فقره اول قرارداد فیمابین دولتین قویشوکتین ایران وروس‌مورخه‌شهر رجب ۱۳۰۶ در باب‌عبور کشتی‌های تجارتی بخاری‌وبادبانی و کرجی تبعه‌دولت بهیه‌روسیه در مرداب انزلی وورودخانهائی‌که مصب آن‌ها مرداب انزلی‌است ومقرر است حقوق‌وشرایط این‌آزادی کشتی‌رانی علیحده مقرر واز‌طرف‌دولت ایران بتبعه‌روسیه اعلان خواهد شد اکنون صورت حقوق وشرایط مزبوره‌راکه درسایر بنادر دولت‌علیه معمول‌ومجری‌است ومتضمن بیست ویک فقره است درضمن‌این مراسله ارسال گردید که آن‌جناب جلالتماب ازمراتب مندرجه درآن استحضار حاصل فرموده بتبعه‌دولت متبوعه‌معظمه‌خوداعلام بفرمایند در اینموقع احترامات‌فائقه راتجدیدمی‌نمایند .

محل‌مهر(قوام‌الدوله)

ضمیمه‌نامه فوق

«دولت علیه‌ٔایران برای تسهیل‌تجارت بشروط‌مسطوره ذیل اجازه می‌دهد که سفاین تجارتی بخاری و بادبانی تبعه دولت بهیه روسیه و کرجی در مرداب و رودخانهائی که مصب آن‌ها بحر خزر است به آزادی تردد نمایند .

۱ - کشتی‌های تجارتی تبعه دولت بهیه روسیه زیاد برضرورت بارگیری‌وباراندازی وحمل آذوقه‌مسافرت در اسکله ورودخانها توقف ننمایند .

۲- درکشتی‌ها اشخاصی که‌وجود آنها مضرنظم وباعث گفتگووزحمت بشود نباید باشند هرکس می‌آید

---

1 - de Butzof

باید تذکره از دولت متبوعه خود داشته باشد زیرا که اگر تذکره نداشته باشد فهمیده نمی شود که بکارش چه چیز است .

۳ ـ هیچ کشتی حق هیچگونه حمایت بهیچ اسم ورسم ازرعایای دولت ایران نخواهد داشت .

٤ ـ حمل اسلحه مطلقا قدغن است واگر بخلاف قدغن دولت در کشتی ها اسلحه حمل شده باشد گمرکخانه حق ضبط آنهارا دارد .

٥ ـ اشیاء محترقه وترکنده بهیچوجه در کشتی ها حمل نخواهد شد

٦ ـ صاحبان کشتی وجهامن الوجوه ایجاد هیچگونه ابنیه از قبیل انبار زغال و مال التجاره ودکان کاروانسرا و کارخانه وغیرها دراطراف مرداب ورودخانها نخواهند کرد .

۷ ـ از برای وضع مال التجاره و زغال کشتی ها از طرف دولت یاتجار ایران انبار ومکان واسکله بقدر کفایت ساخته خواهد شد .

۸ ـ از برای انبارهای مال التجاره و زغال یك مبلغ معتد ومعمولی اجاره معین خواهد شد که صاحبان کشتی ادا خواهند نمود .

۹ ـ تحویلدار انبار زغال رعایای ایران خواهند بود .

۱۰ ـ از برای انبار مال التجاره یك امینی از ایران منتخب خواهد شد ویك نفر هم از جانب کل کشتی ها وکالة مشخص خواهد شد که متفقا مراقب باشند .

۱۱ ـ مستحفظین انبارها از قبیل قراولی وغیره کاملا ازجانب ایران خواهد بود .

۱۲ ـ اهل هیچیك از کشتی ها حق ندارند وجها من الوجوه از احدی از رعایای ایران هیچگونه ملك بیع وشری ورهن وغیره نمایند بغیر از آنچه عهدنامه جات اجازه میدهد .

۱۳ ـ از کشتی ها که درمرداب انزلی ورودخانها عبور ومرور می کنند ذهابا وایابا اگر کشتی بخار است بهرتن یکقران واگر بادبانی باشد ده شاهی باج وحق الهورگرفته میشود اگر بی بار باشند نصف باج از آنها گرفته خواهد شد و کشتی های بادبانی رعایای داخله ایران که از سی تن کمتر باشد از رسوم مزبور معاف خواهند بود .

۱٤ ـ حمالها برای حمل مال التجاره از اسکله به کشتی واز کشتی باسکله باعلامت وثبت مخصوص ازجانب دولت ایران معین خواهند شد .

۱٥ ـ در صورتیکه در کشتی ها بااجازه دولت ایران عملجات ایرانی مستخدم شوند درزمانی که تحت حرکات بیایند یا متهم شوند محاکمه و مجازات آن ها مستقیما بدون مداخله احدی با مامورین ایران خواهد بود .

۱٦ ـ در باب بیرق کشتی ها تحت قانون کلیه بحریه خواهند بود .

۱۷ ـ اهل کشتی ها بعموم رعایای ایران باستثنای عمل داد وستد تجارت زیاده ازدوتومان قرض نخواهند داد والا حق مطالبه نخواهند داشت .

۱۸ ـ هیچیك از صاحبان کشتی حق ندارند مداخله در عمق مرداب و طرح و مجرای رودخانها وجهامن الوجوه نمایند .

۱۹ ـ عدد واسم ورسم اشخاص که باذن واجازه دولت داخل خدمت کشتی ها میشوند بایددردفتر حکومت مقیدباشد وتذکره ازایران داشته باشندوالا نمی توانند مستخدم شوند .

۲۰ ـ در وقتیکه یك کشتی غرق شود همان معامله که درعموم سواحل درباها معمول است حق خلاص مال و نفوس را باهل ساحل رودخانه ادا خواهند نمود .

۲۱ ـ اهالی کشتی ها اشیاء مضره ازقبیل اسلحه وغیره بهیچیك از رعایای ایران وایلات عشایر نخواهند فروخت والااسلحه ضبط وقیمت عادله مسترد خواهد شد .

ملاحظه شد صحیح است (محل امضاء ناصرالدینشاه)

ساختن اسکله و انبارهای تجارتی

سفارت روس ضمنا از دولت ایران میخواهد که برای ساختن اسکله وانبارهای تجارتی اقدام بنمایدوچون نتیجه‌عملی از آن نمی گیردتقاضا میکنند خوداتباع روس باینکار مبادرت ورزد ولی دولت‌ایران باین درخواست روی‌خوشی نشان نمیدهد و در پاسخ نامه وزیر مختار روسیه چنین مینویسد

در جواب یاد داشت مورخه ۲۶ شهر رجب ۱۳۰۸ آنجناب جلالتمآب زحمت میدهد که مراتب مرقومه در آن یادداشت‌از عرض حضورهمایون شاهنشاهی گذشته اسکله وانبارهائی راکه محض سهولت امرتجارت خواهش فرموده‌اند که در بندرقازیان ومبارک‌آباد ساخته شود امرومقرر فرمودندکه کار گذاران دولت تمام آنها را خواهد ساخت ولازم نیست که تجار خارجه آنهارا بسازند زیرا که این بناها در حقیقة تمامامتعلق بگمرکخانه دولتی است ودولت باید بسازد وخواهد ساخت ولی مسلم‌است که تمام آنها بزودی تمام نمیشود از امسال موافق حکم همایون که صادر شده است شروع بساختن آنها نموده تاسه سال تمام اینها ساخته و پرداخته خواهد شد که هم اسباب‌آسایش تجار وهم رونق و شکوه گمرکخانه دولت باشد محض اطلاع آن جناب از اوامرمقدسه‌زحمت داد . ۲۹ شهررجب ۱۳۰۸»



امتیاز استفاده از جنگلها شمالی ایران

روسها و جنگلهای شمالی

جنگلهای شمالی ایران یکی از منابع ثروت مردم آن سامان بشمار میرود. وسعت این جنگلها که در ایالات مازندران واستراباد و گیلان و طالش و آذربایجان واقع شده تقریبا درحدود یك میلیون ونیم جریب میباشد.

مالك قسمتی از این جنگلها اشخاص مختلف بودند ولی قسمت عمده آنها جزء خالصه ومتعلق بدولت بود وچوب آنها گذشته ازرفع احتیاجات محلی درسابق یکی‌ازشعب تجارت مردم ایالات شمالی و ازصادرات مهم مملکت محسوب میشد

بعد ازمعاهده ترکمانچای که اتباع روس امتیازاتی بدست آوردند عده زیادی از تجار روسی بادادن مبلغ مختصری بحکام ومالکین جنگلها را اجاره میکردند و بقطع چوب ومحصولات جنگلی و صدور آن بخارج مبادرت میورزیدند وچون قاعده وقانونی برای حفاظت جنگلها نبود لطمات و صدمات زیادی باین منبع طبیعی ثروت ایران وارد آمد وبهمین علت قسمت زیادی ازجنگهای شمالی‌از بین رفت.

عباس میرزا ملك آراء برادر ناصر الدین شاه در کتاب شرح حال خود مینویسد «رشت تمامش جنگل است ازهرخانه بخانه دیگر که شخص برود بین‌راه بوته‌و درخت‌است بیرونها گل وباتلاق است ولی‌درختهای بلندخوب هرچه بوده روسها بریده وبرده‌اند چه‌بسا که در وسط‌جنگل درخت خوبی‌بوده وبریده‌اند وبجهت بیرون بردن آن‌درخت صددرخت دیگررا بریده‌اند که راه گشوده‌شود وجنگل باین معبری را در واقع بکلی‌تمام کرده‌اند درختی که زیاده‌از سه‌زرع ارتفاع داشته باشدخیلی کم است پول‌جزئی بشاه و امنای دولت وحکام داده جنگلی‌را که میتوان گفت خزانه دولت‌است ازدست‌اینها برده‌اند وتعجب در این‌است که وقتی بطهران آمدم‌روزی مهمان کامران میرزای نایب‌السلطنه بودم در کامرانیه وضع جنگل‌راگفتم چون گیلان در اداره ایشان بود بطوری تحاشی کرد که من‌از اظهار مطلب پشیمان‌شدم وبکلی‌انکارداشت که یك‌درخت راروسها نمی‌توانند ببرند حتی‌شاخه‌ای راقدرت ندارند از حسن اتفاق محمودخان ناصرالملك قراگزلو حاضر بود که دو سال حکومت رشت راکرده بود باکمال جرات تصدیق مراکرد وکامران میرزا هیچ خجالت‌نکشید.»

واگذاری جنگلهای شمالی بنایب السلطنه

گفتیم که این جنگلها یامتعلق باشخاص مختلف بود و یاغالباجزء خالصه‌وبدولت‌تعلق داشت.

تجارت واتباع خارجی که میخواستند از چوب جنگل‌ها استفاده نمایندقرارداده‌ائی بامالکین‌وحکام محل منعقدمیساختند وباپرداخت مبلغ مختصری استفاده‌های سرشاری ازچوب ومحصولات جنگل‌ها میبردند سابقا دولت دربیشتر مواقع‌جنگل‌های خالصه هر ناحیه‌رادرمقابل مبلغ معینی بشخصی

که معمولا ازحکام محلی بودند واگذار میکرد .

درسال ۱۲۹۹ هجری‌قمری ناصرالدین‌شاه بموجب فرمان مخصوصی اختیار جنگلهای مازندران را برای مدت پنجاه سال بنایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ و فرزند خود واگذار میکند وضمن نامه‌ای بسفارت‌خانهای انگلیس وروس و فرانسه وعثمانی مینویسند که به تجار تبعه خودشان اعلام نمایند که بعد از آن تاریخ برای تجارت وخرید وفروش چوب ومحصولات جنگل‌ها باید بنایب‌السلطنه مراجعه کنند وازاواجازه بگیرند .

این موضوع موجب شکایت سفارت خانه‌های مزبور میشود وهریك بدولت‌ایران اعتراض مینمایند چنانکه سفارت انگلیس در تاریخ هشتم ماه جمادی الثانی سال ۱۲۹۹ هجری قمری ضمن نامه اعتراضیه ای مینویسد .

« اگرچنانچه اختیارنامه مذکور فقط مرجوع به‌آن قطعات جنگل است که رجوع بدیوان اعلی میباشد بلکه به بیشه‌های مال‌شخصی مردم‌هم پس‌در اینصورت یك‌شق‌حقه از تجارت منحصر ومانوپول شده است وآن‌نقض حقوق عهدنامه میباشد ..... »

سفارت روس نیز در تاریخ ۱۹ ماه جمادی‌الثانی ۱۲۹۹ در نامه‌ای بوزارت‌امور خارجه چنین مینویسد .

«.... اولیای دولت اعلیحضرت شهریاری دراین جور تدبیر صرفنظر کرده‌اند از اینکه واگذار نمودن بدست یك‌شخص برقرار کردن البته موجب ضیق‌آزادی مراودات تجارتی مابین‌رعایای دولتین علیتین فویشو کتین و مایه خسارت گزاف اشخاص از تجار روس که سابقا قرارنامه‌هاچه باحکام وچه با مالکین جنگلهای مزبوره نوشته‌اند خواهدشد .....»

واین وضع‌را مخالف عهدنامه منعقده میشمارد .

همچنین سفارتخانه‌های فرانسه‌وعثمانی‌هم دراین باب بدولت‌ایران اعتراض میکنند وآنرا مخالف عهدنامه های مقرره میدانند .

بااینکه دولت‌ایران این اعتراضات‌را رد میکند ولی عملا در وضع جنگلها تغییری داده نمیشود وطرق استفاده ازچوب و محصولات آنها مانند سابق بود تابعد از مراجعت ناصر الدین شاه ازسفر سوم اروپا که امتیازاتی بشرح زیر برای استفاده از محصولات جنگل‌های‌شمال بیك تجارتخانه روسی بنام« کوسیس‌توفیلا کتوس»(۱)اعطامیگردد .

۱ـ استفاده از درخت های زیتون

این قرار دادکه درتاریخ اول ماه شوال ۱۳۰۷قمری (۲۲ ژوئن ۱۸۹۰) بامضای امین السلطان و نماینده تجارتخانه کوسیس توفیلا کتوس و وزیر مختار روس رسیده شامل نه فصل وبااین مقدمه شروع میشود .

«فیما بین دولت علیه ایران و تجارتخانه کوسیس‌توفیلا کتس‌مقیم بادکوبه‌رعیت دولت‌بهیه روسیه قرارنامه حاضر باشرایط ذیل استقرار یافت »

مطابق فصل اول «دولت علیه ایران همگی درخت های زیتون ایالت‌گیلان وادر منجیل ورود بار ورستم آباد و اطراف رودخانه سفید رود وسایر نقاطی که زیتون بعمل میآید برای مدت بیست وپنج سال بتجارتخانه کوسیس‌توفیلا کتوس‌واگذارمینماید .»

بموجب این امتیازنامه تجارتخانه مزبور درنقاط شمالی کارخانه های لازم رادایر

---

1 - Kossis Theophylactos .

ومحصولات زیتون راکه منحصر بآن خواهد بود خریداری وپس ازتهیه صابون و روغن وغیره حمل خواهد کرد .

تجارتخانه دردوسال اول از پرداخت حقوق دیوانی معاف است ولی ازسال سوم سالی هزار تومان وجه رایج بخزانه دولت خواهد پرداخت .

۲ـ استفاده ازچوب شمشاد .

این قرار دادکه درتاریخ سه‌شنبه ۲۰ ربیع الاول سال ۱۳۰۸ مطابق ۱۳ اکتبر ماه روسی ۱۸۹۰ بتصویب امین السلطان رسیده شامل شش شرط وازطرف دولت ایران «جناب فخامت نصاب امیر الامراء العظام محمد ولیخان نصر السلطنه حکمران استرابادو گرگان دام اجلاله العالی» امضاء کرده است .

بموجب این قرارداد تجارتخانه «کوسیس وتوفیلاکتوس» درمدت پنجسال مجاز است که چوب شمشاد ازجنگلهای آستارا الی استراباد بریده وبخارج حمل کند تجارتخانه مزبور در مقابل متعهد است سالی یازده هزار تومان دردو قسط بنصر السلطنه تسلیم نماید .

۳ـ استفاده ازچوب درخت جنگل‌ها

اولین امتیازی که برای استفاده از چوب درختهای جنگل‌های شمال بتجارتخانه «کوسیس توفیلاکتوس» داده‌شده بتاریخ دهم ذی القعده سال ۱۳۱۱ هجری قمری بمدت پنجسال وبامضای میرزا علی اصغر خان امین السلطان میباشد .

این امتیاز درچهاردهم رجب سال ۱۳۱۷ برای مدت هشت سال دیگر از ۲۱ مارس ۱۹۰۰ لغایت ۲۰ مارس ۱۹۰۸ بموجب قرار داد تازه‌ای که در پنج فصل نوشته شد تمدید گشته است .

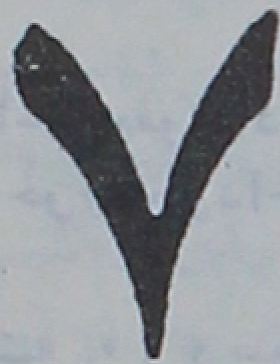
بموجب فصل اول قرار داد اخیر «تجارتخانه کوسیس وتوفیلاکتوس ازطرف دولت علیه ایران مختار و مجاز است که از جنگلهای آستارا و گیلان و کلارستاق و کجور و مازندران واستراباد ازهرقبیل چوب آلات گرفته حمل بخارجه نماید .»

واگر دیگران بخواهند از چوب جنگل‌ها استفاده نمایند باید بااجازه تجارتخانه فوق الذکر باشد وهمچنین حقوق دیوانی راهم بآن تجارتخانه بپردازند .

در مقابل این امتیاز تجارتخانه مزبور سالی پانزده هزار تومان بدولت ایران خواهد داد وچون مقارن آن زمان مظفرالدین شاه برای رفتن باروپا بپول احتیاج داشت مبلغ هفتاد و پنج هزار تومان بابت پنجسال پیشکی دریافت داشتند و نیز بموجب نوشته جداگانه ای این قرارداد رابرای مدت هشت سال دیگر پس ازپایان مدت آن باسالی بیست وپنج هزار تومان تمدید مینمایند .

بالاخره درسال ۱۳۲۵ بعد ازآنکه هشت سال اول قرار داد خاتمه پذیرفت دولت ایران بتجارتخانه «کوسیس توفیلاکتوس» اعلام داشت که دیگر تمدید مدت رابرسمیت نمیشناسد وازحمل چوب ودخالت آن تجارتخانه درامور جنگل‌ها ممانعت خواهد کرد .

سفارت روس باین جریان اعتراض و باتهدیداتی که بدولت ایران مینمود عاقبت دولت ایران تسلیم میگردد و قرار میشود تجارتخانه مزبور کما فی السابق به عملیات خود ادامه دهد .



بانك استقراضی رهنی روس

قبلا دیدیم که پس‌از افتتاح رود کارون و پیش‌از مسافرت ناصرالدین شاه باروپا هنگامی که امین‌السلطان بادالگورکی وزیر مختار روسیه ملاقات کرد برای جلب نظر و موافقت روسها باو وعده داد که امتیاز تاسیس یك بانك روسی نیز بآنها خواهد داد.

بانکی را که روسها میخواستند در ایران تشکیل دهند درمقابل بانك شاهنشاهی و برای رقابت باآن بانك و بمنظور توسعه نفوذ روسیه بود.

صاحب امتیاز بانك استقراضی روس کیست؟

امتیاز نامه بانك استقراضی بیك نفر روسی بنام ژاك پلیاك اعطاء شده است ولی این شخص بایکنفر دیگر بنام رافلوویچ شریك بود.

لرد کرزن در کتاب «مسئله ایران» راجع باین دو نفر می نویسد.

«در سال ۱۸۹۰ (۱۳۰۷ هجری قمری) دو نفر از اتباع روس که کار آنها گرفتن کنترات وامتیازات بود برای تحصیل امتیاز راه‌آهن بطهران آمدند یکی موسوم به رافلوویچ (۱) ودیگری بنام پولیاکف (۲) بود.

شخص اولی سابقا قونسول ایران مقیم اودسا بوده‌است – این‌دونفر می‌خواستند امتیاز راه آهن و انحصار کمرکات ایران‌را بدست آورند – پیشنهاد آنها این‌بود که ازجلفای ارس یك خط‌آهن بتهران وبندرعباس، بندر محمره ویك خط هم‌ازتهران بمشهد کشیده شود ومدتی‌مذاکرات درباب پیشنهاد آنهاادامه پیدا کرد ولی عاقبت در این‌مورد نتیجه‌ای بدست نیاوردند واز این‌موضوع مایوس وخسته‌شدند. این‌اشخاص در قسمت دیگر که‌تحصیل امتیاز یك موسسه رهنی‌از شاه بود موفق شدند واین موسسه رادر طهران دایر کردند که علاوه بر امور رهنی معاملات بانکی راهم انجام میداد وبزودی رقیب بانك شاهنشاهی گردید.»

هنگامی که میرزا رضاخان ارفع‌الدوله وزیرمختار ایران درروسیه بوداز پطرزبورغ گزارشی بشماره ۲۶ مورخ ششم‌محرم ۱۳۱۶ هجری قمری بوزارت امور خارجه فرستاده وراجع بخدمات پالیاکف چنین مینویسد.

«نظر بخدمات چندین ساله‌مسیو پالیاکف جنرال قونسول دولت‌علیه مقیم پطربورغ که معروف حضور مبارك وزیاده از بیست‌وپنج‌سال است اول در طاقا نروق وحالادرپطربورغ بدین‌سمت مشغول‌خدمت است‌اعلیحضرت شاهنشاه شهید (ناصرالدینشاه) نورالله مضجعه درسفرآخری فرنگستان بموجب فرمان جهانمطاع لقب بارونی باو مرحمت فرمودند مشارالیه برای‌استعمال این‌خطاب مکرر در مقام تحصیل اجازه امپراطوری برآمده دولت روسیه این خواهش‌را رد کرده جواب داده‌اند که این‌لقب تاکنون درایران نبوده....»

ومیخواهد که از طرف دولت ایران در تهران باسفارت روس مذاکره و جلب موافقت روسها بشود.

1- Rafflovitch 2 - Poliakoff

بهرحال در مرتبه سومی که ناصرالدینشاه در روسیه بود پالیاکف بوسائل مختلف «خدمات وزحمات» خودرا بنظر «ملوکانه» رسانیده و «شاه» نیز برای اظهار «مرحمت والتفات» بیشتر اورا بتهران دعوت میکند .

البته پالیاکف بااستظهار وراهنمائی وزارت امور خارجه روسیه پیشنهادات خود را در همانموقعی که ناصرالدینشاه وامین‌السلطان در روسیه بودند برای تحصیل امتیازات مختلف تهیه وعرضه داشته بود ووقتی که پالیاکف بتهران آمد فقط پیشنهاد او در مورد ایجاد یك مؤسسه استقراضی مورد قبول وموافقت قرار گرفت .

امتیازنامه بانك استقراضی

بالاخره بعداز مذاکراتی که در تهران بین دولت‌ایران وپالیاکف بعمل میآید قرار میشود که این‌موسسه فقط اعمالی را انجام دهد که آن اعمال در انحصار بانك شاهنشاهی ایران نباشد وحتی برای احتیاط ابتدا از گذاردن عنوان « بانك » روی این‌موسسه خود داری میکنند وآنرا بنام» انجمن استقراض‌ایران » میخوانند .

امتیازنامه بانك استقراضی در دوقسمت وبشرح زیر است

امتیاز برای تشکیل یك شرکت استقراض

«باعتبار رهن ویك مغازه فروشی ونیز مغازه وانبار برای نگاهداری مال‌التجاره وغیره»
«ماده‌اول- نظر باینکه عمل استقراض باعتبار رهن وعمل حراجی در تحت یك »
« قانون آورده شود وبرای اینکه قرض کنندگان ازدست اشخاص که‌پول به‌تنزیل »
« زیاد میدهند خلاصی یابند اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران بمسیو‌ژاك‌پلیاکف»
« قونسول ژنرال ایران وورثه ویا کسان دیگر که محق باشد امتیاز انحصاری »
« تشکیل شرکت استقراضی باعتبار رهن ویك مغازه حراج ومغازه های دیگر در »
« ایران داده ومدت امتیاز فرق ۷۵ سال خواهد بود از تاریخی که اعلیحضرت »
« همایونی آنرا امضاء نمایند .

« ماده دویم -اسم‌شرکت‌مذکور (انجمن استقراض ایران)خواهد بود ومقصودش»
« قرض دادن در مقابل هرقسم که باشد، باستثناء اموال غیر منقوله شرکت باید »
« حراج را برسمی که در یکی از پایتخت‌های اروپا معمول است ترتیب بدهد.

« ماده سیم - صاحب امتیاز یا ورثه اویا کسانیکه محق باشند باید از طهران »
« شروع نموده معاملات خودرا بمرور بسایر نقاط ایران توسعه بدهند.

« ماد چهارم - شرکت باید درهرحال تادوسال بعداز اینکه اعلیحضرت همایونی»
« این امتیازرا امضاء کرده شروع بعملیات نمایند و هرگاه شرکت تشکیل شد »
« باید قانون تشکیل خودرا بدولت ایران تقدیم نماید آنوقت فقط قانون رسمی‌شده»
« ومیتواند بمعاملات شروع نماید .

«ماده پنجم - انتشار سرمایه ورقه اسهام‌واسناد‌ازهرقسم‌باشد‌بعهده‌صاحب‌امتیاز»
« یاشرکت است وهمچنین ترتیب دادن شرکت و ریاست آن با صاحب امتیاز یا »
«شرکت‌است.

« ماده ششم - دولت ایران در پناه خود گرفته است شرکت ومال منقول وغیر»
« منقول او و عمارات ومغازه او و اجزاء راهر گاه از جانب شرکت تقاضا شود دولت»
« هراقدامی که برای محافظت ازهرغرض باشد بنماید مستحفظین اطاقهای دفتر و»
« مغازه شرکت قراول خواهند بود.

« ماده هفتم - یك قسمت که صدی ده باشد ازمنفعت خالص از روی امانت شرکت»
« که مامورین دولت درآنها حق رسیدگی خواهند داشت بخزانه اعلیحضرت همایون»
« ناصرالدینشاه خواهد رسید بعلاوه این شرکت مبلغ یکهزار تومان در آخر هذه السنه»
« (عملی) خواهد پرداخت از بابت امتیاز حراجی در طهران.

« ماده هشتم - در تمام مدت این امتیاز شرکت با تمام دارائی وسرمایه وعایدات او»
« و اسناد قرار دادهای او وغیره از هرگونه حقوق و باج و مالیات وغیره و غیره»
« بهر اسم ورسم که باشد معاف خواهند بود.

« ماده نهم - ممکن است گماشتگان ومامورین شرکت تبعه ایران باشند.

« ماده دهم - اسبابها واشیاء ومال التجاره وغیره که در نزد شرکت رهن گذاشته»
« شده باشند نمیتوان ضبط یا فروخته شود برای بدهی قرض کنندگان باشخاص»
« ثالث یا از جهة دیگر مگر بعد از این که شرکت بتمام طلب خود رسیده باشد.

« ماده یازدهم - برای ختم گفتگوها وادعاهائی که ازاجراء شرایط این امتیاز»
« تولید میشود یك کمیسیون دائمی که مشتمل برچهار عضو باشد که دو نفر از آنهارا»
« دولت معین خواهد نمود ودو نفر دیگر راشرکت تعیین خواهد کرد تشکیل»
« خواهد یافت فتاوی این کمیسیون برحسب اکثریت تامه اعضاء معین خواهد شد و»
« این احکام برای تمام اشخاص که طرف هستند قطعی است در صورتی که اکثریت»
« حاصل نشود مسئله بشخص ثالثی رجوع خواهد شد که از طرف دولت و شرکت»
« معین می شود وحکم او قطعی است ووسائل مهمه وفوری وهرگاه شرکت شکایتی»
« داشته باشد حق دارد مستقیما مطلب را بوزیر اعظم رجوع نماید.

« ماده دوازدهم - هرگاه اختلاف رائی روی دهد نسخه فرانسه این امتیاز سند»
« معتبر خواهد بود.

« ماده سیزدهم - نرخ تنزیل نباید از صدی (۱۲) الی صدی (۱۸) تجاوز نماید و»
« در معاملات از احدی طرفداری نخواهد شد شرکت رهن از هرگونه مال التجاره»
« واشیاء را که دارای قیمت هستند تا پنج قران بعنوان رهن قبول نماید شرکت»
« حق دارد آن چه را که خراب باشد یا اینکه نگاهداریش خطرناك یا غیر ممکن»
« باشد ردنماید.

« ماده چهاردهم - قرض کننده میتواند جزواً مستخلص نماید بواسطه پرداخت»
« وجوه پی در پی یا معادل مبلغ قرض این وجوه جزئی ازدوقران قبول میشود هرگاه»
« بموجب تقاضای صاحب رهن رهن او فروخته شود پرداختهای جزئی او راجع نموده به»
« تتمه طلب رهن گذارند از فروش رهنش اضافه خواهد شد.

« ماده پانزدهم - رهنی که از گرو بیرون نیاورده باشند یا اینکه تجدید قبولی »
« دومرتبه رهن گذاران در موعدخود نشده بردر حراج عمومی فروخته خواهد شد»
« وقرض دهندگان حق ندارند آنرابخرند هرچه از فروش اشاء ورهن بعلاوه بدهی»
« قرض کنندگان باقی ماند متعلق برهن گذارنده است که حق دارد دووره بعداز»
« حراجی الی مدت سه سال بعد از رهن گذاشتن تتمه خودرا مطالبه نماید.
« ماده شانزدهم - بیرون آوردن از گرو بترتیب معمولی باید در عرض یکسال»
« صورت بگیرد هرگاه رهن گذارنده نتواند رهن خودرا بیرون بیاورد باید در »
« عرض سه ماه بعداز انقضای مدت یکسال تجدید معامله نماید واگرچنانچه از این»
« شرکت تخلفی شود رهن فروخته خواهد شد برای اینکه تجدید معامله نماید قرض»
« کننده بدواً باید تمام تنزیلهای گذشته را بپردازد ونیز باید متقبل شود که رهن »
« مجدداً به تخمین وتقویم تازه برسد ونیز تفاوت مابین قیمت تخمین حالیه واولیه را»
« بپردازد تقویم جدید بترتیب معمولی صورت خواهد گرفت ووقتی که قرض کننده»
« تمام تنزیلهای عقب افتاده را پرداخته ومخارج وحقوق معینه را وهمچنین تفاوت »
« موجودرا (در صورتی که بوده باشد) پرداخته است تجدید را از روی قیمت حالیه»
« رهن بهمان ترتیب وهمان شرایط و برای همان مدت قرض اولی صورت خواهد»
« گرفت .
« ماده هفدهم - اگر چنانچه شیئی که رهن گذاشته شده باشد مفقود شود قیمت»
« آنرا از روی تخمینی که درموقع رهن گذاردن یادر وقت تجدید کردن شده »
« است باضافه یك ربع آن مبلغ بعنوان غرامت بصاحب رهن پرداخته میشود اگر »
« چنانچه رهن ضایع شده باشد صاحب آن حق دارد آنرا به شرکت واگذار نماید »
« و قیمت رهن گذاشتن آنرا یاقیمتی که در وقت تجدید کردن تعیین شده »
«دریافت نماید.
« ماده هجدهم - در باره حراجهای شهرهای آبادشرکت مالیاتی را که اکنون »
« باین حراجها در شهرها تعلق میگیرد باید بپردازد.
« به نستحین نوشته شددر طهران مورخه سیم مه ۱۸۹۰ فرانسه مطابق ۲۱ آوریل»
« روسی این اصل قرارداد دارای امضاهای کتبی ذیل است .
« ۱ - صحه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران ناصرالدینشاه
« ۲ - امضاء حضرت صدراعظم امین السلطان
« ۳ - امضاء وزیر امورخارجه، قوام الدوله

امتیازنامه من دوپیته (۱)

«قرار نامه وامتیازبرای ایجاد من دوپیته وساختن مکانی جهةحراجی عمومی و»
«همچنین ساختن انبارهاجهت حفظ اسبهائیکه در نزد کمپانی رهن میگذارند.» .
«فصل اول - اشخاصیکه باگرو پول قرض مینمایند برای آنکه ازمنفعت دادن»
« گزاف آسوده باشد وعمل حراجی در تحت قاعده باشد اعلیحضرت همایون»

(1) Mont .. de - Pi èté .

«شاهنشاهی اجازه میدهند بژاك دوپلیاكوف قونسول جنرال ایران و وراث او»
«كه من دوپیته برقرار نمایند ومكان حراج وانبارهائیكه لازم دارند بسازند»
«ومدت این امتیاز هفتادو پنج سال خواهد بود ازتاریخ امضای این قرارنامه
«فصل دویم - این كمپانی قرض دهنده از هرقبیل اجناس منقول رهن قبول»
«خواهد كرد- غیرمنقول مثل خانه وملك ودكان و زمین وغیره قبول نخواهد»
«داشت و یك مكانی خواهد ساخت برای حراج كردن عمومی مثل اینكه در»
«شهرهای فرنگستان معمول است.
«فصل سیم-صاحب امتیازابتدا شروع درطهران خواهد كرد وبعد حق خواهد»
«داشت كه درسایر شهرهای ایران مثل طهران یك من دوپیته ومكان جهت»
حراج عمومی برقرار نماید.
«فصل چهارم- صاحب امتیاز میباید دوسال بعدازامضای این قرار نامه شروع»
«بكار نماید والا این امتیازنامه از درجه اعتبار ساقط است قرارهائیكه این»
«كار خواهد داد قبل از اجری باید بعرض و اطلاع دولت برساند وبعد شروع»
«بكار كند.
«فصل پنجم - سرمایه وتقسیم سهام وساختن انبارها ومكانو كلیه تمام مخارج»
«لازمه این كار بعهده صاحب امتیاز خواهد بود.
«فصل ششم -تمام آلات و اجناس منقول مرهونه ونقد وابنیه از قبیل خانه و»
«انبار وعملجات و غیره كه متعلق بصاحب امتیاز است وبرای همین كار ایجاد»
«كرده است درتحت حمایت اولیای دولت خواهد بود بجهت حفظ اموال اوهر»
«چند قراول كه لازم باشد دولت مضایقه نخواهد فرمود.
«فصل هفتم - درآخر هرسال بعد از وضع مخارج صاحب امتیاز باید صدی»
«ده ازمنافع كل بخزانه دولت كار سازی نماید علاوه براین صدی ده درهرسالی»
مبلغ هزار تومان مالیات حراج طهران است صاحب امتیاز بخزانه دولت كار»
«سازی خواهد نمود.
«برای معلوم نمودن منافع ده ازصد كه بدولت باید برسد دولت علیه ایران»
«حق دارد بدفاتر عمل رسیدگی نماید.
«فصل هشتم-درتمام مدت این امتیازنامه اموال صاحب امتیاز ازقبیل منقول و»
«غیر منقول ووجه نقد كلیة آنچه‌راكه مالك هستند ازجمیع صادرات وعوارضات»
«دیوانی معاف خواهد بود.
«فصل نهم-عملجات واجزای كمپانی میتوانند تبعه دولت ایران باشند
«فصل دهم - اجناس از هرقبیل كه در رهن صاحب امتیاز است دیگری»
«نمیتواند بهیچوجه آن‌اسبابرا ضبط كند یابفروشدتازمانیكه تمام تنخواه صاحب»
«امتیاز داده شود.
«فصل یازدهم -هرگاه گفتگو ومنازعه مابین صاحب امتیاز و دیگران پیدا»
«شود رسیدگی باین كار بعهده چهار نفرخواهد بود كه دو نفر آنهارا دولت»

«معین خواهد فرمود و دو نفر آنرا صاحب امتیاز هرحکمی که طرف غالب»
«مجلس خواهند کردهمان‌مجری خواهد شدهرگاه ادعا و گفتگو درآن مجلس»
«تمام نشود چند نفر دیگررا طرفین‌معین خواهند کرد که‌رسیدگی نمایندهرگاه»
«صاحب امتیاز مطلب مهمی داشته باشد بجناب وزیر اعظم اظهار نماید.

«فصل دوازدهم - هرگاه گفتگوئی جهت این امتیازنامه بمیان بیاید ازروی»
«نوشته بخط فرانسوی که عیناً مطابق ترجمه فارسی آن خواهد بود رسیدگی»
«خواهد شد.

«فصل سیزدهم - قدر منفعت در هرصدی دوازده الی هیجده خواهد بود»
«زیاده‌تجاوز نخواهد کردوهمه‌نبیل اسباب‌واشیاء قبول خواهدشد الی‌اسبابیکه»
«پنجهزار قیمت‌آن باشد مگر اسبابیکه‌نگاهداشتن‌آن متشکل ومحل خطر باشد»

«فصل چهاردهم - شخص مقروض میتواند دین خودرا بدفعات ادا کند واین»
«وجوه‌دفعاتی‌ازدو قران‌ببالا قبول خواهدشدهرگاه‌بموجب خواهش قرض کننده»
«اسباب مرهونه فروخته شود وجوه دفعاتی محسوب خواهد شد هرچه از وجه»
«فروش باقی ماند بصاحب گرو داده میشود.

«فصل پانزدهم- هرگاه‌در سر وعده اسباب مرهونه ازرهن خارج نشود و یا»
«اینکه سندش را تجدید نکند آن اسباب در حراجی عمومی فروخته خواهد شد»
«صاحب طلب‌نمیتواند آن اسباب‌رابخردتفاوتی که‌ازفروش‌اسباب‌بعدازادای‌قرض»
«پیدا میشود بصاحب گرو داده خواهد شد وصاحب گرو از فردای روز حراج»
«الی سه سال میتواند مطالبه‌آن تفاوت‌رابکند.

«فصل شانزدهم- اسباب مرهونه باید بعد ازمدت‌یکسال از گرو خارج بشود»
«هرگاه صاحب مال نتواند بعد ازیکسال مال خودرا از گرو بیرون بیاورد یا»
«تجدید سند نماید درماه سیزدهم آن سند فروخته خواهد شد برای تجدید سند»
«باید بدواً فرع گذشته را بدهد بعدگرو را مجدداً بقیمت بیاورد تفاوت قیمت»
«حالیه باقیمت دفعه اول هرچه باشد باید شخص مقروض بدهد یعنی‌قیمت ثانوی»
«دروقتی خواهد شد که فرع گذشته‌را داده باشندوهرگاه کسر قیمت پیدا شود»
«صاحب گروباید آن کسرقیمت‌رابدهد وباقتضای قیمت ثانوی گرو بهمان وعده»
«وشرایط اول تجدید عمل‌نماید.

«فصل هفدهم - هرگاه شیئی گروی مفقود شود قیمت آنرا از روی تعیین روز»
«اول بعلاوه یك ربع بصاحب‌گرو داده خواهد شد هرگاه اسباب‌گرو معیوب»
«شود صاحبش‌حق دارد باداره واگذار نماید وقیمت آنرا ازروی‌تعین روزاول»
«یاازقرار تعیین دفعه ثانی مثل اینکه‌سند تجدید میشودمطالبه نماید.

«فصل هیجدهم - برای حراجی شهرهای دیگر صاحب امتیاز مالیات حالیه»
«حراجی آن شهررا خواهد داد.

«این قرار نامه دردو نسخه نوشته شد.

«بتاریخ غره‌شهر شوال المکرم‌سنه ۱۳۰۷هجری»

اجازه استعمال لفظ بانك

بطوریکه گفته شد ابتدا قرار بود که پلیاکف موسسه‌ای را که تاسیس مینماید بنام «انجمن استقراض ایران» بنامد ولی درجریان تهیه مقدمات تاسیس آن ازدولت ایران تقاضا میکند که موافقت شود اسم «بانك» را روی این موسسه بگذارد.

دولت ایران اول شفاها موافقت خودرا بااین درخواست اعلام میدارد وبعدهانیز که از طریق سفارت روس کتباً این موافقت‌را میخواهندوزیرامور خارجه ایران درجواب وزیر مختار روس چنین مینویسد.

« از مضمون رقعه‌آن‌جناب جلالت‌ونبالت نصاب مورخه۱٦ شعبان ۱۳۰۹ استحضار حاصل کرد اینکه مرقوم داشته بودند مسیواستروبی رئیس اداره انجمن استقراض رهنی روس درایران اظهار نموده بود که چون این‌اسم برای اهالی ایران اشکالی دارد متمنی است اجازه داده شود باسم بانك این اداره موسوم شود وچون استعمال لفظ بانك برای‌اداره مزبور ضرری بیبانك شاهنشاهی ندارد‌زحمت دادباداره مزبور بانك نامیده شود ولی معلوم است که امتیازات وحقوقی که مخصوص بانك شاهنشاهی ودولت است مخصوص خود همان بانك خواهد بود ۰ این اداره فقط باسم بانك موسوم خواهد بود مورخه‌فی شهررمضان ۱۳۰۹»

اعمال بانك

ژاك پالیاکف بعداز آنکه قسمتی‌از سهام این بانك را بعده‌ای ازسرمایه داران روسی‌و بلژیکی میفروشد‌مقدمات کار را تهیه مینماید و شعبه مرکزی بانك رادرتهران افتتاح‌واعلانی که عملیات وکارهای بانك را بتفصیل برای‌مردم شرح میداد منتشر میسازد.

برای اطلاع ازکارهای این بانك و چگونگی آن متن این اعلان را در اینجا نقل مینمایم.

اعلان بعموم ناس

«محض صرفه‌عموم وتسهیل‌معاملات تجارتی ومخصوصا برای‌آسانی کار استقراض وکم کردن تنزیل آن و کمك بتوسعه شعب‌مختلف صنایع‌ایران‌اعلیحضرت قدرقدرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه وسلطانه بسرمایه‌داران روسی‌مرحمت فرموده اجازه داده‌اند که مجمعی برای قرض دادن تنخواه تشکیل‌دهند وآن مجمع نامیده‌میشود (بانك استقراضی رهنی‌روس) وچون این‌بانك عنقریب شروع واقدام بکار مینماید رئیس دایره چنین صلاح دانسته که وضع اعمال و طریقهٔ را که پیشنهاد مینماید بموجب این اعلان بعموم مردم معلوم کند.

فصل اول - بانك استقراضی رهنی روسی تشکیل میابد بوضع شرکت (آنونیم) یعنی مجهول‌الاسم از سرمایه‌داران مختلفه روسی که صاحبان اسهامند وسرمایهٔ که برای خود مشخص کرده دوکرور ودویست وپنجاه هزار منات مسکوك‌طلا است که آن تخمینا معادل ششصدهزار تومان پول نقره ایران میباشد.

فصل‌دویم- مرکز اداره کل‌بانك‌مزبور دردارالخلافه‌طهران‌در خیابان لاله زاردر خانه جناب مشیرالملك است ودر سایر ولایات ایران نیزاز جانب این‌بانك متدرجاشعبات برقرار خواهد شد و هر وقت شعبهٔ در ولایتی برقرار شد بعامه ناس اطلاع

داده میشود

فصل سیم - این بانك استقراضی رهنی روسی بلیت بانك در معاملات خود برواج نخواهد انداخت و تمام داد وستد آن از مسکوکات طلا و نقره که در ایران رایج است خواهد بود.

فصل چهارم- این بانك استقراضی رهنی روسی ازاعمال ارباب معاملات خود احدی را مطلع نخواهد ساخت وهیچگونه خبری بهیچکس نخواهد داد.

فصل پنجم - این بانك استقراضی رهنی روسی هر کس طالب باشد پولی باین بدهد برات میتواند بگیرد بتمام بانکهای شهرهای روسیه ومخصوصا بلاد عمده ممالك فرنك عموما بهمان شروط ووضعی که در بلاد فرنك معمول است.

(استبصار)

در داخله ایران نیز اگر کسی براتی حواله بشهرهای دیگر این مملکت غیر از طهران داشته باشد بانك استقراضی رهنی روسی که مرکزش درطهران است بمجرد افتتاح شعبه‌ها درآن شهرها برات خواهدداد.

فصل ششم - هرشخص معتبر بایك ضامن معتبر میتواند با منفعت معینی که معلوم خواهد شد بوعدة سه ماه یاشش ماه الی نه ماه از این بانك استقراضی رهنی روسی استقراض نماید.

تنزیل پولی که این بانك قرض میدهد تابع معاملات روزمره بازار است وچون الان نمی توان آن تنزیل را بدرستی معین نمود رئیس بانك همیشه اهتمام میکند که منفعتی معین نماید که مناسب وبقاعده باشد وباعث خسارت مدیون نباشد.

فصل هفتم - هرشخص تاجری میتواند ازاین بانك تنخواهی قرض کند دادن سندی که امضاء کرده باشد وضامن دیگر لازم ندارد درصورتی که مال التجاره رهن بگذارد که بانك بتواند آنرا قبول کند وموعد این تنخواه استقراض زیاد از سه ماه نخواهد بود وتاجری که تنخواه قرض میکند باید علاوه بر منفعت مقرر اجرتی برای نگاهداشتن مال التجاره وحفظ آن ببانك مزبور کارسازی نماید وآن اجرت ازروی تناسب مال التجاره وحجم آن است. هرگاه مدیون بعداز سه ماه مال التجاره خودرا ازرهن بیرون نیاورد و حبس مال التجاره طوری باشد که بانك مزبور قابل تجدید معامله نداند حق دارد که مال التجاره را درماه بعد از انقضای مدت بهراج بفروشد وتنخواهی راکه قرض داده بامنفعت زمان پس افتاده و حق نگاهداشتن وحفظ کردن وخرج حمل و نقل ومخارج فروش ازقیمت مال التجاره بردارد بعد از آنچه باقی ماند حق صاحب مال التجاره است.

فصل هشتم - دراین بانك استقراضی رهنی روسی اشیاء گرانبها ازقبیل طلا و نقره وجواهر وغیره همچنین اشیاء منقوله که نگاهداشتن آن ممکن باشد از چیزیکه پنجقران بیرزد تاهرقدر گرو گرفته تنخواه قرض داده میشود واشیاء مرهونه رامجمع باتفاق مالك قیمت مینمایند ورهن اگر فلزات گرانبهاست بانك مزبور درازاء صد هفتاد و پنج قرض میدهد واگر چیزهای دیگر است در ازاء صد پنجاه یعنی نصف قیمت عادله اشیاء بعنوان مرهونه را قرض خواهد دادودروقت گرفتن آن اشیاء رهن قبض بصاحب آن میدهد

که مطالب مسطوره درذیل آن مندرج است .

اولا تفصیل صحیح ازاشیاء مرهونه بقدرامکان

ثانیا تاریخ استقراض ورهن

ثالثا وعده تنخواه

رابعا قیمت عادله اشیاء مرهونه موافق تقویم

خامسا مبلغ تنخواه استقراض

سادسا منافعی که باید برای وجه استقراض ونگاهداشتن اشیاء مرهونه وحفظ آن داده شود قبوضی که این جمله درآن ثبت است بامضاء ومهر بانك مذکور خواهد بود و باسم حامل مگرآنکه قرض کننده بخواهدقبض مخصوصا باسم خوداو باشد .

بانك مزبور اشیاء مرهونه رابمناسبت جنس وحالت آن بوعده یك ماه الی دوازده ماه قبول میکند همینکه وعده معین منقضی شد یك ماه مهلت داده میشود که مالك اشیاء مرهونه آن اشیاء را ازرهن بیرون آرد یابرای مدت دیگر تجدید معامله نماید در صورتی که آنچه ازوعده پول گذشته تنزیل اورا بپردازد ومنافع موعد جدید را نیز بدهد و در صورت تجدید معامله بانك مزبور اشیاء مرهونه را مجدداً بقیمت خواهد رسانید اگر کمتر از قیمت اول قیمت کردند مدیون مجبور است تفاوت وکسررا کارسازی کند و اگر زیادتر قیمت نمودند علاوه‌را دریافت مینمایند اگر بعد از انقضای یك ماه مهلت مذکور اشیاء مرهونه را ازرهن بیرون نیاوردند یاتجدید معامله نکردند آن اشیاء بطور هراج فروخته خواهد شد . وبرای فروختن اشیاء مرهونه درهراج نه اعلام خواهدشد و نه چیزی بطبع خواهد رسید فقطدوهفته قبل از فروش نمره‌های قبوض اشیاء مرهونه در دفتر خانه بانك بدیوار چسبانیده خواهد شد قرض کننده ذیحق خواهد بود که قبل از وعده معین کل تنخواه یابعض آن را بپردازد . دراینصورت بانك مسطور تنزیل مدتی را که پیش داده در حساب اومحسوب خواهد داشت قرض گیرنده حق دارد بعداز انقضاء وعده معینی نیزاشیاء مرهونه رابتوسط بانك بفروش رساند در صورتیکه مشخص نماید که آن اشیاء باید تاچه مبلغ بفروش رسد درهنگام فروش اشیاء مرهونه اگر بقیمتی که پیش تقویم شده فروخته نشود بانك مسئول نیست وتنخواهی راکه قرض داده بامنافع آن وحق نگاهداشتن و حفظ کردن از روز انقضاء وعده تاروز فروش برخواهد داشت همچنین مخارج حمل ونقل وخرج فروش و غیره را بعداز آنچه علاوه میماند بحامل قبض تسلیم مینماید .

درصوتیکه حامل قبض بمطالبه علاوه تنخواه مزبور نیاید بانك استقراضی رهنی روسی مجبور است آنرا بدون نفع و تنزیل تامدت سه سال نزد خود نگاهدارد اگراز سه سال هم گذشت مبلغ علاوه راباحضور یکنفر از گماشتگان دولت بفقراء شهر تقسیم خواهند کرد . واگر بجهتی دروهله اولی اشیاء مرهونه بفروش نرسد درشش هفته بعد بازبفروش وهراج آن میپردازد وهر گاه دردفعه ثانی اشیاء مرهونه را بقیمتی که معادل طلب بانك است نخریدند بانك مختار است آنها را بضرر بفروشد یابرای خود نگاهدارد بدون اینکه دیگر چیزی از مدیون مطالبه کند یامدیون از بانك مطالبه نماید .

بانك مذکور باعتبار تمام مکنت و سرمایه خود ضامن حفظ جمیع اشیائی است که نزد او رهن گذاشته میشود اگر احیاناً چیزی از اشیاء مرهونه گم شد مالك تمام قیمت آنرا بموجب تقویم آخری از بانك دریافت خواهد نمود بعلاوه بیست و پنج درصد که ابتدا در گذاشتن رهن از قیمت آن کسر شده.

تنزیل درسال باید از دوازده الی هیجده درصد تجاوز نکند یا در ماه از دو تا سه شاهی برای یك تومان و قرار تفاوت تنزیل با شخص قرض کننده داده خواهد شد بتناسب جنس و نوع اشیاء و مال التجاره مرهونه و بمناسبت عمده بودن تنخواه و رواج مسکوکات بازار وغیره وغیره.

اگرچه بانك ذیحق است که برای کرایه انبار و مخارج نگاهداشتن وحفظ کردن اشیاء مرهونه حقی که زیاده از نه درصد نباشد دریافت کند معهذا در بعضی مواقع میتواند از این مبلغ هم چیزی کسر کند یا آنکه بکلی از آن صرف نظر نماید.

فصل نهم- بانك مذکور هرقسم اسناد و نوشتجات معتبره و اسهام و تمسکات را که ممکن القبول داند رهن گرفته تنخواه قرض خواهد داد.

(استبصار)

این بانك استقراضی رهنی روسی حق ندارد بروات دولتی و املاك واقعه در خارج شهرها را بعنوان رهن قبول نماید و تنخواهی در ازاء آن قرض دهد.

فصل دهم- زارعین ومالکین مزارع میتوانند از این بانك تنخواهی قرض کنند و حاصل مزارع خودرا رهن آن تنخواه قرار دهند یا یکنفر ضامن بااستطاعت بدهند و صبر نمایند تا موقع مساعد برسد و محصول خودرا بقاعده فروخته قرض خودرا ادا نمایند.

یکنفر از ملاکین بزرك قریه یا جمعی از زارعین وملاکین کوچك همان دهکده میتوانند برای بهبودی و توسعه عمل زراعت خود اعم از اینکه برای خرید دواب و حیوانات کاری باشد یا آلات زراعتی یا بجهت حفر قنوات جدیده بوعده چند سال معین که از پیش مشخص شود از این بانك تنخواهی قرض کنند و هرسال بقسط السنین یك قسمت از اصل تنخواه وفرع آنرا کارسازی نمایند تا تمام پرداخته شود و رهن وضامن این تنخواه اشیاء منقوله و میاه قنوات جدیده و محصول زراعتی آنها باشد و بهیچ وجه املاك و اشیاء غیر منقوله ممکن نیست رهن وگرو این تنخواه شود چه بانك مذکور حق مالك شدن آنرا ندارد.

فصل یازدهم- این بانك استقراضی رهنی روس قبول مینماید خرید وفروش هرنوع مال التجاره را بوکالت ثالثی و بشروط عادلانه.

فصل دوازدهم- هرکس تنخواهی داشته باشد میتواند بطور امانت عندالمطالبه یا بعنوان امانت وعده دار این بانك بگذارد و وضع امانت عندالمطالبه این است که بانك درصدی دو درسال بصاحب تنخواه تنزیل میدهد و کتابچه باسم صاحب تنخواه باو میدهد که هروقت بخواهد پولی ببانك بطور امانت عندالمطالبه بدهد در آن ثبت کند نیز کتابچهٔ دیگر که اوراق آن از آن جدا میشود بانك مزبور بهمان شخص میدهد و اسم هرورقه این کتابچه

(چك) میباشد صاحب تنخواه هروقت میخواهد پولی ببانك ازبابت حساب خود حواله کند روی چك حواله میدهد که بحامل یا بشخص معین دیگر پرداخته شود وهروقت چك دربانك درمحل ادای تنخواه ابراز شود فوراً تنخواه حواله آنرا می‌پردازند.

تنخواهی که بطور امانت عند المطالبه دربانك مسطور گذارد میشود ممکن است صاحب آن یکدفعه آنرا دریافت کند ومیتواند بدفعات بگیرد بمیل خوداوست.

اما امانت وعده آن نیز بادو کتابچه وبهمان قواعد داد وستد میشود فقط شرط آن این است که صاحب تنخواه باید هفت روز وعده حواله دهد. چك امانت وغیره هروقت در دفترخانه بانك ابراز شود قبولی آنرا بموعد هفت روز مینویسند وبعد از مدت مزبور کار سازی میکنند واین امانت وعده که درتمام بانك های فرنك معمول است محض آن ایجاد شده که بانکها مجبور نباشند درصندوقهای خودتنخواه رازیاد عبث نگاه دارند بنابراین منافع تنخواه امانت وعده در بانك استقراضی رهنی روسی درسال صدسه میباشد یعنی بانك مزبور برای هرصدی درسال سه بصاحبان تنخواه امانت وعده تنزیل میدهد.

فصل سیزدهم - نیزاین بانك استقراضی رهنی روسی پولی را که میخواهند در آن بموعد معین امانت بگذارند قبول مینماید وبجای کتابچه که درفصل دوازدهم ذکر شد قبوض مخصوصه بموعد معین بصاحبان تنخواه خواهد داد وتنزیل این قسم تنخواه درسال درصد چهار خواهد بود درصورتیکه مدت امانت ازسه ماه الی ششماه باشد ودرصورتیکه مدت آن ازهفت الی دوازده ماه باشددرسال برای صدشش تنزیل خواهد داد وادای تنزیل ومنفعت بعدازانقضای موعد خواهد شد.

فصل چهاردهم - اشخاص بی چیز که میخواهند بصرفه جوئی رفاهیتی دراحوال خود حاصل نمایندبرای امدادبآنهاو آسانی کارایشان پولی راکه پس اندازمینمایند بانك استقراضی رهنی روسی بشروط ذیل بطور امانت قبول مینماید.

تنخواهی که‌امانت گذارده میشود در کتابچه مخصوص ثبت خواهد شد وآن کتابچه بصاحب تنخواه داده میشود وبانك مزبور درسال درصدچهار بآنها منفعت خواهد داد و ماهها را تماماً موافق ماههای روسی حساب خواهد کرد و منفعت‌مزبوره در اول هرماه ژوئیه واول هرماه ژانویه ضمیمه اصل تنخواه میشود که صاحبان آن از نفع اندر نفع منتفع شوند یعنی بعد ازآنکه فرع ضمیمه اصل شدآن نیزمثل اصل فرع خواهدداشت

شخص یکدفعه ممکن نیست کمتر ازدوقران وبیشتر ازصدقران دربانك امانت گذارد واگر تنخواه شخص بهزار قران رسید باید ازبانك دریافت کند اگر نگرفت جزو امانت عندالمطالبه که‌پیش شرح آن نگاشته شد محسوب میشود واین قسم پولهارا بانك استقراضی رهنی روسی نمیگیرد ونمی دهد مگر درهفته یکروز وآن‌روز دوشنبه است.

فصل پانزدهم - هرنوع توضیحات که مردم درمطالب بانك استقراضی رهنی روسی بخواهند رئیس بانك همیشه حاضراست که‌بطیب خاطرومیل آن توضیحات را بایشان بدهد.

فی شهر صفر المظفر ۱۳۰۹ »

بانك استقراضی شعبه‌ای از وزارت مالیه روسیه بود

باین ترتیب روسها در مقابل بانك شاهنشاهی بانکی را تاسیس مینمایند که تمام کوشش وسعیش درراه توسعه نفوذ و مقاصد سیاسی روسیه تزاری بکار میرفت.

کار عمده‌این بانك پول قرض‌دادن باشرایط خیلی سهل‌و ساده و مدت طولانی بایرانیان متنفذ وطرفداران سیاست‌روس دراین کشور بود.

این بانك بعدها برای جلب توجه مردم‌بخود شرایط ومقررات ساده‌تری وضع می کند بنحوی که جتی بتواند فقیرترین مردم اینمملکت رازیربارقرض بانك استقراضی روس بکشاند از جمله درماه جمادی‌الثانی سال ۱۳۰۱ هجری قمری اعلانی بشرح ذیل منتشر میسازد.

اعلان

« بانك استقراضی رهنی‌ایران بقاطبه اهالی‌طهران محترما اعلان میدهد محض »
« آسایش‌حال‌فقراء ومستقرضین مستاصل‌هر کس‌ازهرقبیل‌اسباب در بانك استقراضی»
«بمبلغ یك‌تومان گرو بگذارد در هرماه یکشاهی برای یك تومان تنزیل »
« خواهد گرفت.

« بتاریخ یوم دهم شهر جمادی الثانیه سنه ۱۳۱۱ »

از تاریخ‌ایجاد این‌بانك چندی‌نمی گذرد که دولت روس تمام امور آنرابدست‌میگیرد و رسماشعبه ای ازوزارت‌مالیه روسیه میشود.

روزنامه روسی « نوی وریمیا» (عصرجدید) چاپ پطرزبورغ‌درشماره۶۶۱۹مورخ ۳ژوئیه ۱۸۹۴ (۱۲صفر ۱۳۱۲) مینویسد.

« بانك استقراضی ایران که کونتوار عمده درطهران دارد ومتعلق به‌پولیاکوف بودبدست دیگران رسیده واکسیونهای آنرا اشخاص تازه‌خریده‌اند ازمرکزاصلی آن‌بانك که‌در پطرزبورغ است‌اجزای خودشان راتغییرداده وبرای کونتوار طهران هم‌اجزای تازه منتخب کرده‌اند بانك‌مزبور بابانك دولت روس‌من بعدرجوعات خواهد داشت ودر هرنوع کارمتعلق ببانك طهران ممکن‌است درهرجا ببانك دولتی‌روس رجوع کردد.»

هانری ساوج‌لندور ( )انگلیسی‌در کتاب‌خود بنام Across Coveted Lands راجع‌ببانك استقراضی روس چنین مینویسد.

«بانك مهم دیگری که‌هرچند بکارهای دیگر مشغول‌است‌وامیدبسیار بدان دارند بانك‌معروف ببانك‌روس یابنحوی که هنگام تاسیس‌بوسیله پالیاکف در۱۸۹۱ نامیده شدانجمن‌استقراضی ایران است. تاسیس این‌انجمن تجربه‌ای بود بمنظور کشف‌دقیق‌احتیاجات کشورو‌بهترین طریق جلب تجارت‌انحصار حراج عمومی‌بانضمام « مون‌ دوپیته» (۲)

اما این نقشه ابتدا توفیق کامل حاصل نکردزیرا که اهالی به تازگیهای ناگهانی عادت‌نداشتند. موسسه مزبور سپس تبدیل به‌بانك استقراضی گردید ولی ازحیث مالی‌فایده نمی کردوموقعی‌رسید که انتظار میرفت برچیده شود. گفته‌میشود که در آن‌موقع بانك‌تهدید کرد که بابانك شاهنشاهی شریك خواهدشد با آقای دوویت (۳) (وزیر مالیه روس) در این امر مشاوره شد ومشارالیه درست پس‌از ۲۴ساعت تصمیم خودرا راجع به‌بهترین‌طریق ممکن اتخاذ نمود وی بانك‌را خریداری کرد و بانك‌دولتی سنت‌پطرزبورغ‌سهام راپیش پرداخت نمود.

1 – A. Henry. Savage Landor 2 - mont-de-piété 3 – De Witte

وزیر مالیه حق دارد کلیه مامورین بانک را تعیین نماید و برای حفظ ظاهر لازم نیست که کلیه این مامورین روسی باشند و در امور بانک عینا از روش بانک دولتی سنت پطرزبورغ تبعیت میشود . بعنوان مدیر مرد بسیار مبرزی را فرستادند واو آقای گروب (۱) بود که بسیار مبادی آداب وخوش معاشرت بود ومانند آقای رابینو مدیر بانک شاهنشاهی) در کار مالیه نابغه بود واهالی را باخصائصشان خوب میشناخت .

در مدت کوتاهی که وی در طهران بود بانک ولو با سرو صدا کارهای بسیار صورت داده وموسسه معروفی شده است .

تصور میکنم آقای گروب این امتیاز رانسبت بمدیر بانک شاهنشاهی دارد که روسها وقتی می بینند مرد کار بری را بر کاری گمارده‌اند او را آزاد می گذارند و کاری بکارش ندارند .

چنین کسی اختیار کامل خواهد داشت که هر کار را صلاح بداند انجام دهد و دیگر سهامدارانی که در کشور خود مانده‌اند مزاحم او نمی‌شوند این آزادی طبعاً امتیاز محسوسی نسبت بمدیر بانک شاهنشاهی باو میدهد زیرا که مدیر بانک شاهنشاهی همواره باید منتظر دستور لندن باشد .

آقای گروب که من با او مصاحبه طویل وجالبی کردم به من اظهار داشت که چگونه روزها را در شعبه بازار بانک طی میکند و در آن محل مشغول مطالعه طرق امکانات آینده وبهترین طریق معامله ونقل وانتقال که قابل برابری با اصول اروپائیها باشد وخصوصا مشغول تحلیل بهترین طریق جلو بردن تجارت روسیه در ایران میباشد .

در همه این کارها مشار الیه مورد اعتماد کامل دولت خود میباشد وواقعا این نکته جالب توجه است که وی چه خدمتی به نفوذ روسیه در ایران کرده است .

هیچ حقه بازی ودسیسه ودغلی در آن نیست بلکه رقابت آشکار وصریح در کار است ودر نتیجه ملتی که قویتر است جلوتر خواهد بود .

جای خوشوقتی بود که دومدیر دو بانک رقیب باچه احترام واهمیتی از یکدیگر صحبت میکردند این هردو نفر بجنگ تن بتن مالی مشغول بودند وهردو طرف مردانه ومنصفانه وشجاعانه می‌جنگیدند . هیچگونه اثر خدعه در هیچ طرف موجود نبود ومن این نکته را خصوصاً ذکر میکنم چون شخص در روزنامه‌های انگلیس مقالات مهملی می بیند که اکثر بوسیله نویسندگان مجهول وغیر مطلع نوشته شده است .»

آقای سید محمد علی جمال زاده در کتاب گنج شایگان راجع به بانک استقراضی روس مینویسد

«موجب تاسیس این بانک را باید قصد حکومت روس بتوسعه نفوذ خود در ایران دانست چنان که در اول کار مدتها کار بانک منحصر بدسیسه در راه رقابت با بانک شاهنشاهی که انگلیسی است وبا نفوذ انگلیسها در ایران بوده و در این راه ودر راه تقویت نفوذ روس بانک استقراضی اصراف زیاد نمود ومبالغ کلی بدرباریان واعیان وارباب نفوذ وعلماء قرض داد وچه بسا که مبلغ قرض چند برابر از اعتبار مالیه طرف زیادتر بود ودر این راه بانک مزبور چنان بافراط رفتار نمود که در ذی الحجه ۱۳۲۲ وقتیکه وزارت مالیه روس جلو اعتبار سیاسی بانک را گرفت معلوم گردید که از ۳۰ ملیون منات سرمایه اولیه بانک فقط ۳ ملیون منات در صندوقهای آن باقی مانده ودو بقیه درمحلهای بی اعتبار در قرض اعیان وتجار وعلمای ایرانی بود ودر شهر طهران تنها طلب بانک از مردم ۱٦ ملیون منات بود وباید دانست که بانک استقراضی شعبهٔ از مالیه روس است .

ترقی وپیشرفت بانک مزبور راباید مخصوصاً ازفرط جدوجهد وکوشش گروبی دانست که در آن تاریخ رئیس بانک درطهران بود .

بعدها که کار بانک استقراضی در ایران بالا گرفت دولت روس در ایران ایجاد یك وزارت بانك نمود و از طرف وزارت مالیه روس یك ماموری بایران آمد که مدیر کل بانك استقراضی در طهران ومدیر شعبهای آن در ایالات وولایات درتحت نظارت وحکم او بودند . اول نماینده‌ٔ که دارای منصب مزبور گردید اوسترو گلودسکی (۲) بود که کار بانك را استحکام زیاد بخشود .

---

1 _ Grube. 2_ Stroglodesky

بانك استقراضی يك شعبه بانك رهنی نیز دارد که بموجب امتیازنامه خصوصی ایجاد گردیده و مرکزش در مسکواست وعمل کرد بسیاردارد »

بانك استقراضی روس تا هنگام انقلاب اکتبر سال ۱۹۱۷ بکار خود ادامه میداد و بعدا بموجب فصل نهم عهدنامه دوستی ایران و شوروی مورخ بسال ۱۹۲۱ که مقرر میدارد.

« چون دولت جمهوری فدراتیوسوسیالیست شوروی روسیه مخالفت خود را با سیاست مستمرانه کاپیتالیست ها که موجب از دیادفقر وفاقه و باعث سفك دماء بوده‌اند علنا اعلام کرد لهذا جدا از استفاده از کارهای اقتصادی دولت امپراطوری روسیه که مقصود رقیت اقتصادی ایران بود صرفنظر می نماید وباین ملاحظه تمام نقود و نفایس و قروض و مطالبات و کلیه اشیاء منقوله وغیر منقوله بانك استقراضی ایران واقعه در خاك ایران را کاملا بملت ایران تفویض میکند .»

بانك استقراضی دراختیار دولت ایران قرار میگیرد و دولت حسابهای آن را تصفیه وبجای آن بانك ایران تاسیس میگردد .



امتیاز راههای شوسه و تسهیل

وسائل حمل و نقل در شمال ایران

اهمیت راههای شوسه ورقابت روسها وانگلیسها

یکی از اقداماتی که از سالهای قبل مورد نظر روسهای تزاری قرار داشت ایجاد راههای شوسه وراه آهن وتسهیل و توسعه حمل و نقل در شمال ایران مطابق نقشه خود آنها بود.

راجع براه آهن وامتیازاتی که در آن باب داده شده در جلد دوم بتفصیل بحث خواهد شد ودراینجا بامتیازاتی که برای ایجاد راههای شوسه داده شده بنحو اختصار اشاره خواهد رفت

برای پیشرفت بازرگانی روسیه درایران وتوسعه فروش مال التجاره های روسی درشهرهای مختلف این کشور اولین ومهمترین اقدام ، ایجاد راههای متعدد درنقاط شمالی بود و بدینجهت دولت تزاری باین موضوع اهمیت فوق العاده‌ای میداد خاصه آنکه نظرهای سیاسی ونظامی مخصوص نیز دراین بین بود.

اصولا برای ترقی وتوسعه تجارت دریك کشور ایجاد راه قدم اول میباشد میرزا ملکم خان ناظم الدوله مینویسد .

«درمیان اصول بزرگی که دول فرنگستان برای امتعه خود مقرر ومجری داشته‌اند از همه بزرگتر از همه مفید تر از همه ساده تر از همه عجیب تر واز همه جامع تر ساختن راه است اهل آسیا تا امروز نفهمیده‌اند که ساختن راه بجهت آبادی وقدرت یك دولت متضمن چه کرامتهای عظیم است .....

هرگز بعقل ایشان نرسیده که در ساختن راه چه خزاین چه آسایش چه سعادت و قدرتهاست . فقر ایران ، خرابی ایران ، مغلوبیت ایران بدبختی بزرك ایران وصد نوع معایب دیگر ازنداشتن راه است ایران میتواند صد مرتبه ازامروز زیاد تر امتعه بعمل بیاورد چرا نمیآورد ؟

بعلت اینکه نمیخرند چرا ؟ زیرا گران است چرا گران است ؟ بعلت اینکه حمل و نقل امتعه بواسطه نبودن راه زیاد تر ازخرج عمل آوردن خود امتعه است .....

ایران میتواند اقلا سالی سی کرور تومان فقط پشم بخارج بفروشد چون راه ندارد این سی کرور تومان متاع هم ازبرای ایران وهم از رای دنیا مفقود میماند ....

خاك ایران میتواند گندم نصف انگلیس را بدهد ودرعوض آن ماهوت وقند وطلا بگیرد ولی چون راه ندارد نمیتواند گندم خودرا مناسب بانگلیس برساند وآنهمه گندم ایران بی مشتری می‌ماند . چون بی مشتری میماند اهل ایران گندم کمتر میکارند گاهی نصف اهل ایران ازقحطی می‌میرندو گاهی نصف دیگر ازبیکاری و گرسنگی بممالك خارجه پناه برده نیست ونابود میگردد اگر درایران راه میداشتیم فقط گمرك پنبه ما از کل مالیات زیاد تر بود .»

بیشترقحطی هائی که سابق در مملکت مااتفاق میافتاد بعلت نبودن راه ونداشتن وسائل حمل ونقل بود.

مسئله ایجاد راه دراین کشور بواسطه وضع جغرافیائی وکوههای بلندی که اطراف فلات ایران را فرا گرفته سابقاً ازاهم مسائل بشمارمیرفت.

روسها وانگلیس ها برای منظورهای سیاسی و تجاری خود گاهی بدولت ایران فشار میآوردند که مطابق نقشه آنان بایجاد راه شوسه بپردازد یا بیکی ازاتباع آنان امتیاز ایجاد راه بدهد.

دراین موارد غالباً چون مخالف صرفه وصلاح طرف دیگر بود بامخالفت شدید رقیب مواجه میگشت وبهمین جهت مدتهای مدید اگرروسها میخواستندبایجاد راهی اقدام کنند انگلیسها بکارشکنی دست میزدند وبالعکس اگرانگلیسها درجنوب میخواستندراهی بسازند روسها مخالف بودند.

دولت ایران نیزهم ازجهت ضعف بنیه مالی وهم ازلحاظ سیاسی که مباداساختن راهی درشمال یاجنوب مملکت مخالف سیاست یکی‌ازدو رقیب وبالنتیجه موجب‌اعتراض آنها بشود باین موضوع مهم‌توجهی نمیکرد.

امتیازاتی که انگلیسها برای ایجاد راه شوسه در جنوب ایران بدست آوردند در بخش دوم درقسمت ٦ شرح داده شد ودراینجاباختصارامتیازاتی راکه برای ایجادراههای شوسه درشمال ایران روسها بدست آورده‌اند وهمچنین اقدامات دیگری که برای توسعه وسائل حمل ونقل بعمل‌آمده شرح میدهم.

درتعهد نامه مورخ ماه رجب ۱۳۰٦ هجری قمری که متن‌آن درصفحه ۳۲۲ نقل شد قبلا دیدیم که بموجب قسمت چهارم وپنجم دولت ایران متعهد میشود که امتیاز ساختن راه پیر بازار (رشت) تاطهران را بیك کمپانی روسی بدهد ونیز قبول میکند که به کمپانی راه آذربایجان دستور دهد راه تبریز بجلفا و تبریز باواجق و راه آستارا باردبیل را بسازد.

کمپانی راه آذربایجان

از همان وقتی که صحبت ازصدور فرمان آزادی کشتی رانی دررودکارون میرفت برای‌آنکه ازمخالفت روسهابکاهند اولیای‌دولت ایران بفکر آن میافتند که‌ازاتباع داخلی وخارجی شرکتی برای ایجاد راههای شوسه درآذربایجان تشکیل دهند و بهمین منظور مقارن همان موقعی که تعهد نامه رجب ۱۳۰٦، امضاء میگردد امتیازی‌برای تشکیل کمپانی‌مزبور بامیر نظام داده میشود.

متن این امتیازنامه در روزنامه رسمی ایران شماره ٦۷۹ مورخ پنجشنبه چهارم ماه‌رجب ۱۳۰٦ هجری قمری (هفتم مارس ۱۸۸۹) ضمن مقدمه ای بشرح زیر درج گردیده است.

«ازآنجاکه خاطر خطیر بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی شیدالله تعالی دعائم ملکه ودولته همواره متوجه ومصروف‌تمهیداسباب آبادی‌بلاد وآسایش عباد وتسهیل مسالك وتامین ممالك محروسه ایرانست ودرحقیقت اکثری ازین مقاصد خیریه یعنی تکثیر سود وثروت و ترویج تجارت مملکت منوط‌به‌تسهیل طرق و

شوارع عامه‌است علی‌الخصوص شاهراهی که ازعراق بآذربایجان امتداد دارد که بزرگترین راههای داخله محروسه ایران است لهذا دربن اوقاتی که نواب والا ولیعهد گردون مهد دولت علیه صاحب اختیار مملکت آذربایجان حاضر و متوقف دربار همایون بودند امر قدر قدر جهانمطاع خسروانی در خصوص ساختن این راه بنواب والا شاهنشاهزاده معظم عز نفاذ یافت‌ونواب والا شاهنشاهزاده معظم‌حکم قضا جریان همایونی‌را بامیر نظام کارگزار کل مملکت آذربایجان ابلاغ فرمودند.

امیر نظام بجهت اجرای این عمل هیئت کمپانی ازتبعه داخله وغیره تشکیل داده وامتیازنامه بجهت این کمپانی مرکب نوشته بدار الخلافه فرستادند و امیر زاده نصرة الدوله امیر تومان‌را ماموریت دادند که بعرض اولیای دولت برساند امیر زاده معزی الیه کتابچه قرارداد کمپانی را بمجلس وزرای شوری اظهار داشته بعد از تدقیقات لازمه ذیل که مبنی‌بربیست و سه فصل‌است بصح همایونی موشح گردیده تسلیم امیر زاده نصرة‌الدوله‌شد که بدارالسلطنه تبریز برده بهیئت کمپانی تسلیم نماید.»

بموجب فصل اول کمپانی باید راهی« از قزوین به‌تبریز واز آنجا الی سرحد خوی یعنی اواجق » بسازد

مدت امتیاز ۹۹ سال است وبموجب فصل دهم‌امتیاز ساختن راه جلفا از کنارارس نیزمتعلق باین کمپانی خواهد بود.

کمپانی مزبور میتواند درنقاط مختلف آذربایجان کارخانه قند وشمع گچی وشیشه وچینی وکاغذ سازی وغیره دایر نماید. کمپانی راه آذربایجان برای ساختن راه تبریز به قزوین کارش بجائی نرسید و بالاخره چنانکه خواهیم دید امتیاز ساختن این راه در سال ۱۳۱۹ به‌بانک استقراضی روس داده میشود.

چندی‌بعداز این‌درهمان سال ۱۳۰۶ هجری‌قمری‌نیز امتیازی برای‌ساختن‌راه اردبیل بآستارا در ۱۲ فصل بمدت پنجاه سال « بامیر زاده نصرة الدوله عبد الحسین میرزا » اعطاء میگردد.

کمپانی بیمه و حمل و نقل

چندی بعد از بازگشت ناصرالدین از سفر سوم اروپا بمنظور اجرای قسمت چهارم‌تعهد نامه سابق الذکرمذاکراتی بین دولت ایران وسفارت روس‌بعمل میآید و بالاخره شخصی بنام لازار پولیاکف تبعه روس امتیازی برای « تأسیس اداره‌بیمه وحمل ونقل درمملکت ایران »بدست میآورد.

درمقدمه‌این‌امتیازنامه که درتاریخ اول ماه جمادی الاولی‌سال ۱۳۰۸هجری‌قمری بامضای امین السلطان رسیده چنین نوشته شده.

«چون همواره منظور نظر همیونی ترتیب اسباب آسودگی وامنیت وتهیه شرایط ضمانت آسایش راحت وبناهای خیر واصلاحات مفیده بجهت آحاد و افراد رعایای خودوحفظ آنهارا از آفات وبلیات وارده از حریق و خسارات زراعتی که بواسطه تگرگ حاصل شوند ویامرگ ومیر دواب وچهار پایان درشهر وقصبات وقراءمحروسه ایران ونیز چون همیشه مترصد ومصمم‌آن بوده وهستیم که بهریك ازرعایای خود حتی آنهائیکه نه دارای ملك ونه مایه بضاعت هستند بخواهند درصورت‌عارضه بدنی وعجز ازکار ازگذران مالیه ومعاش آتیه خود اطمینان حاصل کنند وسیلهٔ که ضمانت فقرات مزبوره‌را نماید تدارك فرمائیم همچنین محض تسهیل لوازم حفظ تجارت‌در داخله ویاداخله وخارجه ازهرقسم خسارات ومخاطرات که درحمل و نقل و ارسال مرسول ویادرمحل و انبار بر مال‌التجاره وارد میشوند لازم ومتحتم‌شمردیم که یك اداره بیمه وحمل‌ونقل درممالك خود تاسیس و برقرار فرمائیم

علیهذا نظر بهمین مقصود بموجب امتیازنامه حاضر به لازار پولیاکف عضو حالیه شورای دولتی و رئیس اداره شرکت مروج تجارت وصناعت درایران امتیاز مخصوصی مرحمت میفرمائیم که برای اجرائیات مقاصد سابق الذکر درممالك ما اداره بیمه وحمل ونقلی احداث نمایند که موافق شروط مفصلة الذکر معمول ومجری بدارد.»

این امتیاز نامه شامل ۱۲ فصل وبرای مدت هفتاد و پنجسال بود

مرکزاداره آن درتهران ودرتمام مملکت میتوانست شعبه داشته باشد عملیات و اسناد ونوشتجات از عوارض دیوانی ومالیات و همچنین اشیاء ولوازم ازگمرك معاف بود

صاحب امتیازمیبایددرده سال اول سالی سیصد تومان ودرده سال ثانی سالی پانصد تومان ودرسالهای بعد سالی یك هزار تومان بدولت ایران بدهد.

لازاربولیاکف پس از تحصیل این امتیاز نامه درمورد بیمه کارش پیشرفتی نمیکند وبعدها این حق ازاوسلب میگردد ولی برای ساختن راههای شوسه شرکتی باسرمایه‌های روسی وایرانی تشکیل میدهد وامتیازاتی بدست میآورد که مهمتر ازهمه عبارتست از:

۱ـ امتیاز ساختن راه رشت وقزوین

درسال ۱۳۱۰ هجری قمری چون روسها بدولت ایران فشار میآوردند که امتیاز ساختن راه رشت و تهران بکمپانی بیمه وحمل ونقل داده شودو دولت ایران نمیخواست که این راه را کاملا دراختیار روسها بگذارد پس ازمذاکراتی بین سفارت روس وامین السلطان قرار میشود که یك کمپانی ازسرمایه داران ایرانی وروسی تشکیل گردد و باینکار اقدام نماید بدین منظورابتدا درتاریخ چهارم ذی القعده ۱۳۱۰ قراردادی مابین امین السلطان صدراعظم ازیکطرف وامین الدوله وسعدالسلطنه وبیکلر بیگی وشرکت بیمه وحمل ونقل که مدیریت آن باشخصی بنام «اناطولی نکالا بویچ بستلمان» (Bostelman) بود از طرف دیگر، برای «دایر کردن راه عراده رومابین شهر قزوین وخلیج انزلی ازرشت» منعقد میگردد.

این قرارداد شامل ۱۲ فصل وبموجب آن برای امور این کمپانی چهارنفر مدیر که عبارت از امین الدوله وسعد السلطنه وبیگلر بیگی ومدیر شرکت بیمه وحمل و نقل بود تعیین میشود.

صاحبان سهام ازاتباع ایران وروس خواهندبود وهرسهم پانصدتومان میبود.

هریك از امضاء کنندگان موسس درابتدا باید مبلغ ده هزار تومان برای تشکیل کمپانی بپردازند وبقیه وجه لازم را ازمحل فروش سهام بدست خواهندآورد

عامل اصلی وسازنده راه مزبور همان کمپانی بیمه وحمل ونقل بود وبقیه فقط در منافع سهیم بودند ـ امین السلطان نیز ازمنافع اینکار بی بهره نبود.

بعد از انعقاد این قرار داد درماه بعد یعنی ماه ذی الحجه ۱۳۱۰ امتیازنامه ای نیزشامل چهارده فصل بین دولت ایران ازیکطرف وسفارت روس واناطولی بستلمان مدیر شرکت بیمه وحمل ونقل ازطرف دیگر امضاء میگردد.

در فصل اول این امتیازنامه چنین نوشته شده.

«بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری روحنا فداه بموجب همین امتیازنامه حق مخصوص ساختن راه عراده رو ازقزوین تاساحل خلیج انزلی را بشرکت بیمه وحمل ونقل در ایران مرحمت میفرمایند که کمپانی ایران و روس ترتیب بدهند ووعده داده اند که حمایت خودشان را دراجرای این عمل بشرایط مفصله درامتیازنامه حاضر

دربغ نفرمایند شرکت بیمه وحمل ونقل درایران مختار است که صاحبان تنخواه روس وایران را برای مداخله براین عمل دعوت نموده باتفاق ایشان شراکتاً احداث راه نمایند . راه مذکور درمدت نودونه سال درتصرف مخصوص شرکت مذکور وشرکای اوخواهد بود.»

بموجب سایر فصول این امتیازنامه عرض راه نباید کمتر ازسه متر باشد - اسباب ولوازم ازگمرك معاف خواهدبود - درمدت دوسال پس ازامضاءباید شروع بکار شود - عبور اردوی پادشاهی وافواج قشون از پرداخت حق العبور معاف هستند حق العبوری که کمپانی از مسافرین میگیرد صدی پانزده اضافه بر آنچه در آن تاریخ گرفته میشود تامدت پنجسال و بعداز آن صدی پانزده تخفیف خواهدداده شد .

اگر منافع خالص از صدی دوازده بیشتر شود نصف مازاد متعلق بدولت ایران است .

دولت ایران متعهد است که اجازه پاك کردن وگودنمودن مرداب انزلی را برای ورود وخروج کشتی ها باین کمپانی بدهد کمپانی مزبورچون نمیتواند درموعد مقرر باجرای شرایط امتیاز نامه قیام نماید درتاریخ ۱۵ محرم سال ۱۳۱۳ (۲٦یون ۱۸۹۵) مجددا قراردادی شامل پنج فصل برای تمدید امتیازنامه قبلی منعقد میگردد .

درمقدمه این قرارداد چنین نوشته شده .

« امضاء کننده ذیل میرزا علی اصغر خان صدر اعظم دولت علیه ایران برحسب اختیاریکه از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت همایون شهریاری دارد امتیازنامه که دردوم ذیحجه سنه ۱۳۱۰ مطابق پنجم یون سنه ۱۸۹۳ بکمپانی بیمه وحمل ونقل درایران درخصوص شوسه نمودن راه ازخلیج انزلی تاقزوین داده شده تاسه سال دیگرازاین تاریخ که لغایت ۲٦ یون سنه ۱۸۹۸ مطابق خواهد شد بقوت واعتبار خودمقرر میدارد.»

این قرارداد بامضاء میرزاعلی اصغرخان امین السلطان و بتلمان ووزیر مختار روس رسیده است

روزنامه تایمز لندن ازقول خبرنگار خود درشهروین درشماره مورخ ۲ فوریه سال ۱۸۹٦ (۲۸ شعبان ۱۳۱٤) راجع باین موضوع مینویسد .

« روزنامه رخسورReichswehr خبر ذیل راکه ازانزلی رسیده بطبع رسانده است

مدتی است که بجهة افتتاح راه مراوده بین سواحل بحرخزر وداخله ایران مذاکرات درمیان است مقصود این است که بین انزلی وقزوین راهی ساخته شود تاچندی قبل نتیجهٔ از این مذاکرات بظهور نرسیده بودهمینقدر دولت ایران امتیاز این کار را بکمپانی روس وایرانی پولیاکف فروخته بود ولی کاری نکرده بودند بعدازچندی دولت روس بعضی امتیازات بکمپانی مزبود داده وچند نفر مهندس بجهة آنها معین کرد بعد از این مقدمه در اواخر سنه ۱۸۹۵ بنای ساختمان را گذاردند الحال مامورین خود دولت روس این عمل را متقبل شده درکمال سرعت مشغول کار هستند »

روزنامه روسی نویه وریمیا (عصرجدید) چاپ پطرزبورغ درشماره ۸۲۲۰مورخ ۲۱ ژانویه (روسی) ۱۸۹۸ ضمن شرحی مینویسد .

« پس از افتتاح راه رشت چون عوام الناس مطلع میشوند که از کالسکه واسب سواری وحشم حق عبوراخذ میشود دست به تظاهرات زده وشروع به تهدیدات میکنند وبطرف ابنیه محل مستخدمین کمپانی حمله کرده آنها را خراب میکنند و مهندس راه بنام اغلی نویتسکی از ترس فرار میکنند واگر قونسول روس نرسیده بود ممکن بود اورا بکشند . »

۲- امتیاز ساختن راه قزوین بتهران

این امتیاز بموجب قراردادی در چهار فصل در تاریخ ۱۴ رجب ۱۳۱۳ بکمپانی مزبور داده میشود .

درمقدمه این قرارداد که بامضای امین السلطان وسعدالسلطنه ازیکطرف وبستلمان ازطرف دیگررسیده‌چنین نوشته شده.

« جناب مستطاب اشرف امجد صدر اعظم بااجازه ملوکانـه همایونی راه قزوین الی طهران را مطابق شرایط امتیازنامچه قزوین وانزلی بکومپانی راه انزلی و قزوین واگذار میفرمایند . »

سعدالسلطنه باید تمام « ستاسیونهای » راه را تحویل کمپانی راه انزلی وقزوین بدهد ولی چاپار پست کمافی‌السابق در « ید تصرف خود او » خواهد بود وهمچنین سعد ـ السلطنه باید تمام کالسکه وغیر آنرا بکمپانی تحویل داده وقیمت آنهارا که دو نفر نماینده طرفین باحضور مامور سفارت روس‌تعیین میکنند بگیرد.

کمپانی باید راه را طوری بسازد که کالسکه فنردار بتواند در هرساعت دوفرسخ طی مسافت نماید .

کمپانی موظف است که ازاسهام کمپانی ۷۵۰ سهم به صدر اعظم و ۳۰۰ سهم به سعدالسلطنه بدهد .

۳- امتیاز ساختن راه قزوین تاهمدان

« محض استدعای کمپانی راه‌انزلی وقزوین که درنظرمراحم‌اثرملوکانه‌اعلیحضرت»
« اقدس شاهنشاهی مطبوع افتاده اجازه امتدادآن راه‌از قزوین تاهمدان بکمپانی »
« مذکور مرحمت ومبذول میشود که‌درباب‌ساختن ودایرنمودن این خط‌نیزشرایطی »
« که درامتیازنامچه راه انزلی وقزوین مذکور است مجری گردد وموعدآغاز کار »
« های این راه ازروز انقضای مدت ختم‌تشکیل راه انزلی وقزوین محسوب خواهد »
« شد الی مدت سه سال . »

« تحریراً فی ۱۴ شهر رجب ۱۳۱۳ محل‌مهر صدر اعظم. »

« ملاحظه شدصحیح‌است۱۳۱۳ »

کمپانی مزبور پس از ساختن راههای فوق الذکرشروع‌به‌بهره برداری از آنها میکند منافع خالص کمپانی که ازبابت حق العبور این راهها دریافت کرده درسال ۱۹۱۰ میلادی مطابق سال ۱۳۲۸ هجری‌قمری درحدود ۴۶۶۷۱ منات و ۴۰ کپک یعنی تقریبا ۲۶۰۰۰ تومان بوده است .

۴ - اجازه پاك كردن و گود نمودن مرداب‌انزلی

قبلا دیدیم که درامتیازنامه ساختن راه انزلی بقزوین دولت ایران متعهد شده‌بود که‌اجازه‌پاک کردن‌مرداب‌و گود نمودن‌آنرا نیز به» کمپانی‌راه شوسه‌انزلی وقزوین» بدهد.

این امتیازنامه که‌شامل پنج ماده ویك‌ضمیمه‌است درماه رجب ۱۳۱۳ بامضاءرسیده وبشرح زیر میباشد .

« بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس شاهنشاه کل ممالك محروسه ایران حق تنقیه دهنه مرداب انزلی را بشراکت راه شوسه انزلی وقزوین ازقرار فصول ذیل مرحمت می فرمایند .

اولا- کارهائیکه شراکت مذکوره انجام خواهد داد این است کود کردن وتنقیه مرداب انزلی وساختن دیوار میان دریا برای ممانعت امواج و کارگذاشتن فانوس در بالای دیوار جهت سهولت دخول - فاین در هنگام شب خطی که از دهنه بسمت غربی عمارت گمرکخانه مبارکه کشیده شده حد منتهای کارهای کومپانی خواهد بود وساختن ابنیه بندری از انبار واسکله وامثال آن هرچه لازم و کسر باشد برعهده اولیای دولت علیه ایران است که هرقدر لازم باشد بسازند دخلی بکومپانی ندارد .

ثانیا- بعداز اتمام کارها بموجب تعیین کومیسیون مرکب از وکلای دولت علیه وسفارت روس درطهران و کومپانی راه انزلی و قزوین ، کومپانی از کشتی ها مبلغی بعنوان حق توقف دریافت خواهد نمود .

برای میزان مبلغ مزبور در هر صورت ملاحظه خواهد شد که منفعت خلص کومپانی در سال از ده یك تجاوز ننماید .

سفاینی که درپشت دیوار توقف کنند البته از این وجه یاخرج معاف خواهد بود - مگر اینکه باید حق فانوس را ادا نمایند - کومپانی محق است درمدت هفتاد وپنجسال (۷۵) بشرط مامور نگاهداشتن آثار زحمات خود خرج بندری مزبور را بگیرد - بعد از انقضاء این مدت تمام کارهائیکه انجام یافته دولت علیه ضبط خواهد کرد .

ثالثا- کرجیهای متعلقه باهالی محلیه ساحل خلیج انزلی مجانا از راه دریا که کومپانی ساخته عبور خواهند نمود .

وآنها هم باید قانون عمومی کومپانی رادر باب عبور ازاین راه مجری بدارند .

رابعا - بموجب اراده سنیه دولت علیه کومپانی راه از ادای حقوق گمرك برای ماشین و هرقسم اسبابی که جهت کارهای اصلاح بندر انزلی لازم باشد واز فرنگستان بیاورند وهمچنین بعضی مصالح که برای همین کار از نقاط متعدده ایران حمل شود معاف خواهد بود و مباشرین گمرك حق بازدید بارها را خواهند داشت که مال التجاره داخل آنها نباشد .

خامسا - کومپانی میتواند مثل سایرین قایق های بخاری وغیر بخاری که برای حمل بار ومسافر لازم باشد نگاه بدارد ولی از حدود بندر انزلی نباید خارج برود .

بتاریخ غره شهرجمادی الثانیه ۱۳۱۳ این قرارداد بفارسی در دو نسخه مبادله شد - محل مهر صدراعظم محل امضاء ناصر الدینشاه (ملاحظه شد صحیح است)

این امتیازنامه که از جانب سنی الجوانب همایون بکمپانی شوسه راه انزلی وقزوین برای تنقیه خلیج انزلی داده شده صحیح است فی ۱۳ رجب ۱۳۱۳ مطابق ۱۸ دکابر مسیحی ۱۸۹۵

محل مهر مسیواندری سچعلوف شارژدافر دولت بهیه روسیه مقیم طهران . »

توضیحاتی است که ضمیمه قرارنامه تنقیه دهنه مرداب انزلی خواهد بود .

اولا چون تامدت انقضای امتیازنامه باید دهنه تنقیه شود برعهده کمپانی است که همیشه دهنه راپاك نگاه دارد وماشینی که برای اینکار لازم است باید داشته باشد .

ثانیا خطی راکه محل آمد وشد کشتی است دردوطرف آن علامات ازتیر نصب خواهند کرد ودولت علیه ایران حکم خواهند داد که کسی علامات نصب شده راخراب ننمایند .

ثالثا کمپانی باسم دولت ایران قانونی برای اینکه کشتی ها بدون خطر آمد وشد وتوقف بقدرلزوم در بندر نمایند وضع خواهد کرد وبنظر اولیای دولت ایران رسانیده بعدازصدور اجازه معمول و مجرا خواهد شد که آن قانون قانون بندری دولت ایران خواهد بود فی شهررجب المرجب قوی ئیل ۱۳۱۳

این توضیحات ضمیمه قرارنامه تنقیه دهنه مرداب انزلی است صحیح است فی رجب ۱۳۱۳ مطابق ۱۸ دکابر ۱۸۹۵ محل مهر شارژدفر دولت بهیه روسیه مقیم طهران مسیواندری سچعلوف »

راههای شوسه رشت وتهران وقزوین وهمدان وهمچنین اسکله انزلی باتمام ابنیه وانبار وغیره بموجب فصل دهم عهدنامه دوستی ۱۹۲۱ ایران وشوروی در اختیار دولت ایران گذارده شد.

راه شوسه تبریز تاقزوین

ایجاد راه شوسه ازسرحد ایران وروس درآذربایجان تاتهران مدتها مورد نظردولت تزاری روسیه بوده ودر این باب امتیازات متعددی باشخاص مختلفی داده شد ولی هیچیک بمرحله اجراء در نیامد تاآنکه در دوره سلطنت مظفر الدینشاه در سال ۱۳۱۹ هجری قمری هنگامیکه دولت ایران باردوم برای گرفتن وام که شرح آن خواهد آمد دست گدائی بطرف روسها دراز میکند روسها موقع رامغتنم شمرده پیشنهادهائی بدولت ایران مینمایند از جمله یکی اعطای امتیازات ساختن راه شوسه تبریز تا قزوین ببانک استقراضی روس بشرح ذیل بود .

امتیازنامه راه شوسه تبریز

«دولت علیه ایران لازم دانسته که پای تخت خود که طهران است متصل نماید بیکی ازمنزلهای سرحدی ازراههای آهن دولت روسیه بتوسط راهی ارابه رو وبجهة این مقصود امتیاز امتداد اینراه ارابه رورا ازسرحدروسیه ازراه تبریز الی قزوین ببانك استقراضی ایران داده بشروط ذیل.

اول ــ بانك استقراضی اینراه را باخود ساخته ودایر مینماید یامحول میدارد حقوق خود را مبنی براین قرار داد موافق قانون روسیه بانجمن سهامی وسهم این انجمن را تبعه دولت روسیه و دولت ایران میتوانند خریداری نمایند فقط

دویم ــ اینراه بدوقسمت منقسم میشود اولا ازسرحد روسیه الی تبریز وثانیاً ازتبریز الی قزوین وبانك استقراضی قسمت اول را شروع بکار خواهد نمود درمدت دوسال بعد از امضای اینقرارنامه وحالت ارابه روی راه مزبور حاصل خواهد نمود بعد از دادن اراضی لازمه بمدتیکه زیاده ازشش سال نباشده قسمت ثانی را بانك استقراضی نباید شروع بکار نماید درمدت زیاده ازچهار سال از امضای این قرارنامه گذشته وباید بعداز دادن اراضی لازمه زیاده ازشش سال طول نکشد که حالت ارابه روی حاصل نماید .

سیم ــ اینراه ارابه رو درجاهای مقتضیه میتواند که شوسه باشد وسمت امتداد راه را باید بانك معین نماید وعرض راه نباید کمترباشد ازدوسازین و شصت صدم بعبارهٔ اخرکاینج متروئیم

چهارم ــ حکام ولایات ومباشرین وغیرهم مداخله در کار بانك راجع بدایر نمودن راه نخواهند داشت واگراختلافی حاصل شود فقط باید رجوع شود بحکومت مرکزی دولت علیه ایران

پنجم ــ دولت علیه ایران بحکام وعمال محلی احکام خواهند داد ومساعدت وهمراهی ببانك در تحصیل مصالح برای راه واجیرنمودن عملجات وکرایه مال وتحصیل آذوقه وعلیق وغیره بنمایند که بقاعده وقیمت عادله باشد و بانك مختار خواهد بود که کارگرها و عملجات اجیر نماید از رعایای ایران و رعایای روس و رعایای سایرین .

ششم ــ عمل مطالبات وقتل وجنایات که درعرض این راه اتفاق افتد قطع وفصل میشود موافق عهودمقدسه که میانه دولتین روس وایران منعقد است

هفتم ــ اراضی خالصه که درامتداد این راه واقع شود ومصالح ازخاك وسنك مجاناً ببانك داده میشودو اراضی که اربابی علماء واعیان وغیرها بوده باشد داده میشود ببانك بقیمت عادله یابطور اجاره.

عرض اراضی که راه درآن امتداد میشودنباید کمتراز بیست سازین یعنی چهل و دومتروهفتاد صدم بوده باشد ودربعضی محلها باقتضای ضرورت میشود این عرض زیاده باشد .

اراضی که متعلق ببانك شده یا بخریداری یا باجاره از همه قسم مالیات و عوارض دیوانی معاف خواهد بود .

بانك حق دارد که دراراضی مزبوره هرنوع عمارت بنا بنماید و نیز خط سیم تلگراف برای ضرورت راه امتداد بدهد .

هشتم — هردخل ومنافعی که ازامتداد این راه واعمال راجعه بآن ببانك عاید شود ازمالیات وعوارض دیوانی معاف خواهد بود .

تمامی مصالح که بجهة بناوتعمیر ودایر نمودن راه واعمال راجعه بآن لازم میشود یاحمل ونقل میشود از مالیات وعوارض وگمرك معاف خواهد بود .

نهم — امتیاز مخصوص ببانك داده میشود که معدن ذوغال سنك ونفط که درده فرسخ از دوطرف راه واقع باشد متعلق ببانك باشد اگر دراملاك خالصه است مجانا ببانك واگذار میشود واگر ازاملاك اربابیست اعم ازدایر وبایر باما لکین قرارآنرا بانك میدهد .

ببانك اجازه داده میشود که ازخط عمده راه بجائیکه معدنی باشد خط راه کوچکی احداث نماید وتحصیل اراضی بهمانطور خواهدبود که درفصل هفتم ذکرشده .

ازینرو چوب وهیزمی که بجهة ساختن راه لازم شود بانك میتواند ازجنگلهای اطراف بحرخزر وجاهای دیگر نزدیك راه تحصیل نماید اگر ازخالصه است مجانا واگر از اربابیست بشروطی که بانك باتفاق ماموری ازطرف دولت علیه ایران مقررمیدارند گرفته میشود .

دهم — مال التجاره روسیه که ازاینراه داخل خاك ایران میشود بعداز ادای گمرك درسرحد دیگرازهمه عوارض وگمرك درهرجا ازخاك ایران معاف خواهد بود .

بندولوازم سفر که ازینراه عبور میکند از همه عوارض وگمرك معاف خواهدبود

دولت علیه ایران متعهد میشود که ازاینراه متعلقه ببانك راهداری مطالبه ننماید

یازدهم — دولت علیه ایران تعهد میکند که درنقطه اتصال راه بسرحد روسیه ایجاد گمرکخانه بنماید وریاست این گمرکخانه بااولیای دولت علیه ایران خواهد بود که اگربخواهند ببانك واگذارمینمایند وماموربن این گمرکخانه اگر از تبعه سایردول باشند باید باتصویب اولیای دولت روسیه بوده باشد

دوازدهم — حق لعبور وحق گذاشت وبرداشت مال التجاره را دراین راه متعلق ببانك بجهة کالسکه و گاری وبارکش ومال التجاره وسایر مسافرین بانك مقرر خواهد داشت وتعهد میکند ازپست دولت علیه ایران نصف معمول سایردریافت دارد .

سیزدهم — ایجاد این راه میشود بسرمایه و مخارج بانك و دولت علیه ایران در ضرر او مسئول نخواهد بود .

این راه درمدت نودو نه سال متعلق ببانك خواهد بود وبعد ازآن مجانا وبلاعوض مخصوص دولت علیه ایران خواهد شد.

چهاردهم — بانك تعهد میکند که درسالهائیکه منافع راه نسبت بمخارج ازصدی پانزده زیاد تربوده باشد نصف آن فاضل را باعلیحضرت همایونی بدهد .

پانزدهم — درصورت اختلاف درمفهوم عبارت روسی وایرانی مفهوم عبارت روسی مقدم خواهدبود

هـــو

این قرارنامه صحیح است درقصر گلستان ذیحجه ۱۳۱۹

محل امضاء مظفرالدین شاه

۹

امتیاز بهره برداری از معادن

قراچه داغ

استخراج و بهره برداری از معادن نقاط مختلف آذربایجان مخصوصاً ناحیه قراچه داغ ازسالهای قبل مورد نظر اولیای دولت ایران بود.

در دوره سلطنت فتحعلیشاه یکی از صاحب منصبان انگلیسی که متخصص معدن و درسال ۱۸۰۹ بایران آمده بود بنام کاپیتان مون‌تیث (۱) درسال ۱۸۱۵ از طرف عباس میرزا نایب السلطنه مامور بررسی وتحقیق معادن آذربایجان شد ودرگزارشی که به عباس میرزا داد نوشته بود که در کوههای قراچه داغ ذخائر مهمی از آهن موجود است. بعدها انگلیسی دیگری بنام بثون لیندسی (۲) از فتحعلی شاه فرمانی بدست آورد که معادن قراچه‌داغ رااستخراج کند وهمین شخص درزمان محمدشاه در سال ۱۸۳۶ میلادی (۱۲۵۲ هجری قمری) یکدستگاه ماشین بخار وعده ای کارگر بایران آورد و درمعادن مزبور مشغول کارشد ولی به نتیجه مطلوب نرسید وپس ازچندی کارش تعطیل شد.

دردوره صدارت امیر کبیر مقداری مس وآهن برای توپ ریزی ازمعادن قراچه‌داغ استخراج گردید اما اینکار نیزچندان بطول نینجامید وبحال تعطیل درآمد بعدها عده‌ای ازفرانسویها واطریشیها پیشنهاداتی برای استخراج این معادن بدولت ایران دادند که‌مورد توجه واقع نشد تادرزمان صدارت میرزاحسین‌خان سپهسالار که امتیاز استخراج‌معادن‌ایران به بارون‌جولیوس رویترداده شد ولی‌چنانکه میدانیم این‌امر نیز جامه‌عمل نپوشید.

بهرحال اقدام برای استخراج معادن قراچه داغ بجائی نرسید تادر دوره سلطنت مظفرالدین شاه وهنگام صدارت میرزاعلی‌اصغرخان امین السلطان دو فرازسرمایه داران روس پیشنهادی دراین باب بدولت ایران‌میدهند و بعدازمذاکراتی که با نماینده آنها درطهران بعمل‌میآیدامتیازنامه‌ای بشرح زیر نوشته میشود ودرتاریخ دهم جمادی الاول ۱۳۱۶ هجری قمری بامضاء طرفین میرسد.

---

(1) Capitaine Monteith
(2) H. Bethune Lindsay

صورت قرارنامه معادن محال قراچه داغ آذربایجان

با کمپانی روس

«مابین دولت علیه ایران که نماینده اش حضرت اشرف صدر اعظم است ازیك طرف ازطرف دیگر مسیو الکسی میشل کوربانیف وتئودور راماکیف که نماینده آنها مسیو نیکولا کورماکوف مهندس معادن ماریوپول است وبرای فصول این قرارنامه رجوعات به آنها درسنت پطرزبورغ ودر کوچه میخایلوسکایا درخانه نمره پنج خواهد بود منعقد شد.

فصل اول — دولت علیه ایران. بمسیو الکسی میشل کوربانیف وتئودور راماکیف حق مخصوص منع للغیر ازقرار ذیل را میدهد

فقره اول — ازشروع امضای این قرار نامه تامدت ده سال حق دارند تفحص وتجسس درمعادن ودر آنجاهائیکه گمان معادن میرود درقسمت ایالت آذربایجان که درفصل دوم مذکور است بنمایند

این تفحص وتجسس صاحبان امتیاز در اراضی که ساختمان ندارد ومال دولت باشد مجاناً به آنها واگذار میشود.

درجاهائیکه بی ساختمان ومال اهالی است تفحص وهمچنین استخراج آتیه آنها درصورتی خواهد بود که باخود آنها ازروی صحت بکنار آمده وقرار ومدار گذاشته طرفین اتفاق آراء داشته باشند درصورتیکه باصاحبان زمین متفق الرای نتوانند بشوند کمسیونی مرکب ازسه نفر اعضاء داده میشود که دونفر ازطرفین که یکی صاحب زمین ویکی صاحب امتیاز رسمی ازطرف حضرت اشرف صدراعظم معین خواهد بود درصورتیکه باطلاع وصوابدید جناب وزیر مختار روس مقیم طهران بود. باشد هرگاه آندونفر که ازطرفین منتخب شده اند بخواهند خودشان شخص ثالث رامعین نمایند زحمت تعیین آن ازحضرت اشرف ساقط خواهد بود.

بدون رای کامله ورضای مخصوص صاحبان اراضی هیچگونه تفحص درحصار وحیاط وباغ وهمچنین در زمینهائیکه متعلق بسکنای آنهاست ودرجائیکه محصور است نمیتوانند بکنند دیگر آنکه بفاصله دویست ذرع از حصار سکنای مذکور باشد جاهای مقدسه وجمیع متعلقات آنها دردایره که دویست ذرع قطر آنها باشد مجزی ومستثنی هستند.

فقره دویم — درمدت هفتاد سال تمام ازتاریخ اول ماه مارس ۱۸۹۹ هزاروهشتصد ونودو نه روسی مطابق غره ذی‌قعدة الحرام ۱۳۱۶ که امتیاز استخراج معادن باستثنای معادن فلزات پرقیمت یعنی طلاونقره وطلای سفید و غیره وهمچنین جواهر آلات وهمچنین اقسام معدن نمك خوراکی به آنها داده شده است آنچه که درمدت ده سال اول بموجب فقره اول مذکوره همین فصل کشف می کنند تاانقضاء مدت این قرارنامه مشغول استخراج آنها میتوانند شد این مکاشفه را صاحبان امتیاز باید بتوسط پست یاکاغذ سفارشی بوزارت معادن ایران معلوم نموده وسه ورقه نقشه اورا هم که صدمتری یك ده هزارم متر نمایش داشته باشد کشیده درضمن آن کاغذ بفرستند صاحبان امتیاز حق خواهند داشت که معادن مکشوفه درده سال اول را برای خود ذخیره نگاهدارند یعنی اول معادن دیگر باصرفه را استخراج کنند وبعد آن معادن ذخیره را بکاربیرند بشرط اینکه بعدازده سال مشروطه برای هریك ازمعادنی که ذخیره کرده اندسالی صدمنات پول طلا بدولت بدهند ووسعت آن معدن ذخیره مطابق نقشه که صاحبان امتیاز خواهند فرستاد خواهد بود.

فصل دویم — این امتیاز شامل یك وسعت زمین است که واقع درایالات آذربایجان ومحدود باین حدود است ازطرف شمال برودخانه ارس.

درطرف مغرب یك خط مستقیمی ازقریه سیاه رود که واقع درطرف راست ارس وروبروی شهر اردوباد روس است شروع میشود تاشهر مرند.

درطرف جنوب ازشهر مرند یك خطی درامتداد شرق مداومت میکند تاالی شهر اهر وآن خط ازقراء الینجا

وموجان بار و بهراران ودزریکان عبور میکند .

ازطرف مشرق یك خط از شهراهر شروع میشود که کوه شیوا درضمن آن خط واقع است از قراء جلفالو وکیك لان که در کنار رود قراسو واقع شده اند وقراء صفرآباد و ییلاق وقراکادان مداومت میکند تاالی نقطه اتصال قراسو بارس .

فصل سیم — فقره اول صاحبان این امتیاز حق دارند که برای بهتر عمل آوردن معادن یابرای حمل ونقل حاصل معادن بقدر لزوم راهها بسازند ووسایل همه قسم حمل ونقل راایجاد نمایند.

فقره دویم — حق دارند اقدامات لازمه را برای اینکه رودارس را قابل کشتی رانی نمایند بکنند ودرآنجا بقدر لزوم حمل ونقل حاصل استخراج خودشان و همچنین برای حمل و نقل اسباب وآلات وذخیره که برای استخراج معدن لازم خواهد شد قایقها و کشتی های کوچك بخاری وغیره بکاربیندازند

فقره سیم — حق دارند کارخانجات لازمه برای تکلیس وذوب وباعمل آوردن سنگهای معدن که از استخراج مخصوص خودشان حاصل میشود بسازند وهمچنین حق دارند خانه وابنیه دیگر برای دفترخانه وسکنای اشخاصیکه مخصوص استخراج معدن هستند بنا کنند

فقره چهارم ـ صاحبان امتیاز حق دارند طاحونها بجهة آرد کردن وانبار های آذوقه مختص معاش اشخاصی که مشغول استخراج هستند بسازند درصورتیکه این آسیا ها وانبار ها باعث خلل تجارت سابقه ساکنین آبادهائی که این انبارها وطاحونها که درآنجا ساخته خواهند شد نشوند .

برای راهها وبناهائیکه ساخته خواهد شد اززمین های دولتی مجاناً منتفع خواهند شد هرگاه راهها وبناهای مذکور کلا یاجزءاً لازم شود که د زمین های اهالی ساخته شوند دولت علیه ایران آن زمینهارا باخرج صاحبان امتیاز خریده همینکه مالك آن اراضی خود دولت شد فقط باید استعمال آن زمینها را بصاحبان امتیاز درتمام مدت این قرارنامه واگذار کند وقیمت آن زمینها از مقابل قیمت معموله نباید تجاوز بکند

فصل چهارم ـ صاحبان امتیاز حق دارند مقدارهای لازمه آب رابقدر کفایت ولزوم استخراج و ماشین هائی که محرك آنها آب است از رودخانه وسیلابها جدا نمایند اما در تحت شرط مخصوص که این جدا کردن آب ساکنین مملکت را ازمقدار آبهائیکه برای زراعت وسایر استعمالات عادی آنها لازم است محروم نسازد

فصل پنجم ـ همچنین حق دارند که از جنگلها وجنگلهای کوچك بقدر لزوم استخراج خود چوب و هیزم قطع کنند بعد ازآنکه ساکنین مملکت قبل از وقت چوب وهیزم برای استعمال عادی خودشان از آن جنگلها قطع کرده باشند مشروط براینکه آن چوب بری ضرری به بقای آن جنگلها نرساند .

وهمچنین حق دارند که برای بنای کارخانجات وابنیه یاعمارات خودشان ازهرقبیل مصالح سنك وآهك و وشن وغیره که درزمینهای این قرارنامه واقع ومال دولت است مجاناً منتفع شوند

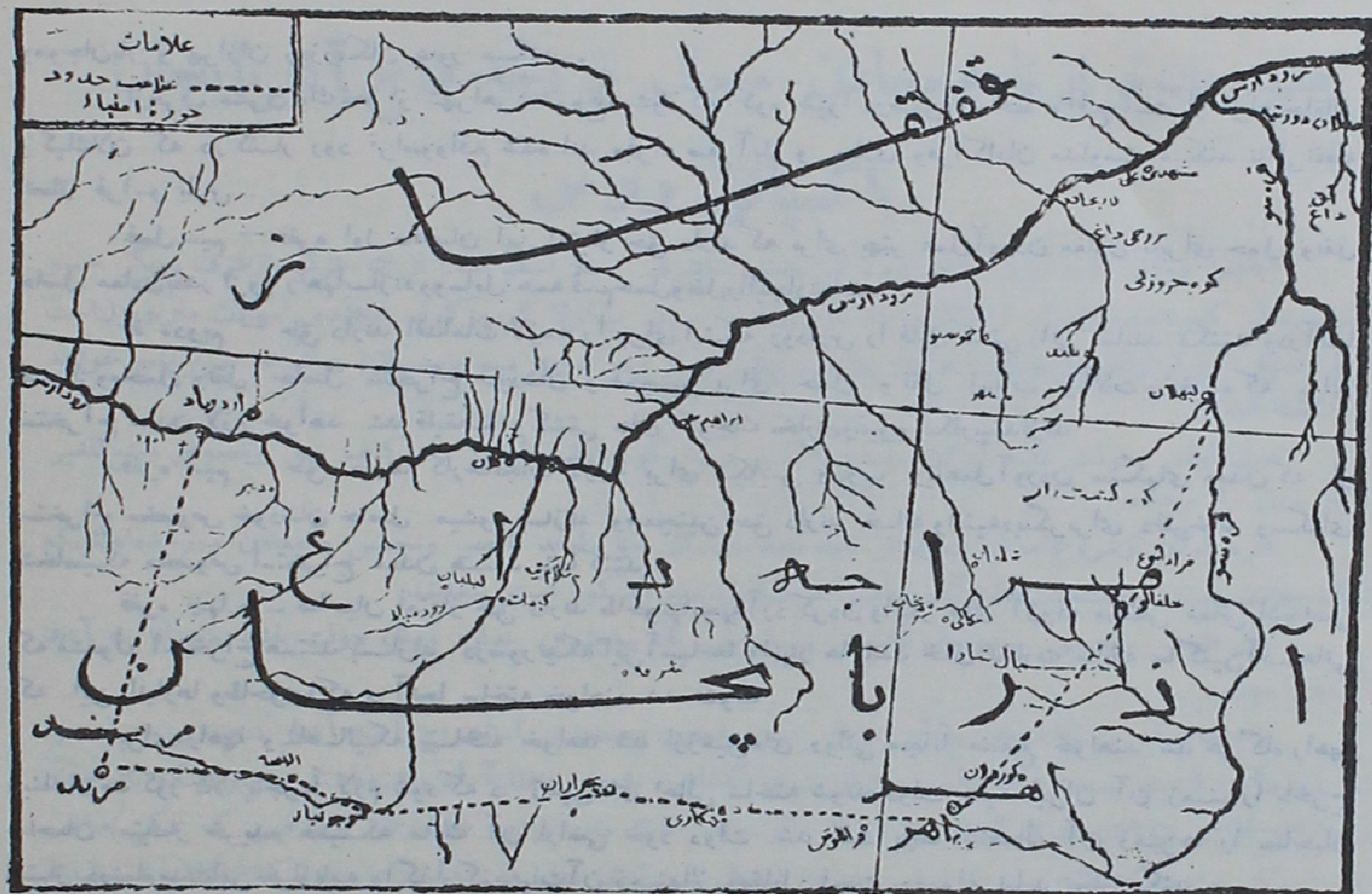
فصل ششم - صاحبان امتیاز ازادای حق دخولیه و همه قسم مالیات ماشین ها ومیکانیکها و اسباب وآلات لازمه برای تفحص درمعدنها یابرای استخراج معدنها وهمچنین برای ذوب سنگهای معدن درمدت ده سال اولیه که ازخارج داخل مملکت می کنند معاف هستند ولیکن گمرك حق دارند که صندوقها وبسته های متضمن ماشین های مذکوررا معاینه نمایند بعلاوه دولت متعهد میشود درسی سال اولیه این قرار نامه صاحبان امتیاز را ازهمه قسم مالیات عمومی وخصوصی کارخانجات وسایر بناها وماشین ها معاف بدارد

فصل هفتم ـ صاحبان امتیاز آزاد هستند که هم در داخله مملکت سنگهای معادن را تکلیس و ذوب نمایند یااینکه خودآن سنگهارا بخارجه حمل کنند

فصل هشتم ـ صاحبان امتیاز ازقرار تفصیل ذیل منافع را بدولت ایران خواهند داد .

فقره اول ـ ازمنفعت خالص سنگهای معدنی که از معادن دولت استخراج کرده ودر ایران آب بکنند بدولت ایران صدی شانزده میدهند واز سنگهای معادن اهالی که در داخله ایران آب میکنند فقط صدی پنج بدولت ایران کار سازی می کنند

فقره دویم ـ برای حمل کردن سنگهای معادن که ازاستخراج آنهاست بغیر ازآهن وبافلزات پرقیمت که خارج ازاین امتیازنامه هستند هر پوتی سه کوپك واز مواد تکلیس شده یا موادی که از کوره اول بیرون آمده



حوزه امتیاز معادن قراچه داغ

باشد هرپوتی شش کوپك بدولت ایران کار سازی میکنند وبعد ازده سال ازتاریخ این قرارنامه این فیات بچهار وهشت کوپك خواهد رسید فیات مذکوره فوق برای حمل بخارجه سنگهای معدنی است که مال دولت باشد در حمل سنگهای معادن اهالی بخارجه بهرپوتی یك کوپك و نیم وبرای مواد تکلیس شده معادن اهالی سه کوپك درمدت ده سال اولیه بدولت علیه ایران کار سازی خواهند کرد وبعد ازده سال اولیه فیات مزبور بدو وچهار کوپك خواهند رسید صاحبان امتیاز متعهد میشوند که برای مامورین که دولت ایران برای مواظبت و محاسبه خواهند فرستاد برای نگاهداری دونفر دروقتیکه صاحبان امتیاز شروع باستخراج سنگهای معادن و آب کردن آنها وياحمل بخارجه آنها خواهند کرد هرساله موازی هزار ودویست منات برای نگاهداری این دو نفر مامور بدهند مبلغ مزبور هرساله دراول سال بهر کس که دولت امر کند داده خواهد شد

فقره سیم - برای حمل و نقل سنگهای معادن آهن بخارجه بهر هزار پوتی (٥٥ خروار) دو منات و نیم میدهند .

فقره چهارم - برای حمل زغال سنك بخارجه بهزار پوتی پنج منات و برای استخراج سوخت امتیازی خود که بمصرف خواهند رسانید و یابسرای فروختن در خود ایران بهزار پوتی دو منات ونیم کار سازی خواهند کرد .

منفعت مذکوره درفقره اول فوق هرساله بتوسط وزارت معدن بخزانه دولت علیه ایران دراول ماه آوریل سال روسی منافع سالیانه سال قبل اداخواهد شد در صورتیکه محاسبات صاحبان امتیاز تااول ماه آوریل تمام نشود باید مبلغ معتنابه که کمتر از آن پولی که باید بدولت بدهند نباشد موقتاً بدهند تااینکه درسه ماه دیگر محاسبات خود را مرتب نموده بعد کم وزیاد آن مبلغی که سپرده اند بپردازند درصورت تاخیرادای منفعت مزبور صاحبان امتیاز موازی پنج هزار منات طلا بعلاوه برسم غرامت خواهند داد .

حقوق اخراجیه که در فقره دوم وسوم وچهارم فوق مذکوراست بپول طلای روسی داد خواهد شد سالیانه مبلغ مزبور

را درظرف دوماه ازسال روسی گذشته بموجب حسابی که صاحبان امتیاز ومامورین دولت نگاه خواهند داشت به وزارت معادن پرداخته میشود ادای مبلغ فوق بپول طلای همان معادل منات رایج است که تقریبا هر مناتی دو فرانك وشش سانتیم است .

حمل سنگهای معادن‌زغال‌سنك راباسایر حاصل معادن بخارجه باازگمرکخانه‌هائی که موجود هستند عبور خواهند داد ویااز یك راه جدیدی که صاحبان امتیاز تعیین‌خواهند کرد .

فصل نهم ـ صاحبان امتیاز ومامورین آن‌هادرمدت امتیاز هرمعدن ازجواهرات وفلزات پرقیمت که کشف می کنند باید بدولت‌ایران اطلاع بدهند هرگاه بتوسط آنهایامامورین‌آن‌ها معدن‌سنك چقماق‌طلادار یامعدن‌شن طلا داریا سنگهای معدنی که مخصوص فلزات پرقیمت، هستند یعنی‌زیادتراز صدی سه‌متضمن فلز پرقیمت باشد و سنگهائی که‌در اروپا بسنگهای‌فلزات پرقیمت وجواهرات محسوب هستند بدون اجازه دولت‌آب کنند یابفروشند ویا حمل بخارجه نمایند‌در آن‌صورت صدهزارمنات جریمه‌باید بدهند .

فصل‌دهم ـ صاحبان امتیاز حق‌خواهند داشت که‌برای کارهای اختصاصی معادن و برای کارهائی که اطلاعات مخصوصه لازم است‌مهندسین ومامورین ازهرملت که بخواهند مستخدم‌نمایند و برای فعله‌گی و کارهای متعارفی و کارهای معدنی یاصنعتی صاحبان امتیاز بطور رجحان تبعه‌ایران رابکارخواهند انداخت .

فصل یازدهم ـ دولت‌ایران حق‌دارد‌که برای توجه‌ونظارت امورات ومواظبت صاحبان امتیاز یك‌نفر یاچند نفر مهندس ویا مامور داشته باشد ولیکن مامورین مذکور در اعمال تجارتی و شخصی آن‌ها مداخله نخواهند کرد .

صاحبان امتیاز هرساله صورت صحیح‌و مطابق بامضای‌خودشان را بوزارت معادن خواهند داد واین‌صورت حساب باید متضمن تفاصیل واضحه باشد‌که بسهولت بتوان از آن صورت حساب فهمید که معادن ذوب شده و سنگهای حمل‌شده ازمملکت چقدر است .

صاحبان امتیازمخارجی که دولت‌برای مواظبت استخراج وحمل سنگهای معدن بخارج مامور گذاشته متحمل میشوندتامدت‌پنجسال اولیه‌سالی‌چهارهزار منات‌میدهند وبعدازپنجسال به‌آن‌طرف‌سالی شش‌هزار وپانصدمنات کارسازی مینمایندواین‌مبلغ هرساله ششماه‌به ششماه‌قبل ازوقت داده‌خواهدشد دفعه‌اول‌از اول‌ماه‌آوریل (۱۸۹۹) هزار وهشتصدونودونه بهرکس که دولت بخواهدداده خواهد شد .

فصل‌دوازدهم ـ دولت ایران‌متعهد میشود درده سال‌اول ازتاریخ امضای‌این‌امتیاز برای تفحص‌و استخراج معادن درآن‌قسمتی که در فصل‌دوم این‌قرارنامه محدودشده است‌باشخاص دیگراجازه ندهند بعدازده‌سال اولیه این قرارنامه مستحکمه‌معادنی که صاحبان امتیاز برای ذخیره که‌در فصل اول در فقره اول مذکوراست نگاه نداشته باشند دولت ایران حق خواهد داشت که تفحص و تجسس و استخراج آن معادن را باشخاص دیگر واگذار کند .

فصل سیزدهم ـ برای‌اینکه صاحبان باستراحت وآسودگی ازاین قرارنامه که به آنهاداده میشود منتفع شوند دولت‌ایران متعهدمیشود که انعقاد این‌قرارنامه‌را بحکومت آذربایجان معلوم‌نموده که بقدرلزوم سربازبصاحبان امتیاز برای حفظ معادن‌و کارخانجات ویاخانه آنها بدهند مواجب و مخارج سربازهای مذکور بعهده صاحبان امتیاز خواهد بود .

فصل چهاردهم ـ درمدت پنجماه‌از تاریخ غره‌مارس روس ۱۸۹۹ هزار و هشتصد ونودونه روزی راکه صاحبان امتیاز تعیین‌خواهند کرد دولت علیه‌ایران بایدیکنفر مامورمعین کند برای‌اینکه معادن‌واقعه درخاك‌خود راکه قسمت زمین‌محدوده درفصل‌دوم‌است بتحویل صاحبان امتیازبدهد وهمچنین آن مامور باید حتی الامکان معادنی که اهالی‌سابقا استخراج کرده‌اند به‌آنها بنماید وباصاحبان امتیازدر معامله‌با اهالی‌همراهی‌نماید

فصل پانزدهم ـ بعدازانقضای‌هفتادسال که طول‌مدت‌این‌قرارنامه‌است‌تمام‌معادن و کارخانجات وابنیه وبناها‌که صاحبان امتیاز درتمام امتیازخود که تملك نموده بودندوهمچنین‌راهها‌باهمه قسم‌دخل وتصرفی که در آنهاشده است مجانا بملکیت مطلقه دولت‌علیه‌ایران عودت خواهند کرد .

فصل شانزدهم ـ صاحبان امتیاز حق دارند ازاجرای این قرارنامه نکول نمایند درصورتیکه استخراج این معادن را بی‌فایده وبی‌صرفه بدانند صاحبان امتیاز همچنین حق خواهند داشت که کلیه حقوق وتعهداتی که از این قرارنامه حاصل میشود بیك سوسیت منتقل کنند دراین صورت آنهاباید دوماه بعدازامضای این انتقال بدولت ایران اطلاع بدهند ووکلای سوسیت مزبورهم باید قبول فصول وشرایط این قرارنامه رامکتوبا باطلاع دولت علیه ایران برسانند. در طهران نسختین شده در پانزدهم ماه سپتامبر روسی هزار وهشتصدونودوهشت که مطابق دهم جمادی الاول هزار وسیصد وشانزده هجری است وهریك ازطرفین یك نسخه را ضبط کرده‌اند.

درحینی که امضاء کنندگان میخواستند این قرارنامه را امضاء کنند درشرایط مذکور درذیل هم متفق الرای شدند درفصل اول بدیهی است که برای استخراج معادنی که ازاراضی اهالی حاصل خواهد شد صاحبان امتیاز باید معادن را اجاره کرده ووجه اجاره را بصاحبان معادن مذکوره فوق کارسازی نمایند درفصل دویم قراء اسکولو وهجران دوست که شکارگاه اعلیحضرت اقدس همایونی هستند ازاین امتیاز خارج اند.

برای استحکام ارتباط این دوفصل فوق بقرارنامه حاضره امضاء کنندگان ذیل شرایط مذکوره را اضافه نمودند وجزء قرار نامه صاحبان امتیاز محسوب داشته وبموجب تاریخ فوق امضاء کردند.

محل مهروزیر معادن نظام الدین محل مهر وزیرامورخارجه مشیر الدوله محل مهر و امضاء علی اصغر صدراعظم.

بعداز مقابله وامضای این قرارنامه امضاء کنندگان درجمله‌هائی که قلم کشیده شده و کلماتی که دربالای سطرهای این قرارنامه گذاشته شده است متفق الرای شدندواز قرارتفصیل ذیل است.

در صفحه اول و سطر پنجم اسم الکسی اضافه شده ودر سطر هشتم مهندس معادن ماریوپول اضافه شده است.

در صفحه اول در فصل اول اسم الکسی اضافه شده است.

در فصل هشتم فقره چهارم درسطرنهم ودهم کلمات بدست یابحکم قلم کشیده شده وبجای آنها بتوسط وزارت معادن بخزانه دولت علیه ایران گذاشته شده است درفصل دهم کلمات درصورتیکه درآن صنحات عمله ایرانی پیدا شود قلم کشیده شده است.

در عبارت فارسی درفصل هشتم فقره دویم سهوا دوهزار منات بجای هزار ودویست منات برای مقرری مامورین مواظب نوشته شده است.

برای استحکام ارتباط امضاء کنندگان شرایط دویمی فوق را اضافه نموده و جزء قرارنامه صاحبان امتیاز محسوب وبموجب تاریخ فوق امضاء کردند

محل امضاو مهر

نظام الدین وزیر معادن — مشیرالدوله وزیر امور خارجه — علی اصغر صدراعظم

سواد مطابق بااصل امتیازنامه است که در وزارت فوائد عامه است ۲ شهرجمادی الاولی ۱۳۱۷

در سال ۱۳۲۷ هجری قمری که مدت دهسال حق تفتیش معادن مزبور تمام شده بود روسها ازدولت ایران تقاضا کردند که چون تفتیشات کامل نشده ۳ سال دیگر مدت آنرا تمدید نمایند ودولت ایران نیز باآن موافقت نمود.

بعدها در گزارشی که صاحبان امتیاز با نقشه معادن بوزارت معادن ایران دادند نوشته بودند که درمدت تفتیش هشت نوع معدن مختلف در هفتادو پنج محل کشف و به کار انداخته‌اند.

این امتیازنامه بعداز انعقاد عهدنامه دوستی ایران وشوروی در سال ۱۹۲۱ لغو و باطل گردید.

۱۰

استقراضهای ایران

از روس وانگلیس

یکی ازوسائلی که دولتهای استعماری روسیه تزاری وانگلیس برای اختناق ملت ایران بکارمیبردند دادن وام بدولتهای فاسدایران بود .

قروضی که روسها وانگلیسها باشرائط ننگین‌واسارت‌آمیز آن بایران‌تحمیل کردند زنجیرهای سنگین ومحکمی بود که بدست‌وپای ملت‌محروم ایران‌افکندند واورا تاسرحد اضمحلال وفنا کشانیدند .

آقای سیدمحمدعلی جمال‌زاده درکتاب گنج‌شایگان (که در سال ۱۳۳۵ هجری قمری چاپ شده) راجع باین‌موضوع مینویسد .

«جای آن‌دارد که‌بگوئیم همین‌سلسله قروض سلسله بندگی کشورایران گردیده است و یك‌ملت بزرك و قدیم‌را محکوم خواهشهای جابرانه بیگانگان پرطمع وکم انصاف نموده است .

باید دانست که مقروض بودن دولتی‌بدولت یابدولتهای دیگری بخودی‌خود دارای اهمیتی نیست ومیتوان گفت که امروزه دولتی‌نیست که درزیر بارقرضی نباشد چنان که همین‌روسیه که به‌مناسبت چند کرور تومان‌سر تا-سر وطن‌مارا‌ملك‌طلق خودمیداند ویکایك‌ما وهموطنان مارا از خردوبزرك وداراوگدا بنده‌زر خرید خود پنداشته ودر پایتخت ما کوس لمن‌الملکی میزند ودر مقابل اندك جنبشی‌دارها برسرپا مینماید ومعابد مارابتوپ وعزیزان‌ما را بشلاق وتازیانه می‌بندد در صفرسال ۱۳۳۱ مطابق بااول سال ۱۹۱۳ مسیحی‌بنا براحصائیه رسمی‌سالنامه کتا ۸۸٤۱۷۲۳۹۱۱ منات که معادل است تقریباً با ۸۸۵۰ کرور تومان قرض‌داشته‌است‌وبعداز آن‌دراول سال ۱۹۱۷ مسیحی (ربیع‌الثانی ۱۳۳۵) مقدار قرض دولت مذکور به ۲۵۱۲۰۹۳٦۸۹۵ منات که معادل است تقریبا با ۲۵۲۵۰ کرور تومان بالارفته بوده است و همچنین خود دولت انگلیس هم که از حیث تمول مشهور است مبلغ‌ها مقروض این وآن است .

چیزی که هست شرائط قروض متفاوت است وگاهی چنان که در ایران دیده میشود شرائط مذکوره منتهی بسلب اختیارات اساسی از یك دولت وملت میگردد ونکته اساسی مهم هم همین است .»

این قروض که سالها ملت‌ایران رابرده وبنده بیگانگان ساخته بود هیچگاه یك شاهی ازآن‌برای بهبودوضع ملت ایران خرج‌نشد وتمام بمصرف‌عیاشی وگردش «شاه» ودرباریان فاسد اومیرسید .

البته معایب ومفاسداین قروض که شرایط آنهارا ذکرخواهم کرد برای همه کس واضح وآشکار است وسوء استفاده‌هائیکه دولتهای استعماری‌درچین‌ومصر وسودان‌وعثمانی وغیره بادادن وامهای کمرشکن کرده‌اند نمونه‌های بسیار دارد وبدون‌آنکه تفصیلی دراین

باب بدهم بترتیب تاریخ باختصار بشرح قروض ایران میپردازم
شاید مناسب بود که استقراض ایران از انگلیسها جداگانه ودر بخش دوم ذکر گردد ولی چون استقراض ازروسها وانگلیسها بهم مربوط است وضمنا رقابتهای این دو دولت در این باره بهتر مجسم میگردد مناسب دیده شد که هر دو قسمت در یك جا شرح داده شود .

۱- قرض سال ۱۲۹۰ هجری قمری (۱۸۷۳ میلادی)

هنگامیکه درسال ۱۲۹۰ هجری قمری ناصرالدینشاه برای اولین بار باروپا میرود قبلا دستور میدهد بجهت مخارج سفر قراردادی برای گرفتن دویست هزار لیره با ربح صدی پنج با ژولیوس رویتر منعقد شود .

این قرارداد که درتاریخ ٦ماه آوریل ۱۸۷۳ (یکشنبه ۸صفر ۱۲۹۰ هجری قمری) بامضاء رسیده در شش فصل بفارسی و فرانسه نوشته شده و ملکم خان ناظم الملك وزیر مختار ایران درلندن بو کالت ازطرف ناصرالدینشاه آنرا امضاءنموده و بشرح ذیل است .

«قرارنامه فیمابین اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ناصرالدین شاه بوکالت جناب»
« میرزا ملکم خان ناظم الملك از یکطرف و بارون ژولیس رایتر از »
«طرف دیگر .
فصل اول - بارون ژولیس رایتر متعهد میشود که ازبرای انتفاع اعلیحضرت همایون»
«شاهنشاهی راه اعتبار ومعامله که بمیزان دویست هزار لیره انگلیسی باشد باز»
« نماید که بعهده صرافان مسکو و بطربورغ وبرلن ولندن وپاریس ووینو »
«روم واسلامبول برات صادر گردد وباختیار و موافق میل اعلیحضرت همایون »
« شاهنشاهی بوده واز قرار تقسیم ذیل وضع وتحصیل گردد .
« در مسکو بیست هزار لیره - دربطربورغ بیست هزارلیره - دربرلن بیست»
«هزارلیره - در لندن سی هزار لیره - درپاریس سی هزارلیره - در وین چهل»
« هزار لیره - در اسلامبول بیست هزار لیره - درروم بیست هزار لیره این »
« وجوهات ازروی قبض رسیدصدراعظم یاخود اعلیحضرت همایون شاهنشاهی »
« یااینکه بیك ماموری که حامل حکم امضاء شده اعلیحضرت همایونی باشد »
« تحویل داده خواهد شد .
«فصل دویم - این مبلغ مزبور دویست هزار لیره ازقراردرصدپنج منفعت قرض»
«داده خواهد شد وحساب آن ازقرار تاریخ هر کدام قسمت وجوهات ماخوذه »
« خواهد گردید .
«فصل سیم- ردوادای مبلغ مذکور درخود طهران بوکیل بارون رایترمزبور »
« صورت خواهد پذیرفت آنهم قسط بهقسط وشش ماه بعد از تاریخ هر قسمت »
«وجوهات ماخوذه گذشته واقساط نیزازقرار مقیاس اقسام وجوهات مقرره فوق»
«خواهد بود.
« فصل چهارم-این قرارنامه اعتبار نخواهد داشت مگر اینکه صدراعظم »

« بواسطه تلگراف آن را امضاء وتصدیق نمایند .
« فصل پنجم - تصدیق این قرارنامه تحریراً و بدون شرط وقید درطهران بوکیل»
« بارون رایتر تسلیم خواهد شدلکن همین قرارنامه از اعتبار ساقط و در مقام »
« هیچ خواهدبود هر گاه این تصدیق تحریری دولت ایران تا بیستم این ماه بوکیل»
« بارون رایتر تفویض نگردد .
« فصل ششم - از این مبلغ دویست هزار لیره بمحض امضای همین قرارنامه »
« مبلغ بیست هزار لیره بتحویل جناب میرزا ملکم خان داده و بحساب دولت ایران»
« محسوب خواهد گردید .
« در لندن بدو نسخه نوشته شده فی ششم شهر آوریل سنه ۱۸۷۳ »
« امضای میرزا ملکم خان ناظم الملك »
« امضای بارون ژولیس دورایتر »

بعد از لغو امتیاز رویتر مستر کوت نماینده بارون رویتر مقاله ای در روز نامه مموآردپیلماتیك چاپ پاریس مورخ ۲۶ دسامبر ۱۸۷۳ نوشته و بعد از شرحی در باره صحت واعتبار امتیازنامه راجع باین وام مینویسد .

« درخصوص وجه استقراض بجهت مصارف سفر اعلیحضرت شاه حقیقت از این قرار است بارون رویتر قول داده بود که دویست هزار لیره بسر کار اعلیحضرت ایران قرض بدهد - دراغلب پایتخت ها پول را حاضر میکردند و در مسکو و پطرزبورغ نیز عده ای از صرافان بجناب صدراعظم گفته بودند که پول حاضر وموجود است جناب مشارالیه درجواب به آن ها گفته بود فعلا چندان بپول احتیاج نداریم مگر درلندن دراول بیست هزار لیره بمیرزا ملکم خان که قرار معامله در دست او بود دادند وسپس درماه اوت دراسبروك بابودن من ونظرآقا (وزیرمختار ایران درپاریس) بیست هزار لیره بخود جناب صدراعظم کارسازی نمودند همچنین در استانبول جناب صدراعظم ده هزار لیره عهده بارون رویتر برات داده بودند واین سه قسمت مجموعا صدوبیست وپنج هزار تومان میشود »

این قرض بعداز مراجعت ازاروپا توسط میرزا حسین خان سپهسالار پرداخت شده وشاید چون قرارداد آن دارای قیدوشرط سختی نیست زیاد اهمیت نداشته باشد ولی ازاین جهت که ناصرالدینشاه برای اولین بار دست خود را بطرف بیگانگان برای گرفتن وام به منظور مصرف درراه گردش وعیاشی دراز میکند قابل توجه است .

۲- قرض سال ۱۳۰۶ هجری قمری (ژانویه ۱۸۸۹ میلادی)

این قرض بمبلغ چهل هزار لیره انگلیسی و برای هزینه سفر سوم ناصرالدینشاه باروپا گرفته شده .

قبلا دیدیم که پیش از آنکه ناصرالدینشاه امتیاز نامه بانك شاهنشاهی را امضاء کند از ژوژ رویتر فرزند بارون رویتر میخواهد نوشته ای بدهد که چهل هزار لیره باو قرض خواهد داد .

جرج رویتر نیز درتاریخ سوم ژانویه ۱۸۸۹ (۳۰ ربیع الثانی ۱۳۰۶ هجری قمری) مینویسد که هرگاه دولت ایران مبلغ چهل هزار لیره ای را که سابقا بابت وجه الضمان امتیازنامه ۱۸۷۲ در بانك انگلستان بنام دولت ایران بودیعه نهاده بود باو رد کنند از همان محل این وام را خواهد داد :

بالاخره پس از آنکه دولت ایران اجازه میدهد بانك انگلستان چهل هزار لیره را برویتر رد کند جولیوس رویتر نیز این مبلغ را بناصرالدینشاه میدهد .

در فصل ششم امتیازنامه بانك شاهنشاهی نوشته شده

«پس از تشکیل وتهیه سرمایه خود بانك شاهنشاهی تعهد میکند که مبلغ دو کرور فرانك یعنی چهل هزار لیره انگلیسی برای مدت ده سال سالی صدشش تنزیل به بندگان اعلیحضرت شهریاری قرض بدهد واصل آن تنخواه ومنافعش بموجب میل بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری از بابت صد شش منافع خلص که بر حسب فصل هفتم این امتیازنامچه به پیشگاه سلطنت تعهد شده است محسوب خواهد گردید .»

در فصل ششم ضمیمه چهار امتیازنامه بانك شاهنشاهی مینویسد .

«علاوه برچهل هزار لیره انگلیسی که قرار شده است بانك شاهنشاهی بدولت علیه بدهد استقراضات وپیشکشی دیگر رابدون ضمانت پسندیده نخواهد داد وجوه کل این پیش کشی و استقراضات هیچوقت زیادتر از یك ثلث وجه سرمایه ادا کرده بانك نخواهد بود .»

۳ - قرض سال ۱۳۰۹ هجری قمری (مامه ۱۸۹۲ میلادی)

مبلغ این وام پانصدهزارلیره انگلیسی و برای پرداخت خسارت کمپانی انحصار دخانیات در ایران بود.

بطوریکه در کتاب اولین مقاومت منفی در ایران بتفصیل شرح داده شده پس از آنکه کمپانی رژی بواسطه مخالفت توده مردم مجبور شد تشکیلات خودرا برچیند وایران راترك گوید باتوافقی که درماه رمضان ۱۳۰۹ بین طرفین بعمل آمد دولت ایران متعهد گردید مبلغ پانصدهزارلیره انگلیسی برای جبران خسارت بآن کمپانی بپردازد .

برای تهیه این مبلغ ابتدا بانك شاهنشاهی شرائط سختی پیشنهاد میکرد چنانکه تنزیل پول راصدی ده ومدت پانزده سال میگفتند وبرای ضمانت نیز میخواستند که برابر ارزش این مبلغ جواهرات سلطنتی در یکی از بانکها گذارده شود.

ناصرالدینشاه که حاضر باین ترتیب نبود دستور میدهد نمایندگان ایران با دولتهای روسیه وعثمانی وهمچنین بانکهای آلمان وایتالیاواطریش وارد مذاکره شوند و بالاخره چون مذاکرات باروسها بسرعت پیش میرفت بتوصیه دولت انگلیس بانك شاهنشاهی حاضر میشود که مبلغ پانصدهزار لیره بافرع صدی شش بمدت چهل سال بضمانت گمرکات جنوب از طرف دولت ایران بکمپانی رژی بپردازد .

از لحاظ اهمیتی که این وام در وضع اقتصادی ایران داشته متن قرار داد آنرا در اینجا نقل مینمایم .

« دولت علیه ایران مبلغ پانصدهزار لیره انگلیسی بتفصیل ذیل وازقرار صد و»
« شش تنزیل از بانك شاهنشاهی ایران قرض میکند .
«فصل اول ـ بانك مزبور متعهد میگردد در تاریخ ۱۵ مامه سنه ۱۸۹۲ پانصد»
« هزار لیره استقراض رادر لندن باداره رژی شاهنشاهی تحویل نموده وقبض رسید»

« گرفته باطلاع سفارت انگلیس تسلیم کارگذاران دولت علیه ایران نماید .

« فصل دویم- این وجه استقراضی رادولت علیه ایران اصلا فرعا درمدت چهل سال»
« شمسی بتفصیلی که درفصول سیم وچهارم ذکرشد خواهدپرداخت .

«فصل سیم - اصل وجه استقراضی رادولت علیه ایران درمدت چهل سال شمسی
« ودرآخرهرسال باقساط متساویه که هرقسطی دوازده هزار وپانصد لیره باشد»
« ببانك خواهد پرداخت .

«فصل چهارم - نیز در مدت همان چهل سال شمسی در هرسال دولت علیه »
ایران تنزیل صدوشش آن مبلغ را ازاصل وجه استقراض را که دراول آن سال برذمه اش»
« بابت بوده است نصفی در روز آخر ششماه اول ونصف دیگررا در آخر همان »
« سال ببانك خواهد داد یعنی دولت در مدت چهل سال باین تفصیل فرع »
« خواهد داد .

« .... سال اول ۱۵ نوامبر ۱۸۹۲ ..... سال چهلم ۱۵ مه ۱۹۳۲

« فصل پنجم- ضمانت اداء وجه استقراض عایدی گمرکات بنادر خلیج فارس»
«خواهد بود (بوشهر- عباسی- لنگه- شهر شیراز) باین معنی که چهل فقره وجهی »
«را که بتفصیل فوق درچهل سال از بابت اصل و فرع باید ببانك بدهد درچهل طغرا»
« ورقه دولتی حواله بوزارت جلیله مالیه میدهد ووزارتخانه مزبوره قبولی نوشته »
« وثبت وزارت امورخارجه کرده ببانك خواهدداد ودرهرسال بانك ورقهٔ که متعلق»
« بآن سال است تسلیم وزارتخانه مزبوره کرده وجهش را از خزانه خواهد گرفت»
«هرگاه بجهتی از جهات خللی دروجه یکی از گمرکاتیکه بضمانت رفته اند وارد »
«بایددولت ایران معادل آن وجه را از وجه گمرکی دیگر که خود دولت معین »
« خواهد کرد برداشته در ازاء قرض سالیانه خودخواهدداد .

« فصل ششم- هرگاه در بین مدت چهل سال برای دولت علیه ایران محل جدید »
« معتبری حاصل شود که اعتبار آنرا سفارت انگلیس وبانك تصدیق نمایدو بخواهد»
« وجه الضمانه را تبدیل بآن محل نماید چه از برای تمام مبلغ وچه از برای قسمتی»
«ازآن محق خواهد بود .

«فصل هفتم - درمدت این چهل سال هروقت دولت علیه ایران بخواهد تمام»
«وجهی راکه از بابت اصل در آنوقت برذمه اش باقی است یکدفعه بدهد ومعامله را »
« فسخ نماید حق خواهد داشت .

« فصل هشتم - دولت علیه ایران ببانك شاهنشاهی اجازه میدهد که برای تهیه»
« این پانصدهزار لیره استقراضی که بموجب چهل طغراورقه دولتی که درتصرف»
« بانك است سال بسال ازدولت خواهد گرفت پنجهزار عددسنداستقراض که هر
یك یکصدلیره وشرائط استقراض درآنها درج باشد باسم دولت ایران در لندن
« انتشار بدهدآن اسناد استقراض امضاء سفیرایران درلندن وامضاء بانك »
« شاهنشاهی راکه از برای این استقراض عامل دولت علیه است خواهدداشت .

« در هراداء دوازده هزاروپانصدلیره ازبابت اصل استقراض بانك باید یکصد»
« وبیست وپنج عدد ازآن اسناد استقراض یکصدلیرهٔ راباطلاع سفیرایران در »
« لندن باطل کرده پس بگیرد وتحویل دولت ایران بدهد ·
« این ورقه بتاریخ پانزدهم ماه مه ۱۸۹۲ عیسوی (یکشنبه ۱۸ شوال ۱۳۰۹»
« هجری قمری) درطهران نسختان نوشته ثبت دفتر وزارت امورخارجه ایران و »
« سفارت انگلیس شده بااطلاع سفارت مزبوره مبادله گردید که انشاءاله تعالی»
« بعداز پرداخت واداء تمام مبلغ عین این سندرابانك مزبور باطله کرده بدولت»
ایران مسترد خواهد داشت ·

« محل مهروامضاء ناصرالدین شاه «ملاحظه شدصحیح است ـ الملك لله — »
« السلطان ابن السلطان ناصرالدینشاه قاجار »

«هوالله تعالی قرارنامه استقراض دولت علیه ایران که بمهرودستخط جهانمطاع»
« اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه وسلطانه موشح و ممضی شده در دفتر»
«وزارت اعظم ایران ثبت و ملاحظه شد صحیح است امین السلطان »
«قرارنامه استقراض دولت علیه ایران که موشح بدستخط مبارك شاهنشاهی ومشرف»
«بمهر مهر آثار اقدس اعلی است دردفتروزارت جلیله امورخارجه دولت علیه ایران »
« ملاحظه وثبت شدفی شهرشوال المکرم ۱۳۰۹»

پس ازگرفتن این وام ازبانك شاهنشاهی چنانکه درجای خود اشاره رفت چون سیاست دربار ودولت ایران متمایل بروسیه شده بود ناصرالدین شاه ومخصوصا امین السلطان میخواستند ازروسها مبلغ هفتصدهزار لیره قرض بگیرند وازاین پول قرض بانك شاهنشاهی را بپردازند وبقیه را بمصارف بیهوده درباری برسانند ·

باآنکه دراین باب مدتها مذاکراتی بین طرفین بعمل میآمد معهذا به نتیجه نرسید تا ناصرالدینشاه بقتل رسید·

برای مزید اطلاع عین گزارش محرمانه‌ای راکه سفارت ایران در پطرزبورغ راجع باین موضوع وجریان رقابت روسها و انگلیسها را دردادن وام برای امین السلطان صدر- اعظم بطهران فرستاده ذیلا نقل مینمایم ·

محرمانه

« سفارت دولت علیه ایران درپطرزبورغ
نمره ۱ مورخ ۳ شهرذی قعده ۱۳۱۲ (۲۹ آوریل ۱۸۹۵)

قربان حضور مبارکت شوم بعداز زیارت تلغراف رمزیکه درخصوص استقراض هفتصد هزار لیره انگلیسی بافتخار چاکرجان نثارشرفصدور یافته بود باجناب مسیوبطسوف که بسفارت آمده بود درآن باب مذاکره شد مومی الیه اظهار داشت که این مسئله تازگی ندارد وحالا دوسال است که در طهران مطرح مذاکره میباشد و وقتیکه عمل رژی درایران بهم خورد اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنافداه باکمال عجله متعهد شدند که بانگلیسها نیم ملیون لیره پول بدهند وهمانوقت بانك شاهنشاهی ایران را وکیل فرمودند که نیم ملیون مزبوررا استقراض نماید وبانك شاهنشاهی تنزیل ازقرار صدی ده اول وبعداز قرار صدی هشت خواست این بود که در آن باب بسفارت روس رجوع و تکلیف فرمودند و همینکه ما شروع بمذاکره کردیم ما را دست آویز نموده و بانگلیسها فرمودند که دولت روس ازقرار صد شش پول میدهد وباین وسیله انگلیسها را راضی نمودند کهوجه مزبوررا ازقرار صدی شش

بدهند ودادند پارسال هم از بانك دولتی عثمانی خواستند یك میلیون لیره انگلیسی بگیرند که نیم میلیون آنرا بقرض انگلیسها بدهند ونیم ملیون دیگر رادولت بمصارف دیگر برساند وبهمین جهت وکیل بانك عثمانی بطهران آمد و تایك اندازه معامله خودشان را بادولت علیه تمام کردولی شرایط آن برای دولت ایران خیلی سخت بود ازجمله شرط شده بود که دولت ایران گمرك مملکت خودرا تماما تضمین آن قرض فرمایند ودرهر محل درسر گمرك از جانب بانك عثمانی دونفر صاحب منصب گذاشته شود لهذا همینکه من از مسئله مطلع شدم وشرایط را تااین درجه سخت دیدم اعلیحضرت همایونی رابه نتایج ناگوار این کار ملتفت کرده وبهرقسمی که بوداز این صرافت انداختم . پارسال مجدداً اعلیحضرت همایونی روحنا فداه بتوسط جناب اعتمادالسلطنه بدون اطلاع حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف امجد آقای صدراعظم بمن تکلیف فرمودند که هفتصدهزار لیره انگلیسی ازدولت روس جهة دولت ایران قرض بکنم که پانصدهزاره لیره بانگلیسها بدهند ودویست هزار لیره باقساط مردم که بتاخیر افتاده‌اند وبسایر مصارف دولتی برسانند وحقیقت مطلب این است که من باور نکردم وخیال نمودم که باز میخواهند باین سبب مراپیش کشیده واز انگلیسها قرض نمایند وبااینکه تنزیل پول آنهارا باین واسطه کمتر بکنند وعلیهذا من این تکلیف دولت ایران را قبول نکردم حالا مجدداً بتوسط شارژدافر دراین خصوص تلغراف کرده‌اند این است که ماباز ازحقیقت این مطلب مطمئن نیستیم و نمی‌دانیم که بعداز مذاکرات واقعا این پول را ازماقرض خواهند کرد وباا گرانگلیسها بدهند در ثانی از خیال حالیه خودشان منصرف شده وباز ازآنها خواهند گرفت .

در مقابل این اظهارات مسیوبطسوف چاکرجان نثار جواب داد در صورتی که دولت علیه ایران در طهران بسفارت روس این مطلب را اظهار فرموده وبسفارت خوددر پطرزبورغ تلغرافا بتوسط صدراعظم خود ماموریت داده است که گفتگو درآن باب نماید وسفارت رسما سئوال وجواب مینماید که جای تردید. در این مسئله ابدانیست بعداز اینکه جان نثار از این ره گذر بکلی او رامطمئن وخاطرجمع کرد مشارالیه اظهار داشت که برای این استقراض دو مسئله مشکل درپیش میباشد

اولا این است که تنزیل خیلی کم میدهند بعلت اینکه از قرار صدی چهار حالا هیچکس بدولت ایران پول نمی دهد .

ثانیا عمده ایراد وزیر مالیه اینست که اگر واردات گمرك ایران که تضمین این پول داده میشود فردا کفایت اصل وفرع آنرا نکرد دولت ایران از کدام محل می‌تواند این پول را ادا نماید .

چاکر گفت که شش ماه قبل براین پانزده ملیون وهشتصد وبیست هزار لیره انگلیسی بدولت چین دولت روس از قرار صدی چهار قرض داد حالا هفتصد هزار لیره چه قابلیت دارد که در خصوص فائض آن بادولت دوست وهمسایه گفتگو نکنید ودراینکه واردات گمرك ایران درهفتادسال کفایت اصل وفرع این پول راخواهد کرد هیچ جای شبهه نیست مسیو بطسوف گفت صحیح است که دولت روس بدولت چین آنقدرها پول از قرار صدی چهارداد ولی نمیدانید که در مقابل دولت روس چقدر منافع پولطیکی وسیاسی برد که در باره ایران هیچیك ازآنها ملحوظ نیست و من خودم می‌دانم که البته واردات گمرك ایران کفایت آن پول را خواهدداد ولی وزیر مالیه این مسئله را بمیان آورد ودقت میکرد بالاخره بعداز گفتگوهای زیاد جناب وزیر مختار را باخود متفق کرده ومشارالیه وعده صریح داد که در این باب ازهیچ قسم همراهی ومساعدت کوتاهی ننماید امروزهم که بزیارت تلغراف رمز ثانوی حضرت مستطاب اجل اشرف امجد روحی فداه مفتخر گردید واز شرایط هم مطلع شد انشاءاله در همین روزها با خود جناب وزیر امورخارجه ملاقات کرده وامیدوار است که موافق ماموول بندگان حضرت مستطاب اشرف اعظم روحی فداه این خدمت را انجام بدهد عجالتا لازم بود که از سئوال و جواب خود با مسیو بطسوف خاطر مبارك را مستحضر نماید .

الامر الاجل الاکرم الاشرف الامجد العالی مطاع .»

۴- قرض سال ۱۳۱۷ هجری قمری (ژانویه ۱۹۰۰ میلادی)

قراردادی که برای گرفتن این وام توسط مظفرالدینشاه وامین السلطان باروسیه تزاری منعقد گردیده از ننگین ترین قرار دادهائی است که درتاریخ سیاسی ایران بامضاء رسیده وسالها ملت ایران را اسیر و برده تزاران روس ساخته بود .

در اواخر دوره‌سلطنت ناصرالدینشاه مخصوصاً از هنگامی که پانصد هزار لیره به عنوان خسارت کمپانی رژی بانگلیسها پرداخته‌شد مضیقه مالی‌دولت ایران روز بروز بیشتر میشد وچنانکه قبلا دیدیم ناصرالدینشاه میخواست مبلغی درحدود هفتصدهزار لیره ازروسها قرض کند تامبلغ پانصدهزار لیره آنرا ببانك‌شاهنشاهی که بابت‌خسارت رژی پرداخته بود بپردازد وبقیه رابمصارف دیگر برساند .

ناصرالدینشاه درماه‌ذی‌القعده ۱۳۱۳ هجری‌قمری بقتل رسیدومظفرالدینشاه بجای او نشست‌ولی امین‌السلطان کمافی‌السابق بر کرسی صدارت‌ایران باقی‌بود تاپس از چندی در تاریخ یازدهم ذی‌القعده ۱۳۱۴ میرزاعلیخان امین الدوله از تبریز بتهران احضار و بریاست وزراء و سپس در رجب ۱۳۱۵ هجری قمری بجای امین‌السلطان صدراعظم ایران شد .

مضیقه مالی خزانه ازهنگامیکه مظفرالدینشاه بایك عده‌رجال طماع‌ازتبریز برای اشغال مقام‌سلطنت بتهران‌آمد بواسطهٔ مخارج وهزینه‌های فوق‌العاده بیشتر از پیش شد واین مضیقه بعدها که «شاه» هوس رفتن باروپا میکند زیادتر میگردید ودر نتیجه فکر گرفتن وام روزبروز تقویت میشد .

سرپرسی سایکس در «تاریخ ایران» مینویسد .

« مظفرالدینشاه در موقع قتل‌پدرش بعنوان ولیعهد در تبریز اقامت داشت ودر هنگام مسافرت نامبرده‌به تهران نمایندگان انگلستان وروسیه‌باوی همراهی نمودند وباآنکه احساس ترس ونگرانی میشد که ممکن‌است برادرانش برای رسیدن بتخت‌سلطنت باوی‌شروع بمبارزه نمایند اما چون آنها قبلا همکاری واتحاد خودرا اعلام کرده بودند شاه بدون مخالفت وارد تهران شدوبا آرامش تاجگذاری کرد .

بطور کلی گمان میرفت که ناصرالدین‌شاه برای جانشین خودخزانه پری گذارده است ولی‌پس از بازرسی خزانه معلوم شد مبلغ ناچیز و یا اصلا پولی درآن نیست وشایعات مربوط به میلونها اندوخته کاملا بی اساس است .

شاه جدید که سلامت وصحت خوبی نداشت مایل بود که بلافاصله پس‌از تاجگذاری مسافرتی بخارجه بنماید ومخصوصاً میل‌داشت در (Contrexeville) (۱) بمعالجه بپردازد ولی‌بدون تردید یکی‌از آرزوهای او این‌بود که در این مورد از پدرخود تقلید کند واز خوشگذرانیهای اروپا لذت برد بعلاوه در میان گروهی از مشایعین و همراهانی محصور بود که ضمن اظهار تبریك اظهار امیدواری زیادی جهت دریافت پاداش خدمات گذشته مینمودند »

میگویند امین‌الدوله (۲) که در بین مردم به نیکنامی معروف بودمیخواست درشئونات مختلف مملکت اصلاحاتی بنمایدازجمله برای ازدیاددرآمد دولت بر آن میشود ازیك کشور

---

۱ ـ از دهکده‌های ناحیه وژ در قسمت شرقی فرانسه که دارای آبهای معدنی میباشد

۲ ـ مرحوم محمدقزوینی راجع بامین‌الدوله درمجله یادگار چنین مینویسد .

« حاجی میرزاعلیخان‌سینکی‌پسر مرحوم‌حاجی‌میرزا محمدخان‌مجدالملك متولد هشتم‌ماه ذی‌القعده ازسال هزار ودویست وپنجاه‌ونه‌قمری درطهران ازوزرای معروف عهدناصرالدینشاه ومظفرالدین‌شاه‌مشهور به‌آزادیخواهی ومعارف دوستی واصلاح طلبی که درعهدمظفرالدین‌شاه یعنی‌درسال ۱۳۱۵ بمقام صدارت نیزرسید وی‌خط ملیحی مینوشت که باسم‌او بسبك امین‌الدوله معروف شده‌بود بسیار کسان‌تقلیدخط وانشاء اورا که‌آن نیزانشاءموجزوشیرین بود مینمودند وفاتش بمرض کلیه درشب جمعه بیست‌وششم شهرصفرسنه هزارو سیصد وبیست‌ودو قمری درلشته‌نشای گیلان که بعداز صدارت وروی کار آمدن میرزاعلی اصغرخان امین‌السلطان به آنجا تبعید شده بوده اتفاق افتاد بسن‌شصت وسه »

بیطرف (بلژیك) مستشارانی استخدام کند وهمچنین برای رفع مضیقه مالی و انجام کارهای عمرانی کشور ازیك دولت بیطرف مبلغی وام بگیرد .

متاسفانه این اقدامات نه تنها فایده‌ای برای ایران نداشت بلکه بالعکس چنانکه خواهیم دید بعدها موجد مفاسد و زیانهای جبران ناپذیری برای وطن ماشد.

بالاخره امین الدوله که برخلاف امین السلطان متمایل بسیاست انگلیس‌ها بود چون موفق بگرفتن وام از یك کشور بیطرف نشد بواسطه اصرار وفشار مظفرالدینشاه با انگلیسها واردمذاکره برای گرفتن قرضی بمبلغ دومیلیون لیره انگلیسی میشود .

با آنکه این مذاکرات باحرارت بعمل می آمد و با جدیت تعقیب میشد به نتیجه‌ای نرسید زیرا اولا مبلغی را که دولت ایران تقاضا میکرد انگلیسها زیاد میدانستند و وثیقه آنرا کافی نمیشمردند

ثانیا شرایط پیشنهادی دولت انگلیس فوق العاده سنگین بود

سروالنتین چیرول انگلیسی در کتاب خود راجع باین موضوع مینویسد .

«هنگامی که مظفرالدینشاه بسلطنت رسید خزانه ایران رابیش از آنچه تصور میشد خالی یافت مخارجی که درهر تغییرسلطنت پیش می‌آید خیلی زیاد است . در سال ۱۸۹۸ (موقع صدارت میرزا علیخان امین الدوله) دولت ایران فوق‌العاده در مضیقه مالی بود بخصوص که شاه قصد سفراروپا راهم داشت . در این وقت پولی در بساط نبود که شاه بتواند با آن پول باروپا برود حتی برای مخارج عادی هم پول نداشتند . دولت ایران بفکر افتاد از خارج قرض کند.

دولت ایران از بانك شاهنشاهی خواست که ازبازار لندن تحقیق نماید که آیا ممکن است این قرض در آنجا فراهم شود ؟ نتیجه تحقیقات آن شد که گفتند تادولت انگلیس جداً از این موضوع حمایت نکند انجام این قرض ممکن نخواهد بود . در آن تاریخ وزیر مختار انگلیس درطهران سرمورتیمردوراند (۱) بود که کوشش زیادی بکار میبرد که این قرض عملی گردد ولی نتیجه نداد زیرا مقامات مربوطه لندن تردید داشتند و تعلل میکردند .

وثیقه‌ای که دولت ایران میداد عبارت بوداز عایدات گمرکات جنوب واین وثیقه مناسبی بود چونکه ما در جنوب ایران منافع مهم سیاسی واقتصادی داریم وبهتر بود که غیرازخود دولت انگلیس کسی در آنجاها امر و نهی نکند ودخالتی نداشته باشد

آیا لزومی داشت که گمرکات همانطور که سرمایه‌داران اصرار داشتند بادست خودما اداره شود ؟ ویابهتر نبود بنحویکه دولت ایران پیشنهاد میکرد خود ایرانیها اداره کنند واگر درعمل نواقصی پیداشد آنوقت مداخلات بکنیم؟ در اینجا بود که مذاکرات به بن بست رسید ونتیجه‌ای نداد . با آنکه در آخر کار بواسطه مضیقه شدید مالی ایران بانك شاهنشاهی حاضرشد که درصورتی که گمرکات بوشهر و کرمانشاه بادست عمال بانك اداره شود مبلغ پنجاه هزار لیره برای رفع احتیاجات فوری بدولت ایران بپردازد معهذا این بار نیز بمسامحه گذشت ومذاکرات بجائی نرسید ودر ضمن نفوذهای دیگرهم وارد شد وباین مذاکرات خاتمه‌داد.»

نتیجه مذاکرات امین الدوله باانگلیس باینجا رسید که انگلیسها پیشنهاد کردند مبلغ یك میلیون ودویست وپنجاه هزار لیره برای مدت پنجاه سال بافرع صدی پنج بدولت ایران بدهند ودر عوض تمام مالیات مملکتی ودرآمد گمرکات جنوب رادردست بگیرند وحتی پیش نویس قرارداد این وام رادر هفت فصل تهیه کردند .

در فصل چهارم این قرارد نوشته شده بود «علاوه بر کلیه مالیات مملکتی اعلیحضرت اقدس شهریاری بطوراختصاصی درازاء این استقراض واگذار مینماید کل وجوه گمرکی

1-Sir Mortimer Durand

بنادر و نقاط واقعه‌در خلیج‌فارس وولایات کرمانشاهان‌وشیراز و محمره و آنچه که‌حالیه‌دولت بهراسم‌ورسم مستحق مطالبه واخذ است و آنچه را که از این ببعد مستحق مطالبه واخذ باشد ....»

امین‌الدوله بواسطه حزم واحتیاطی که‌داشت باوجود اصرار و ابرام مظفرالدینشاه امضاء این‌قرارداد رابامروز وفردا میگذراند .

خودداری امین‌الدوله یکی بواسطه کمی‌مبلغ‌وشرایط‌سخت مخصوصاو ثیقه سنگینی بود که انگلیسها میخواستند ودیگر بواسطه تهدیدروسها بود .

بهرحال چون‌امین‌الدوله موفق بگرفتن این‌وام‌نگردید درتاریخ ۱۵ محرم ۱۳۱۶ هجری‌قمری (۵ژوئن ۱۸۹۸) مجبورا ازصدارت استعفاداد وبقریه « لشت نشا » چهار فرسنگی رشت رفت .

بعداز استعفای امین‌الدوله چندروزی میرزامحسن‌خان مشیرالدوله بریاست وزراء منصوب شد وسرانجام درماه‌ژویه ۱۸۹۸ امین‌السلطان ازقم‌بتهران‌احضار گردید و مجددا درماه اوت همانسال بر کرسی صدارت‌ایران قرار گرفت .

در خلال این‌مدت که صحبت‌از تغییر صدراعظم ایران میرفت انگلیسها که فهمیده بودند بازیگر صحنه سیاست ایران امین‌السلطان «روسوفیل» خواهدبود بفعالیت شدیدی دست‌زدند ونامه‌هائی که‌درحقیقت اتمام‌حجت‌بود بدولت‌ایران نوشتندازجمله بانک شاهنشاهی در ماه ربیع الاول ۱۳۱۶ هجری‌قمری نامه ذیل‌را بعنوان‌میرزا نصراله خان‌مشیرالدوله وزیر امور خارجه ایران‌مینویسد

« بانک شاهنشاهی

«۲۳ ژوئیه ۱۸۹۸

« ۳شهر ربیع‌الاول ۱۳۱۶

« خدمت جناب مستطاب اجل اکرم آقای مشیرالدوله وزیر امور خارجه »

« دامت شوکته‌العالی

« باکمال احترام خاطرمبارک جناب‌مستطاب اجل‌عالی‌را مسبوق‌میداریم ازاینکه»

« اداره بانک‌شاهنشاهی تاالساعه برشرایط یک‌میلیون ودویست وپنجاه هزار لیره »

« انگلیسی استقراض که در قرارنامه بخط انگلیسی نوشته‌شده وبنظرمبارک رسیده»

« باقی وثابت‌هستند وجواب اظهارات‌ماباید‌درظهر سه‌شنبه ۲۷ماه‌ژوئیه‌حالیه‌مطابق»

« باهفتم شهرحال‌باداره مرکزیه لندن بانک‌داده شود واگردرموقع مذکور جواب»

« به‌آنها نرسد موسسین‌مجلس استقراض‌متفرق گشته‌ازاین‌فقره‌صرفنظر خواهندنمود»

« و بعد از آن دیگر ابواب مکاتبه و مخابره مسدود خواهد شد زیاده عرضی »

« نیست رابینو .»

دوروز بعد سفارت انگلیس نیزاین‌نامه رامینویسد .

« جناب مستطاب اجل‌اکرم افخم‌را باکمال احترام تصدیع افزامیگردد .

«روز پنجشنبه گذشته بجناب مستطاب اجل‌عالی اظهار داشت که‌دوستدار یقین‌دارد»

« این‌تکلیف که مبلغ‌وجه استقراض را به‌دومیلیان برساند نمیتواند قبول‌نمایند چرا»

« که وثیقه آن بقدر کفایت نیست حال جناب مستطاب اجل لاردسالیسبوری تلگرافا »
« بدوستدار اطلاع داده‌اند که بانك قبول نمیکند که تکفل زیاده از همان مبلغ رابنماید »
« وهمین مطلب راهم برئیس بانك اطلاع داده‌اند ازقرارمعلوم مشارالیه‌هم سوادی از »
« آن تلکراف بجهة جناب مستطاب اجل عالی فرستاده است وبقیه ترجمه تلگراف »
« جناب اجل لاردسالیسبوری ازقرار ذیل است .

« (زحمت‌زیاد بدولت‌اعلیحضرت پادشاه انگلستان وسفارت وارد آمده وبواسطه »
« اظهارات اکیده دولت‌ایران که دراین کارهمراهی بعمل آید، بالغی مخارج تلکراف »
« شده است مخارج‌وزحمات بانك‌هم‌زیاد ازاینها بوده اگردولت ایران میتواند که »
« بی‌قرض بسازد ماشکایتی نداریم واین‌درصورتی‌است که مراجعه بمعامله دیگری »
« نه‌نمایند که منافی‌مصالح دولت‌انگلیس ویابانك بوده‌باشد چراکه بعداز آنچه »
« گذشته است نمیتوانیم ازادعای بانك صرفنظر کنیم اگرازآنطرف دولت‌ایران به »
« خواهد باین‌قسم شروطی که بانك شاهنشاهی قبول کرده‌است‌ازجای‌دیکر استقراض »
« نماید حق رنجش کلی خواهیم‌داشت) . »

« دراین موقع احترامات فائقه قلبی‌خودرا تجدید مینماید .

« فی پنجم شهرربیع الاول ۱۳۱۶ محل امضاءوزیرمختارانگلیس (سرمورتیمردوراند) »

والنتین چیرول در دنباله شرحی که راجع باین قرض نوشته وقبلا قسمتی‌از آن نقل گردید مینویسد .

« حال در این موضوع نفوذ دولت امپراطوری روس بود که با این‌قرض مخالفت میکرد همانطور که مخالفت‌خودرا بایك‌قرضی که دولت انگلیس میخواست بچین بدهد در ژانویه ۱۸۹۸ در پکین عنوان کرد و نگذارد انجام شود ؟

بهرحال مشکل‌است که دراین باب اظهار عقیده کرد .

روسها غیر مستقیم فشار خود را بوسیله‌دوستان درباری خویش بشاه وارد می‌آوردند و شاید علت اصلی همین بود ودر هر صورت معامله انجام نشد.

مضیقه مالی وبی‌پولی خزانه دولت ایران وفقر وبیچارگی مردم افزوده میشد وامین‌الدوله که مظنون به طرفداری انگلیس بود از نظر شاه افتاد و اتابك اعظم باحمایت دولت روسیه بار دیگر بصدارت منصوب‌شد .

مطابق نقشه بانك روس وچنین موسسه‌ای که بنام بانك استقراضی تحت نظر وزیر مالیه روس تاسیس‌شده بود ومسلم بود شعبه‌ای از بانك دولتی روسیه است پس از رد کردن پیشنهاد دولت انگلیس که این قرض را دولتین انگلیس وروس بایران بدهند حاضر شد که این قرض بتنهائی از طرف روسها بدولت ایران داده شود .»

امین‌السلطان که برخلاف امین‌الدوله‌متمایل بسیاست‌روسها بوددرهمان‌اوان‌صدارت دنباله مذاکراتی راکه برای‌استقراض باانگلیس‌ها بعمل‌آمده بود قطع‌میکند وباسفارت روس درتهران واردمذاکره میشود و ضمنا تلگرافی بمیرزا رضاخان ارفع‌الدوله وزیر مختار ایران‌درپطرزبورغ مخابره مینماید که جدا بااولیای دولت روسیه برای استقراض وارد مذاکره گردد .

ارفع‌الدوله پس‌از مذاکره‌ای که باکنت‌موراویف (۱) وزیرامور خارجه روس به

---

1 – Count Muraviev

عمل می آورد طی شماره ۳۱۲ مورخ دهم شعبان ۱۳۱۷ ضمن گزارشی که بطهران برای امین السلطان صدراعظم میفرستد جریان این ملاقات را شرح میدهد

ارفع الدوله میگوید پس از آنکه بوزیر امور خارجه روسیه گفتم شما همه گونه وعده کمك و مساعدت بما دادید و وزیر مختار شما در طهران در انجام این تقاضا وعده صریح داده است ، وزیر امور خارجه گفت که ما بوزیر مختار خودمان نگفته ایم که در باب استقراض با یران وعده صریحی بدهد - ارفع الدوله در جواب میگوید .

« ... چنانچه خودتان میدانید حالت حالیه ایران طوریست که اگر شصت ملیون »
« فرانك قرض نکند نه اینکه خیالات حسنه بندگان اعلیحضرت قدر قدرت اقدس »
« همایونی روحنا فداه در باب نظم و ترتیب امور داخله و آبادی مملکت و اصلاح خزانه »
« صورت وقوع نمیتواند پیدا کند بلکه احتمال یك بی نظمی داخله هم مظنون است .
« صدراعظم سابق شصت ملیون فرانك از انگلیسها قرض کرده و پول در بانك »
« انگلیس حاضر و فقط منتظر امضای قرارنامه بودند که جناب اشرف آقای امین - »
« الدوله معزول و حضرت مستطاب اشرف آقای امین السلطان بصدارت ایران منصوب »
« شدند اول کاری که کردند قرارنامه استقراض انگلیس را بواسطه دوستی و خواهش »
« روسها بهم زده و خواست این قرض را توسط آنها بکنند و هر قدر این استقراض بتاخیر »
« میافتد آنقدر دشمنان و مدعیان حضرت مستطاب معظم در پیشگاه فلك دستگاه »
« همایونی و نزد وزراء و غیره بر علیه ایشان بیشتر زبان درازی کرده و مورد طعن و »
« ملامت شان میکنند که بواسطه دوستی روس استقراض انگلیس را بهم زده و دولت »
« را دچار اشکالات نمود حالا صریحا می گویم اگر چنانچه چند ملیون منات عجالتا »
« پیشکی بدولت ایران ندهید و وعده صریح ندهید که همینکه صرافخانه های فرنگستان بحال »
« بیاید عمل شصت ملیون فرانك استقراض را خواهید گذرانید و دولت ایران را آسوده »
« خواهید ساخت فی الفور حضرت صدارت پناهی استعفا خواهند داد و جناب امین الدوله سر کار »
« آمده همان روز اول از انگلیسها شصت ملیون را خواهد گرفت اگر تصور کنید انگلیس »
« حالا پول نمیدهد اینطور نیست یك هفته قبل شارژدافر انگلیس بمن گفت که شصت »
« ملیون فرانك موجود و انگلیس حاضر است تنها این قرض را بدولت ایران بدهد »
« اگر در جواب این فقره کسی بگوید که دولت روس هم آنوقت اعلان جنك »
« بایران خواهد کرد و دولت ایران استعداد مقاومت ندارد می گویم صحیح است و »
« چنین نیست که من از قوه خودمان بی خبر باشم ولی نباید فقره رژی و تلگراف مرحوم »
« میرزای شیرازی طاب ثراه را فراموش کرد که بیك تلگراف دریك روز در همه »
« ایران تماما قلیانها را شکستند و تنباکوها را آتش زده انگلیس ها را مجبور کردند »
« که از رژی صرفنظر نموده از ایران بروند یقین دارم که با وضع حالیه علمای ملت »
« اعلان جهاد خواهند کرد و جمیع اهالی ایران بهیجان آمده و آتشی خواهند افروخت »
« که صدهزار قشون هم قادر بر اطفای آن نباشد »

ارفع الدوله در دنباله آن مینویسد که این گفته ها در وزیر امور خارجه روس اثر خوبی بخشیده و قرار شد که در اینکار مساعدت کرده ترتیبی برای آن بدهد .

بالاخره پس از ملاقاتهائی که با کنت موراویف وزیر امور خارجه میکند می گوید که

«... کنت موراویف اعلان میکند که دولت روس راضی میشود که شصت ملیون »
« فرانك برای ایران قرض کند بضمانت جمیع گمرکات ایران . باستثنای خلیج فارس»
« وخود فارس ودر صورتیکه واردات گمرکات کفایت نکند جمیع واردات ایران »
« در عوض این قرض ضمانت میشود بسه شرط
« اولا دولت ایران متعهد شود که تااداای این شصت میلیون هیچ قسم قرض دیگری»
« از خارجه نکند.
« ثانیا باید از این شصت ملیون قرض سابق روس وانگلیس داده شود (۱)
« ثالثا - دولت ایران قرارنامه سابق راتجدید کرده ومتعهد شود که تاده سال»
« غیر از دولت روس بدولت دیگری امتیاز راه آهن در ایران ندهد ...»

ارفع الدوله باقدامات خود ادامه میدهد و برای تعدیل شرایط پیشنهادی روسها ملاقاتهائی بعمل میآورد و سپس بتاریخ همان دهم شعبان ۱۳۱۷ (پنجشنبه ۱٤ دسامبر ۱۸۹۹) از پطرزبورغ گزارشی بشرح ذیل برای امین السلطان بطهران میفرستد

« سفارت دولت علیه ایران درپطرزبورغ
« ۱۰ شعبان ۱۳۱۷ نمره ۳۱۳
« یك روز بعد از ارسال مراسله غیر رسمی بانضمام ترجمه مضمون تلگراف »
« بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اکرم افخم اعظم روحی فداه نزد »
« وزیر امور خارجه روس معزی الیه چاکررا بمنزل خود دعوت نموده گفت بموجب»
« کاغذشما درباب استقراض اقدامات کرده‌ام شماهم باوزیر مالیه ملاقات وگفتگوی»
« شرایط آنرا بعمل بیاورید و همین امروز به حضرت مستطاب اجل اشرف آقای»
« صدراعظم تلگراف بکنید که اولیای دولت روس ازدیدن ایشان درمسندصدارت»
« همیشه خوشوقت بوده وخواهند بود وهرقسم سعی را دراستحکام ایشان واجرای»
« مقاصد اولیای دولت ایران بعمل خواهند آورد چاکرعصر همانروز نزد وزیرمالیه»
« رفت معزی الیه بعد از گفتگوی زیاد گفت بهتر است قرار بگذاریم فرداسه نفری»
« درمنزل وزیر امورخارجه مجلس کرده ومتفقاً قراراینکار را بدهیم والا اگرشما»
« باهریك ازما همیشه جداگانه گفتگو نمائید این مطلب خیلی طول خواهد کشید و»
« اتفاق درمیانه مشکل خواهد بود فردای آن یکساعت ازظهر گذشته برحسب خواهش»
« مکتوبی چاکروزیر خارجه، جناب وزیر مالیه وچاکر را قبول کرد و درابتداء»
« مجلس همان شرائط اولی را که تکلیف کردند چاکر فردافرد عیوبات وعدم امکان»
« آنهارا بمعزی الیهما بیان کرده‌ود باب تکلیف ایشان بدولت ایران برای تعهد»
« عدم استقراض دیگری بدون اجازه دولت روس چاکر گفت که قبولی این فقره»
« بااستقلال دولت علیه منافات داردواگر بنا براین باشد که بازشما درسر این مسئله»

---

۱ - منظور از قرض انگلیس همان قرض پانصدهزار لیره انگلیسی است وهمچنین منظور ازقرض روسها ظاهرا طلبی است که بانك تجارتی بین‌المللی مسکو بمبلغ ۳۵۲۹۷۹ تومان از ایران داشت ودر ۲۷ رجب ۱۳۱۷ قراردادی بین امین‌السلطان ونماینده‌گی آن بانك در تهران منعقد گردید که درهفت قسط تا ۲٦ جمادی‌الاولی ۱۳۱۸ تمام آن پرداخت شود ونیز پنجاه‌هزار لیره طلب بانك استقراضی روس بود.

«ایستادگی نمائید من ابداً راضی نشده وازاین مأموریت خود استعفا خواهم کرد»
«آخرالامر قرار براین شد که مدت بقای این شرط را محدود نمائیم وتکلیف»
«کردند که دولت ایران متعهد بشود تااین قرض دولت روس‌را رد نکرده‌است»
«استقراض دیگری نکند و گفتند در حقیقت این قرار ضروری بحال و استقلال»
«ایران ندارد واسباب استخلاص آن است زیرا که تادولت ایران خاطر جمع»
«نشود که راه استقراض مسدود شده دول خارجه آسوده‌اش نخواهند گذاشت‌و»
«این پول‌را هم گرفته فوراً تلف کرده بخیال قرض دیگری میافتد و کم کم پست‌ـ»
«خانه وتلگرافخانه وسایر واردات مملکت‌را رهن خواهند گذاشت و بالطبع»
«کار ایران بسختی رسیده ما مجبورخواهیم‌شد که بادول دیگر در ایران سر»
«بسر بگذاریم والا زمین ومملکت روس بدرجهٔ وسیع است که ازعهده اداره»
«آن بااشکال برمیآئیم وابدا درخیال توسعه خاك روس نیستیم و بهرقیمتی در»
«استحکام دولت وترتیب کارهای مملکت ایران مساعدت خواهیم کرد.

«درباب شرط عدم‌بنای راه آهن ایران تاده‌سال دیگر وامتداد امتیاز قدیم»
«چاکر گفت که این فقره مصلحت خوددولت روس نیست واین قسم‌خیالات روس»
«درانظار تمام‌فرنگستان واهالی‌ایران مانع وسد راه تربیت بقلم خواهد رفت»
«وجمیع روزنامهای داخله وخارجه هر روز فصلی دراین فقره مینویسند ضرر»
«وخسارتیکه ازبی‌راهی هرسال بمال وجان وتجارت ایرانیان واردمیآید بهمه»
«عالم واضح‌است بخودشماهم البته پوشیده نیست.

«بعد ازاین اظهارات چاکر، گفتند پس شرط کنید که تامدت‌ده سال دیگر»
«فقط دولت‌روس حق ساختن راه آهن‌را داشته باشد اگر درظرف این مدت»
«بموجب‌اجازه‌مخصوص‌دولت ایران‌وقراردادجدید دولت‌روس بشرایط خوب راه»
«آهن‌درایران‌ساخته‌وحرف مردم وروزنامه نویس‌هارا قطع کرد فبها والا دیگر»
«آنوقت‌تکلیف‌ازاولیای دولت‌ایران‌ساقطخواهد بوددرهمان‌مجلس که یکساعت»
«ونیم‌طول کشید قرار شداین ترتیبات‌جدیدرا که گفتندتاانجام عمل‌خیلی‌محرمانه»
«باشد و تلگرافاً بعرض برسانید که اگر قبول فرمایند به مابقی مذاکرات و»
«شرایط که تقریباموافق‌همان قرارنامه‌مرسوله وزارت جلیله خارجه خواهدشد»
«درثانی شروع کرده و عمل استقراض شصت ملیون فرانك راختم نمائیم وزیر»
«مالیه گفت که وجه مزبور یابه بانك دولتی روس یابیانك دیگر پطرزبورغ»
«حواله داده خواهد شد حال منتظر دستور العمل و جواب تلگراف هستم که»
«بهرچه امر شود‌اطاعت کندزیاده‌جسارت‌است الامر الاجل‌الاشرف‌روحی فداه»
«مطاع محل مهر الراجی رضا»

خلاصه بعد ازاین مذاکره و مذاکرات دیگری که بین‌طرفین بعمل میآید درشرایط استقراض توافق حاصل و قرار داد آن تنظیم میشود و میرزا رضا خان ارفع الدوله وزیر مختارایران در پطرز بورغ بنمایندگی ازطرف‌دولت‌ایران آنرا امضاء میکند.

ازلحاظ تاثیری که شرایط ننگین این استقراض درشئون اقتصادی وسیاسی ایران
تهاست متن آنرا در اینجا نقل مینمایم .

« ترجمه قرارداد ۲۲ میلیون ونیم منات استقراض ۱۹۰۰ ازقرار تنزیل صدی -»
«پنج طلا ».

«مابین امضاء کنندگان ذیل جناب آقای میرزارضاخان ارفع الدوله آجودان مخصوص»
«وماموروفوق العاده ووزیرمختار اعلیحضرت پادشاه ایران ازیکطرف و بانك استقراضی»
«ازطرف دیگر موادذیل منعقد گردیده است .

«فصل اول - برطبق فرمان اعلیحضرت پادشاه ایران مورخه ٤جمادی الاول ۱۳۱۷»
«(مطابق ۳۰اوت ۱۸۹۹ مسیحی)دولت امپراطوری ایران بانتشاریك استقراض»
«مملکتی که جمع حساب آن اسما معادل ۲۲میلیون و نیم منات میشود اقدام خواهد نمود(یك»
«منات معادل $\frac{۱}{۱۵}$ امپریال بوده وشامل ۱۷ دولی ٤۲٤ هزازم دولای طلا مطابق »
« قانون مسکوکات ۱۹/۷ ژوئن۱۸۹۹ خواهد بود .)

« این استقراض باتنزیل صدی پنج از اصل اسمی آن بوده وباسم (استقراض۱۹۰۰»
« دولت ایران از قرار تنزیل صدی پنج طلا) موسوم خواهد بود این مبلغ درمدت»
« هفتاد وپنج سال تادیه خواهد شد .

« فصل دویم - بانك استقراضی ایران بموجب امضای این قرار داد(استقراض»
« ۱۹۰۰ دولت ایران ازقرار تنزیل صدی پنج طلا) متعهد میشود که یك جمع حساب »
« اسمی معادل ۲۲میلیون ونیم منات را قبول نماید .

« قیمت آن ۸٦ بعلاوه $\frac{۲}{۳}$ درصد از اصل سرمایه اسمی بکسر یك بعلاوه دو در»
« صد(که برای جبران مخارج انتشار وتمبر وترتیب اسناد وغیره معین شده) است »
« میشود که بقیمت خالص ۸۵ در صد و یا ۱۹۱۲۵۰۰۰ منات بعلاوه منافع معینه »
« خواهد بود .

« فصل سیم - برای کلیه جمع حساب(استقراض ۱۹۰۰دولت ایران از قرار تنزیل»
« صدی پنج طلا) دولت علیه ایران یك تعهدنامه عمومی بروسی وایرانی که دارای امضای»
« قانونی ایرانی ها بوده باشد تهیه خواهد نمود .

« تعهدنامه مذکوره باداره بانك استقراضی ایران درسن پطرزبورغ تسلیم میشود»
« که آن را تاموقع استهلاك کامل این استقراض نزد بانك مملکتی روسیه امانت »
« خواهد گذارد .

« فصل چهارم- تمام عایدات کل گمرکات دولت علیه ایران باستثناء گمرکات فارس»
« وبنادر خلیج فارس ایران در ضمانت (استقراض ۱۹۰۰ دولت ایران ازقرار تنزیل»
« صدی پنج طلا) خواهند بود .

« عایدات گمرکات عبارت هستند ازعایدات موجوده وهمچنین از عایدات گمرکاتی»
« که برای مدت یکسال مالیه (از۲۱مارس ۱۸۹۹ الی ۲۰مارس ۱۹۰۰) اجاره »

« داده‌شده وعایدات گمرکاتی که توسط دولت اداره میشود ۰ واضح است که این »
« استقراض بالنسبه بتمام سایر دیون در خصوص عایدات جزئی یا کلی از گمرکات »
« فوق الذکر دولت امپراطوری ایران (که میتوانند مقید ببعضی قراردادهای سابق»
« وحالیه ویا آتیه بوده باشند.) سمت اولویت مطلقه راخواهد داشت.
« فصل پنجم- کلیه عایدات گمرکات فوق الذکر (فصل چهارم) دولت امپراطوری»
« ایران در طهران ببانك استقراضی ایران پرداخته خواهدشد واز این عایدات قسط »
« ششماهه در مدتیکه قبلا معین شده و ۷۵ سال خواهد بود موضوع میگردد و آن عبارت»
« است از ۲۵۶۳۱۲۳ درصد از اصل اسمی بعلاوه یك چهارم درصد بابت حق کمیسیون»
« قسط مذکوره که هر قسطی ۵۷۸۱٤٤ منات میشود وموقع پرداخت آن از اول ژوییه»
«۱۹۰۰ خواهد بود.
«فصل ششم - چنانچه عایدات مذکوره که ببانك استقراضی ایران پرداخته میشود»
« جمع حساب آن در سال از مبلغ یك میلیون وصد وپنجاه وششهزار و دویست وهشتاد»
« وهشت منات تجاوز نماید بقیه آن باختیار خزانه دولت امپراطوری ایران گذارده»
« خواهد شد وچنانچه وجوهی را که دولت امپراطوری ایران میپردازد معادل مقدار»
« مبلغ مذکور نباشد وموعد قسطی هم بگذرد بموجب همین قرارداد دولت امپراطوری»
« ایران با بانك استقراضی موافقت نموده ببانك مذکوره حق تفتیش واقعی درموضوع»
« اخذ عایدات گمرکات مذکوره (فصل چهارم) برای تحقیق جمع حساب عایدات»
« خواهد داد این حق تفتیش و تحقیق در صورتیکه اقساط ششماهه توسط عایدات»
« مذکوره کاملا پرداخته شده باشد بموقع اجراء گذارده نخواهد شد
« فصل هفتم - درصورتیکه باوجود تفتیش فوق درفصل ششم مذکور است یك»
« تاخیر جدیدی در پرداخت اقساط ششماهه حاصل شود بانك استقراضی ایران حق»
« خواهد داشت که بحساب دولت امپراطوری ایران بتاسیس اداره مستقیمی برای تمام»
« گمرکات دولت علیه ایران باستثنای گمرکات فارس وبنادر خلیج ایران که در تحت»
« اداره خزانه دولت امپراطوری ایران باقی خواهند ماند اقدام نماید.
« تاسیس این اداره بشروط ذیل خواهد بود.»
« الف - انتخاب اعضاء با بانك استقراضی ایران خواهد بود ولی مخصوصا اداره»
« مذکور بایستی از اعضائی که اتباع دولت علیه ایران بوده باشند تشکیل یابد به»
« استثنای ۲۵ نفر از روسا که برای انتخاب آنها بانك مذکور اختیارات تامه»
« خواهد داشت »
« ب - بانك مذکور مقید است که تعرفه های قانونی را مجری داشته و حقوق»
« گمرگی موجوده را دریافت دارد وبدون رضایت دولت امپراطوری ایران بحقوق»
« مذکوره اضافه ننماید.»
« ث - دولت امپراطوری ایران حق تفتیش این اداره را برای خود »
« محفوظ میدارد.»

« د ـ مخارج اخذ عایدات واداره وهمچنین دوقسط ششماهه ازعایدات مذکوره»
« موضوع گردیده بقیه چنانچه چیزی باقی بماند باختیار دولت امپراطوری ایران»
« گذارده خواهد شد .»
« فصل هشتم ـ درصورتیکه عایدات گمرکات حاصله از اداره بانك (فصل ۷)»
« برای پرداخت کامل یك قسط ششماه غیرمکفی بوده باشد دولت امپراطوری ایران»
« تهیه یك ضمانت نامه منضمی خواهد نمود . تعیین نوع این ضمانت نامه منضمی»
« بموافقت مخصوصی بین دولت امپراطوری ایران و بانك استقراضی ایران»
« خواهد بود .»
« فصل نهم ـ حاصل خالص (استقراض ۱۹۰۰ دولت ایران از قرار تنزیل»
« صدی پنج طلا) (فصل دویم) بطریق ذیل باختیار دولت علیه ایران گذارده»
« خواهد شد .»
« الف ـ مبلغی معادل ۱۰۵۵۳۶۰ منات و۵۳ کپك یا ۱۰۶۳۹۰۰ قران بعلاوه»
« منافع معینه وهمچنین براتهائی که وجه آن قبلا دریافت شده توسط بانك استقراضی»
« ایران برای پرداخت حاضر خواهد بود .»
« ب ـ بانك استقراضی ایران قبلا اعلانات مقرره را نموده تمام استقراض یا»
« قرضی که دولت امپراطوری ایران ازبازار انگلیس و یاتوسط بانك شاهنشاهی»
« ایران نموده است بخصوص (قرض ۱۸۹۲ انگلیس ازقرار تنزیل صدی شش او (آوانسی»
« که تقریباً معادل دومیلیون ونیم قران میشود واز بانك شاهنشاهی ایران دریافت»
« گردیده است) اصلا وفرعا خواهد پرداخت . مبلغ لازم برای پرداختهای مذکوره»
« بحساب لیره استرلینگ از قرار نرخ معوضه لندن به بورس سن پطرزبورغ ازحاصل»
« خالص استقراض ۱۹۰۰ دولت ایران ازقرار تنزیل صدی پنج طلا) کسر ونقصان»
« خواهد گردید .»
« ث ـ بقیه مبلغ خالص استقراض مذکور بطریق ذیل باختیار دولت امپراطوری»
« ایران گذارده خواهد شد»
« ۱ ـ درسن پطرزبورغ بوسیله تمسکات اعتباری ویاشمش های نقره که بحساب»
« دولت امپراطوری ایران وبمنافع دولت مذکوره بااهتمامات بانك که حق السعی»
« خرید خودرا منظور خواهد داشت خریداری شده است .»
« ۲ ـ درطهران نیز بوسیله تمسکات اعتباری ویاشمشهای نقره مخارج ارسال»
« شمشهای نقره بدولت امپراطوری ایران تعلق خواهد یافت »
« ۳ ـ درانتقال (تحویل) به لندن وپاریس وبرلن ویا شهرهای دیگر روسیه»
« غیر ازسن پطرزبورغ بانك استقراضی ایران حق السعی خودرا برداشته بنرخ روز»
« تسلیم خواهد نمود»
« ادای بقیه مبلغ استقراضی بچهار دفعه که هریك بادیگری یك ماه فاصله داشته»
« باشد تحویل وپرداخته خواهد شد که قسط اول آن بمبلغ ۱۸۷۵۰۰۰ منات و»
« بلافاصله بعد ازامضای این قرارداد پرداخته شده و سه قسط سایر بمنافع مساوی»

« خواهند بود .
« فصل دهم ـ برای بقیه حساب مذکوره درفصل نهم که بایستی پرداخته شود»
« بانك استقراضی ایران یك حساب جاری مخصوص ازقرار تنزیل صدی چهار در»
« سال برای دولت امپراطوری ایران بازخواهد نمود .
« این حساب ازطرفی توسط یك قسمت از مبلغ خالص استقراض دارای اعتبار»
« شده وازطرف مقابل بمصرف مبالغ معینه که توسط بانك بادای قروض دولت امپراطوری»
« ایران داده شده خواهد رسید ونرخ استفاده بین اثنینی مطابق فصل نهم باختیار»
« دولت علیه ایران گذارده خواهدشد »
« فصل یازدهم ـ بانك استقراضی ایران متعهد میشود باینکه از بانك شاهنشاهی»
« ایران درپرداخت اصل اسمی (استقراض ۱۸۹۲ انکلیس ازقرار تنزیل صدی شش)»
« که جمع حساب اصلی آن معادل ۱۵۰۰۰۰۰ میشود در همان تاریخ که دولت»
« امپراطور ایران برای بانك مزبوره معین کرده است سبقت جوید (فصل نهم)و»
« همچنین متعهد پرداخت تمام سایر استقراضات وقروضی که توسط بانك شاهنشاهی»
« ایران دولت امپراطوری ایران نموده است خواهد بود . »
« بانك استقراضی ایران مبالغ معینه که برای ادای استقراض وقروض فوق الذکر»
« تخصیص داده شده الی تاریخی که توسط دولت امپراطوری ایران برای پرداخت»
« آنها معین خواهد شد نزدخود محفوظ میدارد مطابق اعلانات قبلی مقیده (فصل»
« نهم د) اسنادیکه وجوه آنها ادامیشود ومتعلق است به (استقراض ۱۸۹۲ انکلیس»
« ازقرار تنزیل صدی شش) بهمان طرز وتدریجی که ماخوذ میشود باختیار دولت»
« علیه ایران گذارده خواهد شد.»
« فصل دوازدهم ـ بانك استقراضی ایران برای اینکه شاید بتملك وجوهیکه به»
« دولت امپراطوری ایران مساعده داده شده موفق شود بموجب همین قرارداد حق»
« انتشار یکقرضه ایران راباصول ذیل برای خود برقرار میدارد .»
« الف ـ استقراض دولت علیه ایران بضمانت دولت امپراطوری روسیه »
« خواهد بود .»
« ب ـ جمع حساب اسمی استقراض ضمانتی و نرخ منافع آن توسط بانك استقراضی»
« ایران معین خواهندشد بطوریکه مبالغ خالص استقراض ازبقیه (استقراض ۱۹۰۰ دولت»
«ایران ازقرار تنزیل صدی پنج طلا) که ادانشده است تجاوز ننماید واستقراض ضمانتی»
« مذکوره بایستی درمدتی که قبلا معین شده است کاملا برای استهلاك (استقراض»
« ۱۹۰۰ دولت ایران ازقرارتنزیل صدی پنج طلا) پرداخته شود»
« ث ـ اسنادی که نوشته خواهند شد بمنات بوده وبه پول خارجی بکلی مساوی»
« باوجوهی که در استقراضات دولت امپراطوری روسیه قبول شده است معین»
« خواهد شد . »
« د ـ تمام اسناد استقراض مذکوره بطور همیشگی ازتحمیل کلیه مالیاتهای ایران»
« که حالیه برقرار هستند و یااینکه بعدها برقرار خواهند شد معاف میباشند و

« همچنین از کلیه ماخوذاتی که از طرف دولت امپراطوری ایران باشد معاف»
« خواهد بود . »
« تمام سایر امور واجع بانتشار و اسناد و اداره استقراض وغیره بعیل بانک»
« استقراضی ایران مرتب خواهند شد.
« ف - بانک استقراضی ایران تمام مخارجی که ازانتشار واداره استقراض دولت»
« علیه ایران بضمانت دولت روسیه حاصل میشود بعهده خواهد گرفت وانتشاراحتمالی»
« این استقراض هیچ مطابقتی باتعهداتی که دولت امپراطوری ایران بموجب این»
« قرارداد درخصوص (استقراض ۱۹۰۰ دولت ایران ازقرار تنزیل صدی پنج طلا)»
« (فصل پنجم) نموده است نخواهد کرد »
« فصل سیزدهم - دولت امپراطوری ایران حق تادیه (استقراض ۱۹۰۰ دولت»
« ایران ازقرار تنزیل صدی پنج طلا) را قبل ازاتمام مدت استهلاك آن ازابتدای»
« تاریخ غره ژانویه ۱۹۱۰ درصورتیکه ششماه قبل بانک استقراضی ایران رامستحضر»
« نمایدخواهد داشت »
« دراین موقع بانک استقراضی ایران میتواند بقیه مبلغ احتمالی استقراضی دولت»
« علیه ایران بضمانت دولت امپراطوری روسیه را رد نموده ویااینکه بعهده خود»
« درجریان باقی گذارد و بشرط اینکه بعهده دولت امپراطوری ایران مخارجی»
« تعلق نیابد »
« فصل چهاردهم - مادامیکه (استقراض ۱۹۰۰ دولت ایران ازقرار تنزیل صدی»
« پنج طلا)کاملا پرداخته نشده است دولت امپراطوری ایران بهیچ استقراض خارجی»
« (ضمانتی یاغیر ضمانتی) بدون اینکه قبلاموافقتی بادولت امپراطوری روسیه حاصل»
« نماید مبادرت نخواهد نمود .»
« فصل پانزدهم - کلیه اختلافات حاصله که در موقع اجرای این قرارداد پیش»
« میآید بواسطه توافقی که بین دولتین امپراطور روسیه وایران حاصل خواهدشد»
« حل وتصفیه میگردد .
« فصل شانزدهم - این قرار داد دردو نسخه نوشته شده است که یکی از آن‌ها»
« برای دولت امپراطوری ایران ودیگری برای بانک استقراضی ایران تهیه شده است»
« واین نسخه های قراردادازهر گونه حقوق وتمبر روسیه وایران معاف خواهدبود .»
«غره ژانویه ۱۹۰۰ (مطابق ۲۸ شعبان ۱۳۱۷ هجری قمری)»

بعد از امضای این قرار داد ارفع الدوله ضمن گزارشی که بتهران میفرستد از زحمات و خدمات خود تعریف و تمجید میکند مظفر الدین شاه در حاشیه این گزارش نوشته است .

« هزار تومان انعام عجالة بارفع الدوله بدهید »

ودر گزارش دیگر راجع بزحماتی که کارمندان سفارت ایران درپطرزبورغ متحمل شده‌اند مینویسد .

« پانصد تومان هم باجزای سفارت بدهید »

دراینجا باید یادآور شد که انگلیس‌ها باآن اصرار وابرامی که ابتدا برای قرض دادن بایران داشتند وحتی تلگراف تهدید آمیز لرد سالیسبوری نخست وزیر انگلستان مبنی برآنکه اگر دولت ایران « ازجای دیگر استقراض نماید حق رنجش کلی خواهیم داشت » چرا عکس العمل شدیدی نشان ندادند ودولت ایران را دراستقراض از روسها آزاد گذاردند.

علت این امر گرفتاری های زیاد انگلستان درنقاط مختلف جهان مخصوصاً خاور دور و جنوب افریقا وجنگ بابوئرها وهمچنین اختلاف بافرانسه وروسیه در اروپا بود که امپراطوری انگلستان رابخطر انداخته بود ونمیتوانست درخاور میانه بیش از آن باروسها مخالفت ودست وپنجه نرم نماید.

هنگامی که مظفرالدین شاه وامین السلطان این وام را ازروسها گرفتند وقرارداد اسارت آمیز آنرا امضاء نمودند برای آنکه از تنفرعامه مردم نسبت بخود بکاهند شرحی درروزنامه رسمی ایران منتشر ساختند و چند دلیل واهی نیز برای عمل خود بیان کردند ودراینجا متن آن شرح را نقل مینمائیم.

«دولت ایران چهار قسم قرض داشت که ناچار باید یا قرار ادای آنهارا بدهد یا دوچار مشکلات لایتناهی گردد.

اول ـ قرض رژی که ابتدا پانصد هزار لیره بود وحالا چهار صد هزار لیره باقی‌است که باید تاسی سال بافرع صد شش داده شود و گمرکات فارس وبنادر فارس بضمانت این استقراض مقرر بود و سالی قریب دویست هزار تومان ازبابت اصل وفرع صدی شش باید داده شود.

دوم — قرض بانکهای روس وانگلیس‌ومسکوی که‌باین سه بانك پنج کرور و کسری مقروض بوده وسالی سیصد هزار تومان متجاوز ازقرار صدی دوازده فرع باید داده شود واصل آنها هم تماماً وعده‌های آن رسیده‌یا نزدیك شده و میبایستی داده میشد وگمرکات آذربایجان وگیلان و مازندران و غیره بضمانت قرض بانك روس مقرر بود

سوم - قرض‌تجار داخله قریب دوکرور بافرع صدی هیجده که سالی‌متجاوز از یکصدوهفتادهزار تومان فرع باید داده شود و اصل آن هم چون هیچ یك از این قروض ششماهه وعده بیشتر ممکن نبود لازم بود داده شود.

چهارم — قرض بارباب حقوق دیوانی بود که از چهار سال قبل تابحال بتفاوت از هرسنه مبلغی باقی بود ودرهذه السنه بقشون فقط یکماه جیره داده شد وبسایربرات دارها سوای آنهاکه بخرج ولایات منظور بوده هنوز دیناری نرسیده بود وازاین‌ها گذشته مخارج لازمه دیگر در آبادی مملکت واصلاح امور قشون‌وداخله و تصحیح جمع وخرج وتعمیر استحکام سرحدات وایجاد بعضی راههای عرابه روکوچك مابین دهات وبلوکات و وصل آنها بشهرها وایجاد بعضی مواد حاصل خیز مثل تعمیر سد اهواز باامثال آنها و خیلی از این‌قبیل‌ها در منتها درجهٔ لزوم بودند ولی بواسطه بی‌پولی امکان نداشت حل این معماجز بیکی ازدو صورت یاباید بردخل یعنی برمالیات‌افزود یاباید ازخرج کاست یعنی ازحقوق ومرسومات دیوانی ووظایف و غیره کم کرد هیچ یك از این دو خاصه بااین گرانی ونیامدن حاصل دراین سالهای اخیر جز خرابی رعیت وتمامی نوکر حاصل نداشت وعاجلا هم فایده نمی‌بخشید و خاطر رأفت ومرحمت مظاهر اعلیحضرت اقدس همایون ظل‌اللهی تصدیق‌وتصویب نفرمود واصلاح این امر وحل این مشکل را ضمیر الهام پذیر همایونی از راه دیگری اراده فرمودند اداره گمرکات دولتی که سالها بود مغشوش وغیر منظم گردیده ومحلی که انقدر وجوه دولتی بود تمام بعنوان بقایای

محلی سوخت ولا وصول مستاجرین ومباشرین وخرج تراشی وغیره تبدیل یافته بود مقرر فرمودند ترتیبی صحیح ودفتری منظم ومرتب بطور امانی اداره شود وازابتدای هذه السنه بامر قدر قدرت همایون مامورین قابل وامین وباعلم بامواجبی شایسته ازدولت بلجیک استخدام نموده واین کارارا بطور اداره مرتب ساختند چنانکه در همین سال اول فقط ازنظم عمل وحسن اداره مبلغی معتدبه بر آن افزوده وتمام برات بازی و کاغذ سازی آن بپول نقد مبدل گردید

بعد ازاین امتحان واضافه که حاصل شد صلاح دولت درآن شد که مبلغی ازبرای ادای قروض دولت و ادای حقوق دیوانی عموم نوکر و غیره ونگاهداشتن ذخیره برای عدم احتیاج بقرضهای صدی دوازده و شروع بکارهای خیر وفوائد عامه کافی شود بشرایطی سهل وصحیح استقراض شود واصل وفرع آن همه ساله ازاضافه جدید گمرك داده شود واین مسئله استقراض که سالها درمیان بود وبواسطه شرایط سخت وتکالیف شاقهٔ سرمایه داران اروپا صورت نمیگرفت دراین موقع تفضلات خداوندی شامل حال گردیده باقبال بی‌زوال همایون شاهنشاهی وسعی واهتمام اولیاء دولت قاهره استقراض بشرح ذیل انجام گرفت که اساس آن ازاین قراراست ودرنظرانصاف بهتر از این ممکن نیست زیرا که تقریبا به همین مبلغی که همه ساله برای فرع ده دوازده کرور قرض بایستی دولت میداد دوبرابر آن استقراض نموده قروض راادا میکنند وبعد ازاین هم بفضل الله التعالی محتاج بآن چنان قرضها نخواهد بود و هم محل ادای آنها قبل از وقت تهیه وآماده نموده در سر هرقسط بلکه چند روز قبل خواهد پرداخت بحول الله تعالی دولت علیه ایران مبلغ شصت میلیون فرانك تقریباً بیست وچهار کرور تومان پول رایج ایران است ازبانك استقراضی رهنی ایران قرض میکنند که درمدت هفتاد وپنج سال شمسی هرسالی مبلغ یکصد وشصت هزار تومان ادا نماید فرع این پول ازقرار صدی پنج درسال ازتومانی یکشاهی کمتراست سال بسال به نسبت هرقدرکه ازاصل باقی باشد در دوقسط ششماه بششماه داده خواهد شد ضمانت محل ادای اصل وفرع این استقراض از منافع گمرکات ایران باستثنای گمرکات فارس وبنادر فارس خواهد بود

تاهروقت که دولت ایران اقساط را درموعد خود میرساند حق هیچ نوع مداخله درگمرك ندارند ولی هرگاه وقتی تعلل ومسامحه درادای قسط نمایند ببانك حق داده میشود که کنترلی (تحویلداری) در اداره گمرك بگذارد که ابتدا قسط بانك را تحویل بگیرد بعد ازآن علاوه را دولت بمصارف خود برساند این شرط فقط محض استحکام عمل است وچون عمل کرد گمرك تقریباً دوبرابر ونیم قسط هرساله این استقراض است وگذشته ازآن قسط بانك سال بسال کم میشود وعایدات گمرك بواسطه کثرت آن تجارت وترقی امتعه وآبادی مملکت سال بسال زیاد میشود انشاءالله هیچ وقت محتاج نخواهد شد

چون دولت ایران ازاین قرض سایر قروض خودرا ادا خواهد نمود و حالا احتیاج بقرض نخواهد داشت لهذا ببانك وعده میدهد که قبل ازحصول رضایت بانك مزبور از دیگران قرض کلی ننماید

بانك استقراض رهنی مجاز است که اسهام این قرض را در سایر جاها منتشر نماید. «خاتمه»

باآنکه بمردم ایران وعده میدهند ازمحل این وام اقداماتی برای آبادی وعمران مملکت بعمل خواهند آورد ولی ظاهراً فقط بقیه وام بانك شاهنشاهی راکه در حدود چهارصد هزار لیره بود پرداختند وتقریباً دوماه و نیم بعد یعنی درتاریخ ۱۲ ذی الحجه ۱۳۱۷ هجری قمری (۱۲ آوریل ۱۹۰۰) مظفرالدین شاه ومیرزاعلی‌اصغرخان امین‌السلطان که دراین موقع لقب اتابك اعظم داشت پولهارا برداشته و عازم فرنك شدند ومدت هفت ماه درکشورهای مختلف اروپا مشغول عیاشی وتفریح بودند.

۵- قرض سال ۱۳۱۹ هجری قمری (آوریل ۱۹۰۲ میلادی)

در سال ۱۳۱۹ هجری قمری برای باردوم مظفرالدینشاه هوس میکند در اروپا بتفریح بپردازد بعنوان این سفر معالجه «شاه» ولزوم استحمام درآبهای معدنی کار لسبادبود. میرزاعلی اصغرخان امین السلطان که دیگر «اتابك اعظم»

نامیده میشدهمراه «شاه» خواهد بود در این‌موقع که مردم‌ایران درآتش فقرو فاقه می سوختند خزانه تهی وپولهائی که قبلا از روسها گرفته بودند تمام شده و چون بموجب قرارداد استقراض سال ۱۹۰۰ بجزاز دولت روسیه از دولت دیگری نمیتوانستند قرض به گیرند ناچار باز دست سئوال بجانب روسهادراز کردند.

اوضاع مالی دولت تزاری‌روس درآن هنگام چندان رضایت بخش نبود و روسها برای دادن وام‌بایران از یك دولت اروپائی مثل‌فرانسه با شرائطی سهل و ربحی خیلی کمتر قرض میگرفتند وبرای تحکیم نفوذ خـودبـاآن شرائط سنگین بـدولت ایران می دادند.

بهرحال امین‌السلطان بوزیرمختار ایران در پطرزبورغ (که در این وقت میرزا حسن خان مشیرالملك بود) دستور میدهد برای استقراض جدید با دولت تزاری روسیه گفتگو کند وبالاخره پس‌از مذاکراتی روسها حاضر می‌شوند باهمان‌شرائط قرض سابق مبلغ ده میلیون‌منات طلابدولت‌ایران وام‌بدهند مشروط‌برآنکه دولت ایران‌اطمینان بدهد که درتعرفه گمرکی بادولت عثمانی ودولت روسیه‌تغییراتی که مذاکرات آن ازمدتی‌قبل شروع شده خواهد داد تاواردات ایران وبالنتیجه درآمدگمرکی افزایش یابد و همچنین امتیاز ساختن راه شوسه‌جلفا تاقزوین‌به بانك استقراضی روس داده‌شود.

راجع بتعرفه گمرکی که لطمه بزرگی باستقلال ایران میزدبعدا درقسمت ۱۱ بحث خواهد شد و راجع براه شوسه جلفا تاقزوین نیزچنانکه درقسمت۸ شرح داده‌شد امتیاز ساختن این‌راه در ماه ذی‌الحجه ۱۳۱۹ هجری‌قمری یعنی مقارن‌امضای قرارداد استقراض به بانك استقراضی‌روس داده میشود.

خلاصه پس‌از آنکه قرارداد استقراض در ۱۵ فصل تنظیم میگردد درماه آوریل ۱۹۰۲ (ذی الحجه ۱۳۱۹ هجری قمری) بامضای نمایندگان طرفین میرسد.

در مقدمه این‌قرارداد چنین نوشته شده.

«مابین امضاء کنندگان ذیل جناب‌آقای میرزاحسن‌خان‌مشیرالملك مامورفوق-»
«العاده ووزیر مختار اعلیحضرت پادشاه ایران ازیکطرف‌وبانك استقراضی‌ایران»
«ازطرف دیگر مواد ذیل منعقدگردیده‌است.»

مبلغ این وام‌چنانکه گفته شد ده میلیون منات با فرع صدی پنج بمدت هفتاد و پنج سال بود.

بقیه شرایط تقریبا ماننـدقرارداد استقراض سال ۱۹۰۰ میباشدکه برای جلوگیری از تطویل ازنقل متن آن خودداری میشود.

مظفرالدینشاه وامین‌السلطان وعده‌ای دیگرازدرباریها باپولی که از این‌راه‌بدست آورده بودند در تاریخ سوم‌محرم ۱۳۲۰ هجری قمری (۱۲ آوریل ۱۹۰۲) باروپا می روند و پس از چند ماه گردش و تفریح در تاریخ ۲۱ رجب ۱۳۲۰ با جیب خالی بایران مراجعت مینمایند (۱)

---

۱ - مجموع قروض سالهای ۱۳۱۷ و۱۳۱۹ مبلغ ۳۲۵۰۰۰۰۰ منات طلامیشود که بمیزان ۹٫۴۵ منات‌یك‌لیره انگلیسی معادل ۳٫۴۳۹٫۰۰۰ لیره انگلیسی خواهد بود. درآنموقع قیمت هرلیره ٥٤ قران‌بوده است وبنابراین قرض ایران بروسها در آن تاریخ بالغ بر ۸۵٫۷۰۶٫۰۰۰ قران میشده‌است.

قرارداد قروض سالهای ۱۳۱۷ و۱۳۱۹ که زنجیرهای اسارت را بدست وپای ملت ایـران افکنده بود درگوشه‌وکنار مملکت موجب خشم‌وغضب وطن دوستان ایرانی شده و روز بروز نفرت عامه مردم نسبت بمظفرالدینشاه وامین‌السلطان زیادتر میگردید.

درخارج ازایران عده‌ای ازآزادیخواهان بوسائل گوناگون مقالاتی علیه‌هیئت‌حاکمه ایران منتشر میساختند و خطرات ومضـ‌ات این‌استقراضها راگوشزد میکردند.

در ایران نیز در نقاط مختلف آزادیخواهان انجمنهای سری‌تشکیل وعلیه‌امین ــ السلطان ومظفرالدینشاه دست باقدامات شدیدی‌زدند وشب‌نامه های زیادی منتشر نمودند ونامه‌های اعتراض آمیزی به«شاه» و«صدراعظم» وسایر وزراء نوشتند:

برای نمونه نامه‌ذیل راکه ملك‌المتکلمین بمیرزانصراله‌خان‌مشیرالدوله وزیرامور خارجه نوشته ازکتاب «انقلاب مشروطیت‌ایران» نقل مینمایم.

پس‌از عنوان

«اتکاء بحسن نیت‌وملت دوستی جنابعالی بنده‌را برآن‌داشت که برای‌حفظ سیادت ایران که مهدپرورش نیاکان مابوده وازنعمات‌آن برخوردار هستیم وسرافرازی مادر میان ملل مرهون افتخارات جاویدان گذشته و استقلال‌امروزه اوست درمقام گستاخی برآمده واصلی که پایه تمام‌حکومت‌های خود مختاری وسلطنت های‌مطلقه بروی آن استوار است که پادشاه مالك‌الرقاب وصاحب اختیار ملك ومملکت است وکسی‌را حق چون و چرا در کارهای او نیست در این موقع خطیر ازنظر مصالح ملك وملت رعایت‌نکرده در مقام تصدیع برآیم.

زمانیست که در محافل داخلی و جرایدخارجی از استقراض دولت ایران و روسیه سخن گفته می شود.

اینك از قرارمعلوم این شهرتها بیقین پیوسته ودولت ایران مصمم‌شده‌بابك شرایط سنگینی که باتمامیت واستقلال ایران منافات دارد این‌استقراض راعملی نماید وز این‌راه بارگرانی بردوش‌خود وملت‌ایران که هیچوقت قادر نخواهد بود شانه اززیر آن خالی کند بنهد.

زیرا باعدم توازنی که‌در دخل وخرج دولت موجوداست وکسری که همه‌ساله دربودجه کشور مشاهده میشود دولت ایران بااین‌زودیها قادر بپرداخت اقساط قروض خود نخواهد بود واین‌طوق‌رقیت برای‌همیشه‌بگردن ملت ایران استوار وبرقرار خواهد ماند وحال‌آنکه هم جنابعالی که‌رشته مهام‌امور سیاسی کشور رادر دست دارید وهم‌مردان خردمند ومطلع باوضاع داخلی ایران می‌دانند. که‌اگر هم اطمینان بود که این پول صرف اصلاحات کشور و بکار انداختن چرخ اقتصاد مملکت میشود بازهم‌از نظر سیاست و حفظ موقعیت کشور صلاح در این کار نبود در صورتیکه برای احدی‌تردید نیست که تمام‌آن صرف هوسرانی عده‌ای‌که کمترین علاقه بسعادت و افتخار مملکت خودندارند خواهدشد ویك‌سره در چاههای طمع وخودپرستی‌مردمانیکه کارمارا تابایـن پایه مذلت وپستی رسانیده‌اند فرو خواهد رفت و جز بدنامی و بد روزی و ندامت بـرای ملت ایران اثـری باقی نخواهد گذارد.

پس در نظر دوراندیش جنابعالی که از همه‌کس آگاهتر بامور سیاسی کشور هستید ودر مملکت دوستی مورد تصدیق عوام وخواص میباشید بهتریستکه اعلیحضرت اقدس‌پادشاه راکه بیش‌از همه بسعادت ملك‌و ملت‌خود علاقمند میباشند ازمضرات سیاسی این‌استقراض آگاه فرمائید وپرده خدعه‌ایکه درباریان برای مستور ساختن حقیقت آویخته‌اند پاره نمائید ومعایب را در پیشگاه حضرتش روشن فرمائید ونام نیکی از خود در تاریخ ایران بیادگار گذارید.

هرگاه حقیقتا توازن دخل وخرج دولت بهم‌خورده‌وچرخ مملکت چنانچه گفته میشود بواسطه‌بی‌پولی ازکار افتاده آیابهتر نیست که بوسیله یك‌استقراض داخلی این عدم‌توازن‌را اصلاح بفرمائید ویا بوسیله‌برقراری یك مالیات تازه‌کسر بودجه مملکت را تامین کنید.

در صورتی که طرق فوق‌غیر ممکن وضرورت فوری بدست‌آوردن‌مبلغی‌ازراه استقراض خارجی ایجاب می کند بمقیده ارادتمند صرفه وصلاح درآنست که از یك مملکت بیطرف که سیاست خاصی در ایران ندارد از قبیل مملکت فرانسه - آلمان - سوئس - آمریکا وغیره این استقراض بعمل‌آید واز کاریکه مضرات آن‌مسلم وغیر قابل جبران است احترازفرمائید»

بعداز انعقاد قرارداد دوستی ایران واتحادجماهیر شوروی در سال ۱۹۲۱ بموجب فصل هشتم‌این قرارداد دولت شوروی از دریافت قروضی که روسیه‌تزاری بایران داده‌بود صرفنظر کرد.

۶- قرض سال ۱۳۲۱ هجری‌قمری (آوریل ۱۹۰۴ میلادی)

این قرض در اواخر صدارت امین‌السلطان وبعدازانعقاد قرارداد گمرکی ایران و انگلستان از انگلیسها گرفته شده است.

دولت انگلستان پس‌ازآنکه از گرفتاریهائی که‌در نقاط مختلف‌جهان مخصوصادر جنوب افریقا بواسطه جنك با بوئرها داشت رهائی یافت مجدداً درصدد تحکیم‌نفوذ خوددرایران‌وسایر نواحی‌مورد نظر خویش‌میافتد وچنانکه در قسمت‌بعد خواهدآمد برای جلب نظر مظفرالدینشاه با وجود مخالفت ادوارد هفتم پادشاه انگلیس نشان زانوبند را بپادشاه ایران‌میدهند وسپس قرارداد گمرکی ایران وانگلیس‌رادرفوریه ۱۹۰۳ بدولت ایران تحمیل‌میکنند وبالاخره در ماه‌آوریل همانسال چون‌تمام پولهائی که از روسها قرض‌گرفته بودند بمصرف هزینه‌سفر دوم مظفرالدینشاه وامین‌السلطان‌دراروپا رسیده بود مبلغ دویست‌هزار لیره بمدت‌بیست‌سال بضمانت شیلات‌وعایدات پست‌وتلگراف وگمرکات جنوب بدولت‌ایران میدهند.

بطوری که ملاحظه میشود چون‌بموجب شرایط‌قرارداد استقراض سال‌های ۱۳۱۷و ۱۳۱۹ دولت ایران نمی‌توانست بجزاز روسیه ازدولت‌دیگری قرض بگیرد عنوان‌این وام را«مساعده» گذاردند.

پول این وام‌راکه توسط بانك شاهنشاهی بدولت ایران داده‌شده ظاهراحکومت هندوستان پرداخته است.

قرارداد این وام بشرح زیر میباشد.

« قرارداد استقراض دولت علیه‌ایران، از بانك شاهنشاهی ایران

« مابین دولت علیه‌ایران بنمایندگی حضرت‌اشرف‌اتابك‌اعظم‌امین‌السلطان‌وجناب»

« مسیونوز وزیردولت علیه بواسطه اختیاراتیکه ازطرف‌اعلیحضرت‌همایونی‌داشتند»

« از یکطرف ومسیوژوزف‌رابینو رئیس بانك شاهنشاهی بواسطه‌اختیاری که از»

« این اداره بانك دارد از طرف دیگر - بانك شاهنشاهی ایران دویست‌هزارلیره»

« مساعده از قرار صدی‌پنج درسال بدولت علیه ایران میدهد - دولت علیه برای »

« ادای این‌وجه مساعده متعهد میشود که درظرف بیست‌سال اصل ومنافع‌را بوسیله»

« عایدات که از صیادی بحرخزر برای‌دولت علیه حاصل میشود به بانك شاهنشاهی»

« به پردازد.

« قرار شده است که اگر عایدات‌صیادی‌بحر خزر کافی نباشد وادای مبلغ فوق»

«را منظما اطمینان ندهد دولت علیه‌ایران متقبل‌میشود که‌مبلغ لازمه دراین خصوص»
«را از عایدات پست‌وتلگرافخانه عاید دارد ودر صورت کافی نبودن عایدات این‌دو»
«اداره از عایدات گمرکات فارس و خلیج فارس بپردازد اگر در تفسیر ترجمه»
«مشاجره‌ظاهر شود مضمون فرانسه مقدم خواهد بود.
«نسختین نوشته شده بفرانسه وبفارسی درطهران ٤ماه‌آوریل ۱۹۰۳ »
«محل امضاء ژوزف رابینو محل امضاء نوز»

در ماه دسامبر سال ۱۹۰٤ قراردادی ضمیمه قرارداد فوق میگردد که بموجب آن صدهزار لیره علاوه بر دویست‌هزار لیره قبلی باهمان شرایط بدولت‌ایران داده‌شود.



دراین‌قسمت قروض دولت ایران‌تاهنگام‌مشروطیت‌شرح داده شد وبعد ازمشروطیت نیز درمواقع مختلف دولت ایران ازروسها وانگلیسها مبالغ زیادی قرض گرفته که خارج ازاین بحث‌است وفقط برای مزید اطلاع فهرست آنهارا دراینجا ذکر مینمایم (۱)

۱ـ قرض طلای هندی بتوسط بانك شاهنشاهی سال ۱۳۲۸ هجری قمری بمبلغ ۳۱٤۲۸۱ لیره انگلیسی و۱٦ شیلنك و٤ پنس

۲ـ قرض نقرهٔ «یك کاسه شده»(۲) قروض‌جاری ببانك‌شاهنشاهی‌سال ۱۳۲۸هجری قمری بمبلغ ۳۳۹٦٦۹۷ تومان

۳ ـ قرض نقرهٔ «یك کاسه شده»قروض‌جاری ازبانك استقراضی روس سال ۱۳۲۹ هجری قمری بمبلغ شش میلیون تومان

٤ـ قرض اسهامی طلا درلندن بتوسط بانك شاهنشاهی ۱۳۲۹ سال هجری قمری ۰۰۰ر۱٬۲۵۰ لیره انگلیسی.

۵ ـ مساعده مشترك روس‌و انگلیس‌درسال ۱۳۳۰هجری قمری بمبلغ ۰۰۰ر۲۰۰ لیره انگلیسی

٦ـ مساعده‌مجددروس‌وانگلیس‌درسال ۱۳۳۰هجری‌قمری‌بمبلغ ۵۰۰۰۰لیره‌انگلیسی

۷ مساعده انگلیسی و هندی در سال ۱۳۳۰ هجری قمری بمبلغ ۰۰۰ر۱۵۰ لیره انگلیسی

۸ ـ مساعده مشترك روس وانگلیس درسال ۱۳۳۱هجری قمری بمبلغ ۰۰۰ر٤۰۰ لیره انگلیسی

۹ـ مساعده انگلیسی و هندی در سال ۱۳۳۱ هجری قمری بمبلغ ۰۰۰ر۱۰۰ لیره انگلیسی.

۱ـ برای اطلاع بیشتر ازچگونگی‌قروض ایران بعد ازمشروطیت به مجله کاوه شماره ۳۱ـ۳۲ سال‌سوم مورخ ۹ محرم ۱۳۳۷ هجری قمری مراجعه شود،

۲ـ منظور از«یك کاسه شدن» دراصطلاح آن روز عبارت ازقروض مختلفی بود که بضمانت‌های‌متعدد و بانتزیل‌های مختلف ازبانك‌شاهنشاهی‌یادیگران گرفته‌شده‌وبرای آنکه بشکل ثابت ومشخص ومعین‌درآید مجموع تمام این قروض بصورت یك قرض درآمده وقرار داد جداگانه‌ای برای آن منعقد میگردید.

۱۰ ـ مساعده انگلیسی سال ۱۳۳۲ هجری قمری بمبلغ ۰۰۰ر۵۰ لیره انگلیسی

۱۱ ـ قرض عندالمطالبه بکارخانه اسلحه‌سازی شنیدردر پاریس که هنگام سفر سوم مظفرالدین شاه باروپا اسلحه بکارخانه مزبور سفارش داده شده بود بمبلغ ۰۰۰ر۲۰۰ ر۱ تومان

۱۲ ـ قروض عندالمطالبه متفرقه‌ازقبیل حساب‌جاری ومطالبات وادعاهای مختلف قریب به چهار میلیون تومان.



۱۱

قرارداد گمرکی ایران

با

روس و انگلیس

قرارداد گمرکی ایران وروس وایران وانگلیس درسالهای ۱۳۱۹ و ۱۳۲۱هجری قمری زنجیرهای اسارت وبردگی اقتصادی ننگینی بود که در دوره سلطنت مظفرالدینشاه بدست میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان بدست‌وپای ملت‌ایران افکنده‌شد.

بعداز آنکه درسال ۱۳۱۷ هجری قمری دولت ایران بضمانت گمرکات‌ایران (باستثنای گمرکات جنوب) مبلغ بیست‌ودومیلیون‌ونیم‌منات ازروسها قرض‌گرفت و اداره گمرکات بدستیاری نوز بلژیکی تحت اختیار روسها درآمد دولت روسیه بعنوان ازدیاد درآمد گمرکات‌در صدد تغییر تعرفه‌گمرکی بنفع‌خودافتاد وسپس درموقعی که مظفرالدین-شاه برای باردوم از روسها تقاضای پول‌میکند روسها بادوشرط حاضر بدادن ده میلیون منات میشوند یکی‌اعطای امتیاز ساختن راه شوسه‌جلفا تاقزوین ببانك استقراضی روس‌و دیگری تغییر تعرفه‌گمرکی بنفع دولت روسیه.

دولت‌ایران نیز باهردو شرط موافقت مینماید.

قرارداد تعرفه‌گمرکی ایران وروس ظاهرا که صحبت آن ازمدتها قبل بمیان‌آمده بود در تاریخ رجب ۱۳۱۹ هجری قمری یعنی‌پنج‌شش‌ماه‌قبل‌از امضای‌قرارداد قرض‌دومی که ازروسها گرفته‌شد در طهران بامضاءرسیده است ولی اجرای این‌قرار داد که چندی محرمانه نگاهداشته شده بود تاذی‌القعده ۱۳۲۱ هجری‌قمری بتاخیرافتاد.

علت اصرار روسهارا برای تغییر تعرفه‌گمرکی ایران که ترییب‌هشتادسال ازهنگام عقد معاهده ترکمانچای بین طرفین برقرار بود میتوان باختصار چنین بیان‌کرد.

روسیه دراین تاریخ در صنعت ترقی شایانی کرده وتجارتش توسعه زیادی یافته بود ودائم درپی بازارهای مناسبی میگشت.

ایران همسایه ضعیف وبدهکار اواز هربازاری بهتر بود زیرا وقتی مال‌التجاره و صنایع روسیه بیشتر از پیشتر بایران سرازیر شود گذشته از منافع‌تجارتی، مختصر کارگاههای ایرانی‌از رونق میافتد و بازرگانی دراین کشور از بین میرود و کشاورزی

وگله داری صدمه می بیند ومردم مجبوراً بشهرهای روسیه روآورده و ایران بقبرستانی مبدل میشود که دربار تزار بآسانی میتوانست چنگال مرگبار خود را بر روی نواحی شمالی آن بیفکند ۰

اداره گمرکات ایران قبل از آنکه چگونگی این قراردادها را شرح دهم بد نیست برای مزید اطلاع مختصری در باب اداره گمرکات ایران توضیح داده شود ۰

گمرکات ایران از زمان صفویه تاسال ۱۳۱۷ هجری قمری باشخاص مختلف اجاره داده میشد و هیچگاه قواعد ومقررات ثابت ومعینی نیز برای دریافت حقوق گمرکی وجود نداشت ۰

بعداز عقد معاهده ترکمانچای بموجب فصل سوم عهدنامه تجارتی مورخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ هجری قمری منضم بآن مقرر میشود که از مال‌التجاره اتباع ایران و روس که بمملکت یکدیگر وارد یاصادر میگردد «کمافی‌السابق حقوق صدی پنج فقط یکدفعه در موقع ورود یاخروج دریافت شده وعلاوه برآن هیچگونه حقوق گمرکی مطالبه نشود» وبعدها سایر دول نیز بموجب حقوق دول کاملة‌الوداد از این ماده استفاده نمودند و بدین ترتیب اتباع بیگانه فقط یکمرتبه صدی پنج قیمت مال‌التجاره خود گمرك میپرداختند ولی تجار تبعه ایران دائما دستخوش هوی وهوس مستاجرین گمرك بودند و گذشته از پرداخت حقوق گمرکی، مامورین دولتی هم بعناوین مختلف مبالغی باسم عوارض راهداری - باج - قپانداری - میدانداری وخانات وغیره از آنها میگرفتند ودر نتیجه هر تاجری اگرمیخواست از دستجور وظلم مامورین ایران راحت شود میبایست به بیگانه پناه برده وبتابعیت آنان درآید وننگ حمایت اجنبی را برخود هموار کند تاباستناد عهدنامه‌ای که بین ایران و آن دولت وجود داشت مامورین دولتی نتوانند بیش ازصدی پنج از آنها چیزی دریافت نمایند بااینحال زیاد بودند ایرانیان وطن دوستی که تمام سختی‌ها وبیعدالتی‌ها راتحمل میکردند ودامان پاك خویش‌را به‌ننگ مزدوری بیگانه نمی‌آلودند ۰

مستشاران بلژیکی هنگامیکه در سال ۱۳۱۵ هجری قمری میرزا علیخان امین‌الدوله بصدارت ایران‌منصوب شد مضیقه‌مالی ایران‌وخرابی گمرکات بمنتهای شدت خود رسیده بود ۰

از جمله کارهائی که امین‌الدوله برای ازدیادعایدات دولتی بدان توجه خاصی مبذول میداشت اصلاح امور گمرکات بود وبدین جهت دستور میدهد که ازیك کشور بیطرف یعنی بلژیك که در ایران نظرهای سیاسی نداشته باشد مستشارانی استخدام نمایند ۰

صدارت امین‌الدوله‌زیاد بطول نمیانجامد ودر ۱۵ محرم ۱۳۱۶ هجری قمری استعفا میدهد ومجددا میرزاعلی اصغرخان امین‌السلطان (اتابك‌اعظم) روی کار میاید ۰ باآنکه ترتیب استخدام مستشاران بلژیکی در صدارت امین‌الدوله داده میشود ولی وقتی اینها بایران می‌آیند امین‌السلطان بر کرسی صدارت تکیه‌زده بود ۰

مستشاران بلژیکی در ابتدا سه نفر بنام نوز (۱) - پریم (۲) - انگلس بودند
که در اواخر سال ۱۳۱۶ هجری قمری بترتیب مامور اداره گمرك تهران و تبریز و
کرمانشاه شدند .

بطوریکه گفته شد امین‌السلطان متمایل بروسها بود و تاپایان سیاست یکطرفه
را تعقیب میکرد و بلژیکی‌ها نیز به پیروی ازسیاست صدراعظم ایران همیشه اقدامات خود
را منطبق باسیاست روسها میکردند مخصوصا نوز که همه وقت از پشتیبانی روسها بر
خوردار بود و بواسطه حمایت آنان تمام گمرکات ایران را تحت اداره خود درآورد و به
زودی رئیس کل گمرك وسپس وزیر کل گمرگات ایران گردید .

بدرفتاریهای نوز باتجار ایرانی و تبعیضاتی که بین بیگانگان وایرانیان قائل میشد
سروصدای زیادی درگوشه‌وکنار مملکت بلندکرد وهمین ستمگریهای نوزکه داستانها
غم‌انگیزی دارد یکی‌از علل دادخواهی وجنبش مردم برای مشروطیت بود .

مستر شوستر امریکائی که‌از ماه مه ۱۹۱۱ (جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ هجری‌قمری) تا
ژانویه ۱۹۱۲ باسمت خزانه دار ایران در تهران بوده در کتاب خود موسوم به اختناق
ایران مینویسد .

«مظفرالدینشاه مسیونوز رابرای احداث و تشکیل اداره گمرك ایران انتخاب
وجلب نموده بودولی مشارالیه درکارخود بقسمی ترقی حیرت‌انگیز کرد که بزودی صاحب
اقتدار وتمول بسیار ونزددولت روس محترم گردید اول کاری که وکلاء مجلس دوره‌اولیه
کردند این بود که مظفرالدینشاه رامجبور نمودند که دردهم فوریه ۱۹۰۷ (بیست‌و ششم
ذیحجه ۱۳۲۴) مسیونوز را بامشاغل بزرك عدیده که داشت معزول واز خدماتش منفصل
کرد در باره‌مشارالیه میگویند که اکنون‌در بلجیك‌از املاك‌وقصوری که (ازپولهای‌ایران)
برای‌خود مرتب‌نموده بهره‌مندومحظوظ میشود همین‌جناب محترم بوده که درچندین معامله
راجعه بخزانه برای‌دولت ایران‌مراسله وپیشکاری نمود تعرفه‌موجوده گمرکات ایران‌را که
شرح آن مفصلاذکر خواهد شداوترتیب داده ودوفقره استقراض از دولت روس که اکنون
برای دولت ایران مورث اشکال و زحمت فوق‌العاده گردیده بسعی ایشان
انجام گرفت .»

نوز وسایر مستشاران بلژیکی که بقول ادوارد برون در حقیقت شغالهای روسیه
بودند باانعقاد قراردادهای گمرکی ایران وروسیه‌تزاری‌وانگلیس وهمچنین اقدامات دیگر
ضررها جبران ناپذیری باستقلال‌سیاسی واقتصادی ایران زدند .

طرفداری بلژیکی ها ازروسها بحدی بود که غالب مردم ایران بلژیکی‌ها راتبعه
روس واز مامورین روسیه میشمردند .

روزنامه روسی «نویه وریمیا» (عصر جدید) چاپ پطرزبورغ در شماره ۹۸۱۷
مورخ ۵ژوئیه (روسی) ۱۹۰۳ (۲۲ربیع‌الثانی ۱۳۲۱هجری قمری) مینویسد .

1— Joseph Naus
2— Priem

«بوکاپاولنسکی که چندی قبل دربنادر خلیج فارس بوده شرحی درباب گمرکات ایران مینویسد که جالب دقت است چندمدت قبل ازاین تمام گمرکات جنوب ایران از تصرف مامورین ایران خارج شده به مامورین بلژیکی سپرده شده است چون شاه همیشه محتاج پول میشود وراه دخل معین هم در نظر نیست باینجهة مجبور می‌شوند که بااستقراض نمایند وبااینکه حکومت ها را باجاره داده وجه اجاره راپیش به گیرند

برای مسافرت آخری بفرنگستان شاه از دولت روس بضمانت گمرکات جنوبی استقراض کرده و برای اینکه ضمانت گمرکات اعتباری داشته باشد نمی‌توانستند گمرکات را بمامورین ایران مفوض نمایند و لازم بود اداره گمرکات باروپائیان محول شود ولی معلوم نیست بکدام اروپائی امور گمرك باید واگذار شود.

چون استقراض ازروسیه شده بود لازم می‌آمد که گمرکات بدست مامورین روس باشد اما انگلیس‌ها مانع شدند وروسها هم راضی نشدند که انگلیس‌ها درکار گمرکات دخالت داشته باشند باین ملاحظه گمرکات به بلژیکی‌ها که بیطرف بودند محول شد بااین ترتیبات تمام سهویات وخطایای مامورین بلژیکی برای روسها محل توجه است زیرا اهالی ایران تمام این رفتار را از روسها میدانند هنگام مسافرت مکرر شنیدم که مردم میگفتند که بلژیکی‌ها رعیت روس هستند وهرچه در خلیج فارس بکنند بدستور العمل روسها است من هرچه به آنها می گفتم که بلژیکی‌ها روسی نیستند زبانشان ومملکتشان علیحده است اطمینان حاصل نمیکردند گذشته از اینها بلژیکی‌ها سبك مشرق زمین راپیش گرفته می‌خواهند عمل کرد گمرکات را زیاد کنند حتی از کسانیکه در قرانتینه میمانند برای حق توقف پول می گیرند واین طوررفتارخودسرانه بلژیکیها مخالف نفوذروسیه است در ایران.»

باآنکه روزنامه‌های روسیه خودسری و بدرفتاری بلژیکی‌هارا مخالف منافع و نفوذ روسیه در ایران میدانستند معهذا! دولت تزاری روس همه وقت از نوز وسایر همکارانش پشتیبانی میکرد چنانکه در موقعی که بواسطه شکایت و اعتراض ملیون ایرانی دولت ایران میخواست بخدمت نوز وپریم خاتمه دهد وزیر مختار روس ضمن یادداشتی بشرح زیر بدولت ایران اعتراض میکند وتغییر آنها را باعث « اشکالات عمده» میشمارد.

« سفارت دولت قویشوکت

« امپراطوری روسیه مقیم

دربار ایران

«مورخه ۸ محرم ۱۳۲۵ نمره ۱۸۵

« حضرت مستطاب اشرف ارفع افخم دوستان استظهارا معظما

« دوستدار از طرف اولیای دولت اعلیحضرت امپراطوری ماموراست که جلب دقت »

« بسیار مجدانه اولیای دولت علیه ایران را باین مسئله بنماید که بواسطه استعفای»

« مسیو نوز وزیر گمرك وپست ایران ومسیو پریم مدیر کل در ادارت گمرکی دولت»

« علیه ایران ممکن است تولید اغتشاشات واشکالات عمده بشود.

« اولیای دولت اعلیحضرت امپراطوری همواره ملاحظه قدر وقیمت خدمات واقعی»

« مسیو نوز راکه درزمان او وجوه گمرکی ایران دوبرابر شده وحمل امتعه ایران»

«بخارج خیلی بیشتراز پیشتر بوده است نموده‌اند.

« وضع صحیح اداره گمرکات سرحدات ایران تابحال ضامن لازمی بوده برای»

« پیشرفت وترقی تجارت روس و بموقع رسیدن وجوه پس افتاده استقراض وپیشکی»

« که اولیای دولت اعلیحضرت امپراطوری بتوسط بانك استقراضی بدولت علیه »

« ایران داده اند .

« بنا به تغییرات فوق الذکر دوستدار با کمال توقیر واحترام خواهشمنداست آن »

« حضرت مستطاب اشرف عالی مستحضرم فرمایند که برای استقرار وضع مزبور و »

« نگاهداری آن بهمان حال وپرداخت وجوهی که عایدات گمرکی تابحال ضامن آن »

« بوده است چه اقدامات لازمه فرموده اند .

« دراین موقع احترامات فایقه راهم تجدید مینماید . (محل امضاء) »

لزوم تغییر قرارداد گمرکی ایران وعثمانی

قبلا گفته شد که بموجب فصل سوم عهدنامه تجارتی مورخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ منضم بمعاهده ترکمانچای مقرر بود که از مال التجاره اتباع ایران وروس که بکشور طرفین حمل ونقل می گردد صدی پنج حقوق گمرکی گرفته شود .

برای اخذ حقوق گمرکی بین ایران وعثمانی بموجب ماده دوم قرارداد مورخ نوزدهم ذی القعده سال ۱۲۳۸ هجری قمری که بعدها بموجب قرار داد ۱۲۶۳ مورد تایید قرار گرفت مقرر بود که «درخصوص رسومات گمرك تجار واهالی ایران مانند تجار تبعه دولت عثمانی معامله شود واز مال تجارت ایشان یکدفعه بقرار یکصدقروش چهار قروش گمرك گرفته شود و بدست ایشان تذکره داده مادامیکه ازدست ایشان بدست دیگری منتقل نشده است از ایشان گمرك نگیرند .»

وبنابراین ازمال التجاره اتباع ایران وعثمانی که بکشورطرفین حمل ونقل میشدصدی چهار حقوق گمرکی دریافت میگردید .

فصل اول عهدنامه تجارتی ایران وانگلیس مورخ ۱۲ رمضان ۱۲۵۷ هجری قمری (۱۰ اکتوبر ۱۸۴۱) مقرر میدارد .

« تجاردولتین علیتین بالسویه ماذون ومرخص اند که هر گونه امتعه واقمشه خود را به مملکت یکدیگر نقل نمایندودر هر بلدی از بلاد که بخواهند مبایعه ومعاوضه کنندودرمتاعی که می آورند ومیبرند درحین ورود یکمرتبه بطریقیکه ازتجار دولتهای کاملة الودادفرنك گمرك مال التجاره گرفته میشود ازتجار تبعه طرفین مطالبه خواهدشد ودر زمان خروج به طریقیکه ازتجار دولتهای کاملة الاتحاد فرنك گمرك مال التجاره گرفته میشود ازتجار تبعه طرفین مطالبه خواهد شد .»

باین ترتیب اتباع انگلستان بموجب این فصل از حقوق «دولتهای کاملة الودادفرنك» استفاده کرده وهمانطور که ازمال التجاره اتباع روس صدی پنج حقوق گمرکی گرفته میشد انگلیسها نیزصدی پنج گمرك می پرداختند باآنکه بعداً در فصل نهم عهد نامه پاریس مورخ چهارم ماه مارس ۱۸۵۷ در مورد تجارت فقط جمله استفاده ازحقوق «دول کاملة الوداد» نوشته شده بوداتباع انگلیس وسایردول اروپا بجای استفاده ازصدی چهارحقوق گمرکی اتباع عثمانی از صدی پنج حقوقی که از اتباع روس گرفته میشد استفاده مینمودند .

تغییر تعرفه گمرکی درسال ۱۳۱۹ مخالف منافع تجارتی انگلستان بود زیرا قبل از آن از کلیه اجناس واشیاء که توسط هر کس وارد ایران میگشت بمیزان صدی پنج قیمت، گمرك می

گرفتند ولی درتعرفه جدید روسها بین اجناس مختلف فرق گذاردند چنانکه مثلا ازقند و نفت که ازصادرات عمده روسیه بایران بود و سابقا پنج درصد گمرك گرفته میشد بموجب تعرفه جدید گمرك آنرا به ۱/۲ ۱ وسپس به ۱/۴ ۲ تنزل دادند و بالعکس به گمرك چای که از صادرات مهم انگلستان وهندوستان بایران بود صد درصد افزودند.

بهرحال درسال ۱۳۱۹ هجری قمری که روسها بفکر تغییر تعرفه گمرکی ایران بنفع خود میافتند چون میدانستند این اقدام بتجارت انگلستان لطمه شدیدی خواهد زد و اگر انگلیسها نتوانند تعرفه گمرکی را بنفع خود تغییر دهند ممکن است باستناد استفاده ازحقوق دول کاملة الوداد قرارداد گمرکی ایران وعثمانی را پیش کشیده وتقاضا کنند همانطور که از مال التجاره اتباع عثمانی صدی چهار حقوق گمرکی گرفته میشود اتباع انگلیس نیز صدی چهار حقوق گمرك بپردازند واین ترتیب نیز نه تنها مخالف منظور دولت تزاری روس بود بلکه بیش ازپیش بتجارت آنها لطمه میزد وبنابراین باید این راه هم بسته شود وحقوق گمرکی بین ایران وعثمانی تابع حقوق گمرکی ایران وروس گردد وبهمین جهت هنگامی که درماه رجب ۱۳۱۹ هجری قمری (اکتبر ۱۹۰۱) قرارداد گمرکی ایران وروس بامضاء رسید آنرا محرمانه نگاهداشتند تاقرارداد گمرکی ایران وعثمانی رادرماه جمادی الاولی ۱۳۲۰ هجری قمری (اوت ۱۹۰۲) تغییر دادند.

برای تغییر قرارداد گمرکی ایران وعثمانی مسیو نوز مدیر کل گمرکات ایران را باستانبول میفرستند وروسها دولتین ایران وعثمانی راتحت فشار میگذارند و مبالغی نیز رشوه میدهند تابمقصود خویش نائل میگردند.

درنامه ایکه میرزا رضاخان ارفع الدوله(۱) سفیر ایران دراستانبول برای وزیرامور خارجه عثمانی مبنی بر موافقت با «معامله ملل کاملة الوداد» فرستاده اینطور نوشته است.

«امضاء کننده سفیر کبیر اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران باجازه مخصوص دولت»
«متبوعه خودش درجواب لایحه مورخه ۱٦ ماه اوت ۱۹۰۲ نمره - ٤۸۹۷۳ جناب جلالتماب»
«توفیق پاشا وزیر امورخارجه اعلیحضرت اقدس سلطان تقریرات مفصله در ذیل رابموجب»
«قرارداد دولتین علیتین باکمال احترام اظهار میدارد.
«نظر بمحکم کردن وتوسعه دادن واردات تجارتی درمیان دولتین علیتین دولت»
«اعلیحضرت اقدس سلطان امپراطور عثمانی ودولت اعلیحضرت شاه امپراطور ایران درماده»
«حق الورود وحق الخروج مال التجاره ودرخصوص ترتیبات راجعه به مال التجاره صادره»
«وارده وترانزیت وتکرار اخراج مال التجاره وهمچنین برای گذشتن مال التجاره»
«بانبارهای دولتی معامله ملل کاملة الوداد را متقابلا در حق خودشان»

---

۱ - مرحوم محمد قزوینی درمجله یادگار راجع بارفع الدوله چنین مینویسد.
«میرزا رضا خان معروف به پرنس صلح وزیر مختار ایران درنقاط مختلفه ازجمله عثمانی وسوئد ونماینده دولت درمجمع اتفاق ملل وفاتش درطهران درحوالی نوروز ۱۳۱٦ مطابق محرم یکهزار وسیصد وپنجاه وشش قمری»

« تامین میکنند .
«امورحکم عهدنامه ومقابله نامه سابقه که مخالف این شرط داده شده باشدمعدوم»
« و کان لم یکن خواهد بود .»

این قرارداد در ظرف شش ماه باید اجراءشود وهمه نوع مال التجاره مشمول آن خواهد بود بجز تنباکو که تابع قرارداد مخصوص بخود میباشد .

چنانکه گفته شد برای انجام این امر روسها فعالیت زیادی بخرج دادند ومبالغی نیز به اولیای دولت عثمانی رشوه دادند برای مزید اطلاع متن گزارش ارفع الدوله را که از استانبول بوزارت امورخارجه فرستاده ذیلا نقل مینمائیم .

«سفارت سنیه ایران در اسلامبول
« ۱۵ شعبان المعظم ۱۳۲۰ نمره - ۲۸۸
« البته راپورتهای بنده درخصوص قرارداد تعرفه جدید که بادولت عثمانی بسته»
« شد ازلحاظ انور جناب مستطاب اجل افخم عالی دام اجلاله العالی گذشته وخاطرمبارک»
« از مراتب آن قرین استحضار شده است این یکی راهم لازم میدانم عرض نمایم که چون»
« در گذشتن عمل تعرفه ازطرف عثمانی ها خیلی تاخیر وتعلل میشد یکروزمسیو کولو بورف»
« (نماینده روسیه) نزد بنده آمده گفت که من آشکارا بشما بگویم اگر پادشاه وملت»
«خودتانرا دوست میدارید بایدهرچه درقوه دارید سعی وجدوجهد بکنید که این عمل»
« تاتشریف بردن بندگان اعلیحضرت قدرقدرت اقدس شاهنشاهی بروسیه تمام بشودو»
« الااگر صورت انجام نگیرد مسلمادر روسیه آنطوری که مامول است رفتار نخواهد»
« شد و گفت من جمیع اسرارخودمانرادر اینباب بشمامیگویم -جناب موسیوویتی وزیر»
« مالیه روس بتوسط مسیوقروبه رئیس بانك طهران بحضرت مستطاب اشرف افخم»
« عالی اتابك اعظم سفارش کرده که من حقیقة این ده ملیون منات را که دوباره بدولت»
« ایران قرض دادم گول خوردم زیراکه من آن ده ملیون را باطمینان این داده بودم»
« که دولت ایران عمل تعرفه راباعثمانیها درست خواهد کرد وبعداز گذشتن عمل با»
« عثمانی هادر ایران مجری خواهدشد وباینواسطه بواردات گمرك ایران افزوده و »
« اقساط ماخواهد رسید حالاچنین گمان میکنم که اولیاءدولت علیه ایران میدانستند»
« که اینکار باعثمانیها صورت نمیگیرد وچون آنوقت بمن اینطور نگفتند از این»
« مسئله خیلی دلتنگم مسیو کولوبورف بعداز بیان این تفصیل گفت که اگرشما دلتان »
« میخواهد اولیاء دولت ایران ازین تهمت بری شده ودر مراجعت موکب همایونی هم»
« در روسیه بیشتر خوش بگذرد فرض ذمه پادشاه پرستی ودولت خواهی شماست که»
« اینکار رازودتر تمام کرده وآنهارا از این تهمت درآورید خودتان بهتر میدانید»
« الان که موکب همایونی در فرنك است دولت علیه ایران باز میخواهد ده ملیون»
« دیگر ازدولت روس قرض بکند ودرست شدن این استقراض سیم هم بسته بگذشتن عمل»
« تعرفه جدید باعثمانیهاست و گفت بالاتر از این بگویم وزیرمالیه بمن اختیار تام داده»
« که هرقدر لازم باشد دراینجا برای انجام این کار به مامورین عثمانی پول داده شود»

« بنده به مسیو کولوبورف بگویم که تلگراف بکند هرقدر پول بهر کس و بهرجا »
« که باید داده شود بفرستند بدهم وپس از اظهار این مراتب بخود بنده وقتیکه از »
« سفارتکبری بیرون آمده بود منیع السلطنه راهم صدا کرده گفته بودشما بفلانکس »
« بگوئید هرچه به عثمانیها پول لازم باشد بگوید تلگراف بکنم بفرستد بدهم این »
« گفتگو وسفارشات مصادف بوده باهمان اوقاتیکه اعلیحضرت اقدس همایونی درانگلیس »
« تشریف داشتند وبندگان حضرت مستطاب اشرف امجدعالی آقای اتابیك اعظم »
« روحیفداه دستخطی ازلندن ازعمارت ولیعهد انگلیس صادر کرده بودند که هرطور »
« است باید تامراجعت من اینکار تمام بشودواز حسن اتفاق این دستخط یك روزقبل »
« از ملاقات با کولوبورف به بنده رسیده بودهمان دستخطرا در آورده نشان داده »
« گفتم هرگاه اولیاء دولت علیه انجام اینکار را نمیخواستند بندگان اعلیحضرت »
« همایونی وحضرت مستطاب اشرف عالی آقای اتابیك اعظم از انگلیس این طور »
« دستخط نمی فرمودند که تامراجعت مابایداینکار تمام بشود وبعد طرف خدائی شد »
« که حضرت اشرف آقای اتابیك اعظم از پاریس بفرانسوی تلگراف فرمودند که »
« هرچه میتوانید سعی ومجاهدت دراتمام اینکار بعمل آید همان تلگراف را دادم »
« کولوبورف سوادش را برداشته به مسیو ویتی وزیر مالیه فرستاد که اولیاء دولت »
« علیه ازاین تهمت درآیند امامسئله پول هرگاه خدا نخواسته این بنده آدم بی دین و »
« طماع بودم میتوانستم یك کروردو کرور بعنوان اینکه بعثمانیها میدادم از روسها »
« پول میگرفتم و دیگر کسی هم نمی پرسید که اینهارا بکه دادی بجهة اینکه این »
« قبیل پول ها راقبض وسند نمیخواهد چون خواستم دراین فقره کسی در میان ماشاهد »
« باشدجواب این را بتوسط منیع السلطنه به ییلاق فرستاده گفتم برود بگوید که اگر »
« من میدانستم این فقره تعرفه بدولت من ضرر دارد ازخدمت خود استعفا کرده آشکارا »
« مرد مردانه میگفتم که این کار بتوسط من انجام نمیگیرد چون بنا بروایت مسیو »
« نوزیقین دارم این عمل تعرفه اگر درایران مجری شودسه چهار کرور بواردات »
« گمرك ایران می افزاید لهذا هرگاه پول لازم باشد مینویسم از دولت متبوعه »
« خود گرفته بعثمانیها بهر کس که لازم است میدهم و امیدوارم که بی پول کاررا »
« ازپیش ببرم اگر با پول بشود که برای بنده چندان شرفی نخواهد داشت فردای »
« آنروز مسیو کولوبورف بسفارت آمده گفت که من حقیقة از سفارش شما خیلی »
« حیرت کرده و هم خوشم آمد خدا کند که این کار را بگذرانید که من تاعمر دارم »
« مداح کفایت شما بشوم دیروز از مسیو کولوبورف از پطرسبورغ کاغذی رسید »
« که ترجمه آنرالفاً تقدیم می نمایم اولا مینویسد که به پطرآمده زحمات شمارا »
« بوزیر مالیه و خارجه گفته وبناشد که دولت روس بشمانشان الکساندر نوسکی »
« بدهد.
« و ثانیا مینویسد خیلی افسوس میخورم که نتوانستم در کورس بحضور بندگان »
« اعلیحضرت اقدس همایونی شرفیاب شده تامراتب زحمات وخدمات شمارا از راه »

« کمال انصاف وحق گوئی نگذارم در حضور اولیاءدولت علیه ایران پوشیده »
« بماند حقیقة این قسم اظهار انسانیت مسیو کولوبورف که بنده هرگز منتظر نبودم »
« به بنده خیلی اثر نموده شکر خدارا کردم که باز درجنس بشر حق شناسی و حق »
« گوئی متروك نشده است باقی مطالب مراسله اورا از ترجمه مستحضر »
« خواهندشد . زیاده عرضی ندارد

محل مهر « پرنس ارفع الدوله »

ارفع الدوله چندی بعد درماه ذی الحجه ۱۳۲۰ گزارشی بتهران میفرستد و اعتراض سفیر انگلیس را بدولت عثمانی درباره تغییر تعرفه گمرکی چنین شرح میدهد .

« سفارت سنیه ایران دراسلامبول
« ۱٤ شهرذی حجه ۱۳۲۰ نمره ۳۵۲

« بنا بخواهش سفارت کبری روزیکه دولت عثمانی رسما اعلان کرد که قرار »
« تعرفه جدید از اول ماه فوریه روسی (۱) مجری خواهدشد سفیر کبیر انگلیس رفته »
« باوزیر امورخارجه عثمانی خیلی سئوال وجواب سخت کرده و پرسیده است که »
« آیا این عمل گذشته است سفیر مشارالیه اعتراض کرده که سعید پاشا صدراعظم »
« سابق بمن صریحا قول داده بود که نگذارد اینکار بگذرد وحالا دولت عثمانی »
« بماخلاف وعده خود رانمود وزیر امور خارجه جواب داده بوددر صورتیکه اراده »
« سنیه باتمام این عمل صادرشده بود سعید پاشا چگونه می توانست بشما همچو قولی »
« بدهد سفیر مومی الیه مجدداً اعتراض مینماید که شما چرا بدون اجازه ما اقدام باین »
« کار کردید وزیر امور خارجه جواب میدهد که هریك از دول معظمه مستقله در اجراء یك »
« قرار در ممالك خودشان ویا انعقاد یك قرار تجارتی بادولت دیگر مختار و هیچوقت »
« محتاج باستیذان ازدیگری نیست حالا دول معظمه مستقله جای خود دارند امارت »
« بلغارستان که تابع دولت عثمانی بوده واستقلالیتی ندارد در کنون مواد مستغنی »
« از استیذان دیگری است هرقراریکه میخواهد در بلغارستان مجری داشته و کسی »
« را باو اعتراضی نیست دولت عثمانی که دولت معظم واستقلالیت تامه دارد البته »
« دراجراء هرقرار در تجارت ممالك خود مختار واحتیاج باجازه دیگری ندارد »
« خلاصه سفیر انگلیس از این فقره درنهایت درجه اوقاتش تلخ و کمال تعجب و »
« تاثر را دارد واز اینکه با آنهمه تشبثات آنها در عدم اجراء این قرار جدید »
« چگونه این فقره صورت اجری گرفت .

« سواد مراسله که ازسفارت کبری دراجراء قرار تعرفه جدید ازاول ماه فوریه »
« بباب عالی نوشته شده وجوابیکه بابعالی نوشته لفا ارسال میدارم که خاطر »
« مبارك جناب مستطاب اجل امجد افخم عالی دام اجلاله العالی از مراتب آن‌ها »
« مستحضر باشد .

محل مهر « پرنس ارفع الدوله »

---

۱ ـ سال عمومی مسیحی باسال ارتدوکس روسی ۱۳ روزفرق دارد باین معنی که ۱۳ ژانویه عمومی روز اول ژانویه ارتدوکس روسی است .

متن قرارداد گمرکی ایران وروس

چنانکه گفته شد صحبت تغییر تعرفه گمرکی ایران وروس بعد از آمدن مستشاران بلژیکی وقرض سال ۱۳۱۷ هجری قمری بمیان آمد وسپس در تاریخ شنبه ۲۶ رجب ۱۳۱۹ (۲۷ اکتبر روسی ۱۹۰۱) (۹ نوامبر «عمومی» ۱۹۰۱) یعنی در همان هنگامی که مذاکره برای گرفتن قرضه دوم جریان داشت (اعلام نامه) آن محرمانه در تهران بامضاء رسید

پس از آنکه مظفر الدین شاه و امین السلطان برای بار دوم باروپا رفتند در روسیه نیز مذاکراتی راجع بآن بعمل آمد و بالاخره در تاریخ ۲۰ رمضان ۱۳۲۰ قرارداد مذکور بین طرفین مبادله گردید ومقرر شد از اول سال ۱۹۰۳ روسی بمرحله اجراء گذارده شود

متن این قرار داد بشرح ذیل است

« اعلیحضرت شاهنشاه ایران و اعلیحضرت امپراطور روس که مایل به تسهیل»
«مناسبات تجارتی مابین دو مملکت دوست همجوار هستند چنین صلاح دیدند»
«که فصل سوم قرارنامه منضمه که در $\frac{۱۰}{۲۲}$ فوریه ۱۸۲۸ مابین دولتین روس و»
«ایران منعقد شده است جرح وتعدیل نمایند برای حصول این مقصود و کلای مختار »
«خودرا از این قرار معین داشتند ـ از طرف اعلیحضرت امپراطور روسیه کنیسه »
« پریوه آرگروپولو وزیر مختار وایلچی مخصوص در دربار ایران و کنیسه پریوه»
« والانتین کولوبواز اجزای مجلس شورای وزارت مالیه آندولت . واز طرف»
«اعلیحضرت پادشاه ایران میرزا علی اصغر خان امین السلطان اتابیك اعظم »
«وسیر ژوزف نوز مدیر کل گمرکات ایران ـ مشار الیهما که بطور صحیح مأمور»
«بدین امر بودند فصول ذیل را مقرر داشتند .
«فصل اول ـ ازمال التجارهٔ که اتباع روس وازد بمملکت ایران یا از آنجا»
«خارج میکنند ونیز از امتعه ایران که اتباع ایران ازراه دریای خزر یا ازراه »
«سرحد خشکی بین الدولتین وارد بروسیه مینمایند و همچنین ازمال التجاره »
«روس که رعایای ایران از روسیه خارج و ازطرق فوق الذکر حمل مینمایند »
«حقوق گمرکی موافق تعرفه‌های مفصله (آ)و(ب)و(ث) که منضم باین قرار ـ»
«نامه است دریافت خواهد شد وحقوقی که درفصل سوم قرار داد منضمه $\frac{۱۰}{۲۲}$ فوریه
«۱۸۲۸ منظور است من بعد درمورد این قبیل مال التجاره مجری نخواهد بود
«فصل دوم ـ مال التجاره که ازروسیه خارج میشود (رجوع بفصل اول شود)»
«درموقع ورود فقط یکدفعه حقوق گمرکی را موافق تعرفه (آ) تأدیه کرده و»
«پس از آن مورد تحمیل هیچگونه حقوق گمرکی وسایر عوارضی نخواهد بود»
«مگر حقوقی که درفصل پنجم این قرارنامه ذکر شده است .
« امتعه ایران که برای روسیه برده میشود در موقع ورود بروسیه حقوق
«گمرکی موافق تعرفه (ب) تادیه مینماید ودرحین خروج از ایران هیچگونه»
«حقوق صادره وعوارض دیگری بر آن تعلق نخواهد گرفت مگر حقوقی که استناد»

«درفصول (۳) و (۱) ذکر شده است .
«مال‌التجاره واشیاء صادری ایران که‌درتعرفه (ب) ذکر نشده‌اند در روسیه»
«حقوق‌وارده‌راموافق‌تعرفه‌هائی که‌درمورد دول کاملة‌الوداد منظوراست‌خواهند»
«پرداخت بغیر ازتعرفه‌هائی که‌برای امتعه صادره دولت‌چین وسایر دول‌همجوار»
«آسیا بالفعل معمول یامن بعد برقرار میشود
«نظام نامه‌ایکه‌درباب حقوق‌صادره روسیه ونیز درباب امتعه ممنوع الورود»
«بروسیه نگاشته شده میشود درموردتعرفه که برای مال‌التجاره ایران وروسیه»
«منظوراست مجری خواهد بود
فصل سوم - حقوق‌صادره صدی پنج که تابحال درموقع خروج مال‌التجاره»
«وامتعه در ایران معمول بود بکلی موقوف ومتروك است‌باستثناء بعضی‌امتعه »
«مذکوره درتعرفه (ث) که درموقع خروج‌حقوق صادره‌را موافق تعرفه‌مزبوره»
«خواهند پرداخت
«مال‌التجاره روسیه و ایران‌را موافق شروط این قرارداد میتوان بآزادی»
«ازهریك ازمملکتین خارج و بمملکت دیگری داخل نمود مگر در صورتیکه»
«طرفین معظمین دراین باب‌منع وقدغن کرده یامن بعد بنمایندعاعم ازاینکه این»
« منع‌وقدغن برای حفظ وامنیت عمومی ناس بوده باشد و یااحتیاطاً بجهت عدم»
« خروج محصول ارضی که نگاه داشتن آن برای امر معیشت عموم موقتاً »
« لازم میشود .
«فصل چهارم - دولت ایران تعهد میکند که کلیه حقوق راهداری که محض »
«حفظ نگهداری راههای‌کاروان بالفعل‌اخذ میشود موقوف نماید ودرهیچ محل»
«نگذارد هیچ نوع حقوقی راجع براه دریافت شود مگر درراههای عرابه رو»
« که درآن عملیات صناعیه‌بکار برده شده‌وامتیازآن برحسب قوانین مخصوصه»
«وبعدها داده‌میشود ودراین‌صورت هم حقوقی‌راکه صاحب امتیاز باید دریافت»
« کند دولت ایران معین کرده وباطلاع سفارت روس خواهد رسانید
«این قبیل حقوق برای هرفرسنگی نباید بیش ازآن باشدکه در راه رشت»
«الی طهران گرفته میشود وقبل ازاتمام راه یااقلا قبل ازاتمام قسمت‌های عمده»
«که مابین محال معتبر واقع‌است اخذ حقوق جایز نیست وبهیچوجه مقدار آن»
«درمورد مال‌التجاره روس بیش از آنچه ازسایرین گرفته میشود نخواهد بود»
فصل پنجم - چون رسم اجاره گمرك دولت ایران بالمره متروك و موقوف»
«میشود در تمام سرحدهای مملکت گمرکخانه دولتی تاسیس و درتحت نظم و»
« ترتیب خواهد آمد بطوریکه از تمام تجار بالسویه حقوق دریافت ودر مورد»
«مال‌التجاره آنها سعی‌بلیغ وتوجهی کامل منظور شود .
«دولت علیه ایران هرنوع تدبیرات واقدامات لازمه را بعمل خواهد آورد »
« که مال‌التجاره دومدت توقف درگمرکخانه‌ها کلیة مصون ومحفوظ باشد ودر»
«صورت کم و کسر وفساد مال‌التجاره که درانبارهای گمرکخانه وضع شده‌است»

«مسئولیت آن بلا واسطه برعهده دولت ایران خواهد بود بنا براین دولت»
«علیه ایران متعهد میشود که در گمرکخانه‌هائی که اسامی آن در نظامنامه»
«مذکوره ذیل معین شده‌است ومخزنهای محصور صحیح بنا کند که وسعت آن»
«کفایت مال‌التجاره وارده معموله‌را بنماید مخازن مزبوره حتی‌الامکان‌زودتر»
«ساخته خواهد شد ودرهرحال دیرتر ازمدتی که در بند نمره (۱) این‌فصل معین»
«شده‌است نخواهد بود درسایر گمرکخانه‌هاهم‌نسبت بحاجت مال‌التجارهٔ وارده»
«وصادره جای مناسب تهیه خواهه‌شدتجار روسی بشرایطی که دراین‌نظامنامه»
«معین‌است حق‌خواهندداشت که مال التجاره خودرا مدت یکسال ازتاریخ ورود»
«در مخازن گمرکی وضع نمایند بدون اینکه از این بابت حقوق و عوارضی»
«تادیه کنند.

«اداره گمرك یك نظامنامه عمومی بارضایت سفارت روس نگاشته وقبل از»
«اجرای این قرارنامه مضالب ذیل‌را معین خواهد کرد

«۱ ـ تعیین اقسام گمرکخانه‌ها وامور راجعه بآن وتعیین‌نقاط سرحدی چه‌از»
«خشکی وچه‌ازطرف دریا که‌از آنجا مال‌التجاره میتوان داخل وخارج نمود و»
«نیز تعیین راههائیکه‌برای تجارت وارده وصادره مفتوح است و کذلك ترتیب»
«مخازن گمرك خانه‌ها وموعد دائر شدن مخازن و گمرکخانه‌ها.»
«۲ـ ترتیباتی که برای ورود وخروج مال‌التجاره باید مرعی‌ومنظورشود.»
«۳ـ قواعد راجعه بانبارکه درمورد مال التجاره روس‌مدت دوازده ماه از»
«تاریخ ورود آن‌بگمرکخانه‌هائی که دارای انباراست باید مجری شود.
«۴ـ وجوهی که ازبابت توقف درانبارواز بابت همراهی ومساعدتی که‌اداره»
«گمرك درباره‌تجار کرده‌است برمال التجاره تعلق میگیرد.
«۵ ـ ترتیبات گمرکی راجع به ممیزی کردن مال‌التجاره که حقوق گمرکی»
«آن از روی وزن وتعداد و مقدار تأدیه میشود و نیز ترتیبات راجعه به تقویم»
«مال‌التجاره که حقوق‌را ازروی قیمت آن تأدیه‌میکنند وکذلك ترتیبات راجعه»
«بجریمه که درصورت تقلب یاعدم اجرای ترتیبات وقواعد گمرکی‌تعلق میگیرد»
«اما درباب ترتیباتیکه‌درروسیه درموقع ورود وخروج مال‌التجاره باید مجری»
«شود از این حیث رعایای ایران مطیع قوانین حالیه و آتیه آن دولت»
«میباشند بشرط اینکه مدلول آن درماده تجارت اتباع ایران سخت تر ازآن»
«نباشد که‌درموردتجار دول کاملةالوداد مجری‌است.

«فصل ششم ـ در روسیه حقوق واردی که موافق تعرفه (ب) منضمه باین»
«قرار نامه تأدیه میشود بپولی خواهد بود که برای، ادای حقوق گمرکی درتمام»
«مملکت‌معمول‌است.

«ماخذ حقوق مزبوره پود یعنی چهل لیور روسی است که مطابق میشود با»
«شانزده کیلو گرام روسی و هشت صدم کیلو گرام فرانسه و یا پنج من و نیم تبریزی»
«ششصد و چهل مثقال و برای اجرای تعرفه‌های (آ) و (ث) من ایران که معروف»
«بمن تبریز است ازقرار ششصد وچهل مثقال ایران یعنی هفت لیور و بیست و»
«هفت صدم لیور روسی که دو کیلو گرام و نود و هفت صدم کیلو گرام فرانسه»
«باشد محسوب میشود وصد قران ایران معادل هیجده منات روسی یا چهل و»
«هشت فرانك طلای فرانسه است.

«هر گاه مظنهٔ قران بالنسبه بپول روسی بیشتر از صدی ده تنزل کرده و»
«متجاوز ازیك ماه دراین حال تخفیف باقی ماند دولت ایران درصورتیکه این»
«فقره تخفیف را بتصدیق بانك های عمدهٔ طهران رسانیده وقبل ازوقت بسفارت»
«روس اعلام نمود حق خواهد داشت که درتعرفه‌های (آ) و(ث) حقوقی را که از»
«ة ار وزن وتعداد ومقدار مال التجاره اخذ میکند بهمان میزان زیاد نمایند و»
«این اعلام که راجع بازدیاد حقوق گمرکی است باید بسفارت روس مقیم»
«طهران اقلا دو هفته قبل ازاجرای آن بوقوع برسد.

«درصورتیکه مظنه قران بالنسبه بفرانك متجاوز ازصدی ده ترقی کرده و»
«زیاده ازیك ماه دراین حالت ماند سبقت بادولت روس خواهد بود که بهمان»
«میزان تخفیفی درحقوق گمرکی تعرفه‌های (آ) و(ث) بخواهد و دولت ایران»
«مجبوراست که این تخفیف را قبول نماید.

«فصل هفتم ــ دولت ایران متعهد میشود که مفاد و شرائط این اعلام نامه‌را»
«باتعرفه‌های (آ) و(ث) وتغییراتی که در فصل ششم منظوراست در تمام نقاط»
«سرحدی بموقع اجراء گذارد.

«این اعلام نامه تصدیق شده وتصدیق نامجات درطهران مبادله خواهد شد پس»
«از آن دولتین مدلول آنرا اعلام واز تاریخی که بطور مرضی الطرفین معین»
«میشود مفاد آن‌را بموقع اجراء خواهند گذارد ودر اختلاف نسخه فرانسوی معتبر»
«شمرده خواهد شد.

«درطهران نسختین بفرانسه وفارسی.

«۲۷ ماه اکتبر ۱۹۰۱ مطابق ۲۶ رجب ۱۳۱۹ هجری امضاء آرگیروپولو»
«کلوبو علی اصغر اتابیك اعظم نوز»

مرحوم رضا صفی نیا در کتاب استقلال گمرکی ایران در مضار قرار داد گمرکی ایران و روس مینویسد.

«قرار داد گمرکی ایران وروس مضار بزرگی را دارا بوده حتی میتوان گفت که این قرارداد ازعهد نامه گلستان وترکمن چای بمراتب بدتر بود.

درگلستان و ترکمن چای با اینکه ایران مغلوب شده بود معهذا این طور دست بسته تسلیم نگردیده بود وبطوریکه نوشته ایم درعهدنامه های سابق تعهدات ایران درباب

گمرك تعهد متساوی و متقابل بود ولی قرار داد گمرکی ۱۹۰۲ کاملا یکطرفی وفقط بنفع روسیه بود

قرارداد جدیدازسه لحاظ برای ایران مضر و کمرشکن بود

اولا - ازلحاظ سیاسی - اختیارات ایران را درامور اداره گمرك خود سلب مینمود دولت ایران نه میتوانست تعرفه خود را تغییر دهد ونه حقوق صادرات وواردات راکم یا زیاد نماید ونه نظامنامهٔ گمرکی خودرابدون رضایت سفارت روس بنویسد بنابراین هرهفت فصل قرارداد بمنزله هفت قیدی وبندبود که بسر وگردن و دست وپای ایران بسته میشد وایران را در موقعی قرار میداد که میتوان گفت ازموقع دولت تحت‌الحمایه حتی مستعمرات هم بدتر بود.

ثانیا - ازلحاظ اقتصادی انعقاد-این قرار داد موجب زوال پارهٔ صنایع ایران گردید زیرا دولت روسیه فقط درصدد جلب مواد خام ایران بود مانند پشم وپنبه و کنف وپوست دباغی نشده وغیره ولی مصنوعات ومنسوجات ایرانی را یا ازورود بروسیه ممنوع کرده یاتابع حقوق سنگین قرار داده بود و اگراظهارات یکی از تجار معتبر مملکت را قبول کنیم چند قلم مهم از صادرات ایران در نتیجه این قرار داد بازار خود را از دست داده بعلاوه باوجود حقوق نازل منسوجات روسیه مقاومت ورقابت صنایع داخلی مشکل وغیر ممکن گردید.

ثالثا - ازلحاظ مالی- تعرفه سابق یك نسق بود واز این جهت معایبی داشت که ذکر کرده ایم وبایستی درصدد اصلاح آن می بودند ولی درتعرفه جدید

اولا بطوریکه ملاحظه شد ٣٤ قلم ازواردات که چند قلم آن هم از واردات عمده محسوب میشود ازادای حقوق گمرکی معاف شده بودند

ثانیا حقوق معینه برای امتعه وارده ازروسیه بسیار نازل بود مخصوصا حقوق‌واردات عمده بایران ازقبیل قند ومنسوجات ونفت وشکر وغیره واگر برای پارهٔ اقلام حقوق نسبتاً زیادی معین شده امتعه وارده ازممالك دیگر بوده و میزان واردات آنها غیر قابل اهمیت است. بطور کلی دراین تعرفه حقوق معینه ازصدی سه الی صدی چهار تجاوز نمی کند در صورتیکه مطابق رژیم گمرکی ترکمن‌چای بلااستثناء تمام‌اشیاء وارده‌وصادره صدی‌پنج ازروی قیمت بایستی تادیه نمایند.

دراین تعرفه اشیاءتجملی را درنظر نگرفته وحقوقی راکه درسایر ممالك باین‌قبیل اجناس می‌بندند منظور نداشته‌اند.

تعرفه جدید را اگر تعرفه (اختناق اقتصادی ایران) نام دهیم تصور میکنیم راه اغراق نه پیموده‌ایم زیرا که صنعت ممیزه آن ترویج تجارت و فلاحت روسیه درایران و جلوگیری ازتجارت‌ایران درروسیه بود وازبین‌رفتن آنها مستلزم تصرف بازار ایران بوسیله صناعت وتجارت روسیه تزاری. »

قرار داد گمرکی ایران وانگلیس

قبلا گفته شد که از مال التجاره اتباع ایران و انگلیس باستناد استفاده ازحقوق دول کاملة الوداد مانند اتباع روس صدی پنج گمرك گرفته میشد.

یکی از هدف‌های روسها در تغییر تعرفه گمرکی افزایش حقوق گمرك مال‌التجارهای هندی و انگلیسی بود که نتوانند با مال‌التجاره‌های روس رقابت نمایند و بهمین جهت برای جلوگیری از اعتراض انگلیس‌ها در ابتدا آنرا محرمانه نگاهداشتند و با آنکه سفارت انگلیس در تهران کم و بیش از صحبت هائی که در این باره بعمل میآمد اطلاع داشت ولی نمیتوانست باور کند که دولت ایران بدون جلب نظر آنها باینکار مبادرت خواهد ورزید.

در اوایل محرم سال ۱۳۲۰ هجری قمری (آوریل ۱۹۰۲) مظفرالدین شاه برای بار دوم عازم اروپا شد و انگلیس‌ها که تا اندازه ای از مشکلات و گرفتاریهایشان در نقاط مختلف دنیا مخصوصاً جنوب افریقا کاسته شده بود برای جلب نظر « شاه » و « صدر اعظم » و تحکیم نفوذ خود در ایران پذیرائی شایانی ازمظفرالدین شاه وامین السلطان درلندن بعمل آوردند وحتی چون تمایل مظفرالدین شاه را به نشان زانوبند که از عالیترین نشانهای انگلستان بود دیدند باوجود مخالفت ادوارد هفتم پادشاه انگلیس باو قول دادند که قانون مخصوصی میگذرانند و نشان را بتهران خواهند فرستاد

مظفرالدین شاه درماه رجب ۱۳۲۰ (اکتبر ۱۹۰۲) از اروپا بایران باز گشت و تقریباً سه ماه بعد از آن هیئتی از طرف پادشاه انگلیس نشان زانوبند را برای « شاه ایران » بتهران آورد و مقارن همین حال نیز خبر قرار داد گمرکی ایران و روس انتشار یافت.

والنتین چیرول مینویسد :

« شاید هم عمدی بود که تصادفاً خبر قرارداد گمرکی ایران وروس که یك ضربت»
« دانسته وفهمیده ای بنفوذ سابقه دار تجارتی انگلیس درایران بود در روزی از »
« پطرزبورغ منتشر شود که درهمان روز (دوم فوریه ۱۹۰۳) لرددئون بسرپرستی»
« یك هیئت مخصوص ازطرف ادوارد هفتم پادشاه انگلستان درقصر سلطنتی طهران»
« نشان زانوبند را بشاهنشاه ایران تسلیم میکرد.
« این نشان عالیترین نشان ذیشانی است که ازطرف پادشاه انگلیس برئیس یك»
« کشور دوست ومتحد داده میشود . »

وقتیکه خبر قرارداد گمرکی ایران وروس منتشر شد روزنامه های انگلیس سرو صدای زیادی براه انداختند ومقالات متعددی در آن باره نوشتند وبدولت انگلستان که در این مورد غفلت نموده بود اعتراض کردند

والنتین چیرول ضمن شرحی راجع به قرارداد گمرکی ایران وروس مینویسد .

« قرارداد جدید گمرکی بین دولتین ایران وروس درسال ۱۹۰۱ بامضای »
« نمایندگان مختار طرفین درطهران رسیده بود و بیش از یکسال طول کشید تا»
« از شرایط آن اطلاع حاصل گردید در سال ۱۹۰۲ شاه ایران بلندن آمد در»
« همان وقت نیز چنین تصور میشد که هنوز مذاکرات قرارداد جدید گمرکی دولتین»
« از حدود مذاکرات مقدماتی تجاوز نکرده است اگرچه اضطراب زیادی بین »
« کسانیکه در تجارت ایران علاقمند بودند وجود داشت ولی بهیچ وجه باور نمیشد»
« که دولت حاضر بشود باقداماتی که مضر بحال تجارت انگلستان باشد اقدام »
« کند انگلستان این مقام تجارتی را در ایران مدت یکصد سال است دارا میباشد»

« وغیر ممکن است که دولت ایران قبل از اینکه بدولت انگلستان مراجعه کند»
« بچنین کاری اقدام کند .
« در ضمن صحبت من با اتابك اعظم که لطفا با من در این باب داخل مذاکره»
« شد اشاره نمودم او بمن اطمینان داد که دولت ایران هرگز چنین عملی را بدون»
« اطلاع انگلستان انجام نخواهد داد و علاوه نمود گفت چنین اقدامی مخالف سیاست»
« دیرینه ایران خواهد بود که همیشه سعی نموده تعادل را بین منافع دوهمسایه »
« نیرومند خود حفظ کند عقل سلیم پادشاه عظیم الشان ایران و تجربیات خود او در»
« مسائل سیاسی یك چنین سیاست عاقلانه را در ایران تعقیب میکند و این راهی»
« است که خالی از خطر میباشد .
« یك چنین قول اطمینان بخش نیز اتابك بدولت انگلستان داده بود وقتیکه»
« صدراعظم ایران با یك چنین صراحت لهجه که همه گونه درستی و صداقت از آن »
« نمایان بود بمن اظهار نمود در صورتیکه در آن وقت درست نه ماه از تاریخ »
« امضاء قرارداد جدید گمرکی بین ایران و روس گذشته بود و همین اتابك خودش »
« امضای خود را پای آن گذارده بود .
« یك نفر صاحب اقتدار مشرق زمین بدون تردید همیشه اکراه دارد از اینکه»
« تقاضاهای دوستان و مهمانداران‌های خود را رد کند مخصوصا وقتیکه این »
« شخص صاحب نفوذ انتظار دارد یك امتیاز ذیقیمتی را که همه کس آرزوی »
« داشتن آن را دارد مانند نشان زانوبند باو داده شود و اطمینان هائی »
« که در موقع توقف شاه در انگلستان داده شد گویا چنین باید تصور شود»
« که تمام آنها یك نوع تعارفات معمولی بوده و یا از ردیف عبارات مترادف »
« است مسیو نوز بلژیکی رئیس کل گمرکات ایران که به مقام وزارت دربار »
« شاهنشاهی در طهران ارتقاء یافته است برای شناساندن خدمات خود در موقع»
« مذاکرات شرایط قرارداد گمرکی ایران و روس در این هنگام مشغول بود »
« وسائل تسهیل و اجرای قرار داد مذکور را آماده نموده موانعی که وجود »
« دارد برطرف کند . معاهده ارض روم منعقده بین ایران و عثمانی یگانه تعهد»
« بین المللی بود که در این موقع مانع اجرای آن بود و روسها میدانستند تا»
« این شرط معین در روابط تجارت دولتین حکمفرماست و در اعتبار خود باقی است»
« سایر دول نیز تحت عنوان دول کاملة الوداد میتوانند استفاده از آن را ادعا کنند»
« زیرا که ضرر آن به مراتب کمتر از تعرفه گمرکی روس و ایران »
« میباشد .
« مسیو نوز عازم استانبول شده است که این موضوع را فیصل دهد و با دربار»
« عثمانی قرار این کار را بدهد و بوسیله موافقت‌هائی که در بعض مسائل از طرف»
« ایران شده است و هم چنین ترغیب و تشویقی که از طرف روسها شده بیشتر موثر»
« بوده در این مسافرت مسیو نوز بخوبی موفقیت حاصل نموده است و تا شهریار»
« ایران بطهران برسد تمام مشکلات حل شده است در ۲۷ دسامبر ۱۹۰۲ قرار »

« داد گمرکی مورخ ۲۷ اکتوبر ۱۹۰۱ مبادله گردیدوقرار شده است که در»
« ۱۴ فوریه ۱۹۰۳ تعرفه جدید بموقع عمل گذاشته شود .»
چیرول دردنباله آن مینویسد .
« حال دیگر خیلی دیرشده است عکس العمل نشان داد یا اثرات آنرا خنثی »
« کرد چونکه در این مورد ماچه شکایتی میتوانیم داشته باشیم ما خود را راضی »
« کرده بودیم از شرط مخصوص حقوق دول کاملة الوداد استفاده کنیم تا امروز »
« هم از آن استفاده کردیم وهرچه بود بعدها هم عمل خواهیم کرد ممکن است »
« مااین قضیه رادنبال کنیم در صورتیکه دولت ایران مکرر در مکرر بماقول »
« داده ولی بقول خود عمل نکرده است ، در نتیجه بزیان ماتمام شده است البته »
« یك چنین رفتار نامناسب باروابط عادی که روی اساس دوستی بر قـرار است »
« وفق نمیدهد .
« برهم زدن مقرراتی که تجارت ما باایران روی آنها استوار است بـدون »
« تردید باعث زیان ماوضرر تجارت خود ایران میباشد امروز ما بهترین خریدار »
« متاع ایران هستیم ولی این دلیل برهان منطقی در یك دولتی که آزادی عمل »
« خودرا ازدست داده است مؤثر نیست دولت ایران هرقدر هم مایل باشد نمیتواند »
« بسود خود عمل کند دولت امپراطوری روس بااین موفقیتی که بدست آورده »
« است بادیپلوماسی خود فاتح شده وامروزول کن معامله نیست اینك فعلا دو »
« طریق عمل برای دولت انگلیس موجود است یکی اینکه بااین رفتار غیر »
« دوستانه ایران اعتراض کند چرا باید یك چنین قرارداد منحوس گمرکـی را »
« بدون مشورت باما بارقیب تجارتی ماانجام داده وراضی شده یك تعرفه جدیدی »
« به تجارت تحمیل شود ودر ضمن فشار آوریم ودولت ایران رامجبور کنیم بمایك »
« قرارداد گمرکی جداگانه برقرار کند که ضرر آن برای تجارت دولت انگلیس »
« کمتر باشد راه دیگر اینکه درمقابل این عمل انجام شده تسلیم شویم مبادا وضع »
« مابدتر از این شود وسعی کنیم دست وپای دولت ایرانرا بایك قرارداد تجارتی »
« به بندیم که درآتیه نتواند یك چنین فضولی را بکند طریق اولی ممکن است »
« برازنده تر باشد ولی باوضع کنونی طهران ممکن است این کار مدتها بطول »
« انجامد تابتوانیم فرصت مناسبی بدست آورده شرایط بهتری ازدولت ایران »
« برای تجارت خود تحصیل کنیم اماقبل ازاینکه این فرصت بدست آید ممکن است »
« موفقیت های بیشتری بدست آورد ودولت ایران رامجبور کرد بنفع امپراطوری »
« گذشتهای دیگری کند در اینصورت یگانه تکیه گاه ماهمان استفاده مادهٔ حقوق »
« دول کاملة الوداد خواهد بود وبس در اینجا نیزمثل همیشه ما پاك عاجز خواهیم »
« شد که فشار تازهٔ منگنه روس «را تحمل کنیم.
« طریق دوم اینستکه در طویله رامحکم ببندیم حال که بهترین اسب را »
« بسرقت برده اند اقلا بااظهار تاسف اسب یابو برای ما باقی بماند . نظر دوم »
« در مقابل مزاحمت های دولت روس اصلح و بهترین راه شناخته »

«شد بنابراین باعجله وشتاب در نهم ماه فوریه ۱۹۰۳ (یعنی پنج روز قبل از»
«اجرای قرارداد جدید تعرفه گمرکی) تعرفه جدیدی بین دولتین ایران وانگلیس»
بامضاء رسیده»

بهرحال بعد از فشاری که انگلیس ها بدولت ایران وارد ساختند در تاریخ نهم فوریه ۱۹۰۳ (۱۱ ذی‌القعده ۱۳۲۰ هجری قمری) قرار دادی در هفت فصل عیناً مانند قرارداد گمرکی ایران وروس باهمان شرایط منتهی بنفع دولت انگلستان تهیه و بامضاء طرفین رسید.

این قرار داد بجای فصل نهم عهد نامه پاریس مورخ چهارم ماه مارس ۱۸۵۷ بود وبرای ایران همان معایب ومضار قرار داد گمرکی ایران وروس رادر برداشت.

چندی پس از امضای این قرارداد روزنامه تایمز متن آنرا منتشر کرد ودرشماره بعد مقاله ای راجع باین قرار داد انتشار داد که ترجمه آن در همان موقع ضمن گزارش مورخ ۱۳ جمادی الاولی ۱۳۲۱ سفارت ایران درلندن بوزارت امور خارجه فرستاده شده وبدنیست برای مزید اطلاع درپایان این قسمت متن آنرا نقل نمایم.

«قرارداد جدید تجارتی مابین این مملکت وایران دیروز بطبع رسید

اولا شخص نمیتواند از دونکته قرارداد مزبور تعجب نکند اگرچه این نکات فقط رسمی است لیکن باوجود این خارج از اهمیت نیست تمام قراردادهائی که تابحال مابین انگلستان وایران گذارده شده است بزبان انگلیسی و فارسی بوده واین دفعه اول است که نسخه فرانسوی آن محل وثوق است.

ثانیا اگرچه در مقدمه قرارداد اسم اتابك اعظم بطوراول مامور مختار شاه از برای گفتگوی باوزیر مختار اعلیحضرت پادشاهی درطهران ذکرمیشود ولی در آخر قرارداد اسم ایشان دیده نمی‌شود واین غریب است وسابقه آنرا در قراردادهای بین‌المللی نمیتوانیم بیابیم قرارداد را تنها مامور دوم ایران امضاء نموده وبنظر می‌آید که تمام گفتگوی این مطلب بااوشده باشد مامورمختار دویم صاحب منصب ایرانی نیست صاحب منصب خارجه ایست که مستخدم دولت ایران است مسیونوز مدیر کل بلژیکی گمرکات وپست ایران درتنظیم اداره محوله باودرترتیب دادن آن بطرز وسبك ادارات اروپائی خدمت خوبی کرده ولی اداره اوآلت خوبی گردیده است دردست روس از برای ازدیاد وتمهیدات خود در تحصیل استیلای تجارتی وسیاسی در طهران یقین نداریم که حتی در مصرهم نماینده دولت اروپائی بعهده بگیرد که گفتگو وامضای قراردادی رافقط باانگلیسی که مستخدم دولت مصراست بکند این بی‌قاعدگی‌ها صفحه رابرما باز میکند که در آنجا نتایج بزرگترین صدماتی که تاکنون بتجارت ما خورده است نقش است روابط تجارتی ایران بادول خارجه تااین اواخر موافق قرارداد ترکمانچای بود که در سنه ۱۸۲۸ مابین روس وایران گذارده شد ولموجب قرارداد مذکور ازمال‌التجاره روس که داخل خاك ایران میشد صدی پنج ازبابت قیمت امتعه اخذمیشد موافق قراردادهای خودمان باایران مافواید دول کاملة‌الوداد راداشتیم وبهمین راضی بودیم آنچه واقع شده است خطری راکه سابقا (مستر ادواردلو) در کاغذی که بروزنامه طایمس نوشت ذکر نمود کاملا توضیح میکند وعقیده (سرادواردلو) این بود که نباید فقط بداشتن فواید دول کاملة‌الوداد امیدوار بود دوسال قبل مسیونوز راپورتی بدولت ایران داد ودرآن راپورت نتایج خوبی راکه بواسطه تنظیمات اودر عمل گمرك برای خزانه حاصل شده بودشرح داد وموقع رابدست آورده اظهار داشت که منافع گمرك رامیتوان زیاد نمود اگرمیزان صدی پنج از بابت قیمت امتعه که بموجب قرارداد برقرار است اضافه شود واین اشاره اگر هم الهام دیپلوماسی روس نبود باپولتیك اکونومیك روس در ایران مناسب افتاد. بواسطه تخفیف دادن گمرك اشیائی که ازروسیه به ایران حمل میشود تشویقات زیاد وبواسطه قرب جوار ترقیاتی که تجارت روس بهم چشمی تجارت انگلیس درشمال ایران نمود. مسیوویت (وزیر مالیه روس) را کافی نبود تعرفه جدید را روس ازروی زرنگی بکاربرده میتوانست ازبرای امتعه که طرف صرفه خودش است تقریبا همان میزان گمرك موجود را نگاه بدارد وازآنطرف محض اینکه بدولت ایران تلافی کامل بشود اجازه بدهد که گمرك زیاد از امتعه که غالبا از انگلستان وهندوستان بیاید بگیرد حتی در مواردی امتعه که محل هم چشمی است یك قسم است دولت روس می‌تواند گمرك نسبة زیادتر راقبول نماید چراکه تخفیفاتی راکه دولت در گمرك امتعه که بایران فرستاده میشود میدهد

زیادتر میکند ونمیگذارد که ضرراضافه گمرك بتجارت روس بخورد وحال آنکه دراین مملکت چون تخفیف دادن معمول نیست ازبرای حمل آن قسم امتعه انگلیس سدی که پیش می‌آید اضافه تعرفه ایران از طرف دیگر جاذبیت دیگری داشت برای روس زیرا که اسباب ترقی قیمت رهن آنها میشد یعنی مداخل گمرکات ایران که بضمانت آن قرض بدولت ایران داده شد دولت ایران بدیهی است کلی بوددر دست کوزه گر مامور مخصوص از وزارت مالی روس بطهران فرستاده شد که قرار تعرفه جدیدرا بامسیونوز بدهد وبعدمسیونوز بروسیه رفت محض اینکه شخصا بامسیو ویت گفتگو نماید نتیجه معاهده تجارتی فیمابین ایران وروس بود که ختم آن بطور تمسخر که خالی از قصد نبود همان روزی که سفارت مخصوص که برای اعطا نمودن نشان محترم گارتر بشاه بطهران رفته بود ومهمان سرارطور هارد ینج بود در روسیه اعلان شد .

آخر انگلستان فهمید که منافع دول کاملة الوداد که این مدت اسباب امیدواری آن بوده چیزی نیست مگر نی شکسته . روسیه مواظب شد که در قرارداد خود منافع ظاهری مخصوصی ازبرای خود اطلبد وچون ما آزاد بودیم که بهرقیمتی که بهتر بود تعرفه جدید را بکار ببریم لهذا اصولا سبب شکایتی نداشتیم وفقط راهی که برایمان باقی مانده بود همان مانع شدن از تکرار این نوع ناملایمات درآتیه بوده و قراردادی که دیروز وزارت خارجه بطبع رساند گویا آنچه را بااین وضع بایستی متوقع باشیم مینمایاند ملاحظه اثر تعرفه را که قرارداد برای تجارت انگلیس وایران معین میکند باید موقوف بوقت دیگر نمود وامروز همین قدر اظهار میداریم که اینکه گمرك صدی پانزده وصدی بیست وچهل وحتی بیشتر از امتعه ادخالیه که متواتراً ذکر شده است علامت کافی است برای اینکه بنمایاند که تعرفه جدید چه تغییراتی خواهد داد در تجارتی که تابحال مبنی بر گمرك صدی پنج بوده تجارت انگلیس بقدر امکان یقین بااوضاع جدید خواهد ساخت ولی جای افسوس است که در مملکتی که منافع انگلیس آنقدر زیاد است این اشکالات برای تجارت ما رخ دهد وحال آنکه اگر در ماضی قدری بیشتر دوراندیشی شده بود ممکن بود سد اشکالات بشود البته در عرض هفتاد وپنجسال آخر وقتیکه ممکن بود نفوذ ما در طهران بکار برده شود وسیله کم نبود برای اینکه روابط تجارتی خودمان را برپایه محکمتری از قرارداد سنه ۱۸۲۸ روس و ایران بگذاریم این اظهارات را نه برای خدمت از روس میکنیم روس طبعا فقط منافع خودرا ملاحظه نموده است واگر تسامح مارا غنیمت دانسته ماحق گله نداریم ولی این درسی است که باید ازبر کنیم برای آتیه اهمیت منافعی که مادر ایران داریم خصوصا بمناسبت هندوستان بنظر ما زیاده از سابق مورد قبول وتوجه است ودر ایران شاید بیش از هرجائی منافع تجارتی وسیاسی بطور سخت به یکدیگر مربوط اند امیدواریم دیگر مجبور نشویم بواسطه کثرت اطمینان واهمال چنین جریمه بزرگی را بدهیم که این دفعه مسیونوز سبب شد که بواسطه این قرارداد تجارتی بدهیم .»

نظامنامه گمرکی بطوریکه درفصل پنجم قرارداد گمرکی ایران بادولتین روس وانگلیس نوشته شده میبایست «اداره گمرك یك نظامنامه عمومی بارضایت سفارت روس » ویا «سفارت انگلیس» تهیه نماید .

بعدها این نظامنامه در ۱۶ فصل ویکصدو بیست و دو ماده و یك ضمیمه تهیه و با تصویب سفارتخانه‌های روس وانگلیس از تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۰۴ بمرحله اجراء گذارده شد .

مواد این نظامنامه تمام یکطرفی ومخالف شئون وحیثیت دولت ایران بود چنانکه درماده ۲۵ مقرر شده بود .

درصورت وقوع اختلاف بین اظهار کننده مال واداره گمرك بدواً رئیس گمرك بااطلاع قنسول دولت متبوعه صاحب مال طی مایقال نماید و صاحب مال مجاز بوده است ازحکم صادره بسفارت متبوعه خود استیناف بدهد واداره مرکزی گمرك دراینصورت بایستی ختم عمل نماید .

وماده ۲۶ مقرر میداشت درصورت حصول شبهه برای مقومین و مفتشین در تشخیص جنس و نوع مال التجارهٔ آن راتوقیف ونمونهٔ ازآن باراپرت مشروح باداره ایالتی گمرك بفرستند ودرهرحال محاکمه مطابق ماده ۲۵ بعمل میآید .

فهرست

مآخذ ومنابع این کتاب

۱- کراسه‌المعی خطی متعلق بکتابخانه مجلس شورایملی
۲- مجموعه عهدنامه‌ها خطی متعلق بکتابخانه مجلس شورایملی
۳- مجموعه میزان آقاسی خطی متعلق بکتابخانه ملی ملک
۴- تاریخ روابط سیاسی ایران وانگلیس در قرن نوزدهم (جلد اول تاجلدششم) تالیف آقای محمود محمود
۵- سفرنامه‌های ناصرالدین شاه باروپا
۶- روضة‌الصفا ناصری
۷- المآثر والاثار
۸- منتظم ناصری
۹- مرات‌البلدان ناصری
۱۰- اسرار انحطاط ایران یا خلسه اعتمادالسلطنه
۱۱- وقایع دربار ناصرالدینشاه تالیف اعتمادالسلطنه
۱۲- تاریخ بیداری ایرانیان تالیف ناظم‌الاسلام کرمانی
۱۳- تاریخ روابط سیاسی ایران بادنیا (جلد۱ و ۲) تالیف نجفقلی حسام معزی
۱۴- سه‌سال‌دردربارایران تالیف دکتر فوریه ترجمه آقای‌عباس اقبال
۱۵- تاریخ اجتماعی واداری دوره قاجاریه تالیف عبدالله مستوفی
۱۶- یادداشتهائی از زندگانی خصوصی ناصرالدینشاه
۱۷- نیم قرن بردگی اقتصادی تالیف ع - دانش پور
۱۸- شرح حال عباس میرزا ملک‌آراء
۱۹- سپهسالار اعظم تالیف محمود فرهاد معتمد
۲۰- استقلال گمرکی ایران تالیف رضا صفی‌نیا
۲۱- انقلاب ایران تالیف ادوارد برون ترجمه احمد پژوه
۲۲- تاریخ مشروطه ایران تالیف احمد کسروی
۲۳- گنج شایگان تالیف سید محمدعلی جمالزاده
۲۴- امیر کبیر وایران (سه جلد) تالیف دکتر فریدون آدمیت
۲۵- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران تالیف دکتر مهدی ملکزاده

۲۶ - اختناق ایران تالیف مستر شوستر
۲۷ - دوره مجله‌های یادگار - کاوه - یغما
۲۸ - روزنامه‌های رسمی ایران - اختر - حبل المتین
۲۹ - خاطرات وخطرات تالیف مهدیقلی هدایت (مخبر السلطنه)
۳۰ -مجموعه آثار ملکم خان تالیف محمد محیط طباطبائی
۳۱ - بمناسبت صدمین سال قتل امیر کبیر تالیف حسین مکی

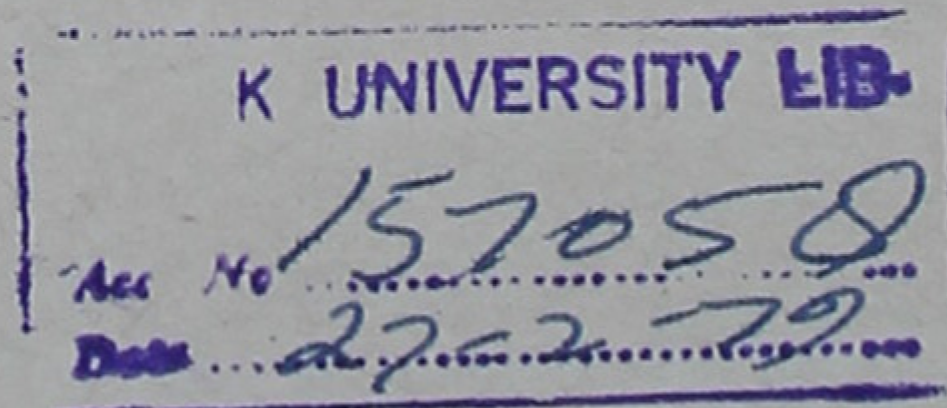
1— ACROSS COVETED LANDS
By
A. Henry Savag Landor

2— PERSIA AND THE PERSIAN QUESTION
By
The Hon Georgen Curzon, M.P.

3— A HISTORY OF PERSIA
By
Sir Percy Sykes

4— THE PERSIAN PROBLEM
By
H.J .Whigham

5— REUTERS' CENTURY
By
Graham Storey



۳۰۰ ریال